بسمه تعالی

عمل به این رساله مجزی و مبری
ذمه است ان شاء الله

ناصر مکارم الشیرازی

فهرست مطالب

فصل اوّل: احکام تقلید / ۲۵

اهمیّت تقلید و لزوم آن ۲۵
راه‌های شناخت اعلم ۲۶
رجوع به فالاعلم و تفاوت حکم و فتوی ۲۷
تبعیض در تقلید ۲۸
عدول ۲۹

فصل دوم: احکام تخلّی / ۳۰

فصل سوم: احکام چیزهای نجس / ۳۱

۱ و ۲. بول و مدفوع ۳۱
۳. مردار ۳۱
۴. خون ۳۲
۵ و ۶. سگ و خوک ۳۲
۷. کافر و کسانی که در حکم کفّارند ۳۴
۸. آب جو ۳۶
۹. عرق حیوان نجاستخوار ۳۷
استبراء حیوان نجاست‌خوار ۳۷
اسباب سرایت نجاست ۳۷
احکام نجاست ۳۸

فصل چهارم: مطهِّرات / ۳۹

آب ۳۹

زمین ۳۹
استحاله ۴۰
وسواس ۴۱

فصل پنجم: وضو / ۴۲

طریقهٔ وضوگرفتن ۴۲
شرایط وضو ۴۳
احکام وضو ۴۴
اموری که باید برای آنها وضوگرفت ۴۵
روش امحای اسامی مقدّسه ۴۶
اموری که وضو را باطل می‌کند ۴۶
احکام وضوی جبیره ۴۶

فصل ششم: غسل‌های واجب / ۴۸

۱. غسل جنابت ۴۸
اسباب جنابت ۴۸
احکام جنابت ۴۹
کارهایی که بر جنب مکروه است ۵۰
۲. غسل استحاضه ۵۰
احکام استحاضه ۵۲
۳. غسل حیض ۵۳
احکام زن حائض ۵۴
اقسام زنان حائض ۵۷
مسائل متفرقهٔ حیض ۵۸
۴. غسل نفاس ۵۹
احکام زن نفساء ۵۹
۵. غسل مسّ میّت ۶۰

متفرقه ۶۰
۶. غسل میّت ۶۱

فصل هفتم: احکام اموات / ۶۲

غسل میت ۶۲
تیمم بدل از غسل ۶۲
حنوط ۶۳
نماز میّت ۶۳
احکام دفن ۶۴
گورستان ۶۵
احکام نبش قبر ۶۶
مراسم عزاداری و دیگر مسائل متفرقه ۶۶

فصل هشتم: احکام تیمّم / ۶۸

فصل نهم: احکام نماز / ۶۹

اوقات نمازهای پنج‌گانه ۶۹
نماز اوّل وقت ۶۹
احکام قبله ۷۱
لباس نمازگزار ۷۳
مواردی که نجس بودن لباس یا بدن مجاز است ۷۴
مکان نمازگزار ۷۵
احکام مسجد ۷۵
۱. اهمیت مسجد ۷۵
۲. متولیان، هیئات امنا و خادمان مسجد ۷۶
۳. تغییرات و تعمیرات مسجد ۷۷
۴. ورود کفار به مسجد ۷۸
۵. مسائل متفرقهٔ مسجد ۸۰

اذان و اقامه ۸۱
واجبات نماز ۸۱
قیام ۸۲
رکوع ۸۳
سجده ۸۳
سجدهٔ واجب قرآن ۸۴
تشهّد ۸۴
تعقیبات ۸۵
مواردی که شکستن نماز جایز است ۸۵
شکیّات ۸۶
سجدهٔ سهو ۸۶
نماز مسافر ۸۶
نماز قضای والدین ۹۰
نماز استیجاری ۹۰
نماز جماعت ۹۱
شرایط امام جماعت ۹۲
احکام جماعت ۹۳
نماز آیات ۹۴
نماز جمعه ۹۵
متفرقه ۹۵

فصل دهم: احکام روزه / ۹۷

وجوب روزه ۹۷
کارهایی که روزه را باطل می‌کند ۹۷
خوردن و آشامیدن ۹۷
فروبردن سر زیر آب ۹۸
غبار غلیظ ۹۸

بقاء بر جنابت و حیض و نفاس ۹۹
قی کردن ۱۰۰
احکام مبطلات ۱۰۰
مواردی که قضا و کفاره واجب است ۱۰۱
کفارهٔ روزه ۱۰۱
کفارهٔ جمع ۱۰۲
مواردی که فقط قضا لازم است ۱۰۲
مواردی که قضا ندارد ۱۰۳
روزه مسافر ۱۰۴
راه ثبوت اوّل ماه ۱۰۴
روزه‌های حرام و مکروه ۱۰۵
روزه‌های مستحب ۱۰۶
روزهٔ نذری ۱۰۶
شب‌های قدر ۱۰۷
متفرقه ۱۰۷

فصل یازدهم: احکام خمس / ۱۰۹

وجوب خمس ۱۰۹
مواردی که خمس تعلق می‌گیرد: ۱۱۰
۱. ارباح مکاسب ۱۱۰
خمس هدیه ۱۱۱
خمس جهیزیه ۱۱۱
خمس وام ۱۱۲
۲. گنج ۱۱۲
مواردی که خمس تعلق نمی‌گیرد ۱۱۳
اثبات سیادت ۱۱۳
متفرقه ۱۱۵

فصل دوازدهم: احکام زکات / ۱۱۷

اهمیت زکات ۱۱۷
زکات غلات ۱۱۷
مستحقین زکات ۱۱۷
مستحقین زکات ۱۱۸
طلا و سرمایه زکات ندارد ۱۱۸
متفرقه ۱۱۹

فصل سیزدهم: احکام حج / ۱۲۰

شرایط وجوب حج ۱۲۰
استطاعت ۱۲۰
حج نیابتی ۱۲۱
محرمات احرام ۱۲۱
عمره تمتع: ۱۲۳
طواف ۱۲۳
نماز طواف ۱۲۵
سعی ۱۲۶
اعمال بین عمرهٔ تمتّع و حج ۱۲۷
واجبات حج تمتع: ۱۲۷
وقوف به مشعر ۱۲۷
قربانی ۱۲۷
طواف ۱۲۸
رمی جمرات ۱۲۸
خروج از مکه ۱۳۰
حجّ کودکان ۱۳۰
عمرهٔ مفرده ۱۳۱
متفرّقه ۱۳۲

فصل چهاردهم: احکام بیع / ۱۳۶

معاملات حرام و باطل: ۱۳۶
۱. معاملات ربوی ۱۳۶
۲. معاملات هرمی و شبکه‌ای ۱۳۷
۳. تراشیدن ریش ۱۴۲
۴. خرید و فروش سگ ۱۴۲
۵. دروغ ۱۴۳
۶. رقص ۱۴۳
۷. معامله سلاح‌های کشتار جمعی ۱۴۴
۸ و ۹. سحر و جادو ۱۴۴
۱۰. غش در معامله ۱۴۵
۱۱. غیبت ۱۴۶
۱۲. قمار ۱۴۶
۱۳. خرید و فروش مردار ۱۴۸
۱۴. خرید و فروش عکس‌های مستهجن ۱۴۸
۱۵. مواد مخدر ۱۴۹
۱۶. معامله کالاهای قاچاق ۱۵۱
۱۷. موسیقی ۱۵۱
۱۸. معامله با غیر مسلمانان ۱۵۲
۱۹. معامله با پول نامشروع ۱۵۳
۲۰. معاوضهٔ انسان ۱۵۳
احکام عزاداری ۱۵۴
شرایط خریدار و فروشنده ۱۶۱
بیع فضولی ۱۶۲
شرایط ثمن و مثمن ۱۶۴
قیمت کالا ۱۶۵
عقد استصناع ۱۶۵

معاملهٔ سلف ۱۶۷
معاملات بورس ۱۶۹
بیع شرط ۱۷۳
خرید و فروش طلا و نقره ۱۷۴
بازاریابی ۱۷۵
مالکیّت زمانی ۱۷۵
تجارت جهانی ۱۷۷
معاملات اینترنتی ارز ۱۷۷
معاملهٔ چک ۱۷۸
مواردی که می‌توان معامله را فسخ کرد ۱۷۸
خیار عیب ۱۷۸
خیار تأخیر ۱۷۹
خیار تبعّض صفقه ۱۸۰
خیار تخلف شرط ۱۸۰
خیار شرط ۱۸۲
خیار غبن ۱۸۳
اقاله ۱۸۴
انفساخ ۱۸۵
هدیه خرید ۱۸۵
تورّم ۱۸۶
حق دلّال و بنگاه ۱۸۶
حقّ کسب و پیشه ۱۸۷
سهام ۱۸۷
شرط نتیجه ۱۸۷
واقولی ۱۸۸
متفرقه ۱۸۹

فصل پانزدهم: احکام شرکت / ۱۹۲
فصل شانزدهم: احکام صلح / ۱۹۵
فصل هفدهم: احکام مضاربه / ۱۹۶
مضاربه ۱۹۶

فصل هجدهم: احکام اجاره / ۱۹۸
سرقفلی ۲۰۴

فصل نوزدهم: احکام مزارعه / ۲۰۵
فصل بیستم: احکام حجر و بلوغ / ۲۰۷
سنّ بلوغ ۲۰۷
احکام حجر ۲۱۰

فصل بیست و یکم: احکام قرض / ۲۱۳
ربای قرضی ۲۱۳

فصل بیست و دوم: احکام وکالت / ۲۱۴
فصل بیست و سوم: احکام ضمان / ۲۱۸
فصل بیست و چهارم: احکام دین / ۲۲۱
محاسبهٔ تورم ۲۲۲
مستثنیات دین ۲۲۴

فصل بیست و پنجم: احکام امانت / ۲۲۵
فصل بیست و ششم: احکام ازدواج / ۲۳۰
مقدّمات نکاح ۲۳۰
ازدواج‌های مجاز ۲۳۱
ازدواج‌های غیر مجاز ۲۳۳

چگونگی صیغهٔ عقد ۲۳۷
اولیای عقد ۲۳۹
شرایط عقد ازدواج ۲۴۱
عیوب فسخ نکاح ۲۴۲
عیوب زنان ۲۴۲
عیوب مردان ۲۴۴
گروهی از زنانی که ازدواج با آنها حرام است ۲۴۷
احکام عقد دائم ۲۴۷
۱. خروج از منزل ۲۴۷
۲. مهریه ۲۴۸
۳. شیربها ۲۵۶
۴. نفقه ۲۵۶
نفقهٔ زندانی ۲۵۸
۵. تمکین ۲۵۸
عقد موقت و احکام آن ۲۵۹
احکام اولاد ۲۶۳
۱. نفقه ۲۶۳
۲. نسب فرزندان ۲۶۵
۳. کودک آزادری ۲۶۶
۴. ختنه ۲۶۷
۵. حضانت ۲۶۷
۶. فرزندخواندگی ۲۶۷
احکام نگاه و لمس ۲۶۸
احکام پوشش ۲۷۰
جشن عروسی ۲۷۱
اختلاط ۲۷۱
آرایش زنانه برای مردان! ۲۷۲

نکاح در عده ۲۷۲
اختلافات زوجین ۲۷۲
مسائل متفرقه ازدواج ۲۷۶

فصل بیست و هفتم: احکام طلاق / ۲۷۸

حکمین ۲۷۹
عدهٔ طلاق ۲۷۹
عدهٔ عقد موقت ۲۸۰
عدهٔ وفات ۲۸۰
طلاق رجعی ۲۸۰
حق رجوع ۲۸۱
طلاق خلع و مبارات ۲۸۲
طلاق غیابی ۲۸۸
محلل ۲۹۰
تکلیف اموال زن و شوهر ۲۹۰
مسایل متفرقهٔ طلاق ۲۹۲

فصل بیست و هشتم: احکام لعان / ۲۹۵

فصل بیست و نهم: احکام ایلاء / ۲۹۷

فصل سی‌ام: احکام غصب / ۲۹۹

فصل سی و یکم: احکام اموال گمشده / ۳۰۱

فصل سی و دوم: احکام سربریدن و شکار حیوانات / ۳۰۲

چگونگی ذبح حیوانات ۳۰۲
شکار حیوانات ۳۰۳
صید حیوانات دریایی ۳۰۴
۱. ماهی ۳۰۴
۲. کوسه ماهی ۳۰۶

۳. میگو ۳۰۶
۴. خاویار ۳۰۷
قربانی ۳۰۷

فصل سی و سوم: خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها / ۳۰۸

حیوانات حلال‌گوشت و حرام‌گوشت ۳۰۸
اجزاء حرام حیوان حلال گوشت ۳۰۹
خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های حلال و حرام ۳۰۹

فصل سی و چهارم: احکام نذر / ۳۱۱

فصل سی و پنجم: احکام وقف و حبس / ۳۱۴

تولیت وقف و اختیارات متولی ۳۱۴
موقوفه‌ها ۳۱۶
۱. بقاع متبرکه ۳۱۶
۲. مساجد ۳۱۷
اموال مسجد ۳۱۹
۳. حسینیّه‌ها ۳۲۱
۴. مکان هیئات ۳۲۲
۵. وقف بر امام حسین علیه‌السلام ۳۲۳
۶. موقوفه خاص ۳۲۴
۷. بیمارستان موقوفه ۳۲۵
۸. معادن موقوفه ۳۲۵
۹ و ۱۰. وقف پول و سهام ۳۲۶
حبس ۳۲۶

فصل سی و ششم: احیاء موات / ۳۲۷

چشمه‌ها ۳۲۷

زمین‌ها ۳۲۸
معادن ۳۲۸
مزارع ۳۲۹
حریم ۳۲۹

فصل سی و هفتم: احکام هبه / ۳۳۱

هبه به ارحام نسبی ۳۳۱
هبهٔ به زوجه ۳۳۱
تصرف در موهوبه ۳۳۲

فصل سی و هشتم: احکام وصیّت / ۳۳۳

فصل سی و نهم: احکام ارث / ۳۳۶

طبقات ارث ۳۳۶
ارث طبقهٔ اوّل ۳۳۶
ارث طبقهٔ دوم ۳۳۶
ارث میت بلاوارث نسبی ۳۳۷
ارث زن و شوهر ۳۳۷
ارث کسانی که همزمان فوت کرده‌اند ۳۳۸
ارث مسلمان از کافر و بالعکس ۳۳۹
ارث مفقود الاثر ۳۴۰
بدهی‌های میّت ۳۴۱
محروم کردن از ارث ۳۴۱
متفرّقه ۳۴۲

فصل چهلم: احکام امر به معروف و نهی از منکر / ۳۴۵

فصل چهل و یکم: احکام دفاع / ۳۴۷

دفاع از نفس ۳۴۷

دفاع از عرض و ناموس ۳۴۸
دفاع از مال ۳۴۹

فصل چهل و دوم: احکام جهاد / ۳۵۱

فصل چهل و سوم: احکام بانکی / ۳۵۳

کارت‌های اعتباری ۳۵۳
تخلّف وام‌گیرنده از قرارداد ۳۵۵
جریمهٔ دیرکرد ۳۵۶
جوایز بانک‌ها ۳۵۶
صندوق‌های قرض‌الحسنه ۳۵۷
متفرقه ۳۵۹

فصل چهل و چهارم: احکام پزشکی / ۳۶۰

تحصیل در رشتهٔ پزشکی ۳۶۰
ضمان طبیب ۳۶۱
رجوع به طبیب غیر همجنس ۳۶۲
نگاه و لمس ۳۶۳
قطع درمان ۳۶۳
پیوند اعضا ۳۶۵
جلوگیری از بارداری ۳۶۶
تلقیح مصنوعی ۳۶۶
سقط جنین ۳۶۹
بیماری ایدز ۳۷۰
اجرت پزشک ۳۷۱
زیرمیزی ۳۷۲
اهدای خون ۳۷۳
تعیین جنسیت ۳۷۴

اوتانازی (خاتمه دادن به زندگی بیماری) ۳۷۵
شبیه‌سازی ۳۷۷
متفرقه ۳۷۷

فصل چهل و پنجم: احکام احزاب / ۳۷۹

بخش اوّل: استفتائات مبنایی حزبی ۳۷۹
بخش دوم: مطبوعات ۳۸۴
۱. منابع تهیّهٔ خبر ۳۸۴
۲. بیان خبر ۳۸۵
۳. انتقاد ۳۸۷
۴. تحلیل ۳۹۲
۵. چاپ تصویر ۳۹۳
۶. پردازش خبر ۳۹۳
۷. یارانه ۳۹۵
۸. درج اسماء الهی ۳۹۶
۹. خبرنگار ۳۹۷
بخش سوم: اعضای احزاب ۳۹۸
عضویّت در حزب ۳۹۸
احکام روابط خانم‌ها و آقایان ۴۰۹
۱. نگاه ۴۰۹
۲. گفتگو ۴۱۱
۳. تماس ۴۱۳
۴. اختلاط ۴۱۳
۵. عطر زدن ۴۱۴
۶. خلوت با بیگانه ۴۱۴
۷. حجاب ۴۱۵
۸. اذن ولی یا همسر ۴۱۶

۹. عکّاسی و فیلم‌برداری ۴۱۷
۱۰. استفاده از مَحرم و همجنس ۴۱۷
احکام حق‌الناس ۴۱۸
احکام نماز جماعت ۴۲۰
احکام نماز جمعه ۴۲۱
احکام حزب ۴۲۱
کارکردهای حزب ۴۲۱
منبع مالی ۴۲۶
روابط حزبی ۴۲۶
اسرار حزب ۴۲۸
بزرگان حزب ۴۲۸
اخراج اعضای متخلّف ۴۲۹
تبلیغ و تعریف ۴۳۰
مسائل دیگر ۴۳۰

فصل چهل و ششم: مسائل متفرقه / ۴۳۲

استخاره ۴۳۲
اسراف ۴۳۳
اعتقادیات ۴۳۳
امام حسین علیه‌السلام ۴۳۵
امام زمان (عج) ۴۳۵
انتخابات ۴۳۷
انرژی هسته‌ای ۴۳۸
إن‌شاءالله ۴۳۹
اینترنت ۴۳۹
بانوان و دختران ۴۴۰
بناهای خیر ۴۴۱

بیت‌المال ۴۴۲
بیمه ۴۴۲
بهداشت ۴۴۴
پناهندگان ۴۴۴
تذکر ۴۴۵
ترور ۴۴۶
تعطیلات ۴۴۶
تقویت اراده ۴۴۶
تکامل ۴۴۷
تکدّی‌گری ۴۴۷
تهذیب نفس ۴۴۸
ثروت اندوزی ۴۴۹
جرائم ۴۴۹
جمکران ۴۵۰
جنگل‌ها ۴۵۰
جن ۴۵۰
حجامت ۴۵۱
حدیث ۴۵۱
حدیث کساء ۴۵۳
حضرت رقیه ۴۵۳
حقوق ۴۵۴
۱. حق ارتفاق ۴۵۴
۲. حقّ التألیف ۴۵۴
۳. حق الطبع ۴۵۵
۴. حقّ فرزند ۴۵۵
۵. حقّ کپی رایت ۴۵۵
۶. حقوق معنوی ۴۵۷

۷. حقّ الناس ۴۵۷
۸. حقّ همسایه ۴۵۷
احکام حقوق ۴۵۹
حکم فقهی و اخلاقی ۴۵۹
حکومت اسلامی ۴۶۰
حوزه‌های علمیه و روحانیت ۴۶۴
ختم انعام ۴۶۵
خرافات ۴۶۵
خسارت‌های معنوی ۴۷۱
خودزنی و خودآزاری ۴۷۱
خودکشی ۴۷۱
دعا ۴۷۱
دعانویسی و اعطای شجره‌نامه دروغین ۴۷۳
رجال ۴۷۴
روستا و روستائیان ۴۷۴
زلزله ۴۷۵
زندان ۴۷۶
زیارت ۴۷۶
سالمندان ۴۷۸
سرمه ۴۷۸
شبیه ضرائح یا قبور بزرگان ۴۷۹
شعر ۴۷۹
شکنجه و اقرار ۴۷۹
شهادت ۴۸۰
صلوات ۴۸۰
صلهٔ رحم ۴۸۰
طنز ۴۸۱

عرف ۴۸۱
عرفان و عرفا ۴۸۱
عرفان غیردینی ۴۸۳
عشق به خدا ۴۸۴
علوم غریبه ۴۸۵
عملیات استشهادی ۴۸۵
غلوّ ۴۸۶
فال‌گیری ۴۸۷
فراگیری علوم غیر دینی ۴۸۸
فلسطین ۴۸۸
فلسفهٔ ملاّصدرا ۴۸۹
فیلم‌ها ۴۸۹
قربانی ۴۹۰
قرآن ۴۹۰
قضا و قدر ۴۹۵
کتاب و کتاب‌خوانی ۴۹۵
کشتن حیوانات ۴۹۷
گروگان‌گیری ۴۹۸
گروه‌های منحرف ۴۹۸
۱. آغاخانیها ۴۹۸
۲. شیخیّه ۵۰۰
۳. صوفیّه ۵۰۰
گناهان ۵۰۱
آثار وضعی گناهان ۵۰۳
مؤسسه‌های خیریه ۵۰۴
مباحات عمومی ۵۰۴
محیط زیست ۵۰۵

مطالعه ۵۱۳
مشاغل ۵۱۴
۱. تدریس و تبلیغ ۵۱۴
۲. داروسازی ۵۱۴
۳. فروشندگی ۵۱۵
۴. فیلمبرداری ۵۱۶
۵. فیلم‌سازی ۵۱۶
۶. مدارس غیرانتفاعی ۵۱۶
۷. معلمی ۵۱۷
۸. میراث فرهنگی ۵۱۸
احکام مشاغل ۵۱۸
نامه ۵۲۶
نام‌ها ۵۲۷
نظارت و بازرسی ۵۲۷
نگهداری حیوانات ۵۲۷
ورزش ۵۲۹
ورزش بانوان ۵۳۱
ولایت تکوینی ۵۳۲
مسایل دیگر ۵۳۲

فصل اوّل: احکام تقلید

اهمیّت تقلید و لزوم آن

سؤال ۱. ملاک و میزان برای اعمال ما کیست؟ مرجع تقلیدمان یا دیگر مراجع یا علما، عرفا، زهاد یا غیر آنها؟

جواب: هر کس باید اعمالش را بر اساس فتاوای مرجع تقلیدش بجا آورد.

سؤال ۲. امروزه متأسّفانه بیان احکام شرعی در برخی منابر و مجالس مذهبی به فراموشی سپرده شده، یا به اندازهٔ کافی به آن پرداخته نمی‌شود. و از سوی دیگر، برخی از افراد و روزنامه‌ها و کتاب‌های فاقد صلاحیّت، به اظهار نظر در مسائل شرعی می‌پردازند. توصیهٔ شما به دو گروه فوق و مردم چیست؟

جواب: احکام شرع را باید از طرقی که در ابتدای رساله‌ها نوشته شده گرفت: از مجتهد بلاواسطه، یا از رسالهٔ او، یا از افراد مسأله‌دان. و بر روحانیّون محترم لازم است که در منابر خود به بحث احکام اهمیّت دهند.

سؤال ۳. زن شوهردار چگونه باید تقلید کند؟ آیا می‌تواند مجتهد دیگری داشته باشد؟ اگر می‌تواند، منافاتی با لزوم اطاعت زن از شوهر ندارد؟

جواب: زن در انجام دستورات دینی خود کاملاً آزاد است و مجبور نیست از شوهر تبعیّت کند.

سؤال ۴. با عنایت به این که مذهب شیعه و شافعی از نظر اصولی بسیار به هم نزدیکند و علمای عظام شیعه و اهل سنّت نیز بر این موضوع واقفند، این جانب که پیرو مذهب شافعی هستم در بسیاری از موارد از فتاوای حضرت عالی تقلید می‌نمایم. آیا تقلید این جانب صحیح است؟

جواب: تقلید شما اشکالی ندارد.

راه‌های شناخت اعلم

سؤال ۵. در صورتی که مکلّف، به خاطر نداشتن تخصص لازم، نتواند اعلم را تشخیص دهد، وظیفهٔ او چیست؟

جواب: هرگاه شناختن اعلم به طور قطع ممکن نشود احتیاط آن است از کسی تقلید کند که گمان به اعلم بودن او دارد و در صورت شک میان چند مجتهد و عدم ترجیح آنها، از هر کدام بخواهد می‌تواند تقلید کند.

سؤال ۶. با توجه به این که اکثر مکلّفین عادتاً دسترسی به اهل خبره ندارند، آیا برای تشخیص اعلم می‌توانند به روحانی محلی ثقه رجوع کرده و به گفتهٔ او اعتماد کنند؟

جواب: آری می‌توانند به روحانی محل، که مورد اعتماد آنهاست، رجوع کنند.

سؤال ۷. در صورت تعارض میان اهل خبره در تشخیص اعلم، آیا وظیفهٔ مکلّف احتیاط بین فتاوای آن دسته از مجتهدین است که احتمال اعلمیّت آنها می‌رود؟

جواب: مخیّر است.

سؤال ۸. اگر مکلّف بعد از مراجعه به اهل خبره، ظنّ (گمان) به اعلم بودن یک مجتهد داشته باشد، آیا در این صورت لازم است مطابق ظنّ خود عمل کند؟

جواب: احتیاط آن است که مطابق ظنّ خود عمل کند.

سؤال ۹. در صورت فوق، اگر احتمال اعلم بودن یک مجتهد را بدهد، چه طور؟

جواب: در این صورت مخیّر است.

سؤال ۱۰. اگر دو مجتهد متجزّی بگویند: «فلان مرجع تقلید اعلم است» و ما با این که این دو نفر را مجتهد متجزی می‌دانیم شک در خبرویّت آنها داریم، لطفاً بفرمایید: آیا هر کس مجتهد متجزی باشد حتماً خبره است یا می‌شود کسی مجتهد متجزی باشد ولی خبره نباشد؟

جواب: مجتهد متجزی از اهل خبره محسوب می‌شود.

سؤال ۱۱. اگر دو عالم عادل خبره بگویند: «زید اعلم است» و یک عالم عادل خبره

بگوید: «عمرو اعلم است» و یک عالم عادل خبرهٔ دیگر بگوید: «بکر اعلم است» در این صورت آیا حتماً باید از زید تقلید کرد، یا چون یک عالم عادل خبره گفته عمرو اعلم است و عالم عادل خبرهٔ دیگر بکر را اعلم می‌داند، اینها روی هم می‌شوند دو عالم عادل خبره، و در نتیجه بین نظر این دو عالم عادل خبره و نظر دو عالم عادل خبره‌ای که زید را اعلم می‌دانند تعارض پیش می‌آید، و شخص مخیّر است که از هر کدام از این سه نفر تقلید نماید؟

جواب: از عالمی که دو خبره بر اعلمیّت او شهادت داده‌اند تقلید می‌کند.

سؤال ۱۲. اگر بینه‌ای شهادت دهد که زید در تمام مسایل از دیگران اعلم است، ولی مطمئن باشیم که زید در تمام مسایل از دیگران اعلم نیست، بلکه در بعضی از مسایل اعلم است. آیا می‌توانیم به اطمینان خود ترتیب اثر بدهیم؟

جواب: آری طبق اطمینان خودتان عمل می‌کنید.

رجوع به فالاعلم و تفاوت حکم و فتوی

سؤال ۱۳. اگر اعلم در مسأله‌ای فتوا نداده و تنها احتیاط واجب کرده است، ولی فالأعلم آن احتیاط را ندارد، آیا لازم است مقلّدِ اعلم بداند مرجعش احتیاط واجب کرده و نیّت رجوع به فالأعلم کند، یا همین که در مقام انجام وظیفهٔ شرعی بوده و عملش طبق فتوای فالأعلم باشد کافی است؟ به عبارت دیگر، اگر فتوای اعلم مثلاً در احرام از مکّهٔ قدیم احتیاط واجب است، ولی فالأعلم چنین احتیاطی نداشته، و مقلّد اعلم از مکّه جدید محرم شده و بعد از اعمال حج فهمیده که اعلم چنین احتیاطی داشته، آیا عملش صحیح است؟ اکنون چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: بعد از اعمال حج رجوع به فالاعلم می‌کند و چون عمل گذشتهٔ او با آن هماهنگ است اعاده لازم نیست.

سؤال ۱۴. آیا حکم حاکم شرع در مسائل عزاداری و شعائر حسینی نافذ است، یا هر کس مطابق فتوای مرجع تقلید خود عمل می‌کند؟

جواب: حکم حاکم شرع در هر مسأله‌ای نافذ است؛ چه در مورد شعائر حسینی یا دیگر مسائل؛ ولی توجّه داشته باشید که بین حکم و فتوا تفاوت وجود دارد. در فتوا، هر کس مطابق نظرات مرجع خویش عمل می‌کند، ولی در حکم تفاوتی بین مقلّد و غیر مقلّد نیست.

تبعیض در تقلید

سؤال ۱۵. در مورد مسألهٔ ۱۹ رسالهٔ توضیح المسائل (تقلید از دو مجتهد مساوی) در قسمتی از جواب یک استفتا فرموده‌اید: «احکامی که ارتباط خاصّی با یکدیگر دارند از مجتهد واحد تقلید کنید» منظور از ارتباط خاصّ، چیست؟ آیا منظور تقسیم‌بندی‌های کلّی مثل طهارت، نماز و روزه و مانند آن است؟

جواب: به عنوان مثال در احکام سفر در مورد روزه از مجتهدی تقلید کند که می‌گوید روزه بگیرد ودر نماز به فتوای مجتهدی عمل کند که می‌گوید شکسته بخواند.

سؤال ۱۶. در صورت یقین یا اطمینان به تساوی چند نفر از مجتهدین در اعلمیّت، آیا تبعیض در تقلید جایز است؟

جواب: آری جایز است.

سؤال ۱۷. اگر مکلّف تنها احتمال تساوی مجتهدین را بدهد، آیا در این صورت تبعیض در تقلید جایز می‌باشد؟

جواب: در صورتی که ظنّ به اعلمیّت یکی از آن دو نداشته باشد بین آنها مخیّر است و تبعیض نیز جایز است.

سؤال ۱۸. تبعیض در تقلید در چه مواردی و تحت چه شرایطی درست می‌باشد؟

جواب: در مورد تساوی دو یا چند مجتهد یا عدم ثبوت اعلمیّت تبعیض در تقلید جایز است.

سؤال ۱۹. بنده مدّت ۵ سال مقلّد یکی از مراجع تقلید بوده‌ام، امّا اکنون می‌خواهم از حضرت عالی تقلید کنم آیا به بنده اجازه می‌دهید؟

جواب: در مسائلی که به فتوای ایشان عمل کرده‌اید باقی بمانید و در بقیهٔ مسائل به رسالهٔ ما عمل کنید.

عدول

سؤال ۲۰. آیا تبعیض در یک مسألهٔ جزئی از یک باب فقه جایز می‌باشد، به طوری که امروز در آن مسأله از مجتهدی تقلید کرده و فردا در همان مسأله از مجتهدی دیگر تقلید کند؟

جواب: این کار عدول محسوب می‌شود نه تبعیض؛ و عدول جایز نیست.

سؤال ۲۱. اگر مقلّد زید باشیم، ولی احتمال اعلمیّت بکر را بدهیم، آیا می‌توانیم به بکر عدول کنیم؟

جواب: صرف احتمال اعلمیّت، مجوّز عدول نمی‌گردد.

فصل دوم: احکام تخلّی

سؤال ۲۲. فردی قطع نخاع هستم که به دلیل عدم توانایی روی تخت خواب قضای حاجت نموده، و در کیسهٔ مخصوص بول و غائط می‌کنم. آیا تخت برای من حکم مکان تخلّی را دارد که بردن قرآن و اسم خداوند در آن حرام است؟

جواب: برای هیچ کسی حرام نیست، و برای امثال شما کراهت هم ندارد.

سؤال ۲۳. راه تشخیص آب‌های مذی، وذی و ودی از یکدیگر و فرقشان با منی چیست؟

جواب: «مذی» آبی است که بعد از بازی با همسر خارج می‌شود؛ و «وذی» آبی است که بعد از خروج منی خارج می‌گردد؛ و «ودی» آبی است که بعد از بول خارج می‌شود. و «منی» آبی است که در اوج شهوت جنسی و در مردان با جستن خارج می‌شود.

سؤال ۲۴. بچهٔ ممیّز (بچّه‌ای که خوب و بد را می‌فهمد) و احیاناً هم تکلیفش نزدیک است، آیا بعد از تخلّی، که خود را تطهیر می‌کند، محکوم به طهارت است و می‌تواند نماز بخواند؟

جواب: چنانچه روش تطهیر را بلد باشد و بی‌مبالات نباشد محکوم به طهارت است.

سؤال ۲۵. یکی بودن چاه آشپزخانه و توالت، چه صورت دارد؟

جواب: اشکال ندارد؛ ولی اگر جدا باشد بهتر است.

فصل سوم: احکام چیزهای نجس

۱ و ۲. بول و مدفوع

سؤال ۲۶. چند سال پیش به خاطر بیماری روحی از قرص‌های اعصاب استفاده می‌کردم و این قرص‌ها باعث می‌شد معده‌ام منقبض شود. به همین خاطر با وارد کردن آب با فشار به درون مخرج مدفوع سعی در بهبودی کردم اما این عمل کار را بهتر نکرد، بلکه از آن زمان به بعد باعث شد که در نماز احساس کنم آبی از محل خروج مدفوع خارج می‌شود لطفاً بفرمایید: آیا هر آبی که از مخرج مدفوع خارج شود، اگرچه رنگ نجاست نداشته باشد، نجس است؟ وظیفه‌ام من چیست؟ برای نمازهایم چه کنم؟

جواب: آبی که از مخرج غائط خارج می‌شود نجس نیست؛ مگر این که ذرّات نجاست در آن باشد که در این صورت باید تطهیر شود.

سؤال ۲۷. هرگاه از دیگی پر از برنج پخته شده، به هنگام کشیدن غذا، فضلهٔ موش درآید، تکلیف شرعی چیست؟ آیا باید اطراف آن را برداشت و بقیّه را خورد، یا باید کلّ ظروف غذا را کنار گذاشت و اصلاً از آن نخورد؟

جواب: تمام آن برنج نجس است مگر این که احتمال دهند بعد از پخته شدن از جایی روی آن افتاده است که در این صورت تنها اطراف آن را برمی‌دارند و بقیّه پاک است.

۳. مردار

سؤال ۲۸. آیا ذبیحهٔ بلاد کفر محکوم به نجاست است؟

جواب: محکوم به نجاست نیست؛ ولی خوردن آن حرام است.

سؤال ۲۹. آیا کف سبک و سنگین، که برای اطفای حریق استفاده می‌شود، نجس است؟ توضیح این که: کف سبک از موادّ مصنوعی و ترکیبات شیمیایی و کف سنگین از پروتئین‌های طبیعی و مصنوعی ساخته می‌شود.

جواب: مادام که یقین نداشته باشید از عین نجس گرفته شده بگویید ان شاء الله پاک است.

۴. خون

سؤال ۳۰. آیا کف میکانیکی سنگین که از پروتئین‌های طبیعی مثل (خون، شاخ، سم و...) استفاده می‌شود نجس است با این توضیح که هم پخته می‌شود و هم مواد شیمیایی به آن افزوده می‌شود؟

جواب: در صورتی که یقین داشته باشید در ساخت آن از خون استفاده شده احتیاط کنید.

۵ و ۶. سگ و خوک

سؤال ۳۱. یکی از وظایف شهرداری‌ها از بین بردن سگ‌های ولگرد است. از آنجا که هنگام اجرای عملیات اتلاف سگ‌های ولگرد، تشخیص سگ‌های بیمار یا ناقل بیماری امکان‌پذیر نیست نظر حضرتعالی در این خصوص چیست؟

جواب: از بین بردن سگ‌هایی که احتمال داده می‌شود ناقل بیماری باشند، اشکالی ندارد.

سؤال ۳۲. به این دو روایت توجّه فرمایید:

۱. خداوند متعال انسان را خلق کرد، و از شیطان خواست در مقابل آدم علیه السلام سجده کند، ولی شیطان از این فرمان الهی سر باز زد، و آب دهان خود را بر روی پشت حضرت آدم علیه السلام انداخت. ملائکه آب دهان شیطان را از بدن حضرت آدم علیه السلام پاک کرده، و به گوشه‌ای انداختند، و از آب دهان شیطان سگ به وجود آمد. و به همین جهت سگ نجس‌العین است.

۲. بعد از هبوط آدم و حوّا علیهما السلام و همچنین شیطان بر روی زمین، شیطان حیوانات درنده را جمع نمود، و به آنها گفت: من طعمهٔ لذیذی برای شما سراغ دارم، بیایید از آن بخورید، حیوانات را به سوی آدم علیه السلام برد، که او را بدرند. از بس که می‌دوید و با عجله می‌رفت دهانش کف کرد و مقداری از آن روی زمین ریخت که مقداری از آن تبدیل به سگ نر و بخش دیگر تبدیل به سگ ماده شد و از آدم علیه السلام در برابر حیوانات درنده محافظت کردند، و علّت نجاست سگ این است که از کف دهن شیطان به وجود آمده است.

الف) کدام یک از روایات فوق مورد قبول اسلام است؟

ب) با توجّه به این موضوع که تمام مخلوقات آفریدهٔ خداوند متعال هستند، چه توجیهی در مورد خلقت سگ از بزاق دهان شیطان وجود دارد؟

ج) اگر هیچ کدام از روایات فوق معتبر نیستند، با توجه به این که در قرآن به نجاسات اشاره شده، ولی از سگ بحثی به میان نیامده؛ دلیل نجس بودن سگ چیست؟

د) روایات مورد قبول اسلام در زمینهٔ نجاست سگ چه هستند؟

ه) با توجه به این که اسلام در موارد خاص نگهداری و تربیت سگ را به خصوص جهت نگهبانی و شکار جایز دانسته، و با علم به این مطلب که همهٔ نژادهای سگ قابلیت تربیت برای نگهبانی و شکار را دارند، آیا دستورات اسلام نژاد خاصی را شامل می‌گردد؟

و) با توجه به نجس بودن سگ، برخی از علما بیان نموده‌اند، جایی از شکار را که سگ شکاری بر دندان گرفته پاک است حال چگونه این دو مطلب امکان‌پذیر است؟

ز) با توجه به نجس العین بودن سگ، چه توجیهی بر بهشتی بودن سگ اصحاب کهف وجود دارد؟

جواب: روایاتی را که ذکر کرده‌اید در منابع معتبر ندیده‌ایم. و دلیل نجس بودن سگ احادیثی است که مرحوم شیخ حرّ عاملی در کتاب معروف وسائل‌الشیعه، جلد دوم، باب ۱۲ از ابواب نجاسات آورده، یازده حدیث در این زمینه وارد شده است. و ممکن است فلسفه آن بیماریهایی باشد که از این حیوان به انسان سرایت

می‌کند. و بعضی از علما نجس بودن سگ را از ضروریات دین دانسته‌اند. البته همان‌گونه که نوشته‌اید سگ را می‌توان تربیت کرد و از وجود آن استفاده نمود، ولی به هر حال باید مطابق یک حیوان نجس از آن پرهیز کرد.

۷. کافر و کسانی که در حکم کفّارند

سؤال ۳۳. با توجه به اختلاف نظرهایی که در خصوص صابئین وجود دارد، بفرمایید:

الف) آیا پیروان این فرقه، از اهل کتاب هستند؟

ب) ازدواج دائم یا موقّت با آنان چه حکمی دارد؟

ج) در صورتی که مسلمانی به طور شبه عمد یکی از آنها را به قتل برساند، حکم دیهٔ وی چگونه است؟

د) آیا حکومت اسلامی ـ به شرط اقتضای مصلحت ـ می‌تواند به عنوان حکم ثانویّه دیهٔ او را به اندازهٔ دیهٔ مسلمان بپردازد؟

ه) در صورتی که قتل وی به نحوی باشد که اگر مسلمان بود دیه‌اش بر عهدهٔ بیت‌المال بود؛ آیا دیهٔ این شخص را نیز می‌توان از بیت‌المال پرداخت؟

جواب: ما نظر خود را در تفسیر نمونه[1] دربارهٔ صابئین نقل کرده‌ایم و از نظر فقهی دلیلی بر این که آنها اهل کتابند در دست نیست و لهذا احکام کفّار غیر کتابی را دارند، مگر در مواردی که عناوین ثانویّه، غیر آن را ایجاب کند.

سؤال ۳۴. تعدادی از مردم خوزستان خود را صابئه می‌نامند و ادعای پیروی از پیامبر خدا حضرت یحیی علیه‌السلام را دارند و می‌گویند که کتاب او نزد ایشان است. نزد علمای ادیان ثابت شده اینان همان صابئونی هستند که در قرآن آمده است، لطفاً بیان فرمایید که آیا این گروه اهل کتابند؟

جواب: همان‌گونه که گفته شد صابئه یا صابئون جزء اهل کتاب محسوب نمی‌شوند.

---

۱. تفسیر نمونه، ج ۱، ذیل آیهٔ ۶۲ سورهٔ بقره.

سؤال ۳۵. با توجّه به مسألهٔ ۱۲۱ رسالهٔ توضیح المسائل، که فرموده‌اید: «کسانی که عقیده به وحدت وجود دارند یعنی می‌گویند در عالم هستی یک وجود بیش نیست و آن خداست و همهٔ موجودات عین خدا هستند و کسانی که معتقدند خدا در انسان، یا موجود دیگری حلول کرده و با آن یکی شده، یا خدا را جسم بدانند احتیاط واجب، اجتناب از آنهاست». در مورد روایت زیر به سؤالاتی که خواهد آمد پاسخ فرمایید:

متن روایت: «**ورد في الخبر انّ لله ثلثمأة خلق، من تخلّق بواحد منها دخل الجنة، فقال ابوبكر هل فيّ منها شيء يا رسول الله؛ قال ﷺ: كلها فيك**». شرح روایت: «**قوله: قال ﷺ: كلها فيكَ بحكم اضمحلال الكثرات واندكاكها في الحضرة الاحديّة وفنائها فيها لدى شهود القيامة الكبرى بهذا الإعتبار يكون، كل الصفات في كلّ موجود ولهذا ورد انَّه تعالى اوحى الى موسى ؑ، ان جيء بموجود اخسّ منك فاخذ برجال مَيْتة كلب ثم تنبه على خطائه فتركها فاوحى الله تعالى اليه ان لو جئت بها لسقطت من مقامك فافهم ولا تعقل.**[1]

الف) آیا روایت و شرح ذیل آن صحیح است؟

ب) آیا شرح ذیل روایت دلالت بر وحدت وجود دارد؟

ج) آیا چنین اشخاصی با چنین اعتقاداتی نجسند؟

جواب: اوّلاً: این روایت ارتباطی به مسألهٔ وحدت وجود ندارد؛ ثانیاً: روایت مذکور مرسله است و اعتباری ندارد؛ ثالثاً: اگر آنها به لوازم عقیدهٔ خود ملتزم باشند یعنی همه چیز را عین خدا بدانند که لازمهٔ این عقیده آن است که عبادت معنا ندارد، چون خداوند خود را پرستش نمی‌کند و مسألهٔ معاد نیز نفی می‌شود چون خداوند خودش را عذاب نمی‌کند، از چنین افرادی باید پرهیز کرد و این مطلب را همهٔ علما بدون استثنا قبول دارند.

---

۱. مصباح الانس بین المعقول و المشهود، ص ۳۲۷.

۸. آب جو

سؤال ۳۶. با توجّه به این‌که ماءالشعیر برای حفظ سلامتی آحاد جامعه تأثیر بسزایی داشته و توسعهٔ مصرف آن علاوه بر ارتقای سلامتی افراد در کاهش مصرف برخی از داروها مانند ویتامین‌های مصنوعی و داروهای کلیوی مؤثر است. لذا قصد وارد کردن این نوشابه را داریم. از آنجاکه ماءالشعیر تولیدی در کشورهای دیگر در مراحل تولیدی پس از استحصال الکل به صورت نوشابه غیر الکلی درمی‌آید که بر همین اساس نیز مقررات گمرک جمهوری اسلامی ایران ورود ماءالشعیر را وفق مقررات مجاز اعلام نموده است. به نظر شما استفاده از این نوشابه چه حکمی دارد؟

جواب: مشروب الکلی که از جو گرفته می‌شود و به آن «آبجو» می‌گویند حرام و از جهت نجاست مانند شراب است، ولی آبی که برای خواص طبّی از جو می‌گیرند و به آن ماءالشعیر می‌گویند و ابداً مسکر نیست، پاک و حلال است.

سؤال ۳۷. شخصی از ناراحتی گوارشی و فقر آهن رنج می‌برد. اهل فنّ، مصرف جو را به صورت پخته برای او تجویز کرده‌اند. او جو را به سه صورت می‌تواند مصرف کند:

۱. همراه با غذاهای دیگر، مثل ریختن در سوپ.

۲. پختن آن به تنهایی، که در این روش مقداری آب در ظرف همراه جو می‌ماند.

۳. پختن جوی که جوانه زده است، بدین صورت که جو را به صورت خیس در لای دستمال می‌گذاریم تا جوانه بزند و بعد آن را می‌پزیم در این روش هم، مقداری آب همراه جو می‌ماند. یادآوری می‌شود که جذب آهن در این روش بیشتر و تأثیربخشی آن در بهبود ناراحتی گوارشی افزون‌تر است.

آیا آب همراه جو در روش دوّم و سوّم، خاصیت آبجو را دارد و یا می‌توان آن را مصرف کرد؟ آیا روش اوّل، روش درستی است؟

جواب: مصرف جو و آبی که در آن است در هر سه صورت بالا جایز است، به شرط این که مدّت زیادی در آن نماند.

۹. عرق حیوان نجاستخوار

سؤال ۳۸. استفاده از پودر خون (که از خون حیوانات حلال‌گوشت مانندگاو، گوسفند و مرغ تهیّه می‌شود) به عنوان خوراک دام چه حکمی دارد؟

جواب: حرام نیست ولی پرهیز از آن بهتر است.

سؤال ۳۹. در فرض سؤال بالا در صورتی که اشکالی در مصرف آن نباشد، آیا نجاستخوار بودن صدق می‌کند و استبراء حیوان واجب می‌باشد؟

جواب: حکم نجاستخوار ندارد.

استبراء حیوان نجاست‌خوار

سؤال ۴۰. برخی از مرغدارانِ گوشتی، به جهت استنباط غلط از بعضی گفته‌ها، اقدام به مخلوط نمودن مشروب الکلی با آب کرده، و آن را به خورد مرغ می‌دهند! تا به زعم خود در جهت رفع بیماری، یا از بروز بیماری اقدام کرده باشند. از نظر دامپزشک این امر نه تنها هیچ گونه نفعی برای مرغ ندارد، بلکه موجب ایجاد ضایعه در سیستم فیزیولوژیک بدن مرغ می‌شود. با توجّه به کوتاه مدت بودن دورهٔ رشد مرغ، برای رسیدن به وزن مطلوب جهت ذبح (بین ۴۵ الی ۵۵ روز) در صورتی که مجال استبراء نبوده باشد، و یا پاک کردن ظروف آب از نجاست بسیار دشوار و ناممکن باشد، حکم شرعی مسأله برای تولیدکننده و مصرف‌کننده چیست؟

جواب: این مطلب باعث حرمت گوشت مرغ نمی‌شود و استبراء لازم نیست ولی به یقین چنین مرغ‌هایی غذای مطلوبی نخواهند بود.

اسباب سرایت نجاست

سؤال ۴۱. اگر در محلّی چاه فاضلاب وجود داشته باشد، و آب داخل چاه نجس باشد دیوارهای اطراف و کف زمین که اندکی نم برمی‌دارد چه حکمی دارد؟

جواب: نم به تنهایی موجب سرایت نجس نمی‌شود و سبب نجاست نیز نمی‌گردد.

سؤال ۴۲. در بعضی مواقع پیش می‌آید که بعد از اطفای حریق در محل‌هایی که لاشهٔ سگ و کثافات بسیاری وجود دارد لباس‌ها و بدن ما خیس می‌شود حکم لباس و محل حادثه را چیست؟

جواب: در صورتی که یقین قطعی به نجاست حاصل نشود، پاک است.

سؤال ۴۳. فردی آتش‌نشان در حادثه‌ای، جسدی را جابه‌جا نموده، و در حالی که دستش خیس بوده به لوازم و تجهیزات دیگر دست زده است. آیا آن لوازم نجس می‌شوند؟

جواب: در صورتی که با بدن میّت تماس مستقیم داشته دستش نجس می‌شود و اگر بعد با رطوبت به چیز دیگری تماس گرفته باشد نجس می‌شود.

سؤال ۴۴. آبی از سیفون توالت به روی سنگ یا سرامیک چکیده و بر بدن شخص نیز پاشیده می‌شود. حال اگر در کاسهٔ توالت عین نجاست باشد چه حکمی دارد و اگر عین نجاست نباشد چه حکمی دارد؟

جواب: هنگامی که سیفون را می‌کشند معمولاً متّصل به آب لوله‌کشی می‌شود. بنابراین، ترشحات آن اگر همراه نجاست نباشد یا شک داشته باشیم که همراه نجاست بوده، پاک می‌باشد.

احکام نجاست

سؤال ۴۵. اگر گوشی موبایل که در حافظه آن یک دورهٔ کامل قرآن ضبط شده، در توالت بیفتد، آیا درآوردن آن واجب است؟ و در صورت عدم امکان آیا استفاده از آن دستشویی جایز است؟

جواب: البته اگر بتوانید دربیاورید بهتر است. و در هر حال استفاده از آن دستشویی اشکال ندارد به خصوص این که احتمال باقیماندن آن به گونه‌ای که قابل استفاده باشد بعید است.

فصل چهارم: مطهِّرات

آب

سؤال ۴۶. اگر روی فرش چند قطره خون بچکد، چگونه می‌توان فرش را در همانجا و بدون آن‌که بیرون برد، تطهیر کرد؟ تا اگر کسی پای خیس روی آن گذاشت و به جاهای دیگر رفت، مشکلی نداشته باشد و بتوان روی آن نماز خواند؟

جواب: زیر آن طشتی می‌گذارید سپس با شلنگ متصل به آب لوله‌کشی قسمت نجس شده را تطهیر می‌کنید.

سؤال ۴۷. از آنجاکه یکی از راه‌های پاکسازی درون زندانها از موادّ مخدّر استفاده از سگ‌های موادیاب است، و این امر موجب می‌شودکه در حین بازرسی سگ‌ها با وسایل و اشیای زندانیان برخورد نموده و تماس مستقیم داشته باشند، پس از اتمام بازرسی مددجویان مبادرت به شکستن ظروف، لوازم و اشیا یا دور ریختن آن می‌نمایند. ظروف و اشیای مورد برخورد سگ‌ها چگونه تطهیر می‌شود؟

جواب: هرگاه سگ‌ها با رطوبت به چیزی غیر از ظروف تماس پیدا کنند با یک بار شستن پاک می‌شود. و اگر با ظروف تماس پیدا کنند و چیزی از آن ننوشند باز با یک بار شستن در زیر شیر آب پاک می‌شود و خاکمال کردن در اینجا لازم نیست.

زمین

سؤال ۴۸. آیا راه رفتن روی موزاییک کف پا را پاک می‌کند؟

جواب: آری پاک می‌کند.

استحاله

سؤال ۴۹. با عنایت به نظر کارشناسان مبنی بر استحالهٔ کامله در ماهیّت پوست اوّلیّه، استفاده از چرم حاصله حتّی اگر ذبح شرعی نباشد چه حکمی دارد؟ توضیح این که: پوست پس از کنده شدن از لاشه دام ذبح شده برای ممانعت از فاسد شدن نمک سود می‌شود. پوست پس از دریافت نمک آب خود را از دست داده و نمک در آن باقی می‌ماند.

الف) اوّلین مرحله از فرایند دباغی، خیساندن پوست‌ها در داخل حوضچه‌هایی است که بیش از ۵ برابر وزن پوست آب تمیز دارد. برای شست و شوی کامل پوست آب داخل حوضچه حدّاقل سه بار خالی و پر می‌شود و در پایان شست و شو، آب داخل حوضچه‌ها کاملاً تمیز و صاف است.

ب) پس از تمیز شدن پوست از نمک و سایر آلودگی‌ها به منظور موزدایی آنها را داخل دستگاه‌های چوبی استوانه‌ای شکل (درام) منتقل می‌کنند و با اضافه نمودن محلولی از ترکیب سلفور سدیم و آهک و آب به مدّت حداقل ۲۰ ساعت عمل‌آوری می‌شود تا مو و ریشهٔ مو از بین رفته و پوست‌ها کاملاً متورّم شود. این تورّم موجب بازشدن نسوج پوست می‌شود.

ج) برای از بین بردن پروتئین‌های حلال داخلی نسوج پوست و باز نمودن منافذ آن، PH آن را با اضافه نمودن محلول نمک‌های اسیدی (سلفات آمونیم) کاهش داده (PH=8.5) و سپس آنزیم‌های مخصوص در آب با دمای ۳۷ درجه سانتی‌گراد داده می‌شود تا در مدّت معیّنی عمل خروج پروتئین‌های حلال انجام پذیرد. سپس پوست‌ها با آب سرد چندین بار شست و شو می‌شود تا کاملاً پاک و تمیز گردیده و آمادهٔ دباغی شود. پوست‌ها در این مرحله، چون از حالت اولیهٔ خود خارج شده و تغییر ماهیّت داده اصطلاحاً به آن «پلت» گفته می‌شود.

د) در مرحله دبّاغی پلت‌ها به داخل درام منتقل شده و سپس نمک و اسید اضافه گردیده و بعد مادّهٔ دباغی کرومی (سلفات کروم قلیانی) داده می‌شود تا عمل دبّاغی

انجام پذیرد. در این جا یک بار دیگر پوست تغییر ماهیّت می‌دهد و آن را در این مرحله «وت بلو» می‌نامند.

ه) سپس عملیّات دبّاغی مجدّد روغن‌دهی و رنگرزی روی وت‌بلو انجام شده و بعد خشک می‌شود در حقیقت یک مرحله دیگر نیز استحاله انجام می‌پذیرد و در این حالت به آن «کراست» گفته می‌شود.

و) کراست‌ها سپس با موادّ شیمیایی و رنگ‌های مخصوص فینیش و... تکمیل می‌شود تا تبدیل به چرم گردد. همان طور که گذشت پوست برای تبدیل شدن به چرم حدّاقل چهار مرحله تغییر ماهیّت می‌دهد و همهٔ این مراحل در داخل آب با مواد شیمیایی و انجام واکنش‌های شیمیایی و همچنین عملیّات مکانیکی انجام می‌پذیرد. آیا این عملیّات موجب طهارت پوست می‌شود؟

جواب: پاک شدن پوست به واسطه دبّاغی مطابق فتوای فقهای عامّه است و طبق نظر فقهای شیعه پوست با دبّاغی پاک نمی‌شود و قاعدهٔ استحاله شامل این‌جا نمی‌گردد. ولی چنانچه حیوان حلال‌گوشت ذبح شود (هر چند ذبح غیر شرعی باشد) از نظر ما پوست و گوشت او نجس نیست هر چند خوردن گوشت آن جایز نمی‌باشد و از پوست آن در غیر نماز می‌توان استفاده کرد.

وسواس

سؤال ۵۰. بعضی از افراد در مسائل مختلف طهارت، دارای وسواس هستند، تا آنجا که در بعضی موارد فتوای مرجع تقلیدشان را نیز قبول نکرده و فقط به همان برنامهٔ وسواس خود عمل می‌کنند، کار این افراد چه صورتی دارد؟

جواب: افراد وسواسی روز قیامت پاسخی در پیشگاه خدا ندارند و به خاطر بسیاری از اعمالشان مجازات می‌شوند مگر این که توبه کنند و مطابق افراد عادی عمل کنند؛ خواه به دل آنها بچسبد یا نچسبد.

فصل پنجم: وضو

طریقهٔ وضوگرفتن

سؤال ۵۱. بسیاری از آداب و احکام اسلامی، علاوه بر حکمت‌های نهفته در آن، با مسائل بهداشتی هماهنگ است (مانند استحباب استنشاق و مضمضه نمودن آب، غسل روز جمعه، مسواک زدن و مانند آن)؛ ولی وضویی که ما شیعیان می‌گیریم اگرچه به وسیلهٔ آیات کریمه قرآن و روایات ثابت شده، امّا در حال حاضر از نظر طبّی وضوی اهل سنّت به بهداشت بدن نزدیک‌تر است زیرا در اطاق عمل، همهٔ جراحان اتّفاق نظر دارند که باید دست را از طرف انگشتان به طرف آرنج و بالاتر شستشو دهند و اگر به عکس شسته شود، آن را کاری غیر بهداشتی می‌دانند، نظر حضرتعالی در این زمینه چیست؟

جواب: وضو گرفتن را نمی‌توان با کار اطبّا در اتاق عمل مقایسه کرد. به فرض که دست را از سر انگشتان به سمت بالا بشوییم تکلیف مسح سر و پاها چه می‌شود؟ آیا در اتاق جرّاحی چنین چیزی را می‌پذیرند؟

سؤال ۵۲. اگر دست به هنگام مسح پا در وضو از کعبین (برآمدگی پشت پا) بالا رود آیا وضو باطل می‌شود؟

جواب: باطل نمی‌شود؛ولی چیز اضافیست.

سؤال ۵۳. در توضیح المسائل راجع به آداب وضوگرفتن زن‌ها توضیح داده نشده، لطفاً بفرمایید وضوگرفتن زن‌ها چه فرقی با وضوگرفتن مردها دارد؟

جواب: در واجبات وضو تفاوتی ندارد.

شرایط وضو

سؤال ۵۴. مساجد و حسینیه‌های شهر جدید التأسیس ما نه کنتور آب دارند و نه کنتور برق، مردم نیز به هیچ عنوان قبول نمی‌کنند که برای مساجد و حسینیّه‌ها کنتور نصب شود. و می‌گویند: «ما از بودجه خودمان آب کشیده‌ایم، و استفاده می‌کنیم» البتّه در منازل مسکونی کنتور گذاشته، و آب بهای منازل خود را پرداخت می‌کنند، آیا می‌شود از آب و برق مذکور در مساجد و حسینیه‌های فوق استفاده کرد؟

جواب: مساجد و حسینیه‌ها نیز باید کنتور داشته باشند و هزینهٔ آب و برق را بپردازند؛ مگر این که قبل از واگذار شدن به شرکت خصوصی آب و برق آنها مجانی بوده و شرکت خصوصی با همان شرایط پذیرفته باشد و سزاوار است شرکت‌های خصوصی نسبت به مساجد و حسینیه‌ها سخت‌گیری نکنند.

سؤال ۵۵. وضوگرفتن از آب چاهی که صاحبان آن مشخص نمی‌باشند در دو صورت زیر چه حکمی دارد؟

الف) آب چاه با موتور خارج می‌شود و جریان دارد؟

ب) با وسیله‌ای مانند دلو بالا کشیده شده و با آن وضو می‌گیرد؟

جواب: در صورتی که آب به وسیلهٔ موتور به صورت نهری جاری شود وضو گرفتن از آن جایز است مشروط بر این که یقین به عدم رضایت مالک آن نباشد، امّا وضو گرفتن با دلو بدون جلب رضایت مالک جایز نیست.

سؤال ۵۶. برخی از خانه‌ها کنتور آب ندارند و بدون جواز از آب استفاده می‌کنند، حکم نماز، عبادت، وضو و غسل آنها چیست؟

جواب: استفاده از چنان آبی برای غسل و وضو جایز نیست.

سؤال ۵۷. آیا رنگ‌هایی که زن‌ها برای رنگ‌کردن مو و ابروی خود به‌کار می‌برند مانع وضو و غسل است؟

جواب: رنگ اشکالی ندارد، ولی مایعاتی که لایه‌ای از آن می‌ماند مانع رسیدن آب است.

سؤال ۵۸. خانمی برای زیبایی مژه می‌کارد، برای وضو و غسل تکلیفش چیست؟
جواب: چنانچه مانع رسیدن آب به پوست نشود اشکالی ندارد.

احکام وضو

سؤال ۵۹. اینجانب مشکلاتی دارم که از جنابعالی برای حلّ آن کمک می‌خواهم، مشکل من بیماری خودادراری است. با این که به پزشکان زیادی مراجعه کرده‌ام امّا بیماریم درمان نشده است. و این مطلب باعث شده که از مسجد و مردم فاصله زیادی بگیرم. بنده الان ۲۲ سال سن دارم که علّت این همه عقب‌ماندگی را بیشتر در این مسأله می‌دانم چون هم در مدرسه و هم در جای دیگر این مشکل را دارم.

در ماه رمضان روزه می‌گرفتم امّا نماز نمی‌خواندم ولی به لطف خداوند متعال الآن نماز را می‌خوانم ولی با تیمّم و آن هم تیمّم مخفیانه تاکسی نبینند. بعضی وقتها نماز مغرب و عشا را ساعت ۱۱ تا ۱۲ شب می‌خوانم تا خانواده‌ام به خواب روند. تاکنون به مسجد جمکران و به حرم امام خمینی‌ﷺ نرفته‌ام. همچنین آرزوی زیارت حرم اهل‌بیت‌علیهم‌السلام را دارم که از یک طرف این مشکل جلوی مرا می‌گیرد و از طرف دیگر بی‌پولی مانع آن است. چاره حل مشکل من چیست؟

جواب: وظیفهٔ شما آن است که یک وضو بگیرید و فوراً مشغول نماز شوید و اگر در وسط نماز چیزی از شما خارج شد اعتنا نکنید و نمازتان را بخوانید که ان‌شاءالله صحیح است؛ حتّی اگر بین دو نماز فاصلهٔ زیادی نیندازید با همان یک وضو می‌توانید هر دو نمازتان را بخوانید و ما برای حل مشکل شما دعا می‌کنیم.

سؤال ۶۰. مسلوس و مبطونی که مرض او ادامه دارد، اگر طبق وظیفه نماز خود را خواند ولی اتفاقاً در باقیماندهٔ وقت نماز پاک باشد، آیا واجب است نماز را در این وقت اعاده کند؟

جواب: احتیاط آن است که اعاده کند.

سؤال ۶۱. کسی که ساعت ۸ صبح برای نماز ظهر و عصر وضو می‌گرفته و نمی‌دانسته

که این طور وضو گرفتن اشکال دارد و چند سالی نمازهایش را با چنین وضوی خوانده، وظیفه‌اش چیست؟

جواب: اشکالی ندارد ولی بعد از این وضو را به قصد طهارت و پاکی بگیرد.

اموری که باید برای آنها وضو گرفت

سؤال ۶۲. این که نباید دست بی‌وضو به اسامی ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام زد، آیا این مربوط به اسم اصلی امام علیه‌السلام می‌شود یا القاب آن بزرگواران را نیز شامل می‌شود؟

جواب: شامل القاب خاص آن بزرگواران نیز می‌شود.

سؤال ۶۳. آیا نوشتن بسم الله الرحمن الرحیم در بالای نامه‌ها با توجّه به حدیث شریف «کل امر ذی بال لم یذکر فیه بسم الله فهو ابتر[1]؛ هر کار ارزشمندی که بدون نام خدا شروع شود به پایان نمی‌رسد» الزامی است؟

جواب: واجب نیست؛ ولی کار بجا و شایسته‌ای است.

سؤال ۶۴. نوشتن باسمه تعالی بجای بسمله (بسم الله الرحمن الرحیم) کفایت می‌کند؟ مسّ آن بدون طهارت چه حکمی دارد؟

جواب: کفایت می‌کند و مسّ آن بدون وضو اشکال ندارد؛ ولی نوشتن بسمله بهتر است.

سؤال ۶۵. چنانچه بجای لفظ جلاله الله، «ا...» نوشته شود مسّ آن بدون طهارت چه صورتی دارد؟

جواب: اشکال ندارد.

سؤال ۶۶. با علم به این که نوشته‌هایی مانند بسم الله الرحمن الرحیم و آیات قرآن و نام مبارک ۱۴ معصوم علیهم‌السلام در روزنامه و کاغذهای اداری و امثال آن به دست هر کسی از جمله غیر مسلمین می‌رسد و چه بسا بعد از استفاده در مواردی مورد هتک قرار گیرد، مسوولیّت آن بر عهدهٔ کیست؟

---

۱. بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۳۰۵، ح ۱.

جواب: مسوولیّت آن بر عهدهٔ کسی است که حرمت آن را نگه نمی‌دارد.

سؤال ۶۷. اگر گردنبندی منقّش به آرم جمهوری اسلامی باشد، آیا می‌توان از آن استفاده نمود و به‌گردن آویخت و به آن دست زد؟

جواب: حکم اسماء جلاله را ندارد، هر چند احتیاط در مورد آن خوبست.

روش امحای اسامی مقدّسه

سؤال ۶۸. راه صحیح امحای اوراقی که در آنها الفاظ مقدّسه و از آن بالاتر آیات قرآن و دعاهایی که مملوّ از اسماء مبارکهٔ خدا و ائمه علیهم‌السلام است؛ چه می‌باشد؟ البتّه می‌دانیم که در آب شسته نمی‌شوند و جای مناسبی هم برای دفن آنها نداریم؟

جواب: بهتر آن است که به کارخانجات کارتن‌سازی بدهند تا آنها را خمیر کنند.

سؤال ۶۹. تعداد زیادی برگه‌های قرآن و ادعیه، که عمدتاً توسّط مردم به مسجد آورده شده، در کیسه‌ای جمع‌آوری شده است. آیا می‌توان آنها را با دستگاه خردکن، پودر یا رشته رشته کرد؟

جواب: می‌توانید این کار را انجام دهید؛ یا آنها را در جایی دفن کنید، یا به مراکزی که آن را خمیر نموده و تبدیل به کارتن می‌کنند تحویل دهید.

اموری که وضو را باطل می‌کند

سؤال ۷۰. امروزه هنگام عمل جرّاحی و مانند آن افراد را بی‌هوش می‌کنند. آیا در این هنگام وضو و وکالت باطل می‌شود؟ و اگر بی‌هوشی به هنگام وقت نماز باشد آیا نماز قضا دارد؟

جواب: وضو بنابر احتیاط باطل می‌شود، امّا وکالت باطل نمی‌شود، همچنین در زمان بی‌هوشی نماز قضا ندارد (هرگاه در تمام مدّت نماز بی‌هوش باشد).

احکام وضوی جبیره

سؤال ۷۱. نظر به این که بیماری پوستی و حسّاسیّت شدید به نور آفتاب دارم و به

خاطر نداشتن موی سر باید از کلاه استفاده کنم. چنانچه از موی مصنوعی استفاده کنم در مورد مسح سر وظیفه‌ام چیست؟

جواب: هرگاه مجبور هستید از موی مصنوعی استفاده کنید و آب به پوست سر نمی‌رسد روی همان مو مسح کنید.

سؤال ۷۲. با توجّه به این که (به دلایل ارثی) موهای جلوی سرم دچار ریزش شده، تصمیم گرفتم به یکی از مؤسسات ترمیم مو مراجعه نمایم. روش کار این مؤسسات به این صورت است که روی یک توری (که دارای سوراخ‌هایی است که آب و هوا از آن منافذ عبور می‌کند) موهای طبیعی انسان را که شاید از آرایشگاه‌ها تهیه شده می‌بافند. این توری به عنوان زمینهٔ قرارگرفتن این موهاست بر روی منطقه‌ای از سر که دچار طاسی شده است، و دور تا دور این توری به موهای سالم سر انسان بافته شده، و محکم می‌گردد، به طوری که طبق گفتهٔ مسئولین این مؤسّسات آب به پوست سر، سرایت می‌کند.

الف) آیا این روش از نظر اسلام بلامانع است؟

ب) اگر آب از طریق منافذ این توری به پوست سر، سرایت کند (البتّه به مناطقی از پوست سر که در معرض سوراخ‌ها و منافذ این توری هستند ممکن است سرایت کند) آیا مشکل وضو و مسح سر حل می‌شود؟

جواب: اصل این کار اشکال ندارد ولی برای کشیدن مسح مشکل ایجاد می‌کند و در صورتی که واقعاً ضرورتی احساس شود می‌توان از آن استفاده کرد و روی آن مسح کرد.

فصل ششم: غسل‌های واجب

۱. غسل جنابت

اسباب جنابت

سؤال ۷۳. آیا احساس رطوبت یا مشاهدهٔ آن در لباس زیر، هنگام بیدار شدن از خواب غسل دارد؟

جواب: چنانچه رطوبت مذکور با شهوت و جستن خارج شود غسل دارد، در غیر این صورت غسل ندارد.

سؤال ۷۴. اگر زنی عطر زده باشد و به خیابان برود، بر او غسل جنابت واجب می‌شود؟

جواب: این کار شرعاً اشکال دارد؛ ولی غسل واجب نمی‌شود.

سؤال ۷۵. آیا ترشّحات سفیدرنگ در زن‌ها پاک است؟ و آیا وضو و غسل را باطل می‌کند؟

جواب: پاک است و ضرری به وضو و غسل نمی‌زند.

سؤال ۷۶. برخی اوقات زن به علّت ملاعبه با همسر، تقریباً حالت انزال به او دست می‌دهد و بدنش سست می‌شود، به طوری که فکر می‌کند جنب شده است، آیا پس از این حالت غسل جنابت بر او واجب است؟

جواب: چنانچه همزمان با آن حالت رطوبتی از وی خارج شود باید غسل جنابت کند.

سؤال ۷۷. دختری ۲۴ ساله هستم. مدّتی است هنگامی که صحنه‌ای را می‌بینم (مثلاً چهرهٔ زنی آرایش کرده) یا سخنی از مسائل جنسی می‌شود، یا چیزهای دیگری می‌بینم یا می‌شنوم حالتی به من دست می‌دهد و آبی از بدنم خارج می‌شود که باید به

حمام رفته و غسل کنم این مسأله خیلی برایم اتفاق می‌افتد تا آن جاکه وقتی به حمام می‌روم و بیرون می‌آیم همه‌اش نگران هستم که مبادا دوباره این اتفاق برایم تکرار شود، لطفاً بفرمایید:

الف) آیا در تمام این موارد باید غسل کنم؟

جواب: هر رطوبتی که از انسان خارج می‌شود غسل ندارد، بلکه تنها رطوبت‌هایی که همراه با اوج لذّت جنسی و همراه با سست‌شدن بدن باشد غسل دارد.

ب) در توضیح المسائل شما نوشته شده، که باید به اوج شهوت برسد تا غسل کند، آیا مورد من به اوج شهوت رسیدن است، که نیاز به غسل داشته باشد یا نه؟

جواب: تشخیص این مسأله با خود شماست و طبق آنچه در پاسخ سؤال اوّل آمد، تشخیص آن، کارِ سختی نیست و تا یقین به آن پیدا نکنید غسل بر شما واجب نمی‌شود.

احکام جنابت

سؤال ۷۸. بعضی از پدر و مادرها برای ازالهٔ موهای زاید بدن چیزی به دخترانشان نمی‌گویند و برخی نیز متذکّر این مطلب می‌شوند که در صورت یادآوری روی دختر باز می‌شود؛ نظر حضرتعالی در این رابطه چیست؟ آیا باید دختران را ملزم به نظافت نمود یا صبر کرد تا دختر باز هم بزرگتر شود و خودش متوجّه شود؟ درضمن غسل آنها به همین صورت چه حکمی دارد؟

جواب: وجود موهای زاید بدن ضرری به غسل نمی‌زند، و در صورتی که عقل و شعور کافی داشته باشند و دست به‌کار خطرناکی نزنند می‌توان به آنها تعلیم داد.

سؤال ۷۹. چنانچه شخصی بر اثر نزدیکی با زنش از دبر، جنب شود؛ طبق فتوای حضرتعالی بنابر احتیاط واجب باید بین وضو و غسل جمع کند. حال اگر پس از غسل، بادی از وی خارج شود، آیا همین وضو کافی است؟

جواب: کافیست پس از آن دوباره وضو بگیرد.

سؤال ۸۰. دو شخص زیر یک ملافه خوابیده بودند، بعد از بیداری یکی از آنها بر لباس یا ملافهٔ خود آثار منی می‌بیند لیکن نمی‌داند از اوست یا از دیگری است؟ تکلیف او و آن شخص چیست؟

جواب: چیزی بر او نیست، ولی باید از خوابیدن زیر ملافهٔ واحد بپرهیزند.

سؤال ۸۱. زنی که موهای او بلند و بافته شده است، آیا برای غسل باید موهایش را باز کرده یا همان طور که بافته شده می‌توان او را غسل داد؟

جواب: احتیاط آن است که آب به موهایش برسد.

سؤال ۸۲. تکلیف کسانی که نسبت به مسألهٔ احتلام بانوان جاهل بوده و بدون غسل مدّت‌ها اعمال عبادی خود را انجام داده‌اند چیست؟

جواب: عبادت‌هایی که پس از احتلام و قبل از غسل بجا آورده‌اند را تدریجاً قضا کنند و اگر در مقدار آن شک دارند مقدار یقینی را بجا آورند و نسبت به مقدار مشکوک وظیفه‌ای ندارند.

کارهایی که بر جنب مکروه است

سؤال ۸۳. ورود جنب و حائض و نفساء به حسینیّه چه حکمی دارد؟

جواب: حرام نیست، ولی بهتر است در غیر موارد ضرورت ترک شود.

۲. غسل استحاضه

سؤال ۸۴. اکثر قاطع مراجع عظام معتقدند: هنگامی که زن به سنّ چهل و هشت سال و شش ماه شمسی (مساوی با پنجاه سال قمری) برسد، سن یائسگی وی شروع می‌شود و بایستی طبق احکام استحاضه عمل کند. مطالبی که ذیلاً به نظرتان می‌رسد برگرفته از نظرات علمی اساتید رشتهٔ زیست‌شناسی و نظرات علمی پزشکی تعدادی از پزشکان متخصص زنان و زایمان می‌باشد:

الف) معمولاً در زن‌های سالم بین ۴۵ تا ۵۵ سالگی شمسی و در مواردی بسیار نادر

تا ۶۰ سالگی عادت ماهیانه متوقّف می‌شود و این پدیده یائسگی نامیده می‌شود، علّت یائسگی از کار افتادن تخمدان‌ها و تولید نشدن هورمون‌های استروژن و پروژسترون می‌باشد.

ب) نکتهٔ مهم این که: زمانی گفته می‌شود زن یائسه شده که یائسگی تحقّق یابد و زن آن را درک کند و حداقل یک سال از متوقّف شدن عادت ماهیانه گذشته باشد. اگر بعد از آن مدّت خونی مشاهده شد در آن هنگام می‌توان آن را خون استحاضه نامید و اعمال استحاضه را بر آن مترتّب کرد. والّا اگر زن به صرف این که به سنّ پنجاه سال قمری برسد، و تخمدان‌ها فعال باشند، و هورمون‌های استروژن و پروژسترون مترشّحه از تخمدان صورت گیرد، و دفع خون از دیوارهٔ رحم (اندومتر) که معمولاً به مدّت یک هفته است ادامه یابد، و این خون همان خون عادت ماهیانه و یا خون حیض باشد، از نظر علمی و پزشکی خصوصیّات این خون با خون عادت ماهیانه هیچ تفاوتی ندارد.

ج) همان طور که سنّ بلوغ جنسی دختران متفاوت می‌باشد (یعنی عواملی از جمله ژن، وراثت، آب و هوا، نوع تغذیه و شرایط روحی و روانی) همین عوامل به انضمام دفعات حاملگی، سن یائسگی را هم در بانوان تغییر داده و متفاوت می‌سازد. تغذیه بد، کار زیاد و پرمشقّت، فشار زندگی و رنج روحی در زودتر یائسه شدن زن و پیری زودرس مؤثّر است.

د) این نکته نیز قابل تذکّر است که امروزه بعضی از پزشکان متخصّص زنان، جهت جلوگیری از یائسگی که پیامد آن پوکی استخوان می‌باشد به بانوان از سن نزدیک به یائسگی قرص‌های هورمونی که محتوی استروژن و پروژسترون می‌باشد توصیه می‌کنند و استفاده از این گونه قرص‌ها باعث می‌شود که تخمدان‌ها فعال شوند و هورمون‌های لازمه مترشّح شوند، و هر ماه همانند دوران قاعدگی از دیوارهٔ رحم و رگ‌های خونی همراه با بافت‌های تخریب شده به بیرون ریزش پیدا کند و مدّت یک هفته یا بیشتر هم ادامه یابد آیا با توجّه به این مطالب به صرف رسیدن به سنّ پنجاه سال قمری و تحقّق نیافتن یائسگی باید اعمال استحاضه را بجا آورد؟

جواب: به جا آوردن اعمال استحاضه مخصوص کسانی است که، نسبت به خونی که پس از پنجاه سال قمری از آنها خارج می‌شود شک داشته باشند، ولی اگر مطمئن باشند که این خون با همان شرایط و همان صفات حیض می‌باشد احکام حائض بر آنها جاری می‌شود.

سؤال ۸۵. شخصی عصر روز یکشنبه سوم ماه حیض می‌شود، و عادت او ده روز است آیا عصر روز سه‌شنبه دوازدهم ماه عادتش تمام می‌شود یا عصر چهارشنبه؟ چنانچه عصر سه‌شنبه تمام شود، اگر بعد از غسل کردن آب زردی از او خارج شود، آن را حیض قرار دهد یا استحاضه؟ و آیا غسلی بر او هست؟

جواب: اگر پس از عصر روز دهم خونی ببیند هر چند زردرنگ باشد استحاضه محسوب می‌شود.

سؤال ۸۶. زنی که برای جلوگیری از عادت ماهانه قرص می‌خورد و بر اثر ترک قرص در ایام عادتش لک می‌بیند (ولی ادامه ندارد) چه حکمی دارد؟

جواب: اگر لااقل سه روز ادامه نداشته باشد حیض محسوب نمی‌شود.

احکام استحاضه

سؤال ۸۷. آیا مرد می‌تواند در ایّام استحاضهٔ همسرش، در حالی که زن وظایف غسل یا وضوی خود را انجام نداده، با وی مقاربت کند؟

جواب: جایز نیست؛ ولی در استحاضهٔ قلیله مانعی ندارد.

سؤال ۸۸. زنی رحمش را عمل کرده و پس از مدّتی دچار خونریزی شدید گشته، و اکنون نمی‌داند خون مذکور استحاضهٔ کثیره است یا ناشی از جراحات عمل، حکمش چیست؟

جواب: چنانچه تمام رحمش را درآورده، خون مذکور حکم خاصّی ندارد.

سؤال ۸۹. مستحاضه کثیره تطهیر و تبدیل نوار بهداشتی را بعد از غسل و وضو انجام دهد یا قبل از آن؟

جواب: بعد از غسل و وضو انجام دهد.

سؤال ۹۰. خانم مستحاضه کثیره‌ای که شک دارد غسل انجام داده و نماز ظهر و عصر را پشت سر هم می‌خواند، آیا واجب است برای نماز عصر وضو بگیرد؟

جواب: در صورتی که شک در غسل داشته باشد باید غسل کند و نماز بخواند ولی نمازهایی که قبلاً خوانده قبول است.

۳. غسل حیض

سؤال ۹۱. در دو ماهی که زن پس از آن به عادت جدید خود رفتار می‌کند وظیفه‌اش چیست؟

جواب: چنانچه خون نشانه‌های حیض را داشته باشد باید احکام حیض را رعایت کند.

سؤال ۹۲. زنی در هنگام حائض شدن خونی می‌بیند که نشانه‌های حیض ندارد و پس از چند ساعت یا یک روز خون دارای نشانه‌های حیض می‌شود، خون اوّلی چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که مصادف زمان عادت او باشد از همان اوّل حیض محسوب می‌شود.

سؤال ۹۳. این که می‌گویند زنی که در حیض خود عادت عددیّه دارد ولی عادت وقتیّه ندارد باید جهت شروع آن به نشانه‌های حیض رجوع کند، لطفاً بفرمایید اگر آن خون بعضی از نشانه‌های حیض را داشت مثلاً فقط غلیظ یا سرخ و گرم بود، آیا حکم زن حائض را دارد؟

جواب: اگر بیشتر صفاتش را دارد حکم زن حائض را دارد مخصوصاً غلیظ بودن.

سؤال ۹۴. لکّهٔ زرد رنگی که زن می‌بیند و شک دارد حیض است یا استحاضه یا ترشحات دیگر، چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه در غیر زمان عادت باشد حکم خاصّی ندارد.

احکام زن حائض

سؤال ۹۵. چرا بعد از حیض و نفاس، نماز قضا ندارد، در حالی که قضای روزه‌هایم که ریشه در همان علّت دارد را باید بجا آورم؟

جواب: شاید علّت آن این باشد که روزه در طول سال یک ماه واجب است و قضای آن مشکل نخواهد بود امّا نماز که هر روز باید خوانده شود، اگر نیاز به قضا داشته باشد برای بانوان سنگین خواهد بود و قضای روزه مانع کار کردن زنان نیست امّا قضای نمازها مانع کار کردن آنهاست.

سؤال ۹۶. با توجه به این که عیار طلا مختلف است، دادن کفّارهٔ نزدیکی با حائض ناظر به کدام نوع عیار است؟

جواب: عیار متعارف و معمول کفایت می‌کند.

سؤال ۹۷. زنی که همیشه عادت ماهانه‌اش هفت روز تمام می‌شود، یک بار غروب روز ششم پاک شده، و غسل کرده، و نمازش را خوانده، و تا شب که خود را بررسی کرده پاک بوده، و همان شب بعد از اطمینان از پاکی، شوهرش با او نزدیکی می‌کند و هنگام نزدیکی رگه‌های کم‌رنگ خون مشاهده می‌شود ولی صبح دوباره پاک بوده و هیچ علامتی از ناپاکی نمی‌بیند، آیا آن رگه‌های خونی که در هنگام نزدیکی مشاهده کرده می‌تواند خون حیض باشد؟ اگر در آن هنگام نطفه منعقد شده باشد، تکلیف چیست؟

جواب: با توجّه به این که علم و اطّلاعی نسبت به این امر نداشته‌اند کار حرامی نکرده‌اند و انعقاد نطفه نیز اشکالی نخواهد داشت.

سؤال ۹۸. زن حائضی که عادت معینی ندارد قبل از ده روز پاک شده، مجدّداً خون دیده و این خون‌ریزی تا ده روز ادامه یافته و پس از آن قطع شده است، برنامهٔ نماز و روزهٔ وی در وقت پاکی چگونه است؟

جواب: در هنگام پاکی باید غسل کند و عبادات خود را بجا آورد.

سؤال ۹۹. دختر یا زنی که از حیض پاک می‌شود، نوع لک و ترشحی که در آخرین روز حیض باید ببیند و پاک شود تا نماز بگذارد، چگونه می‌باشد؟

جواب: باید کاملاً صاف و روشن باشد.

سؤال ۱۰۰. خواندن بیش از هفت آیه از قرآن کریم برای زن حائض مکروه است با توجّه به این که در ماه مبارک رمضان خواندن قرآن فضیلت بسیاری دارد، آیا حائض بودن مانع از خواندن قرآن است؟

جواب: مانع خواندن قرآن نیست، ولی ثوابش نسبت به حال طهارت کمتر است.

سؤال ۱۰۱. با توجّه به این که قرآن برای نابینایان به صورت برجسته (خط بریل) نوشته شده و بایستی آیات آن را به هنگام خواندن لمس کنند، آیا خانم‌های نابینا می‌توانند به هنگام عادت ماهانه قرآن تلاوت کنند؟

جواب: با دست نمی‌توانند لمس کنند؛ مگر این‌که دستکش نازکی در دست کنند.

سؤال ۱۰۲. آیا زن حائض می‌تواند هفت آیه از غیر سوره‌های سجده‌دار را بخواند و تکرار کند؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۱۰۳. آیا زن حائض می‌تواند به امامزاده‌ها برود؟

جواب: اشکالی ندارد؛ ولی در آن قسمتی که به‌عنوان مسجد شناخته می‌شود نرود.

سؤال ۱۰۴. آیا زنی که در عادت ماهانه به سر می‌برد، در زمان ضروری می‌تواند داخل مسجد شود ومدّت طولانی در آنجا بماند؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۰۵. در بعضی مناطق دفترچه‌ها و کوپن‌های محلّی را در مساجد توزیع می‌کنند، آیا زنانی که در حال حیض یا نفاس هستند می‌توانند برای دریافت این چیزها به مسجد بروند؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۰۶. زنانی که عادت ماهانه خود را می‌گذرانند و از خواندن نماز معذورند، آیا می‌توانند در نماز جمعه یا جماعت در غیر مسجد شرکت کنند؟

جواب: چنانچه در مسجد نباشد می‌توانند شرکت کنند؛ ولی نیّت نماز نکنند.

سؤال ۱۰۷. اگر کتابخانه در زیر زمین مسجد باشد، زن حائض می‌تواند در آنجا توقّف کند؟

جواب: حکم مسجد دارد؛ فکر این که صیغهٔ مسجدیّت را فقط برای طبقهٔ همکف خوانده باشد.

سؤال ۱۰۸. عادت ماهانهٔ کسی به طور معمول پنج روز بوده و پس از آن پاک می‌شده است. در ماه مبارک رمضان برابر عادت همیشگی پس از پنج روز غسل کرده، و روز ششم در حال پاکی روزه گرفته، ولی روز هفتم لکه خونی می‌بیند. نماز و روزهٔ وی در این دو روز، بخصوص روز ششم چگونه است؟

جواب: روز ششم که پاک بوده نماز و روزه‌اش صحیح است.

سؤال ۱۰۹. قضای نماز آیات بر زن حائض در چه زمانی واجب است؟

جواب: قضای نماز آیات بر زن حائض واجب نیست.

سؤال ۱۱۰. در مواردی که زن حائض باید به اقارب (خویشاوندان نزدیک) مراجعه کند اگر اقارب متفق العاده نباشند، یا به اقارب خود دسترسی نداشته باشد، و یا اصلاً دارای اقارب نباشد، وظیفه‌اش چیست؟

جواب: معمولاً در مسأله عددیّه به اقارب مراجعه می‌شود و اگر عدد آنها اختلاف داشته باشد یا اقاربی نداشته باشد عدد را هفت روز قرار می‌دهد.

سؤال ۱۱۱. زنی که عادت وقتیّه و عددیّه دارد اگر در ایّام عادت خون ببیند، آیا بعد از گذشتن روز اوّل جایز است از قرص‌های ضد رگل استفاده کند و مانع خروج خون گردد؟ در صورت جواز حکم روز اوّل چیست با این که یک روز بیشتر خون ندیده است؟

جواب: هرگاه خون به کلّی قطع شود حکم حیض را ندارد.

سؤال ۱۱۲. آیا خواندن آیاتی از چهار سورهٔ قرآن که سجده دارد در هنگام حیض کفّاره دارد؟ و اگر سهواً انجام شد باید چه کنند؟

جواب: کفّاره‌ای ندارد؛ ولی اگر عمداً باشد گناه است.

سؤال ۱۱۳. اگر خون‌ریزی زن تا سه روز ادامه پیدا کند حیض محسوب می‌شود و باید اختبار کند ببیند در درون آلوده می‌باشد یا خیر. حال اگر زنی در ایّام عادت وقتیّه خویش خونی ببیند و تا ۳ روز نیز ادامه پیدا کند ولی اختبار نکرده تا معلوم شود درون آلوده بوده یا نه. وظیفهٔ نماز و روزهٔ او در سه روز ابتدایی چیست؟

جواب: هرگاه سه روز ادامه یابد احکام عادت ماهیانه را دارد.

سؤال ۱۱۴. عادت خانمی ۷ روز می‌باشد ولی می‌داند اگر نزدیکی کند لکه خونی می‌بیند که خون زخم نمی‌باشد. اگر بعد از ده روز نزدیکی کند لکه خونی می‌بیند که حکم استحاضه را دارد و اگر قبل از ده روز باشد، حکم حیض را دارد، نزدیکی در این ایام چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که فعلاً پاک باشد مانعی ندارد.

سؤال ۱۱۵. خانمی که عادت او ۶ روز می‌باشد، در این ماه تا روز هشتم لکه‌بینی دارد، و نمی‌داند از ده روز می‌گذرد یا خیر ولی احتمال می‌دهد از ده روز بگذرد آیا می‌تواند عبادات خود را تا روز دهم ترک کند؟ یا رعایت احتیاط لازم است؟

جواب: می‌تواند عبادات را تا روز دهم ترک نموده، و بعد از روشن شدن قضیّه مطابق آن عمل کند.

اقسام زنان حائض

سؤال ۱۱۶. در اوایلِ عادت ماهیانه‌ام هفت روزه پاک می‌شدم و پس از آن، ترشّحاتی که مشخّصات استحاضه داشت مشاهده می‌کردم، ولی اکنون بیش از یک سال است که پنج روزه پاک می‌شوم و بعد از آن هم ترشحاتی شبیه به استحاضه می‌بینم، تکلیف من بعد از این پنج روز چیست؟

جواب: آنچه پس از پنج روز می‌بینید در صورتی که قبل از ده روز قطع شود عادت ماهانه محسوب می‌شود و اگر از ده روز تجاوز کند فقط پنج روز اوّل عادت است و بقیّه حساب نیست.

سؤال ۱۱۷. بعد از روز هفتم عادت ماهانه، ۳ الی ۵ روز نیز با ترشّحاتی صورتی رنگ مواجه می‌شوم، در این مدت می‌توانم نماز بخوانم؟

جواب: چنانچه از ده روز بگذرد به مقداری که در ماه‌های قبل خون می‌دیده عادت ماهانه قرار می‌دهد و بقیّه حکم استحاضه دارد و اگر از ده روز نگذرد همهٔ آن حیض محسوب می‌شود.

سؤال ۱۱۸. این که می‌گویند: زنی که عادت وقتیّه دارد زمان عادت او باید یکسان باشد، لطفاً بفرمایید تنها یکسان بودن روز شروع مثلاً ۲ ماه کفایت می‌کند یا این که ساعت شروع هم شرط است؟

جواب: ساعت شروع شرط نیست.

سؤال ۱۱۹. گفته می‌شود زنی که در حیض خود عادت عددیّه دارد باید تعداد روزهای او به یک اندازه باشد، بفرمایید فقط پاکی در روز بخصوص کفایت می‌کند یا دقیقاً ساعت پاک شدن در همان روز هم شرط است؟

جواب: ساعت شرط نیست.

مسائل متفرقهٔ حیض

سؤال ۱۲۰. چرا در بعضی از مواقع، مجبورم نماز نخوانم، روزه نگیرم، عبادت نکنم، در حالی که شاید در این گونه موارد، آن قدر نیازمندِ راز و نیاز با معبودم هستم که در دیگر مواقع و فرصت‌ها نیستم؟

جواب: انسان در هر زمان و تحت هر شرایطی می‌تواند با خالق خویش ارتباط داشته باشد و با وی خلوت کند و راز و نیاز نماید هر چند در بعضی شرایط به‌خاطر مصالحی دستور داده شده که از نوع خاصّی از ارتباط و عبادت یعنی نماز و روزه چشم‌پوشی کند.

سؤال ۱۲۱. گاهی به جهت لکه‌بینی بی‌موقع، یعنی در غیر زمان عادت ماهانه، خانم‌های نابینا دچار تردید می‌شوند که آیا لکه مزبور خون است یا خیر؟ و اگر کسی نباشد که به او نشان دهد، یا خجالت بکشد که بپرسد حکم شرعی چیست؟

جواب: در چنین صورتی آن را لکهٔ خون حساب نمی‌کنند و اشکالی ندارد.

سؤال ۱۲۲. خانمی هنگامی که خود را وارسی می‌کند لکه کم‌رنگی در دستمال مشاهده می‌نماید و بعد از آن هیچ گونه لک نمی‌بیند و پاک می‌گردد و به خیال آن که عادت ماهانه شروع نشده با همسر خویش نزدیکی می‌کند و بعد از حدود ۷ ساعت،

عادت ماهانه ظاهر می‌شود، زن و شوهر چه وظیفه‌ای دارند؟ آیا زمان عادت ماهانه از همان ابتدا محسوب می‌شود؟

جواب: وظیفهٔ خاصّی ندارند و زمان عادت ماهانه زمان لکه‌بینی نیست بلکه زمان شروع خونریزی است.

سؤال ۱۲۳. اگر خون حیض قطع شود و زن از آزمون ناتوان باشد (بکر است یا زیان‌آور است) وظیفه‌اش چیست؟

جواب: تا یقین به پاکی پیدا نکند حکم حائض دارد؛ ولی توجّه داشته باشید که آزمون کار مشکلی نیست و ضرری ندارد با مختصر پنبه بهداشتی و مختصر اشاره به محل، آزمون حاصل می‌شود.

سؤال ۱۲۴. یکی از راه‌های جلوگیری از انعقاد نطفه، نصب ابزاری در دهانهٔ رحم است که این عمل موجب خونریزی می‌شود و ممکن است این خونریزی مدّت زیادی طول بکشد با توجّه به این که این خونریزی عمدی می‌باشد آیا حیض محسوب می‌شود؟

جواب: در صورتی که خونریزی مربوط به جراحت بوده باشد حیض محسوب نمی‌شود.

سؤال ۱۲۵. آیا عرق زن حائض، نجس است؟

جواب: عرق زن حائض پاک است.

۴. غسل نفاس

سؤال ۱۲۶. آیا کفّارهٔ نزدیکی با زن نفساء همان کفّارهٔ نزدیکی با زن حائض است؟

جواب: آری همان است بنابر احتیاط واجب.

احکام زن نفساء

سؤال ۱۲۷. بچّه‌ای در داخل رحم تشکیل شده و با عمل جرّاحی خارج می‌شود. خون‌هایی که بعد از عمل از مجاری طبیعی زن خارج می‌شود چه حکمی دارد؟

جواب: آن خون‌ها خون نفاس است.

۵. غسل مسّ میّت

سؤال ۱۲۸. اگر مس میّت یا جنابت برای نابالغ اتفاق افتد و قبل از بلوغ غسل را انجام دهد، آیا کفایت می‌کند؟

جواب: آری کفایت می‌کند.

سؤال ۱۲۹. امدادگر هلال احمر در اثناء حادثه‌ای عضو قطع شدهٔ یک انسان زنده را لمس می‌کند؛ تکلیف وی چیست؟ حال اگر عضوی از اعضای خود انسان جدا شود و آن را لمس کند چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که آن عضوِ جدا شده دارای استخوان باشد و آن را مستقیماً لمس کرده باشد باید غسل مسّ میّت کند.

سؤال ۱۳۰. در حوادثی که با دستکش به جنازه دست می‌زنیم و تماس مستقیم نداریم آیا غسل مسّ میّت لازم است؟ اگر دستکش خیس باشد چه حکمی پیدا می‌کند؟

جواب: غسل مسّ میّت لازم نیست.

سؤال ۱۳۱. هرگاه غسّال میّت را از روی لباس غسل بدهد و مطمئن باشد که با بشرهٔ میّت تماس حاصل نشده است، آیا غسل مسّ میّت بر وی واجب می‌شود؟

جواب: در صورتی که یقین داشته باشد بدن او با بدن میّت تماس مستقیم نداشته غسل مسّ میّت لازم نیست.

متفرقه

سؤال ۱۳۲. در مورد «غسل تعمید» توضیح دهید و حکمش را بیان فرمایید.

جواب: غسل تعمید در اسلام نیست، مسیحیان فرزندانی که برای آنها متولّد می‌شوند را غسل تعمید می‌دهند و معتقدند با این کار از گناهان ذاتی پاک می‌شوند.

سؤال ۱۳۳. اگر خانمی پس از بلوغ، قبل از ازدواج یا بعد از آن، حائض نشده و هیچ‌وقت خون حیض ندیده باشد. نسبت به احکام و مسائل شرعی‌اش چگونه باید عمل نماید؟

جواب: چنین زنی مشکلی برای مسائل شرعی ندارد، البتّه غسل‌های دیگر بـه جز غسل عادت ماهانه را باید انجام دهد.

۶. غسل میّت

در مورد غسل میّت در فصل بعد بحث خواهد شد.

فصل هفتم: احکام اموات

غسل میت

سؤال ۱۳۴. اگر میّت را غسل اضطراری داده باشند (مثل این که سدر و کافور نباشد، و با آب خالص غسل داده باشند، یا این که آب به اندازهٔ سه غسل موجود نبوده و به جای بعضی از غسل‌ها، تیمم داده‌اند، یا در جایی که مسلمان مماثل نبوده، کافری او را غسل داده) آیا بدنش طاهر می‌شود؟

جواب: آری بدنش طاهر می‌شود.

سؤال ۱۳۵. اگر اعضای بدن میّت به نحوی باشد که معلوم نیست مرد است یا زن؟ وظیفهٔ انسان در غسل و نماز چگونه است؟

جواب: غسل او ساقط است؛ امّا باید بر او نماز خوانده شود. (ضمیرها را به صورت مذکّر می‌آورند. می‌گویند: هذا الانسان، یا هذا المیت).

سؤال ۱۳۶. چنانچه تطهیر بدن میّت مشکل باشد، و پس از تطهیر مجدداً از بدن خون خارج شود وظیفه چیست؟

جواب: تطهیر لازم نیست.

تیمم بدل از غسل

سؤال ۱۳۷. چنانچه خون بدن میّت بند نیاید وظیفه چیست؟

جواب: باید زخم را با وسایلی محکم ببندند و به جای غسل تیمّم دهند و اگر غسل جبیره ممکن باشد مقدّم است.

سؤال ۱۳۸. جسد میّت پس از چند روز پیدا شده، و متعفّن گشته و غسل دادن آن، موجب اذیّت غسل دهنده یا مستلزم متلاشی شدن جسد است. وظیفه چیست؟

جواب: باید به تیمّم قناعت شود.

سؤال ۱۳۹. اگر مواضع تیمّم میّت متلاشی شده باشد تکلیف در تیمّم او چیست؟

جواب: غسل و تیمّم ساقط می‌شود.

حنوط

سؤال ۱۴۰. آیا واجب است دستی که قطع شده را بعد از غسل دادن حنوط نمود، سپس دفن کرد؟

جواب: باید آن را غسل داد و در پارچه‌ای پیچید و دفن کرد.

نماز میّت

سؤال ۱۴۱. تکلیف شرعی عزیزانی که در زلزله جان سپرده و بدون غسل و کفن و نماز میّت زیر آوار مدفون شده‌اند چیست؟

جواب: آنها که مدفون شده‌اند حکمی ندارند جز آن که بر قبر آنها نماز خوانده می‌شود؛ مشروط بر این که امکان اخراج و غسل و کفن و نماز بر جنازه و سپس دفن نباشد.

سؤال ۱۴۲. لطفاً به دو سؤال زیر پاسخ فرمایید:

الف) اگر برای نماز و تعلیم قبر کسی پیدا نشود، آیا می‌توان میّت را بدون نماز و تعلیم قبر، به خاک سپرد؟

جواب: در صورت اجبار اشکالی ندارد و در ضمن اگر رساله داشته باشید می‌توانید نماز میّت را از روی رساله بخوانید و تلقین واجب نیست، بلکه مستحب است.

ب) اگر زن باسوادی که بتواند واجبات را انجام دهد حضور داشته باشد چه صورت دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۴۳. در نماز میّت، با وجود روحانی، امامت غیر روحانی چه صورتی دارد؟
جواب: اشکال دارد.

احکام دفن

سؤال ۱۴۴. گاهی در حریق‌های سنگین با لوله بزرگ و با فشار آب زیاد مجبور به اطفای حریق هستیم، در بعضی مواقع متوجّه می‌شویم که جنازه‌ای در آن اطراف بوده که قسمتی از گوشت یا استخوان یا پوست آن، بر اثر فشار زیاد آب از بدنش جدا شده است.

الف) حکم مسأله چیست؟

ب) آیا باید همهٔ خاک‌ها و خاکسترهای دور و اطراف جنازه را با آن دفن کرد؟

جواب: الف و ب) باید گوشت‌ها و استخوان‌ها، جمع‌آوری و در پارچه‌ای پیچیده و دفن شود.

ج) اگر مدّتی بعد از دفن جنازه قسمتی از گوشت یا پوست بدن آن پیدا شد در اینجا تکلیف چیست؟

ج) آن را نیز باید مطابق جواب بالا دفن کرد.

د) اگر قدرت تشخیص این که این استخوان یا گوشت جدا شده از بدن، برای کدام یک از اجساد است را نداشته باشیم و یا مشکل باشد، حکم شرعی چیست؟

د) در کنار یکی از بدن‌ها به شکل بالا دفن می‌کنید.

سؤال ۱۴۵. با توجّه به این که آرامستان باغ رضوان اصفهان با بهره‌گیری از امکانات فراوان در اختیار اولیای متوفّای این شهر می‌باشد، و از طرفی با گسترش جمعیّت در شهرهای کلان از جمله شهر مذکور، بعضاً اموات با بیماری‌های واگیردار از قبیل وبا، ایدز، طاعون و غیره با اقدامات غیر قانونی متوفی در ملک شخصی یا باغ یا حسینیه‌ها یا قبرستان‌های متروکه دفن می‌گردند، آیا این عمل که به جامعه ضرر و زیان می‌رساند جایز است؟

جواب: هر کاری به جامعه ضرر و زیانی برساند جایز نیست. به علاوه مخالفت با مقرّرات حکومت اسلامی نیز مجاز نمی‌باشد.

سؤال ۱۴۶. آیا دفن کردن قرآن یا آیة الکرسی همراه میّت، یا نوشتن دعا یا آیات قرآن در کفن مصداق هتک به قرآن و ادعیّه می‌باشد؟

جواب: چنانچه روی قسمتهایی بنویسند که روی سینهٔ میّت قرار می‌گیرد هتک محسوب نمی‌شود.

گورستان

سؤال ۱۴۷. با عنایت به مراجعات مکرّر نمایندهٔ فرقهٔ ضالّهٔ بهائیّت مبنی بر درخواست تعیین مکان مشخّص به منظور ایجاد گورستان بهائی‌ها به لحاظ متروکه شدن گورستان قدیمی متعلّق به آنان، و نیز از آنجایی که در حال حاضر تدفین پیروان فرقهٔ مزبور در یکی از روستاهای همجوار انجام می‌پذیرد. وظیفهٔ ما در این مورد چیست؟

جواب: لازم است گورستان فرقهٔ ضالّه جدای از قبرستان مسلمانان باشد.

سؤال ۱۴۸. دفن اموات در گورستان‌های داخل شهر در صورتی که موجب برهم زدن بهداشت عمومی شود چه حکمی دارد؟ وظیفهٔ مسؤولان مربوطه چیست؟ آیا می‌توان برخورد کرد، و از دفن اموات آنان جلوگیری نمود؟

جواب: چنانچه دفن اموات در گورستان‌های داخل شهر ضررهای قابل ملاحظه‌ای برای ساکنین آن داشته باشد و به بهداشت عمومی زیان برساند این کار جایز نیست، و باید اموات را در گورستان‌های خارج شهر دفن کنند و پولی که برای خرید خبر داده‌اند جزء خیرات محسوب می‌شود.

سؤال ۱۴۹. پدر و مادری در زمان حیات قبری را به بیع قطعی، و بدون هیچ شرط و شروطی نسبت به آینده خریداری و در آن دفن می‌شوند. اکنون که سال‌ها از فوت آنها می‌گذرد، ورثهٔ آنها می‌خواهند در همان قبر، یکی دیگر از بستگان را دفن کنند، امّا هیأت امنای گورستان تقاضای مابه التفاوت قیمت را کرده‌اند. آیا گرفتن چنین وجهی مشروعیّت دارد؟

جواب: هرگاه قبرستان موقوفهٔ خاص بوده، یا ملک اشخاصی بوده، می‌توانند طبق ضوابط وقف وجهی بگیرند؛ در غیر این صورت جایز نیست.

احکام نبش قبر

سؤال ۱۵۰. چند سال است گرفتار خانواده‌ای فاسد و تبهکار شده‌ایم که زن فاسدی را به جای دوشیزه به ما تحمیل کرده‌اند. به دادگاه شکایت نمودم ولی از طرف این خانواده مکرّر مورد تهدید و تحقیر و ارعاب قرار گرفتیم و سرانجام دو ماه قبل همسرم فوت و اکنون به یقین رسیده‌ایم که مرگ همسرم مشکوک و توسّط متشاکی و یا عواملشان صورت گرفته است. آیا اجازه می‌فرمایید نبش قبر انجام و پزشکی قانونی ضمن معاینه جنازه علّت مرگ متوفّی را مشخّص نماید؟

جواب: در صورتی که واقعاً مرگ مشکوک باشد نبش قبر برای تحقیق مانعی ندارد.

سؤال ۱۵۱. در اواخر جنگ فرزندمان به شهادت رسید، به دلیل مشخّص نبودن هویّت وی در آن زمان، متأسّفانه ۱۸ سال پیش به اشتباه به جای فردی دیگر که پس از یک سال و نیم از اسارت بازگشته بود به خاک سپرده شده است؛ اکنون پس از مدّت‌ها چشم‌انتظاری بر اساس پی‌گیری‌ها و مستندهایی که به ما اعلام شده، دریافته‌ایم که همان شهیدی که به نام شهید گمنام دفن شده شهید ماست. با توجّه به این که ۱۸ سال از خاک‌سپاری وی می‌گذرد، آیا انتقال جنازهٔ فرزند شهیدمان به زادگاهش جایز است؟

جواب: جابه‌جایی قبر به گونه‌ای که نبش قبر صورت نگیرد اشکالی ندارد.

مراسم عزاداری و دیگر مسائل متفرقه

سؤال ۱۵۲. هنگامی که یک ناهنجاری شدید در مجالس ترحیم شکل می‌گیرد چه کسی باید مردم را منع کند؟ در هر مجلس ترحیم حداقل ۳۰ پلاکارد یا بنر (حدود صد متر مربع پارچه) و صدها برگ کاغذ A4 را به هدر می‌دهند که اصلاً لازم نیست. چرا علما از این اسراف‌های وحشتناک جلوگیری نمی‌کنند؟

جواب: ما بارها گفته و تأکید نموده‌ایم که این گونه مجالس ساده برگزار شود.

سؤال ۱۵۳. آیا تشریفات کمرشکنی که در مراسم اموات انجام می‌شود از جمله تاج‌گل و مانند آن، ریشه‌ای اسلامی دارد؟

جواب: بسیاری از آداب و رسوم پرخرج هیچ فایده‌ای ندارد و بهتر است هزینهٔ آن را صرف فقرا کنند.

سؤال ۱۵۴. لطفاً بفرمایید سوّم، هفتم، چهلم، عید و سال برای میّت از کجا سرچشمه گرفته است؟ در صورتی که حضرت علی‌علیه‌السلام در ۲۱ ماه رمضان شهید شده، و هیچ‌گونه مراسمی نداشته‌اند؟

جواب: یک نوع قرارداد عرفی است که از سوی مردم پذیرفته شده است و شرعاً اشکالی ندارد ولی به قصد ورود نباید انجام داد.

سؤال ۱۵۵. آیا فاتحه خواندن برای غیر شیعه‌ای که محبّ اهل‌بیت‌علیهم‌السلام بوده جایز است؟

جواب: اشکال ندارد.

سؤال ۱۵۶. شخصی فوت کرده و در پای او پلاتین وجود دارد، آیا این پلاتین جزء ماترک به حساب می‌آید و جایز است که بدن را بشکافند و آن را خارج کنند؟

جواب: در صورتی که قیمت زیادی داشته باشد می‌توان آن را از بدن او خارج کرد؛ به شرط این که آسیب زیادی به بدن میّت وارد نشود.

فصل هشتم: احکام تیمّم

سؤال ۱۵۷. مشکلی از ناحیهٔ کمر دارم که نمی‌توانم جابه‌جا شوم. دست راستم به کلّی فلج است، و دست چپم ۳ انگشت ندارد. در صورتی که وظیفه‌ام تیمّم باشد، چگونه باید تیمّم کنم؟ آیا می‌توانم فقط با دست چپم تیمّم کنم؟

جواب: مانعی ندارد که با همان دست تیمّم کنید؛ ولی اگر می‌توانید، با دست سالم دست فلج را بگیرید و بر چیزی که می‌توان با آن تیمّم کرد بزنید و آن را بر پیشانی بکشید و بعد با دست سالم این کار را انجام دهید.

سؤال ۱۵۸. شخصی جنب می‌شود و برای نماز صبح تیمّم می‌کند و تا ظهر موفّق بر غسل کردن نمی‌شود، آیا جهت ادای نماز ظهر و عصر باید باز هم تیمّم کند یا وضو بگیرد؟

جواب: فقط وضو می‌گیرد.

سؤال ۱۵۹. اگر یکی از اعضای تیمّم کسی که وظیفه‌اش تیمّم است نجس باشد و قابل تطهیر نباشد، آیا تیمّم بر آن صحیح است یا لازم است از پارچه‌ای پاک به‌عنوان جبیره استفاده نماید؟

جواب: در صورتی که خشک باشد می‌توان بر آن تیمّم کرد و اگر نجاسات تسری دارد باید چیزی بر آن بگذارد و تیمّم کند.

سؤال ۱۶۰. تیمّم بر موزائیک و سیمان چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست.

فصل نهم: احکام نماز

اوقات نمازهای پنج‌گانه

سؤال ۱۶۱. در مناطق شمالی اروپا پس از غروب آفتاب هم آسمان همچنان روشن است به‌گونه‌ای که تشخیص طلوع فجر صادق امکان ندارد. البتّه یک ساعت و نیم قبل از طلوع خورشید روشنایی قوی‌تر و شدیدتر می‌شود. آیا می‌توان در این هنگام نماز صبح را اقامه کرد؟

جواب: لازم است نماز صبح از هنگام قوی‌تر شدن روشنایی خوانده شود.

سؤال ۱۶۲. اوقات نماز در کشورهای مختلف معمولاً برای ما درست مشخّص نیست، چه باید کرد؟

جواب: می‌توانید از مراکز معتبر مخصوص این کار در کشورهای اسلامی وضع آنجا را سؤال کنید. در ضمن معمولاً مسلمانانی که پیش از شما در آن محل بوده‌اند، اطّلاعاتی در این زمینه دارند.

سؤال ۱۶۳. جمعی از پیروان اهل بیت علیهم‌السلام که به تازگی به کشور فنلاند رفته‌اند می‌خواهند حکم نماز و روزه خود را بدانند. با توجّه به این‌که در آن کشور اوقات شبانه‌روز با کشورهایی نظیر ما، بسیار متفاوت است، خواهشمندیم نظر معظّم‌له را در این زمینه مرقوم فرمایید.

جواب: چنین افرادی عبادات خود را مطابق اوقات شرعی مناطق معتدله‌ای که تقریباً در یک خط نصف النهار قرار دارند بجا آورند.

نماز اوّل وقت

سؤال ۱۶۴. لطفاً به سؤالات زیرا پاسخ دهید:

الف) باز بودن مغازه‌های اطراف حرم حضرت معصومه علیها السلام در وقت اذان، و دعوت مستقیم و غیر مستقیم از مردم به خصوص زائرین به تجارت، به هنگام اذان و اقامهٔ نماز جماعت حرم مطهر، که توسّط علما اقامه می‌گردد، مصداق بارز سهل‌انگاری نسبت به نماز و هتک شأن و شؤونات حرم مطهر می‌باشد. این کار چه حکمی دارد؟

ب) با توجه به آیهٔ شریفه ﴿**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنتُمْ تَعْلَمُونَ**﴾[1] تعدادی از کسبهٔ اطراف حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام، مغازه‌هایشان را در وقت ایراد خطبه‌ها و اقامهٔ نماز جمعه نمی‌بندند و موجب وهن آشکار مراسم عبادی، سیاسی نمازجمعه در نگاه زواری که از شهرها و کشورهای دیگر به شهر علم و فقاهت آمده‌اند، می‌گردند. این کار، چه حکمی دارد؟

ج) با توجّه به این که زائرین زیادی از شهرهای دور و نزدیک و همچنین از کشورهای دیگر به شهر مقدّس قم می‌آیند و سهل‌انگاری آشکار نسبت به اذان و نماز جماعت حرم مطهر را خلاف سیرهٔ رسول‌الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و تبلیغ منفی بر علیه تشیّع می‌دانند. برای احیای سنّت و سیرهٔ اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در توجّه جدّی به اذان و اقامهٔ نماز اوّل وقت به صورت جماعت در هستهٔ مرکزی شهر و مجاورت بارگاه ملکوتی حضرت معصومه علیها السلام چه باید کرد؟

جواب الف تا ج) سزاوار است کسبهٔ اطراف حرم مطهر و مؤمنینی که به آنجا برای خرید آمده‌اند به محض شنیدن صدای اذان محلّ کسب را تعطیل کنند و به سوی جماعت بشتابند؛ مخصوصاً در روز جمعه و برای حضور در خطبه‌های نماز جمعه مسئولین به طور مؤکّد به آنها تذکّر دهند که اشتغال به کسب و کار در چنین ساعتی سبب وهن مذهب و سلب برکت از کسب و کارشان خواهد شد.

---

۱. سورهٔ جمعه، آیهٔ ۹؛ ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که برای نماز روز جمعه اذان گفته شود، به سوی ذکر خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید که این برای شما بهتر است اگر می‌دانستید!».

احکام قبله

سؤال ۱۶۵. تا چندی پیش متدیّنین و نمازگزاران شهر ما به قبلهٔ مستقیم (بدون تمایل به چپ و راست) نماز می‌خواندند؛ چون امامزادهٔ واجب التعظیم شهر هم به همین منوال دفن شده، و محراب مسجد جامع و دیگر مساجد شهر هم بر اساس قبلهٔ مستقیم ساخته شده‌اند. اکنون در پی ادّعای برخی از متدیّنین مبنی بر این که قبله مستقیم نیست و تحقیق برخی از اهل فن، انحراف قبله به سمت راست در حدود ۱۵ تا ۲۰ درجه احراز شده است، اکنون وظیفهٔ مکلّفین چیست؟

جواب: بسیاری از قبله‌های شهرستان‌ها متأسّفانه دقیق نیست. بنابراین، هرگاه با قبله‌نمای سالم، که دور از آهن قرار دارد، احراز گردید که قبلهٔ آنجا کمی انحراف دارد مطابق آن عمل کنید و نباید این امور سبب اختلاف یا سرگردانی مؤمنین شود.

سؤال ۱۶۶. هرگاه سر کسی بر اثر تصادف ۹۰ درجه برگردد به گونه‌ای که صورت او کاملاً به سمت چپ بدن برگردد، چگونه باید نماز بخواند؟

جواب: باید به شکلی بایستد که جلوی بدن او رو به قبله باشد.

سؤال ۱۶۷. طبق کلیهٔ اطّلاعات علمی جدید، مثل قطب‌نماهای پیشرفته و حتّی استفاده از خورشید که در روز و ساعت مشخّص (۷ خرداد و ۲۴ تیر حدوداً ساعت ۱۳/۴۰ دقیقه) بر روی کعبه قرار می‌گیرد و به این ترتیب در آن موقع در هر مکان از ایران سایهٔ شاخص جهت قبله را دقیق نشان می‌دهد و همچنین روش‌های دیگر، درجه‌ای که مشخّصی گردیده حدوداً ۴۰ دقیقه به طرف راست می‌باشد. ولی با این همه بحث و گفتگو با مسؤولین مربوطه به خاطر این که از قدیم این بنا گذاشته شده و نیز سنگ قبر و ضریح که (باید ۴۰ درجه به‌سمت راست متمایل باشد) را از قدیم به طور مستقیم قرار داده‌اند، و همچنین دلایل دیگری که خود مطرح می‌کنند، جهت قبله و محراب را مستقیم قرار داده‌اند. لطفاً در این زمینه به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) در صورت موافقت نکردن مسؤولین به دلیلی که ذکر شد و با توجّه به این که

روش‌هایی که برای جهت قبله ذکر گردید روش‌هایی است که توسط رسانهٔ ملّی و نشریّات مطرح گردیده و جایی برای شک و گمان نیست، وظیفهٔ ما که جهت دقیق قبله را می‌دانیم برای برپایی نماز جماعت در آن مکان مقدّس (امامزاده) چه می‌باشد؟

جواب: چنانچه مطمئن هستید قبلهٔ آنجا انحراف دارد باید به سمتی که اطمینان دارید قبله است نماز بخوانید و به دیگران نیز بگویید از قبله‌نماهای سالم برای این کار استفاده کنند.

ب) با توجّه به مشخّص بودن جهت قبله (۴۰ درجه به طرف راست) با روش‌های دقیق ذکر شده می‌توان حداقل به ۱۰ الی ۱۵ درجه به سمت راست اکتفا نمود؟

جواب: کفایت نمی‌کند؛ ولی اختلاف ۴ الی ۵ درجه مهم نیست.

ج) اگر امام جماعت مستقیم و آن تعداد از مأمومین که جهت قبله را می‌دانند ۴۰ درجه به سمت راست بایستند نماز مأمومین صحیح است؟

جواب: چنین نماز جماعتی اشکال دارد.

سؤال ۱۶۸. مسجد شهر ما توسّط جهاد سازندگی تجدید بنا گردیده که ساختمان مسجد به صورت شمالی و جنوبی احداث شده و قبلهٔ مسجد نسبت به جنوب ۱۷ درجه است. نظر به این که قبلاً بنای قدیمی مسجد محرابی نداشته، و ساختمان مسجد به گونه‌ای بوده که نسبت قبله به جنوب مشهود نبوده، و لذا بعد از تجدید بنا و معلوم شدن قبله در داخل مسجد محرابی ساخته شده که تمایل ۱۷ درجه‌ای قبله را نشان می‌دهد و از آن به بعد در بین مردم حرف و حدیث فراوان شده که چرا قبله‌ای که قبلاً مستقیم بوده مایل به چپ شده است. حال هیأت امنا و خیّرین بر آن شده‌اند که تکلیف مردم را معلوم کنند یا شبستان درون مسجد را با قبله موازی کنند، یا اگر مشکلی نداشته باشد محراب مسجد را پر کنند. آیا می‌توان ۱۷ درجه را نادیده گرفت و قبله را به طرف جنوب گذاشت؟

جواب: در صورتی که به وسیلهٔ قبله‌نمای صحیح و یا هر وسیلهٔ دیگر انحراف ۱۷ درجه‌ای ثابت شود باید به آن عمل کرد و برادران توجّه داشته باشند

که در سابق بسیاری از قبله‌ها را به اشتباه نقطهٔ جنوب می‌گرفتند هنگامی که خطای آن ثابت شد باید قبله مسجد را اصلاح کرد.

لباس نمازگزار

سؤال ۱۶۹. در هرات کفش‌ها و لباس‌های چرمی خرید و فروش می‌شود که یقین داریم از کشورهای غیر اسلامی وارد شده، و واردکننده هیچ نوع جستجو و تحقیقی نکرده است. حکم این اجناس از نظر معامله و نجس و پاک بودن چیست؟ نماز خواندن در آن چه حکمی دارد؟

جواب: مادام که علم به نجاست آنها نداشته باشید پاک است، ولی مستحب است آنها را آب بکشید. و نماز خواندن با آن جایز است و معاملهٔ آن اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۰. آیا لباس زینتی صرفاً شامل زیورآلات مثل انگشتر، گردن‌بند و دست‌بند و مانند آن می‌شود، یا آنچه عرفاً لباس محسوب می‌شود مثل پیراهن و شلوار نیز می‌تواند مصداق این‌گونه لباس‌ها باشد؟

جواب: لباس زینتی چیزی است که زن‌ها برای زیبایی آن را می‌پوشند و شبیه آرایشی است که در صورت خود انجام می‌دهند.

سؤال ۱۷۱. در صورتی که روی لباس لکهٔ کم‌رنگی از خون حیض باشد که با چند بار شسته شدن از بین نرود آیا نماز خواندن با این لباس صحیح است؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۲. پوشیدن پیراهن مشکی در عزای پدر و مادر چه حکمی دارد؟ برای اهل‌بیت علیهم‌السلام چه‌طور؟

جواب: برای اهل البیت علیهم‌السلام که نوعی تعظیم شعائر الهی محسوب می‌شود اشکالی ندارد؛ ولی در غیر آن مکروه است و در شرایط فعلی برای عزای پدر و مادر کراهت ندارد.

سؤال ۱۷۳. ما جمعی از زنان و دختران جوان شهرضا اقدام به زدن روبند و نقاب نموده‌ایم، امّا این عمل با مخالفت‌هایی زیاد که شاید ناشی از محدودیت و کوچک بودن جوّ شهر باشد، روبه‌رو شده است، از جمله این که این عمل را افراط، بدعت و امری خارج از سیرهٔ نبوی می‌دانند. نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: استفاده از روبند و نقاب برای بانوان شرعاً اشکال ندارد؛ مگر این که در آنجا انگشت‌نما شوند.

سؤال ۱۷۴. کسی که لباس نجس را برای شستن به کسی داده، بعداً بدون سؤال از شستن با اعتقاد به شسته شدن، آن را پوشیده و نماز خوانده حکم نمازهای او چیست؟

جواب: در صورتی که مطمئن است آن شخص لباس را شسته نماز او اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۵. آیا بر زنان واجب است پاهای خود را بپوشانند؟ امروزه مرسوم شده زنان بدون پوشش پاها در خیابان‌ها حضور پیدا می‌کنند، نگاه کردن به پاهای چنین زنانی چه حکمی دارد؟

جواب: تمام ساق قطعاً باید پوشیده باشد و بهتر است روی پا و پشت پا را نیز بپوشانند.

مواردی که نجس بودن لباس یا بدن مجاز است

سؤال ۱۷۶. مدّتی بود که بی‌اختیار یک قطره از من خارج می‌شد، امّا متأسّفانه اکنون دائمی شده و در محلّ خروج ادرار دائماً مایعی وجود دارد، بدین جهت برای این که لباسم آلوده نشود با دستمال کاغذی و پلاستیک آن را می‌پوشانم لطفاً بفرمایید: نماز خواندن با این حالت چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه آب کشیدن آن به هنگام نماز موجب عسر و حرج باشد اشکالی ندارد.

مکان نمازگزار

سؤال ۱۷۷. اگر مکانی توسّط فردی غصب شده باشد و نمازگزار در فضای بالای آن مکان غصبی (در صورت علم به غصبی بودن آن مکان) بخواهد نماز بخواند چه حکمی دارد؟ مانند آپارتمانی که طبقهٔ اوّل آن غصبی است، اگر شخصی بخواهد در طبقهٔ دوم نماز بگذارد آیا نمازش صحیح است؟

جواب: هرگاه در ابتدا همهٔ آن ساختمان را از مال حلال ساخته‌اند بعداً یک نفر یکی از طبقات را غصب کرده و در آن نشسته، ضرری برای بقیّه ندارد.

سؤال ۱۷۸. در یکی از روستاهای اطراف شهرستان مرودشت مسجدی وجود دارد که تعدادی از فرش‌های اهدایی این مسجد منقش به تصاویر انسان‌ها و حیوانات است. نماز بر روی این فرش‌ها چه حکمی دارد؟

جواب: نماز بر روی چنین فرش‌هایی جایز است؛ هر چند نبودن چنین فرش‌هایی در مسجد بهتر است.

احکام مسجد

۱. اهمیت مسجد

سؤال ۱۷۹. در یکی از محلّات قدیمی تهران و در فاصلهٔ کمتر از ۵۰۰ متری مسجد جامع (که از سالیان گذشته تا حال فعّال می‌باشد) حسینیّه‌ای وجود دارد که به دلیل عدم منع حضور بانوان،اکثر مجالس عزاداری و فاتحه‌خوانی در آنجا برگزار می‌شود.

با عنایت به احترام مسجد و فضیلت نماز جماعت در آن به ویژه مسجد جامع، آیا می‌توان مسجد را برای مدّت طولانی (محرّم و صفر) تعطیل و نماز جماعت را در حسینیّه اقامه کرد؟ با توجّه به این که در ایّام مذکور فقط برای مدّت ۱۰ شب عزاداری عمومی برگزار می‌گردد، و مراسم عزاداری در حسینیّه حداقل یک ساعت بعد از نماز انجام می‌شود و جمع بین اقامه نماز در مسجد و عزاداری در حسینیّه امکان‌پذیر می‌باشد، حکم مسأله چیست؟

جواب: با توجّه به این که ثواب نماز در مسجد بسیار زیاد است و فاصلهٔ بین مسجد و حسینیه مذکور زیاد نیست شایسته است نماز در مسجد و عزاداری در حسینیّه اقامه شود.

سؤال ۱۸۰. دختر جوانی هستم که همسایهٔ مسجدم. خواهشمند است بفرمایید: تا چه حد رفتن یک دختر به مسجد جایز است؟

جواب: با حفظ جهات شرعیّه اشکالی ندارد.

۲. متولیان، هیئات امنا و خادمان مسجد

سؤال ۱۸۱. لطفاً نظر مبارک را در مورد سئوالات زیر مرقوم فرمایید:

الف) آیا در صدر اسلام هم هیأت امنای مساجد، که الآن مرسوم است، وجود داشت؟ اگر بوده سابقهٔ آن از چه زمانی می‌باشد؟

ب) نظر اسلام دربارهٔ وظایف این هیأت‌ها چیست؟

ج) آیا مجموعه‌های فرهنگی و افراد دلسوز، برای برگزاری مراسم‌های مذهبی و برنامه‌های فرهنگی در مسجد، باید از اعضای هیأت امنا اجازه بگیرند؟

د) آیا اعضای هیأت امنا صلاحیّت تأیید یا ردّ برنامه‌های مذهبی و فرهنگی را دارند؟

جواب: الف تا د) در صدر اسلام هیأت اُمنا به صورتی که امروز مرسوم است وجود نداشته، ولی با توجّه به مشکلاتی که در امر ادارهٔ مساجد در عصر و زمان ما وجود دارد نیاز به هیأت اُمنا احساس می‌شود و هیأت اُمنا باید از افراد صالح و امام جماعت مسجد انتخاب شوند و تمام کسانی که می‌خواهند تصرّفاتی در مسجد کنند با موافقت آنها باشد.

سؤال ۱۸۲. لطفاً در مورد محدودهٔ اختیارات متولّی مسجد به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) اگر برای متولّی شرعی و قانونی مسجد (که حتّی سند شش دانگ ملک و موقوفات به نام اوست و واقف او را به عنوان متولّی منصوص مسجد تعیین نموده، و اختیارات کامل در ادارهٔ امور مسجد به وی داده) عدم صلاحیّت امام جماعت، ثابت

شود، آیا می‌تواند او را از اقامهٔ نماز در مسجد منع کند؟

ب) در صورتی که امام جماعت به‌گفتهٔ متولّی مسجد اعتنا نکرده، و به نماز جماعت مبادرت ورزد، نمازش چه حکمی دارد؟

ج) به طور کلّی، رضایت یا عدم رضایت متولّی شرعی و قانونی مسجد در صحّت و عدم صحّت جماعت تأثیر دارد؟

جواب:الف‌تاج) متولّی در عزل ونصب امام جماعت دخالتی ندارد؛ بلکه اگر مردم کسی را برای امامت صالح دیدند، می‌توانند او را به عنوان امام جماعت انتخاب کنند.

۳. تغییرات و تعمیرات مسجد

سؤال ۱۸۳. مسجدی آبدارخانه ندارد، آیا می‌توان قسمتی از آن راکه مزاحمت برای نمازگزاران ندارد، تبدیل به آبدارخانه کرد؟

جواب: در صورتی که مورد نیاز مسجد باشد، و مزاحم نمازگزاران نباشد این کار اشکالی ندارد، امّا احکام مسجد را دارد.

سؤال ۱۸۴. مسجدی که قدمت تاریخی بسیاری دارد، در چند سالهٔ اخیر با لطف و عنایت خداوندی، و با همّت اهالی و روحانی محترم مسجد، به طور اساسی بازسازی شد. لکن دیواری که بین حیاط مسجد و کوچه مجاور قرار داشت تخریب نشد. زیرا با تخریب این دیوار می‌بایست عملیّات عقب‌نشینی مصوّب شهرداری انجام می‌گرفت. به هنگام اجرای مراسم مذهبی در این مسجد، خیابان‌ها و کوچه‌های اطراف بسیار شلوغ شده و ترافیک سنگینی ایجاد می‌گردد و تنگ بودن ورودی کوچه و مسائل جانبی باعث عدم رضایت ساکنین منازل اطراف مسجد شده و این اعتراضات را بارها عنوان نموده‌اند. روحانی مسجد عنوان نموده که دلیل عقب‌نشینی نکردن، عدم اجازهٔ سازمان میراث فرهنگی است. آیا نماز خواندن در این مسجد صحیح است؟

جواب: این مطلب ضرری به اقامهٔ نماز در آن مسجد نمی‌زند.

سؤال ۱۸۵. مسجدی در شهر گلپایگان، هیچ‌گونه وقف‌نامه یا سندی که گویای حدود مسجد باشد ندارد. در سال‌های اخیر ایوان مسجد نیز ـ بدون این که صیغهٔ خاصّی خوانده باشند ـ به فضای مسجد ملحق گردیده است. حال با توجّه به این که یکی از هیأت‌های مذهبی شهرستان با تلاش برادران و جوانان ولایی آن خطّه، در مسجد مذکور برنامه‌های دینی و مذهبی برپا کرده، و مورد استقبال همشهریان قرارگرفته، مستدعی است حکم شرعی دو سؤال ذیل را تبیین فرمایید:

الف) آیا فضای حیاط مسجد، در حکم مسجد است؟

ب) با توجّه به این که علم به مسجد بودن ایوان سابق نداریم، و در این باره ظهور عرفی نیز وجود ندارد، ایوان ملحق شده به مسجد چه حکمی دارد؟

جواب: ظهور عرفی مساجد در این گونه مناطق این است که ایوان و حیاط مسجد (جز در مواردی که قرینه‌ای بر خلاف قائم باشد) جزء مسجد است.

۴. ورود کفار به مسجد

سؤال ۱۸۶. جهانگردان خارجی، علاقه‌مند به بازدید از اماکن مذهبی در کشورهای اسلامی هستند. با توجّه به مشکلاتی که فراروی جهانگردان غیر مسلمان قرار دارد، خواهشمند است نظر شریف خود را در این خصوص موارد زیر بیان فرمایید:

الف) ورود اهل کتاب به صحن مسجد، حرم ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام و دیگر اماکن و بقاع متبرّکه، چه حکمی دارد؟

ب) وارد شدن اهل کتاب به شبستان مساجد و رواق‌های حرم ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام چه حکمی دارد؟

ج) ورود مشرکین به اماکن یادشده چه حکمی دارد؟

د) چنانچه ورود جهانگردان غیر مسلمان سبب نجاست اماکن مذکور نشود، چه حکمی دارد؟

ه) چنانچه حضور غیر مسلمانان در این اماکن موجب جلب نظر آنها به دین مبین اسلام شود، چه حکمی دارد؟

و) وظیفهٔ متولیّان و مدیران اماکن مذهبی در این خصوص چه می‌باشد؟

جواب: الف تا و) هرگاه بازدید آنها از اماکن متبرّکه و مساجد سبب جلب نظر آنها به دین اسلام شود یا تبلیغات مسموم مغرضان را خنثی سازد و موجب نجاست آن اماکن نگردد اشکالی ندارد.

سؤال ۱۸۷. شهر شیراز به لحاظ جاذبه‌های تاریخی، سیاحتی و زیارتی، مورد توجّه گردشگران فراوانی است. بدین جهت، گردشگران به صورت فردی و گروهی مایل به بازدید از بقاع متبرّکه و مساجد این شهر هستند، ولی زنان گردشگر خارجی معمولاً حدّاقل حجاب را هم ندارند و از لباس‌های نامناسب استفاده می‌کنند. تکلیف ورود زنان خارجی با توجّه به مسائل زنانه به مسجد چگونه است؟

جواب: ورود آنها به بقاع متبرّکه در صورتی مجاز است که موازین اسلامی را رعایت کنند، و مایهٔ هتک این اماکن نشوند. و در مورد وظایف آنها، از قبیل غسل و مانند آن مسؤولیّتی نداریم. و در مورد مساجد اگر ورود آنها به نفع اسلام و مسلمین باشد با همان شرایط جایز است.

سؤال ۱۸۸. با عنایت به این که بعضی از مساجد در قلب مناطق مسکونی هستند که این امر موجب خشنودی است ولی عملکرد بعضی از خادمین و یا دیگر دست‌اندرکاران مسجد، موجب گلایه یا درگیری با همسایه‌های مسجد، یا طردشان از مسجد می‌شود، چراکه عزاداری‌ها، مولودی‌ها (جشن‌ها)، دعاها (کمیل، ندبه، توسّل، زیارت عاشورا)، مجالس ترحیم (سوم، هفتم و چهلم)، اطّلاعیّه‌ها و اعلامیّه‌ها از طریق بلندگوی مسجد پخش می‌شود و این امر آسایش بیماران، کودکان، استراحت کارمندان و مانند آن را از بین می‌برد.

علاوه بر این، باز نمودن بعضی از پنجره‌های مساجد به طرف حیاط همسایه‌ها، موجبات چشم‌اندازی به حریم خانواده‌ها شده یا موجب انعکاس صحبت‌های خانوادگی و پخش آن در بین دیگران می‌شود، نظرتان چیست؟

جواب: مؤمنین باید کاملاً مراقب باشند که برنامه‌های مسجد مشکلی برای

همسایگان ایجاد نکند و جز اذان از بلندگوی خارج مسجد پخش نشود و پنجره‌های مزاحم را باید ببندند.

۵. مسائل متفرقهٔ مسجد

سؤال ۱۸۹. آیا لازم است هیأتهای مذهبی و مساجد زیر پوشش سازمان تبلیغات اسلامی درآیند؟

جواب: ضرورتی ندارد، باید به صورت نهادی مردمی عمل کنند؛ ولی سزاوار است با سازمان تبلیغات اسلامی نیز همکاری مناسب داشته باشند.

سؤال ۱۹۰. آیا جایز است بر پشت بام مسجد جامع شهر آنتن ماهواره نصب کرد، و به ازای آن ماهیانه اجاره دریافت نمود؟

جواب: نصب آنتن ماهواره بر پشت بام مسجد به هیچ وجه جایز نیست.

سؤال ۱۹۱. ورزش در مسجد چه حکمی دارد؟ آوردن امکانات ورزشی از قبیل میز پینگ پنگ (تنیس روی میز) در مسجد چه حکمی دارد؟

جواب: ورزش برای همگان مخصوصاً برای جوانان و نوجوانان امر لازمی است؛ ولی در شأن مساجد و حسینیّه‌ها نیست. شایسته است مکان مناسب دیگری برای آن در نظر گرفته شود.

سؤال ۱۹۲. مسجدی است در راوند کاشان که با کمک مردم خیّر و نیکوکار ساخته و وقف شده، و دارای آب، برق، گاز و غیره می‌باشد. طبق قانون جمهوری اسلامی بین نرخ برق مسکونی، تجاری، صنعتی، آموزشی و مذهبی تفاوت‌هایی وجود دارد که نرخ برق مذهبی ارزان‌تر از همهٔ تعرفه‌ها می‌باشد. سؤال اینجاست که در کنار درب ورودی مسجد یک دستگاه تصفیهٔ آب نصب شده، و آبی که وقف مسجد است به همین دستگاه وصل گردیده، و این آب تصفیه شده را به قیمتی ارزان‌تر به مؤمنین می‌فروشند. این کار چه حکمی دارد؟

جواب: این کار شرعاً جایز نیست؛ مگر این که ادارهٔ آب و برق مطّلع باشند و موافقت کنند.

سؤال ۱۹۳. آیا گذاشتن میّت غسل داده نشده، در مسجد جایز است؟

جواب: چنانچه در پارچه یا پتویی پیچیده شود و یا در تابوت باشد و چیزی به مسجد سرایت نکند و به طور موقّت باشد اشکالی ندارد.

سؤال ۱۹۴. بر روی قالی‌های یکی از مساجد شهر ما جمله‌ای نوشته شده که قسمتی از آن «مسجد رسول» یا «مسجد الرسول» است که نام آن مسجد می‌باشد، برخی از نمازگزاران به طور غیر عمد یا از روی فراموشی، یا ندانستن مسأله، بر روی آن پا می‌گذارند. با توجّه به این که این عنوان تقریباً بر تمام قالی‌ها نوشته شده و ممکن است پنهان کردن این نام مشکل باشد وظیفهٔ هیأت امنای مسجد در این زمینه چیست؟

جواب: این فرش‌ها را باید اصلاح کرد؛ مثلاً آن محل را رنگ کنند.

اذان و اقامه

سؤال ۱۹۵. آیا جهت پخش اذان از بلندگوی مسجد، به‌خصوص اذان صبح، رضایت همسایگان شرط است؟

جواب: رضایت همسایگان در پخش اذان مساجد لازم نیست؛ ولی صدای بلندگو به‌صورت معتدل باشد.

واجبات نماز

سؤال ۱۹۶. آهسته خواندن حمد و سوره در نمازهای صبح، مغرب و عشا، عمداً یا سهواً چه حکمی دارد؟

جواب: عمداً جایز نیست.

سؤال ۱۹۷. اگر نمازگزار در رکعت سوم یا چهارم حمد را اختیار کند، و از روی سهو یا جهل آن را بلند بخواند، تکلیف او چیست؟ اگر قبل از رکوع متوجّه شد چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: اشکالی ندارد و تکرار آن لازم نیست.

سؤال ۱۹۸. در مورد تجوید و قرائت قرآن اساتید بزرگوار تجوید، در غیر حروف استعلاء و راء مفخّمه و لام جلالهٔ ماقبل مفتوح و ماقبل مضموم، الف‌ها را با اِماله می‌خوانند که صدایی بین الف و فتحه است. مثلاً در مالك یوم الدّین یک بار میم مالک را با فتحه مَلِك می‌خوانند که به معنای پادشاه است و یک بار با الف اِماله شده می‌خوانند که معنای وسیع‌تری دارد، یا لفظ عالمین و یا ایّاك نعبد وایّاك نستعین را نیز با اماله می‌خوانند که این خود لهجهٔ عربی است در حالی که بعضی از اساتید جلسات آموزش تجوید می‌فرمایند: سورهٔ حمد در نماز از این قاعده مستثناست و الفهای کلمات سورهٔ حمد را نباید با اماله خواند. نظر حضرتعالی در این زمینه چیست؟

جواب: همین اندازه که در عرف عرب صدق قرائت صحیح کند کافی است.

سؤال ۱۹۹. حضرتعالی در استفتائات خود (ج اول، ص ۶۷، س ۱۹۰) فرموده‌اید: «احتیاط آن است که به جای «مَلِكِ یَوم الدین»، «مالِكِ یَومِ الدین» گفته شود» در حالی که یکی از اساتید ما فرمودند: «ملك کسی است که احاطه بر مادّه و غیر مادّه دارد و مالک کسی است که فقط احاطه بر مادّه دارد و همچنین ۱۰ نفر از ۱۴ قرّاء، «ملك یوم الدین» و ۴ نفر دیگر «مالك یوم الدین» قرائت کرده‌اند. دلیل حضرتعالی چیست؟

جواب: دلیل ما روشن است؛ائمّهٔ اهل‌بیت علیهم‌السلام فرموده‌اند «اقرأ کما یقرأ الناس...»[1] یعنی قرائت مشهور را انتخاب کنید و فعلاً قرائت مشهور «مالِكِ یَومِ الدین» است.

قیام

سؤال ۲۰۰. کسی که نمی‌تواند ایستاده نماز بخواند، آیا نشستن روی صندلی یا روی زمین فرق دارد؟ رکوع و سجودش را چگونه انجام دهد؟

جواب: احتیاط آن است که اگر می‌تواند روی صندلی بنشیند و برای رکوع خم شود و برای سجده اگر بتواند روی میز سجده کند و الّا مهر را برمی‌دارد و کمی خم می‌شود و بر پیشانی می‌گذارد.

---

۱. وسایل الشیعه، ج ۴، ابواب القرائة فی الصلاة، باب ۷۴، ح ۱.

رکوع

سؤال ۲۰۱. آیا می‌توان در رکوع آخر نماز، جملهٔ «وعجّل فرجهم والعن اعدائهم أجمعین» راگفت؟ در ضمن شخصی چندین سال است که جملات مزبور را در رکوع آخر نمازهایش گفته، وظیفهٔ شرعی ایشان چیست؟

جواب: اشکالی ندارد؛ ولی گاه آن را ترک کنید تا تصوّر نشود جزء نماز است.

سؤال ۲۰۲. این که مستحب است در رکوع یا سجده، سه مرتبه ذکر مخصوص گفته شود، آیا باید پشت سر هم باشد یا می‌توان دو مرتبه ذکر رکوع یا ذکر سجده را بگوییم، بعد صلوات فرستاده، سپس یک مرتبهٔ دیگر آن را تکرار کنیم؟

جواب: تفاوتی نمی‌کند.

سجده

سؤال ۲۰۳. در صورتی که لباس نمازگزار از پنبه یا کتان باشد، در جایی که به خاطر تقیّه سجده بر فرش صحیح است، چنانچه بتواند بدون محذور بر لباس خود سجده کند، آیا سجده بر فرش که از پشم یا مواد لاستیکی است مجزی است؟

جواب: در فرض سؤال سجده بر پنبه و کتان اولویّت دارد.

سؤال ۲۰۴. در خصوص سجده‌کردن بر زمین در زمان حیات پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله به دلیل «جعلت لی الارض طهوراً و مسجداً»[1] همه بر زمین سجده می‌کردند. ولی بعداً اهل تسنّن بر فرش سجده کردند. اوّلین نفر که سجده بر فرش را جایز شمرد کیست؟ و این حادثه در دوران کدام یک از خلفا یا معصومین علیهم‌السلام روی داده است؟

جواب: در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مساجد فرش نداشت و بر زمین سجده می‌کردند وگاه بر بوریا؛ ولی در زمان خلیفهٔ دوم که فتوحات اسلامی زیاد شد و مال و ثروت فراوانی به مراکز اسلامی رسید مساجد آباد شد و فرش در آن انداخته و طبعاً بعضی از روی اشتباه بر آن فرش‌ها سجده کردند. امّا چه کسی اوّلین شخص بوده دقیقاً معلوم نیست.

---

۱. بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۳۰۸.

سؤال ۲۰۵. در برخی از مساجد و نمازخانه‌ها، و حتّی منازل، از مهرهایی برای نماز استفاده می‌کنند که کاملاً کثیف شده و یک لایهٔ سیاهی روی آن را پوشانده و بعضی از آنها مهر کربلا هم می‌باشد. نظر جنابعالی در مورد استفاده از چنین مهرهایی چیست؟

جواب: چنانچه فقط رنگ مهر تغییر کرده باشد (که غالباً چنین است) ضرری به نماز نمی‌زند، ولی اگر واقعاً لایه‌ای از چرک روی آن را گرفته باشد باید برطرف گردد.

سؤال ۲۰۶. آیا گذاشتن آرنج و شکم و ران بر روی زمین توسّط مردها و زن‌ها به هنگام سجده، موجب بطلان نماز می‌شود؟

جواب: موجب بطلان نماز نمی‌شود؛ ولی گذاشتن شکم و ران بر زمین به هنگام سجده جایز نیست.

سجدهٔ واجب قرآن

سؤال ۲۰۷. هنگامی که در وسائل نقلیه هستیم گاهی قرآن می‌خوانیم. آیا وقتی که به آیهٔ سجده می‌رسیم، مجاز به قرائت آن هستیم یا باید صبر کنیم و در هنگام تمکّن از سجدهٔ اختیاری آیه را بخوانیم؟

جواب: بهتر است صبر کنید بعداً بخوانید.

تشهّد

سؤال ۲۰۸. در کتاب تحف العقول بخش سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام قسمت آداب چهارگانه آن حضرت آمده است: «هرگاه بنده‌ای در تشهد آخر نماز واجبش پس از گفتن **أشْهَدُ أن لا اله الّا الله وحده لا شريك له وأشهد أنّ محمّداً عبده ورسوله وأنّ السّاعة آتية لا ريب فيها وأنّ الله يبعث من في القبور**» از او حدثی سر زند نمازش صحیح است آیا این حدیث اعتبار دارد؟

جواب: حدیث مذکور سند معتبری ندارد و کسی از فقهای معتبر به آن فتوا نداده و از نظر ما مردود است.

سؤال ۲۰۹. آیا از آیهٔ شریفهٔ ﴿**إِنَّ اللهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ...**﴾[۱] وجوب صلوات فهمیده می‌شود؟

جواب: ظاهرش وجوب فی‌الجمله است و آن در تشهّد نمازها حاصل می‌شود.

تعقیبات

سؤال ۲۱۰. در مسجد ما بلافاصله بعد از هر نماز، اوّل تکبیر با صدای بلند، سپس آیهٔ مبارکهٔ ﴿**انّ الله وملائكته...**﴾[۲] و بعد از آن تسبیحات حضرت زهراعليها السلام گفته می‌شود. ترتیب مذکور مطلوب است، یا تسبیحات حضرت زهراعليها السلام باید مقدّم شود؟

جواب: بهتر آن است که اوّل تسبیحات حضرت زهراعليها السلام گفته شود.

سؤال ۲۱۱. هنگامی که در حال گفتن ذکر یک روز، یا تسبیحات حضرت زهراعليها السلام هستیم، لطفاً بفرمایید:

الف) آیا این اذکار را باید پشت سرهم بگوییم؟

جواب: آری پشت سر هم بگویید.

ب) اگر در بین گفتن تسبیحات حضرت زهراعليها السلام مثلاً ذکر الله اکبر، سخنی گفته شود یا در بین الله اکبر و الحمد لله، چیزی بگوییم، باید آن ذکر را دوباره از اوّل شروع کنیم؟

جواب: بهتر است چیزی نگویید.

مواردی که شکستن نماز جایز است

سؤال ۲۱۲. اگر در ایستگاه آتش‌نشانی به هنگام خواندن نماز زنگ اخبار به صدا درآید آیا باید نماز را شکست یا خیر؟ (البته ما نمی‌دانیم که عمق حادثه تا چه اندازه است فقط به وظیفه عمل می‌کنیم).

جواب: باید نماز را در آن حالت رها کنید.

---

۱ و ۲. سورهٔ احزاب، آیهٔ ۵۶؛ ترجمه: «خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او درود فرستید و (در برابر اوامر او) کاملاً تسلیم باشید».

شکیّات

سؤال ۲۱۳. اگر کثیرالشک یا وسواسی در اصل انجام اعمال (نه در نحوه و کیفیّت آن) مانند انجام اصل نماز، غسل، وضو یا تطهیر شیء نجس بسیار تردید نماید، لطفاً بفرمایید:

الف) تکلیف این شخص چیست؟

جواب: احتیاط آن است که اگر وقت باقی است عمل را انجام دهد؛ مگر این که به سرحد وسواس برسد.

ب) در صورتی که انسان در غالب موارد کثیرالشک باشد آیا در خصوص مواردی هم که شکّ ابتدایی حادث می‌گردد، کثیرالشک محسوب می‌شود؟

جواب: هرگاه کثرت شک مخصوص به مورد معیّنی نیست هر شکی که می‌کند داخل دایرهٔ آن محسوب می‌شود.

سجدهٔ سهو

سؤال ۲۱۴. اگر هنگام نماز و گفتن ذکرها، زبانمان گیر کند و یک کلمه را چند بار تکرار کنیم و بعد صحیح آن را بگوییم، بعد از اتمام نماز سجدهٔ سهو لازم است؟

جواب: سجدهٔ سهو واجب نیست.

نماز مسافر

سؤال ۲۱۵. از آنجاکه شهرها دیوار ندارند آخرین خانهٔ شهر هم مشخّص نیست؛ زیرا بین راه تا شهر دیگر به‌طور پراکنده منزل و ساختمان و کارخانه وجود دارد. لطفاً بیان فرمایید:

الف) ملاک پایان شهر چیست که مسافر آن را شروع سفر، یا ورود به وطن قرار دهد؟

ب) آیا تابلوی وزارت راه یا شهرداری به جای دیوار شهر محسوب می‌شود؟

جواب: ملاک آخرین خانه‌های شهر است و خانه‌های پراکنده بیرون شهر و کارخانجات معیار نیست و تابلوی وزارت راه و شهرداری به تنهایی ملاک نیست.

سؤال ۲۱۶. محلّ کار اینجانب خارج از وطن اصلی است و طبق نظر حضرتعالی به منزلهٔ وطن محسوب می‌شود، و نماز و روزه‌ام در آنجا تمام می‌باشد. ولی بعضی مواقع در رابطه با انجام کاری که مربوط به کار و شغل اصلی اداری می‌باشد لازم است از مسافت شرعی و محل کار خارج شده و ایاب و ذهاب بیش از هشت فرسخ شرعی داشته باشم. نماز این‌جانب در چنین مواردی چگونه است؟

جواب: نماز شما در چنین سفرهایی شکسته است؛ مگر این که هفته‌ای حداقل سه روز به خارج از مسافت شرعی سفر داشته باشید و این‌کار مدّتی ادامه داشته باشد.

سؤال ۲۱۷. با توجّه به پیشرفت وسایل ارتباطی و سهولت رفت و آمدهای بین شهری در کمترین زمان، باز هم دلیلی وجود دارد که هنگام مسافرت، نماز را شکسته خواند و روزه را افطار کرد؟

جواب: هر چند در عصر و زمان ما سفر نسبت به زمان‌های گذشته کم زحمت‌تر و با سهولت بیشتری انجام می‌شود؛ ولی شک نیست که برای غالب مردم نسبت به زندگی در حضر سختی‌های جسمی و روحی خاصّ خود را به همراه دارد. بدین جهت و برای راحتی شخص مسافر، به وی دستور داده شده نمازهای چهاررکعتی را دو رکعت بخواند.

سؤال ۲۱۸. فاصلهٔ محلّ کار شخصی تا منزل بیشتر از ۴۵ کیلومتر است؛ با توجّه به این که مجبور است هر روز این مسافت را طی کند نمازش تمام و روزه را باید بگیرد. حال چنانچه قصد سفر طولانی‌تری داشته باشد حکم نماز و روزه‌اش چیست؟

جواب: در صورتی که مربوط به کارش باشد در آن سفر هم نماز و روزه‌اش تمام است.

سؤال ۲۱۹. خداوند متعال می‌فرماید: **﴿وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنْ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوّاً مُبِيناً﴾**.[1]

---

۱. سورهٔ نساء، آیهٔ ۱۰۱؛ ترجمه: «هنگامی که سفر می‌کنید، گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید در صورتی که از فتنه (و خطر) کافران بترسید؛ زیرا کافران، دشمن آشکاری برای شما هستند».

بر اساس این آیهٔ محکم، قصر نماز تنها اختصاص به حالت خوف دارد.

امّا در روایات صحیح[۱] نماز قصر علاوه بر آن، به حالات دیگر در زمان و حالت امن و آسایش، هم تعلّق گرفته است.

در آیهٔ دیگر می‌فرماید: ﴿**وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِيَ الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ**﴾.[۲]

اطلاق آیهٔ شریفه همهٔ مساجد را برای اعتکاف جایز می‌شمارد؛ در حالی که طبق روایات صحیح[۳] تنها مساجدی برای اعتکاف جایز است که جامع باشند و نیز دارای امام عادل بوده باشند. اگر روایات مربوط به قصر نماز و اعتکاف در مساجد جامع را به آیات مذکور قرآن ـ که ثقل اکبر و مهمتر از ثقل اصغر به حساب می‌آید ـ عرضه نماییم، با یکدیگر متعارضند. این تعارض چگونه قابل جمع است؟ آیا فتوای قصر نماز تنها در حالت خوف و نیز اعتکاف در همهٔ مساجد صحیح است؟ یا فتاوای مشهور فقهای بزرگ دربارهٔ نماز قصر و مسألهٔ اعتکاف ملاک است؟

جواب: درست است که آیهٔ مربوط به قصر نماز در مورد خوف نازل شده و عمومیّت ندارد،ولی آیهٔمربوط به ترک روزه برای مسافر عمومیّت دارد و می‌دانیم نماز و روزه در سفر از هم جدا نیستند. بنابراین، عمومیّت حکم سفر را می‌توان از قرآن استفاده کرد. علاوه بر این، روایات متعدّدی نیز در این زمینه وارد شده است. امّا آیهٔ مربوط به اعتکاف، به تعبیر فقها، در مقام بیان مشروعیّت اعتکاف نیست تا از آن عموم استفاده شود، بلکه در مقام بیان نهی از نزدیکی با زنان به هنگام اعتکاف است.

سؤال ۲۲۰. قرار است به مدّت ۶ ماه برای کاری بین تهران و قم در سفر باشم. بعد از

---

۱. روایات مربوط به نماز مسافر در وسایل الشیعه، ج ۵، ص ۴۹۰ به بعد، آمده است.

۲. سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۸۷؛ ترجمه: «و نیز درحالی که در مساجد به اعتکاف پرداخته‌اید، با زنان آمیزش نکنید، اینها مرزهای الهی است؛ پس به آنها نزدیک نشوید! خداوند، این چنین آیات خود را برای مردم، روشن می‌سازد، تا پرهیزکار شوند».

۳. این روایات در وسایل الشیعه، ج ۷، ص ۴۰۰ باب ۳، آمده است.

پنج ماه رفت و آمد، به مدّت ۲ هفته در قم می‌مانم. آیا در دو هفته باقی مانده از شغل، نمازم تمام است یا شکسته؟

جواب: اگر قصد ده روز نکنید نمازتان در قم شکسته است.

سؤال ۲۲۱. مغازه‌ای دارم که هر روز به خاطر تهیّهٔ اجناس آن به مسافت شرعی سفر می‌کنم، اگر بعضی از لوازم مغازه خراب شود که جزء لوازم کار می‌باشد مانند یخچال و مانند آن، اگر برای تعمیر آنها به مسافت شرعی بروم نمازم چه حکمی دارد؟

جواب: در آن سفر نیز نمازتان کامل است.

سؤال ۲۲۲. شخصی هفته‌ای ۴ روز به خاطر شغلش در سفر است ولی در ماه مبارک رمضان به خاطر سختی کار سفرهای خود را به یک یا دو سفر در هفته تقلیل می‌دهد. آیا باز هم نماز و روزهٔ او کامل است؟

جواب: در صورتی که در مجموع هفته‌ای سه روز و ماهی ۱۲ روز و سالی سه چهار ماه سفر کند کثیرالسفر محسوب می‌شود.

سؤال ۲۲۳. چندین سال در تهران دانشجو بوده و از باب وطن حکمی نماز را کامل می‌خواندم تا لیسانسم را گرفتم بعد از ۹ ماه برای تحصیل در مقطع فوق لیسانس مشغول شدم، سفر اوّل بعد از ۹ ماه کامل است یا شکسته؟

جواب: در صورتی که قصد ادامه تحصیل مانند سابق داشته‌اید نماز شما کامل است؛ حتّی در سفر اوّل.

سؤال ۲۲۴. همیشه بین قم و تهران به مدت ۴ روز در هفته برای شغل در رفت و آمد هستم؛ ولی این بار که برای شغل رفتم بدون این که قصد داشته باشم مجبور شدم به مدّت ۸ روز در تهران برای غیر شغل بمانم. وضعیّت نماز چگونه است؟

جواب: نماز شما تمام است.

سؤال ۲۲۵. اگر راننده برای انجام اموری از قبیل تعویض پلاک یا بیمه کردن و یا ترخیص ماشین سفرهایی داشته باشد حکم نماز او چیست؟

جواب: مانند کارهای شغلی اوست.

سؤال ۲۲۶. به همراه کاروانی به مشهد مقدّس رفتم و در اعماق ذهنم این بود که اگر قرار باشد ده روز یا بیشتر بمانند من نیز تبعیّت کنم و نماز را کامل بخوانم، ولی به‌خاطر غفلت بعد از یک روز نماز شکسته خواندن از مدیر کاروان سؤال کردم چند روز بناست بمانیم: «گفت از همان روز ورود قصد ده روز کرده‌ایم و روز یازدهم می‌رویم». امّا من ساعت ۱۰ روز بعد متوجه شده‌ام وظیفه چیست؟

جواب: در صورتی که تصمیم داشته‌اید همراه آن کاروان توقّف کنید عملاً قصد ده روز کرده‌اید و نمازهایتان کامل است و اگر شکسته خوانده‌اید قضا کنید.

سؤال ۲۲۷. اگر راننده یا دائم‌السفر، سفری را برای کار شخصی یا میهمانی یا زیارت یا ملاقات مریض و امثال آن در همان شهر و مسیری که برای کار خویش می‌رفته داشته باشد، یا در مسیر و شهر دیگر سفر کند، تکلیف نماز و روزهٔ او چیست؟

جواب: نمازش قصر است.

نماز قضای والدین

سؤال ۲۲۸. آیا نماز قضای پدر و مادر، یا نماز استیجاری را عدّه‌ای می‌توانند همزمان به صورت فرادا یا به جماعت بخوانند؟

جواب: این نمازها را چند نفر می‌توانند همزمان به صورت فرادا یا جماعت بخوانند؛ ولی در استیجاری مشروط بر این است که از سوی ولیّ میّت به همهٔ آنها اجازه داده شده باشد.

سؤال ۲۲۹. دوقلوهایی که معلوم نیست کدام یک آنها زودتر به‌دنیا آمده‌اند (البتّه حداکثر اختلاف سنّ آنها بیش از یک ساعت نیست) نماز قضای پدر بر عهدهٔ کدام یک از آنها می‌باشد؟

جواب: باید در میان آنها تقسیم کنند.

نماز استیجاری

سؤال ۲۳۰. عباداتی که مکلّفین انجام می‌دهند برای سازندگی آنهاست. حال کسانی

که در حال حیات خود نسبت به عباداتی کوتاهی کرده‌اند و ورثهٔ آنها بعد از مرگشان برای آنها اجیر می‌گیرند، این گونه عبادات چه سازندگی برای اموات خواهد داشت؟

جواب: با توجّه به این که این عبادات برای عبادت کننده ثواب و سازندگی دارد، او می‌خواهد ثوابی که خدا برای او قرار داده به دیگری هدیه کند ضمناً این امر سبب می‌شود که مردم به نماز و روزه خود اهمیّت بیشتری بدهند.

سؤال ۲۳۱. کسی که وضوی جبیره‌ای می‌گیرد آیا می‌تواند برای نمازهای میّت اجیر شود؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۲۳۲. آیا می‌توان پولی که برای قضای نماز شخص میّت است را به کسی که عیالوار و نیازمند است، داد؟

جواب: باید آن را به کسی داد که به نیابت از آن مرحوم نماز بخواند.

نماز جماعت

سؤال ۲۳۳. لطفاً به دو سؤال زیر پاسخ فرمایید:

الف) مسئولین نماز جماعت حرم مطهر حضرت فاطمهٔ معصومه علیها السلام هنگام نماز، جماعت را تا اطراف ضریح کشانده و زوار را از زیارت منع می‌کنند، تعطیل کردن زیارت، و وادار نمودن مردم به نماز جماعت چه حکمی دارد؟

ب) در ایّام عزاداری‌های مهم (مثل تاسوعا و عاشورا و ۲۸ صفر) که مردم در هنگام نماز ظهر و عصر در نهایت شور عزاداری هستند، عزاداری تعطیل و نماز جماعت برپا می‌شود؛ آیا شرعاً جایز است عزاداری سیدالشهداء علیه السلام (که بقای اسلام و تشیّع متوقّف بر آن، و یکی از مهمترین فرایض است) تعطیل گردد، و از شور بیافتد، و وقت آن فوت شود و نماز جماعت که وقت آن موسّع است اقامه گردد؟

جواب: با توجّه به اهمیّت فوق العاده‌ای که نماز مخصوصاً به صورت جماعت دارد چند دقیقه‌ای زیارت یا عزاداری را برای نماز تعطیل کردن اشکالی ندارد بلکه کار خوبی است، خداوند از شما قبول فرماید.

شرایط امام جماعت

سؤال ۲۳۴. اگر امام جماعت در مسجدی به خاطر اقامهٔ جماعت در مسجد دیگر، از روحانی دیگری دعوت کند که به‌جای او در مسجد اوّل اقامهٔ جماعت کند و او را بدون ذکر مدّت منصوب نماید؛ لطفاً بفرمایید:

الف) آیا می‌تواند پس از چند سال که روحانی دعوت شده، به‌طور مرتّب در مسجد اقامه نماز جماعت کرده و می‌کند او را عزل کند؟

جواب: امام جماعت عزل و نصب ندارد هر کسی را که اهل مسجد قبول داشتند، می‌تواند اقامهٔ جماعت کند.

ب) عنوان امام راتب تا چه زمانی بر امام جماعت صادق می‌باشد؟

جواب: عنوان امام راتب تا زمانی صادق است که از آنجا صرفنظر نکرده وگهگاه برای اقامهٔ جماعت به آن مسجد بیاید.

ج) اگر کسی در یک زمانی در مسجدی اقامه جماعت کند و پس از آن، اقامه جماعت در آن مسجد را ترک نماید و در هیچ یک از روزهای هفته یا ماه یا سال در آن مسجد اقامهٔ جماعت نکند، آیا باز هم عنوان امام راتب بر او صادق است؟

جواب: چنین کسی امام راتب نیست.

سؤال ۲۳۵. کسی که دست یا پای او مصنوعی است، آیا می‌تواند پیش‌نماز شود؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۲۳۶. اقتدا به امام جماعتی که ختنه نکرده چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که عذر شرعی برای این کار داشته باشد اقتدا به او جایز است هر چند مکروه می‌باشد.

سؤال ۲۳۷. هرگاه شخصی در یکی دو مورد دروغ گفته یا غیبت نموده، آیا عدالتش ساقط می‌شود؟ برای احراز عدالت مجدّد باید یقین کنیم که توبه کرده است؟

جواب: آری ساقط می‌شود و احراز توبه لازم است.

سؤال ۲۳۸. حدود ده سال پیش در خواب محتلم شدم و از روی شرم زیاد وضعیّت

خود را به دوستان اعلام نکردم و متأسّفانه هنگام برپایی نماز صبح، دوستان به خاطر سیادت حقیر، بسیار زیاد اصرار نمودند که پیش‌نماز شوم. به هر طریق که خواستم خواستهٔ آنان را ردکنم، نشد و آن قدر اصرار نمودند که من با زور مجبور به قبول این کار شدم؛ در حالی که از شرم بسیار نتوانستم به آنها چیزی بگویم. اکنون چه دستوری می‌فرمایید و حقیر چه کاری باید انجام دهم؟

جواب: لازم نیست چیزی به آنها بگویید؛ ولی نماز خودتان را قضا کنید.

سؤال ۲۳۹. بر اساس آیات و روایات شریفه معنای دقیق «تقوا» چیست؟

جواب: تقوا در اصل از مادهٔ «وقایه» به معنای نگهداری یا خویشتنداری است. و به تعبیر دیگر، یک نیروی کنترل درونی که انسان را در برابر طغیان شهوات حفظ می‌کند. شرح بیشتر را در تفسیر نمونه ذیل آیهٔ ۱۹۷ سورهٔ بقره مطالعه فرمایید.

سؤال ۲۴۰. آیا می‌توان به امام جماعتی اقتدا کرد که مردم در مورد او سخنانی می‌گویند که در شأن یک امام جماعت نیست، در حالی که چیزی در مورد ایشان مشاهده ننموده‌ایم؟

جواب: در صورتی که قبلاً یقین به عدالت او داشته‌اید، تا یقین به ارتکاب گناه توسّط امام جماعت حاصل نشود، می‌توان به او اقتدا کرد.

احکام جماعت

سؤال ۲۴۱. در شهرهای زیارتی گاه نماز یک صف کامل یا افراد زیادی شکسته است، آیا جماعت افراد دیگر که نمازشان کامل است و در صف‌های بعدی قرار دارند صحیح است؟

جواب: فرادا شدن یک صف، اتّصال صف‌های بعدی را از بین نمی‌برد.

سؤال ۲۴۲. بسیاری از اوقات که در رکعت دوم به جماعت می‌رسم، در رکعت سوم که باید حمد را بخوانم به رکوع نمی‌رسم و در سجده خود را به امام می‌رسانم. تکلیف نمازهایی که این گونه خوانده‌ام چیست؟

جواب: نمازهای مذکور را قضا کنید بنابر احتیاط واجب، و اگر مقدار دقیق آن را نمی‌دانید کافیست آن مقدار را که یقین دارید بدین شکل خوانده‌اید قضا کنید و نسبت به مقدار مشکوک وظیفه‌ای ندارید.

سؤال ۲۴۳. امام جماعتی که می‌تواند نمازهای پنج‌گانه را در دو جا با شرایط ذکر شده به جماعت بخواند نماز دوم را به چه نیّت بخواند؟

جواب: به نیّت نماز ادا بخواند و قصد وجوب و استحباب لازم نیست.

سؤال ۲۴۴. اگر چند نفر نذر کنند در صورتی که حاجتشان برآورده شود هر کدام دو رکعت نماز بخواند؛ پس از برآورده شدن حاجت، آیا می‌توانند این نماز را به جماعت بخوانند؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۲۴۵. آیا اقامهٔ نماز جماعت در مسجد یا محلّی که هر صف نماز آن نسبت به صف جلویی قدری بلندتر است (حدود پانزده سانتی متر) و حالت پلّکانی دارد صحیح و جایز است؟

جواب: برای جماعت آنها اشکالی ندارد.

سؤال ۲۴۶. اگر کسی در صفوف جماعت بایستد ولی نیّت فرادا کند، حمد و سوره‌اش را در نماز صبح و مغرب و عشا چگونه بخواند؟

جواب: باید بلند بخواند، مگر در مواردی که ناچار از اخفات باشد.

نماز آیات

سؤال ۲۴۷. آیا برای هر کدام از پس‌لرزه‌هایی که پس از زلزلهٔ اصلی می‌آید نماز آیات واجب است؟

جواب: پس‌لرزه‌های محسوس نماز آیات دارد مگر آنها که در حین نماز آیات واقع می‌شود؛ ولی چنانچه مستلزم عسر و حرج باشد به مقداری که عسر و حرج برطرف شود کافیست.

سؤال ۲۴۸. کیفیّت اقتدای کسی که در رکوع دوّم یا سوّم، یا در رکعت دوم نماز آیات به جماعت برسد چگونه است؟

جواب: اقتدا در این صورت اشکال دارد مگر این که در رکوع اوّل (خواه در رکعت اوّل باشد یا رکعت دوّم) برسد، ولی اقتدا کردن پس از آن، مشکل است.

نماز جمعه

سؤال ۲۴۹. در رکعت دوم نماز جمعه بعد از قنوت باید به سجده رفت. حال اگر شخصی اشتباهاً به رکوع رود و در همین حال متوجّه شود، و از رکوع به سجده رود نمازش چه حکمی دارد؟

جواب: باید نماز خود را اعاده کند.

سؤال ۲۵۰. با توجّه به این که نماز جمعه بر زنان واجب نیست، اگر بخواهند در نماز شرکت کنند نیّت وجوب کنند یا استحباب؟ و در صورت وجوب، آیا، کفایت از نماز ظهرشان می‌کند؟

جواب: زنان در نماز جمعه نیّت وجوب می‌کنند و کفایت از نماز ظهر می‌کند و منظور از عدم وجوب، عدم وجوب عینی است؛ نه تخییری.

سؤال ۲۵۱. شنیده شده اذان دوم در نماز جمعه بدعت و حرام و موجب بطلان نماز است. منظور کدام اذان است؟

جواب: منظور از اذان دوّم، اذانی است که پس از خطبه‌ها گفته می‌شود؛ که حرام و بدعت است؛ ولی موجب بطلان نماز نیست.

متفرقه

سؤال ۲۵۲. در بعضی از منابع[1] آمده که در شب معراج در بیت‌المقدس نماز جماعتی

۱. بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۳۳۰.

برای انبیا به امامت رسول الله ﷺ اقامه شد. با توجّه به این که معراج در آخر شب اتّفاق افتاده نماز مذکور، چه نمازی بوده است؟

جواب: با توجّه به این که در روایات صحبت از اذان و اقامه در نماز آن حضرت شده، استفاده می‌شود که به احتمال زیاد نماز مغرب و عشا بوده است.

سؤال ۲۵۳. اگر کسی به علّتی موجّه، نمازش تا آخر وقت به تأخیر افتاده باشد و در آن زمان حریق اتفاق بیافتد، آیا به علّت تنگی وقت باید نماز را بخواند یا آتش را خاموش کند؟

جواب: خاموش کردن آتش مقدّم است؛ ولی اگر بتواند نماز را هر چند با ایما و اشاره انجام دهد آن نیز واجب است.

سؤال ۲۵۴. اگر قبل از اذان به محلّ حادثه یا حریق اعزام شویم و شرایط طوری باشد که در آن محل انجام نماز ممکن نبوده و وقت نماز فوت گردد، تکلیف ما چیست؟

جواب: چنانچه در تمام طول مدّت مأموریّت امکان انجام نماز به طور عادی نباشد باید بعداً قضا کنید؛ ولی اگر بتوانید با ایما و اشاره یا گفتن بعضی از اذکار چیزی شبیه نماز بجا آورید این کار واجب است.

فصل دهم: احکام روزه

وجوب روزه

سؤال ۲۵۵. بالغ عقب افتاده‌ای که قدرت تشخیص اوقات نماز را ندارد ولی می‌تواند روزه بگیرد (توان جسمی دارد) و اجمالاً روزه را می‌فهمد، آیا واجب است روزه بگیرد؟

جواب: در صورتی که ماه رمضان و وجوب روزهٔ ماه رمضان را می‌فهمد، باید روزه بگیرد.

سؤال ۲۵۶. این‌جانب جوانی ۲۶ ساله به عنوان شاطر نانوایی مشغول به‌کار هستم. با عنایت به این‌که وظیفهٔ قانونی و عرفی بنده، این شغل است و نیز تعیین ساعات کار در اختیار من نمی‌باشد و چندین سال ماه مبارک رمضان توأم با فصل گرم می‌باشد و روزه گرفتن، در این شرایط دارای عسر و حرج و طاقت‌فرساست، تکلیف شرعی حقیر، نسبت به روزه چیست؟

جواب: اگر بتوانید در ماه رمضان شغلتان را تعطیل کرده، یا تغییر دهید و روزه را بجا آورید و اگر نمی‌توانید، روزه را افطار نموده، و در زمستان قضا نمایید.

کارهایی که روزه را باطل می‌کند

خوردن و آشامیدن

سؤال ۲۵۷. با توجّه به این‌که فقها فرموده‌اند: «اگر دارو درگوش ریخته شود و به معده برسد روزه باطل نمی‌شود، زیرا صدق اکل و شرب نمی‌کند». آیا قطره چشم که یقین داریم بعد از ریختن مقداری از آن به حلق می‌رسد نیز همین حکم را دارد؟

جواب: در صورتی که وارد فضای دهان نشود و فقط از طریق حلق وارد شود اشکال ندارد.

سؤال ۲۵۸. شخص روزه‌داری خون دماغ شده و می‌داند که اگر برای بند آمدن خون، سر خود را بالا بگیرد خون وارد حلقش می‌شود، آیا چنین کاری روزه را باطل می‌کند؟

جواب: در صورتی که برای بند آمدن خون راهی جز این نباشد این کار جایز است و چنانچه خون به ناچار فرو رود باید قضای آن را بجا آورد.

سؤال ۲۵۹. اگر در ماه رمضان مسواک بزند و آب بی‌اختیار فرو رود، روزه‌اش چه حکمی دارد با توجّه به این مسأله که اگر سهواً چیزی غیر از آب فرو برود روزه باطل نمی‌شود؟

جواب: در فرض سؤال روزه باطل نمی‌شود؛ به شرط آن که مراقب عدم فرو رفتن آب در گلو باشد.

فروبردن سر زیر آب

سؤال ۲۶۰. در ماه مبارک رمضان برای نجات فردی که در استخر غرق شده اعزام شده‌ایم و برای نجات وی باید حتماً زیر آب برویم. حکم شرعی روزهٔ آن روز چگونه است؟

جواب: روزهٔ شما باطل شده، ولی فقط قضا دارد و کفّاره ندارد.

غبار غلیظ

سؤال ۲۶۱. کارمند آتش‌نشانی هستم، با توجّه به این که با دود و غبار غلیظ سر و کار دارم و بالاجبار غبار غلیظ وارد حلقم می‌شود، حکم روزهٔ این‌جانب چگونه است؟

جواب: روزه را بگیرید و چنانچه مأموریّتی اتّفاق افتاد که غبار غلیظ وارد حلق شما شد آن روز را بعداً قضا کنید (بنابر احتیاط واجب).

سؤال ۲۶۲. لطفاً به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

الف) در حریق‌هایی که در ماه مبارک رمضان اتّفاق می‌افتد اجباراً دود و گاز ناشی از احتراق را استنشاق می‌نماییم. حکم روزهٔ ما چیست؟

جواب: احتیاط آن است که بعداً آن روزه را قضا کنید.

ب) چنانچه در ماه مبارک رمضان ساختمانی خراب شود، روزه افرادی که جهت نجات آسیب‌دیدگان مجبور به استنشاق گرد و غبار هستند، چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه برای حلّ مشکل، چاره‌ای جز این کار نباشد لازم است اقدام کرده و احتیاطاً آن روزه را بعداً قضا نمایند.

بقاء بر جنابت و حیض و نفاس

سؤال ۲۶۳. خانمی که می‌دانسته وظیفه‌اش اختبار است و روز آخر عادتش در ماه مبارک رمضان واقع شده، تا ۳ ساعت بعد از نیمه شب اختبار کرده و آلوده بوده، سپس خسته می‌شود و می‌خوابد بعد از اذان صبح می‌بیند پاک است وظیفهٔ او چیست؟

جواب: احتیاط آن است روزهٔ آن روز را قضا کند.

سؤال ۲۶۴. خانمی که عادتش ۷ روزه بوده و شب هفتم لکه‌ای می‌بیند و در هنگام سحر بیدار نمی‌شود که اختبار کند، ولی بعد از اذان صبح خود را پاک می‌بیند، آیا روزهٔ آن روز بر او واجب است؟

جواب: احتیاط آن است که روزه را بگیرد و بعد قضا کند.

سؤال ۲۶۵. شخص جنبی در ماه مبارک رمضان، یک ساعت قبل از اذان صبح از خواب بیدار می‌شود، سپس به قصد این که غسل نکند و قبل از اذان صبح بیدار شود و تیمّم کند عمداً می‌خوابد، امّا خواب می‌ماند روزهٔ او چه حکمی دارد؟

جواب: معصیت کرده؛ ولی روزهٔ او باطل نیست.

سؤال ۲۶۶. اگر کسی در مسألهٔ روزه جاهل به غسل بوده، یعنی اصلاً نمی‌دانسته که با چنین عملی جنابت حاصل می‌شود، لذا غسلی انجام نمی‌داد، بر فرض که جاهل قاصر بوده باشد قضای روزه واجب است؟

جواب: آری قضا واجب است؛ ولی کفّاره ندارد.

سؤال ۲۶۷. کسی که مسافر بوده و شب جنب شده، قبل از ظهر به محل زندگی رسیده و کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده، حال اگر بین راه غسل کند روزهٔ او چه حکمی دارد و اگر غسل نکند حکمش چیست؟

جواب: احتیاط آن است که روزه را بگیرد و بعد قضا کند.

سؤال ۲۶۸. اگر کسی به حالت عمدی در روز یوم الشک با جنابت وارد صبح شود و بعد معلوم شود، یوم‌الشک روز اوّل ماه مبارک رمضان بوده، روزه‌اش چه حکمی دارد؟

جواب: آن روزه را قضا کند.

قی کردن

سؤال ۲۶۹. اگر کسی عمداً قی کند روزه‌اش باطل می‌شود و کفاره ندارد. حال اگر امساک نکند و مفطری انجام دهد، آیا کفّاره دارد؟

جواب: کفّاره‌ای ندارد.

احکام مبطلات

سؤال ۲۷۰. آیا حائض و نفساء (پس از پاک شدن) و شخص جنب در قضای روزهٔ ماه مبارک رمضان، می‌توانند با تیمّم بدل از غسل روزه بگیرند؟

جواب: در صورتی که توانایی بر غسل نداشته باشند می‌توانند با تیمّم بدل از غسل روزه بگیرند.

سؤال ۲۷۱. زنی که معمولاً حیض می‌شود اگر از قرص جلوگیری استفاده کند تا روزه‌اش را نخورد، روزه‌اش چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که ضرر مهمّی نداشته باشد اشکالی ندارد.

سؤال ۲۷۲. خانمی که عادت وقتیّه ندارد و بعد از گذشتن ۲۰ روز از عادت لکهٔ خونی می‌بیند که نمی‌داند استمرار دارد یا ندارد آیا در ماه رمضان می‌تواند روزه‌اش را بخورد یا باید تا سه روز احتیاط کند؟

جواب: در صورتی که زمان عادت او فرا رسیده، باید عبادت را ترک کند و اگر عادت معیّنی ندارد، چنانچه آن خون نشانه‌های حیض دارد حکم حیض را دارد و اگر تنها لکّه‌ای دیده، حکم استحاضه را دارد.

مواردی که قضا و کفاره واجب است

سؤال ۲۷۳. اوایل سنّ بلوغ گاه قبل از اذان صبح محتلم می‌شدم ولی به علّت شرم و حیا از خانواده نمی‌توانستم غسل کنم. به همین خاطر، با همان حال روزه می‌گرفتم، و در حال حاضر نمی‌دانم چند روز، این‌گونه روزه گرفته‌ام. حال می‌خواهم بدانم قضا، یا کفّارهٔ آن چگونه است؟

جواب: روزه‌های مذکور باطل است و باید قضای آن را بجا آورید و چنانچه در مقدار آن شک دارید کافیست آن مقدار را که یقین دارید از شما ترک شده بجا آورید و نسبت به مقدار مشکوک وظیفه‌ای ندارید. و با توجّه به این که چند سال گذشته برای هر روز فقیری را نیز سیر کنید و کفّاره نیز دارد؛ مگر این که واقعاً غسل کردن برای شما سبب عسر و حرج می‌شده است.

کفارهٔ روزه

سؤال ۲۷۴. لطفاً به دو سوال زیر پاسخ دهید:

الف) در حال حاضر که بعضی افراد به علّت بدهی به مردم در زندان هستند و توان پرداخت بدهی خود را ندارند، آیا آزادکردن آنان، به منزلهٔ آزادکردن بنده محسوب می‌شود؟

ب) با توجّه به این که خیلی از مسلمانان در زندان رژیم صهیونیستی به‌سر می‌برند، آیا آزادکردن آنان به منزلهٔ آزادکردن بنده به شمار می‌رود؟

جواب: آزاد کردن بنده در این عصر و زمان، موضوعیّت ندارد و آزاد کردن زندانی به جای آن لازم نیست؛ هر چند کار بسیار خوبی است.

سؤال ۲۷۵. کسی که تمام ماه رمضان را مریض بوده و یقین دارد بیماری‌اش تا ماه رمضان آینده طول می‌کشد، آیا می‌تواند کفّاره‌اش را در بین سال اداکند؟

جواب: آری می‌تواند.

کفارۀ جمع

سؤال ۲۷۶. شخصی روزه‌اش را با کار حرامی افطار کرده است. او می‌دانسته به سبب این کار روزه‌اش باطل می‌شود، ولی نمی‌دانسته کفّاره جمع بر او واجب می‌گردد. آیا باید علاوه بر سیر کردن شصت فقیر، شصت روز نیز روزه بگیرد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که هر دو را در صورت امکان بجا آورد، و اگر قادر نیست، مطابق مسألۀ ۱۴۰۲ رسالۀ ما عمل می‌کند.

مواردی که فقط قضا لازم است

سؤال ۲۷۷. کسی که جاهل به وجوب روزه است آیا قضا و کفّاره بر او واجب است؟ در صورت واجب نبودن کفّارۀ عمد، آیا کفّارۀ تأخیر دارد؟

جواب: قضا دارد؛ ولی کفّاره ندارد.

سؤال ۲۷۸. کسی که قبل از اذان صبح جنب بوده و بیدار شده و تیمّم کرده، با این قصد که غسل نکند پنج دقیقه قبل از اذان به خواب می‌رود و پس از اذان صبح بیدار می‌شود. روزه‌اش چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که آن را قضا کند.

سؤال ۲۷۹. زنی به واسطۀ بیماری روزه نگرفته و تا ماه رمضان بعد قضای روزه‌ها را هم نگرفته، یا عصیاناً روزۀ خود را خورده و تمکّن بر کفّاره هم ندارد، مگر این که مهریّه‌اش را از شوهرش بگیرد. آیا واجب است از مهریّه به اندازۀ کفّاره از شوهر خود گرفته و کفّاره‌ش را بپردازد؟

جواب: در صورتی که عذر او تا ماه رمضان سال بعد ادامه داشته قضای آن روزه‌ها واجب نیست، ولی برای هر روز باید یک فقیر را سیر کند. و اگر عذرش برطرف شده و عمداً قضای آن را بجا نیاورده علاوه بر کفّاره مذکور باید قضای روزه‌ها را نیز بجا آورد و چنانچه اکنون قادر بر کفّاره نیست هر زمان قدرت پیدا کرد بجا آورد و در صورتی که گرفتن چیزی از مهریّه از شوهر برای ادای کفاره خلاف عرف و موجب دردسرهایی است لازم نیست.

سؤال ۲۸۰. زنی که در حیض عادت عددیّه داشته (مثلاً) در روز نهم ماه رمضان به تصوّر این که عادتش همان ۹ روز است غسل نمی‌کند، ولی بعداً متوجّه می‌شود که روز نهم پاک شده و احتمال می‌دهد پیش از اذان صبح پاک شده باشد، اکنون علاوه بر قضا، کفّارهٔ آن روز هم واجب است؟

جواب: کفّاره ندارد و در صورتی که احتمال می‌دهد هنگام اذان صبح پاک شده باشد قضا هم ندارد.

سؤال ۲۸۱. خانمی که از مسألهٔ جنابت زنان بی‌اطّلاع بوده و خیال می‌کرده که فقط آمیزش باعث بطلان روزه می‌شود، در بعضی از روزهای ماه رمضان با همسر خویش ملاعبه می‌کرده و فقط از دخول جلوگیری می‌نموده، امّا ترشحاتی از او خارج می‌شده که هم اکنون فکر می‌کند آنها منی بوده است، با توجّه به این که این شخص جاهل به حکم بوده تکلیفش در قبال روزه‌های آن ایّام چیست؟

جواب: در صورتی که به اوج لذّت جنسی می‌رسیده و همزمان رطوبتی از او خارج می‌شده روزه‌اش باطل شده و باید قضای آن را بگیرد؛ ولی کفّاره‌ای ندارد. و در صورت شک و ظیفه‌ای ندارد.

مواردی که قضا ندارد

سؤال ۲۸۲. به فرزندم سفارش کردم ساعت را کوک (تنظیم) کند، ولی اشتباه کوک کرد، و ما طبق زنگ ساعت مشغول خوردن سحری شدیم؛ سپس معلوم شد بعد از اذان غذا خورده‌ایم. وظیفهٔ ما نسبت به قضا و کفّاره چیست؟

جواب: قضا و کفّاره ندارد.

سؤال ۲۸۳. به خاطر تغییر پیداکردن ساعت رسمی کشور در ایّام ماه مبارک رمضان، متوجّه شدیم که غذا را بعد از اذان خورده‌ایم؛ البتّه به ساعت نیز نگاه کرده بودیم. آیا قضای آن واجب است؟

جواب: در صورتی که کوتاهی از ناحیهٔ شما نبوده و عرفاً اشتباهی رخ داده قضا ندارد.

سؤال ۲۸۴. آیا در مسألهٔ سقوط قضا در فرض استمرار عذر تا رمضان دیگر، لازم است عذر بیماری باشد یا اعذار دیگر، و یا حتّی تبدیل عذر را نیز شامل می‌شود؟

جواب: هرگاه کسی بر اثر عذری (مانند حاملگی، شیر دادن، بیماری و غیر آن) نتواند روزه بگیرد و این عذر هر چه باشد تا سال آینده ادامه پیدا کند قضای روزه از او ساقط است؛ فقط برای هر روز باید فقیری را سیر کند. و حتّی اگر عذر تبدیل شود، مثلاً ابتدا بیمار بوده و بعد طفلی را شیر می‌داده باز همین حکم را دارد.

روزه مسافر

سؤال ۲۸۵. هرگاه شخص روزه‌دار در ماه مبارک رمضان جهت انجام عملیّات قبل از ظهر به مکان دوری (شهرهای اطراف) اعزام شود و تا بعد از غروب آفتاب، عملیّات طول بکشد، حکم روزه و نماز این شخص چیست؟

جواب: نمازش شکسته است و روزه‌اش باطل می‌شود، مگر این که هفته‌ای حدّاقل سه روز به چنین مأموریّتهایی برود.

سؤال ۲۸۶. شخصی به قصد مسافت شرعی قبل از ظهر از وطن خارج می‌شود و در فاصلهٔ ده کیلومتری توقّف می‌کند ولی افطار نمی‌کند و بعد از ظهر از سفر منصرف می‌شود حکم نماز و روزه‌اش چیست؟ (اگر صبح از روزه منصرف شده آیا برای صحت روزه‌اش باید به وطن برگردد یا اگر همان جا هم بماند روزه‌اش صحیح است؟

جواب: هرگاه قبل از ظهر منصرف شود و به وطن بازگردد و چیزی نخورده باشد روزه‌اش صحیح است.

راه ثبوت اوّل ماه

سؤال ۲۸۷. عدّه‌ای از مردم فقط به این جهت که دولت و بعضی از روحانیّون گفتند فلان روز عید است بدون این که ماه را ببینند گفتهٔ دولت و روحانیّون را قبول کرده و همان روز را عید نموده‌اند. وظیفهٔ چنین افرادی چیست؟

جواب: در صورتی که از گفتهٔ آنها اطمینان پیدا کرده‌اند اشکالی ندارد. در غیر این صورت، باید روزهٔ آن روز را قضا نمایند و کفّاره بر آنها واجب نیست.

سؤال ۲۸۸. آیا رؤیت هلال با استفاده از ابزارهای نجومی (دوربین و تلسکوپ‌های قوی) یا با هواپیما اعتبار شرعی دارد؟

جواب: رؤیت هلال با چشم مسلّح کافی نیست؛ ولی اگر محلّ آن را با ابزار جدید مشخّص کنند سپس با چشم عادی ببینند کافیست.

سؤال ۲۸۹. در صورتی که به هنگام غروب روز ۲۹ ماه قمری، هلال ماه در کشورهای دیگر رؤیت شود و ما هنوز در شب یا نزدیکی‌های صبح قرار داریم. آیا برای تعیین اوّل ماه کفایت می‌کند؟

جواب: کافی نیست.

سؤال ۲۹۰. چنانچه در روز ۲۹ ماه قمری با محاسبات نجومی مشخّص شود که هلال ماه قابل رؤیت نیست، ولی تعدادی شهود عادل عنوان نمایند که ماه را رؤیت کرده‌اند! آیا این شهادت می‌تواند دلیلی بر اوّل ماه باشد؟ یا شهادت آنها در فرض سوال به حساب خطای چشم گذاشته می‌شود؟

جواب: چنانچه افراد فراوانی شهادت دهند قبول می‌شود.

سؤال ۲۹۱. اوّل ماه مبارک رمضان ماه دیده نشد، بعد از گذشتن سی روز از ماه شعبان روزه گرفتیم و در روز بیست و نهم ماه مبارک ماه دیده شد آیا قضای یک روز روزه واجب است؟

جواب: باید یک روز دیگر قضا کنید.

روزه‌های حرام و مکروه

سؤال ۲۹۲. یکی از اقسام روزه‌های مکروه «صوم الولد من دون اذن والده مع عدم الایذاء له من حیث الشفقه»[1] است آیا قید «من حیث الشفقه» موضوعیّت دارد. مثلاً

۱. ترجمه: «روزه گرفتن فرزند بدون اجازهٔ پدرش در صورتی که اذیّت نشود و به خاطر محبّتی که به او دارد اجازه ندهد».

پدری پسرش را از رفتن به سفر با خانواده به خاطر گرانی هزینه‌های آن منع می‌کند و از روی شفقت نیست؛ در حالی که فرزند وضع مالی خوبی دارد آیا به این منع ترتیب اثر داده می‌شود؟

جواب: در صورتی که سبب آزار پدر نشود مانعی ندارد.

روزه‌های مستحب

سؤال ۲۹۳. چنانچه فرزند بخواهد روزهٔ مستحبّی بگیرد، و والدین مخالفت کنند و بگویند روزه گرفتن برای تو ضرر دارد؛ امّا فرزند یقین و تجربه کرده که برایش ضرر ندارد. آیا می‌تواند روزه بگیرد؟

جواب: هرگاه اعمال مستحبّی فرزندان موجب ایذای والدین گردد، باید ترک شود.

سؤال ۲۹۴. اگر میهمان بخواهد روزی که روزهٔ آن مستحب است (مثلاً روز عید غدیر) روزه بگیرد و از طرفی میزبان نهی کند. کدام یک مقدّم است؟

جواب: نهی میزبان مقدّم است.

روزهٔ نذری

سؤال۲۹۵. لطفاً نظرمبارکتان رادرخصوص وظیفهٔ مکلف درمواردزیرمرقوم‌فرمایید:

الف) وظیفهٔ مکلّف در تقارن قضای روزهٔ موسّع با روزهٔ نذری معیّن.

جواب: روزهٔ نذری معیّن را مقدّم می‌دارد.

ب) وظیفهٔ مکلّف در تقارن قضای روزهٔ موسع با روزهٔ نذری غیر معیّن.

جواب: قضای روزه را مقدّم می‌دارد.

ج) وظیفهٔ مکلّف در تقارن قضای روزهٔ مضیّق با روزهٔ نذری معیّن.

جواب: قضای روزه را مقدّم می‌دارد.

د) وظیفهٔ مکلّف در تقارن قضای روزهٔ مضیّق با روزهٔ نذری غیر معیّن.

جواب: قضای روزه را مقدّم می‌دارد.

شب‌های قدر

سؤال ۲۹۶. با عنایت به این که عباداتی که در اسلام انجام آنها جنبهٔ جهانی و بین‌المللی دارد، نظیر حجّ و روزهٔ ماه رمضان، اجرای هم‌زمان آن مورد نظر شارع معظّم بوده؛ در خصوص حجّ وحدت مکان انجام اعمال، خود به خود سبب آغاز و انجام این فریضه در زمانی واحد شده است؛ امّا در مورد ماه مبارک رمضان، علیرغم وجود شبی واحد به نام «لیلة القدر» که الزام‌آور شروع و پایان این ماه عزیز در سطح جهان و در زمانی واحد است، امر این گونه نیست و به حسب اختلاف افقها که حدّاقل یک روز اختلاف را در رؤیت هلال در پی دارد، عمل می‌شود. بدیهی است به خاطر اختلاف فوق، ملائکه و روح، دو بار نازل نخواهند شد و دو شب قدر یا دو روز عید وجود نخواهد داشت! موضوع دیگر، فضیلت‌های مترتّب بر روز قدر است. و این استنباط که روز قدر ظاهراً باید روزی باشد که همزمان با جریان شب قدر در دیگر نیمکرهٔ زمین است، و ساکنین آن بخش بالاجبار از درک فضایل شب قدر محرومند. و مراد از این روز، به قرینهٔ آیهٔ شریفهٔ: «سلام هی حتّی مطلع الفجر» روز بعد از شب قدر نیست. نظر حضرتعالی در این زمینه چیست؟

جواب: با توجّه به یک نکته جواب سؤال روشن می‌شود، و آن این که: تاریکی شب که مانند روشنایی، زمین را دور می‌زند تا به نقطهٔ اوّل برسد، ۲۴ ساعت طول می‌کشد. شب قدر در مجموعهٔ کرهٔ زمین در واقع همان ۲۴ ساعت است که از یک نقطه شروع می‌شود و به آن پایان می‌یابد. روز قدر نیز در واقع ۲۴ ساعت روشنایی است که به گرد کرهٔ زمین دور می‌زند.

متفرقه

سؤال ۲۹۷. اگر در ماه مبارک رمضان، سحری را خورده و قبل از این که نماز صبح را بخوانیم به مأموریّت مهمّی اعزام گشته و تا افطار هم نتوانیم نمازهای صبح و ظهر و عصر را بخوانیم، آیا روزهٔ ما باطل است؟

جواب: روزه باطل نیست، ولی نماز را باید قضا کنید.

سؤال ۲۹۸. پیامبر مکرّم اسلامﷺ در مورد فضیلت افطاری دادن در ماه مبارک رمضان فرموده‌اند: «فاتقوا النار ولو بشق تمرة»[۱] «اتقوا النار ولو بشربة من ماء»[۲]؛ در ماه مبارک رمضان عدّه‌ای از مؤمنین برای رسیدن به این ثواب و فضیلت، روزه‌داران را بر سر سفرهٔ افطاری دعوت می‌کنند. از طرف دیگر عدّه‌ای در مساجد هنگام افطار با یک لیوان شیر یا یک دانهٔ خرما می‌خواهند به این ثواب نائل شوند؛ طبق فرمایش پیامبر مکرّم اسلامﷺ ما با خوردن این یک دانه خرما یا یک لیوان شیر افطار کرده‌ایم، حال اگر پس از آن در ضیافت افطاری هم شرکت کنیم به میزبان هم ثواب افطاری می‌دهند یا فقط به اوّلی می‌دهند ولو افطاری اوّلی یک دانهٔ خرما باشد؟

جواب: دومی هم ثواب می‌برد؛ زیرا هر دو افطاری است.

سؤال ۲۹۹. وضعیت روزهٔ خلبان هواپیمایی که دائم السفر و همیشه در پرواز است و مسیر پروازی او به گونه‌ای است که یا در جهت فجر یا در جهت خلاف آن در حرکت است، چگونه خواهد بود؟

جواب: معیار زمانی است که حرکت می‌کنند. چنانچه فجر طلوع نکرده می‌توانند آب و غذا بخورند و هنگامی که آفتاب غروب کرد هر جا باشند می‌توانند افطار کنند.

۱. بحارالانوار، ج ۷، ص ۱۸۳، ح ۲۹.
۲. همان، ج ۹۶، ص ۳۱۷، ح ۹.

فصل یازدهم: احکام خمس

وجوب خمس

سؤال ۳۰۰. در قرآن کریم آیهٔ مربوط به خمس در سورهٔ انفال اشارهٔ صریح به غنایم جنگی دارد. آیا در زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله بعد از تشکیل حکومت اسلامی، خمس به شکل کنونی از امّت اسلامی اخذ می‌شد، یا اختصاص به غنایم جنگی داشت، و پرداخت خمس به شکل کنونی بعد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرسوم شده است؟

جواب: غنیمت در لغت عربی شامل هر نوع سود و فایده‌ای می‌شود و غنیمت جنگی یک مصداق آن است. شرح این مطلب را در تفسیر نمونه، ذیل همان آیه نوشته‌ایم و با توجّه به فقر مسلمین در آن زمان نوبت به خمس غیر غنیمت جنگی نمی‌رسید.

سؤال ۳۰۱. با توجّه به توقیع حضرت ولیعصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به اسحاق بن یعقوب از طریق نائب خاص امام که فرمودند:

«واما الخمس فقد ابیح لشیعتنا وجعلو منه فی حل الی وقت ظهور امرنا لتطیب ولادتهم ولا تخبث»[1]. با توجّه به این که حضرت بقیة الله الاعظم روحی وارواح العالمین لتراب مقدمه الفدا خمس را از برای شیعیان تا زمان ظهور حلال نموده‌اند نظرتان در مورد این روایت چیست؟

جواب: سند این روایت معتبر نیست.

---

۱. غیبت شیخ طوسی، ص ۱۷۶.

مواردی که خمس تعلق می‌گیرد:

سؤال ۳۰۲. اگر سال خمسی کسی اوّل ماه باشد و دولت حقوق آن ماه را در روز اوّل واریز نکند، بلکه در روزهای بعد (دوم یا سوم ماه) واریز نماید. آیا خمس حقوق ماه مذکور را هم باید حساب کند؟

جواب: جزء درآمد سال بعد محسوب می‌شود.

سؤال ۳۰۳. حق‌الزّحمه‌ای که مبلّغ، مؤلّف یا محقّق دریافت می‌کند، چنانچه در پایان سال خمسی‌اش اضافه بماند، خمس دارد؟

جواب: آری خمس دارد.

سؤال ۳۰۴. زنی که همه حقوق خود، یا مقداری از آن را، برای خرج زندگی در اختیار شوهرش قرار می‌دهد، آیا باید خمس همهٔ حقوق را بدهد یا خمس باقیمانده را؟

جواب: آنچه را در پایان سال خمسی‌اش اضافه می‌ماند باید تخمیس کند.

سؤال ۳۰۵. زمینی با پول تخمیس‌شده (مثلاً ۱۰۰/۰۰۰ تومان خریداری شده، و اکنون قیمت آن به ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان رسیده است. با توجّه به ارزش پول در آن زمان و کاهش ارزش ریالی قیمت اوّلیه در حال حاضر، چنانچه بخواهیم زمین را بفروشیم به اضافهٔ ارزش زمین خمس تعلّق می‌گیرد؟

جواب: آری ارزش افزودهٔ زمین خمس دارد.

ا. ارباح مکاسب

سؤال ۳۰۶. آیا به پول بازخرید خدمت خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: چنانچه چیزی از آن در پایان سال خمسی اضافه بماند خمس دارد.

سؤال ۳۰۷. آیا به مالی که از کسی به ارث رسیده که اهل وجوهات نبوده، خمس تعلّق می‌گیرد؟

جواب: درصورتی‌که یقین به تعلّق خمس وعدم پرداخت داشته باشد خمس دارد.

سؤال ۳۰۸. کسانی که شاغل نیستند ولی در سال گاهی یکی دو مرتبه معاملاتی انجام می‌دهند یا گاه هدایایی دریافت می‌کنند، آیا می‌توانند برای هر کدام سال خمسی جداگانه‌ای قرار دهند؟

جواب: برای همهٔ درآمدها باید یک سال خمسی قرار داد.

خمس هدیه

سؤال ۳۰۹. پول‌ها و اموالی که دیگران به انسان می‌بخشند مثلاً پول‌هایی که والدین و فامیل تحت عنوان عیدی و مانند آن به انسان می‌دهند، اگر سال بر آنها بگذرد خمس دارد؟

جواب: چنانچه تا پایان سال خمسی مورد نیاز نباشد احتیاط واجب آن است که خمس آن پرداخت گردد.

خمس جهیزیه

سؤال ۳۱۰. بعضی از دخترخانم‌های شاغل، حقوق دریافتی‌شان را کلّاً پس‌انداز می‌کنند؛ چون فعلاً در خانه پدر و مادر هستند و نیازی به آن ندارند از طرفی قصد تهیّهٔ خانه هم ندارند و فقط با مقداری از این پول جهیزیّه تهیّه می‌کنند، آیا باید سال مالی داشته باشند؟ آیا به پس‌انداز یا جهیزیّه آنها خمس تعلّق می‌گیرد؟

جواب: چنانچه سال خمسی بر آن بگذرد باید خمس آن را پرداخت کنند، ولی در صورتی که برای پرداخت خمس در زحمت باشند مجازند. خمس آن را به ذمّه گرفته و هر زمان توانستند بپردازند. و در مواردی که تهیّهٔ جهیزیّه معمول و مورد نیاز است (مثلاً دختر در آستانهٔ ازدواج است یا تهیّهٔ آن جز به صورت تدریجی میسّر نیست) خمس ندارد در غیر این صورت خمس آن واجب است؛ ولی چنانچه برای پرداخت خمس در زحمت باشند مجازند خمس آن را بر ذمه گرفته و هر زمان توانستند بپردازند.

سؤال ۳۱۱. پدرم هنگام ازدواج، مقداری جهیزیّه به من داد. اگرچه پول آن از درآمد ماهیانه‌اش بوده، ولی با نهایت تأسّف ایشان اهل خمس و زکات نیستند و در بعضی زمینه‌ها گران‌فروشی نیز کرده‌اند، آیا باید خمس جهیزیّه‌ام را بپردازم؟

جواب: در صورتی که از درآمد ماهیانه‌اش بوده خمس ندارد و با توجّه به این که نمی‌دانید جهیزیّهٔ شما را از پول حاصل از گرانفروشی تهیّه کرده یا از پول دیگر، برای شما اشکالی ندارد.

سؤال ۳۱۲. آیا به وسایلی (جهیزیه) که دختر با درآمد کارش برای زندگی آینده تهیّه می‌کند و ممکن است تا چندین سال مورد استفاده قرار نگیرد، خمس تعلّق می‌گیرد؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

خمس وام

سؤال ۳۱۳. این جانب مبلغی وام گرفته، و در حساب سپرده گذاشته، و ماهانه اقساط آن را می‌پردازم. آیا در پایان سال بابت اقساط پرداختی باید خمس پرداخت کنم؟

جواب: آن مقدار از وام که اقساط آن پرداخته شده و تا پایان سال خمسی موجود است خمس دارد. ضمناً توجّه داشته باشید وام را برای هر کاری می‌گیرید برای همان کار باید مصرف شود.

۲. گنج

سؤال ۳۱۴. آیا گنجینه‌ها و دفینه‌هایی که در ملک شخصی افراد پیدا می‌شود به صاحب ملک تعلّق دارد، یا این که ملک حکومت می‌باشد؟

جواب: آنهایی که دارای اهمیّت است باید با اجازهٔ حکومت در آن تصرّف نمود و آنهایی که جزئی است تعلّق به صاحب ملک دارد.

سؤال ۳۱۵. آیا حفّاری‌های غیر مجاز در بقاع متبرّکه، بناهای تاریخی، محوطه‌ها و تپه‌های باستانی به طمع کشف آثار، اشیای تاریخی، گنجینه‌ها و دفینه‌ها مجاز است؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۳۱۶. آیا خرید و فروش اشیای عتیقه و آثار تاریخی بدون هماهنگی و اجازهٔ حکومت مجاز است؟

جواب: از جواب‌های بالا روشن شد.

سؤال ۳۱۷. آیا در صورت اطّلاع از چنین مسائلی (حفاری، خرید و فروش و قاچاق اشیای تاریخی و مانند آن) لازم است، حکومت را در جریان قرار داد؟

جواب: مشمول مقرّرات امر به معروف و نهی از منکر است.

مواردی که خمس تعلق نمی‌گیرد

سؤال ۳۱۸. طلایی که زن به صورت بخشش از مادر یا خواهرش دریافت کرده، خمس دارد؟

جواب: چنانچه به اندازه نیاز و در حد شأنش باشد خمس ندارد.

سؤال ۳۱۹. خانمی که نان، خوراک و وسایل مورد نیاز زندگیش را خودش تهیّه می‌کند، آیا به او خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: چنانچه درآمدش بیش از مخارجش نباشد، خمس بر او واجب نیست.

اثبات سیادت

سؤال ۳۲۰. مادر جدّ پدری فردی سیّده بوده است، اکنون این شخص خودش ادّعای سیادت دارد، و خود را منتسب به خاندان پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌داند. ادعای این فرد چه حکمی دارد؟ این فرد در موقع قسم خوردن می‌گوید قسم به مادرم زهرا علیها السلام، عدّه‌ای از دوستان و آشنایانی که ایشان را می‌شناسند و می‌دانند که از طرف پدر هیچ‌گونه انتسابی به اهل بیت ندارد و یک شخص عادی می‌باشد، این وضعیت برایشان قابل تحمّل نیست آیا این ادّعای او از نظر مادّی و معنوی عواقب شرعی برایش در پی دارد؟

جواب: چنین افرادی از جهاتی حکم سیّد دارند و از جهاتی ندارند؛ نمی‌توانند خمس بگیرند و همچنین از لباس مخصوص سادات نمی‌توانند استفاده کنند، امّا

از جهاتی شرافت سیادت و انتساب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت زهرا علیها السلام دارند.

سؤال ۳۲۱. اخیراً بعضی افراد با استناد به رؤیاها، یا با استناد به گفته شخصی که اظهار نموده یکی از اجداد فردی گاهی شال سبز همراه داشته، اقدام به برپایی جشن سیادت نموده، و خود را سیّد معرّفی کرده، و این اقدام را به بعضی از مراجع تقلید نسبت می‌دهند. با توجه به این مقدّمه، استدعا می‌شود پاسخ سؤال‌های زیر را مرقوم فرمایید.

الف) آیا خواب یا اظهار نظر برخی از افراد به این که یکی از اجداد شما گاهی شال سبز همراه داشته و چیزهایی نظیر آن، دلیل بر سیادت است؟

ب) اثبات سیادت از نظر شرعی از چه طریقی می‌باشد؟

ج) آیا استناد این اقدام به بعضی از مراجع تقلید صحیح است و آیا حضرتعالی چنین دستوری داده‌اید؟

جواب: الف تا ج) خواب مطلقاً حجّت نیست و اثبات سیادت از طریق شهرت به سیادت در محل زندگی است که نسل اندر نسل به این امر مشهور باشند و ما هم هرگز چیزی غیر از این نگفته‌ایم.

سؤال ۳۲۲. مدّتی پیش عدّه‌ای از اهالی یک روستا مدّعی شدند که از نسل ائمّهٔ اطهار علیهم السلام می‌باشند، و طی مراسمی سیادت خود را به صورت رسمی اعلام نمودند. با توجّه به این که مطلب فوق در بین اهالی روستا شبهاتی به وجود آورده، و موجب متشنج شدن افکار عمومی گردید. خواهشمند است نظر مبارک را در مورد سؤالهای زیر مرقوم فرمایید:

الف) به طور کلّی سیادت افراد چگونه ثابت می‌گردد؟

جواب: سیادت در صورتی ثابت می‌شود که شخص در محلّ خود مشهور به سیادت باشد، یا طبق اسناد معتبر تاریخی سیادت اجداد او ثابت شود.

ب) با توجّه به این که آنها مدّعی شدند از دفتر علمای اعلام تأییدیه گرفته‌اند، آیا از جانب حضرتعالی سیادتشان محرز و تأیید گردیده است؟

جواب: ما فقط طبق آنچه در بالا آمد سیادت اشخاص را تأیید می‌کنیم.

متفرقه

سؤال ۳۲۳. اگر شخصی در مورد تعلّق خمس به مالی تردید نماید و احتیاطاً خمس آن را بدهد و بعداً علم به تعلّق خمس به آن مال پیدا نماید، آیا همان پرداخت قبلی، که با تردید صورت پذیرفته، کافی است؟

جواب: آری کافی است.

سؤال ۳۲۴. آیا بر مالی که صاحبش شک دارد خمس آن را داده یا نه، خمس تعلّق می‌گیرد؟

جواب: احتیاط آن است که خمس آن را بپردازد.

سؤال ۳۲۵. شأنیّت در مصرف یعنی چه؟

جواب: منظور این است که هر کسی متناسب موقعیّت خود هزینه کند.

سؤال ۳۲۶. در بعضی موارد مکلّف باید به جای خمس، ربع ($\frac{1}{4}$) به عنوان سهمین بدهد. آیا شرایطی را که برای پرداخت ربع در ذیل ذکر می‌شود قبول دارید:

الف) آن شیء در اثنای سال آینده مؤنه نشود.

ب) آن شیء در اثنای سال آینده تلف نشود.

ج) مکلّف بخواهد از درآمد و سود سال آینده خمس آن را بدهد، یا دین خود را به دفتر مرجع تقلیدش بابت دستگردان بپردازد.

د) اگر یکی از این سه شرط حاصل نبود $\frac{1}{5}$ کافی است.

جواب: ما در تمام این موارد اجازه داده‌ایم فقط خمس بپردازند.

سؤال ۳۲۷. این‌جانب حمیدرضا در سال ۱۳۵۲ پس از فوت پدرم، در سن ۱۳ سالگی همراه مادرم برای ادامهٔ تحصیل به خارج از کشور اعزام شدم. مرحوم پدرم یک فرد مذهبی و کاسب و فاقد هرگونه وابستگی به رژیم پهلوی و فرقه‌های ضاله بوده و برای معاش اینجانب (که در آن زمان صغیر بودم) مقدار ۷۱۱ سهم از سهام شرکت ریمابتون را به نامم کرد و به علاوه ۶۰۰۰ متر مربع ملک واقع در فرشته معروف به زمین چناران را برای اینجانب به ارث گذاشت. متأسّفانه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و فارغ التحصیل

شدن هنگامی که در سال ۱۳۷۰ به ایران آمدم مطّلع شدم هیأت قضائی سهام شرکت را صرفاً به این دلیل که، کلیهٔ سهامداران در خارج از کشور می‌باشند، مصادره نموده است. این در حالی است که دادگاه انقلاب اسلامی تهران با صدور رأی اعلام کرده که اموال پدرم نامشروع نمی‌باشد، امّا اموال موروثی را با این توجیه که پدرم وجوهات شرعی را پرداخت نکرده، مصادره نموده است. با توجّه به مراتب فوق و این که املاک و اموال یادشده موروثی بوده و در زمان صغر سن به نام اینجاب ثبت شده و پدرم قبل از انقلاب اسلامی فوت نموده، آیا شرعاً می‌توان مرده را به پرداخت خمس محکوم کرد؟

جواب: اوّلاً در صورتی که یقین به عدم پرداخت وجوه نباشد نمی‌توان مال کسی را مصادره کرد و در صورت شک باید حمل بر صحت شود و ید در اینجا دلیل بر مالکیّت مجموع است. و ثانیاً اگر ثابت شود که خمس نمی‌داده تنها به مقدار خمس می‌توان گرفت و بقیه را باید به مالک داد.

فصل دوازدهم: احکام زکات

اهمیت زکات

سؤال ۳۲۸. با توجّه به این که چندین بار در قرآن از زکات صحبت شده، چرا علما، سخنرانان مذهبی و وعّاظ محترم این قدر که روی مسألهٔ خمس تأکید دارند، روی مسألهٔ زکات تأکید نمی‌کنند؟

جواب: اخیراً نهضتی برای گرفتن زکات در روستاها به وجود آمده، تا زیر نظر جمعی از امنا و مسئولین جمع‌آوری و در همان محل مصرف می‌شود.

زکات غلات

سؤال ۳۲۹. شغل بنده کشاورزی نیست؛ امّا هر سال به منظور دایر بودن زمین مقداری غلّه به‌صورت دیمی می‌کارم. گاه خداوند عنایت فرموده، و مقداری غلّه از زمین به دست می‌آید که به حد نصاب می‌رسد. آیا زکات این محصول واجب است؟

جواب: در صورتی که به حدّ نصاب برسد زکات آن واجب است.

مستحقین زکات

سؤال ۳۳۰. در رساله فرموده‌اید: «اگر فرزند به کتاب‌های علمی مذهبی احتیاج داشته باشد پدر می‌تواند به او زکات دهد» آیا پدر بزرگ‌ها (پدر مادر و پدر پدر) هم می‌توانند به نوه‌های خود برای تهیّهٔ کتاب‌های مذکور زکات بدهند؟ آیا طلاّب حوزه‌های علمیّه می‌توانند با این زکات، کتاب‌های درسی خود را تهیّه کنند؟

جواب: اشکالی ندارد.

مستحقین زکات

سؤال ۳۳۱. لطفاً در مورد «مؤلفة قلوبهم»[۱] به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

الف) در صدر اسلام «مؤلفة قلوبهم» چه کسانی بودند؟

ب) معیار در «مؤلفة قلوبهم» چیست؟

ج) آیا کشورهای دیگر جزء «مؤلفة قلوبهم» حساب می‌شوند؟

د) اگر کشوری با دولت‌های استکباری متجاوز، دشمنی داشته باشد، برای تقویت آن کشور می‌توان به آنها به عنوان «مؤلفة قلوبهم» کمک کرد؟

ه) آیا به حساب آوردن کشورها و افراد به عنوان «مؤلفة قلوبهم» فقط برای جلوگیری از ضرر و خصومت آنها و جلب حمایتشان در محافل بین‌المللی می‌تواند معیاری برای قرارگرفتن تحت عنوان «مؤلفة قلوبهم» باشد؟

جواب: همان‌گونه که در تفسیر نمونه، جلد ۸ ذیل آیهٔ ۶۰ سورهٔ توبه نوشته‌ایم «مؤلفة القلوب» تمام کسانی هستند که به خاطر ایجاد الفت و محبّت آنان به اسلام و مسلمین زکات داده می‌شود و در صدر اسلام نمونهٔ روشن آن در داستان جنگ حنین ظاهر شد و در تواریخ اسلامی نوشته شده است و به طور کلی کمک به تمام کسانی که به نحوی به اسلام کمک می‌کنند و تمایل به مسلمانان دارند هر چند مسلمان نیستند در عنوان «مؤلفة القلوب» باقیست.

طلا و سرمایه زکات ندارد

سؤال ۳۳۲. آیا به سکهٔ طلای بهار آزادی که به حدّ نصاب رسیده زکات تعلّق می‌گیرد؟

جواب: زکات ندارد ولی چنانچه سال خمسی بر آن بگذرد خمس دارد.

سؤال ۳۳۳. شخصی مبلغی پول به‌عنوان سرمایه دارد که جهت امرار معاش یا خرید مسکن در بانک ذخیره کرده است. آیا برای پرداخت زکات سالیانه، از کلّ مبلغ سرمایه

---

۱. سورهٔ توبه، آیهٔ ۶۰.

که در بانک نگهداری می‌شود باید زکات داد یا از بهرهٔ آن؟ اگر سرمایه راکد باشد و هیچ بهره‌ای به آن تعلّق نگیرد، نحوهٔ پرداخت زکات چطور است؟

جواب: زکات به آن تعلّق نمی‌گیرد ولی خمس اصل پس‌انداز و درآمد آن در صورتی که در طول سال مصرف نشود لازم است.

متفرقه

سؤال ۳۳۴. آیا دادن کفّارات واجب و ردّ مظالم از طرف غیر سادات به سادات اشکال دارد؟

جواب: درکفّاره احتیاط واجب در ترک آن است؛ ولی در ردّ مظالم مانعی ندارد.

فصل سیزدهم: احکام حج

شرایط وجوب حج

استطاعت

سؤال ۳۳۵. اگر انسان از سایر ورثه اجازه بگیرد، می‌تواند با فیش میّت به حج مشرف شود، آیا استجازهٔ از سایر ورثه به عنوان مقدّمهٔ واجب، مثل ثبت نام و تهیّهٔ بلیط و امثال آن واجب است یا نه؟ و با فرض عدم استجازه، چنانچه با همان فیش به حج برود و سایر شرایط را داشته باشد، آیا حج او صحیح است و کفایت از حجّةالاسلام می‌نماید؟

جواب: استجاره کردن لازم نیست؛ ولی اگر استجازه کند و اجازه دهند و سایر شرایط را داشته باشد مستطیع می‌شود و در فرض عدم استجازه اگر برود صحیح است ولی کار خلافی کرده است.

سؤال ۳۳۶. کسی که از وجوه شرعی نظیر خمس و زکات ارتزاق می‌کند، اگر از آن خمس یا زکات به قدر مخارج حج اضافه آید، آیا با وجود سایر شرایط مستطیع خواهد شد؟

جواب: آری مستطیع می‌شود و حج بر او لازم است.

سؤال ۳۳۷. این جانب در گذشته در اثر ندانم‌کاری خمس بدهکار بودم که بحمدالله این بدهکاری امسال تصفیه شد. امّا به احتمال ۹۰٪ در گذشته حج بر گردن این جانب واجب بوده که نرفتم و پس از آن با ارثیه‌ای که از پدرم (حدود ۳/۵ میلیون تومان) به من رسید منزلی خریداری و خرج عروسی پسرم کردم. در حال حاضر در کار تولید پوشاک هستم، ولی هر چه تلاش می‌کنم پس‌اندازی ندارم. حال از طرفی بدهی زیادی (حدود ۳۰ میلیون تومان) دارم که عدم پرداخت آن سبب آبروریزی بنده می‌شود و از طرف دیگر نیز همه می‌گویند، تا به حجّ نروی وضع تو درست نمی‌شود، تکلیف من چیست؟

جواب: حق الناس در این‌جا مقدّم است، ولی حج بر ذمّهٔ شما باقی می‌ماند.

حج نیابتی

سؤال ۳۳۸. آیا کسی که در اعمال عمره یا حج یا خصوص طواف اجیر دیگری شده، می‌تواند به نیابت از شخص دیگری تبرّعاً یا استیجاراً قرآن تلاوت کند؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۳۳۹. نایب می‌داند برای حجّ تمتّع اجیر شده، امّا نمی‌داند برای حجّةالاسلام نایب شده، یا حجّ نذری، یا حجّ مستحب. چگونه نیّت کند؟

جواب: نیّت می‌کند حجّی را که برای آن اجیر شده‌ام بجا می‌آورم.

محرمات احرام

سؤال ۳۴۰. پای چپ این‌جانب از حدود ۸ الی ۱۰ سانتیمتر زیر زانو قطع می‌باشد. و پای مصنوعی من با هیچ جای بدنم (جز همان ۱۰ سانتی متر زیر زانو که داخل پای مصنوعی قرار می‌گیرد) در تماس نیست. و این مقدارهم برای حفظ تعادل و استقرار بنده هنگام راه رفتن، رانندگی کردن، و با طمأنینه و آرامش نماز خواندن و غیره ضروری و لازم است. و بدون داخل شدن این مقدار از پای قطع شده (۱۰ سانتی متر زیر زانو) در داخل پای مصنوعی، استفاده از پای مصنوعی ممکن نخواهد بود. با عنایت به این مطالب بفرمایید: استفاده از پای مصنوعی در مناسک حج چه حکمی دارد؟

جواب: در فرض سؤال استفاده از این پا هنگام انجام دادن مناسک حج برای شما اشکال ندارد و نگران نباشید.

سؤال ۳۴۱. فردی به عنوان خدمهٔ کاروان به سفر حج رفته و به نیابت از پدرش حج انجام داده، در حالی که خودش مستطیع بوده و جهل به مسأله داشته، آیا فریضهٔ حج از ذمهٔ خودش ساقط شده است؟ حجّ نیابتی او چه حکمی دارد؟ اکنون وظیفه‌اش چیست؟

جواب: حجّ مزبور به نیابت از پدر صحیح بوده ولی کار خلافی انجام داده، چون خودش مستطیع بوده است و در اوّلین فرصت باید برای خودش حج بجا آورد.

سؤال ۳۴۲. شخصی با فیش عمرهٔ عمّه‌اش، که به او هدیه نموده یا ورثهٔ عمّه به او هدیه داده‌اند تا به نیابت از عمّه‌اش عمره انجام دهد، به مکّه مشرف می‌شود و بدون این که بگوید این فیش از طرف عمّه‌ام به من هدیه شده تا به نیابت از او عمره بجا آورم به روحانی کاروان می‌گوید: «می‌خواهم به نیابت از عمّه‌ام محرم شوم» و روحانی کاروان می‌گوید: «از مسجد شجره برای خودت احرام ببند و عمرهٔ مجدد را به قصد رجا برای عمّه‌ات انجام بده» و این شخص همین کار را انجام می‌دهد. با توجّه به این که دو عمره در یک ماه قمری واقع شده آیا عمرهٔ نیابتی از سوی عمه‌اش صحیح است؟

جواب: مرتکب کار خلافی شده ولی عمره‌اش صحیح است و باید کسی را برای انجام عمرهٔ عمّه‌اش استیجار کند.

سؤال ۳۴۳. کسی که حسّ بویایی ندارد یا به علّت زکام و سرماخوردگی بویی را احساس نمی‌کند، آیا استعمال بوی خوش و استفاده از عطر برای خوش بو کردن بدن و لباس و یا گرفتن بینی از استشمام بوی بد، بر او حرام است؟

جواب: استعمال عطر برای او نیز اشکال دارد، ولی گرفتن بینی از بوهای خوب و بد لازم نیست.

سؤال ۳۴۴. آیا کسی که خود محرم نیست می‌تواند چیزی روی سر مردی که محرم است بیاندازد، مثلاً پتو را روی سر محرمی که خوابیده بیاندازد و چنانچه محرم باشد چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط در ترک این امور است.

سؤال ۳۴۵. مرد محرمی به غیر محرم می‌گوید: «وقتی به خواب رفتم، پتو را روی سرم بیانداز». او هم به این درخواست عمل کند، آیا این کار جایز است؟ آیا کفّاره واجب می‌شود؟ بر فرض وجوب، کفّاره بر عهدهٔ چه کسی است؟

جواب: جایز نیست و کفاره بر عهدهٔ کسی است که پتو به درخواست او بر سرش افکنده شده است؛ مگر این که نسبت به این حکم جاهل باشد که در این صورت کفّاره ندارد.

سؤال ۳۴۶. در راستای کمک‌رسانی به حجّاج بیت‌الله الحرام و جهت همکاری با سازمان حج و زیارت، و همچنین به منظور رعایت امور بهداشتی در ایّام احرام و لزوم استفاده از موادّ شوینده، مانند شامپو، مایع دستشویی و مواد ضدّ عفونی کننده، و با توجّه به این نکته که در این موسم استفاده از هر گونه محصولی که دارای عطر و اسانس باشد، حرام است، لذا این سازمان در نظر دارد نسبت به ساخت محصولات بدون عطر و رایحه جهت استفاده در زمان احرام اقدام نماید. نظر حضرتعالی در این مورد چیست؟

جواب: هرگاه این وسایل شوینده بدون عطر باشد بخشی از مشکلات زوّار خانهٔ خدا حل خواهد شد.

عمره تمتع

طواف

سؤال ۳۴۷. خانمی در زمان حج قرص می‌خورده تا حیض نشود و بتواند اعمالش را انجام دهد، امّا موقعی که قرص خوردن را شروع می‌کرده همواره ترشحاتی زرد رنگی می‌دیده که احتمال می‌داده خون باشد و چون در زمان حیض ایشان نبوده شک می‌کرده که استحاضه است یا نه و چون قدرت تشخیص نداشته، بنا را بر این گذاشته که مستحاضه نیست و مسائل مربوط به آن را رعایت نکرده و طواف و نماز طواف را به جا آورده است، با این حال اعمالش چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که طواف‌ها و نماز طواف را بجا آورد.

سؤال ۳۴۸. آیا طواف دادن فردی که خودش قادر به راه رفتن است، صحیح است؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۳۴۹. شخصی به هیچ وجه کنترل ادرار ندارد و در حال احرام و اعمال نیز همین حالت را خواهد داشت؛ چنانچه با این وضع عازم مکّه باشد، آیا واجب است در میقات محرم شود، یا می‌تواند بدون احرام به مکّه برود؟

جواب: در میقات محرم می‌شود و مانند دیگران برنامه‌ها را انجام می‌دهد و قبل از نماز و طواف وضو می‌گیرد.

سؤال ۳۵۰. آیا ولیّ کودک می‌تواند در حالی که طواف خود را بجا می‌آورد، کودک غیر ممیّز خود را نیز طواف دهد و از طرف او نیّت طواف نیز بکند؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۳۵۱. در حال طواف، نماز مستحب خواندن چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۳۵۲. اگر طواف حج و نماز آن یا طواف نساء و نماز آن به جهتی باطل باشد، قضای آن باید در ماه ذی‌الحجه باشد، یا هر زمانی کفایت می‌کند؟

جواب: ماه ذی‌الحجه شرط نیست، هرچند بهتر است.

سؤال ۳۵۳. پس از اتمام اعمال عرفات و منیٰ، وقتی که برای انجام بقیّهٔ اعمال حج عازم مسجدالحرام بودم، حائض شدم و از آنجا که عادتم کمتر از هفت روز نبود، و از طرفی کاروان، طبق نوبت تنظیمی از طرف سازمان حج و زیارت، زودتر به ایران حرکت می‌کرد، لذا مدیر گروه مرا وادار کرد که برای انجام طواف و نماز نائب بگیرم و سعی را خود بجا آورم، پس از مراجعت به ایران متوجّه شدم که اگر مدیر گروه اجازه می‌داد، که در یکی از گروه‌های آشنا بمانم و اعمال خود را انجام دهم، اشکالی در حجّم ایجاد نمی‌شد. اکنون تکلیف من چیست؟

جواب: اعمال شما صحیح است؛ ولی احتیاط مستحب آن است اگر خودتان نمی‌توانید آن اعمال را بجا آورید به شخصی که به عمره یا حج می‌رود نیابت دهید که آن اعمال را از طرف شما انجام دهد.

سؤال ۳۵۴. بعضی از خانم‌ها در سفر حج برای پیشگیری از عادت ماهانه قرص می‌خورند، گاهی با خوردن قرص باز هم عادت می‌شوند امّا به وسیلهٔ آمپول از ادامهٔ آن جلوگیری می‌کنند. آیا با جلوگیری به وسیلهٔ آمپول، حکم طهارت از حیض بر آنها مترتّب می‌شود و می‌توانند اعمالی که متوقّف بر طهارت از حیض است انجام دهند؟ و پس از جلوگیری از ادامهٔ عادت، به چه عنوان باید غسل کنند؟

جواب: هرگاه خون به طور کامل قطع گردد به نیّت ما فی‌الذمه غسل می‌کند و سپس می‌تواند اعمال را بجا آورد.

سؤال ۳۵۵. آیا خوردن قرص در ایام حج یا مواقع دیگری که زنها میل ندارند عادت ماهیانه باشند اشکال دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۳۵۶. شخصی بدون عذر در طواف و سعی بین صفا و مروه با ویلچر می‌رود، آیا اشکال دارد؟

جواب: اشکال ندارد؛ هر چند بهتر است با پای خود طواف و سعی را بجا آورد.

سؤال ۳۵۷. شخصی مدّتی از آب سردکن مسجدالحرام (که روی آن نوشته شده فقط برای شرب استفاده شود) برای وضو استفاده کرده و طواف و نماز را انجام داده است. اگر می‌دانسته که این آب فقط برای خوردن است، حکم اعمالی که انجام داده چیست؟ و اگر این مطلب را نمی‌دانسته حکم اعمال او چه می‌باشد؟

جواب: نماز و طواف‌های گذشتهٔ او ان‌شاءالله صحیح است؛ ولی بعد از این تکرار نکند.

نماز طواف

سؤال ۳۵۸. لطفاً به دو سوال زیر جواب فرمایید:

الف) آیا نماز طواف واجب یا مستحب را می‌توان بدون سوره خواند؟

جواب: نماز طواف واجب را نمی‌توان بدون سوره خواند، و احتیاط آن است که نماز طواف مستحب را هم با سوره بخوانند.

ب) به صورت نشسته چطور؟

جواب: در صورتی که نتواند ایستاده بخواند، اشکالی ندارد که به طور نشسته بخواند.

سؤال ۳۵۹. آیا نماز طواف مستحبّی را می‌توان در حال حرکت و شروع به طواف مستحب دیگر انجام داد؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۳۶۰. آیا نماز طواف مستحب، حکم سایر نمازهای مستحبی را دارد، و در حال راه رفتن و خروج از مسجد الحرام می‌توان آن را خواند؟

جواب: احتیاط واجب آن است که در حال استقرار و در مسجد بخواند.

سؤال ۳۶۱. آیا نماز طواف مستحب را می‌توان در حال حرکت و راه رفتن خواند؟

جواب: احتیاط آن است که در حال توقّف بخوانند، زیرا ادلّهٔ جواز نافله در حال حرکت، از این‌جا منصرف است.

سعی

سؤال ۳۶۲. نظر به این که عرض مسعی را از سمت شرق (بیرون مسجدالحرام) موازی سالن موجود توسعه می‌دهند و در آینده چند متر به عرض آن اضافه می‌شود و قبلاً نیز قسمت‌هایی از کوه صفا و مروه (در ابتدا و انتهای بخشی که افزوده می‌شود) برداشته شده و هم اکنون چیزی از کوه صفا و مروه در این دو قسمت وجود ندارد، سعی در قسمت افزوده شدهٔ جدید چه حکمی دارد؟

شایان ذکر است که طبق نظر کارشناسان و کسانی که از سال‌ها پیش سابقهٔ تشرّف دارند، کوه صفا و مروه تا این قسمت نیز امتداد داشته و هم اکنون نیز ریشهٔ کوه وجود دارد.

جواب: با توجّه به شهادتی که به وجود ریشه‌های کوه داده شده، و با توجّه به شهادت شهودی که می‌گویند قبلاً برجستگی کوه را در آن سمت دیده‌اند و بعداً در ساخت و سازهای جدید تخریب‌شده مشکلی برای سعی حجّاج به وجود نمی‌آورد، بخصوص این که حجّاج می‌توانند از سمت مسجد الحرام که برای سعی می‌آیند نیّت کنند از کنار کوه صفا بگذرند و وارد مسعای جدید شوند و در موقع رسیدن به مروه از مروه بگذرند و به این ترتیب مصداق «ان یطوّف بهما»[1] خواهد بود.

---

۱. سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۵۸.

اعمال بین عمرهٔ تمتّع و حج

سؤال ۳۶۳. شخصی در ماه شوال یا ذیقعده عمرهٔ تمتّع بجا آورده، و به مدینه برگشته و در ماه جدید مجدداً به مکّه می‌رود، وظیفهٔ او نسبت به احرام در مسجد شجره چیست؟ عمرهٔ مفرده یا عمرهٔ تمتّع مجدد یا عمره‌ای که بر ذمّه دارد بجا آورد؟

جواب: باید محرم گردد و دوباره عمره بجا آورد و همین عمره، عمرهٔ تمتّع او حساب می‌شود، و احتیاط آن است که برای عمرهٔ سابق یک طواف نساء و نماز طواف بجا آورد.

واجبات حج تمتع

وقوف به مشعر

سؤال ۳۶۴. آیا حاجی پس از وقوف در عرفات مجاز است در شب عید به مشعر نرود، مثلاً چند ساعتی به مکّه برود و پیش از اذان صبح یا پیش از نیمهٔ شب خود را به مشعر برساند، یا باید مستقیم به مشعر برود؟

جواب: باید مستقیم به مشعر برود؛ مگر در حال ضرورت.

سؤال ۳۶۵. اگر معذور پس از وقوف اضطراری مشعرالحرام از مشعر خارج شده، و پیش از طلوع فجر عذر او برطرف شود، آیا بازگشت به مشعرالحرام برای درک وقوف اختیاری لازم است؟

جواب: احتیاط واجب آن است که بازگردد.

قربانی

سؤال ۳۶۶. این‌جانب در سال ۶۴ با پدر و مادرم جهت انجام مراسم حجّ تمتّع، عازم زیارت خانهٔ خدا شدیم. بنده برای مادرم گوسفندی قربانی کردم که پس از ذبح متوجّه شدم یک گوش گوسفند به اندازهٔ تقریباً یک بادام بریده است، امّا پولی نداشتم که قربانی دیگر بخرم و ذبح نمایم. ولی در عید قربان سال بعد در ایران به نیّت مذکور گوسفندی

قربانی کرده، و گوشت آن را به جبههٔ جنگ فرستادم. آیا حجّ مادرم صحیح است، یا وظیفهٔ دیگری داریم؟

جواب: در مجموع قربانی شما صحیح بوده است، ان‌شاءالله خداوند قبول فرماید.

طواف

سؤال ۳۶۷. سه سال پیش به مکّه رفتم و این مسأله که زن هم مثل مرد (بدون آمیزش) جنب می‌شود را نمی‌دانستم. شبی که در عرفات بودیم، این برنامه برایم پیش آمد، چند روز گذشت، و ما را برای طواف آوردند، من در جلوی همان چادر تیمّم کرده و اعمالم را انجام دادم. اعمال من چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که امکان غسل کردن نبوده همان تیمّم کافی بوده است ولی به محض فراهم شدن مقدّمات غسل، باید غسل کنید.

سؤال ۳۶۸. کسانی که با داشتن عذر موجهی طواف را مقدم می‌دارند ـ مانند حیض متأخّر ـ آیا تجدید تلبیه و اعاده سعی بعد از طواف لازم است؟

جواب: اوّل باید محرم به احرام حج شود سپس آن اعمال را بجا آورد و تجدید تلبیه بعد از انجام آن اعمال لازم نیست و اعادهٔ سعی هم لازم نیست.

رمی جمرات

سؤال ۳۶۹. اگر نایب عصیاناً رمی در روز را ترک کند، نیابت او چه حکمی دارد؟ هرگاه به تصوّر این که می‌تواند به منیٰ برگردد، به مکه آید و روز دوازدهم نتواند برای رمی به منیٰ برگردد، نیابتش چه حکمی دارد و وظیفه‌اش چیست؟

جواب: حج او باطل نمی‌شود، ولی باید خودش آن را در موقع مناسب اعاده کند و اگر نمی‌تواند نایب بگیرد.

سؤال ۳۷۰. با توجّه به این که بانوان می‌توانند رمی روز دهم را شب انجام دهند، آیا

حتماً باید شب عید باشد یا شب یازدهم نیز جایز است؟ و در فرض جواز در صورتی که زن در اعمال حج نایب دیگری باشد، چه صورت دارد؟

جواب: هر دو جایز است و ضرری به نیابت نمی‌زند.

سؤال ۳۷۱. با توسعهٔ اخیر جمرات، اگر قسمتی از ستون (دیوار ۲۴ متری) جمرهٔ عقبه، خارج از منیٰ باشد، با فرض صدق جمره بر مجموع دیوار، آیا رمی آن قسمت صحیح است؟

جواب: با توجّه به این‌که سنگ‌ها بالاخره به محلّ قدیم سرازیر می‌شود مانعی ندارد.

سؤال ۳۷۲. لطفا به دو سوال زیر پاسخ فرمایید:

الف) کسی که بعد از ظهر عید قربان که جمرهٔ عقبه خلوت است، توانایی دارد رمی کند، آیا می‌تواند برای رمی در صبح عید نایب بگیرد؟ در صورتی که بخواهد خودش هنگام عصر رمی کند موفق به قربانی در روز عید نمی‌شود، آیا برای این که بتواند روز عید قربانی کند می‌تواند صبح برای رمی جمره نایب بگیرد؟

جواب: باید خودش در عصر روز عید رمی کند هر چند قربانی به عقب بیفتد.

ب) همچنین کسی که چندین سال صبح روز عید برای رمی نایب گرفته با این که عصر خودش قادر به رمی بوده، اکنون تکلیفش چیست؟

جواب: باید در وقت مناسب آنها را قضا کند.

سؤال ۳۷۳. هنگام رمی یا پیش از آن، یک ریگ مستعمل در کیسهٔ ریگ ما افتاده و با ریگ‌های بکر مخلوط و مشتبه می‌شود. همین که هشت ریگ به جمره بزنیم که یکی از آنها احتمالاً ریگ مستعمل است کافی است که علم اجمالی پیدا کنیم هفت ریگ بکر زده‌ایم؟ یا علم تفصیلی لازم است و باید هنگام رمی بدانیم کدام ریگ بکر و کدام مستعمل است؟

جواب: کافیست و علم تفصیلی لازم نیست.

سؤال ۳۷۴. افرادی که در مشعر وقوف اضطراری نموده و بعد از نیمه‌شب وارد منیٰ می‌شوند آیا می‌توانند همان شب رمی جمرهٔ عقبه نمایند؟

جواب: آنها می‌توانند همان شب رمی جمرهٔ عقبه کنند (البتّه در صورتی که رمی جمرهٔ عقبه در روز برای آنها مشکل باشد).

خروج از مکه

سؤال ۳۷۵. خارج شدن از شهر مکّه و سرزمین منی، مثلاً رفتن به جدّه، مدینه یا طائف در موارد زیر چه حکمی دارد؟

الف) پس از اعمال روز عید قربان و پیش از اعمال مکّه.

ب) روز یازدهم پس از رمی جمرات.

ج) پس از بیتوتهٔ نیمه اوّل شب یازدهم یا دوازدهم.

د) پس از اعمال ایّام تشریق و پیش از اعمال مکّه.

جواب: احتیاط آن است تا اعمال را تکمیل نکرده خارج نشود.

سؤال ۳۷۶. کسی که در ماه ذی‌القعده عمرهٔ تمتّع بجا می‌آورد و در ماه ذی‌الحجه به منیٰ می‌آید (با فرض این که منیٰ خارج مکه است)، یا به جای دیگری خارج از مکّه می‌رود، ولی از حرم خارج نمی‌شود، اوّلاً: آیا برای بازگشت به مکّه باید محرم شود؟ اگر باید محرم شود، از کجا باید محرم شود؟ ثانیاً: به چه نیّتی محرم شود! عمرهٔ تمتّع؟ یا عمرهٔ مفرده؟ یا عمرهٔ ما فی الذّمه؟

جواب: احرام مجدّد لازم نیست.

حجّ کودکان

سؤال ۳۷۷. در صورت شک در ممیّز بودن کودک، وظیفهٔ ولیّ او در احرام و دیگر اعمال چیست؟

جواب: مادام که یقین به ممیّز بودن او نداشته باشد احکام غیر تمییز بر او جاری می‌شود.

سؤال ۳۷۸. آیا طواف کودک غیر ممیّزی که لباسش پاک ولی بدنش نجس می‌باشد، صحیح است؟

جواب: در صورتی که تطهیر بدن او زحمت زیادی نداشته باشد باید تطهیر کرد، ولی در بچّه‌های شیرخوار و امثال آن رعایت این مسأله لازم نیست.

سؤال ۳۷۹. اگر ولیّ طفل نسبت به طهارت بدن و لباس کودک شک کند، آیا بررسی و تجسّس واجب است؟ چنانچه پس از طواف متوجّه شود پاک نبوده، تکلیفش چیست؟

جواب: لازم نیست و اگر پس از طواف متوجّه شود پاک نبوده وظیفه‌ای ندارد.

سؤال ۳۸۰. پوشاندن سر برای پسربچّهٔ محرم و پوشاندن صورت برای دختربچهٔ محرم، ممیّز یا غیر ممیّز، چه حکمی دارد؟

جواب: در مواردی که مردم معمولاً می‌پوشانند مانعی ندارد.

سؤال ۳۸۱. اگر کودک ممیّز یا غیر ممیّزی که ختنه نشده طواف بجا آورد، چه حکمی دارد؟ در صورتی که پس از طواف متوجّه شوند ختنه نشده بود، یا متوجّه مسأله شود، طواف انجام شده چه حکمی دارد؟

جواب: احرام و طواف‌های او صحیح است؛ زیرا در طواف صبی، ختان شرط نیست.

سؤال ۳۸۲. کودکی که خودش می‌تواند در طواف راه برود، اگر او را در آغوش بگیرند یا در کالسکه بنشانند و طواف دهند، چه حکمی دارد؟

جواب: در کالسکه مانعی ندارد و اگر اورا طوری حمل کنند که صورتش به طرف جلو باشد آن نیز مانعی ندارد؛ مثل این که او را بر شانه بگذارند.

عمرهٔ مفرده

سؤال ۳۸۳. لطفاً در مورد کسانی که فقط به عمرهٔ مفرده مشرّف شده، و حجّ تمتّع نرفته‌اند، به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) آیا در مورد آنها می‌توان لفظ حاجی را به کار برد؟

جواب: اشکالی ندارد؛ هر چند معمولاً به کسانی که به حجّ تمتّع مشرّف می‌شوند حاجی می‌گویند.

ب) آیا در مکتوبات پارچه‌ای، بنر و مقوایی که برای خیر مقدم به آنها نوشته می‌شود، می‌توان جملهٔ «حجکم مقبول و سعیکم مشکور» را نوشت؟

جواب: مانعی ندارد.

متفرّقه

سؤال ۳۸۴. برخی از زائران سرزمین وحی اظهار می‌دارند که: «فلان مبلغ را به ما داده‌اند تا در حرم مطهّر نبوی یا قبور مطهّر بقیع بریزیم». با توجّه به این که انداختن این مبالغ در آن محل‌ها غیر ممکن است، و در صورت امکان مصرف مکان مورد نظر نخواهد شد، و این اشخاص حاضر نیستند این وجوه را با خود برگردانند، آیا می‌توان آنها را در راه خیر مثل کمک به فقرای شیعه صرف کرد؟

جواب: بهترین راه صرف فقرای شیعهٔ ساکن در آن‌جاست.

سؤال ۳۸۵. آیا استحباب سه‌روز روزهٔ مستحبی در مدینهٔ منوّره برای برآمدن حاجت اختصاص به‌مسافر دارد یا برای اهل مدینه وکسانی که قصد عشره دارند نیز مستحب است؟

جواب: این حکم مخصوص مسافر است، ولی دیگران بر اساس قانون اوّلی هر روزی بخواهند می‌توانند به قصد حاجت روزه بگیرند.

سؤال ۳۸۶. جواز اقتدا به اهل سنّت اختصاص به نماز ادا دارد یا نماز قضا را نیز شامل می‌شود؟

جواب: تفاوتی نمی‌کند.

سؤال ۳۸۷. زنی به تصوّر استحاضه در میقات محرم شده و با انجام وظایف مستحاضه اعمال عمرهٔ تمتّع را بجا آورده، و پس از اعمال متوجّه شده که حائض بوده است. وظیفهٔ او نسبت به اعمال عمره و حج چیست؟

جواب: باید طواف‌ها و نماز طواف را از سر بگیرد و احتیاط مستحب این است که اگر در مکّه حاضر است بقیّه اعمال مانند سعی و تقصیر را نیز اعاده کند ولی کفاره‌ای بر او نیست.

سؤال ۳۸۸. در برخی موارد، زائران بیت الله الحرام یا سایر مسافران، وقت نماز در هواپیما هستند. با توجّه به این که نماز در هواپیما معمولاً مانع استقرار و طمأنینه نیست، در صورتی که سایر شرایط، مثل قیام، قبله، رکوع و سجود مراعات شود، آیا در صورت علم یا احتمال این که پیش از اتمام وقت نماز به مقصد می‌رسند و می‌توانند نماز را پس از پیاده شدن از هواپیما بخوانند، نماز در هواپیما کفایت می‌کند یا باید تأخیر بیندازند و در صورتی که نماز را در آن حال خوانده و پیش از اتمام وقت نماز پیاده شدند، اعاده کنند؟

جواب: چنین نمازی صحیح است و اعاده ندارد.

سؤال ۳۸۹. متأسّفانه حاجیان و قاصدان حرمین شریفین مکّهٔ و مدینهٔ منوّره، بالاخص زائران بارگاه ملکوتی پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم و مظلوم مدفون در بقیع علیهم السلام و زائران و متوسّلان به صدیقهٔ طاهره زهرای مرضیه علیها السلام با قلبی پرغصّه و دردی جانکاه و خاطری تلخ مواجهند؛ زیرا مأمورین سعودی و مبلّغان سلفی مذهب مانع از زیارت کامل و اظهار عشق و محبّت خالصانهٔ آنان نسبت به موالیان خود می‌شوند. و اسفناک‌تر این که شاهد برخوردهای جاهلانه و جسورانه و ناجوانمردانه به ساحت معزّز و مقدّس پیامبر صلی الله علیه و آله در حرم نبوی و امامان مظلوم در بقیع بوده و از هر گونه حرمت‌شکنی نسبت به ضیوف الرحمان و دلباختگان نبوّت و امامت فروگذار نمی‌کنند. این مؤسّسهٔ بر خود لازم می‌بیند از هر گونه اقدام مقدور و ممکن در راستای مقابله با این منکر مسلّم دریغ نکند. لذا بر آن شد تا طیّ حرکتی همه‌جانبه و فراگیر با مجامع دینی و دانشگاهی کشور، وهمچنین مجامع حقوقی،فرهنگی، دانشگاهی‌ومذهبی بین‌المللی‌وجهانی به رایزنی، گفت وگو و چاره‌اندیشی اثرساز بپردازد. نظر حضرت عالی در این رابطه چیست؟

جواب: هرگونه اقدام معتدل و منطقی برای احقاق حقوق مسلمین عموماً و پیروان مکتب اهل‌بیت علیهم السلام خصوصاً بجا و سزاوار است.

سؤال ۳۹۰. بعضی از مؤمنین معتقدند: کسی که حجّ عمره بجا آورد حاجی نیست و اگر کسی به او حاجی بگوید گناه کبیره است! و کسی که حجّ تمتّع بجا آورده حاجی است، و اگر به او حاجی نگویند گناه است. آیا این دو مطلب صحیح است؟

جواب: حاجی به کسی گفته می‌شود که حجّ تمتّع بجا آورده باشد؛ ولی اطلاق آن بر کسی که عمرهٔ مفرده انجام داده گناه ندارد. همان طور که اگر بر بجا آورنده حجّ تمتّع حاجی نگویند گناه ندارد.

سؤال ۳۹۱. این‌جانب مدّتی است در آمریکا به‌سر می‌برم و شاهد جشن و چراغانی و آذین‌بندی در تمام شهرهای کوچک و بزرگ آن در ایام کریسمس (ولادت حضرت مسیح علیه‌السلام) هستم. در این ایّام کلیساها به بهترین شکل تزیین و شاهد برگزاری مراسم مذهبی می‌باشند و مردم بر خلاف اکثر ما مسلمین که در روز ولادت یا بعثت پیامبر عظیم الشأن اسلام(ص) بی‌تفاوت از کنار هم رد می‌شویم، به یکدیگر تبریک می‌گویند.

خورشید اسلام از غار حرا طلوع و سورهٔ مبارکهٔ علق یادآور آن روز عزیز و عظیم است و جا دارد که کوه حرا، که همچون زیباترین فرش بر زیر گام‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مفروش بود، با مژهٔ چشمان میلیون‌ها مسلمان عاشق، جارو شده و غار حرا با گلاب عطرآگین گردد؛ ولی متأسّفانه به این کوه باشکوه جفا شده و از دامنه تا قلّهٔ آن با کیسه‌های پلاستیک و قوطی‌های نوشابه و بطری‌های خالی و انواع آلاینده‌ها پوشیده گردیده است.

باور بفرمایید اگر این نورانی‌ترین نقطهٔ جهان در اختیار اروپائیان و آمریکایی‌ها بود آن را به‌صورت بی‌مانندی درآورده و از آن عکس‌ها و فیلم‌های متعدّد تهیّه کرده و در موردش مقالات و کتاب‌های فراوانی نوشته، و آن را وسیله‌ای برای جذب و جلب مردم به دین خود می‌نمودند. برای نجات این فخر کوه‌های جهان باید تدبیری اندیشیده و از طرف سازمان حج و زیارت برای پاکسازی آن برنامه‌ریزی شود و چه بهتر که اوّلین پاکسازی توسّط زائران ایرانی و سپس در هر سال توسّط یکی از کشورهای شرکت‌کننده و یا به شکل عمومی انجام گیرد و نیز غار که همچون چشم آن کوه مقدّس، نزول و عروج جبرائیل امین را نظاره‌گر می‌باشد مانند داخل خانهٔ کعبه با گلاب شستشو و عطرآگین شود. دیگر آن که چنانچه موافقت شود با مقامات سعودی مذاکره به عمل آید که به هزینهٔ آن دولت و یا هزینهٔ مجموع کشورهای شرکت کننده، هر ساله در روزهای بعثت، کوه را از دامنه تا فراز چراغانی کنند.

البتّه مهندسین و طرّاحان فراوانی خواهند بود که شیوهٔ نصب و نوع چراغ‌ها را با

اصول مهندسی و به‌صورت بسیار اعجاب‌انگیزی طراحی و مورد بهره‌برداری قرار دهند. چنانچه با اصل کار موافقت شود خدا در انجام آن مدد خواهد فرمود.

و سوم آن که بر فراز غار حرا سورهٔ مبارکهٔ اقرأ در برگه یک قرآن بزرگ سنگی حکاکی و این قرآن سنگی بر فراز غار، به‌طرز باشکوه و ایمنی نصب گردد و بدینسان از این کوه که سنگ‌ها و ریگهایش همچون ضبط صوت نجواها و راز و نیاز پیامبر گرامی(ص) را با خداوند عالم و صدای جبرائیل امین را در خود دارند تجلیل به عمل آمده و اندکی از جفاهایی که تاکنون بر آن روا شده جبران گردد و مایهٔ خشنودی خدا و رسول گرامیش شود. لطفاً این پیشنهاد را به هر طریق که حضرتعالی صلاح و مؤثّر می‌دانید به مسئولان مربوطه ابلاغ و اجرای آن را ترغیب و تشویق فرمایید.

جواب: از احساسات پاک جنابعالی خوشوقت شدیم و متشکریم، اشکال کار در این است که عربستان سعودی تحت تأثیر وهّابیون تندرو قرار دارد و اجازهٔ این کار را به هیچ وجه نمی‌دهند، شاید تنها بتوان از آنها خواست تا نظافت آن محل بسیار مقدّس را رعایت کنند.

سؤال ۳۹۲. لطفاً به دو سوال زیر پاسخ دهید:

الف) شخصی که در طول عمر مرتکب گناهان کبیره و صغیره شده، آیا با انجام اعمال حجّ تمتّع یا صرفاً حجّ عمره از تمامی گناهان (کبیره و صغیره، حق الله و حق الناس) آمرزیده می‌شود؟

جواب: نسبت به حق الله بخشیده می‌شود؛ ولی چنانچه قضا و کفّاره‌ای دارد باید بجا آورد. و در مورد حق الناس تا رضایت صاحبانش را به دست نیاورد بخشوده نمی‌شود.

ب) چنانچه مناسک و اعمال حج (عمره یا تمتّع) را به جای آورد و با نیّت خالص توبه نموده و بعد از مدّتی، نعوذ بالله مرتکب گناهان کبیره و صغیره شود، به نظر مبارکتان آیا حجّی که انجام داده صحیح است؟ آیا در روز قیامت صرفاً از گناهانی که بعد از حج انجام داده بازخواست می‌شود یا از تمامی اعمالش؟

جواب: حج یا عمره‌اش صحیح است؛ ولی نسبت به گناهانی که پس از آن مرتکب می‌شود بازخواست خواهد شد.

فصل چهاردهم: احکام بیع

معاملات حرام و باطل

۱. معاملات ربوی

سؤال ۳۹۳. راهکار خلاصی از عواقب اخروی معاملات ربوی چیست؟ آیا برگرداندن اصل مال است یا حلالیّت؟

جواب: اگر صاحبان آنها را بشناسید باید بازگردانید یا حلیّت بطلبید و اگر نشناسید مبالغ اضافی را به فرد نیازمندی بدهید و اگر ربا پرداخته‌اید باید توبه و استغفار کنید.

سؤال ۳۹۴. آیا ربا بین پدر و فرزند رضاعی جایز است؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۳۹۵. به منظور فرار از ربا تصمیم گرفته‌ام مقداری دلار که مثلاً به قیمت یک میلیون تومان خریده‌ام را به کسی شش ماهه به قیمت ۱/۵۰۰/۰۰۰ تومان بفروشم، آیا این معامله صحیح است؟

جواب: اشکالی ندارد؛ زیرا معامله دو ارز مختلف جایز است.

سؤال ۳۹۶. آیا همان طور که گرفتن ربا از کافر جایز است، گرفتن ربا از ربا نیز جایز است؟ بدین معنا که اگر کافر قرضی به مبلغ یک میلیون تومان به مدّت یک سال بگیرد و قرار باشد در انتهای سال با ۲۰ درصد سود، یک میلیون و دویست هزار تومان بدهد، در صورتی که بدهی خود را نپردازد و بر اساس همان قرارداد قبلی، مهلت تمدید شود، آیا می‌توان مبلغ پایه را برای سال بعد یک میلیون و دویست هزار تومان قرار داده و در انتهای دو سال مجموعاً یک میلیون و چهارصد و چهل هزار تومان گرفت؟

جواب: اشکال ندارد.

۲. معاملات هرمی و شبکه‌ای

سؤال ۳۹۷. پیرو بحث‌های متعدّدی که پیرامون استفاده از اینترنت و تجارت الکترونیک در فروش کالا و خدمات و اشکال مختلف آن به وجود آمده، و شبهات عدیده‌ای که پیرامون این مسأله وجود دارد، و از آنجا که عدم استفاده از امکانات و فن‌آوری روز در بحث تجارت، باعث بازماندن از قافله جهانی می‌باشد، برای این جانب و همکارانم چاره‌ای جز رجوع به مراجع عالیقدر، و طلب راهنمایی و استفتا از محضر حضرت عالی نمانده است. لذا خواهشمند است با توجّه به توضیحاتی که در ذیل بابت طرّاحی و راه‌اندازی شبکه‌ای برای فروش محصولات مورد نیاز مشتریان توسّط این‌جانب و همکارانم ارائه خواهد شد، ما را راهنمایی بفرمایید.

الف) در این نوع از فروش خدمات و محصولات، تنها خدمت و محصولی ارائه خواهد شد که مورد نیاز خریدار می‌باشد و خریدار در انتخاب آن کاملاً مختار خواهد بود.

ب) قیمت فروش این محصولات، هم سطح عرف عمومی قیمت بازار این محصول، و در مواردی پایین‌تر از سطح عمومی قیمت‌ها می‌باشد.

ج) هر محصول با یک شماره در سیستم شناسایی شده، و دارای یک کلمهٔ عبور نیز می‌باشد. و در صورتی که خریدار مایل باشد می‌تواند این محصول را از طریق اینترنت در سیستم فروش ما به نام خود ثبت نماید و در صورت عدم تمایل به ثبت کالا در سیستم هیچ مشکلی برای او به وجود نمی‌آورد و می‌تواند از محصول خود استفاده نماید. (قابل توضیح که این اینترنت تنها به عنوان ابزار جهت سهولت در ثبت نام استفاده می‌شود).

د) بابت ثبت محصول به نام مشتری هیچ هزینه‌ای از وی دریافت نمی‌شود.

ه) در صورت ثبت کالا در سیستم به نام خود، هر شخص جایگاهی را برای کالای خود پیدا می‌کند که سیستم به این جایگاه امکان بازاریابی برای فروش محصولات ما را می‌دهد.

و) هر شخصی که کالای خود را در سیستم ثبت نموده و خود را به عنوان بازاریاب به شبکهٔ ما معرّفی نماید می‌تواند با کارت‌های پیش‌فروشی که در هر جعبه از محصولات

وجود دارد نسبت به پیش‌فروش محصولات شرکت اقدام کرده و مبلغی را که از خریدار دریافت می‌نماید به عنوان بخشی از درآمد و حقّ العمل بازاریابی برای خود برداشت نماید. از طرفی خریدار نیز مبلغی را که به عنوان پیش‌خرید پرداخت نموده در هنگام دریافت کالا از نمایندگان فروش از قیمت کالا کسر می‌نماید (در این‌جا نیز هزینه‌ای مازاد پرداخت نمی‌شود).

ز) خریداران نیز به همین ترتیب در صورت تمایل می‌توانند کالای خود را در سیستم ما به نام خود ثبت نموده و از امتیاز چنین جایگاهی به عنوان بازاریاب برخوردار شوند. (هیچ محدودیّتی در تعداد خرید وجود ندارد) تنها نکته‌ای که در این قسمت وجود دارد این است که کالایی را می‌توان در سیستم ثبت کرد که از طریق بازاریابی دیگر معرّفی شده باشد. (یعنی در ازای دریافت کارت پیش‌فروش از بازاریاب دیگر).

ح) از طرف دیگر سیستم به صورت هوشمند تشخیص می‌دهد که این کالا توسّط کدام بازاریاب فروش رفته و در ازای ثبت هر کالا به غیر از مبلغ دریافت شده بابت پیش فروش، ده درصد از مبلغ کالا را به بازاریاب مستقیم هر کالا پرداخت می‌کند و این مبلغ به عنوان بخشی از حقّ‌العمل بازاریابی به حسابی که از طرف بازاریاب معرّفی شده واریز می‌گردد. این پرداخت هیچ شرایطی نداشته و هر بازاریاب در ازای فروش هر محصول حقّ العمل خود را دریافت می‌نماید. پرداخت این حقّ العمل تا دو سطح دیگر نیز برای هر بازاریاب ادامه خواهد داشت. البتّه تمامی این مراحل کاملاً اختیاری می‌باشد و هر کس می‌تواند خود را به عنوان نمایندهٔ فروش و بازاریاب به سیستم معرّفی نماید. این کار چه حکمی دارد؟

جواب: هیچ کس با تجارت الکترونیک سالم مخالف نیست تمام سخن دربارهٔ کسانی است که از شرایط شرعی تخلّف می‌کنند و آن را مثلاً با ربا می‌آمیزند. و در مورد بازاریابی شبکه‌ای تنها کسی که مستقیماً بازاریابی می‌کند یعنی ردیف اوّل حق گرفتن پورسانت دارد و در این صورت اشکالی نخواهد داشت.

سؤال ۳۹۸. یک شرکت ایرانی (سهامی خاص) در سه شاخهٔ اصلی قصد فعالیّت دارد:

۱. ساخت و ساز مسکن

۲. لیزینگ

۳. لوازم خانگی

در شاخهٔ لوازم خانگی، که اکنون مورد استفتاء است، این شرکت مشخصات کمّی و کیفی کالاهای خود را، که عموماً ایرانی است یا نمایندگی رسمی و قانونی در ایران دارند، در سایت اینترنتی خود ذکر کرده است. این مشخّصات شامل موارد ذیل است:

نام کالا، تولیدکننده، وزن، جنس، نوع، رنگ، ابعاد، تصویر واقعی و واضح کالا، قیمت کالا (قیمت مصرف کننده که کارخانه تعیین نموده)، هزینهٔ حمل و نقل، تاریخ تحویل و مشخّصات دیگر که مبیع را از هر نظر مشخّص و معلوم می‌کند.

هر مشتری که وارد سایت می‌شود و کالا یا کالاهای مورد نیاز خود را تعیین می‌کند، بایستی ظرف سه روز، وجه مورد نظر را به حساب شرکت واریز کند و مشخّصات فیش واریزی را اطّلاع دهد تا شرکت نیز مبیع را بلافاصله به نشانی تعیین شدهٔ مشتری ارسال نماید. در غیر این صورت شرکت به استناد خیار تأخیر ثمن، حق فسخ معامله را خواهد داشت. در ضمن هر خرید، یک عقد بیع معتبر که تعهّدات طرفین در آن کاملاً مندرج است در اختیار قرار می‌گیرد. شرکت بدون دریافت حقّ ثبت نام و بدون هیچ قید و شرطی به مشتریانی که توانسته باشند مشتری جدیدی را برای خرید یک کالا معرفی کنند دستمزدی به عنوان حقّ الزحمه پرداخت می‌کند. با توجّه به مسائل مستحدثهٔ روز، در مورد شرکت‌هایی که با یک سری مانورهایی، موجبات ضرر و زیان‌های اقتصادی یا اخلاقی را برای جامعهٔ ما به بار آورده‌اند و در آنها یا کالایی وجود ندارد یا اگر وجود دارد یک کالای غیر ضروری و لوکس همانند یک سکّه یا نرم‌افزار است، ممکن است برخی افراد چنین پندارند که فعالیت شرکت مذکور نیز از این دسته معاملات است که از سوی بسیاری از علمای عظام مورد تردید یا بعضاً محکوم به حرمت اعلام شده است. خواهشمند است صراحتاً راهنمایی فرمایید که فعالیت شاخهٔ لوازم خانگی این شرکت تحت شرایط فوق چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که بازاریابی به صورت هرمی و شبکه‌ای پیش نرود و سایر شرایط شرعی در آن رعایت گردد اشکالی ندارد.

سؤال ۳۹۹. پیرامون شرکت گلدکوئست که قبلاً استفتاء شده و جنابعالی فرمودید مشروع نمی‌باشد و شبیه نوعی قمار است، شرکت مذکور از جملهٔ: «مشروع نمی‌باشد» سوء استفاده کرده و مدّعی است مراجع محترم آن را حرام نمی‌دانند، (از لفظ حرام استفاده ننموده‌اند) لذا با توجّه به این که جدیداً این جریان در حال شیوع است و برخی دانشجویان ادعای مذکور را منطقی می‌دانند خواهشمند است صریحاً نظر خود را اعلام فرمایید.

جواب: فعالیّت‌های گلدکوئست و مؤسّسات مشابه حرام است و درآمد آن جایز نیست. به علاوه از نظر قانون نیز ممنوع شناخته شده و نوعی کلاهبرداری مرموز محسوب می‌شود. لازم است همهٔ مسلمین بیدار باشند و در دام این گناه گرفتار نشوند.

سؤال ۴۰۰. در دو سال اخیر شرکت‌هایی مانند «دایموند»، «گلدمایند»، «گلدکوئست» و مانند آن، فعّالیّت‌های گسترده‌ای در زمینهٔ بازاریابی شبکه‌ای و هرمی در تمام دنیا انجام داده‌اند. فعّالیّت‌های آنها نه تنها برای کشور خودشان زیان‌آور نبوده، بلکه باعث رشد اقتصادی و کمک مالی به بسیاری از اقشار جامعه نیز شده است.

شایان ذکر است که این گونه فعالیّت‌ها باعث ضرر در دیگر کشورها می‌شود. به عنوان مثال فعّالیّت شرکت گلدکوئست، که یک شرکت مالزیایی می‌باشد، در خود این کشور باعث شکوفایی اقتصاد آن کشور شده، امّا در کشورهای دیگر مانند ایران باعث ضرر می‌باشد. از بزرگترین ضررهای این فعالیت‌ها می‌توان به خارج شدن ارز با سرعت سرسام‌آور از کشور اشاره کرد.

اشکالاتی که در ساختار و نحوهٔ فعّالیّت آنها بود باعث سود تعداد محدودی از افراد که زودتر عضو شده بودند و باعث ضرر بسیاری از افراد که در مرحله‌های پایین‌تر قرار داشتند می‌شد.

برای مقابله با فعالیّت‌های ذکر شده در قسمت قبل، ما (گروهی از دانشجویان کشور) اقدام به تأسیس سایتی در این زمینه کرده‌ایم زیرا همان‌گونه که مستحضر هستید برای توقف هر چیزی باید جایگزینی برای آن پیدا کرد. در این سایت افراد شرکت کننده با پرداخت مبلغی به عضویّت آن درمی‌آیند و می‌توانند از مطالب متنوّع آن استفاده کنند و حتّی قادر خواهند بود مطالب مورد علاقهٔ خود را بر روی سایت قرار دهند.

در قسمت دیگر سایت، اعضا می‌توانند ایدهٔ جدید خود که می‌تواند به یک کارآفرینی تبدیل شود را بر روی سایت قرار دهند تا دیگران نیز بر روی آن نظر دهند و حتّی در صورت نیاز به سرمایه‌گذاری بر روی آن سرمایه‌گذاری کنند.

امّا قسمت دیگر که باعث مقابله با فعالیّت شرکت‌های خارجی و همچنین جذب سرمایه از کشورهای خارجی می‌شود قسمت بازاریابی سایت می‌باشد. به این صورت که با بومی‌سازی نحوهٔ فعّالیّت شرکت‌های خارجی و همچنین کار کارشناسی بر روی آن و برطرف کردن نواقص و عیب‌ها بر روی سایت قرار گرفت بدین گونه که هر عضو به ازای افرادی که دعوت به عضو شدن در سایت می‌کند پورسانت خواهد گرفت.

چند مورد از موارد تصحیح شده به شرح زیر است:

سرگروه‌ها پس از رسیدن به سود مشخّص، عضویّت آنها لغو شده و در نتیجه زیرگروه‌های آنها به سرگروهی می‌رسند.

از پول‌هایی که به منظور عضویّت در سایت دریافت می‌شود ۳۵٪ آن به بازاریان تعلّق گرفته، و مقداری از مابقی به کارکنان و هزینه‌های دیگر تعلق می‌گیرد و بخش اعظم پول برای سرمایه‌گزاری بر روی ایده‌هایی که در قسمت دیگری از سایت مطرح می‌شوند هزینه می‌گردد.

بنابراین، این فعّالیّت‌ها به مرور زمان می‌تواند به سازمانی برای سرمایه‌گذاری بر روی ایده‌ها و کارآفرینی و در نتیجه شکوفایی اقتصادی تبدیل گردد.

تمام اقشار داخل وخارج کشور که‌برای راه‌اندازی کسب وکار نیاز به یک سرمایه اوّلیّه دارند و تمام دانشجویانی که در کنار تحصیل به دنبال کارمی‌گردند و تمام افرادی که در

کنار کار خود به دنبال یک منبع درآمد دیگر نیز می‌گردند، می‌توانند در این شرکت فعّالیّت کنند. نظر شما در مورد این شرکت چیست؟

جواب: برادر عزیز! انتقال سرمایه به خارج تنها یکی از مشکلات گلدکوئست و مشابه آن است. مشکل اصلی ناسالم بودن این فعّالیّت اقتصادی است چرا که در پایان گروهی مالباخته می‌مانند و اموال آنها به ناحق به دست سرشاخه‌ها و سرمایه‌گذاران می‌رسد بی‌آنکه کار مثبتی انجام شده باشد و در واقع گردش سرمایه در این گونه مؤسسات هرمی شبیه گردش اموال قمار است و از نظر اسلام قطعاً حرام است و سزاوار شما نیست که آلودهٔ این اموال حرام و خانمانسوز شوید.

۳. تراشیدن ریش

سؤال ۴۰۱. آیا به خاطر خارش، یا جهت رشد ریش می‌توان آن را با تیغ یا ماشین شبیه به آن اصلاح نمود؟

جواب: هرگاه به حدّ ضرورت برسد اشکالی ندارد.

سؤال ۴۰۲. گذاشتن ریش بیش از یک قبضه چه حکمی دارد؟

جواب: کار خوبی نیست.

سؤال ۴۰۳. تراشیدن سبیل با تیغ چه حکمی دارد؟

جواب: اشکال ندارد.

سؤال ۴۰۴. داشتن ریش واجب است، یا تراشیدن آن حرام می‌باشد؟ مثلاً شخصی محاسنش راتراشیده ودیگرنمی‌گذارد مو دربیاید، به‌عنوان مثال با تیغ یا ماشین اصلاح هر روز آن را می‌زند تا مو نداشته باشدکه تراشیدن حرام باشد. کدام درست است؟

جواب: احتیاط آن است که این کار را ترک کند.

۴. خرید و فروش سگ

سؤال ۴۰۵. خواهشمند است فتوای خود را در مورد دایر نمودن مرکزی که فقط و فقط

اختصاص به تولید و پرورش سگ‌های نگهبان، سگ‌های پلیس و سگ هلال احمر دارد را اعلام فرمایید تا ما نیز ضمن یاری طلبیدن از حق تعالی و داشتن پشتوانهٔ شرعی و اسلامی از حضرتعالی، بتوانیم گامی مؤثّر در جهت امنیّت، خودکفایی و اشتغالزایی در کشور برداشته و از خروج ارز جهت تهیهٔ سگ‌های مذکور جلوگیری نماییم. آیا این کار مجاز است؟

جواب: با توجّه به این که چنین سگ‌هایی می‌توانند خدمات مهمّی در مواقع مختلف بکنند حفظ و تربیت و خرید و فروش آنها بی‌مانع است؛ ولی خرید و فروش سگ‌های تزیینی حرام است.

۵. دروغ

سؤال ۴۰۶. در کتاب استفتائات جدید شما سئوالی در مورد دروغ در امتحان مطرح شده که مدّت‌ها ذهن مرا مشغول خود کرده است. لطفاً بفرمایید: در امتحانات درسی دروغ مصداق دارد یا خیر؟ این مطلب در مورد سؤالات چندگزینه‌ای که جواب حتماً یکی از همان گزینه‌هاست چگونه است؟

جواب: پاسخ سئوالات در امتحانات دروغ محسوب نمی‌شود.

سؤال ۴۰۷. آیا معلّمین و اولیای مدرسه می‌توانند برای مسائل تربیتی، دانش‌آموزان را به دروغ از برخی مسائل بترسانند. مثلاً بگویند: «اگر درس نخوانی، یا بی‌انضباط باشی تو را برای همیشه از کلاس بیرون می‌کنیم» در صورتی که ممکن است هیچ کدام از آنها تحقّق نیابد. حکم این گونه مسائل از نظر شرع مقدّس چیست؟

جواب: در صورت ضرورت جایز است.

۶. رقص

سؤال ۴۰۸. پولی که در عروسی‌ها به عروس و داماد در حال رقصیدن داده می‌شود چه حکمی دارد؟ رقصیدن چه حکمی دارد؟

جواب: تنها رقص زن برای شوهرش جایز است و بقیّه اشکال دارد، البتّه منظور رقص لهوی است نه هر گونه حرکات منظّم و موزون. و اگر پول را به خاطر رقصیدن به وی ندهد اشکالی ندارد.

۷. معامله سلاح‌های کشتار جمعی

سؤال ۴۰۹. حکم تولید و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی اعم از سلاح‌های اتمی، شیمیایی و میکروبی از دیدگاه فقه اسلامی چه می‌باشد؟

جواب: تولید و خرید و فروش و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی از نظر شرع مقدّس اسلام جایز نیست.

۸ و ۹. سحر و جادو

سؤال ۴۱۰. قریب به هفت سال است که بنده، و سال‌ها قبل از آن خانواده‌ام متوجّه شدیم که برخی از افراد فامیل و حتّی خویشاوندان بسیار نزدیک به دلایل متعدّد (از جمله حسادت و مانند آن) جهت متزلزل نمودن بنیان خانواده‌ها دست به اقداماتی می‌زنند که موجبات تعجّب و کنجکاوی ما را برآورد. از جمله این امور می‌توان به اختلاف انداختن بین خانواده ما و دیگر خویشاوندان و متوسّل شدن به برخی افراد تحت عنوان دعانویس (که خود بنده بارها شاهد عمل کردن به دستورات این افراد توسّط افراد فامیل در منزل خودمان بودم) اشاره کرد. همین امر باعث شد که خانوادهٔ بنده با بسیاری از خویشاوندان قطع ارتباط کنند که این مسأله باعث رنجش اینجانب شده است.

مهمتر از همه این که بعد از مشاهدهٔ این قبیل اقدامات توسّط افراد فامیل (از جمله دعانویسی) متأسفانه خانوادهٔ بنده نیز جهت مقابله با این اقدام، متوسّل به همان به اصطلاح دعانویس‌ها شدند (البتّه فقط و فقط برای دفع و جلوگیری از اثرات سوء اعمال دیگران) و بارها آنها را از این کار منع کردم، امّا آنها عنوان داشتند که تنها راه مقابله با این

قبیله اقدامات همین است و تا الان نزدیک به یک سال است که خانواده بنده با این مشکل دست و پنجه نرم می‌کند و حتّی برای موفقیّت بنده و حفاظت از شرّ مردم، بارها دعا نوشته‌اند امّا بنده هیچ کدام از آنها را استفاده ننموده‌ام و برای دفع شر نیز صدقه داده‌ام، یا معوذتین را هر روز صبح خوانده‌ام. به نظر حضرتعالی در این مورد چیست؟

جواب: هر چند سحر و جادو به تصریح قرآن مجید حقیقت دارد، ولی غالب آنچه را مردم سحر و جادو می‌دانند اوهام و خیالاتی بیش نیست. برای رفع آن هر روز پنج مرتبه آیةالکرسی را بخوانید و به خود و اطرافیانتان بدمید و هر روز هر چند به مقدار کمی صدقه دهید و بر خدا توکّل کنید.

۱۰. غش در معامله

سؤال ۴۱۱. لطفاً به دو سؤال زیر پاسخ فرمایید:

۱. در برخی از کارخانه‌های برنج‌کوبی، برنج نامرغوب را رنگ نموده و به عنوان برنج مرغوب می‌فروشند.

۲. برنج مرغوب و نامرغوب را مخلوط و به عنوان مرغوب می‌فروشند.

با توجّه به اهمیّت موضوع حکم این دو کار از نظر حضرتعالی چگونه است؟

جواب: این کار نوعی غشّ در معامله محسوب می‌شود و حرام است.

سؤال ۴۱۲. من تاجری هستم که از چین جنس آورده و درکویت می‌فروشم. بعضی از اجناس مارک آلمان و بعضی دیگر مارک‌های دیگر دارد. آیا می‌توانم همهٔ آنها را به عنوان کالاهای آلمانی بفروشم؟ اگر جایز نباشد و این کار را کرده باشم، سودی که به دست آمده چه حکمی دارد؟

جواب: این کار غشّ در معامله محسوب می‌شود و حرام است. وظیفهٔ شما این است که به مشتریانی که کالاهای مذکور را به آنها فروخته‌اید اطّلاع دهید اگر پس از اطّلاع پذیرفتند معامله صحیح است، و اگر راضی نشدند حق فسخ معامله را دارند. و نسبت به آنها که دسترسی ندارید معادل تفاوت قیمت را از طرف صاحب اصلی به فقیری صدقه دهید.

سؤال ۴۱۳. اخیراً برچسب‌هایی به بازار آمده که بر روی چوب‌های معمولی می‌چسبانند و به نام چوب «نراد» که یکی از چوب‌های خوب و مستحکم است می‌فروشند. لطفاً در رابطه با فروش این چوب‌ها به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

الف) اگر به هنگام فروش از نام چوب حرفی نزنند، با وجود این که می‌دانند خریدار به خیال چوب نراد می‌خرد، آیا کار حرامی انجام داده‌اند؟

ب) اگر چنین معامله‌ای انجام شود، آیا این معامله صحیح است؟ بر فرض صحت، آیا خریدار حق فسخ دارد؟ اگر فروشنده، حاضر به تعویض باشد آیا خریدار مجبور است قبول کند یا می‌تواند فسخ کند؟

جواب: این کار غش در معامله محسوب می‌شود و حرام است و مشتری پس از اطّلاع از حقیقت حقّ فسخ معامله را دارد.

۱۱. غیبت

سؤال ۴۱۴. در برخی از موارد برای روشن شدن یک خلاف، (دزدی و مانند آن) لازم، است شخصی که این عمل زشت را انجام داده معرّفی شود (به عنوان مثال بگویند: فلانی اختلاس کرده است) آیا این کار غیبت محسوب می‌شود؟

جواب: در صورتی که این کار تنها راه نهی از منکر باشد مانعی ندارد.

سؤال ۴۱۵. معلّم یکی از مدارس اقدام به پروژه‌ای کرده، تا دانش‌آموزان نوع اخلاق و تدریس و دیگر خصوصیّات کاری معلّمان را در آن پروژه بیاورند، این کار چه حکمی دارد؟

جواب: نسبت به آنچه همگان اطّلاع دارند اشکالی ندارد؛ مشروط بر آن که جنبهٔ مذمّت و تمسخر در آن نباشد، ولی بیان عیوب پنهانی معلّمان که دیگران از آن بی‌اطّلاعند غیبت محسوب می‌شود.

۱۲. قمار

سؤال ۴۱۶. جمعی از مردم، هر کدام مبلغ ۱۵۰۰ تومان به عنوان کمک به نیازمندان

به حسابی واریز کرده و در قرعه کشی شرکت می‌کنند. در پایان کلّ این مبلغ و مبالغی که نیکوکاران دیگر کمک کردند را تبدیل به خودرو کرده و در جشنی به قید قرعه به صورت اقساطی به قیمت روز و بدون هیچ گونه بهره‌ای به این عزیزان با ضمانت واگذار شده و اقساطی که ماهیانه پرداخت می‌شود را در راه کمک به نیازمندان و ایتام و زنان بی‌سرپرست، زوج‌های نیازمند و مانند آن خرج می‌گردد. به این صورت هم خانواده‌هایی صاحب خودرو اقساطی می‌شوند و هم یک کار خداپسندانه انجام می‌گیرد. این کار چه حکمی دارد؟

جواب: این کار شرعاً جایز نیست و شبیه نوعی بلیط بخت‌آزمایی است.

سؤال ۴۱۷. بازی با شطرنج با فرض این که صرفاً یک بازی فکری و سرگرمی است چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال بازی با بیلیارد با فرض این که صرفاً سرگرمی باشد چه حکمی دارد؟ و اگر به صورت شرط‌بندی بر سر وجه نقد و مانند آن باشد چطور؟

جواب: هرگاه شرط‌بندی مالی کنند حرام است. در غیر این صورت، اگر از آلات قمار محسوب نشود مانعی ندارد.

سؤال ۴۱۸. خریداران استقلال کارت علاوه بر استفاده از خدمات و کالاهای حاصل از خرید آن (شامل بیمه‌نامه و لوازم و البسه ورزشی و لوازم خانگی) به قید قرعه نیز از جوایز ارزندهٔ آن برخوردار می‌گردند. از آنجا که تفاوت این کارت با بلیط‌های بخت‌آزمایی و لاتاری در این است که در این مورد (استقلال کارت) فروش کالا و خدمات انجام می‌گردد این کار از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: با توجّه به این که خدمات ارائه شده به اندازهٔ پولی نیست که می‌پردازند و نظر افراد غالباً متوجّه جوایزی است که به عدّهٔ خاصّی طبق قرعه‌کشی داده می‌شود، مشکل از این طریق حل نخواهد شد.

سؤال ۴۱۹. قصد راه‌اندازی مؤسّسه‌ای تحت عنوان نظرسنجی و پیش‌بینی نتایج مسابقات ورزشی اعم از فوتبال، تیراندازی، شنا و مانند آن را داریم. از آنجا که در این

راستا جوایزی نصیب شرکت کنندگان شده و عوایدی برای برگزارکنندگان بدست می‌آید، درآمد حاصله از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که پولی از شرکت‌کنندگان گرفته نشود اشکالی ندارد. در غیر این صورت جایز نیست.

سؤال ۴۲۰. ملاک خارج شدن آلاتی مثل پاسور و شطرنج از آلت قمار چیست؟ بازی پاسور در کامپیوتر چه حکمی دارد؟

جواب: ملاک آن است که در عرف آن منطقه جزء آلات مخصوص قمار شمرده نشود و بازی پاسور با کامپیوتر که یک طرف خود شخص و یک طرف کامپیوتر است اشکالی ندارد.

۱۳. خرید و فروش مردار

سؤال ۴۲۱. خرید و فروش مردار برای مصارف صنعتی و کشاورزی چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که منفعت قابل توجّه حلالی داشته باشد مانعی ندارد.

۱۴. خرید و فروش عکس‌های مستهجن

سؤال ۴۲۲. چاپ و فروش عکس زنان هنرپیشه خارجی و ایرانی شرعاً چه حکمی دارد؟ نگاه کردن به آنها در صورتی که حجاب کامل ندارند چگونه است؟

جواب: اشکال دارد.

سؤال ۴۲۳. خرید و فروش عکس‌هایی که نمایانگر آلات قمار یا موسیقی است چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۴۲۴. در بعضی از عکّاسی‌ها عکس دختر بچّه‌هایی وجود دارد. که آنها را زینت کرده‌اند و مشخّص نیست بالغ هستند یا خیر؟ آیا گرفتن چنین عکس‌هایی یا خرید و فروش و نصب آنها در معابر عمومی جایز است؟

جواب: در صورتی که منشأ مفسده خاصّی باشد جایز نیست.

سؤال ۴۲۵. خرید و فروش و چاپ عکس‌های مستهجن که از طریق چاپ محصولات غذایی از خارج وارد می‌شود شرعاً چه حکمی دارد؟

جواب: حرام است.

سؤال ۴۲۶. خرید و فروش و همچنین چاپ عکس‌هایی که نمایانگر عضوی از اعضای زنان است (مثل لب، چشم، دست) چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که منشأ مفسده‌ای گردد جایز نیست.

سؤال ۴۲۷. آیا بافتن تابلو فرش‌هایی که در برخی از آنها تصاویر زنان بی‌حجاب یا بدحجاب یا وسایل قمار یا وسایل شراب و شرابخواری وجود دارد، جایز است؟ در صورت حرام بودن، پولی که بابت بافتن آن گرفته می‌شود و نیز خرید و فروش آن، همچنین تهیهٔ مقدّمات بافت چنین فرش‌هایی از قبیل نقشه کشی، رنگرزی، و مانند آن چه حکمی دارد؟

جواب: بافتن و خرید و فروش و نگهداری و تهیّهٔ مقدّمات بافت چنین فرش‌هایی جایز نیست.

۱۵. مواد مخدر

سؤال ۴۲۸. پدرم در ایّام جوانی مبتلی به دردی شد که هر چه درمان کردند جز با تریاک خوردن خوب نشد و هر موقع آن را ترک کرد باز دچار همان درد شد. به همین جهت هنوز از تریاک استفاده می‌کند. لذا برادرانم در افغانستان مقدار خیلی کم از زمین کشاورزی‌شان را برای پدرم تریاک می‌کارند. و این کار فقط جهت رفع نیاز پدرم می‌باشد، نه بخاطر کارهای تجاری و امرار معاش. با توجّه به مطالب فوق سؤال بنده این است:

الف) آیا کشت این مقدار کم تریاک به منظوری که ذکر شد از نظر شرعی اشکال دارد؟

جواب: استفاده از تریاک در صورتی که به تشخیص اطبّای متعهّد داروی منحصر به فرد باشد، و جایگزینی نداشته باشد، به اندازهٔ ضرورت مانعی ندارد

وکشت آن بدین منظور و به همین مقدار اشکال ندارد؛ ولی باید جدّاً مراقب باشند که احدی از آن استفاده نکند.

ب) اگر کشت و زراعت تریاک به خاطر امرار معاش زندگی باشد نه بخاطر دود کردن و استفاده کردن، چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۴۲۹. آموزش و اطّلاع‌رسانی یکی از اصول اولیّه ارتقای بهداشت عمومی در جوامع انسانی است، که اسلام نیز بدان تأکید ویژه دارد. از سوی دیگر روحانیّون و ائمّه جماعات به دلیل نقش ویژه‌ای که در جامعه دارند، می‌توانند در بحث آگاه‌سازی و اطّلاع‌رسانی، به ویژه در مورد کاهش اعتیاد و انگ و تبعیضی که نسبت به افراد معتاد روا می‌گردد، کمک شایانی کنند. نظر حضرتعالی دربارهٔ بهره‌گیری از روحانیّون و ائمّهٔ جماعات در امر آموزش و اطّلاع‌رسانی پیرامون اعتیاد، خطرات آن و رفع تبعیض از افراد دچار بیماری اعتیاد چیست؟

جواب: شک نیست که همه در برابر این خطر بزرگ که جامعهٔ ما را تهدید می‌کند مسؤولیّت دارند و روحانیّون با توجّه به موقعیّت خاصّی که دارند سهم مهمّی از مسؤولیّت را بر عهده دارند و رسانه‌ها مخصوصاً صدا و سیما می‌توانند در این زمینه نقش مهمّی داشته باشد.

سؤال ۴۳۰. معامله با کسی که خرید و فروش موادّ مخدر می‌کند و درآمدش از همان راه است چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست و اگر گرفته باشید، باید آن را به شخص نیازمندی بدهید.

سؤال ۴۳۱. با توجّه به تأکید اسلام بر حفظ شؤونات انسانی و احترام به حقوق شرعی و اجتماعی افراد در جامعه و خانواده، و با عنایت به این که فرد معتاد جدای از عملی که انجام می‌دهد یک انسان است؛ برخی خانواده‌ها و افراد جامعه این افراد را طرد کرده و با آنان رفتاری غیر انسانی دارند. حتّی دیده شده گاهی ماموران دولت نیز برخوردهای تهدیدآمیز و نامناسب با معتادان می‌کنند. از سوی دیگر، این نوع رفتارها، می‌تواند فرد

را به دیگر رفتارهای ناهنجار کشاند. و جامعه را به خطر بیاندازد. آیا این گونه رفتارهای غیر انسانی با معتادان پسندیده است؟

جواب: البتّه بسیاری از معتادها، فریب خورده و قابل اصلاحند. باید با آنها مدارا کرد و در اصلاحشان کوشید.

۱۶. معامله کالاهای قاچاق

سؤال ۴۳۲. قیمت سوخت حسب نوع آن در سایر کشورها از ۸۰۰ تا ۴۰۰۰ تومان است. قیمت تمام شدهٔ آن برای دولت جمهوری اسلامی ایران ۴۵۰ الی ۶۰۰ تومان است؛ ولی برای رفاه و آسایش مردم و حمل و نقل و تولید ارزان صنایع و محصولات کشاورزی، دولت سوخت را برای مصرف داخل کشور بین ۱۰ الی ۸۰ تومان فروخته، و مابه التفاوت آن را از بودجهٔ عمومی تأمین می‌کند.

بعضی از افراد بر خلاف قانون، سوخت یارانه‌ای مصرف داخلی را به صورت‌های مختلف از کشور خارج کرده و می‌فروشند و با توجّه به تفاوت قیمت سود زیادی می‌برند. درآمد حاصل از این کار از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: درآمد حاصل از قاچاق سوخت حرام است و بر همگان لازم است از قوانین و مقرّرات حکومت اسلامی تبعیّت نمایند.

۱۷. موسیقی

سؤال ۴۳۳. شنیدن موسیقی‌های مختلف در مکان‌های عمومی از جمله رستوران‌ها (که کنترل آن دست ما نیست) چه حکمی دارد؟

جواب: کلیه صداها و آهنگ‌هایی که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام و غیر آن حلال است و تشخیص آن با مراجعه به اهل عرف خواهد بود و در صورتی که موسیقی مناسب مجالس و فساد باشد لازم است با زبان خوش نهی از منکر کنید و اگر مؤثّر نشد و امکان داشت آنجا را ترک نمایید و اگر ممکن نبود همین که عمداً گوش نکنید کفایت می‌کند؛ هر چند بی‌اختیار به گوش شما برسد.

سؤال ۴۳۴. لطفاً به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

الف) آیا خانم‌ها می‌توانند در مجلس عقد یا مولودی آواز بخوانند؟

ب) اگر مجلس عقد و عروسی با هم باشد، و صدای زنان را نامحرم نشنود، آیا مجازند آواز بخوانند؟

جواب: الف و ب) کلیّهٔ صداها و آهنگ‌هایی که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام و غیر آن حلال است و تشخیص آن با مراجعه به اهل عرف خواهد بود.

ج) تک‌خوانی موسیقی غیر مطرب مانند سرودها در صورتی که نامحرم صدای خانم‌ها را بشنود چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۴۳۵. علّت عدم نمایش آلات موسیقی در حین نواختن آنها در تلویزیون چیست؟ آیا به زمان طاغوت یا سنّت‌های زننده ایرانیان قبل از ظهور اسلام ارتباط دارد، یا دلیل شرعی دیگری دارد؟

جواب: زیرا این کار باعث ترویج آلات موسیقی می‌شود.

۱۸. معامله با غیر مسلمانان

سؤال ۴۳۶. معاملهٔ زمین و اموال غیر منقول با وهّابی‌ها و یهودی‌ها و فرقه‌هایی که احتمال تسلّط آنان بر برخی مناطق مسلمین، مانند عراق یا سیستان و بلوچستان، می‌رود چه صورت دارد؟

جواب: در فرض سؤال حرام است.

سؤال ۴۳۷. افرادی از فرقهٔ ضالّهٔ بهائیّت در برخی از مناطق اقدام به خرید املاک از مسلمانان به قیمت بالاتر از قیمت روز نموده‌اند، که این مسأله موجب نگرانی مردم مسلمان منطقه به لحاظ شائبهٔ تسلّط بهائیان بر آنجا شده است. بفرمایید:

الف) در چنین فرضی، فروش املاک به بهائیان، چه حکمی دارد؟

ب) آیا حاکم شرع می‌تواند برای جلوگیری از این کار، بیع مزبور را باطل اعلام کند، یا برای فروشندگان مسلمان مجازاتی تعیین نماید؟

ج) در مورد املاکی که پیش از این فروخته شده، حکم چیست؟

د) اگر فروشنده‌ای حاضر شود حتّی با تحمّل مجازات ملک خود را به بهایی بفروشد، و عملاً این کار را انجام دهد آیا حاکم شرع می‌تواند بیع او را باطل اعلام کرده یا فسخ نماید و اصولاً تکلیف حاکم شرع در این فرض چیست؟

جواب: این معاملات حرام است و حاکم شرع می‌تواند جلوگیری کرده و برای فروشندگان مجازات تعیین نماید؛ولی حکم به بطلان املاک سابق نمی‌توان کرد. و در صورت احساس خطر می‌توان آنهارا الزام به‌فروش نمود،یااملاکشان را مصادره نمود.

۱۹. معامله با پول نامشروع

سؤال ۴۳۸. در صورتی که مرتشی یا مختلس با اموال مورد ارتشا یا اختلاس معامله‌ای انجام دهد و پس از مدّتی مورد معامله افزایش قیمت پیدا کند (مثلاً با پول رشوه یا اختلاس که یک میلیون تومان بوده اقدام به خرید چیزی نماید که پس از چندی قیمت آن افزایش یابد و به ده میلیون تومان برسد بفرمایید:

الف) آیا باید تنها همان پول مورد ارتشا یا اختلاس توقیف و ضبط شود، یا وی محکوم به استرداد افزایش قیمت نیز هست؟

ب) در مواردی که مورد معامله نمائات متّصل یا منفصل داشته باشد، چطور؟

جواب: مورد معامله به طور کمال و تمام متعلّق به مالک اصلی پول دارد.

۲۰. معاوضهٔ انسان

سؤال ۴۳۹. می‌دانیم خرید و فروش انسان حرام است. امّا آیا صلح کردن و هدیه معوّضه و جعاله قرار دادن انسان با انسان یا باکالای دیگر چه حکمی دارد؟ (مثلاً بچّه‌ای بگیریم و بچّه‌ای بدهیم. یا بچّه‌ای بدهیم و به صورت هدیه مقداری پول یاکالا بگیریم) آیا این کار جایز است؟

جواب: معاوضه انسان به هیچ صورت جایز نیست.

احکام عزاداری

سؤال ۴۴۰. چرا پوشیدن لباس سیاه، با توجّه به مکروه بودن آن، برای امام حسین علیه‌السلام بلامانع می‌باشد؟

جواب: به خاطر تعظیم شعائر الهی است.

سؤال ۴۴۱. هدف از گریه برای امام حسین علیه‌السلام چیست؟ آیا ایشان برای گریه کردن شیعیان به خاطر شهادت مظلومانهٔشان کشته شده‌اند؟

جواب: هدف، اعلام بیزاری نسبت به دشمنان، و اعلام وفاداری به خطّ مکتب امام حسین علیه‌السلام و برنامه‌های اوست.

سؤال ۴۴۲. آیا این روایت که سر امام حسین علیه‌السلام در کوفه قرآن خوانده یا در شام سخن گفته صحیح است؟

جواب: در بسیاری از کتب تاریخی از جمله کتاب قصّهٔ کربلا نوشتهٔ آقای نظری آمده است.

سؤال ۴۴۳. در صورتی که صدای بلندگوهای مجالس عزاداری و همچنین طبل و شیپورها مخصوصاً در شب ـ موجب آزار و اذیّت مردم شود چه حکمی دارد؟

جواب: عزاداری خامس آل عبا علیه‌السلام از افضل قرباتست؛ ولی لازمست ترتیبی بدهند که مزاحمت برای دیگران حاصل نشود.

سؤال ۴۴۴. هیئتی است که در ایّام عزاداری در مجالس عزاداری خود را ساعتی قبل از نماز مغرب شروع و تا حدود پنج دقیقه یا بیشتر از اذان مغرب گذشته آن را ادامه می‌دهند. ما اصرار داریم که به هنگام اذان عزاداری را قطع و نماز اوّل وقت به جماعت برگزار گردد، امّا آنها قبول نمی‌کنند، حکم شرع چیست؟

جواب: بهتر است با شروع اذان عزاداری خاتمه یابد و همه بسوی نماز بشتابند.

سؤال ۴۴۵. چند سالی است که، مدّاحان عزیز جهت سبک و آهنگ و موسیقی روضه‌ها، از موسیقی ترانه‌ها و فیلم‌های مبتذل ـ که مخصوص مجالس لهو و لعب است

استفاده می‌کنند؛ که این امر مستلزم گوش دادن به نوارها و دیدن فیلم‌های غیر مجاز و شوها است و تبعات بدی دارد. از جمله این که وقتی در مجالس روضه‌خوانی و مولودی این گونه خوانده می‌شود مردم می‌گویند: «فلان مدّاح دارد سبک فلان خوانندهٔ فاسد را می‌خواند» دیگر این که در جامعه این نوع نوارهای عزاداری در کنار ترانه‌های موسیقی که هم سبک با هم هستند در ماشین‌ها و خانه‌ها مشاهده می‌شود. لطفاً در این مورد به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) آیا این‌گونه عزاداری‌ها با این موسیقی‌ها، به این بهانه که زمانه عوض شده و مردم این چیزها را دوست دارند و با این سبک‌ها گریه می‌کنند و مجالس پر می‌شود جایز است؟ آیا به هر وسیله می‌توان مردم را جذب کرد؟ آیا هدف وسیله را توجیه می‌کند؟ آیا حرارت امام‌حسین علیه‌السلام در دلها خاموش شده،که با این سبک‌ها روشن شود؟

ب) گاهاً بعضی از جوانان محلّ ما، لااقل آنها که با مسجد سر و کار ندارند و خیلی‌ها آنها را آدم‌های خوبی نمی‌دانند!! می‌گویند: چطور فلان مدّاح در تلویزیون جمهوری اسلامی پیش فلان شخصیّت در اعیاد و عزاداری‌ها به سبک ترانه‌های مبتذل می‌خواند، در حالی که شما حزب‌الهی‌ها می‌گویید آن ترانه‌ها حرام است، مگر فلانی ترانه گوش می‌کند؟ اگر گوش می‌کند پس حرام نیست؟ اگر حرام است چرا گوش می‌کنند؟

ج) بعضی اوقات مدّاحان و سخنرانان در مجالس مشغول ایرادگیری از بعضی مسؤولین و علما می‌شوند و غیبت می‌کنند. آیا شرکت در چنین مجلسی جایز است؟ وظیفهٔ ما چیست؟

د) آیا هر کسی می‌تواند مداح شود؟ شرایط مداح چیست؟ آیا فقط صدای خوش کفایت می‌کند، یا اخلاق و رعایت موازین شرعی و علم دین داشتن در او ملاک است؟ تشخیص این امر با کیست؟

هـ) آیا فرقی بین موسیقی شاد و غم‌انگیز می‌باشد؟ یا ملاک در حرمت موسیقی مناسبت با مجالس لهو و لعب می‌باشد؟ منظور از مناسبت چیست؟

جواب: عزاداری امام حسین علیه‌السلام و یاران مظلوم و باوفایش از مهمترین شعائر دینی و رمز بقای تشیّع است؛ ولی بر همگان لازم است از هر کاری که موجب وهن مذهب می‌گردد جدّاً خودداری کنند و بدون شک استفاده از آهنگ‌ها و صداهایی که مناسب مجالس فساد است جایز نمی‌باشد و غیر آن اشکالی ندارد؛ چه غم‌انگیز باشد یا نباشد. و یک مدّاح خوب علاوه بر صدای خوش باید واجد صفات و اخلاق اسلامی نیز باشد و بر اساس ضوابط و احکام اسلامی مداحی کند و شرکت در مجلس غیبت جایز نمی‌باشد.

سؤال ۴۴۶. لطفاً نظر مبارک خویش را در خصوص درخت چنار روستای زرآباد قزوین که در روزهای عاشورای حسینی خونبار می‌گردد؛ بیان فرمایید.

جواب: ما هم این مطلب را شنیده‌ایم و عکس‌های آن را دیده‌ایم، ولی چون از نزدیک مشاهده نکرده‌ایم قضاوت نمی‌کنیم.

سؤال ۴۴۷. نظر حضرتعالی در مورد مطلب زیر که بعضی از مدّاحان نقل می‌کنند چیست؟

«در روز عاشورا به هنگام جنگ و شهادت حضرت ابوالفضل العباس علیه‌السلام حضرت فاطمهٔ زهرا علیهاالسلام در کربلا حضور می‌یابد و دستان خود را باز و حضرت ابوالفضل علیه‌السلام را در آغوش می‌گیرد و...».

جواب: این روایت در منابع معتبر ذکر نشده است.

سؤال ۴۴۸. با توجّه به اهمیّت و تأکیدی که برای برگزاری مراسم عزاداری حضرت زهرا علیهاالسلام شده، نظر حضرتعالی در رابطه با برگزاری مراسم عزاداری در شام شهادت، همراه با تشییع نمادین پیکر صدیّقهٔ شهیده حضرت زهرا علیهاالسلام به سبکی که در بعضی از شهرها برگزار می‌شود چیست؟ آیا می‌توان آن را به عنوان یک سنّت در جامعهٔ اسلامی ترویج داد؟

جواب: بهتر است بجای این گونه اعمال مجالس باشکوه عزاداری و دستجات سینه‌زنی تشکیل شود.

سؤال ۴۴۹. لطفاً به سؤالات زیر در مورد مرثیه خوانی پاسخ دهید:

الف) خواندن مرثیه یا انتساب کلامی به حضرات معصومین علیهم‌السلام و اصحاب آنها که در هیچ کتابی نیامده چه صورت دارد؟

جواب: جایز نیست؛ مگر این که به عنوان زبان حال و با استفاده از شواهد و قرائن تاریخی بیان گردد و حال معصومین علیهم‌السلام و یاران آنها نیز به طور طبیعی چنین اقتضایی را داشته باشد.

ب) برخی مرثیه‌ها و اخبار منتسب به معصومان علیهم‌السلام و سایر اهل بیت در منابع معتبر نیست و از منفردات کتبی است که تضعیف شده، و قریب به اتّفاق این کتاب‌ها در قرون متأخر تألیف شده‌اند. نقل از این قبیل کتاب‌ها چه صورت دارد؟

جواب: خطبای محترم و مدّاحان عزیز باید مرثیه‌های خود را از منابع معتبر وکتاب‌هایی که بزرگان اسلام نوشته‌اند نقل کنند و از کتب مشکوک یا ضعف بپرهیزند تا شکوه و عظمت مراسم حسینی مخدوش نشود.

ج) نقل مطالب به‌گونهٔ زبان حال اگر خلاف واقع باشد و شنونده نداند که زبان حال است چه حکمی دارد؟

جواب: لازم است زبان حال همان‌گونه که گفتیم واقعاً مناسب حال آن معصوم یا اصحاب و یاران او باشد و از قرائن روشن شود که زبان حال است نه زبان قال. در غیر این صورت جایز نیست.

د) در خواندن مرثیه یا انتساب کلامی به معصومان علیهم‌السلام و اصحاب آنها، اگر گوینده علم به ضعف یا کذب خبر داشته باشد و شنوندگان یا خوانندگان، اطلاعی از ضعف سخن نداشته باشند، آیا صرف انتساب به مصدر کافی است؟

جواب: دراین‌گونه موارد احتیاط کنند و از نقل آن ولو با انتساب به‌مصدر بپرهیزند.

ه) خواندن چه نوع مرثیه‌ای مجازاست؟ آیا گوینده باید به‌صحّت آن اطمینان داشته باشد؟ یا به صرف این که در کتاب‌های متقدّمان آمده می‌توان خواند و نسبت داد؟

جواب: لازم نیست گوینده اطمینان به صحت داشته باشد هرگاه در کتب معروف و معتبر باشد و مطلب زننده‌ای نباشد می‌توان با استناد به آن کتاب آن مرثیه را خواند. البتّه نباید فراموش کرد که بسیاری از روایات مقاتل مانند بسیاری از روایات تاریخی به صورت روایت مرسله است، ولی هرگاه در کتب معتبر آمده باشد با استناد به آن کتاب می‌توان آن را ذکر کرد.

و) اگر خواندن روضه‌ای حرام باشد، پول دادن و پول گرفتن در برابر آن، چه صورت دارد؟

جواب: قاعدهٔ معروف «ان الله اذا حرم شیئاً حرم ثمنه؛[1] هرگاه خدا چیزی را حرام کند اجرت و قیمت آن را نیز حرام می‌کند» شامل آن می‌شود.

سؤال ۴۵۰. هر چند عزاداری و توسّل به اهل بیت علیهم‌السلام مخصوصاً سید مظلومان علیه‌السلام از بهترین قربات الی الله است؛ ولی قمه‌زنی در ملاء عام طی سال‌های اخیر در سطح جهانی و بالاخص اینترنت و ماهواره‌ها بازتاب‌های بسیار بدی برای شیعیان به همراه داشته، و دشمنان اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام این عمل را مستمسکی برای وهن تشیّع و تبلیغ بر ضد آن قرار داده، باعث تنفر و دلزدگی برخی جوانان ناآگاه در سطح جهان نسبت به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام شده، و به این وسیله دشمنان امام حسین علیه‌السلام تلاش می‌کنند مردم جهان را از مکتب حیاتبخش آن امام آزاده دور کنند. لطفاً بفرمایید که اقدام به این عمل در این شرایط:

الف) به صورت جمعی و گروهی و در ملاء عام چه حکمی دارد؟

ب) آیا اقدام به صورت فردی و یا مخفیانه مجاز است؟

ج) در صورت نذر آیا عمل به چنین نذری واجب است؟

د) وظیفهٔ آمرین به معروف و مؤمنین بالاخص روحانیّون، در این خصوص چیست؟

هـ) آیا اقدام حضرت زینب علیهاالسلام در زدن سر مبارک خویش به کجاوه، می‌تواند مستند و دلیلی بر ضرورت و شرعی بودن موضوع باشد؟

---

۱. بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۵۵، ح ۲۹.

جواب: عزاداری خامس آل عبا علیهم‌السلام از مهمترین شعائر دینی و رمز بقای تشیّع است و باید هر چه باشکوه‌تر برگزار گردد، امّا لازم است از کارهایی که آسیب مهمّی بر بدن وارد می‌کند یا موجب وهن مذهب می‌گردد اجتناب شود. و نذر این کار مشروعیّت ندارد و بر همه لازم است که عاملان این کار را با زبان خوش توأم با ادب نهی از منکر کنند. و آنچه از حضرت زینب علیهاالسلام صادر شده بر فرض صحت، از روی اختیار نبوده بلکه آن حضرت هنگامی که سر بریده غرق در خون برادر را بر سر نیزه دید بی‌اختیار سرش را به چوبهٔ محمل زد.

سؤال ۴۵۱. ورود هیئت‌های عزاداری با کفش به مساجدی که تماماً صیغهٔ مسجد خوانده شده و نماز اقامه می‌شود، چه حکمی دارد؟

جواب: ورود با کفش بر روی فرش‌ها قطعاً جایز نیست؛ ولی اگر فرش‌ها را جمع کنند ورود با کفش حرام نیست امّا باید بعداً بشویند و تمیز کنند.

سؤال ۴۵۲. در یکی از روستاهای اراک عَلَم بزرگی وجود دارد که تاریخچهٔ آن تقریباً به هزار و سیصد سال می‌رسد و رسم بر این بوده و هست که از روز اوّل محرم تا روز عاشورا آن را به تک تک منازل اهالی جهت زیارت می‌برند. و مردم اعتقاد خاصّی به آن دارند و حاجت می‌گیرند. لطفاً بفرمایید:

۱. مبالغ هنگفتی که به عنوان نذری بر سر عَلَم می‌بندند و بعضی‌ها هم گوسفندی جلوی آن قربانی می‌کنند به چه کسی تعلّق می‌گیرد؟

۲. علمداران که گروهی از سادات می‌باشند عَلَم فوق را ارثیّهٔ پدری می‌دانند، که نسلاً بعد نسل منتقل شده است (البتّه نسل ذکور) و وجوهات نذری را بین خود تقسیم می‌کنند، آیا این تقسیم صحیح است؟ اگر صحیح است آیا به اولاد دختری هم سهم می‌رسد؟

۳. با توجّه به این که جایگاه عَلَم در طول سال در امامزاده سلطان سیّد احمد (از نوادگان امام زین العابدین علیه‌السلام) می‌باشد، آیا چیزی از نذری‌ها به امامزاده می‌رسد؟

جواب: ۱ تا ۳: با توجّه به اینکه چنین برنامه‌ای در روایات معصومین علیهم‌السلام مطلقاً نیامده، و از نظر تاریخی نیز مدرکی برای آن در دست نیست، بر همهٔ مؤمنین و مؤمنات لازم است این کار را ترک کنند و نذورات خود را به هیئت امنای حسینیّه، که از میان افراد معتبر باید انتخاب شوند، تسلیم کنند تا نذورات را صرف مجالس عزاداری و کمک به ایتام و مستمندان نموده و اجازه ندهند افراد سودجو از نام مبارک امام حسین علیه‌السلام و پرچم آن حضرت سوء استفاده کنند.

سؤال ۴۵۳. لطفاً در مورد مجالس عزای امام حسین علیه‌السلام به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) آیا اقامهٔ عزا برای حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام می‌تواند همانند نماز موضوعیّت شرعی داشته، و جزء افضل عبادات و موجب تقرب الهی باشد؟

ب) ملاک موهون بودن یک سبک عزاداری چیست؟ آیا تشخیص وهن و بدعت در این امور با عرف است، یا مرجع متخصّصی در این خصوص وجود دارد؟ به طور کلّی آیا قبول نکردن هر نوع سبک عزاداری یا رد نفس عزاداری، می‌تواند مصداق انکار ضروریّات دینی گردد؟

ج) آیا می‌توان افعالی از قبیل لطمه زدن، پنجه کشیدن و سینه زدن و امثال آن را مستحب دانست؟ آیا استحباب برای این امور در نظر حضرت عالی ثابت است یا این که فقط بر اساس اصل اباحه آن را مباح دانسته و رجاء ثواب و اجر بر آن مترتب می‌نمایید؟

د) آیا گریه بر حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام می‌تواند مصداق و جانشین گریه از خشیت و خوف الهی شود؟ در این صورت آیا گریه بر آن حضرت در بین نماز جایز است؟

جواب: الف تا آخر: عزاداری خامس آل عبا علیه‌السلام از افضل قربات و مهمترین شعائر دینی است که رمز مبارزه با ظلم و بیدادگری و دفاع از کیان اسلام و مظلومان محسوب می‌شود و نوع عزاداری معقول و صحیح از عرف گرفته می‌شود و گریه بر آن حضرت طبق روایات ثواب بسیاری دارد؛ زیرا سبب احیای برنامهٔ آن حضرت است؛ ولی در حال نماز این گونه گریه‌ها جایز نیست.

هـ) آیا لخت شدن برای سینه‌زنی با رعایت شرایط جواز می‌تواند جزء شعائر الهی باشد؟ به طور کلّی نظر حضرت عالی در مصادیق شعائر الهی چیست؟ و چه چیزهایی را می‌توانیم شعائر الهی بدانیم؟ آیا می‌توان گفت لخت شدن برای سینه‌زنی همچون بیدار ماندن در شب احیاهای قدر و مانند آن است؟

جواب: لخت شدن به هنگام عزاداری جزء شعائر الهی نیست و در صورتی که در حضور زنان باشد حرام است و اگر زنان هم نباشند اشکال دارد.

سؤال ۴۵۴. می‌گویند شعر زیر، که در اصل عربی بوده، منسوب به حضرت حجّت است:

یادم ز وفای اشجع ناس آید — وز چشم تَرَم سودهٔ الماس آید
آید به جهان اگر حسین دگری — هیهات! برادری چو عبّاس آید

آیا این مطلب صحت دارد؟

جواب: این اشعار در کتب معتبر نقل نشده است و ظاهراً مربوط به بعضی از شعرای معاصر است. ضمناً مضمون شعر هم مضمون خوبی نیست.

شرایط خریدار و فروشنده

سؤال ۴۵۵. پدر طفلی فوت کرده، و ملکی از او به عنوان ارث باقیمانده است. آیا جدّ پدری، که به مقدار $\frac{1}{6}$ در آن سهیم می‌باشد، می‌تواند بدون رعایت خیر و صلاح صغیر و خودسرانه آن را به فروش برساند؟ اگر آن را بفروشد، و بعد هم فوت کند، تکلیف خریدار و حکم معامله از لحاظ شرعی چگونه خواهد بود؟

جواب: بدون رعایت مصلحت صغیر معامله در سهم صغیر صحیح نیست و اگر چنین کاری انجام شده به ملک صغیر باز می‌گردد.

سؤال ۴۵۶. لطفاً به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

الف) در معاملات غیرحضوری (بین غایبین) که در جامعه شیوع زیادی پیدا کرده (و فی المثل با تلفن یا پست و مانند آن ایجاب و قبول واقع می‌گردد، زمان انعقاد عقد و آثار آن از چه زمانی است؟ زمان اعلام قبول، یا ارسال نامه قبولی، یا زمان دیگر؟

طرفین چه زمانی مالکیّت پیدا کرده و می‌توانند در عوضین تصرّف کنند؟ آیا امکان عدول از ایجاب مثلاً در قرارداد با پست وجود دارد؟

آیا حکم مورد تلفن و ابزار مشابه (دورنگار ـ رایانه) با پست و مکاتبه فرق دارد؟

ب) در عقودی که قبض شرط صحّت آن است، مثل وقف و رهن و مانند آن انعقاد عقد به این کیفیّت به چه نحو امکان دارد؟

ج) در این نحو عقود، خیارات، به ویژه خیار مجلس چگونه است؟

د) اگر فردی به وکالت از طرفین غایب اقدام کند آیا عقد حضوری است یا غیابی؟ آثار آن چگونه است؟

جواب: اوّلاً: عقودی مانند بیع و اجاره و امثال آن به وسیلهٔ تلفن یا وسایل دیگری که ایجاب و قبول آن پشت سر هم انجام می‌شود، در صورتی که شرایط عقد در آن جمع باشد مانعی ندارد و خیار مجلس در آن وجود دارد همان مجلسی که طرفین مشغول تلفن هستند و به وسیلهٔ پست از طریق کتابت امکان‌پذیر است به این معنی که سندی را تنظیم کند و نفر دوم پس از چند روز آن را امضا کند. ثانیاً: تولّی طرفی العقد یعنی کسی ایجاب و قبول را هر دو با هم به صورت وکالت جاری کند مانعی ندارد.

سؤال ۴۵۷. شخصی در حال بیماری ملکی را معامله کرده، و در همان بیماری فوت می‌کند، معامله مذکور چه حکمی دارد؟ برخی از فقهای امامیّه معاملهٔ مذکور را نسبت به یک سوم نافذ و نسبت به بقیهٔ منوط به تنفیذ ورثه می‌دانند. نظر مبارک در خصوص قضیّهٔ فوق چیست؟

جواب: معاملهٔ مذکور صحیح است؛ هر چند در مرض متّصل به موت واقع شده باشد.

بیع فضولی

سؤال ۴۵۸. آقای شمس ملکی را از طریق قولنامه عادی از علی آقا خریداری کرده و در

قولنامه اسم خود را احمد ذکر می‌کند. نصف قیمت ملک را در جلسهٔ معامله پرداخت نموده و پرداخت مابقی ثمن را موکول به تنظیم سند می‌نماید. بعد از یک سال از وقوع معامله و در هنگام تنظیم سند معلوم می‌شود که آقای شمس که خود را در جلسه معامله احمد معرفی نموده نمی‌توانسته معامله انجام دهد. و لذا آقای احمد، دوست شمس، بعد از یک سال خود را به عنوان خریدار جهت حل مشکل شمس، معرفی می‌کند. و حال این که تا آن موقع، نه علی، احمد را می‌شناخته و نه احمد، علی را. و در واقع مجلس عقد با حضور علی و شمس محقّق شده، و ایجاب و قبول و قبض و اقباض توسّط شمس و علی تحقّق یافته و قصد و ارادهٔ علی متوجّه شمس بوده، ولی آقای شمس بعد از یک سال خود را به عنوان وکیل و شاهد در مجلس عقد معرفی می‌کند و حال این که اقرار صریح دارد که ثمن را وی پرداخته و مثمن را تحویل گرفته و در مجلس عقد حضور داشته است. آقای احمد هم صریحاً اقرار دارد که در مجلس عقد حضور نداشته و ثمن معامله را نپرداخته و مثمن را تحویل نگرفته است. در ضمن همهٔ این مطالب مستند می‌باشد لطفاً بفرمایید.

الف) معامله نسبت به آقای شمس چه صورتی دارد؟

ب) بر فرض صحّت، این معامله، چه نوع بیعی است؟ بیع لفظی، یا معاطاتی، یا فضولی، یا صوری؟

ج) آقای احمد طبق اقرارش برای رفع مشکل قانونی آقای شمس، ملک متنازع فیه را به همسر آقای شمس با قولنامه عادی می‌فروشد بدون این که بابت اصل ملک پولی داده باشد، یا ملک را تحویل گرفته باشد، یا ثمنی از همسر آقای شمس دریافت نموده باشد، یا معامله را به عنوان فضولی قبول کرده باشد و در واقع ملکی که شرعاً و طبق قولنامهٔ عادی تحویل آقای شمس بوده، طی قولنامه عادی دیگر بدون اخذ هیچ مبلغی و بدون هیچ قبض و اقباضی به همسر آقای شمس با قولنامه صوری فروخته می‌شود. معامله احمد با همسر آقای شمس چه نوع معامله‌ای است؟ بیع لفظی، یا معاطاتی، یا فضولی، یا صوری؟

جواب: الف تا ج) با توجّه به این که در فرض سؤال شخص مزبور (آقای شمس) به نیّت خودش معامله را انجام داده هر چند ظاهراً نام شخص دیگری را برای خود ذکر کرده، معامله صحیح است و حکم بیع بالصیغه را دارد؛ زیرا کتابت در حکم انشای لفظی است. و ممنوع المعامله بودن در این گونه موارد به معنی عدم درج در اسناد رسمی است نه این که معامله محکوم به بطلان باشد و معامله دوم که با زوجه آقای شمس انجام شده جنبه فضولی داشته و هرگاه آقای احمد قصد صوری نداشته و آقای شمس هم بعداً معامله را امضا کرده باشد، معامله برای خانم او صحیح خواهد بود.

شرایط ثمن و مثمن

سؤال ۴۵۹. لطفاً به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

الف) آیا پیش‌فروش کالا به ثمن شناور یا قابل تعیین یا بیع با ثمن شناور، مانند پیش‌فروش خودرو که قیمت نهایی آن در زمان تحویل معیّن می‌گردد، صحیح است یا باطل؟ آیا به جهت جهل به قیمت نهایی ثمن بیع غرری محسوب می‌گردد؟

جواب: در صورتی که ثمن به طور دقیق روشن نباشد معامله باطل است.

ب) بحث معلوم بودن وضعیّت ثمن در عقد بیع، چه زمانی ملاک است؟ آیا قابلیّت تعیین ثمن در آینده وجود دارد؟ آیا متبایعین عقد بیع، می‌توانند توافق کنند که مشتری یا بایع یا شخص ثالثی ثمن عقد را تعیین نماید؟

جواب: ملاک معیّن بودن آن به هنگام عقد بیع است.

ج) آیا هر عین یا کالایی قابلیت پیش‌فروش یا بیع به ثمن شناور را دارد؟ در خصوص عین معیّن و کلّی در معیّن و کلّی فی الذمّه و مبیع قیمی یا مثلی حکم شرعی به چه نحو است؟

جواب: فروش عین به هر شکل و صورت با ثمن شناور جایز نیست؛ مگر این که معامله به هنگام تحویل جنس و تعیین ثمن صورت جدّی به خود بگیرد.

سؤال ۴۶۰. در معاملهٔ ملکی، تاریخ پرداخت مبلغ معامله تعیین نگردیده است. حال اگر بعد از چند وقت نصف مبلغ معامله به صورت نقد پرداخت شده باشد، آیا نصف ملک به ملکیّت خریدار درآمده است؟

جواب: اصل چنین معامله‌ای اشکال دارد و احتیاط آن است که توافق جدیدی کنند.

قیمت کالا

سؤال ۴۶۱. لطفاً به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

الف) اینجانب فروشندهٔ لوازم یدکی ماشین هستم که اجناس مغازهٔ خود را از شرکت‌های بزرگی مانند ایران‌خودرو تهیّه می‌کنم. این شرکت‌ها برای اجناس خریداری شده فاکتور فروش صادر می‌کنند که ما مثلاً فلان جنس را ۱۰۰ تومان بفروشیم. حال در صورتی که هیچ نوع نظارتی در کار نباشد و قیمت بازار هم بالاتر باشد آیا ما می‌توانیم جنس مورد نظر را به قیمت بازار، مثلاً ۱۲۰ تومان، بفروشیم؟

جواب: جایز نیست.

ب) آیا انسان برای فروش اجناس باید سود یا درصد مشخّصی را رعایت کند، یا در این زمینه آزاد است؟

جواب: چنانچه از سوی حکومت اسلامی قیمت کالا مشخّص نشده باشد می‌تواند به هر قیمتی که با مشتری به توافق می‌رسد بفروشد؛ ولی رعایت انصاف در هر حال لازم است.

عقد استصناع

سؤال ۴۶۲. فقهای شیعه در مورد استصناع کمتر به بحث پرداخته‌اند، و به جز آنچه که

مرحوم شیخ طوسی رحمه‌الله در کتاب خلاف[۱] و مبسوط[۲] آورده و قائل به عدم اعتبار این قرارداد شده، در آثار علمای دیگر مطلبی در این زمینه یافت نمی‌شود. بر خلاف ما، فقهای عامه تقریباً تمام مذاهب آنها قائل به اعتبار این گونه قراردادها هستند؛ ولی در مورد ماهیّت آن با هم اختلاف دارند. حنفیّه می‌گویند: «این قرارداد نوعی بیع است، ولی رعایت شرایط بیع سلم لازم نیست مگر در شرایط خاص» ولی مذاهب سه‌گانهٔ دیگر می‌گویند: «بیع سلم است و تمام شرایط آن (از جمله قبض ثمن فی المجلس) باید رعایت گردد». امروزه، مخصوصاً در زمینهٔ ساخت و ساز آپارتمان و کالاهای بزرگ و همچنین در زمینهٔ تجارت بین‌المللی مثل ساخت کشتی‌های بزرگ، قرارداد سفارش ساخت بسیار متداول است و عرف عقلا آن را پذیرفته‌اند. قرارداد به این نحو است که کسی به نزد صنعتگر یا صاحب حرفه‌ای می‌آید و از او می‌خواهد فلان کالا را با ویژگی‌هایی که در قرارداد ذکر می‌کنند برای او (سفارش دهنده) بسازد (موادّ اولیّه از خود صنعتگر است) در این حال قراردادی میان این دو به امضا می‌رسد که صاحب صنعت تعداد مورد توافق را برای سفارش دهنده بسازد و در زمان معیّن تحویل دهد و قیمت آن را دریافت کند. حال چند سؤال مطرح است:

الف) آیا قرارداد منعقد شده میان طرفین معتبر است؟

ب) در صورت اعتبار، ماهیّت این قرارداد چیست و آثار چه عقدی بر آن بار می‌شود؟

ج) آیا این قرارداد جایز است یا لازم؟

د) خیاراتی که در این قرارداد وجود دارد چیست؟

جواب: این گونه قراردادها تحت عنوان بیع سلم قرار می‌گیرد و از آن‌جا که در بیع سلم باید جنس مسلم فیه از هر جهت معلوم باشد و وسایلی که با دست می‌سازند کاملاً معلوم و مشخص نیست و هر یک ممکن است به صورتی درآید به همین دلیل سلم را در آن صحیح ندانسته‌اند، امّا در عصر و زمان ما که به کمک

۱. کتاب خلاف، ج ۳، باب سلم، مسالهٔ ۲۳.
۲. مبسوط، ج ۲، ص ۸۹۴.

کارخانه‌ها به صورت یکنواخت ساخته می‌شود بیع سلم در آن اشکالی ندارد و احکام سلم در آن جاری می‌شود.

معاملهٔ سلف

سؤال ۴۶۳. در خصوص پیش‌فروش آپارتمان‌ها، که در عصر و زمان ما رواج یافته، و با توجّه به این که ماهیّت این گونه قراردادها در حقوق ما مشخص نبوده، و نظرات متفاوتی وجود دارد، لطفاً به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

۱. در قرارداد پیش فروش قبل از آن که آپارتمان موجودیّت یابد، توسّط سازنده پیش‌فروش شده و ثمن به صورت اقساطی به وسیلهٔ خریدار پرداخت می‌شود.

الف) ماهیّت این قرارداد را در قالب چه عقدی می‌توان مورد بررسی قرار داد؟

ب) حق عینی برای مشتری از چه زمانی حاصل می‌شود؟

جواب: این کار در صورتی جایز است که تمام شرایط و صفات مبیع مقیّد و مشخّص گردد و تمام قیمت پرداخت شود؛ به شکلی که غبن و ابهامی حاصل نگردد.

۲. در پاره‌ای از این قراردادها، ضمن آن که قیمت دقیقاً معیّن می‌شود به لحاظ مؤجل بودن مورد معامله تا تسلیم آن با تعیین درصدی، مثلاً ۲۰٪ امکان افزایش یا تعدیل قیمت، توافق می‌کنند و حتی بعضاً قیمت زمان تحویل را مناط اعتبار قرار می‌دهند که نزد طرفین مجهول است؛ این نوع قراردادها چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که قیمت مشخّص نباشد معامله باطل است.

سؤال ۴۶۴. با شروع فعالیّت بورس فلزّات، معاملات سلف به ترتیب ذیل انجام می‌گیرد.

الف) در سلف مثلاً سه ماهه خریدار مجاز است پرداخت وجه را تا سه روز به تأخیر بیندازد همچنین فروشنده خارج از قرارداد مکتوب (که زمان تحویل جنس را معیّن می‌کند) به طور شفاهی تا ۱۵ روز تأخیر بعد از تاریخ مذکور را نیز برای خود مجاز

می‌داند. بعلاوه بعد از ۱۵ روز مزبور نیز عملاً در تحویل تأخیرهایی صورت می‌گیرد.

ب) در سلف مثلاً سه ماهه بخشی از قیمت تا ۷۲ ساعت بعد از معامله و بقیّه چک یک ماهه دریافت می‌شود و شرایط زمان و تأخیر تحویل نیز بشرح بند الف می‌باشد.

ج) در این نوع معامله مجموعهٔ کالا بصورت سبد مثلاً میله‌گردها و تیرآهن‌ها با سایزهای مختلف (به انتخاب خریدار) برای سلف سه ماهه معامله می‌شود و قید مثلاً ۲۰ درصد کالا پس از یک ماه از تاریخ معامله و ۳۰ درصد پس از دو ماه و ۵۰ درصد پس از سه ماه (تحویل به مرور) بدون مشخّص شدن نوع کالا و تاریخ آن، و با مهلت و تأخیرهایی که در بند الف ذکر شده اکنون بفرمایید:

۱. آیا معاملات مذکور صحیح است؟

۲. خریدار چنین معاملاتی می‌تواند قبل از سررسید زمان تحویل، بخشی یا تمام مورد معامله را به دیگری بفروشد؟

۳. در صورت صحّت معاملات مذکور و نیز در صورتی که خریدار تا سررسید مدّت مجاز به فروش آن نیست کدام مدّت را باید لحاظ کند. سررسید مندرج در قرارداد، یا سررسید باضافهٔ ۱۵ روز، یا سررسید زمان تحویل که دقیقاً مشخّص نیست؟

۴. آیا صحّت یا بطلان معامله در پرداخت وجوه کارگزاری به کارگزاران مستقر در بورس فلزّات مؤثّر است؟

ضمناً ضروری بنظر می‌رسد که موارد زیر مورد توجّه قرار گیرد:

اوّل: عرضه‌کننده‌ها در بورس فلزّات تقریباً همه کارخانجات دولتی و نیز انحصاری هستند.

دوّم: کلیّهٔ معاملات در بورس فلزّات توسّط کارگزاری‌های مستقر در بورس انجام می‌گیرد و خریدار و فروشنده مواجهه و ارتباط مستقیم ندارند.

سوم: شاغلین صنوف و تعاونی‌های توزیع و کارخانجات تولیدی مصرف‌کننده اجباراً بایستی اقلام مورد نیاز خود و اعضای خود را از همین سیستم خریداری کنند و به اعضا بفروشند و امکان صبر برای سررسید کالای سلف جهت فروش آن به اعضا نیست.

جواب: ۱ تا آخر: در معامله سلف باید جنس و زمان پرداخت معیّن باشد و تمام مبلغ ثمن نقداً پرداخته شود و قبل از فرا رسیدن زمان تحویل کالا فروش آن جایز نیست.

معاملات بورس

سؤال ۴۶۵. معاملات جدیدی در بازار بورس دنیا متداول شده، که برخی از کارشناسان در صدد رواج آنها در بازار بورس ایران اسلامی می‌باشند. خواهشمند است نظر مبارک خود را در مورد این معاملات بیان بفرمایید:

الف) قراردادهای آتی خاص یا اختصاصی: دو طرف معامله با یکدیگر ملاقات کرده و قرار معامله می‌گذارند. شخصی که ارادهٔ خرید دارد متعهّد می‌شود که مقدار مشخّصی از یک کالا را در تاریخ معیّنی در آینده با قیمت مشخّص و در مکان معیّن از فروشنده تحویل بگیرد. فروشنده نیز متعهّد می‌شود که کالای مزبور را با همان خصوصیّات به خریدار تحویل دهد. آیا این قراردادها الزام‌آورند و کار آنان صحیح است؟

جواب: این قراردادها صحیح نیست؛ مگر این که یکی از دو طرف معامله تحویل گردد.

ب) قراردادهای آتی یکسان: شخصی می‌خواهد کالایی را مثلاً دو ماه بعد خریداری کند. امروز به کارگزار بورس مراجعه می‌کند و خواستهٔ خود را مطرح می‌کند. کارگزار بورس سندی به وی می‌دهد که در آن تمامی مشخّصات آن کالا نوشته شده و تاریخ سررسید و قیمت دو ماه بعد نیز دقیقاً معیّن می‌شود. مبلغی را مراجعه کننده که قصد خرید دارد به‌عنوان وجه التزام به کارگزار بورس می‌دهد و کارگزار متعهّد می‌شود دو ماه بعد بهای کالا را از مراجعه کننده دریافت کرده و کالا را به وی تحویل دهد. اگر در تاریخ یاد شده مراجعه کننده اقدام به خرید نکرد وجه التزام نصیب کارگزار می‌شود و اگر بر اساس قرارداد اقدام به خرید کرد کارگزار قانوناً موظّف است معامله را با وی انجام دهد. کسی هم که قصد دارد دو ماه بعد کالای مشخّصی را بفروشد به کارگزار بورس مراجعه

می‌کند و با دادن وجه التزام با وی قرارداد فروش در دو ماه بعد را منعقد می‌نماید. آیا این‌گونه قراردادها شرعاً صحیح هستند؟ آیا وجه التزام ملک کارگزار می‌شود، یا وی حقّ تصاحب آن را در صورت نکول دو طرف ندارد؟ آیا دو طرف در صورت اقدام به معامله در تاریخ مقرّر یعنی دو ماه بعد، باید معامله را بر اساس آنچه در قرارداد قید شده انجام دهند؟

جواب: هیچ یک از این قراردادها شرعاً اعتباری ندارد و سبب درگیری‌های فراوانی است.

ج) قراردادهای یاد شده که به‌صورت سند بین کارگزار و مراجعه‌کنندگان منعقد می‌شود، در بازار بین سرمایه‌گزاران دست به دست می‌شود و بر اساس تغییرات قیمت در هر روز خرید و فروش می‌گردد، آیا این معاملات صحیح است؟

لازم به تذکّر است که ۹۹٪ این قراردادها به تحویل کالا منجر نمی‌شود، و قبل از تاریخ سررسید تسویه می‌گردد، آیا این امر در حکم شرعی و در پاسخ به سئوالات یادشده مؤثّر است؟

جواب: همان‌گونه که در بالا گفته شد هیچ یک از این قراردادها شرعاً صحیح نیست.

د) عدّه‌ای از همان ابتدا که این قرارداد را منعقد می‌کنند قصد انجام معاملهٔ بعدی را ندارند، بلکه فقط می‌خواهند از تغییرات قیمت منتفع شوند. به اینها «بورس‌باز» گفته می‌شود. آیا این امر در ماهیّت و حکم شرعی این قراردادها تأثیر دارد؟

جواب: این امر عامل دیگری بر باطل بودن این معاملات است.

ه) در بازار مزبور قیمت‌های سهام را متوسّط‌گیری کرده، نام آن را «شاخص سهام» می‌گذارند و تمامی آنچه گفته شد را در مورد آن انجام می‌دهند. یعنی آن را خرید و فروش می‌کنند و برای خرید و فروش آن در تاریخ معیّنی در آینده، همانند خرید و فروش کالاها «قرارداد آتی یکسان» منعقد می‌کنند. آیا این معاملات صحیح و الزام‌آور است؟

جواب: از جواب‌های بالا معلوم شد.

و) قراردادهای دیگری تحت عنوان «حقّ اختیار معامله» بین مراجعه کنندگان به بورس و کارگزاران بورس منعقد می‌شود. دو قسمت عمدهٔ این قراردادها عبارت است از «حقّ اختیار خرید» و «حقّ اختیار فروش»؛ در حقّ اختیار خرید، خریدار این اوراق مبلغی به کارگزار می‌پردازد و در ازای آن حق دارد در تاریخ معیّن جنس معیّنی را با اوصاف و قیمت مشخص از کارگزار خریداری نماید. و در صورت اقدام، کارگزار موظّف به تهیّهٔ کالا و فروش آن می‌باشد. در «اختیار فروش» امر عکس است. یعنی کارگزار در ازای دریافت مبلغ «قیمت اختیار» به خریدار حق می‌دهد که دارایی مشخّصی را با قیمت معیّن و در تاریخ معیّن یا قبل از آن به وی یعنی کارگزار بفروشد و کارگزار ملزم به خرید است. در هر دو صورت اگر دارندهٔ حق در سررسید به کارگزار مراجعه نکرد حق وی از بین رفته و پولی که به‌عنوان «قیمت اختیار »به وی داده از دست خواهد داد و کارگزار مالک آن خواهد بود. آیا این قرارداد صحیح است؟ آنچه نصیب کارگزار می‌شود چه حکمی دارد؟

جواب: این معاملات نیز حرام است مگر این که کارگزار به عنوان اجیر موظف شود که در فلان تاریخ خریدی برای سفارش دهنده انجام و اگر انجام نداد پولی را که گرفته باید بازگرداند.

سؤال ۴۶۶. آیا بورس‌بازی زمین و خرید و فروش آن به گونه‌ای که فروشنده هیچ ارزش افزوده‌ای در زمین ایجاد نکند، بلکه با ترفندهای مختلف زمین را با سود بسیار گزاف انتقال دهد، و نتیجهٔ آن تورّم و سوق ثروت‌های چشمگیر به بخش واسطه‌گر باشد، و بسیاری از استعدادها را به جای تولید مولّد به این بخش کشاند چه حکمی دارد؟

جواب: خرید و فروش زمین اشکالی ندارد ولی استفاده از ترفندها و شگردها برای بالا بردن قیمت جایز نیست و در صورتی که این‌گونه کارها تولید فساد اقتصادی کند حکومت اسلامی می‌تواند قانونی برای آن بگذارد.

سؤال ۴۶۷. آیا شرکت در معاملات تالار بورس از نظر شرعی جایز است؟ و در صورت جواز، آیا به پول سرمایه‌گذاری شده خمس تعلّق می‌گیرد؟

جواب: هرگاه سهام مربوط به کارخانه‌هایی باشد که وجود خارجی دارد و مقدار سهم و قیمت آن کاملاً روشن باشد مانعی ندارد.

سؤال ۴۶۸. بخشی از معاملات الکترونیکی که از طریق شبکه اینترنت با بنگاه‌ها و شرکت‌های بازرگانی خارجی صورت می‌گیرد به شرح زیر است:

موارد قابل خرید و فروش شامل سهام شرکت‌های معتبر جهانی، شاخص‌های سهام مجموع چند شرکت، کالاهای گوناگون که در حجم بالا معامله می‌شود، فلزات گرانبها و ارزهای معتبر جهان که به شرح ذیل تفکیک می‌گردد:

در این نوع معاملات از دلار آمریکا به عنوان ارز اصلی استفاده می‌شود و با تغییرات شرایط اقتصادی و تجاری در قطب‌های صنعتی و تجاری جهان، قیمت ارزهای فوق در مقابل دلار تغییر می‌کند و امکان خرید و فروش این ارزها برای معامله کنندگان به وجود می‌آید.

نحوهٔ انجام کار: ابتدا معامله‌کننده سرمایه مورد نظر خود را به حسابی به نام در یکی از بنگاه‌ها یا شرکت‌های ذکر شده که دارای امکانات اینترنتی هستند، انتقال می‌دهد و بعد با توجّه به دانش خود نسبت به هر یک از موارد قابل خرید و فروش، اقدام به معامله می‌نماید. معمولاً هر فرد در یک یا چند مورد از کالاهای فوق تخصّص دارد و با توجّه به اطّلاعاتی که به صورت لحظه‌ای از طریق اینترنت از بازارهای مختلف جهان در اختیارش قرار می‌گیرد، پس از تجزیه و تحلیل لازم اقدام به خرید و فروش می‌نماید.

لازم به ذکر است در این نوع تجارت امکان انجام معاملات به صورت سَلَف وجود دارد و معامله‌کننده در صورت نیاز می‌تواند اقدام به پیش‌خرید و یا پیش‌فروش نماید و پس از مدّتی با انجام عکس این عمل کل قرارداد را تکمیل کند.

معمولاً در این نوع تجارت، بانک‌ها و بنگاه‌های تجاری با اعطای اعتبار به تجّار امکان انجام خرید و فروش روی حجم مشخّصی از کالاهای فوق را که از پیش سرمایه گذاشته شده است را فراهم می‌نماید و بعد از انجام کلّ معامله سهمی را به نسبت کار انجام شده و نوع کالا برای خود اختصاص می‌دهند.

این اعتبار بعد از انتقال پول به بنگاه یا شرکت طرف قرارداد به شخص اعطا می‌گردد و فقط برای خرید و فروش موارد فوق در همان بنگاه یا شرکت قابل استفاده می‌باشد.

میزان آن معمولاً ۵ تا ۱۰ برابر پول اصلی است که به بنگاه فوق انتقال داده شده و بدین وسیله این امکان را برای معامله‌گر به وجود می‌آورد تا روی مقدار بیشتری از کالاهای فوق معامله کند، تا با این روش بتواند سود بیشتری بدست آورد. البتّه در صورت اشتباه محاسبه و دید غلط نسبت به بازار، این سیستم ضرر بیشتری را به همان نسبت نصیب معامله‌گر خواهد نمود.

ضمناً در این نوع معاملات و قراردادها به هیچ وجه سود تضمین‌شده و مداوم وجود ندارد و سود و ضرر در رابطهٔ مستقیم با دانش و اطّلاعات به روز شخص و وضعیّت بازار است.

نظر حضرتعالی در مورد معاملات مذکور چیست؟

جواب: این معاملات چند صورت دارد که بعضی صحیح و بعضی باطل است:

الف) اگر جنبهٔ صوری داشته باشد و سهام و جنس اصلاً وجود خارجی نداشته باشد معامله باطل است.

ب) معامله جدّی است و سهامی وجود دارد ولی مجهول است یعنی نوع کارخانه، شرکت و میزان سرمایه‌گذاری آن و مؤسّساتی که می‌خواهند در آن شریک شوند و شرایط آن برای او مشخّص نیست، این نوع معامله نیز باطل است.

ج) معاملاتی که با پول‌های حاصل از تحصیلات اعتباری توأم با ربا حاصل می‌شود، آن نیز صحیح نیست.

د) معاملاتی که جدّی است و شرایط آن مشخّص است و حداقل یکی از دو طرف معامله (جنس یا پول) در اختیار طرف مقابل قرار می‌گیرد و جنبهٔ تسهیلات اعتباری ربوی ندارد صحیح است.

بیع شرط

سؤال ۴۶۹. شخصی با بیع شرط خانه‌ای خریداری می‌کند، آیا پس از گذشت مدّت زمان شرط، فروشنده می‌تواند از تحویل مورد معامله خودداری نماید؟

جواب: در صورتی که در مدّت زمان شرط، فروشنده ثمن را باز نگرداند و زمان مذکور بگذرد، خانه ملک مشتری می‌شود. مشروط بر آن که معامله از آغاز جدّی باشد.

خرید و فروش طلا و نقره

سؤال ۴۷۰. در شهر ما سازندهٔ طلای نو ۲۰ مثقال طلای خود را به مغازه‌دار می‌دهد و مغازه‌دار در عوض ۲۰ مثقال طلای شکسته نقد، یا چند روز بعد به سازنده می‌دهد. علاوه بر این، سازندهٔ طلای نو در مقابل هر مثقال طلای ساخته شده، از مغازه‌دار ۱۰۰ تومان اجرت می‌گیرد. آیا این نوع معامله صحیح است؟

جواب: معامله طلا با طلا با تفاوت وزن جایز نیست، هر چند یکی از نوع مرغوب و دیگری از نوع نامرغوب باشد. راه صحّت معامله آن است که نوع مرغوب را تبدیل به پول کنند و بخرند و سپس نوع دوم را به همین طریق بفروشند.

سؤال ۴۷۱. اگر دو چیز مثل انگشتری طلا و فیروزه، که وزن یکی بیشتر از دیگری است، با هم عوض کنیم. سپس هر دو انگشتری یا یکی از آنها تلف شود، برای رهایی از این کار خلاف شرع چه باید کنیم؟ آیا حلالیّت کفایت می‌کند، یا باید کار دیگری انجام دهیم تا از گناه این کار و عواقب اخروی آن در امان باشیم؟

جواب: در این صورت بهترین راه حلیّت طلبیدن است.

سؤال ۴۷۲. چنانچه چیزی مثل انگشتری طلا را از فروشنده‌ای بخریم و پول آن را هم پرداخت کنیم، سپس پشیمان شده، و از او بخواهیم که انگشتر دیگری به ما بدهد و او بدون محاسبهٔ وزن آن، انگشتر دیگری را به جای آن به ما بدهد، آیا این کار معاملهٔ ربوی محسوب می‌شود؟ این کار در مورد میوه‌ها چه حکمی دارد؟ مثلاً یک کیلو سیب زمینی می‌خریم، بعد متوجّه می‌شویم یک دانهٔ آن خراب است به فروشنده می‌گوییم آن را عوض کن. اگر او بدون وزن کردن آن را عوض کند این کار اشکال شرعی ندارد؟

جواب: در این گونه موارد در واقع معاملهٔ اوّل را نسبت به آن مورد فسخ می‌کند و معاملهٔ دومی با همان مبلغ انجام می‌دهد.

بازاریابی

سؤال ۴۷۳. فروشگاهی بزرگ که در سطح بین‌المللی نیز مشتریان زیادی دارد در ازای خرید کالا از این فروشگاه به مشتریان خود تخفیف می‌دهد. برای مثال یک دستگاه تلویزیون که در سایر فروشگاه‌ها صد هزار تومان باشد این فروشگاه این تلویزیون را به مبلغ ۷۵ هزار تومان به مشتریان خود می‌فروشد. در ضمن در صورت تمایل مشتریان، با آنان نیز به عنوان بازاریاب قرارداد همکاری می‌بندد که اگر مشتری مایل به همکاری باشد فرم ثبت‌نامی که فروشگاه در اختیار وی قرار می‌دهد را تکمیل نموده و از آن به بعد به عنوان کارمند شرکت اقدام به جذب و فروش کالاهای آن فروشگاه نماید. فروشگاه هم در یکی از بندهای قرارداد چنین شرط می‌کند که در صورت معرّفی مشتری جدید و خرید آن مشتری از فروشگاه، به وی حقوق پرداخت می‌نماید و در غیر این صورت (عدم معرّفی مشتری و خرید) هیچ‌گونه حقوقی به کارمند خود پرداخت نمی‌نماید. آیا چنین کاری حلال است؟ البتّه باید متذکّر شوم که فروشگاه حدّ خاصی را هم برای بازنشستگی بازاریابان خود قرار داده؛ که در صورت فعالیّت و کار زیاد می‌توان در عرض ۵ ماه هم بازنشسته شد.

جواب: در صورتی که خود فروشگاه به بازاریاب‌ها اجرت مشخّصی دهد و بازاریابی به صورت هرمی نباشد اشکال ندارد.

مالکیّت زمانی

سؤال ۴۷۴. مرسوم شده که اشخاص حقیقی یا حقوقی در قالب قراردادی ساختمان‌ها، آپارتمان‌ها و اطاق هتل‌ها در شهرهای مذهبی را به‌صورت مالکیّت زمانی، و با شرایط مذکور حین العقد، و در قبال اخذ وجه نقد در اختیار مشتری قرار داده و بفروش می‌رسانند. لطفاً بفرمایید:

آیا مالکیّت زمانی (به این نحو که مثلاً آپارتمانی یا اطاق هتلی به‌مدّت ۲۴ سال و در هر سال مثلاً به مدت ۵ یا ۱۰ روز و در ماهی مشخّص و در قالب قراردادی در اختیار مشتری قرار گیرد و در قبال آن وجه نقدی اخذ گردد) از نظر شرعی جایز می‌باشد؟

جواب: این گونه معاملات را به دو صورت می‌توان انجام داد: نخست این که تمام خریداران به صورت مشاع خریداری کنند سپس در بهره‌برداری از ملک مشاع توافق در زمان‌بندی نمایند؛ که این صورت هیچ اشکالی ندارد. دیگر این که فروشنده از ابتدا به صورت مشاع در زمان بفروشد، مثلاً ماه فروردین آن محل را به کسی بفروشد و ماه‌های دیگر را به اشخاص دیگر، هرگاه در عرف محل چنین معامله‌ای رایج و معمول باشد شرعاً مانعی ندارد.

سؤال ۴۷۵. نتیجهٔ قرارداد تایم شر (بیع زمانی) مالک شدن شخص بر ملکی در زمان معیّن و محدودی همچون ماه خرداد در هر سال است. و در غیر این زمان هیچ حق مالکیتی بر عین و منافع آن ندارد. با گسترش این نوع قرارداد مسایل و پرسش‌های گوناگونی به وجود آمده، مستدعی است پاسخ سؤالات ذیل را مرقوم فرمایید:

الف) با توجّه به این که این نوع قرارداد در عرف، خرید و فروش تلقّی می‌گردد، آیا از جهت فقهی نیز می‌توان آن را در قالب عقد بیع محقّق ساخت؟

ب) با عنایت به عدم تبعیّت عقد صلح در احکام و شرایط از سایر عقود، آیا می‌توان قرارداد یاد شده را در قالب عقد صلح ابتدایی، منعقد کرد؟

ج) آیا می‌توان قرارداد فوق را که به نظر می‌رسد فاقد منع عقلی، عرفی و شرعی است، به عنوان عقدی جدید و مستقل پذیرفت؟

د) آیا مالکان مشاع در صورت توافق بر افراز و تقسیم ملک خود می‌توانند آن را بر اساس زمان تقسیم نمایند، به گونه‌ای که هر یک مالک آن در بخش خاصّی از زمان همچون ماه خرداد باشد؟

جواب: الف تا د) این در واقع نوعی بیع است که در عصر ما به وجود آمده (به‌خاطر نیازها و ضرورت‌ها) و هرگاه در عرف محل رایج شده باشد عمل به آن

اشکالی ندارد. و مشمول احل الله البیع وسایر ادلّهٔ بیع است و بر این اساس مفروز کردن مال الشرکه با شرط فوق مانعی ندارد.

تجارت جهانی

سؤال ۴۷۶. نظر شما در مورد جهانی‌سازی تجارت ایران و ورود به سازمان تجارت جهانی (WTO) چیست؟

جواب: چنانچه پس از مطالعهٔ دقیق کارشناسان متدیّن، این کار بـه مـصلحت کشور و به نفع مردم باشد و موجب سلطهٔ بیگانگان نگردد و مستلزم تـخلّف از قوانین و احکام اسلام نباشد اشکالی ندارد.

معاملات اینترنتی ارز

سؤال ۴۷۷. شغل اینجانب صرّافی است و جدیداً از طریق اینترنت خرید و فروش را در بازارهای بورس جهانی انجام می‌دهم. توضیح این کـه: در ایـن مـعاملات (چـه ارزی را بخرم، و چه بفروشم) باید اوّل بیعانه‌ای به حساب طرف اصلی مـعامله در خـارج واریـز کنم. اگر سود کنم که سود معامله و بیعانهٔ اوّلیّه به حساب من واریز می‌گردد و در صورتی که خرید یا فروشم به ضرر نزدیک شود باید قبل از این که بیعانه از بین برود مبلغ بیعانه را افزایش دهم. نکتهٔ دیگر این که در این مـعاملات ارزی رد و بـدل نـمی‌شود، فـقط بـا پرداخت بیعانه می‌توان خرید کرد یا فروخت و در نهایت سود انجام معامله را گرفت یـا ضرر آن را پرداخت نمود. حکم چنین معامله‌ای چیست؟

جواب: هرگاه شرایط شرعی معاملات در آن جمع باشد اشکالی ندارد از جمله این که هر دو طرف معامله نسیه نباشد که در این صورت باطل است و دیگر این که دو طرف معامله در اختیار طرفین باشد یعنی مشتری اگر بخواهد ارز خریداری شده را تحویل بگیرد مانعی نداشته باشد و بایع نیز بتواند عوض آن را دریافت کند و طرفین معامله از هر نظر معیّن و معلوم باشند.

معاملهٔ چک

سؤال ۴۷۸. در صورتی که اینجانب تعدادی از چک‌های خودم را مدّت‌دار صادر و به شخصی بدهم (بدون وجود هیچ گونه معامله تجاری و تنها برای اخذ وجه و حل مشکلات) و ایشان با کسر مبالغی (با احتساب زمان چک‌ها) تتمهٔ آن را برگرداند. آیا از مصادیق معاملات ربوی محسوب می‌گردد؟

جواب: از آنجا که چک‌های مذکور دوستانه است و سند بدهکاری محسوب نمی‌شود این کار اشکال دارد.

سؤال ۴۷۹. در صورتی که بنده چکی به شخصی داده باشم و در سررسید آن قادر به پرداخت نباشم، و شخص دارنده چک با دریافت مبالغی (متناسب با تاریخ) مدّت پرداخت را تمدید نماید، آیا این مبلغ که باعث تمدید زمان اخذ گردیده ربا محسوب می‌گردد؟

جواب: این کار جایز نیست.

مواردی که می‌توان معامله را فسخ کرد

سؤال ۴۸۰. چنانچه در معامله‌ای ثمن معامله به صورت یک فقره چک باشد که از حساب شخص دیگری غیر از خریدار صادر گردیده باشد، و صادرکننده قبل از سررسید چک، حساب خود را خالی نماید، آیا فروشنده حقّ فسخ معامله را دارد؟ آیا فروشنده حقّ مطالبهٔ ثمن معامله را از خریدار دارد، یا فقط می‌تواند به صادرکنندهٔ چک رجوع کند؟

جواب: در صورتی که امکان داشته باشد، پول را از صادرکنندهٔ چک و اگر امکان ندارد، از مشتری و اگر امکان ندارد، می‌تواند معامله را فسخ کند.

خیار عیب

سؤال ۴۸۱. آیا عیب مبیع (خصوصاً عیب پنهان) را فروشنده باید اعلان کند؟ در

صورت عدم اعلان و جهل خریدار، اگر خسارتی متوجّه وی شود چه کسی مسؤول است؟

جواب: باید عیب پنهان را گفت، مگر این که اظهار بدارد کلّ این جنس را با تمام عیوبش به تو می‌فروشم.

خیار تأخیر

سؤال ۴۸۲. طی عقد بیعی، یک رأس گاو به فردی فروخته می‌شود، پس از عقد قرارداد و گذشت مدّتی، معلوم می‌گردد که این گاو در زمان عقد قرارداد دارای حمل بوده، که مطابق قانون مدنی ایران (مادّهٔ ۳۵۷) این حمل بایستی به فروشنده گاو بازگردانده شود. در مورد مطلب مذکور دو فرض، و به تبع آن دو پرسش مطرح شده است. فرض اوّل: این گاو مبتلا به یک بیماری است، به گونه‌ای که یا بایستی خود گاو کشته شود و یا حمل آن، تا این که دیگری زنده بماند؛ یعنی حیات یکی منوط به کشتن دیگری است. (لازم به ذکر است که این مطلب روشن نیست که ابتلا به این بیماری در زمان مالکیّت کدام یک از طرفین عقد بیع بوده است). در این صورت، کدام یک باید کشته شود؟ و خسارت وارده را چه کسی باید جبران کند؟

فرض دوم: گاو به هنگام زایمان دچار وضعیّتی شده که تنها با کشتن یکی از آن دو می‌توان دیگری را زنده نگاه داشت. در این فرض، کدام یک باید کشته شود؟ جبران خسارت وارده بر عهدهٔ کیست؟

جواب: هرگاه عیب از ابتدا بوده خریدار می‌تواند معامله را به سبب خیار عیب فسخ کند و اگر فسخ نکرد باید مطابق فرض دوم عمل کند و اگر عیب بعداً پیدا شده حمل را از بین می‌برند تا مادر سالم بماند و خسارت بر هر دو تقسیم می‌شود، زیرا مسأله از باب تعارض ضررین است.

سؤال ۴۸۳. در معامله ملک، آیا «پرداخت و قسمت عمدهٔ ثمن مبیع» موجب اسقاط حقّ فسخ و زوال خیار تأخیر می‌گردد؟

جواب: در صورتی که شرط کرده باشد که ثمن را تا زمان معیّنی بپردازد

و خریدار کوتاهی کند، فروشنده خیار فسخ دارد. مگر این که باقیمانده به اندازه‌ای کم باشد که در برابر آن معامله به حساب نیاید.

سؤال ۴۸۴. بخشش و اغماض مدّت تأخیر ـ در خیار تأخیر ـ حقّ فروشنده است، یا خریدار، یا قاضی محکمه؟ به عبارت دیگر، آیا قاضی مستقلّاً مخیّر است «مدّت تأخیر را به لحاظ کم بودن آن، نادیده بگیرد، یا «اغماض مدّت تأخیر»، حقّ فروشندهٔ ملک است و هیچ ارتباطی به قاضی ندارد؟

جواب: اغماض تنها حقّ فروشنده است؛ مگر این که تأخیر بسیار کم باشد که خود به خود اغماض خواهد شد.

خیار تبعّض صفقه

سؤال ۴۸۵. این‌جانب، دو سال پیش زمینی را به متراژ ۱۹۱/۵ متر، از قرار هر متر ۲۵ هزار تومان خریدم. فروشنده زمین را به اتّفاق فردی که مشاور بنده بود، متر کرد و تحویل بنده داد، و از آنجا که متراژ زمین بر اساس پروانه ۱۹۵ متر بود، بنده به ایشان عرض کردم. هر وقت شما بقیّه زمین را تحویل دادی، قیمت روز مقدار اضافی را خواهم داد. ولی اینک که مجدداً زمین را متر کردم (با حضور افراد خبره) زمین ۱۸۵ متر می‌باشد. آیا بنده نسبت به ۶/۵ متر زمین که قیمت آن را پرداخته‌ام و اکنون مشخّص شده که ما به ازای خارجی ندارد، حقّ استرداد قیمت آن را به نرخ آن زمان یا این زمان (هر متر صد هزار تومان) دارم؟

جواب: در صورتی که زمین را بر اساس متراژ خریده‌اید، نه مشاهده و بعداً ثابت شده کمتر از آن چیزی است که در قولنامه آمده، حق دارید ما به التفاوت را از فروشنده بگیرد، یا معامله را فسخ کنید.

خیار تخلف شرط

سؤال ۴۸۶. شخصی ملک خود را به بیع مؤجّل فروخته، و متعاملین ضمن عقد، شرط

کرده‌اند چنانچه هر یک از اقساط در سررسید پرداخت نشود فروشنده حق فسخ داشته باشد. سپس خریدار، مبیع مذکور را به شخص دیگر فروخته و تمام ثمن معامله را دریافت نموده است. پس از وقوع معاملهٔ دوم، فروشنده اوّلیّه به علّت نپرداختن اقساط ثمن معامله که سررسید آن بعد از وقوع معامله دوم بوده، از حق فسخ خود استفاده نموده است لطفاً بفرمایید:

الف) خیار جعل شده میان فروشنده و خریدار اوّل، خیار شرط می‌باشد یا خیار تخلف از شرط؟

ب) با جعل خیار مذکور، حکم معامله دوم که قبل از اعلان فسخ معامله اول صورت گرفته، چه می‌باشد؟

ج) به فرض که معاملهٔ دوم صحیح باشد، نحوهٔ جبران خسارت فروشندهٔ اوّل چگونه است؟

د) اگر پاسخ سؤال سوم بدل مبیع باشد، قیمت روز معیار خواهد بود، یا قیمت زمان فسخ؟

جواب: الف تا د) خیار مذکور خیار تخلّف از شرط می‌باشد و مشتری در مدّت خیار حقّ فروش مبیع را ندارد و در صورت تخلّف از شرط بایع اوّل حقّ فسخ دارد و مشتری باید عین مبیع را در صورتی که وجود داشته باشد برگرداند و اگر تلف شده مثل یا قیمت آن را بازگرداند و معیار قیمت روز پرداخت است.

سؤال ۴۸۷. آیا حقّ فسخ ناشی از تخلّف شرط فوری است؟

جواب: حق فسخ پس از اطّلاع از تخلّف شرط فوری نیست، مگر این که تأخیر به خاطر رضایت به معامله باشد.

سؤال ۴۸۸. به خاطر فقدان سیستم بانکی پیشرفته در افغانستان، در بین مهاجرین افغانی مقیم کشورهای دیگر مرسوم است که برای نقل پول‌های خود به افغانستان به تجّار متوسّل می‌شوند. بدین صورت که ارزهای کشور مقیم را به تجّار داده و از آنها می‌خواهند که در وقت معیّن معادل آن را به پول افغانی به افراد مورد نظرشان در

افغانستان بپردازند. بعضی از تجّار ورشکست شده بدون این که استفاده‌ای از این پول برده باشند معادل ارز خارجی را در وقت معیّن (که قرار داده شده) نمی‌پردازند. و این در حالی است که به خاطر نوسان ارز در مقابل واحد پول افغانستان صاحبان پول (کارگران مهاجر) دچار ضرر و زیان شده و برای جبران آن تقاضای غرامت می‌کنند. و بعضی نیز خواهان فسخ معامله شده، و عین پول پرداخته شده را مطالبه می‌کنند. حال سؤال این است که آیا:

الف) آنان می‌توانند معامله را برهم بزنند؟

ب) آیا می‌توانند از تاجر مذکور که از شرط تخلّف کرده و موجب ضرر و زیان شده ادّعای جبران ضرر کنند؟

جواب: می‌توانند معامله را فسخ کنند و نیز می‌توانند در صورت نوسان شدید قیمت، تفاوت را بگیرند.

خیار شرط

سؤال ۴۸۹. در بخش ابتدایی مبایعنامه‌ای آمده: «... این معامله به عنوان عمری است، یعنی فروشنده مادام العمر در این معامله اختیار فسخ دارد...» و در سطور آخر چنین مرقوم گردیده: «.. شرط می‌گردد که معامله مرقومه عمری است یعنی مادام عمر فروشنده اختیار فسخ آن با فروشنده می‌باشد...» همان طور که مستحضرید در این معامله خیار شرطی وجود دارد و آن در نظر گرفتن حق فسخ برای فروشنده در تمام عمر وی می‌باشد که باعث تزلزل عقد موصوف می‌گردد و از طرفی خیار شرط می‌بایست مدّت معیّن و معلومی داشته باشد، حال این که در عقد موصوف مدّت آن معیّن و مشخّص نشده، که باعث مجهول ماندن خیار شرط گردیده است. از نظر حضرتعالی چه حکمی دارد؟

جواب: درست است که شرط مجهول باطل است، ولی شرط مادام العمر از نظر عقلا جز شرط مجهول حساب نمی‌شود و در بسیاری از موارد چیزی را به کسی

واگذار می‌کنند و منافع آن را مادام العمر برای خود قرار می‌دهند یا حقّ فسخ مادام العمر می‌گذارند و دلیلی بر بطلان آن نداریم. از این گذشته به فتوای ما شرط فاسد مفسد، عقد نیست.

خیار غبن

سؤال ۴۹۰. اگر به هنگام عقد غبن وجود داشته باشد، فقها برای آن خیار قائل شده‌اند. ولی امروزه این سؤال مطرح است که اگر غبن بعد از انعقاد قرارداد حاصل شود، و اجرای قرارداد برای متعهد به سختی قابل انجام باشد، آیا شخص می‌تواند تعدیل قرارداد یا فسخ آن را درخواست کند؟ مثلاً اگر متعهّد تعهّد کرده باشد که یک پروژهٔ ساختمانی را در عرض ۵ سال به اتمام برساند و در زمان انعقاد هیچ غبنی نبوده، امّا در سال دوم انجام قرار داد، به دلیل گرانی مصالح و ابزار، انجام تعهّد برای متعهد دشوار و به قیمت گرانی تمام خواهد شد. آیا حقّ فسخ یا تبدیل قرارداد را دارد؟

جواب: هرگاه غبنی بعد از معامله حاصل شود مشمول خیار غبن نیست، مگر این که فوق‌العاده خارج از متعارف باشد که در مورد قراردادها باید رعایت شود.

سؤال ۴۹۱. در معامله‌ای بین ۲ نفر اختلاف ایجاد شده که ان شاء الله با حکم حضرتعالی مشکل حل خواهد شد. موضوع به شرح ذیل می‌باشد:

بنابر تحقیقات انجام شده و مدارک مستند، زمینی که ارزش واقعی آن تا قبل از معامله حداقل ۳۰۰ میلیون تومان بوده، به علّت ندانستن قیمت و غفلت فروشنده، به مبلغ ۱۱۰ میلیون تومان طی قولنامه عادی و دستی معامله می‌شود و از بابت ثمن معامله، ریالی پول نقد پرداخت نمی‌شود و بجای آن ۴ فقره چک مدّت‌دار داده شده است. زمین مورد معامله هم تحویل نشده و در قرارداد شرط گردیده که هر کس از معامله عدول کند ۱۰ میلیون تومان به عنوان ضرر و زیان به طرف مقابل بدهد. در ضمن حقّ خیارات برای طرفین محفوظ و باقی است. فروشنده بعد از ۲ هفته از قیمت واقعی زمین خود مطّلع شده و پس از اطلاع فوراً در همان روز به خریدار اعلام غبن فاحش

کرده و معامله را فسخ می‌نماید. در مقابل خریدار نپذیرفته و مدّعی می‌شود که برای تأمین پرداخت چک‌های خود مغازه‌ای را به قیمت کمتر از واقعی فروخته که با فسخ معامله زمین دچار ضرر و زیان می‌شود و تقاضای جبران ضرر و زیان فروش مغازه خود را دارد. در صورتی که طرف مقابل او هیچ‌گونه اطّلاع و دخالتی در معامله مغازهٔ ایشان نداشته است. لطفاً بفرمایید:

الف) فسخ معامله از طرف فروشنده به علّت غبن فاحش چه حکمی دارد؟

ب) آیا خریدار می‌تواند از فروشنده ادّعای ضرر و زیان به شرح فوق داشته باشد؟

ج) آیا چک مدّت‌دار حکم مدرک دارد یا حکم مالیّت و پول؟

جواب: از قضیه شخصیّه بی‌اطّلاعیم، ولی چنانچه غبن ثابت شود و خیارات اسقاط نشده باشد خیار فسخ برای فروشنده جاری است و ادّعای خریدار که برای تهیّهٔ ثمن معامله خساراتی متحمّل شده مسؤولیّتی برای فروشنده ایجاد نمی‌کند و چک مدّت‌دار حکم حواله را دارد، نه پول نقد.

اقاله

سؤال ۴۹۲. بایع و مشتری، به دلیل پرداخت نشدن مقداری از ثمن، بیع را اقاله می‌کنند و بایع برای یک سوم ثمن، چک مدّت‌داری به مشتری تحویل می‌دهد. در فسخ‌نامه قید می‌شود که اگر چک مذکور در سررسید وصول نشود، کل مبیع بدون پرداخت هیچ وجهی متعلّق به مشتری می‌باشد.

با توجّه به مورد فوق بفرمایید:

الف) به طور کلّی، شرط ضمن اقاله چه حکمی دارد؟

ب) آیا شرط مذکور در قضیّه فوق که از اقسام نتیجه است، به تنهایی و صرف نظر از درج آن ضمن اقاله، صحیح است؟

جواب: الف و ب) شرط مزبور صحیح است هر چند بهتر است با هم به نوعی مصالحه کنند.

ج) اگر درج شرط مذکور در اقاله تأثیری نداشته باشد، آیا به طور کلّی باطل است یا در حکم شرط ابتدایی است؟

جواب: اگر شرط نتیجه را صحیح ندانیم حکم شرط باطلی را پیدا می‌کند که مبطل نیست.

انفساخ

سؤال ۴۹۳. این جانب منزلی را با خریدار قولنامه نموده، و در قولنامه شرط فسخ قرار دادیم. یعنی طرفین قبول کردیم اگر این منزل از نظر شهرداری عقب‌نشینی داشت، معامله خود به خود منفسخ شود. پس از مراجعه به شهرداری، معلوم شد که منزل عقب‌نشینی دارد. با توجّه به این که شرط فسخ محقق شده، آیا معامله شرعاً فسخ شده است؟

جواب: در صورت تحقق شرط، معامله خود به خود فسخ می‌شود.

هدیه خرید

سؤال ۴۹۴. این جانب مدیر برق و نصب ده سیلوی گندم می‌باشم که در سوریه در حال اجرا می‌باشد. حدود ده روز قبل به اتّفاق مسؤول خرید شرکت جهت مذاکره و خرید مقادیر زیادی کابل به یکی از کارخانه‌های کابل سوریه مراجعه و با مدیر بازرگانی کارخانه گفت و گو نمودیم که قرار شد پس از اعلام قیمت نسبت به خرید تصمیم‌گیری نماییم. هنگام خداحافظی از طرف کارخانه دو عدد ساک که هر کدام شامل یک عدد ماشین حساب، دو عدد سررسید، یک عدد تی‌شرت، به همراه چند خودکار و اقلامی از این قبیل به عنوان هدیه در ماشین گذاشتند. به جهت رعایت ادب تشکّر کرده از کارخانه خارج شدیم؛ امّا تاکنون از آنها استفاده نکرده‌ایم. آیا می‌توانیم از این وسائل استفادهٔ شخصی نماییم؟

جواب: چنانچه خرید از آن‌جا به نفع شرکت یا اداره باشد و فروشنده از محلّ سود خود چیزی بپردازد و چیزی به قیمت در فاکتور نیفزاید اشکالی ندارد.

تورّم

سؤال ۴۹۵. این‌جانب دانشجوی رشتهٔ مدیّریت بازرگانی می‌باشم. از آنجایی که تجربه کشورهای موفّق و پیشرفته در عرصه‌های اقتصادی جهان نشان می‌دهد که تورّم به منزلهٔ زهری مهلک بر پیکرهٔ اقتصادی جوامع امروزی مطرح است و از آن‌جا که طبق تحقیقات علمی ـ اجتماعی موجود مبنی بر این که فقر یکی از نتایج اصلی تورّم می‌باشد و ظهور چنین پدیده‌ای مشکلات عدیده‌ای را برای قشر محروم و متوسّط جامعه (از جمله ارتکاب جرم) فراهم می‌نماید، آیا تورّم برای جامعه اسلامی ما مجاز است؟ در صورت مجاز بودن در چارچوب مصالح، دلایل آن را عنوان فرمایید. و در صورت غیر مجاز دانستن، آیا وظیفهٔ شرعی مسؤولین و مردم چیست؟

جواب: بدون شک تورّم در حد نامعقول یکی از بلاهای اجتماعی است و جامعهٔ اسلامی باید با آن مبارزه کند، ولی می‌دانیم تورّم یک مسألهٔ پیچیدهٔ اقتصادی است که باید ریشه‌ای حل شود.

حق دلّال و بنگاه

سؤال ۴۹۶. این‌جانب مقداری از باغ پستهٔ خود را با آب آن به دو نفر برای مدّت ۱۰ سال و به مبلغ معیّنی اجاره دادم. در همان مجلس عقد اجاره دو فقره چک یکی به مبلغ پنج میلیون و دیگری دو میلیون تومان به عنوان دلّالی نوشتم. چک اوّل را به پسر بزرگم و دومی را به پسر کوچکم دادم. چند روز پس از عقد اجاره قرارداد فسخ شد. پسر کوچکم چک دو میلیون تومان را پس داد، ولی پسر بزرگم که ساکن تهران بود، مریض شد و به یزد آمد. وقتی از او چک را مطالبه کردم اظهار داشت چک تهران است، آن را به شما باز می‌گردانم! امّا متأسّفانه اجل مهلت نداد و از دنیا رفت. در حال حاضر از طرف خانوادهٔ او از من درخواست پنج میلیون تومان شده است. آیا شرعاً حقّ مطالبه دارند؟

جواب: هرگاه دلّال در کار خود کوتاهی نکرده باشد آنچه را گرفته حق خود اوست و اگر خریدار یا فروشنده بعداً فسخ کنند حقّ الزّحمهٔ دلّال برنمی‌گردد، زیرا او وظیفه خود را انجام داده است.

حقّ کسب و پیشه

سؤال ۴۹۷. مطالبهٔ کشت زارعانه و حقّ ریشه، که کشاورزان هنگام تخلیهٔ زمین کشاورزی از مالک مطالبه می‌کنند، از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: حقّ کسب و پیشه، ریشه شرعی ندارد؛ ولی شایسته است در مورد آن مصالحه‌ای بین مستأجر و مالک انجام شود.

سهام

سؤال ۴۹۸. پدر اینجانب در سال‌های گذشته تعدادی سهام از طریق قولنامه به شخصی فروخته، و وجه آن را دریافت نموده، و تعهّد کرده که ظرف مدّت شش ماه از طریق شرکت کارگزار مربوط سهام را به نام خریدار منتقل نماید، امّا به دلیل پاره‌ای مشکلات (از جمله عدم تعهّد به موقع شرکت مزبور و مشکلات مالی تا زمان فوت خود موفّق به انجام تعهّد خود نشد. همان طورکه مستحضرید هر سهم سالیانه درصدی سود و افزایش سهم دارد. وظیفهٔ ورّاث در برابر اصل سود و افزایش سهم و قیمت آن چیست؟

جواب: در صورتی که مورد معامله قابل تحویل نبوده معامله باطل است و اصل پول خریدار باید بازگردانده شود؛ولی چنانچه در این مدّت تورم شدید بود و فروشنده نیز از جریان مطّلع بوده باید نرخ تورّم متوسّط اجناس نیز ملاحظه و پرداخت گردد.

شرط نتیجه

سؤال ۴۹۹. معامله‌ای بین دو نفر صورت گرفته، و دو سوم قیمت مبیع پرداخت شده، و برای یک سوم باقیمانده نیز یک فقره چک به بایع تحویل گردیده است. پس از مدّتی به علّت عدم پرداخت یک سوم باقی‌مانده، طرفین اقاله نمودند که چک مذکور و یک دوم مبلغ پرداخت شده نیز به مشتری رد شده و برای یک سوم دیگر ثمن، بایع یک فقره چک وعده‌دار تحویل مشتری داده و در فسخنامه قید می‌کنند: «اگر وجه چک در موعد

مقرّر وصول نشود مبیع بدون پرداخت دینار دیگری مال مشتری سابق خواهد بود» این معامله چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد؛ هرچند شرط مذکور به صورت شرط نتیجه است.

سؤال ۵۰۰. در عقد بیعی چنین شرط شده است: «در صورت تأخیر در پرداخت هر یک از اقساط ثمن معامله، بیع خود به خود منفسخ شده و ملک به تملّک بایع درآمده و مشتری ملزم به ردّ مبیع است». لطفاً بفرمایید:

الف) آیا شرط فوق صحیح و منشأ اثر است؟

جواب: آری شرط نتیجه در این گونه موارد صحیح است.

ب) در صورت صحت شرط، آیا به محض تحقق شرط، انفساخ ایجاد می‌شود، یا حصول آن منوط به انشاء یا اعلام فسخ از ناحیه مشروط له است؟

جواب: آری فسخ حاصل می‌شود، ولی بهتر آن است که صیغهٔ فسخ را نیز بخوانند.

ج) در صورت صحّت و تحقّق شرط، آیا عقد از زمان وقوع آن منحل می‌شود، یا از لحظهٔ حصول انفساخ؟

جواب: از لحظهٔ انفساخ منحل می‌شود، نه از لحظهٔ وقوع عقد.

د) در این صورت حکم منافع و نمائات حاصله چیست؟

جواب: نمائات از زمان انفساخ به بعد به مالک می‌رسد.

ه) بر فرض فساد چنین شرطی، آیا تأثیری در صحت عقد دارد؟

جواب: شرط فاسد موجب فساد عقد نمی‌شود.

واقولی

سؤال ۵۰۱. هرگاه در قراردادی این جمله آمده باشد: «چنانچه هر یک از طرفین معامله قصد بازگشت داشته باشد، باید فلان مبلغ به طرف مقابل بپردازد» لطفاً بفرمایید:

الف) این جمله دلالت بر خیار شرط مشروط دارد؟

جواب: آری این جمله به معنی خیار شرط است، مشروط به پرداختن مبلغ ذکر شده.

ب) در صورتی که این خیار شرط دارای مبنای زمانی نباشد، معامله فاسد تلقّی می‌گردد؟

جواب: در صورتی که زمان متعارفی داشته باشد مانعی ندارد. در غیر این صورت، شرط فاسد است ولی معامله فاسد نیست.

ج) آیا این شرط پرداخت مبلغ، مشروع است؟

جواب: اشکالی ندارد.

متفرقه

سؤال ۵۰۲. فردی در سال ۱۳۴۱ منزل مسکونی خود را با سند عادی به فردی فروخته و پس از ۳ سال منزل فوق را به فرد سومی واگذار می‌کند و فرد سوم پس از سی سال اقامت در همان منزل، آن را به فرد چهارم واگذار می‌نماید و خریدار اخیر الذکر اقدام به احداث بنای جدید و نوسازی می‌نماید. پس از طی شدن چهل سال از زمان معامله بدوی و فوت فروشنده اول و فرزندانش، نوادگان او با بدست آوردن سند رسمی بنام پدربزرگشان مبادرت به انتقال سند رسمی به نام خود نموده و پس از آن تقاضای خلع ید از ملک فوق را می‌نمایند، در حالی که خریدار اول نیز فوت کرده و وراثی ندارد و قولنامه‌ای از ایشان مبنی بر خرید ملک فوق از فروشنده اوّلی بدست نیامده است ولی تعداد قابل توجّهی شهود وجود دارد، تکلیف چیست؟

جواب: هرگاه شهود واجد شرایط، شهادت بر واگذاری ملک مزبور دهند، پذیرفته می‌شود.

سؤال ۵۰۳. صادرات انواع کشمش از ایران به کشورهای خارجی از چهل سال گذشته رایج بوده است. با عنایت به ظنّ قوی مبنی بر تولید مشروبات الکلی با کشمش‌های صادراتی در خارج از کشور، فعالیّت‌های تجاری ما چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه یقین قطعی نداشته باشید کشمشی که شما می‌فرستید در چه مصارفی صرف می‌شود مانعی ندارد.

سؤال ۵۰۴. با دو نفر به منظور ساخت و واگذاری دو واحد آپارتمان در تهران در طول یک سال قرارداد منعقد کردم. چون کشور در وضعیّت جنگ قرار داشت و احتمال حملهٔ هوایی به تهران بود، خواستار شرطی در قرارداد به شرح زیر شدم:

«چنانچه فروشنده به موقع تا تاریخ ۱۳۶۷/۹/۱۹ ساختمان را تکمیل نکند و به اتمام نرساند و موجبات تفکیک و انتقال قطعی آن را فراهم ننماید متعهد است علاوه بر ردّ کلیّهٔ مبلغ بیعانه دریافتی، معادل آن را به عنوان غرامت به خریدار بپردازد و علاوه بر آن به ازای هر روز تأخیر هم مبلغ ده هزار ریال به عنوان خسارت به خریدار بپردازد».

متأسّفانه در زمان ساخت، حملات هوایی تهران را هم دربرگرفت و در پی فرار مردم از تهران و تعطیلی کارهای ساختمانی کسی قادر به ساختمان‌سازی نبود. لذا تاریخ پایان قراردادمان فرا رسید و با خریداران جلسه‌ای گذاشتم و خواستار شرط نسبت به قراردادمان شدم. لیکن خریداران به شرط قرارداد راضی نشدند و خواستار آپارتمان بدون شرط شدند. و اینجانب به دلیل جنگ و بمباران تهران و گرانی مصالح ساختمانی که خارج از ارادهٔ من بود و نمی‌توانستم ساختمان را در زمان قرارداد به اتمام برسانم، تنها خود را متعهّد به پرداخت خسارات طبق قرارداد می‌دانم. حکم شرعی چه می‌باشد؟

جواب: با توجّه به وضع فوق‌العاده‌ای که بر اثر جنگ پیش آمده، قرارداد مزبور عملاً باطل شده و باید بیعانه آنها به آنها بازگردد. و اگر می‌خواهند مصالحه‌ای در غرامت کنند، با توافق طرفین مانعی ندارد.

سؤال ۵۰۵. ماهیّت قرارداد زیر چیست؟ «اینجانب تعهّد می‌کنم که $\frac{1}{4}$ از برق و تلفن و موتور برق متعلّق به فلان کس باشد و در موقع فروش باغ نیز یک چهارم مال او می‌باشد». آیا لازم الاجرا است؟

جواب: متن مذکور یا حکایت از انجام بیعی می‌کند و یا نوعی اقرار است. و در هر دو صورت، دلیل بر ملکیّت می‌باشد و لازم الاجرا است.

سؤال ۵۰۶. لطفاً به سؤالات زیر جواب دهید:

الف) هرگاه بایع بعد از وقوع معامله مفلس شود و ثابت گردد که در آن معامله مغبون شده، آیا می‌تواند با اعمال خیار غبن مبیع را به ملک خود برگرداند؟

جواب: بایع، خواه مفلس باشد یا غیر مفلس، هرگاه مغبون شده باشد و خیار غبن را ساقط نکرده باشد می‌تواند معامله را فسخ کند.

ب) در صورت استرداد مبیع، آیا حقّ تصرّف در آن را دارد، یا ملک تعلّق به طلبکاران دارد؟

جواب: مادام که حاکم شرع او را در اموالش ممنوع التّصرف نکرده باشد می‌تواند در آن تصرّف کند.

ج) اقرار مفلس به دینی در ذمّه‌اش، یا نسبت به مالی معیّن، نافذ است؟

جواب: در صورتی که به حکم حاکم شرع محجور نشده، اقرارش نافذ است.

د) آیا بدهی مدّت‌دار مفلس، پس از افلاس نقد می‌شود؟

جواب: احتیاط آن است که تمام دیون مفلس (اعم از معجّل و مؤجل) به هنگام افلاس نقد می‌شود، اموال او باید صرف پرداخت تمام بدهی‌هایش گردد.

فصل پانزدهم: احکام شرکت

سؤال ۵۰۷. دو نفر در زمین زراعتی مشترک بوده، و به صورت مشاع از آن بهره می‌بردند، امّا یکی از این دو شریک برای مدّتی سهم خود را در اختیار شریک دیگر قرار می‌دهد، و او در تمام این مدّت بر اساس توافق صورت گرفته روی زمین کار کرده، و پس از دریافت حقّ الزّحمه خود، مابقی را به شریک می‌پرداخته، و در مدّتی که زمین در تصرّف او بوده چندین نهال نیز غرس نموده است.

اکنون که شریکش زمینش را تحویل گرفته، شخص مذکور نسبت به درخت‌هایی که در غیاب شریکش، کاشته ادّعای مالکیت نموده، و مدّعی است که چون نهال‌ها را وی کاشته، درخت‌ها مال اوست و شریکش سهمی ندارد امّا شریکش با این استدلال که چون نهال‌ها در زمین مشترک قرار گرفته، و از آب مشترک آبیاری شده و رشد یافته، پس من هم در درخت سهیم هستم. علاوه بر آن، تعدادی از این نهال‌ها به صورت خودرو و در لابلای درختان روییده و شخص فوق در روییدن آنها نقشی نداشته است، و تعدادی دیگر را مالک زمین پس از قطع درختانی که شریکش کاشته بوده، خود غرس کرده است. لطفاً بفرمایید: چه کسی مالک درختان مذکور است؟

جواب: نهال‌های خودرو متعلّق به هر دو شریک است. و آنچه را آن شریک کاشته متعلّق به خود اوست؛ ولی باید مال الاجاره سهم زمین رفیقش را بدهد و اگر رفیقش ناراضی باشد می‌تواند از او بخواهد که درخت‌ها را بکند.

سؤال ۵۰۸. اینجانب در سال ۱۳۶۵ یکی از کارمندان شرکت خود را، که در امر عمران فعّالیّت داشته و دارد، بدون این که سرمایه‌ای بیاورد در شرکت شریک نمودم. و چون طرح‌های عمرانی برای خرید ماشین و وسایل و تجهیزات و مصالح احتیاج به سرمایه

دارد، ضمن قراردادی مقرّر گردید هر یک از شرکا که به شرکت وام بدهد یا وام دریافت دارد سالانه معادل بهرهٔ بانکی سود دریافت کند. با توجّه به این که در این مدّت، طبق آمار بانک مرکزی، تورّم کالا و خدمات به ۱۵/۸۹ برابر رسیده، و قیمت ماشین آلات که از محلّ همین وام‌ها خریداری شده، یا از محلّ فروش ماشین اینجانب تأمین گردیده، ۴۰ برابر شده و بهای ملک حدود ۲۵ برابر ترقی داشته، و بهرهٔ بانکی بین ۱۲ تا ۲۵ درصد در سال بوده، آیا مطالبهٔ این بهره جایز است؟

جواب: باید به قراردادی که دارید توجّه کنید؛ چنانچه وجوه مزبور به عنوان شرکت در سرمایه‌گزاری بوده، در سود شریک هستید، و اگر به عنوان وام بوده، شریک در سود نیستید. و اگر مبهم بوده، در این صورت نیز در سود شریک هستید.

سؤال ۵۰۹. حدود ده نفر در یک حلقهٔ چاه و موتور مربوط به آن شریک هستند. همهٔ شرکا توافق کرده‌اند موتور گازوئیل‌سوز آب‌کش را برقی کنند (چون برقی کردن به صرفه است) ولی یک نفر از شرکا راضی به این امر نمی‌شود. آیا بقیّهٔ افرادی که قصد برقی کردن موتو را دارند. می‌توانند با مراجعه به حاکم آن شریک مخالف را الزام به قبول نمایند؟

جواب: هرگاه وضع فعلی باعث ضرر و زیان قابل ملاحظه‌ای برای دیگران شود حاکم حق دارد او را الزام به این کار کند.

سؤال ۵۱۰. استفادهٔ یکی از شرکا از مالی که بین او و دیگران مشاع است، بدون اجازه بقیّهٔ شرکا چه حکمی دارد؟ در صورت عدم جواز، کدام یک از عناوین حرام بر آن بار می‌شود؟

جواب: تصرّف هر یک از شرکا در مال مشاع بدون جلب رضایت تمام شرکا جایز نیست.

سؤال ۵۱۱. شخصی باغی را به مبلغی خریداری نموده است؛ امّا از آنجا که خود در شهر اشتغال به تحصیل داشته این باغ و املاک پدری سهم خود را به برادر بزرگ به

صورت امانت می‌سپارد. برادر بزرگ مبلغ بسیار کمی (دو هزار تومان) به فروشندهٔ باغ مذکور به عنوان کمک به برادر می‌دهد. حال پس از گذشتن چه سال از این قضیّه، ادّعا می‌کند پولی که دادم قصد شرکت در این معامله را داشتم. حکم شرع چیست؟

جواب: هرگاه در ابتدا نگفته این پول به عنوان شرکت است و ظاهر آن وام بوده، شرکت محسوب نمی‌شود.

فصل شانزدهم: احکام صلح

سؤال ۵۱۲. آیا می‌توان اموالی را (اعمّ از نقدی و غیر نقدی) به شخص دیگری با صیغهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ مصالحه نمود، و وجه المصالحه را گرفته، و سپس با آن شخص شرط کرد که اموال مصالحه شده را وقف نماید و دیون شخص مصالحه کننده را بپردازد؟

جواب: می‌توان در ضمن عقد مصالحه چنین شرطی را مطرح کرد.

سؤال ۵۱۳. آیا پس از قبض و اقباض نمودن وجه المصالحه می‌توان مصالحه را فسخ یا دخل و تصرّفی در اموال مصالحه شده کرد؟

جواب: پس از قبض و اقباض وجه المصالحه، فسخ آن جایز نیست، مگر با رضایت طرف مقابل.

سؤال ۵۱۴. آیا شخصی که اموال با او مصالحه شده می‌تواند بگوید: اموال مصالحه کننده جزء اموال شخصی بنده شده، و شخص مصالحه کننده هیچ گونه حق و حقوقی نسبت به اموال مصالحه شدهٔ خود ندارد؟

جواب: اگر مصالحه با عوض بوده ملک متصالح شده است.

سؤال ۵۱۵. اگر مصالحه کننده یا واقف از نظر شارع مقدس حق فسخ مصالحه یا وقف را داشته باشد و فوت نماید حقّ فسخ مصالحه یا وقف جزء حقوق ورثه میّت می‌باشد؟

جواب: در صورتی که خیار فسخ برای مصالحه قرار داده باشند منتقل به ورثه‌اش می‌شود.

فصل هفدهم: احکام مضاربه

سؤال ۵۱۶. توافق شد آقای الف فلان مبلغ به آقای ج بدهد تا با آن تجارت نموده و از سود حاصله ماهیانه فلان مقدار به صورت علی الحساب به آقای الف بپردازد و در پایان مدّت (یک سال) سود کلّ پول محاسبه و چنانچه سودهای علی الحساب پرداختی بیشتر بود، ما به التفاوت را بازپس بگیرد، و چنانچه کمتر بوده به صاحب پول بپردازد، یا با هم مصالحه کنند و در ضمن آقای ج ضرر اصل پول را تبرّعاً قبول کرد».

آیا مضاربه‌ای که به شکل فوق انجام شده صحیح است؟

جواب: در صورتی که تبرّع قبول ضرر جزء قرارداد نباشد، و فقط یک تعهّد اخلاقی نه الزامی محسوب شود اشکالی ندارد.

سؤال ۵۱۷. مشهور فقها فرموده‌اند: «یکی از شرایط مضاربه تجارت است» حال اگر مواد اوّلیّه مثل نخ را خریداری کرده، تبدیل به جوراب کند و بفروشد، آیا مضاربه صدق می‌کند؟

جواب: آری صدق می‌کند ومضاربه از نظر ما اعمّ از تجارت و تولید و خدمات است.

سؤال ۵۱۸. شخصی مبلغی به طور مضاربه به واسطه این جانب به کارفرمایی (کاسب) داده، که ماهیانه سود آن را دریافت نماید، در ضمن اینجانب قبول کردم که معادل سودی که آن شخص باید در هر نوبت ماهیانه دریافت کند به او چک بدهم و صاحب کار سود را به حساب بنده واریز نماید. اینک کارفرما ورشکست شده، و فراری می‌باشد، و دیگر پولی به حساب بنده واریز نمی‌کند. آیا شخصی که چک بنده را در دست دارد

شرعاً می‌تواند از حساب من برداشت کند؟ آیا من که جز واسطهٔ رساندن سود مضاربه نبوده‌ام، بدهکار هستم؟

جواب: چنانچه عامل ورشکست شده و دیگر معامله سودآوری انجام نمی‌شود، صاحب پول حق درخواست سود ندارد.

سؤال ۵۱۹. آیا عامل صرفاً ضامن تلف شدن اصل سرمایه است، یا علاوه بر آن ضامن بدهی‌های حاصله و خسارات واردهٔ ناشی از اتلاف اصل سرمایه نیز می‌باشد؟

توضیح این که شخص «الف» طیّ عقد مضاربه یک میلیون تومان به شخص «ب» تحویل می‌دهد و شخص «ب» بدون تعدّی و تفریط اصل سرمایه را تلف کرده، و مبلغ دو میلیون تومان نیز بدهکار می‌شود، و به سرمایه‌گذار مراجعه نموده و خواستار پرداخت بدهی از سوی وی به علّت عدم تعدّدی و تفریط می‌گردد. سرمایه‌گذار علی‌رغم این که عدم تعدّدی و تفریط را قبول دارد، مجوّز شرعی پرداخت بدهی را طلب می‌نماید. حکم شرعی چیست؟

جواب: شخص عامل در صورت عدم تعدّی ضامن خسارت‌های سرمایه نیست، امّا بدهی‌های دیگر را خودش باید بپردازد.

سؤال ۵۲۰. آیا در مضاربه عامل می‌تواند با اجازهٔ مالک، با عامل دوّم قرارداد ببندد؟ خواه به این صورت که خودش را وکیل مالک قرار دهد، یا خودش را عامل مالک قرار داده و با عامل دوم قرارداد منعقد نماید؟ در ضمن قرارداد دوم فقط به نفع عامل اوّل است؟

جواب: در صورتی که مالک اصلی چنین اجازه‌ای داده باشد مضاربه دوم صحیح است؛ ولی عامل اوّل نمی‌تواند سودی از این معامله دریافت دارد، مگر این که کاری انجام داده باشد و مبلغ اضافی را در مقابل آن قرار دهد.

فصل هجدهم: احکام اجاره

سؤال ۵۲۱. اجاره دادن منزل یا مغازه به کسی که یقین داریم کسب و کارش حرام است چه صورت دارد؟ دریافت اجاره از وی چگونه است؟

جواب: این اجاره جایز نیست و مال الاجاره حرام است.

سؤال ۵۲۲. چند نفر قصد زیارت کربلا داشتیم. یک نفر راهنما از هر نفر دویست و پنج هزار تومان گرفت و ضمانت کرد و گفت: «شما را تا کربلا می‌رسانم و هر خسارتی بر شما وارد شد بر عهده مـی‌گیرم» ولی در بـین راه هـمکارانش عـلاوه بـر آن مـبلغ، از هـر نـفر دویست و چهل هزار تومان گرفتند. آیا می‌توانیم مبلغ اضافی را از آن شخص بگیریم؟

جواب: اگر اوّلی و شرکای او چیزی اضافه بگیرند می‌توانید بازپس بگـیرید؛ ولی اگر اوّلی شما را رها کرده و شخص دیگری گفت: «شما را با فلان مبلغ بـه مقصد می‌رسانم» شما می‌توانید به آن نسبت که اوّلی کم گذاشـته از پـول خـود بازپس بگیرید.

سؤال ۵۲۳. شخصی مغازه و گاراژ خود را به مدّت سه سال طی اجاره‌نامه عادّی به فرد یا افرادی اجاره داده، و در بند چهارم شرایط اجاره‌نامه قید شده که بعد از انقضای مدّت اجاره، یا در صورت فسخ، اجرة المثل همان اجرة المسمّی باشد. آیا این توافـق از نـظر شرعی صحیح است؟

جواب: این توافق اشکال ندارد، و باید مطابق آن عمل شود.

سؤال ۵۲۴. اجاره دادن خانه به کسی که معاملهٔ مواد مخدّر می‌کند، و گرفتن اجرت اجاره از او چه حکمی دارد؟ با پول گرفته شده چه کنم؟

جواب: هر دو اشکال دارد و نسبت به پولی که گرفته، احتیاط آن است که آن را از طرف صاحبان اصلی به فقرا صدقه دهد.

سؤال ۵۲۵. یک قطعه زمین موات از طریق سازمان امور اراضی به شرط عدم انتقال به غیر، جهت عمران و آبادی به اینجانب جانباز ۵۰٪ واگذار شد. پس از تهیّهٔ آب، به علّت جانبازی و معلولیّت به ناچار زمین مذکور را به برادر همسرم جهت درختکاری اجاره دادم تا کلیهٔ هزینه‌ها را پرداخت نماید. و بعد از پنج سال درآمد باغ به طور مساوی پس از کسر هزینه‌ها تقسیم گردد. پس از دو سال از تاریخ قرارداد و در حالی که وی فقط یک سال روی زمین کار کرده بود، در یک سانحه رانندگی فوت کرد. اکنون ورثه آن مرحوم مدّعی عرصه و اعیان باغ هستند. بخاطر خویشاوندی، و با وساطت خیراندیشان، طبق نظر کارشناس تقریباً نصف از باغ و باقیماندهٔ زمین و چاه آب به شرط پرداخت هفده میلیون ریال سهم هزینه‌ها، برای ورثهٔ آن مرحوم در نظر گرفته شد. با توجّه به آن که مستأجر سه سال قبل از پایان مدّت اجاره فوت نموده، و در اجاره‌نامه فقط از تقسیم درآمدها بطور صریح سخن گفته شده، و ورثهٔ مستأجر تاکنون هزینه‌های انجام شده در سهم خود را پرداخت نکرده‌اند، آیا ورثهٔ آن مرحوم شرعاً حقّی نسبت به عرصه و اعیان دارند؟ زحمات یک سالهٔ آن مرحوم به چه نحوی باید جبران گردد؟

جواب: اجاره با موت مستأجر باطل نمی‌شود و اگر ورثه طبق قرارداد ادامه دهند حق خود را طبق قرارداد می‌برند و اگر قرارداد جدیدی جانشین آن شده باید مطابق آن عمل شود. و اگر به تعهداتشان عمل نکنند به همان نسبت که عمل کرده‌اند در منافع حق دارند و در هر حال زمین متعلّق به موجر است، مگر این که قرارداد واگذاری داشته باشند.

سؤال ۵۲۶. فردی یک دستگاه آپارتمان به دیگری اجاره داده، و به وی گفته: «حقّ اجاره به غیر را دارد و مجاز است مبلغ یک میلیون تومان به عنوان قرض الحسنه (پول پیش) دریافت نماید». مستأجر، این آپارتمان‌ها را به افراد متعدّدی اجاره داده، و در مواردی یک میلیون تومان و در برخی از موارد نیز دو یا سه میلیون تومان به عنوان قرض الحسنه و مبالغی نیز اجاره‌بها می‌گیرد. اکنون مستأجر اوّل متواری است و مستأجرین دوم که مستأجرِ وکیل مالک (مستأجر اوّل) می‌باشند، باید با مالک اصلی روبه‌رو شوند، در این رابطه به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) آیا مالک اصلی می‌تواند قرارداد خود را با مستأجر اوّل فسخ نموده، و از ابتدای تاریخ قرارداد خود با مستأجر اوّل، از مستأجرین بعدی اجاره مطالبه نماید؟

ب) آیا مالک اصلی باید فقط یک میلیون تومان، که به مستأجر اوّلی اذن داده، به مستأجرین بعدی پرداخت نماید، یا لازم است تمام مبالغی را که مستأجر اوّل (وکیل ایشان) از سایر مستأجرین گرفته به مستأجرین بعدی بپردازد؟

جواب: اوّلاً وکیل باید مطابق آنچه موکّل به او وکالت داده عمل کند و غیر آن باطل است.

ثانیاً: هیچ کس نمی‌تواند چیزی را که اجاره کرده به مبلغی بیش از آن اجاره دهد؛ مگر آن که وسایلی در آن ملک از طرف خودش قرار داده باشد که مازاد در مقابل آن خواهد بود.

و ثالثاً: مالک اصلی در مقابل تخلّفات وکیل ضامن نیست و تنها در مقابل چیزی که طبق وکالت گرفته ضامن است، مگر این که تدلیس صورت گرفته باشد.

سؤال ۵۲۷. لطفاً به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

۱. اگر مستأجر در ضمن عقد اجاره (مثلاً یک ساله) شرط کند که پس از پایان مدّت اجاره، موجر مبلغ اجاره را افزایش ندهد، و حقّ اخراج او را نداشته باشد، و هر ساله آن محل را به مبلغ مذکور به وی اجاره دهد؛ بفرمایید:

الف) آیا این شرط صحیح است؟ یا چون مطابق این شرط، مستأجر پس از پایان مدّت اجاره در هر سال، می‌تواند موجر را ملزم به ایجاب برای سال بعد کند و معلوم نیست مستأجر تا چند بار می‌خواهد مالک را ملزم به این کار کند، شرط مذکور به نوعی مجهول و فاسد است؟

ب) در صورت فاسد بودن، آیا مفسد عقد نیز می‌باشد؟

ج) در صورت صحیح بودن شرط، آیا با توجّه به نرخ بالای تورّم و سقوط قابل توجّه ارزش پول، خصوصاً پس از گذشت سال‌های متمادی؛ آیا مالک می‌تواند در قرارداهای بعدی به میزان تورّم، بر اجاره بیافزاید، یا این که شرط مذکور مانع است؟

د) در صورت فاسد بودن شرط و عدم مفسد بودن آن، راهی برای جبران خسارت مستأجر که مبلغ قابل توجّهی را به دلیل وجود این شرط در عقد قرارداد پرداخت کرده و بعد از اتمام قرارداد اوّلیّه به فاسد بودن آن پی برده، وجود دارد؟

جواب: شرط مزبور ظاهراً صحیح است، ولی اگر شدّت تورم به حدی باشد که موجر مغبون گردد می‌تواند از خیار غبن استفاده کند.

۲. آیا در عقد اجارهٔ اوّلیه می‌توان شرط کرد که پس از پایان اجاره، مالک در اجاره‌های بعدی این محل با این مستأجر، حق افزایش مبلغ اجاره را بیش از مقدار تورم نداشته باشد و مادامی که مستأجر، طالب اجارهٔ این محل است، مالک حق ندارد آن محل را به کس دیگری اجاره دهد؟

جواب: چنین شرطی مانعی ندارد.

سؤال ۵۲۸. چنانچه مستأجر قبل از اتمام مدّت اجاره، ملک مورد اجاره را تخلیه کند، آیا نسبت به مدّت باقیمانده قرارداد ضامن مال الاجاره می‌باشد؟

جواب: هرگاه قرارداد برای مدّت خاصّی بسته شده، باید مال الاجاره آن را بدهد خواه بماند یا نماند؛ مگر این که مالک آن را به دیگری اجاره بدهد.

سؤال ۵۲۹. در تاریخ ۸۴/۳/۹ منزلی را از شخصی اجاره کردم. صاحبخانه پشت قرارداد با خطّ و امضای خود نوشت: «واحد مذکور در ظهر ورقه تا پایان قرارداد مستأجر فعلی (۸۵/۲/۱) در اختیار ایشان، و از تاریخ مزبور تا مدّت چهار سال در اختیار مستأجر جدید خواهد بود». نظر حضرتعالی در مورد چنین قراردادی با توجّه به توضیحات فوق چیست؟ آیا قبض و اقباض در اجاره شرط است؟

جواب: این اجاره نسبت به مستأجر دوم خالی از اشکال نیست، مگر این که مال‌الاجاره را نقداً بپردازد.

سؤال ۵۳۰. خانمی خانه‌ای اجاره کرده که مجرّدی زندگی کند، ولی در این بین ازدواج موقّت می‌کند. آیا رفت و آمد و خوابیدن این مرد بدون اطّلاع صاحب خانه مشکل ایجاد نمی‌کند؟

جواب: آری اشکال دارد.

سؤال ۵۳۱. شخصی مکانی را در یکی از شهرهای دورافتاده به مبلغ بسیار زیاد به‌خاطر آموزشگاه راهنمایی و رانندگی اجاره کرد. در عقد اجاره موجر تعهّد کرده مجوّز را تهیّه و به مستأجر جهت انجام کار می‌دهم. امّا نتوانست مجوّز را در اختیار مستأجر قرار دهد و مستأجر کتباً و شفاهاً اعلام نمود در صورت عدم وجود مجوّز راهنمایی و رانندگی تقاضای فسخ عقد اجاره را دارم که موجر امروز و فردا کرده و مدت زیادی هم طول کشیده و بالاخره قبل از یک سال مکان به موجر برگردانده شده و مستأجر با توجّه به هزینه‌هایی که انجام داده متحمل ضرر و زیان گردیده است. با توجّه به وضعیت فوق، آیا موجر مستحقّ مال الاجاره است؟

جواب: از زمانی که مستأجر اعلان فسخ کرده اجاره باطل شده و اجاره‌یی از آن زمان به بعد تعلّق نمی‌گیرد، مگر این که مستأجر محل را تحویل نداده باشد که در آن صورت باید اجرت المثل بدهد.

سؤال ۵۳۲. شخص کامیون‌داری می‌گوید: با شخصی که در میدان میوه و تره بار کار می‌کند رفاقت دارم. روزی این شخص میوه فروش گفت: یک کامیون هندوانه را از قم به کرمان به مبلغ دویست هزار تومان ببر. من هم قبول کردم و مبلغ دویست هزار تومان بایت کرایه گرفتم و بار را به مقصد کرمان انتقال دادم. امّا به جهت رفاقتی که با این شخص داشتم، شرم کردم به ایشان بگویم اگر بار شما زیادتر از حدّ معمول بود، من کرایهٔ اضافه می‌گیرم. هنگامی که بار را به مقصد رسانده و تحویل دادم معلوم شد ۵۰۰ کیلو سنگین‌تر از حدّ معمول است که کرایهٔ ۵۰۰ کیلو معادل ده هزار تومان می‌شد. برای گرفتن حقّم حیله‌ای به کار بردم و گفتم بار اضافه بوده و پلیس راه مرا ده هزار تومان جریمه کرده و با این حیله کرایهٔ اضافه بار را از او گرفتم. پول اضافی چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه کرایهٔ آن مقدار اضافه وزن، معادل همان مبلغی که گرفته بوده این مبلغ برای وی حلال است؛ ولی نباید متوسّل به دروغ می‌شد، بلکه باید حقیقت را می‌گفت.

سؤال ۵۳۳. در تاریخ ۸۳/۵/۵ قراردادی کاری به مدّت ۷ ماه فی مابین آقایان محمّد

و عبدالله منعقد گردید که در قبال فعالیّت‌های آقای محمّد در تجارتخانهٔ و انبار متعلّق به آقای عبدالله، از درآمد خالص سالیانه ۱۰ درصد به آقای محمّد تعلّق یابد (در قرارداد توضیح داده شده که در صورت تمایل همکاری ادامه خواهد داشت) که در ۷ ماه باقیمانده از سال ۸۳ بر همین منوال عمل شد. در آغاز سال ۸۴ آقای محمّد دعوت به کار شد و قرارداد قبلی بدون تمدید مشمول سال ۸۴ گردید و نیز در آغاز سال ۸۵ مجدّداً آقای محمّد دعوت به کار شد و در طول سال هیچ اشاره‌ای کتبی یا شفاهی نسبت به تمدید قرارداد نگردید. آیا از نظر شرعی و عرفی قرارداد منعقد اوّلیّه شامل تعیین حق‌السهم سال ۸۵ نیز می‌باشد؟

جواب: با توجّه به این که طرفین راضی به ادامه کار شده‌اند و سخنی از اجرت جدید نشده، معیار همان اجرت سابق است.

سؤال ۵۳۴. شخصی ده ساعت از آب چاه عمیقی را یک ساله اجاره داده است. مالکین بعد از شش ماه، چاه دیگری با عمق بیشتر کنار آن چاه حفر کرده و دستگاه موتور و پمپ را از چاه اوّل برداشته و روی چاه دوّم گذاشته‌اند. اکنون از چاه دوّم دو برابر چاه قبل آب خارج می‌شود. آیا مستأجر در شش ماه دوّم که از آب بیشتری استفاده کرده، باید اجاره بیشتری بدهد؟

جواب: در صورتی که این کار با توافق مستأجر صورت گرفته، باید به نسبت افزایش آب، مال الاجاره نیز افزایش یابد.

سؤال ۵۳۵. برنامه‌ای تبلیغاتی به سیما داده می‌شود تا در شب مشخّصی پخش نمایند. مسؤولین محترم ذیربط اسمی از پرداخت پول برای این کار نمی‌برند و متعارف این عمل هم در ذهن برادران متقاضی چنین بوده که چون کار، کار قرآنی است حتماً رایگان خواهد بود. ولی بعد از اتمام برنامه، عزیزان سیما مطالبه وجه می‌نمایند. آیا دینی بر ذمّه متقاضیان مستقر است؟

جواب: برنامه‌های تبلیغاتی معمولاً اجرت دارد، خواه صحبتی دربارهٔ آن باشد، یا نشده باشد. و خواه در ذهن متقاضیان، مجّانی بودن باشد، یا نباشد. بنابراین،

شما مدیون اجرت تبلیغات هستید. ولی سزاوار است مسؤولین صدا و سیما تا آنجا که امکان دارد در این گونه مسائل قرآنی و فرهنگی ارفاق کنند.

سرقفلی

سؤال ۵۳۶. نظر به این که در عرف بازار معمول شده که سرقفلی مغازه‌های پاساژ و مانند آن را پس از اخذ پروانهٔ تجاری، و مشخّص شدن نقشه هر مغازه، و میزان و متراژ آن، یا در حال اسکلت‌بندی و سفت‌کاری طبق نظر کارشناس یا توافق به فروش می‌رسانند، و چون تحویل مغازه نیاز به انجام تزئینات و تکمیل کامل پاساژ دارد برای مدّتی از زمان فروش به تأخیر می‌افتد، و یا حتّی بعد از انعقاد عقد اجاره مدّت منقضی می‌شود، در حالی که امتیاز تجاری مادام العمر متعلّق به مستأجر است و عقد اجاره بین مالک و خریدار سرقفلی با مال الاجاره توافقی یا طبق نظر کارشناس در زمان تحویل منعقد می‌شود، با وجود اصل لزوم و صحّت قراردادها و بازار و عرف مسلمین، بعضی از مؤمنین در فروش یا مصالحه سرقفلی بدون انعقاد عقد اجاره در زمان فروش شبهه کرده‌اند. خواهشمند است بفرمایید:

الف) آیا فروش سرقفلی بدون وجود عقد اجاره و مستقل از آن جایز است؟

جواب: خرید و فروش سرقفلی منهای عقد اجاره اشکال ندارد.

ب) نظر به مشخّص بودن متراژ و میزان و نقشه و موقعیّت محل و نوع مصالح و وضعیّت ساخت زیر نظر مهندس ناظر و طبق پروانه شهرداری، آیا پیش‌فروش سرقفلی هر مغازه یا مصالحه آن قبل از احداث بنا و تکمیل ساختمان جایز است؟

جواب: پیش فروش سرقفلی مغازه در صورتی که ابهامات از ملک مورد نظر برطرف گردد اشکال ندارد.

فصل نوزدهم: احکام مزارعه

سؤال ۵۳۷. قریب به سی سال قرارداد مزارعه‌ای به شرح ذیل بین مالکین و زارعین مورد اجرا است:

الف) زمین و آب و چاه و موتور و کود و سمپاشی و بذر و سایر هزینه‌های جانبی کلاً با مالکین.

ب) نیروی کار و شخم و کاشت و داشت با زارعین.

ج) هزینه برداشت بالاشتراک بین زارعین و مالکین به تناسب یک سهم برای زارعین و دو سهم برای مالکین.

د) هزینه‌های مازاد داشت بصورت مشترک و مساوی بین مالکین و زارعین.

هـ) محصول به سه سهم یک سهم برای زارعین و دو سهم برای مالکین، تقسیم می‌گردد، که تاکنون اختلافی نداشته‌اند.

سؤال این است که: آیا زارعین بعد از سی سال عمل به این قرارداد، در صورت فسخ، از ملک مورد زراعت سهم یا حقّی پیدا می‌کنند؟ اگر حقّی دارند به چه میزان می‌باشد؟

جواب: این مطلب تابع عرف محلّ است. اگر در عرف محل حقّی برای زارعین قائل هستند باید مطابق آن عمل شود و اگر حقّی قائل نیستند حقّی ندارند.

سؤال ۵۳۸. همان‌گونه که مستحضرید بر اساس مادّه یک قانون توزیع عادلانهٔ آب مصوّب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ مجلس شورای اسلامی، آب‌های جاری در رودها از مشترکات بوده و در اختیار حکومت اسلامی است. با توجّه به مادّهٔ مذکور به سؤال زیر پاسخ دهید:

زارعین در طول دو سه نسل برروی زمین کشاورزی زراعت می‌کنند. عملاً از نظر عرفی دارای حق ارتفاق (حقّ نسق و حقّابه) هستند. مالک از مدّتی قبل (حدود ۳۰

سال) برای سلب این حق از زارعان، آنها را مجبور به عقد قراردادهای کوتاه مدّت (۶ ساله) کرده است. زارعان بدون آن که بدانند این قرارداد مکتوب، چه عواقبی دارد آن را امضا کرده‌اند. حال مالک ادّعا می‌کند بعد از پایان قرارداد، آنها هیچ گونه حقّی (حق نسق وحقّابه) ندارند. لطفاً بفرمایید: آیا با این حیله حقّ زارعان از بین می‌رود؟

جواب: هرگاه زارعان در آنجا عرفاً دارای چنان حقّی باشند با این‌گونه قراردادها نمی‌توان حقّ آنها را سلب کرد؛ مگر این که در قرارداد نسبت به سلب چنان حقوقی تصریح شود.

فصل بیستم: احکام حجر و بلوغ

سنّ بلوغ

سؤال ۵۳۹. مگر می‌شود دختری در سنّ بالاتر از ۹ سال مثلاً ۱۳ سالگی به سنّ بلوغ و تکلیف برسد، و قبل از آن مکلّف به تکلیف شرعی نباشد؟

جواب: مشهور در میان فقهای شیعه آن است که دختران پس از تمام شدن نه سال قمری به سنّ تکلیف می‌رسند.

سؤال ۵۴۰. معیار ممیّز بودن کودک چیست و معمولاً از چند سالگی بچّه را ممیّز می‌گویند؟

جواب: معنای تمییز در امور مختلف متفاوت است و حقیقت آن تشخیص دادن خوب و بد دربارهٔ هر موضوعی است.

سؤال ۵۴۱. اگر سنّ ۹ سالگی را برای بلوغ دختران کافی بدانیم از دو حال خارج نیست: الف) سنّ ۹ سالگی یا امارهٔ تعبّدی برای بلوغ است؛ یعنی شارع مقدّس آن را تعبّداً بلوغ دانسته است. ب) یا این که امارهٔ غیر تعبّدی (تحقیقی یا طبیعی) است.

اگر آن را امارهٔ تعبّدی بلوغ بدانیم با سه اشکال یا ایراد مواجه می‌شویم: (عدم مطابقت با آیات، روایات، واقعیّت خارجی).

۱. آنچه از آیات قرآن (۵۸ و ۵۹ سورهٔ نور، ۶ سورهٔ نساء، ۱۵۲ سورهٔ انعام، ۵ سورهٔ حج و ۶۷ سورهٔ غافر) استفاده می‌شود این است که در هیچ کدام از آنها سن به عنوان بلوغ ذکر نشده، و ملاک بلوغ را رسیدن به حدّ نکاح و حلم و رشد قرار داده است و هر کدام از این عناوین سه‌گانه در آیات مذکور و مانند آن، با یکدیگر متلازم می‌باشند، بدیهی است که تحقّق این عناوین برای انسان، عناوین واقعی و نفس الامری می‌باشد و به هیچ وجه جنبهٔ تعبّدی ندارد.

۲. روایاتی که دربارهٔ بلوغ وارد شده مختلف و بسیارند:

ـ بعضی روایات ملاک بلوغ را رسیدن به حدّ احتلام و رشد دانسته و بـه هـیچ وجـه میزان سنّی برای آن در نظر گرفته نشده است. مانند صحیحهٔ هشام[۱] و صحیحهٔ علیّ بن جعفر علیه‌السلام.[۲]

ـ در بعضی از روایات بلوغ سنّی ذکر شده که متفاوت می‌باشند، از جمله: اوّل: موثّقهٔ عبدالله بن سنان[۳] که در این حدیث سنّ بلوغ برای پسران ۱۳ سال و دختران ۹ سال ذکر شده، امّا ۹ سالگی را مناط بلوغ قرار نـداده، بـلکه حـیض را عـلّت تـحقّق بـلوغ در سـن ۹سالگی دانسته و بدیهی است که در این صورت ملاک بلوغ جنسی و طبیعی دختران است، که حیض کاشف از آن است.

دوم: موثّقهٔ عمّار ساباطی[۴]، که طبق این حدیث پسر و دختر در سن ۱۳ سالگی بالغ می‌شوند و اگر پسر قبل از این سن محتلم و دختر حـیض شـود، احـتلام و حـیض نـیز علامت بلوغ آنان است.

سوم: صحیحهٔ حمران[۵]، که در پسران ۱۵ سالگی و در دختران ۹ سالگی را امارهٔ بلوغ قرار داده است. به هر حال با توجّه به ناسازگاری آشکار روایت ۹ سال با روایـات دیگـر، تعبّدی بودن قضیّه بعید به نظر می‌رسد و جای سؤال است که چرا غالب فقهای شیعه به روایات ۹ سال عمل کرده‌اند؟ ضـمن ایـن کـه آنـان تـوجّه داشـته‌اند دختران در سـنّ ی معمولاً حیض نمی‌شوند و روایات دیگر نیز (مانند سن ۱۳ سال) وجود دارد!

۱. وسایل الشیعه، ج ۱۳، کتاب الحجر، باب ۱، حدیث ۱.
۲. همان، ج ۱، ابواب مقدمة العبادات، باب ۴، حدیث ۶.
۳. همان، ج ۱۳، احکام الوصایا، باب ۴۴، حدیث ۱۲.
۴. تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۳۸۱ (باب الصبیان متی یؤمرون بالصلاة، ح ۵).
۵. وسایل الشیعه، ج ۱۳، کتاب الحجر، باب ۲، ح ۱.

ضعف قوای جسمانی و عقلانی آنان در این سن) موجب وهنِ شریعت مقدّس خواهد گردید. نتیجه این که با توجّه به اشکالات سه گانهٔ فوق‌الذکر، تعبّدی بودن امارهٔ ۹ سالگی برای بلوغ دختران کاملاً بعید به نظر می‌رسد.

و اگر سن ۹ سالگی را امارهٔ طبیعی یا تحقیقی (غیر تعبّدی) بدانیم نیز با اشکال جدّی مواجه می‌شویم. امارهٔ زمانی می‌تواند یک اماره محسوب گردد که دائمی یا غالبی باشد و بر این اساس اماره بودن سن ۹ سال برای بلوغ درست نیست. زیرا غالباً در سنّ ۹ سالگی بلوغ طبیعی محقّق نمی‌گردد، در اینجا لازم است کلامی از فقیه بزرگ مرحوم صاحب جواهر(ره) بیاوریم که در این رابطه می‌فرمایند:

«در بلوغ نیازی به بیان شارع نیست. زیرا بلوغ از امور طبیعی است و در لغت و عرف شناخته شده است و از موضوعات شرعی نیست که جز از طریق شارع قابل شناخت نباشد.[۱]

با توجّه به مطالب مذکور نظر معظّم له در رابطه با «نوع اماریّت سنّ ۹ سالگی» و اشکالات و ایرادات فوق الذکر، چیست؟

جواب: گرچه در یک نامهٔ کوتاه جواب سؤالات مشروح میسّر نیست؛ ولی پاسخ سؤالات مذکور اجمالاً به شرح زیر است:

۱. به هنگام تعارض روایات طبق قواعدی که در بحث تعادل و ترجیح آمده اخذ به شهرت فتوایی می‌شود و بزرگان علما در این مسأله طبق این قاعده رفتار کرده‌اند.

۲. سنّ ۹ سالگی دختران و پانزده سالگی پسران سنّ شمول تکالیف (مانند نماز) است ولی نکاح مشروط به رشد کافی جسمانی است و بدون آن، نکاح همراه با عروسی جایز نیست و تصرّفات مالی منوط به رشد فکری برای این گونه تصرّفات است و بدون آن باطل است و آنچه در آیات قرآن آمده ناظر به این دو

۱. جواهر الکلام، ج ۲۶، ص ۴.

موضوع است. با توجّه به آنچه گفته شد فتوای صحیح و معتدل در این مسأله روشن می‌شود.

سؤال ۵۴۲. اگر پسربچّهٔ یازده، دوازده ساله‌ای نعوذبالله استمناء نموده، و از او منی خارج شود، آیا آثار بلوغ بر او مترتّب می‌شود؟

جواب: آری بالغ شده است.

احکام حجر

سؤال ۵۴۳. آیا شخص ورشکسته (که مبالغ زیادی به افراد بدهکار است و در زندان بسر می‌برد) بر اموال خود تسلّط دارد و حق خرید و فروش، یا بخشش آن را به افراد طلبکار یا غیر طلبکار دارد؟

جواب: در صورتی که حاکم شرع با اعلام ورشکستگی او، حکم حجر را صادر کرده باشد، حقّ تصرف در اموالش را ندارد. همچنین اگر حکم حجر دربارهٔ او صادر نشده، ولی بخشیدن به این و آن سبب تضییع حقوق طلبکاران شود این هم جایز نیست.

سؤال ۵۴۴. چنانچه شخصی به لحاظ سفاهت از طرف دادگاه محجور شناخته، و برای او قیّم تعیین شده باشد. آیا طرح دعوی بر علیه وی بدون دخالت دادن قیّم جهت اخذ طلاق صحیح است؟ به عبارت دیگر، گرچه در ما نحن فیه شخص مجهول المکان است، امّا سؤال این است که چنانچه این شخص حاضر بود، تقاضای طلاق از طرف زوجه از همسر سفیه و محجور خود از نظر شرعی درست است، یا این که به مانند مجنون، باید ولی شرعی یا قیّم او، همسرش را طلاق بدهد؟

جواب: در صورتی که سفیه مسلوب العباره نباشد، ولی نتواند مصلحت خود را در امر نکاح تشخیص دهد، امّا در امر انتخاب وکیل سفاهت ندارد، وکیلی برای امر ازدواج خود انتخاب می‌کند. و اگر نتواند، قیم یا ولیّ شرعی او اقدام می‌کند.

سؤال ۵۴۵. با عنایت به واژهٔ «اشدّ» و نیز «یدرك»، در احادیث مربوط به بلوغ[۱] و مسؤولیّت، و با توجّه به پیچیدگی جرایم، بفرمایید:

الف) آیا می‌توان برای احراز مسؤولیّت کیفری، گذشته از بلوغ، لزوم رشد جزایی را نیز مطرح کرد؟

جواب: آری برای مجازات‌های کیفری نیز حدی از رشد لازم است.

ب) آیا رشد مورد نظر در جزائیّات، همان تشخیص حسن و قبح و خوب و بد است، یا درک عمل و عواقب و آثار آن به صورت کامل مورد نظر است؟

جواب: باید در حدّی باشد که اجمالاً بتواند حرمت عمل و عواقب آن را بفهمد؛ هر چند در فرا گرفتن مسأله کوتاهی کرده باشد.

ج) آیا می‌توان از لزوم رشد در امور حقوقی که علاوه بر بلوغ و پس از آن باید احراز بشود، با عنایت به تنوّع پیچیدگی جرایم از سویی و لزوم درء مجازات با شبهه، معتقد به اولویّت احراز رشد در امور جزایی شد؟

جواب: از جواب‌های بالا روشن شد و در موارد شک می‌توان به قاعده درء تمسّک جست.

سؤال ۵۴۶. پدر مرحومم به نظر بعضی پزشکان متخصّص به جنون مزمن و به نظر بعضی دیگر به جنون ادواری دچار بود، در عین حال دادگاه به درخواست دادستان و با توجّه به نظر پزشکان متخصّص و پزشک قانونی و با تشخیص قضات حکم حجر ایشان را صادر کرد. یکی از متصرّفین زمین‌های وی به عنوان ثالث اعتراض نمود، اعتراض در دادگاه بدوی و دیوانعالی کشور رد و حکم اوّلیّه تأیید گردید. در پرونده خلع ید از املاک پدر حکم حجر ارائه شد. شخصی که تمام اموال پدری ما را به ناحق تصاحب و تملک و فروخته بود به عنوان ثالث طاری در دادگاه شهرستان (در حالی که دادگاه شهرستان صلاحیت رسیدگی به حکم دیوانعالی کشور را نداشت و باید در همان شعبه‌ای که رای صادر شده اعتراض می‌نمود) اعتراض کرد. دادگاه شهرستان شکایت ایشان را پذیرفته

۱. به وسایل الشیعه، ج ۱۳، کتاب الحجر، باب ۱ و ۲ مراجعه شود.

و حکم حجر را نقض نمود که شعبه تجدید نظر استان با عنایت به مدارک و نظرات پزشکان حکم صادره را نقض و حکم حجر را تأیید نمود و همان شخص مجدّداً به شعبهٔ تشخیص دیوان عالی کشور شکایت کرد. قضات محترم؛ این استدلال که مستندات تجدید نظر خوانده مدارک عادی پزشکی است که مندرجات آن افاده قطع و یقین و علم قطعی و جنون مستقر و ثابت آنچنان که موجب حجر تلقّی شود ندارد و بر فرض صحّت مندرجات نوشته‌ها ابزاری جهت تأیید جنون که در حقیقت معادل زوال عقل و فقدان شعور دانسته شده، نمی‌تواند محسوب شود. حکم را نقض و ما را به بدبختی و بیچارگی مواجه ساخته‌اند. این در حالیست که مدارک موجود در پرونده نتیجهٔ کمسیون‌های متعدّد پزشکان متخصّص و پزشکی قانونی بوده که به تأیید دیوانعالی کشور رسیده است. چون لازمهٔ شکایت به ریاست محترم قوهٔ قضائیه اعلام خلاف مسلمات فقه بودن حکم از طرف فقهای عظام است. استدعا دارد نظر فقهی خود را در مورد این که شعبه تشخیص دیوان عالی کشور جنون ادواری را موجب حجر ندانسته فقط جنون دائمی و مستقر را موجب حجر می‌داند اعلام و مشخّص فرمایید. آیا حکم فوق مخالف مسلّمات فقه نیست؟

جواب: در صورتی که زمان شروع و پایان حالت جنون روشن نیست و هر زمان ممکن است چنین حالتی دست دهد حکم محجور را دارد.

فصل بیست و یکم: احکام قرض

ربای قرضی

سؤال ۵۴۷. با توجّه به حرمت گرفتن ربا در جامعه اسلامی، و با عنایت به این که ارزش پول در نظام اقتصادی کنونی هر روز رو به کاهش است، و مثلاً اگر کسی مقدار قابل توجّهی پول به کسی قرض دهد در سال آینده این مقدار پول دیگر ارزش موقع دریافت خود را ندارد، حکم پولی که در ازای ما به التفاوت پول قرض گرفته شده و ارزش کنونی پول، گرفته می‌شود چیست؟

جواب: تا زمانی که مسأله تورّم در عرف بازار در محاسبه دیون و مطالبات مورد محاسبه قرار نگیرد و تنها در محافل علمی مطرح باشد، گرفتن چنین سودهایی جایز نیست.

سؤال ۵۴۸. در ضمن عقد لازمی چنین شرط می‌شود: چنانچه بدهکار در سررسید معیّن در پرداخت بدهی خود تأخیر ورزد موظّف است به مأخذ ۱۰ درصد در سال معادل مبلغ پرداخت نشده به عنوان وجه التزام به طلبکار بپردازد» آیا تعیین جریمه وجه التزام در تأخیر پرداخت بدهی مطابق با موازین شرعی است؟

جواب: این در واقع نوعی حیله برای فرار از رباست و اشکال دارد.

سؤال ۵۴۹. الف» مبلغی پول به «ب» وام ربوی داده و «ب» نمی‌تواند نزول چند سالهٔ آن پول را پرداخت نماید. در نهایت «الف» حیاط مسکونی آقای «ب» را بابت نزول پولش برداشته و همان حیاط نزولی را به آقای «ج» اجاره داده است. آیا تصرّفات «الف» در حیاط مزبور و نماز و عبادت آقای «ج» و مهمانانش در همان خانه مشروع است؟

جواب: هیچ‌گونه تصرّفی در ملکی که بابت سود ربوی واگذار شده جایز نیست.

فصل بیست و دوم: احکام وکالت

سؤال ۵۵۰. شخصی به قصد کلاهبرداری با صاحب ملک مسکونی قراردادی مشتمل بر رهن تنظیم و دو برگ چک نیز بمبلغ رهن مذکور در قرارداد به صاحب ملک می‌دهد، و وکالت ملک را از صاحب ملک به عنوان وکیل به مدّت یک سال می‌گیرد. مالک پس از دو ماه یا کمتر متوجّه می‌شود که آن شخص کلاهبردار بوده، و متواری شده، و به قرارداد عمل ننموده، و چک‌ها نیز قابل وصول نیست. آیا مالک شرعاً صاحب ملک خود می‌باشد؟ آیا شخص ثالث با اطّلاع از کلاهبرداری آن شخص می‌تواند آن ملک را تصاحب کند، یا به منزله خرید مال دزدی محسوب می‌شود؟

جواب: اگر وکالت جدّی به شخصی داده، و آن شخص مطابق آن وکالت عمل نموده، عمل او معتبر است. مگر این که قبل از اقدام وکیل، موکّل او را عزل کرده، و به وی اطّلاع داده باشد. و سوء استفاده وکیل در حکم بالا تأثیری ندارد، بلکه باید تعقیب گردد.

سؤال ۵۵۱. چنانچه به موجب وکالتنامه‌ای، تحت عنوان عقد وکالت بلاعزل به نام و بنفع وکیل، نسبت به قطعه زمینی در ضمن عقد لازم، صلح و مصالحه حقوق شده، به گونه‌ای که دیگر برای موکّل حقّی از جمله حقّ عزل باقی نمانده باشد، آیا به نظر شما، به منظور حفظ حقوق وکیل، عقد جائز به عقد لازم تبدیل می‌گردد؟

جواب: عقد جایز تبدیل به عقد لازم نمی‌شود؛ ولی برای موکّل جایز نیست وکیل را عزل کند و وکیل می‌تواند در صورت عزل کردن موکّل به دادگاه شکایت کند و دادگاه از موکّل خسارت بگیرد. این در صورتی است که معامله قطعی به طور عادی طبق آنچه معمول در عرف ماست صورت نگرفته باشد، که ملکی را بیع قطعی می‌کنند ولی در محضر تنها وکالت بلاعزل می‌دهند.

سؤال ۵۵۲. لطفا به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) اگر موکّل، وکیل را عزل کند و پس از آن، وکیل جانی را قصاص نماید، در صورتی که: وکیل علم به عزل داشته باشد، یا علم به عزل نداشته باشد، آیا دیه بر وکیل لازم می‌شود؟ در فرض لزوم دیه، استقرار دیه بر وکیل است یا موکل؟

جواب: تا خبر عزل به وکیل نرسد کارهایی که می‌کند به حساب موکّل است و مسؤولیتی در برابر آن ندارد. ولی اگر علم به عزل پیدا کند تصرّفات بعدی او ضمان‌آور است.

ب) اگر وکیل به عفو موکّل آگاهی داشته باشد، ولی اعتقاد داشته که عفو موکّل بعد از وکالت اثری ندارد در این صورت اگر جانی را قصاص کند حکم چیست؟

جواب: باید دیه قتل شبه عمد را بپردازد.

ج) اگر موکّل وکیل را عزل کند و وکیل به عزل وی آگاهی پیدا کرده و جانی را قصاص نماید و ادّعا کند عزل را فراموش کرده، حکمش چیست؟

جواب: هرگاه احتمال فراموشی جنبهٔ عقلایی داشته باشد فقط باید دیه بدهد والّا وکیل قصاص می‌شود.

د) اگر موکّل ادّعا کند که وکیل به عزل یا به عفو خود آگاهی دارد و وکیل منکر علم باشد چطور؟

جواب: قول وکیل با قسم پذیرفته می‌شود، مگر این که موکّل اقامه بیّنه کند.

هـ) اگر موکّل جانی را عفو کند و وکیل جانی را بدون آگاهی از عفو قصاص کند، حکم چیست؟

جواب: دیه بر عهدهٔ وکیل است و می‌تواند آن را از موکّل بگیرد، زیرا موکّل در رساندن خبر عفو کوتاهی کرده است.

و) اگر موکّل جانی را عفو کند و وکیل جانی را با آگاهی از عفو موکّل، قصاص کند، حکم چیست؟

جواب: وکیل قصاص می‌شود؛ مگر این که از حکم شرعی بی‌خبر باشد که در این صورت باید دیه بدهد.

سؤال ۵۵۳. چنانچه پرونده‌ای در مرجع قضایی با موضوع ادای دین یا قصاص قاتل تشکیل شده باشد و مدّعی علیه و وکیلش به قصد فرار مدیون از ادای دین، یا ایجاد تأخیر در تادیه آن و نیز استخلاص قاتل از مجازات شرعی و جلوگیری از احقاق حق، عقد وکالت منعقد کنند، با فرض این که وکیل هم علم به مدیونیّت و قاتل بودن موکّلش داشته باشد، این عقد از وجاهت شرعی برخوردار است؟

جواب: هیچ وکیلی حق ندارد در مواردی که مطمئن به حقانیت موکّل خود نیست اقدام به وکالت کند. در غیر این صورت، هم کار او حرام است هم حق الوکاله او و عقد وکالت بی‌اعتبار است.

سؤال ۵۵۴. «الف» به «ب» وکالت می‌دهد که ملک او را بفروشد. «ب» در تاریخ ۸۶/۵/۱ از وکالت استعفا می‌دهد. «الف» در تاریخ ۸۶/۶/۱ او را عزل می‌کند. ولی «ب» در تاریخ ۸۶/۶/۱۵ مورد وکالت را می‌فروشد و در تاریخ ۸۶/۶/۲۰ خبر عزل به وکیل می‌رسد. ولی تا این تاریخ خبر استعفای وکیل به موکّل نرسیده است؛ آیا معاملهٔ وکیل صحیح است؟

جواب: در صورتی که وکیل استعفا داده معامله او اشکال دارد، هر چند خبر استعفای او به موکّل نرسیده باشد. ولی معامله با اجازهٔ مالک صحیح خواهد بود.

سؤال ۵۵۵. لطفاً نظرتان را در مورد سؤالات زیر بیان فرمایید:

الف) آیا عقد وکالت بلاعزل تنظیمی در دفترخانه اسناد رسمی بین وکیل و موکل، حکم بیع را دارد، یا عقد موصوف ذاتاً، وکالت بوده و قابل فسخ می‌باشد؟ در هر صورت، آیا موکّل با وجود اعطای وکالت بلاعزل به وکیل، در آینده حقّی نسبت به مورد وکالت خواهد داشت؟

ب) با توجّه به سؤال اوّل و حدوث اختلاف بین وکیل و موکّل، در خصوص عقد وکالت بلاعزل و اقامهٔ دعوی از جانب موکّل علیه وکیل مبنی بر ابطال وکالت‌نامه، اشتباهاً حکم بر بطلان وکالت‌نامه صادر شده است. نظر به این که بطلان وکالت‌نامه اثر قهقرایی داشته و متمایز از ابطال می‌باشد و به دلیل صدور حکم به بیش از خواسته موکّل، احتمال ورود خسارت به حقوق اشخاص ثالث نیز وجود دارد، خواهشمند است حکم مسأله را اعلام فرمایید.

ج) با توجه به دو سؤال فوق، چنانچه در خصوص وکالت نامه بلاعزل حکم بطلان صادر شود و در زمان بقا و استقرار وکالت فوق (یعنی قبل از بطلان) وکیل با داشتن اختیارات حاصله، انتفاع از کل یا قسمتی از مورد وکالت را به شخص ثالثی منتقل نموده باشد در فرض فوق وکیل ملزم به جبران خسارات وارده می‌باشد یا خیر؟ اشخاص ثالث ملزم به جبران خسارت می‌باشند؟

جواب الف تا آخر: اگر وکالت بلاعزل در ضمن عقد بیع و مانند آن از عقود لازمه شرط شده باشد قابل عزل نیست و اگر به طور مستقل بوده باشد قابل عزل است. و در فرض دوم، چنانچه وکیل قبل از بلوغ خبر عزل، کاری انجام دهد آن کار ممضی است و خسارتی متوجّه او نمی‌شود.

فصل بیست و سوم: احکام ضمان

سؤال ۵۵۶. مشهور فقها ماهیّت ضمان را نقل ذمّه به ذمّه می‌دانند؛ یعنی پس از انعقاد ضمان، مدیون اصلی بری الذمه شده و ذمهٔ ضامن به مقدار دین مشغول می‌شود. در صورتی که آنچه در عرف تجاری امروز عمل می‌شود پشتیبانی ضامن از مضمون عنه است. به این معنا که بعد از ضمان کماکان مدیون اصلی بدهکار است و در صورت عدم امکان وصول از او، طلبکار حقّ مراجعه به ضامن را دارد.

لطفاً بفرمایید: آیا چنین قراردادی صحیح است؟ بر فرض صحّت، عقد جدیدی است یا نوعی از عقد ضمان می‌باشد؟

جواب: هر دو نوع ضمان صحیح است و عقد ضمان محسوب می‌شود و در حاشیه عروة الوثقی شرح آن را نوشته‌ایم و جمعی از فقهای معاصرین در این مسأله با آنچه گفته شد موافقند.

سؤال ۵۵۷. به موجب مادّهٔ ۶۹۸ قانون مدنی (که برگرفته از فقه امامیّه است) بعد از این که ضمان بطور صحیح واقع شد، ذمّهٔ مضمون عنه بری و ذمه ضامن نسبت به مضمون له مشغول می‌شود. در صورتی که در مادّه ۷۲۳ همان قانون آمده: «ممکن است کسی در ضمن عقد لازمی به تأدیه دین دیگری ملتزم شود در این صورت تعلیق به التزام مبطل نیست مثل این که کسی التزام خود را به تأدیه دین مدیون معلق به عدم تأدیه او نماید» آیا مادّهٔ اخیر در مقام ایجاد عقد دیگری مانند ماهیّت ضم ذمه به ذمه می‌باشد یا در مقام بیان یکی از اقسام ضمان است؟ همچنین در مادّهٔ ۶۹۹ همان قانون، تعلیق در ضمان مبطل عقد دانسته شده، ولی در ذیل ماده آمده: «ولی التزام به تأدیه ممکن است معلق باشد» چه تفاوتی بین این دو وجود دارد؟ خلاصه این که آیا ضامن

می‌تواند ضمانت و پرداخت دین ضامن را مشروط به عدم پرداخت مدیون اصلی نماید و بر فرض مثبت بودن جواب آیا چنین عقدی از اقسام ضمان است یا عقد مستقلی می‌باشد؟

جواب: همان‌گونه که گفتیم هر دو نوع ضمان صحیح است و جزء شعب عقد ضمان محسوب می‌شود.

سؤال ۵۵۸. مبلغ دویست هزار تومان از آقای «الف» طلبکار بودم. در جلسه‌ای که آقای «ب» و حقیر و آقای «الف» حضور داشتند، حقیر قبول کردم که پول را از آقای «ب» بگیرم، لکن آقای «ب» پس از ده روز متواری گردید و پولی بدست من نیامد. آیا بدهکاری آقای «الف» ساقط گردیده است؟

جواب: هرگاه منظور از حواله به شخص ثالث این بوده که ذمّه حواله‌دهنده به او منتقل شود و ذمه‌اش پاک گردد، و شخص طلبکار نیز آن را پذیرفته، حق ندارد به بدهکار اوّل مراجعه کند. ولی اگر چنین قصدی در کار نبوده، همان‌گونه که غالباً این قصد در کار نیست، باید شخص اوّل بدهی را بپردازد و در صورت شک نیز همین حکم را دارد.

سؤال ۵۵۹. آیا در ضمانت بعد از ضامن شدن، بدهی بدهکار به ذمّهٔ ضامن منتقل می‌شود و ذمّهٔ بدهکار پاک می‌شود؟

جواب: بعد از ضامن شدن بدهی بدهکار به ذمه ضامن منتقل می‌گردد و ذمه بدهکار پاک می‌شود و اگر ضمانت به خواهش بدهکار صورت گرفته باشد هر وقت ضامن بدهی را داد می‌تواند آن را از بدهکار سابق بگیرد. نوع دیگری از ضمان نیز وجود دارد که شخصی ضامن دیگری می‌شود به این منظور که اگر بدهکار در دادن بدهی کوتاهی کرد یا نتوانست آن را بپردازد طلبکار طلب خود را از ضامن بگیرد این نوع ضمان نیز صحیح است و در غالب ضمانتهایی که در بانک‌ها یا در برابر وامها می‌گیرند از این قبیل است. اوّلی را نقل ذمّه می‌گویند و دومی را ضمّ ذمه به ذمه، و هر دو صحیح است.

سؤال ۵۶۰. آیا ضامن می‌تواند به مضمون له بگوید: «فلان شخص را استخدام کن، اگر خرابی به بار آورد من ضامن هستم» آیا این ضمانت معتبر است؟

جواب: آری اعتبار دارد.

سؤال ۵۶۱. آیا ضامن می‌تواند ضمانت خود را بدون رضایت طلبکار فسخ نماید؟

جواب: شخص ضامن نمی‌تواند ضمانت خود را بدون رضایت طلبکار فسخ کند ولی اگر ضامن یا طلبکار در قرارداد خود شرط کنند که هر وقت بخواهند می‌توانند فسخ کنند، مانعی ندارد.

سؤال ۵۶۲. اگر ضامن به هنگام پرداختن بدهی، توانایی پرداختن دین را نداشته باشد، آیا ضمانت فسخ می‌گردد؟

جواب: هرگاه ضامن در موقع ضمانت توانایی پرداختن بدهی را داشته باشد طلبکار نمی‌تواند ضمانت او را فسخ کند و طلب خود را از بدهکار اوّل مطالبه نماید. همچنین اگر ضامن در آن موقع فقیر باشد ولی طلبکار این مطلب را بداند و به ضامن شدن او راضی شود حق فسخ ندارد. امّا اگر ضامن از همان اوّل فقیر باشد و طلبکار هم نداند و بعد متوجّه شود. می‌تواند ضامن بودن را فسخ کند.

سؤال ۵۶۳. اگر یک فقره چک، در ضمن قرارداد معمولی به عنوان امانت ذکر شده باشد و عودت آن، منوط به بعد از پرداخت اصل بدهی باشد به گونه‌ای که اگر بدهی پرداخت نگردد، از این چک امانی استفاده شود، آیا این چک امانت حساب می‌شود یا ضمانت؟

جواب: ضمانت محسوب می‌شود.

فصل بیست و چهارم: احکام دین

سؤال ۵۶۴. مستدعی است در خصوص دین بفرمایید:

الف) آیا اصل بر تمکّن مدیون است و در صورت ادّعای عدم تمکّن، باید عدم تمکن خود را اثبات نماید، یا اصل بر عدم تمکّن مدیون است و داین باید تمکّن مدیون را هنگام مطالبه طلب خود اثبات نماید؟

جواب: اگر حالت سابقه تمکّن بوده است استصحاب می‌شود و اگر عدم تمکّن بوده و یا مجهول است مدّعی تمکّن باید اثبات کند و در هر حال در این‌گونه موارد بر قاضی لازم است که نسبت به حال مدیون دستور فحص دهد.

ب) آیا در مسألهٔ فوق بین این که سبب دین، قرض، بیع یا جنایت باشد، تفاوتی وجود دارد؟

جواب: تفاوتی ندارد.

سؤال ۵۶۵. فردی که از وی طلبکارم، از پول معاملهٔ موادّ مخدّر تالار عروسی درست کرده است. اگر طلبم را از پول کرایه تالار مذکور بدهد، آیاگرفتن آن برای من جایز است؟ و اگر طلب خود را دریافت کرده و پول را خرج کرده باشم تکلیفم چیست؟

جواب: جایز نیست و اگر گرفته باشید باید آن را به شخص نیازمندی بدهید.

سؤال ۵۶۶. اگر شخصی بدهکار باشد، و فعلاً مالی نداشته باشدکه بتواند دین خود را اداکند، لکن می‌تواند از شخص دیگر یا مؤسّسه‌ای قرض نموده، و دین حالّ خود را ادا کند، و به موقع آن را پرداخت نماید بدون این که این اقراض مشقّت یا ضربهٔ حیثیّتی برای او داشته باشد، آیا لازم است این کار را انجام دهد، یا باید به او فرصت داده شود؟

جواب: در فرض سؤال لازم است این کار را انجام دهد.

سؤال ۵۶۷. پدری که بدهکار مردم بوده، بعد از مرگش مال و ترکه‌ای بجا نگذاشته است. آیا بر اولاد و همسر او واجب است دین او را بپردازند؟

جواب: در صورتی که چیزی به جای نگذاشته باشد بر اولاد و همسرش لازم نیست از اموال خود بدهکاری آن مرحوم را بپردازند، هر چند در صورت توانایی و قدرت، این کار شایسته است.

محاسبهٔ تورّم

سؤال ۵۶۸. شخصی از اینجانب مبلغ دو میلیون تومان طلبکار می‌باشد، که بدهی ایشان در اثر اختلافاتی به تعویق افتاده است. در طول ۱۰ سال گذشته در چندین نوبت مبلغ بدهی اوّلیّه تقدیم شده، که ایشان از قبول آن خودداری نموده، و ضمن مقصّر دانستن بدهکار در به تعویق افتادن بدهی، اظهار می‌دارد: «ارزش پول (ریال) نسبت به ۱۰ سال پیش کاهش یافته» و لذا ۴ برابر بدهی اوّلیّه را مطالبه می‌نماید و به کمتر از آن رضایت نمی‌دهد و بالطبع بدهکار هم به دادن این مبلغ راضی نیست. حکم این مسأله چیست؟

جواب: در صورتی که بدهکار در تأخیر پرداخت بدهی مقصّر بوده باید بدهی خود را با توجّه به نرخ متوسّط تورم اشیای مختلف محاسبه و پرداخت کند.

سؤال ۵۶۹. یکی از ادارات دولتی طلب بنده را از سال ۷۶ پرداخت ننموده است و آن قانون، تعدیل قیمت (تورّم) را به سود بانکی محدود می‌نماید، در حالی که قیمت زمین و مسکن حداقل چهل برابر افزایش یافته، و سود بانکی تنها به اندازهٔ یک درصد تورّم جامعه می‌باشد، و با پرداخت سود بانکی رضایت بنده که امری است باطنی برآورده نمی‌شود. نظر حضرت عالی چیست؟

جواب: چنانچه بدهکار بدهی خود را بدون علّت شرعی تأخیر بیندازد، و در این فاصله تورّم شدید باشد، لازم است بدهی خود را با توجّه به نرخ متوسّط تورّم اجناس مختلف محاسبه و پرداخت کند.

سؤال ۵۷۰. چهار نفر برادر زمینی را متری ده تومان خریداری و در اختیار یکی از برادران که در شهر بوده قرار دادند. برادر شهری یک خانه خشتی در این زمین شراکتی بنا کرده، و پس از مدّتی چهار برادر در یک جلسه، زمین و خانه را به مبلغ ۷۰۰ تومان به برادر شهری می‌فروشند. دو نفر از برادرها سهم خود را گرفته، و برادر شهری انتظار می‌کشد که برادر بزرگ بیاید و او هم سهم خود را بگیرد و او مراجعه نکرده است. اکنون چهل سال از این قضیّه می‌گذرد و برادر بزرگ می‌گوید مطابق قیمت روز باید حق مرا بدهید. حکم شرع چیست؟

جواب: در صورتی که خریدار سهم برادر بزرگ‌تر را نپرداخته باید قیمت روز را (با توجّه به تورّم متوسط اجناس مختلف) بپردازد.

سؤال ۵۷۱. اگر شخصی مال دیگری را برای مدّت طولانی به ناحق توقیف کند، به گونه‌ای که اگر الآن بخواهد پس بدهد ارزش روز توقیف را ندارد. مثلاً اگر در زمان توقیف با یک میلیون می‌توانست یک خانهٔ کوچک بخرد الآن با آن رهن هم نمی‌تواند کند؛ آیا پول را به ارزش زمان توقیف محاسبه کند؟

جواب: درآمدهایی که با آن پول داشته عموماً متعلّق به صاحب پول است و اگر درآمدها کمتر از میزان تورم در این مدّت بوده باید اضافه آن را بپردازد. همچنین اگر درآمدی از آن نداشته و با آن معامله‌ای نکرده است.

سؤال ۵۷۲. شخصی به ما مراجعه کرده و دزدگیر ماشین بسته، و مبلغی داده، و قرار شده مابقی را (که هفته‌ای پنج هزار تومان بوده) بیاورد، پس از سه سال رفت و آمد به دادگاه ۱۳ هزار تومان خرج کردم، که به اضافهٔ طلب‌کاری‌ام ۲۰ هزار تومان اضافه دریافت کردم. آیا این پول حلال است؟

جواب: شما حق دارید هزینه‌های لازم که برای بدست آوردن طلبتان طبق عرف کرده‌اید را از او بگیرید و اگر در این مدّت تورّم شدید بود. می‌توانید تورّم متوسّط اجناس مختلف را نیز بردارید و اضافه بر آن را به وی بازگردانید.

مستثنیات دین

سؤال ۵۷۳. آیا موارد زیر جزء مستثنیات دین است؟

الف) اتومبیلی که وسیلهٔ کار و تأمین معاش نمی‌باشد.

ب) تنها منزل مسکونی که شخص آن را اجاره داده، و خود مستأجر دیگران است.

ج) مغازه‌ای که شخص در آن تأمین معاش می‌نماید.

د) تلفن ثابت و همراه.

جواب: اتومبیل و منزل شخصی و وسایل منزل در حدّ معقول و تلفن شخصی از مستثنیات دین است و غیر آن جز به مستثنیات نیست.

سؤال ۵۷۴. وسیلهٔ نقلیّهٔ شخصی در چه صورتی از مستثنیات دین تلقّی می‌شود؟

جواب: در صورتی که نیاز به آن داشته باشد.

سؤال ۵۷۵. اینجانب یک مغازه نانوایی دارم که تنها ممرّ درآمد اینجانب و خانواده‌ام محسوب می‌شود. اگر این ملک به طلبکاران داده شود، راه درآمد دیگری ندارم و پروانهٔ نانوایی نیز بر روی همین ملک است. آیا این ملک از مستثنیات دین محسوب می‌شود؟

جواب: سرمایه جزء مستثنیات دین نیست، تنها خانه و وسایل خانه و مرکب سواری شخصی در حد شأن جزء مستثنیات دین است.

فصل بیست و پنجم: احکام امانت

سؤال ۵۷۶. قراردادی بین عامل و جاعل در چارچوب عقد جعاله منعقد می‌گردد، تا امور مربوط به جاعل را عامل انجام دهد و حقّ الجعاله خود را دریافت کند. بر همین اساس، حقّ الجعاله توافقی به وسیلهٔ یک برگ چک در وجه عامل با ذکر نام و نام خانوادگی عامل نوشته می‌شود و فی المجلس در اختیار امین مرضیّ الطرفین قرار می‌گیرد.

در بند ۲ قرارداد جعاله نوشته می‌شود: چک شمارهٔ... بانک... نزد آقای... بطور امانت (امین مرضیّ الطرفین) سپرده شد که پس از اتمام کار و پرداخت حقّ الجعاله به عامل، چک به جاعل مسترد گردد، ذیل قرارداد جعاله را عالم و جاعل و امین مرضی الطرفین امضا و اثر انگشت می‌زنند.

متأسّفانه امین پس از انجام کار به وسیلهٔ جاعل، بدون اذن و اطّلاع عامل چک حقّ الجعاله راکه در وجه عامل نیز نوشته شده بود به جاعل داده است. آیا عمل امین خیانت در امانت می‌باشد؟

جواب: چنانچه جاعل در وقت مقرّر طبق قرار حق عامل را بپردازد شخص امین حق ندارد چک تضمینی جاعل را به عامل بدهد و اگر چنین کند خیانت در امانت کرده است.

سؤال ۵۷۷. عاریه دادن گوسفند برای استفاده از شیر و پشم آن، و عاریه دادن چاه آب به منظور استفاده کردن از آب آن صحیح است؟

جواب: اشکالی ندارد و این در واقع اباحه منافع است.

سؤال ۵۷۸. نظر شرعی شما دربارهٔ امینی که یک برگ چک امانی متعلّق به ذی نفع

نزدش بوده و آن را به صادرکننده چک داده، و حقوق ذی نفع تضییع شده چیست؟

جواب: شخص امین در فرض سؤال مرتکب کار خلافی شده و اگر جاعل حق عامل را نپردازد امین ضامن است.

سؤال ۵۷۹. هرگاه شخصی لوازم شخصی منزل خود را جهت حمل بسته‌بندی نموده و بر طبق فهرست، که بیانگر تعداد کارتن، نوع لوازم، وزن و ارزش کلّی آن می‌باشد، بدون اذن شرکت به رانندهٔ کامیون تحویل داده باشد. به طوری که به علّت بسته‌بندی کارتن‌ها و فهرست ارائه شده به زبان روسی، راننده نیز از ارزش و ماهیّت و جنسیت، کیفیّت اموال داخل کارتن‌ها نیز مطّلع نبوده، و سطح آگاهی وی در همین حد بود که لوازم شخصی و دسته دوم منزل را بارگیری نموده است. حال اگر در حین حمل تعدادی از کارتن‌ها تلف شده (به سرقت رفته) باشد و صاحب مال با طرح ادّعایی که از حیث ارزش و نوع کالا مغایر با فهرست ارائه شده می‌باشد، ادعای خیانت در امانت و مطالبه خسارت نماید لطفاً بفرمایید:

الف) آیا صاحب مال می‌تواند در ادّعای خود نسبت به محتوای بسته‌های تلف شده دفعتاً ماهیّت و کیفیّت و ارزش و جنسیّت اموالی را که تحت عنوان لوازم و ظروف آشپزخانه اظهار نموده و تحویل داده، تغییر دهد و به شرح ذیل اعلام و ادّعا نماید: «عتقیه‌جات و اشیای گرانبهای دکوری شامل گلدان کریستال و چراغ آباژور، مجسّمهٔ برنزی و بلوری، قاب عکس، شمعدان، گلدان نقره و دکوری و مانند آن» که در زمان تحویل هرگز ذکری از آن نبوده و به تأیید راننده و متصدّی حمل در محل بارگیری و مسؤولین اداره گمرک در مبدأ بارگیری نیز نرسانده باشد.

ب) آیا صاحب مال در هنگام ادّعای خسارت برای آن تعداد از بسته‌های تلف شده، که تقریباً یک سوّم از کلّ کالای تحویلی بوده، می‌تواند ادّعایی بیشتر از ارزش کلّ اموال خود که در هنگام تحویل بصورت کتبی اظهار نموده داشته باشد (یعنی در مدّت زمان متعارفی که برای یک حمل در نظر گرفته می‌شود. ارزش اموال تلف شده معادل چهار برابر ارزش کل اموال گردد) و در مقابل این سؤال از صاحب اموال که چرا ارزش واقعی

و نوع واقعی کالا را هنگام تحویل اعلام ننموده، اظهار گردد: اعلام ارزش پایین کالا در هنگام تحویل به جهت صرفه اقتصادی بوده تا اوّلاً: اجرت و هزینه باربری کمتری را پرداخت نماییم ثانیاً: حقّ بیمه کالا و سود و عوارض گمرکی و مانند آن را پرداخت ننماییم.

ج) با توصیف موارد فوق و تخلف صاحب مال در اظهارات خلاف خود که به قصد مغبون نمودن راننده و حمل کننده و مؤثّر در تعیین کرایه حمل و حقّ بیمه کالا بوده، آیا ادّعای زیاده‌خواهی صاحب مال نسبت به اموالی که در هنگام تحویل ذکری از آن ننموده، امری شرعی می‌باشد؟

د) با توصیف موارد فوق، اگر خسارتی بر متصدّی حمل و نقل وارد آید، بر ذمّهٔ چه کسی است؟

جواب الف تا آخر: صاحب اجناس بیش از فهرستی که به هنگام تحویل اموال ارائه کرده حق مطالبه ندارد؛ مگر این که بتواند با ادلّهٔ معتبر ثابت کند که اموال مذکور غیر از فهرست ارائه شده بوده، و جهت پایین آمدن اجرت حمل و نقل فهرست غیر واقعی ارائه کرده است.

سؤال ۵۸۰. شخص اوّل بابت طلب خود از شخص دوّم، چکی را دریافت می‌کند. سپس همان شخص اوّل بابت بدهی که به شخص سوّم داشته، آن را تحویل شخص سوم می‌دهد. در موعد مقرّر، شخص دوم که صادر کننده چک بوده، چون نتوانسته چک را پاس نماید، یک قرارداد معمولی با شخص سوم می‌نویسد و در آن ذکر می‌کند این چک امانت باشد تا زمانی که طلب خود را به شخص سوم پرداخت نماید. آیا چون تسلیم چک از ناحیهٔ شخص اوّل بوده، شخص دوم می‌تواند آن را به امانت به شخص سوم بسپارد؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۵۸۱. در اسفند ماه سال ۷۹ سه برادرِ زن اینجانب در منزل ما جلسه‌ای پیرامون مسائل ساختمان مشترکشان در حضور بنده و همسر و مادر همسرم تشکیل دادند که در نهایت صورت جلسه‌ای در یک نسخه تنظیم نموده و سه نفر امضا کردند و این صورت

جلسه را نزد مادرشان و در منزل ما به امانت گذاشتند و قرار بر این شد که بـه مـفاد آن عمل کنند و تاکنون نیز همان‌گونه عمل نموده‌اند. امّا حدود سه ماه پیش برادر بزرگتر با مراجعه به مادرش درخواست تنها نسخه اصلی صورت جلسه را نموده و ایشان نیز به او داده است. اکنون که دو برادر دیگر از این جریان مطّلع شده‌اند معترضند و کار به شکایت کشیده شده است. حکم شرع چیست؟

جواب: تحویل دادن آن نسخه منحصر به فرد، به یکی از آن سه نفر شرعاً جایز نبوده و باید به نحوی آن را جبران کند، زیرا امانتی بوده متعلّق به هر سه نفر.

سؤال ۵۸۲. با توجّه به مادّهٔ ۶۱۴ قانون مدنی که اشعار می‌دارد: «امین ضامن تلف یا نقصان مالی که به او سپرده شده نمی‌باشد، مگر در صورت تعدّی یا تفریط» چوپانی بر اساس عرف محلّی گوسفندان تعدادی از اهالی یک روستا را در اوایل فصل بهار تحویل، و پس از تعلیف در مراتع و صحرا در فـصل پـائیز آنـها را مـجدّداً بـه صـاحبان آن اعـاده می‌نماید. در حالی که ۶۰ رأس از گوسفندان مورد ودیعه در فـصل تـابستان بـه شکـل نامعلومی معدوم می‌گردند. با توجّه به این که چوپان‌ها دو نفر بوده و هر یک، از تعدادی اهالی گوسفند به ودیعه گـرفته لیکـن بـه خـاطر اداره کـردن بـهتر آنـها، خـود تـصمیم گرفته‌اند، به صورت اشتراکی گوسفندان را در قالب یک گله تعلیف نمایند، و هر یک از دو چوپان، دیگری را متّهم به معدوم نمودن گوسفندان مورد ودیعه می‌نماید، صاحبان آنها به چوپان خود مراجعه و مطالبه خسارت گوسفندان را نموده‌اند. یکی از چوپان‌ها مدّعی است در شبی که گوسفندان معدوم گردیده‌انـد در گـوسفند سـرا حـضور نـداشـته و بـه روستایی عزیمت و صبح به محل نگهداری گـوسفندان مـراجـعه نـموده است. چـوپانِ مدعی بر عدم حضور، اذن خاص و اجازه سپردن گوسفندان مورد ودیعه خود به چوپان دیگر را نداشته است سؤالاتی در این خصوص مطرح است:

الف) سپردن گوسفندان به چوپان دیگر بدون اذن مودع، تعدّی یا تفریط محسوب می‌شود، تا موجب ضمان گردد؟

جواب: در فرض سؤال چوپانی که در ابتدا گوسفندان به او سپرده شده ضامن است.

ب) در صورت داشتن ضمان به لحاظ قیمتی بودن گوسفند، آیا قیمت یوم التلف ملاک خسارت است یا یوم الاداء؟

جواب: ملاک قیمت یوم الاداء است.

ج) آیا خسارت ناشی از عدم النّفع قابل مطالبه و وصول است؟

جواب: خسارت ناشی از این گونه عدم النفع‌ها قابل وصول نیست.

سؤال ۵۸۳. پولی به شخصی امانت داده‌ایم. امین بدون اجازه ما آن را به حساب خود واریز نموده است. اگر سود یا جایزه‌ای به این پول تعلّق بگیرد به چه کسی می‌رسد؟

جواب: در این گونه موارد طرفین با یکدیگر مصالحه کنند.

فصل بیست و ششم: احکام ازدواج

مقدّمات نکاح

سؤال ۵۸۴. طبق سالنامهٔ آماری و طرح راهبرد ملّی مسکن جوانان در جمهوری اسلامی ایران، حدود هفت میلیون دختر و پسر در سنّ ازدواج وجود دارد که اکثریّت آنها از اقدام برای ازدواج، به علّت نداشتن مسکن مناسب عاجزند و بیشتر پدر و مادرها نیز به تنهایی توانایی رفع این مشکل را ندارند. لذا در راستای فعالیّت‌های مجمع ملّی خیّرین مسکن‌ساز جوانان، که به منظور رفع دغدغه‌های زوج‌های جوان بی‌مسکن تأسیس شده، چند سؤال شرعی مطرح می‌باشد، لطفاً پاسخ فرمایید:

الف) آیا اصلاح امر ازدواج جوانان به عنوان یک تکلیف شرعی بر مسلمانان واجب است؟

ب) آیا این وجوب مستقر است و لازمهٔ تحقّق آن بذل مال، به قدر وُسع از جانب مسلمین می‌باشد؟

ج) اگر وجوب مستقر است و بذل مال واجب، در شرایط کنونی که معضل به حال خود باقی است، آیا همهٔ مسلمین عند الله مسؤولند؟

جواب الف تا آخر: خداوند در قرآن مجید در مسألهٔ جوانان و افراد بدون همسر همه را مخاطب ساخته، یعنی وظیفهٔ عمومی قرار داده، و فرموده «وانکحوا الایامی منکم والصالحین من عبادکم وامائکم[1]...» بنابراین بر همه مسلمین لازم

---

۱. سورهٔ نور، آیهٔ ۳۲؛ ترجمه: «مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکارتان را؛ اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد؛ (فضل) خداوند واسع و (از نیازهای بندگان) آگاه است».

است که مقدّمات این ازدواج را نیز در وسع و توان فراهم سازند تا مشمول عنایات پروردگار شوند.

سؤال ۵۸۵. آیا دوست داشتن کسی از دورهٔ نوجوانی به‌خاطر ازدواج گناه است؟

جواب: دوست داشتن نامحرم تا زمانی که منتهی به گناه و معصیتی نگردد گناه‌محسوب نمی‌شود.

سؤال ۵۸۶. آیا دختر و پسر می‌توانند در مورد ازدواج دائم یا موقّت با همدیگر صحبت کنند؟

جواب: به مقداری که جهت ازدواج لازم است اشکالی ندارد، مشروط بر این که مسائل شرعی مراعات گردد.

سؤال ۵۸۷. چرا دختران نمی‌توانند به خواستگاری پسران بروند؟

جواب: این کار با روحیّات آنها سازگارتر، و به حیا نزدیک‌تر است؛ ولی اگر عرف جامعه بر این شود که دختران به خواستگاری پسران بروند شرعاً مانعی ندارد.

سؤال ۵۸۸. لطفاً پاسخ سؤالات زیر را مرقوم فرمایید:

الف) آیا همسریابی برای دیگران (به صورت تنظیم فرم ثبت نام و ارائه آن به متقاضیان) شرعاً جایز است؟

ب) در صورت جواز، آیا از مصادیق جعاله است و احکام جعاله بر آن صدق می‌کند؟

ج) اگر از مصادیق جعاله نیست، در قالب کدام یک از عقود معیّن شرعی می‌توان بابت این عمل (همسریابی) پولی دریافت کرد؟

جواب: این کار در صورتی که تمام جهات شرعی در آن رعایت گردد اشکالی ندارد و آنچه عاید می‌شود از قبیل حقّ الزحمه و حقّ الاجیر است و جعاله نیز می‌تواند باشد.

ازدواج‌های مجاز

سؤال ۵۸۹. در منطقه کشمیر آزاد تعداد سادات به صدها هزار نفر می‌رسد، که

اکثریّت‌شان اهل سنّتند، البتّه در سال‌های اخیر جهشی برای استبصار سادات در کشمیر شروع شده و تعداد قابل توجّهی مستبصر گشته و این حرکت رو به تزاید است. اکنون مشکلی پیدا شده، و آن این که بعضی‌ها این خبر را منتشر کرده‌اند که در مکتب تشیّع احترام لازم برای سادات قائل نیستند و عقد هاشمیّه با غیر هاشمی را جایز می‌دانند! نظر به این که علمای اهل سنّت اخیراً کتابی چاپ کرده و در آن فتاوی دو هزار نفر از مفتیان اهل سنّت از گذشته و حال را نقل نموده‌اند که عقد هاشمیه با غیر هاشمی جائز نمی‌باشد، و ما مستندی نداریم تا بتوانیم سادات را به طرف مکتب اهل‌البیت علیهم‌السلام تمایل دهیم و آنها را مستبصر نماییم.

لطفاً بیان فرمایید.

الف) عنوان سادات به چه کسانی اختصاص دارد؟

ب) آیا احترام سادات به لحاظ این که از سلالهٔ پیغمبر هستند لازم است؟

ج) در مناطقی که عقد سیّده با غیر سیّد اهانت به خانواده سادات محسوب شود، چنین عقدی جائز چه حکمی دارد؟

د) اگر سیّدی دخترش را به غیر سیّد بدهد، یا دختر خودسرانه به عقد غیر سیّد درآید، بستگان آن سیّد، آن دختر و پسر را می‌کشند. با توجّه به این مطلب، باز هم عقد سیّده با غیر سیّد جائز است؟

هـ) بعضی قبائل معروف که اجدادشان توسّط سادات مسلمان شده‌اند، از اسلاف خود وصیّت کتبی دارند که از خانواده سادات برای پسرانشان دختر نگیرند؛ ولی اگر سادات از آنها برای پسرشان خواستگاری کنند به آنها دختران خود را بدهند. آیا عمل نمودن به این وصیّت لازم است؟

جواب: ازدواج سادات کثر الله امثالهم با غیر سادات ذاتاً اشکال ندارد و در عصر ائمّه علیهم‌السلام معمول بوده و گاهی افراد غیر سیّد برای این که کسب افتخاری کنند همسری از سادات می‌گرفتند و نهایت احترام را مبذول می‌داشتند. ولی اگر در جایی این کار هتک محسوب شود، یا سبب مفاسدی گردد پرهیز از آن لازم است.

و سادات کسانی هستند که از طرف پدر به بنی‌هاشم منتهی می‌شوند و مرحوم صاحب جواهر رضوان الله تعالی علیه در جلد ۳۰ صفحهٔ ۱۰۶ به بعد، مواردی از ازدواج دختران هاشمی با غیرهاشمی را در عصر پیامبر و ائمّه علیهم‌السلام ذکر کرده است.

سؤال ۵۹۰. اگر زن شوهرداری زنا کند و پس از مدّتی از شوهرش جدا شود، آیا می‌تواند با مردی که زنا کرده ازدواج نماید یا بر او حرام می‌شود؟

جواب: کار بسیار بدی کرده‌اند ولی ازدواج آن دو پس از طلاق شرعی زن وگذشتن عدّه شرعاً حرام نیست؛ هر چند ترک آن بهتر است.

ازدواج‌های غیر مجاز

سؤال ۵۹۱. از نظر حضرتعالی وادار کردن دختران به ازدواج با کسانی که مورد علاقهٔ آنان نبوده و یا تفاوت سنّی زیادی با دختر دارند، جایز است؟

جواب: ازدواج دختران بدون رضایت آنها جایز نیست و عواقب سویی دارد.

سؤال ۵۹۲. آیا ازدواج دختر شیعه با پسر سنّی جایز است؟ هرگاه دختر شیعه بر چنین ازدواج اصرار بورزد و به هیچ صورت از آن منصرف نشود تکلیف ولیّ شرعی او چه خواهد بود؟

جواب: با توجّه به این که این کار موجب خوف خطر بر مذهب دختر شیعه و فرزندان آیندهٔ اوست، اشکال دارد؛ مگر این که آن جوان شیعه شود.

سؤال ۵۹۳. اخیراً برای دخترم که دانشجوی رشتهٔ رادیولوژی است، خواستگاری پیدا شده، که از فرقهٔ علی اللّهی می‌باشد. به نظر حضرتعالی ازدواج؛ چنین افرادی چه حکمی دارد؟

جواب: وصلت با اعضای فرقهٔ علی اللّهی جایز نیست. و اگر آن جوان منکر ضروریّات اسلام است، مسلمان نیست و عقد یک دختر مسلمان با او جایز نمی‌باشد و باطل است مگر این که آن جوان راه خیر و سعادت را در پیش گیرد و به افتخار اسلام درآید.

سؤال ۵۹۴. فردی با دختری نامزد بوده، سپس خالهٔ آن دختر را عقد کرده، و دخول هم صورت گرفته، و مدّتی با هم زندگی نموده‌اند. بعد از مدّتی خواهرزاده همان زن (نامزدش را) عقد کرده، در حالی که خاله به این ازدواج راضی نبوده است. سپس چند ماه با خاله و خواهرزاده زندگی کرده، آنگاه خاله را طلاق داده است. لطفاً بفرمایید:

الف) زندگی قبلی آنان از نظر شرعی چه حکمی داشته است؟

جواب: ازدواج با خواهرزاده زوجه بدون رضایت وی جایز نیست.

ب) بعد از طلاق دادن خاله در صورت رضایت، یا عدم رضایت ایشان به ازدواج با خواهرزاده‌اش، حکم چیست؟

جواب: هرگاه خاله را طلاق دهد و عدّه‌اش سپری شود با خواهرزاده او می‌تواند ازدواج کند.

ج) بر فرض بطلان عقد خواهرزاده، آیا نام برده نیاز به طلاق دارد یا بدون طلاق از شوهرش جدا می‌شود؟

جواب: نیاز به طلاق ندارد.

د) با توجّه به این که دختر منکوحه بی‌سواد بوده و نسبت به مسائل شرعی آگاهی نداشته آیا حقّ مطالبهٔ مهریّه دارد؟

جواب: در صورتی که آمیزشی صورت گرفته، حق گرفتن مهر المثل را دارد.

سؤال ۵۹۵. اینجانب همسر شخصی شده‌ام که پیرو فرقهٔ اسماعیلیّه (۶امامی) است. با رفت و آمدهای بسیار و تحقیق فراوان متوجّه شده‌ام که آنها پیرو هیچ امامی نمی‌باشند و جزء فرقهٔ حسن صباح بوده، و او را به عنوان خداوند الموت یاد می‌کنند.

و دربارهٔ امامیّه قائلند که ما مرده‌پرست هستیم! اگر در مکّه قبور ائمّه را بازسازی کنند، کسی به کعبه نگاه نمی‌کند و اعتقاد دارند که امام غائبی وجود ندارد و امام حاضر را قبول دارند و طبق فرمان او عمل می‌کنند و امام حاضر آنها شخصی به نام شاه کریم حسینی است که در فرانسه با خانواده‌اش زندگی می‌کند و لقب شاه دارد، و تمام مبانی دینی آنها عکس فرامین قرآن مجید است. با توجه به مطالب فوق لطفاً بفرمایید:

الف) آیا من به عنوان یک زن مسلمان می‌توانم با چنین شخصی که می‌خواهد دین عزیز اسلام را از من سلب نماید زندگی کنم؟

ب) الان مدّتی از ازدواج ما می‌گذرد و صاحب دو فرزند هستیم تکلیف ما چیست، آیا باید به دادگاه برویم و طلاق بگیریم، یا این که ازدواج ما از اول باطل بوده و نیاز به طلاق ندارد؟

جواب: هرگاه کسی از اسماعیلیّه به آنچه در بالا نوشته‌اید معتقد باشد ازدواج با او از اوّل باطل است. و شما اگر این مطلب را برای دادگاه ثابت کنید حکم به طلاق شما خواهند کرد؛ ولی در عین حال یک طلاق صوری برای جلوگیری از سخن این و آن مناسب است.

سؤال ۵۹۶. برخی از والدین برای مقاصد خاص، اعم از ادای دین و قرض، تأمین معاش و یا مواد مخدّر، ارتقای شغلی و مانند آن، دختران کم سنّ و سال خود را مجبور به ازدواج می‌کنند و در حقیقت با این ازدواج اجباری، دختر خود را به فروش می‌رسانند، بدون این که به آیندهٔ اسفبار او توجّهی داشته باشند. آیا از نظر شرعی مجاز به این کار هستند؟

جواب: بدون شک این قبیل کارها حرام است و از گناهان بزرگ محسوب می‌شود و احتیاج به سؤال ندارد و عقد آنها باطل است.

سؤال ۵۹۷. در برخی از خانواده‌های ایرانی، به ویژه در شهرستان‌های کوچک و دارای باورهای غلط، رسم بر این است که فرزندان خود را از کودکی به نام هم نشان کرده، تا در بزرگسالی با یکدیگر ازدواج کنند. از سوی دیگر در دین مبین اسلام ازدواج باید با رضایت دختر و پسر باشد، امّا در بسیاری از موارد افراد مورد بحث، نسبت به چنین ازدواج‌هایی رضایت نداشته و تنها با فشار والدین تن به آن می‌دهند و این نارضایتی زندگی مشترک و زناشویی آنان را دچار مشکلات بسیار کرده و حتّی گاه به طلاق می‌انجامد. آیا از نظر شرعی پدر و مادر و بستگان مجاز به این کار هستند؟

جواب: سزاوار است پدران و مادران احکام شرع را دربارهٔ فرزندانشان رعایت

کنند تا آنها خوشبخت شوند و اگر ازدواج اجباری و بدون رضایت دختر باشد باطل است و در صورت ازدواج برای همیشه باهم نامحرمند.

سؤال ۵۹۸. در بسیاری از جوامع مسلمین، خاصّه در مناطق شیعه‌نشین بلتستان، مرسوم است که والدین، عقد پسران و دختران صغیر را در حال صغر و قبل از بلوغ منعقد می‌کنند. وقتی پسر یا دختر به حدّ بلوغ می‌رسد عقد را نپذیرفته و می‌گوید این شخص را برای همسری نمی‌پسندم. آیا این نکاح که توسّط اولیای طرفین یا ولیّ دختر یا ولیّ پسر منعقد شده خود به خود باطل می‌شود، یا نیاز به طلاق دارد؟

جواب: در صورتی که چنین عقدهایی از ابتدا به مصلحت صغار نبوده باشد باطل است و نیازی به طلاق ندارد. و در زمان ما غالباً به مصلحت نمی‌باشد.

سؤال ۵۹۹. همزمان با رشد جرائمی تحت عنوان جرائم سازمان‌یافته، امروزه شاهد تجارت جدیدی به نام تجارت انسان هستیم! زنان و دختران بیشترین قربانیان این عمل هستند؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از اقشار مذکور به زور به ازدواج افرادی در می‌آیند و در قبال این مسأله، پول و درآمدی به عاملان این امر داده می‌شود. لطفاً بفرمایید:

الف) چه آثاری می‌توان بر این عقد بار کرد؟

ب) فرزند متولّد شده از این رابطه چه حکمی دارد؟

ج) آیا مقرّرات ارث و میراث در این خصوص پیاده می‌شود؟

د) وظیفهٔ دولت و نهادهای مسئول در این رابطه چیست؟

جواب الف تا آخر: بدون شک این کار یکی از زشت‌ترین کارهاست که از نظر شرع مقدّس اسلام ممنوع و مشتمل بر محرّمات فراوانی است. بر حکومت اسلامی واجب است جلوی آن را با قوّت و قدرت بگیرد و عاملین آن را مجازات کند. و بر رسانه‌های گروهی نیز لازم است مردم را در این زمینه روشن سازند، تا در دام این شیاطین انسان‌نما نیفتند. و امّا از نظر صحّت عقد، چنانچه زن به هنگام عقد راضی نبوده و پس از آن هم هرگز راضی نشده چنان عقدی باطل است و زن می‌تواند بدون طلاق (البته با رعایت عدّه) با شخص دیگری ازدواج کند

و فرزندی که از چنین ازدواجی به دنیا می‌آید نامشروع است و از پدر و مادر خود ارث نمی‌برد و آنها هم از او ارث نمی‌برند. و بر همگان مخصوصاً مسؤولین لازم است تمهیداتی بیندیشند که عملاً از وقوع چنین ازدواج‌هایی جلوگیری شود.

چگونگی صیغهٔ عقد

سؤال ۶۰۰. دختر بالغهٔ رشیده باکره بدون اذن پدر به عقد زید درآمده است. پدرِ دختر مقلّد مرحوم آیت الله حکیم بوده و اکنون نیز با اجازهٔ مراجع حیّ بر تقلید ایشان باقی است. فتوای آقای حکیم این است که «هرگاه دختر باکرهٔ بالغه بدون اذن پدر به عقد کسی درآید، و بعداً پدر بفهمد و عقد را فسخ کند، عقد باطل می‌شود» اکنون پدر طبق فتوای مذکور عقد را فسخ کرده است. ولی دختر مقلّد مرجعی است که برای پدر دختر حقّ فسخ قائل نیست. آیا این عقد با فسخ پدر باطل می‌شود؟

جواب: چون طرف عقددختراست اومی‌تواند به‌فتوای مرجع تقلید خود عمل‌کند.

سؤال ۶۰۱. آیا می‌توان صداق و مهر را قبل از انشای صیغهٔ عقد مطرح نمود، سپس صیغهٔ عقد دائم را بدون ذکر صداق و مهر جاری کرد؟ مثل این که زن فقط بگوید: «زوّجتك نفسی علی الصداق المعلوم» ومرد نیز بگوید: «قبلت التّزویج» این صیغه چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۶۰۲. زن و مردی به دلائل مختلف (خانوادگی و اجتماعی و مانند آن) بدون اجرای عقد به طریق شرعی، زندگی مشترک خویش را آغاز کرده، و پس از گذشت سال‌ها دارای فرزندانی هستند، که باعث گرمی کانون خانواده‌شان می‌باشند. آیا آنها زن و شوهر محسوب می‌شوند؟ آیا فرزندانشان ارث می‌برند؟ آیا احکام حلال‌زاده بر آنها مترتّب می‌شود؟ آیا عقد معاطات در عقد دائم یا موقّت صحیح می‌باشد؟

جواب: هرگاه به مسائل شرعی ناآگاه بوده و تصوّر می‌کردند ازدواج نیاز به

صیغهٔ عقد ندارد، فرزندان آنان نامشروع نیستند، و ارتباطات زناشویی آنها تا کنون اشکال نداشته است. ولی از این پس باید فوراً صیغه عقد را بخوانند و قبل از آن هیچ‌گونه تماسّ زن و شوهری با هم نداشته باشند و نکاح معاطاتی صحیح نمی‌باشد.

سؤال ۶۰۳. دختر باکرهٔ شیعی بدون اذن پدر خود همراه با مردی سنّی دست روی قرآن گذاشته و سوگند خورده‌اند که با هم زن و شوهر باشند و پس از آن با یکدیگر آمیزش کرده‌اند. بر اساس این فرض که طرفین با عمل و سوگند خود، واقعاً قصد انشای عقد نکاح را داشته‌اند، بفرمایید:

الف) آیا سوگند مزبور برای انعقاد نکاح، کافی است؟

ب) بر فرض عدم صحّت نکاح، آیا می‌توان بر آنها حدّ زنا جاری نمود؟

ج) بر فرض عدم صحّت نکاح، آیا دختر می‌تواند بدون طلاق از مرد مزبور جدا شده، و با مرد دیگری ازدواج کند؟

د) بر فرض عدم صحّت نکاح، آیا دختر استحقاق مهرالمثل یا ارش البکارة دارد؟

ه) بر فرض صحّت نکاح، اگر احتمال عقلایی تغییر مذهب دختر در اثر تأثیرپذیری از شوهر وجود داشته باشد چه باید کرد؟

جواب: سوگند مذکور برای انعقاد نکاح کافی نیست؛ ولی چنانچه آنها خیال می‌کردند همین مقدار کفایت می‌کند مرتکب گناهی نشده و مستوجب حدّ شرعی نیستند. و آنها با هم بیگانه هستند؛ ولی دختر مستحق مهرالمثل است و پس از گذراندن عده وطی به شبهه با هر کس که مایل باشد می‌تواند ازدواج کند.

سؤال ۶۰۴. لطفاً به سؤالات زیر در مورد صیغهٔ عقد پاسخ فرمایید:

الف) کسی که به مسائل اجرای عقد آگاهی دارد، امّا به قواعد عربیّت علم ندارد، و نسبت به مفاهیم و عبارات صیغه عقد جاهل است، می‌تواند صیغهٔ عقد ازدواج را جاری کند؟

جواب: هرگاه اجمالاً معنی صیغهٔ عقد را بفهمد اجرای صیغهٔ عقد توسّط او مانعی ندارد و احتیاطاً به فارسی هم بخوانند.

ب) کسی که صیغهٔ عقد نکاح را خوانده و یک کلمهٔ آن را غلط خوانده، به طوری که اخلال به معنی مقصود نمی‌زند، و بعد از دخول، این مطلب برای او آشکار شده، آیا نکاح او صحیح است؟

جواب: در فرض سؤال نکاح او صحیح است.

ج) اگر عاقد در بین خواندن صیغه حرف بزند چه صورت دارد؟

جواب: هرگاه موالات عقد به هم نخورد اشکال ندارد.

د) گرفتن بله از عروس برای نکاح موقّت از طریق تلفن و خواندن صیغهٔ عقد، چه حکمی دارد؟

جواب: گرفتن وکالت به وسیلهٔ تلفن جایز نیست چون صداهای مشابه یکدیگر فراوانند؛ مگر این که یقین قطعی پیدا کند که گوینده فرد مورد نظر است. ولی اگر اختلافی با هم پیدا کنند این قبیل عقدها در محاکم شرعی و عرفی پذیرفته نیست.

اولیای عقد

سؤال ۶۰۵. دختری هستم تحصیل کرده که ۲۹ سال از عمرم می‌گذرد. خواستگارانی برایم آمده و پدرم هر دفعه به بهانه‌ای واهی جواب منفی می‌دهد، در حالی که حقیقتاً نیاز به شوهر دارم. اخیراً فردی که از هر جهت متدیّن است به خواستگاری آمده، که شدیداً مایلم با او ازدواج کنم. از نظر شرع و عرف کفو خوبی برای من می‌باشد و همهٔ مردم او را قبول دارند و سابقهٔ درخشانی بین مردم دارد. امّا باز هم پدرم مخالفت می‌کند. تکلیفم از نظر شرع مقدس چیست؟

جواب: اگر شوهری که برای شما پیدا شده عرفاً و شرعاً کفو و مناسب شما باشد، پدر حق مخالفت ندارد و رضایت او شرط نیست.

سؤال ۶۰۶. هفت خواهریم که از کوچکی شروع به بافتن قالی کرده‌ایم. در حال حاضر سه نفر از خواهران ازدواج کرده، و بقیّه در خانه مانده‌ایم. ما هر روز ساعت ۴ صبح از خواب برخواسته، و تا ۶ غروب قالی می‌بافیم. امّا باز هم پدر و مادر از ما راضی نیستند

و می‌گویند «شبها هم قالی ببافید». فرصت کافی برای استراحت و تفریح نداریم. حتی وقتی از آنها می‌خواهیم ما را به حرم حضرت معصومه علیها السلام ببرند، اجازه نمی‌دهند و دستمزد کار ما را هم خرج می‌کنند، و به خاطر کار قالی‌بافی خواستگارهای ما را رد می‌کنند و حتی گاه ما را کتک می‌زنند. این اعمال چه حکمی دارد؟

جواب: پدر و مادر حق ندارند حاصل دسترنج دخترانشان را بدون اجازه و رضایت آنها خرج کرده، یا آنها را مجبور به کار خاصّی نموده، و خواستگاران مناسب آنها را رد کنند. و در صورتی که خواستگار مناسبی یافت شود که به تصدیق بزرگترهای فامیل کفو و مناسب دختر باشد می‌توانند بدون اذن پدر با هم ازدواج نمایند، و حق الزحمهٔ کارهای خویش را می‌توانند از پدر بازپس بگیرند.

سؤال ۶۰۷. هرگاه دختر بالغی بدون اذن پدر یا جد، اقدام به ازدواج نماید، و مخالفت پدر یا جد پدری به علّت یا علل موجّهی باشد، و پدر و جد به هیچ وجه حاضر به اجازه و امضای عقد نباشند، آیا ازدواج مذکور (حتی در فرض ازالهٔ بکارت دختر به واسطهٔ این نکاح) باطل است؟

جواب: شایسته است در چنین مواردی ولیّ دختر اجازه دهد.

سؤال ۶۰۸. لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) منظور از رشیده بودن دختر چیست؟ چگونه می‌توان رشد یک دختر را به صورت مصداقی تشخیص داد؟

ب) آیا دختر رشیده در ازدواج نیاز به اذن پدر دارد؟

ج) درصورت لزوم اذن پدر، آیا این اذن شرط صحّت عقد است؟

د) در ازدواج موقّت دختر رشیده با شرط عدم دخول، اذن پدر چه حکمی دارد؟

جواب: رشد بر دو گونه است: ۱. رشد جسمانی؛ یعنی آمادگی برای مواقعه داشته باشد. ۲. رشد فکری؛ یعنی مصلحت و مفسده خود را تشخیص دهد و مثلاً بداند ازدواج موقّت آینده او را تباه می‌کند و در هر صورت بدون اذن پدر ازدواج با دختر باکره جایز نیست.

شرایط عقد ازدواج

سؤال ۶۰۹. صیغه عقدی به صورت دائم بین زوجین خوانده شده و در ضمن آن شرط شده که این صیغه فقط برای محرمیّت است، آیا این صیغه با این قید درست است؟

جواب: عقد مذکور صحیح است، ولی این شرط خالی از اشکال نیست.

سؤال ۶۱۰. اگر در ازدواج رضایت قلبی وجود نداشته باشد عقد چه حکمی دارد؟ در صورتی که صحیح نباشد، تکلیف زوجین چیست؟

جواب: اگر واقعاً رضایت قلبی نبوده عقد باطل است؛ ولی به حسب ظاهر بعد از اجرای صیغه آنها زن و شوهرند مگر این که یکی از آن دو بتوانند ثابت کند که رضایت قلبی نداشته است.

سؤال ۶۱۱. در عقدنامه‌های رسمی به عنوان شرط ضمن عقد، زوج به زوجه وکالت می‌دهد در صورت تحقّق شرایط خاصّی خود را مطلّقه نماید. از جمله در بند اوّل مقرر می‌دارد: «در صورتی که زوجه پس از گذشت پنج سال، از شوهر خود به جهت عقیم بودن و یا عوارض جسمی دیگر زوج، صاحب فرزند نشود وکالت در طلاق دارد».

در فرض فوق چنانچه مرد عقیم ذاتی نباشد بلکه عمل وازکتومی (بستن لوله‌های انتقال اسپرم) انجام داده باشد، آیا از مصادیق بند مذکور بوده، و موجب تحقق وکالت در طلاق است؟

جواب: شرط مذکور انصراف به عقیمی ذاتی دارد.

سؤال ۶۱۲. از جمله شرایط مندرج در سند ازدواج، که بین زوجین تنظیم شده، عبارتی به این شرح است: «با توجّه به شاغل بودن زوجه، کلیّهٔ درآمد زوج و زوجه به صورت ملکیّت اشتراکی مصرف، یا پس انداز گردد».

الف) آیا مضمون این شرط تعهّد به تشکیل شرکت ابدان است؟ و آیا یکی از زوجین می‌تواند طرف دیگر را ملزم به انجام آن نماید؟

ب) با عنایت به این که ابتدای تاریخ انجام شرط مبهم است و مدّت هم ندارد و میزان و نسبت سهام هر یک از زوجین هم معلوم نیست، از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: این شرط از جهات مختلف اشکال دارد.

سؤال ۶۱۳. آیا در نکاح دائم، شرط عدم دخول صحیح است؟

جواب: اشکال دارد و شرط باطل است، امّا عقد صحیح است.

عیوب فسخ نکاح

سؤال ۶۱۴. در فقه شیعه عیوبی موجب فسخ نکاح می‌شود و برخی از آنها اجماعی است، و روایات معتبری نیز دارد.

آیا عیوبی که امروزه پیدا شده (مانند «ایدز»، «هپاتیت»، «اعتیاد») و گاه در همهٔ ابعاد بدتر و خطرناک‌تر از عیوب منصوصه است، موجب خیار فسخ نمی‌گردد؟ آیا با تنقیح مناط، الغای خصوصیّت از روایات و مانند آن، نمی‌توانیم این عیوب را از حیث حکم ملحق به عیوب منصوصه بدانیم؟

جواب: هرگاه به تصدیق عرف و عقلا این عیوب بدتر باشد بعید نیست احکام مربوط به فسخ در چنان عیوبی نیز جاری شود.

سؤال ۶۱۵. یکی از مواردی که امروزه در دادگاه‌های خانواده از دلایل طلاق عنوان می‌شود، موضوع فریب در ازدواج است. در چنین پرونده‌هایی، که زوج یا زوجه با توسّل به شیوه‌هایی واقعیّت را کتمان کرده و به فریب و دروغ روی آورده و رضایت طرف مقابل را برای انجام عقد کسب می‌کنند، آیا عقد جاری شده بین زوج و زوجه صحیح است؟

جواب: در صورتی که قبل از عقد مطالب خلافی را نسبت به صفات خود به طرف مقابل بگوید و بر اساس آن همسر راضی به عقد شده و پس از عقد حقیقت فاش گردد و همسر راضی به آن نشود عقد صحیح است ولی حقّ فسخ نکاح را دارد.

عیوب زنان

سؤال ۶۱۶. شخصی بعد از گذشت مدّتی از تاریخ ازدواج متوجّه وجود بیماری در زوجهٔ خود می‌گردد. پس از مراجعه به پزشکان متخصصّ، به وجود بیماری صرعِ حادِّ درمان‌ناپذیر پی می‌برد، که از بدو تولّد زوجه را آزار می‌داده و قبل از عقد از طرف زوجه و خانوادهٔ وی هیچ اشاره‌ای به این موضوع نشده است.

لازم به توضیح است که وضعیّت زوجه تا حدّی ناهنجار است که مانع از زندگی سالم و بی‌دغدغه و نیز مانع از بچّه دارشدن وی شده است چراکه بیم انتقال بیماری به طفل به لحاظ ژنتیکی بودن آن می‌رود. در ضمن زوج به طور ضمنی به شرط سالم بودن زوجه تصمیم به ازدواج با ایشان گرفته است. حال با توجه به مطالب فوق، لطفاً بفرمایید:

الف) آیا فسخ نکاح در این مورد از باب تدلیس یا تخلّف از شرط ضمن عقد نکاح امکان دارد؟

ب) آیا می‌توان بیماری مذکور را از عیوب مجوّز فسخ نکاح دانست؟

ج) آیا مهر المسمّای زوجه بعد از وقوع نزدیکی باید پرداخته شود؟

د) آیا زوج می‌تواند به علّت کتمان حقیقت زوجه و خانواداش، مطالبهٔ ضرر و زیان کند؟

جواب الف تا آخر: صرع به تنهایی از عیوب موجب فسخ نیست؛ ولی اگر قبلاً شرطی در زمینه سلامت زوجه شده، از باب تخلّف شرط یا تدلیس می‌توان فسخ کرد و در صورتی که تدلیس ثابت شود مهرالمثل را می‌توان از شخص تدلیس کننده گرفت و اگر تدلیس کننده شخص زوجه باشد مهریّه‌ای به او تعلق نمی‌گیرد.

سؤال ۶۱۷. برص نوعی بیماری پوستی است، که از جمله عوارض آن بروز تغییر رنگ پوست، و سفید شدن موضعی آن می‌باشد. اهمیّت بررسی و درک صحیح آن در فرهنگ اسلامی بدان جهت است که این عارضه در احکام فقهی و قانون ازدواج و طلاق مورد نظر قرار گرفته، و هنگامی که پس از عقد ازدواج مشخّص شود زن مبتلا به برص بوده، و مرد از آن اطّلاعی نداشته، می‌تواند عقد ازدواج را فسخ کند. برخی از پزشکان معتقدند که در خیلی از موارد برص قابل معالجه است. اگر بنا باشد که با تغییر رنگ سطحی پوست عقد ازدواج قابل فسخ باشد، پس بیماری‌های بسیار خطرناک‌تر مانند بیماری‌های پیشرفتهٔ کبد، بیماری‌های روماتیسم و مزمن قلبی، بیماری‌های مزمن کلیوی، بیماری‌های دیابت قندی، و بعضی از بیماری‌های خونی و مانند آن، همه باید قابل فسخ عقد باشند. نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: تحقیقات ما نشان داد که دو نوع برص داریم: یک نوع بیماری پوستی است که به آسانی درمان می‌شود؛ این نوع از عیوب نکاح نیست. نوع دیگری است که بیماری سختی محسوب می‌شود و اگر دارای این نوع باشد سبب خیار فسخ نکاح است.

سؤال ۶۱۸. پزشکان می‌گویند بیماری MS ویروس نهفته‌ای است که امکان دارد سال‌ها خود را نشان ندهد و با به وجود آمدن شوک‌های ناگهانی عصبی و اضطراب و ترس و وحشت، علایم خود را نمایان سازد.

خانمی در سال ۸۱ ازدواج کرده و ۶ ماه پس از عقد نیز عروسی نموده و در مدّت عقد کاملاً با همسرش معاشرت و رفت و آمد داشته، و در خرداد ماه سال ۸۴ نیز صاحب فرزندی شده، که اکنون ۹ ماه است. در طول مدّت بعد از ازدواج بر اثر فشارهای مختلف جسمی و روحی پیش آمده، دچار علایمی شده، که بعد از مراجعه به پزشک در سال ۸۳ مشکوک به MS شناخته شده، که با کم‌توجّهی همسرش روز به روز بدتر شده است. اکنون حدود یک ماه است که با دخالت پدر و مادر خانم درمان سریع و کاملی برایش شروع شده، که به گفتهٔ پزشک معالج با مصرف دارو به مرور و حداکثر کمتر از یک سال حداقل ۶۰ درصد بیماری کاملاً رفع می‌شود. شایان ذکر است که ایشان هم اکنون نیز قادر به معاشرت و تمکین از همسرش بوده، و توانایی انجام کارهای شخصی و راه رفتن را به خوبی دارد. لطفا بفرمایید:

الف) آیا بیماری مذکور از جمله بیماری‌های موجب فسخ نکاح است؟

ب) آیا شوهرش می‌تواند به عنوان تدلیس (در صورتی که در زمان عقد علائمی نداشته) نکاح را فسخ کند؟

جواب الف و ب: بیماری مذکور موجب فسخ نکاح نمی‌شود.

عیوب مردان

سؤال ۶۱۹. زنی که دارای فرزندی از شوهرش می‌باشد تقاضای فسخ نکاح نموده،

و مدّعی شده که به دلیل عنن شوهر، هنوز باکره و غیر مدخوله است. و در پاسخ این سؤال که: چگونه حامله شده؟ اظهار داشته در اثر ملاعبه با شوهرش بدون مواقعه حامله شده است. از طرفی با توجّه به این که زایمان این زن از طریق غیر طبیعی (سزارین) بوده، در هنگام وضع حمل، بکارت او زایل نشده است، لطفاً بفرمایید:

الف) با فرض حلقوی بودن پرده بکارت (که در صورت دخول نیز از بین نمی‌رود) و همچنین در صورت حلقوی نبودن آن، آیا زن مزبور می‌تواند بعد از گذشت حدود یک سال از ازدواجش تقاضای فسخ نکاح نماید؟

ب) راه اثبات عنن چیست؟

ج) آیا برای اثبات عنن زوج، می‌توان به نظریهٔ کارشناسی استناد کرد؟

جواب: الف تا ج) ادّعای این زن پذیرفته نیست؛ مگر این که کارشناسان مورد اطمینان بر این معنی گواهی دهند. که در این صورت حاکم شرع مدّت یک سال دیگر به شوهر مهلت می‌دهد تا خود را معالجه کند اگر معالجه نکرد زن حق فسخ را دارد؛ مشروط بر این که تا کنون رضایت به این ازدواج نداده باشد.

سؤال ۶۲۰. جوانی ازدواج نموده، و رسماً عروسی کرده، ولی در شب زفاف موفّق بر آمیزش نشده است. داماد نزد دکتر رفته و دکتر گفته: مشکلی از نظر جنسی ندارد. خانواده عروس متقاضی طلاق هستند. لطفاً بفرمایید:

الف) آیا مهریّه‌ای به عروس تعلّق می‌گیرد؟

ب) این جوان حدود هفت میلیون از قبیل خرج عقد و عروسی و شیربها و طلا و جواهرات و مانند آن هزینه کرده است. آنچه باقی مانده از نظر شرعی متعلّق به چه کسی است؟

جواب: عروس نمی‌تواند به مجرّد عدم توانایی زوج در شب اوّل طلاق بگیرد؛ بلکه نزد حاکم شرع می‌رود و به زوج مهلت می‌دهد که یک سال به معالجه خود بپردازد هرگاه معالجه نشد زوجه می‌تواند عقد را فسخ کند و نصف مهر خود را بگیرد و در صورت فسخ داماد نمی‌تواند هزینه را بگیرد امّا اشیایی را که موجود است را می‌تواند بازپس بگیرد.

سؤال ۶۲۱. شخصی از دختری خواستگاری نموده و عقد دائمی نیز جاری شده و زوجه در این مدت در خانهٔ پدری بوده و همزمان با تهیهٔ جشن عروسی و رفتن عروس به خانه داماد، داماد با حضور در آزمایشگاه به عنوان معتاد رسمی شناخته شده که هم در خون و هم در ادرارش اعتیاد نشان داده شده است. همزمان با پخش کارت‌های دعوت و تشخیص اعتیاد داماد، داماد پا به فرار گذاشته و عروس را بلاتکلیف رها کرده در حالی که مجموعه جهیزیّهٔ عروس که توسّط پدر عروس تهیّه شده بود به خانهٔ داماد انتقال داده شده است. عروس بعنوان این که شرط ضمن العقد داشته که در اثر ترک بدون عذر داماد به حاکم شرع مراجعه کند، به حاکم شرع مراجعه کرده، و هم مهریهٔ مؤجّلش را اجرا گذاشته، و هم تقاضای تعیین تکلیف نموده است. در حالی که داماد همچنان متواری است و از حضور در محضر حاکم شرع امتناع دارد. لطفا به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) آیا اعتیاد جزء عیوب شرعی موجب فسخ عقد می‌باشد؟

ب) عروس حق بازگرداندن جهیزیّه‌اش را زیر نظر حاکم شرع دارد؟

ج) از آنجاکه مهر مؤجّل عند المطالبه می‌باشد، آیا حق مطالبه آن را دارد؟

د) با توجّه به این که داماد متواری است اگر ضرر و زیان مالی از این ناحیه متوجّه زوجه شود، شوهر ضامن است؟

هـ) طبق شرط ضمن العقدی که زوجه دارد اگر دچار عسر و حرج و بلا تکلیفی شود حق رجوع به حاکم شرع و درخواست طلاق غیابی از شوهر دارد؟

جواب: اعتیاد جزء عیوب مجوز فسخ نکاح نیست؛ ولی چنانچه زوجه طبق شروط موجود در عقدنامه‌های عصر و زمان ما در صورت اعتیاد شوهر برای خود حقّ وکالت در طلاق قرار داده و زوج آن شرایط را امضا کرده باشد، حق دارد با استفاده از آن وکالتاً خود را طلاق دهد و حقّ نصف مهریّه را دارد. و در هر حال می‌تواند جهیزیّه خود را بازگرداند. همچنین اگر زوج تدلیس نموده، و اظهار کرده باشد معتاد نیست و بعد از آن کشف خلاف شده باشد زوجه با استفاده از خیار تدلیس می‌تواند نکاح را فسخ کند.

گروهی از زنانی که ازدواج با آنها حرام است

سؤال ۶۲۲. در رسالهٔ حضرتعالی آمده که: «اگر زنی نوهٔ دختری خود را شیر دهد دخترش بر دامادش حرام می‌شود» آیا ندانستن مسأله تأثیری در حکم دارد؟

جواب: طبق فتوای اخیر ما چنان مردی بر همسرش حرام نمی‌شود.

سؤال ۶۲۳. آیا ملاک محرمیّت در خصوص پوشش، به ویژه در خصوص بانوان در حضور مردان محرم، صرف حرام بودن ازدواج آن زن با آن مردان است، یا ملاک محرمیّت چیزی غیر از ملاک حرمت ازدواج می‌باشد؟

جواب: حرمت ازدواج دلیل بر محرمیّت است، مگر در مواردی که این حرمت موقّتی است؛ مانند خواهرزن.

سؤال ۶۲۴. آیا همسر مرد، چه در ازدواج دائمی و چه در موقّت، بر دایی و عموی شوهر محرم می‌باشد؟

جواب: زوجه، به دایی و عموی شوهر خود محرم نیست.

احکام عقد دائم

۱. خروج از منزل

سؤال ۶۲۵. اینجانب سال‌ها از دیدن اقوام درجه یک از جمله برادرانم که یکی به دلیل عمل جرّاحی در بیمارستان بستری بوده، و دیگری به دلیل تصادف، سه ماه است که در اغما به سر می‌برد، محروم شده‌ام. اینک پدرم دچار بیماری شدید قلبی شده و عمل جرّاحی دارد و هیچ امیدی به زنده بودن وی نیست. لذا یکی از دوستانش همسرم را در جریان قرار داده و به دیدن پدرم رفته‌ام. آیا اکنون که به عیادت پدرم در بستر بیماری رفته‌ام ناشزه محسوب می‌شوم؟ آیا همسرم می‌تواند به همین علّت مرا از دریافت نفقه محروم کند؟

جواب: زنان در چند مورد می‌توانند بدون اجازهٔ شوهر از منزل خارج شوند:

۱. در مورد انجام واجبات (مانند حجّ واجب و صلهٔ رحم نسبت به پدر و مادر

و برادر و خواهر و امثال آن به مقدار لازم) ۲. فرا گرفتن احکام اسلام مثل این که به مسجد برود تا در آنجا احکام اسلامی را بشنود. ۳. در مورد تهیّهٔ اجناس ضروری و لوازم منزل در صورتی که همسرش یا شخص دیگری برای او انجام ندهد. ۴. برای رأی دادن در انتخابات، یا شرکت در راهپیمایی‌های ضروری. ۵. همچنین در مورد مراجعه به طبیب.

۲. مهریه

سؤال ۶۲۶. اگر مهریّه تقسیط گردیده، و اوّلین قسط توسّط زوج پرداخت شده باشد، آیا زوجه همچنان می‌تواند از حق حبس خود استفاده کند، یا ملزم به تمکین می‌باشد؟

جواب: زوجه باید با دریافت اوّلین قسط تمکین کند؛ بلکه طبق فتوای اخیر ما تمکین متوقّف بر دریافت مهریّه نیست. البتّه زوج در صورتی که توانایی دارد، باید مهریّه نقد را بپردازد و اگر کوتاهی کند حاکم شرع می‌تواند او را تحت فشار شدید قرار دهد.

سؤال ۶۲۷. احتراماً از محضر مبارک شما چند سؤال داریم:

الف) آیا تعلیق در مهریّه صحیح می‌باشد؟ مثلاً گفته شود تعداد ۱۴ سکه تمام بهارآزادی را در صورتی که در دانشگاه قبول شدم تعیین می‌نمایم.

ب) آیا زوج می‌تواند مهریّه را نیمی از دارائی خود که در هر زمان به دست می‌آورد قرار دهد؟

ج) آیا می‌توان پرداخت مهریه را به ۱۰ سال بعد از عقد ازدواج موکول کرد؟

د) آیا می‌توان مال معلوم موجود در آینده را به عنوان مهریّه قرار دارد؟ مثلاً آیا جایز است یک باب منزل مسکونی واقع در منطقه ۱۰ تهران با یکصد متر زیربنا و قیمت تقریبی ۲۰ میلیون تومان را به عنوان مهریّه تعیین کرد؟

جواب: سه صورت اوّل اشکال دارد؛ ولی صورت چهارم مانعی ندارد.

سؤال ۶۲۸. زنی که قصد جدایی دارد و به هیچ وجه حاضر به زندگی نیست، آیا در زمان عقد می‌تواند تقاضای مهریّه کند؟

جواب: در صورتی که مهریّه عند المطالبه باشد زن حقّ مطالبهٔ آن را دارد. و چنانچه برای دادگاه اعسار زوج از پرداخت نقدی مهریّه ثابت شود آن را تقسیط می‌کند و زوجه با دریافت اوّلین قسط باید تمکین کند.

سؤال ۶۲۹. آیا مقتضای عقد نکاح، وجوب تقابض مهریّه و بضع است، یا واجب است نخست مهریّه تسلیم گردد؟

جواب: در صورتی که زن و مرد به هم اعتماد نداشته باشند باید مهریّه را نزد شخص امینی بگذارند و زن تمکین کند بعد مهریّه را به او بدهند.

سؤال ۶۳۰. در صورتی که زوجه به منظور دریافت مهریّه، یا عدم رضایت به سکونت در خانه یا شهر معیّن، و به جهت عذر شرعی از تمکین خودداری کند، آیا زوج می‌تواند متقابلاً از پرداخت مهریّه امتناع نماید؟

جواب: آری می‌تواند؛ ولی در فرض اوّل باید مشکل از طریق سپرده‌گذاری نزد امین حل شود.

سؤال ۶۳۱. چنانچه مهر در عقد ازدواج دائم بطور مطلق خوانده شود، و به عبارت دیگر قید عند المطالبه یا عندالاستطاعه ذکر نشود، آیا در این صورت مهر عندالمطالبه می‌باشد؟

جواب: ظاهر اطلاق، عندالمطالبه است؛ مگر این که قرائنی بر خلاف آن وجود داشته باشد مانند سنگینی مهر و عدم تمکّن آشکار مرد. در ضمن باید توجّه داشت که از نظر اصول کلّی عند المطالبه و عند الاستطاعه تفاوتی ندارد؛ زیرا عندالمطالبه نیز مشروط بر استطاعت است.

سؤال ۶۳۲. به علّت اختلافات بین زوجین، و قبل از مواقعه، زوجه درخواست مهریه می‌نماید. با توجّه به عدم توانایی زوج، نامبرده تقاضای تقسیط می‌کند. ولی از پرداخت اقساط نیز خودداری می‌نماید. از طرفی زوج درخواست تمکین می‌کند ولی زوجه تمکین را منوط به پرداخت مهریه می‌نماید و از حقّ حبس خود (امتناع از ایفای وظایف زوجیت به علّت عدم پرداخت مهریه) استفاده می‌کند. و زوج با وجود استحقاق دریافت نفقه توسط زوجه، از پرداخت آن امتناع می‌ورزد.

در فرض فوق، آیا زوج که توانایی پرداخت مهریّه، نفقه و تأمین هزینه‌های زندگی را ندارد، می‌تواند درخواست ازدواج مجدّد نماید؟ آیا مجوّز شرعی برای عمل زوج با اوصاف مورد اشاره (عدم پرداخت مهریه و نفقه و عدم توانایی تأمین هزینه‌های زندگی) وجود دارد؟

جواب: در فرض مسأله در صورتی که زوج قادر بر پرداخت مهریه به صورت یک جا نباشد باید تقسیط شود و با پرداختن قسط اوّل زوجه باید تمکین کند، و اگر زوجه در این حال تمکین نکند زوج حقّ ازدواج مجدّد دارد.

سؤال ۶۳۳. در خصوص مهریّه‌های سنگینی که معمولاً پرداخت آن از توان زوج خارج است، مانند یک هزار سکّهٔ بهار آزادی، هرگاه زوجه مهریه خود را از طریق دادگاه مطالبه نماید، و دادگاه به جهت فقر مالی زوج، حکم قطعی دهد که هر ماه دو سکّه بپردازد، از برخی فتاوی استفاده می‌شود که زوجه می‌تواند از حقّ حبس استفاده نموده، و تمکین خود را منوط به پرداخت تمام مهریّه نماید.

لکن مشکلی که در این صورت پیش می‌آید این است که غرض از ازدواج محقّق نخواهد شد؛ زیرا اگر مثلاً هزار سکّه به دو سکّه در هر ماه تقسیط شود، پانصد ماه (بیش از چهل و یک سال) طول خواهد کشید تا زوجه پس از گرفتن تمام مهریّه تمکین نماید، با توجّه به این مطلب لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) هرگاه طرفین علم به عدم توانایی پرداخت این قبیل مهریّه‌ها داشته باشند، آیا چنین مهریّه‌هایی از جهت لزوم پرداخت عندالمطالبه، آثار مهریه متعارف و معقول را دارد؟

ب) با توجه به مهریه‌های سنگین و نامتعارف و سوء استفاده برخی از این امر، آیا زوجه حقّ حبس دارد؟

ج) در فرض فوق، هرگاه با حکم دادگاه، مهریّه حالّ تبدیل به مؤجّل بشود، آیا زوجه پس از دریافت اوّلین قسط از مهریه، باز هم حقّ حبس خواهد داشت؟

جواب: الف تا ج) در این گونه موارد که قرائن روشنی بر معجّل نبودن مهریه

وجود دارد باید تقسیط شود و زوجه با اوّلین قسط باید تمکین کند. و اگر مبلغ مهریه چنان است که عرف آن را نوعی سفاهت در مورد آن دو نفر می‌بیند، اصل مهریه باطل است و تبدیل به مهرالمثل می‌شود.

سؤال ۶۳۴. در صورتی که زوج به زور و اجبار بکارت زوجه با کره‌اش را در منزل پدری وی زائل کند، آیا زوجه حق دارد تا دریافت مهریه از تمکین خودداری کند، یا حقّ الحبس با ازالهٔ بکارت هر چند بصورت اجباری ساقط می‌گردد؟

جواب: در فرض سؤال، زوجه می‌تواند تا زمان دریافت مهریه از تمکین خودداری نماید و اگر زوج قادر نیست، تقسیط می‌شود و با قسط اوّل باید تمکین کند.

سؤال ۶۳۵. در سند ازدواجی علاوه بر مهریه‌ای که بر ذمهٔ زوج قرار داده شده، چنین آمده است:

«پدر زوج ملتزم شرعی و قانونی گردید که مبلغ ۱۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال از اموال خود جهت زوجه یک دانگ مشاع از شش دانگ یک باب خانه از پلاک ثبتی شماره... بخش ۵ اصفهان خریداری نماید».

با توجّه به مقدّمهٔ فوق لطفاً پاسخ سؤالات زیر را مرقوم فرمایید:

الف) با توجّه به این که مهریّه دینی است بر ذمّهٔ شوهر نه فرد دیگر، آیا تعهّد پدر زوج در سند رسمی ازدواج، منطبق بر موازین شرعی است؟

جواب: تعهّد پدر زوج مشروع است و باید به آن عمل کند.

ب) اگر تعهّد پدر زوج را صحیح فرض کنیم پدر زوج مکلّف به خرید یک دانگ از خانه پیش‌بینی شده در سند رسمی ازدواج است، یا این که می‌تواند ۱۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال را به زوجه پرداخت کرده و خود را بری الذمه کند؟

جواب: در صورتی که پلاک ثبتی معیّنی مورد نظر بوده باید آن را خریداری کرده و تحویل دهد مگر این که زوجه راضی به همان مبلغ شود.

سؤال ۶۳۶. پس از تراضی با همسرم در نوع و میزان مهریّه و ثبت آن در سند رسمی

ازدواج، و به منظور ترغیب وی به تحکیم مبانی خانوادگی و اعلام حُسن نظر، روز بعد از عقد در نامه‌ای عادی تمایل خویش را در واگذاری دو دانگ از منزل مسکونی خویش در قالب ضم صداق به زوجه اعلام و موضوع ایفای تعهد را موکول به اتمام انتقال ملک و تفکیک آن از مالک قبلی نمودم. پس از آن و با ایجاد اختلاف فیمابین، جریان به محاکم قضایی ارجاع شد و از سوی دو مرجع دادگاه بدوی و تجدید نظر نوع سند و افزایش صداق را به سبب عدم انعقاد عقد بر اساس آن و عدم تفویض تعیین آن به زوجه و هم به خاطر خروج آن از سند ازدواج و افزودن آن به صورت یکجانبه و اختیاراً از سوی اینجانب، آن را نوعی هبهٔ غیر لازم اعلام نموده‌اند. لیکن از آنجاکه شخصاً تردید در عدم تکلیف شرعی و حصول برائت ذمه در قبال نامبرده دارم، به منظور اطمینان از موضوع خواهشمند است نظر مبارک را در قضیّه اعلام فرمایید. آیا عمل به این وعده شرعاً لازم است؟

جواب: این، نوعی وعده به صورت هبه است و منضم به صداق نمی‌شود و این وعده واجب الوفا نیست هر چند خوب است به آن وفا کنید.

سؤال ۶۳۷. حدود هشتاد و پنج سال پیش، مادر شوهری به هنگام ازدواج پسرش قطعه زمینی را به عنوان بخشی از مهریه به عروس خود می‌دهد. چند سال بعد، مادر شوهر با این وعده که معادل آن زمین، زمین دیگری به تو می‌دهم آن زمین را از او می‌گیرد و معادلش زمینی به او نمی‌دهد. بعدها زمین را فرزندان مادر شوهر به نام خود ثبت می‌کنند و شکایات و اعتراضات برخی از مدعیان نیز مردود می‌گردد. اینک مادر شوهر و عروس مدّتهاست در قید حیات نمی‌باشند و این ماجرا از زبان عروس در زمان حیات شنیده شده است و کسی از مادر شوهر سؤالی نپرسیده و این قضیه از طرف مادر شوهر نامعلوم است لطفاً بفرمایید:

الف) زمین مورد دعوی به چه کسی تعلّق دارد؟

ب) با فرض مالکیّت یکی از دو طرف، آیا طرفی که هزینهٔ نگهداری، ادخال ید، رفع مزاحمت و اثبات مالکیّت و ردّ مالکیت مدّعیان غاصب (افراد دیگر غیر از دو طرف دعوی) را پرداخت نموده، قابل جبران از کلّ زمین می‌باشد؟

جواب: هرگاه مسلّم شود که زمین جزء مهریّه بوده تعلّق به عروس دارد؛ خواه در قباله نوشته شده باشد یا نه. و اگر مادر شوهر آن زمین را گرفته و عوض را نداده بدهکار است و باید از اموال او طلب عروس را به ورثه‌اش بدهند. و هزینه‌ها اگر به درخواست عروس یا ورثه او بوده، باید توسّط آنها جبران شود.

سؤال ۶۳۸. جوانی هستم ۲۴ ساله که در تاریخ ۸۲/۲/۲۹ دختری را با مهریّه ۱۳۶۴ سکّه به عقد خود درآوردم و قرار شد در ۸۲/۶/۱۷ عروسی کنیم؛ امّا متأسّفانه اجل مهلت نداد و در ۸۲/۴/۲ نامزدم در سانحهٔ تصادف در حین رانندگی، که خود مقصّر حادثه بود، فوت نمود. خانواده همسرم بعد از چهلم زمزمهٔ مطالبه مهریّهٔ نامزد ۳۵ روز عقد کرده را آغاز نموده و در تاریخ ۸۲/۱۰/۲۴ اینجانب را به دادگاه احضار کردند، که تا کنون ادامه دارد. آیا موت منصّف مهریه هست؟

جواب: موت منصّف مهریه نیست؛ خواه زن قبل از شوهر بمیرد یا شوهر قبل از زن، ولی باید توجّه داشت هنگامی که زن فوت کند، هر چند قبل از عروسی باشد، تمام مهریّه به او تعلّق می‌گیرد، امّا نصف آن به عنوان ارث به شوهر برمی‌گردد.

سؤال ۶۳۹. جوانی سی ساله هستم که به مدّت ۵ سال است با دختری آشنا شده‌ام. ایشان به قصد ازدواج با بنده، و من به قصد بازی با احساسات و به صرف برطرف کردن امیال شهوانی و ارضای میل جنسی با وی ارتباط دارم. بدین جهت او را به یک ازدواج صحیح در آیندهٔ نه چندان دور امیدوار کردم. این آشنایی‌ها بیشتر و ارتباط‌ها نزدیک‌تر شد تا این که با رضایت او آمیزش جنسی صورت گرفت. سپس موضوع ازدواجمان را با خانواده‌ام در میان گذاشتم، ولی با مخالفت شدید خانواده‌ام روبه‌رو شدم و ایشان که متوجّه مخالفت شدید خانواده‌ام با این ازدواج شده می‌گوید: «با توجّه به این که شما مرا از باکره بودن خارج کرده‌اید به هر نحوی باید خانواده‌ات را راضی کرده و با من ازدواج کنی و الاّ هرگز تو را نمی‌بخشم. از طرفی والدینم می‌گویند: «اگر قانون هم شما را به عقد هم درآورد ما هرگز تو را نمی‌بخشیم و عاقت خواهیم نمود». با توجّه به توضیحات بالا اکنون وظیفهٔ من چیست؟

جواب: احتیاط واجب آن است که مهرالمثل او را بپردازید یا با او ازدواج کنید.

سؤال ۶۴۰. آیا شأن و موقعیّت کاری، اجتماعی، مالی و قدرت بالقوّهٔ انسان‌ها در تعیین مهریّه دخالت دارد؟ اگر یک فرد کارگر مهریّه همسرش را ۱۰ کیلو طلا قرار دهد، صحیح است؟

جواب: آری شأن وموقعیّت افراد در میزان مهریّه تأثیر دارد و بعید است چنین کارگری قصد جدّی داشته باشد.

سؤال ۶۴۱. مدّت چهار ماه است که بخاطر مهریّهٔ همسرم زندانی هستم؛ در حالی که دارای دختری ۷ ساله می‌باشم که به شدّت بمن وابسته است و از نظر روحی و مالی در سختی می‌باشد. از آنجا که کارگر ساده‌ای هستم و ماهیانه ۳۰۰/۰۰۰ تومان درآمد دارم و در منزل استیجاری زندگی می‌کنم و هیچ مال دیگری ندارم که مهریّهٔ همسرم را یکجا بپردازم. زندانی کردن من چه حکمی دارد؟

جواب: بر قضات محترم واجب است که در اوّلین فرصت تحقیق کنند چنانچه اعسار زوج ثابت شد فوراً او را از زندان آزاد کنند؛ که ادامهٔ زندان در این صورت خلاف شرع است.

سؤال ۶۴۲. آماده‌سازی فرهنگ پذیرش پرداخت مهریّه بشرط استطاعت زوج و طرد و نفی فرهنگ شکل گرفته در جامعه که با تعیین مهریّه‌های سنگین به ارزشگذاری همسر پرداخته می‌شود چه حکمی دارد؟

جواب: شک نیست که از نظر اسلام سنگین بودن مهریّه کار خوبی نیست و در بعضی روایات از آن تعبیر به شوم شده است (شوم المرئة غلا مهرها)[1] و شک نیست که مقیّد ساختن مهریّه به عندالمطالبه برای بسیاری مشکل‌آفرین است ومصداق همان شومی می‌شود. بنابراین، بر همهٔ مسلمانان لازم است مهریّه‌ها را سبک بگیرند و به صورت عندالقدرة و الاستطاعة قرار دهند تا جوانان تشویق به ازدواج شوند و کمتر گناه شود. در ضمن قوهٔ قضائیّه می‌تواند به تمام محاضر

۱. بحارالانوار، ج ۶۴، ص ۱۹۸، ح ۴۳ و ۴۴.

توصیه کند که به مراجعین این معنی را تفهیم کنند و همواره عندالقدرة و الاستطاعة بنویسند.

سؤال ۶۴۳. دربارهٔ مهر المثل بفرمایید:

الف) دختری دارای پردهٔ بکارت اتّساعی بوده که با عمل وطی زائل شده است. آیا زنای به عنف با چنین شخصی موجب مهر المثل باکره است یا ثیّبه؟

جواب: مهر المثل ثیّبه دارد.

ب) با عنایت به این که در صورت اکراه زن به زنا، برای زن مهرالمثل ثابت است، در صورت تکرار این عمل، آیا زن به تعداد دفعاتی که با او زنا شده، مستحق مهر المثل می‌باشد؟

جواب: هرگاه اکراههای متعدّد بوده باشد مهرالمثل تکرار خواهد شد.

ج) معیار تکرار عمل زنا، تعدد جلسات است یا فاصله زمانی قابل توجّه، یا امر دیگری؟

جواب: معیار وحدت و تعدّد عرفی است؛ مثلاً اگر زنی را به اجبار نزد خود بیاورد و یک سال نگه دارد یک اکراه محسوب می‌شود و اگر امروز او را اکراه کرده و رها کند و روز دیگر مجدداً اکراه کند دو اکراه محسوب می‌شود.

سؤال ۶۴۴. چنانچه ضمن عقد ازدواج موقّت شرط عدم دخول شده باشد، با توجّه به این که معمولاً در چنین ازدواج‌هایی (به دلیل شرط عدم دخول) مهر المسمی را پایین‌تر از میزان واقعی قرار می‌دهند، حکم صور ذیل را در دو فرض رضایت و عدم رضایت زوجه بیان فرمایید:

الف) ازالهٔ بکارت از طریق وطی صورت گرفته باشد.

ب) ازالهٔ بکارت از طریقی غیر از وطی صورت گرفته باشد.

ج) به رغم دخول، ازالهٔ بکارت صورت نگرفته باشد.

جواب: در صورت رضایت زوجه همان مهرالمسمّی کفایت می‌کند و در صورت عدم رضایت باید مهرالمثل علی فرض دخول را بدهد.

۳. شیربها

سؤال ۶۴۵. در شورای حلّ اختلاف، مراجعات متعدّدی دربارهٔ رجوع داماد به شیربها داریم. یعنی در اختلافات فیمابین، داماد مراجعه کرده و قصد دارد شیربهایی که به خانوادهٔ زوجه داده پس بگیرد. آیا داماد حقّ رجوع دارد؟

جواب: شیربها گاه جزء مهر است، و گاهی به صورت شرط ضمن العقد بیان می‌شود، و گاه قبل از عقد بر آن توافق شده است، که نام آن را شرط مبنی علیه العقد می‌گذارند و در هر سه صورت باید آن را پرداخت. ولی در آنجا که جزء مهر باشد به زوجه می‌رسد و در هر صورت داماد حقّ رجوع ندارد.

۴. نفقه

سؤال ۶۴۶. اگر زوج از زوجه مطالباتی داشته باشد، آیا می‌تواند با نفقهٔ زوجه تقاص کند؟ در صورت جواز، آیا زوجه‌ای که بدون نفقه مانده حق دارد تقاضای طلاق بنماید؟

جواب: تقاص در چنین موردی اشکال دارد، مگر این که زوجه اموالی برای صرف در نفقه داشته باشد.

سؤال ۶۴۷. اینجانب مدت ۲۶ ماه است دختر خانمی را با مهریّه ۳۱۳ سکّه بهار آزادی به عقد دایم و رسمی درآورده‌ام. با توجّه به این که تمکین عام و خاص خود را منوط به پرداخت نقدی تمام مهریّه نموده، هنوز در خانه پدرش می‌باشد و دخول هم واقع نشده است و بنده هم توان پرداخت نقدی آن را ندارم. آیا نفقه به ایشان تعلق می‌گیرد؟

جواب: در فرض سؤال نفقه‌ای به ایشان تعلّق نمی‌گیرد و در صورت عدم توانایی شما بر پرداخت مهریّه،لازم است تقسیط کنید و با پرداخت قسط اوّل باید تمکین کند.

سؤال ۶۴۸. آیا می‌توان در متن عقد نکاح شرط عدم نفقه کرد؟

جواب: این شرط باطل است.

سؤال ۶۴۹. با دختری عقد بسته‌ام ولی حاضر به عروسی نیست و تقاضای طلب نفقه

می‌کند. لازم به ذکر است که او زبانی حاضر به تمکین هست ولی به صورت عملی حاضر به این کار نیست. آیا به ایشان نفقه تعلق می‌گیرد؟

جواب: زوجه تا زمانی که عروسی نکرده و به خانه شوهر نیامده مستحق نفقه نیست.

سؤال ۶۵۰. من و شوهرم بدون تنظیم هیچ‌گونه قراردادی مدّتهاست در منزلی که از سوی پدرم در اختیار ما قرار داده شده زندگی می‌کنیم و در این مدّت (حدود ۴ سال) در بحث پرداخت نفقه ایّام گذشته با همسرم اختلاف داریم. آیا همسرم باید پرداخت نفقه ایام گذشته را (اعم از مسکن، خوراک، پوشاک و مانند آن) اثبات کند یا بنده ملزم هستم عدم پرداخت نفقه ایّام گذشته را به اثبات برسانم؟

جواب: در مورد مسکن باید هزینه را بپردازد و در مورد تغذیه و لباس شما باید ثابت کنید که او نپرداخته است.

سؤال ۶۵۱. به عقد دائم با همسرم ازدواج کرده، و ناشزه نیستم. در پی استنکاف شوهرم از تأمین نفقه، دادگاه خانواده، شوهرم را به پرداخت نفقات گذشته محکوم کرده است. لطفا به سؤالات زیرا پاسخ فرمایید:

الف) آیا می‌توانم همسرم را به تهیهٔ مسکن و اثاثیه و البسه و غذا و مانند آن، که وظیفهٔ شرعی و قانونی او می‌باشد، ملزم کنم؟

ب) آیا حاکم می‌تواند علی الرغم درخواست تهیّهٔ عین نفقات از سوی زوجه، زوج را از تهیّهٔ آن معاف بداند و فقط حکم به پرداخت ریالی نفقه تا هنگام صدور حکم بدهد؟

ج) آیا معاف دانستن زوج از تهیّهٔ عین مسکن و اثاثیّه و مانند آن، با این استدلال که زن نمی‌تواند برای گرفتن نفقه آینده خود به صورت عین به حاکم رجوع کند، این استدلال صحیح است؟ و آیا با قاعدهٔ لاضرر و لاجرح برای زوجه منافات ندارد؟

د) آیا حاکم باید زوج را ملزم به تهیّهٔ عین مسکن و اثاثیّه و البسه و غذا و مانند آن در شأن زن بنماید، و مواظبت کند که ابقای انفاق را فقط در صورتی صحیح بداند که آنچه زوج معرفی می‌کند و ارائه می‌دهد با شؤونات خانوادگی و اجتماعی و تحصیلات زن و حتّی با شؤونات خود شوهر مطابقت داشته باشد؟

جواب الف تا آخر: زوج ملزم به تهیّهٔ اقلام نفقه نیست، بلکه فقط وظیفه دارد پول آن را بپردازد. مگر این که در عرف محل تهیّهٔ همه یا بعضی از اقلام نفقه بر عهده زوج باشد که در این صورت حاکم شرع می‌تواند زوج را وادار به این کار کند.

نفقهٔ زندانی

سؤال ۶۵۲. لطفاً نظر مبارک را دربارهٔ نفقه (هزینه و مخارج) زندانی بفرمایید:

الف) نفقهٔ زندانی و افراد واجب النفقهٔ او بر عهدهٔ چه کسی است؟ بیت‌المال یا خود زندانی؟

ب) افرادی که هنوز ارتکاب جرم توسّط آنان اثبات نشده، ولی به اتّهام ارتکاب در زندان به سر می‌برند نفقه متّهم و افراد واجب النفقه او چه حکمی دارد؟

ج) آیا تمکّن و عدم تمکّن مالی زندانی، قدرت بر انجام کار یا عدم قدرت او، یا نوع جرم (که مستوجب حد باشد یا تعزیر) در تأمین نفقهٔ او تأثیری دارد؟

د) آیا روایاتی که دلالت دارد نفقه محکوم به حبس ابد، سارق و مرتد از بیت‌المال داده می‌شود، به موارد دیگر نیز قابل تعمیم می‌باشد؟

جواب الف تا آخر: سیره براین جاری بوده که نفقه زندانی را از بیت‌المال می‌پرداختند؛ ولی نفقه افراد واجب النفقه او بر خود اوست (چنانچه اموالی داشته باشد).

۵. تمکین

سؤال ۶۵۳. فتوای شریف را دربارهٔ سؤال‌های زیر مرقوم فرمایید:

الف) آیا امتناع زوج از پرداخت نفقهٔ زوجه با وجود تمکّن از پرداخت، مجوّز عدم تمکین زوجه به منظور استیفای حق خود می‌باشد؟

جواب: ترک انفاق مجوّز عدم تمکین نمی‌شود.

ب) آیا عجز از پرداخت نفقه، مجوّز عدم تمکین از سوی زوجه است؟

جواب: مجوّز نیست.

ج) آیا تهیّهٔ مسکن جداگانه برای زوجه از موارد نفقهٔ واجب است؟ آیا زوجه حقّ درخواست مسکن جدا دارد؟

جواب: چنانچه در شأن زوجه باشد و زوج قادر بر آن باشد باید تهیّه کند.

د) آیا عدم تمکین زوجه به جهت درخواست منزل مستقل و احیاناً خروج از منزل به همین انگیزه و بدون اذن شوهر، موجب نشوز و مسقط نفقه است؟

جواب: آری موجب نشوز و مسقط حق نفقه است.

عقد موقت و احکام آن

سؤال ۶۵۴. مرد متأهلّی که دارای تمکّن مالی است و عرفاً وی را به عدالت قبول دارند؛ قصد ازدواج با زن بیوه‌ای دارد. لطفاً در این مورد به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) آیا این ازدواج حقوق زوجهٔ دائمی وی را تضییع می‌نماید؟

ب) آیا اجازه زن دائمی در صیغهٔ موقّت لازم و ضروری است؟

جواب الف و ب: حقوق زن دائم با این کار از بین نمی‌رود و اجازهٔ او هم لازم نیست؛ ولی تا ضرورتی احساس نکند اقدام به این کار ننماید.

ج) آیا زن دائم می‌تواند در صورت ازدواج موقّت شوهر، زندگی مشترک را ترک کرده، یا وظائف زناشویی خود را انجام ندهد، تا شوهر را مجاب به طلاق نماید؟

جواب: زن دائم چنین حقی ندارد، امّا سعی کنند به نحوی با هم تفاهم نمایند.

د) با توجّه به این که همسر دائم به وظایف شرعی خویش در خصوص تمکین عمل نموده و زوج عذر موجهی برای اختیار نمودن زن دیگر ندارد، آیا نکاح منقطع جایز است؟

جواب: بهتر است در این صورت از نکاح منقطع بپرهیزید.

سؤال ۶۵۵. بیست سال قبل ازدواج نموده، و از همسرم صاحب فرزند نشده‌ام. در بند

۱۰ سند ازدواج در شرایط ضمن عقد چنین آمده است: «هرگاه زوج بدون اجازهٔ زوجه همسر دیگری اختیار نماید، یا بنا به تشخیص دادگاه بین زوجین اجرای عدالت ننماید، زوجه از طرف زوج وکالت دارد که خود را مطلقه نماید». با توجّه به این که عدم اجرای عدالت بین همسران، اختصاص به عقد دائم دارد، نه موقّت، اینجانب بدون اجازهٔ همسر دائم ازدواج موقت کرده و دارای فرزند شده‌ام. آیا زوجه دائم می‌تواند از آن وکالت استفاده نموده و خود را مطلّقه نماید؟

جواب: شرط مذکور شامل ازدواج موقّت کوتاه مدّت نمی‌شود، ولی اگر طولانی باشد شامل می‌شود.

سؤال ۶۵۶. علّامهٔ طباطبایی(ره) می‌فرمایند: «آمیزش جنسی جامعهٔ بشری را به نکاح دائمی نمی‌توان محدود ساخت، و ازدواج دائمی نمی‌تواند این غریزهٔ جنسی را ارضا نموده، و پاسخ کافی بدهد». با توجّه به سخن علّامه، و این که همسر دائمی پس از مدّتی، حالت طبیعی و عادی پیدا می‌کند و نیاز جنسی شوهر را آن گونه که باید و شاید، ارضا نمی‌کند و مردها که بعضاً هم تنوّع طلبند، ممکن است به این صورت به گناه بیفتند، آیا در این صورت ازدواج موقّت بر مردهایی که همسر دائمی دارند، واجب می‌شود؟

جواب: تشریع ازدواج موقّت در واقع برای ضرورت‌هاست؛ نه برای هوس‌بازی مردان همسردار و تنوّع‌طلب.

سؤال ۶۵۷. آیا حکومت اسلامی در قبال قانون‌مندی عقد موقّت، وظیفه‌ای دارند؟

جواب: این کار بسیار خوب است که حکومت اسلامی برنامه دقیقی برای ازدواج موقت تنظیم کند که جلوی سوء استفاده را بگیرد.

سؤال ۶۵۸. آیا تهیّه و نگهداری نوشته‌ای جهت ازدواج موقت لازم است؟

جواب: برای این که این کار نظام‌مند شود و از آن سوء استفاده نکنند، تهیّهٔ عقدنامه در شرایط فعلی بسیار بجاست.

سؤال ۶۵۹. دو نفر ازدواج موقّت کرده‌اند و راضی هستند دیگران بدانند، پخش خبر آن چه حکمی دارد؟

جواب: نباید اصرار داشت که اسرار مردم فاش شود، هر چند آنها راضی باشند.

سؤال ۶۶۰. ده سال قبل خود را به عقد موقّت شخصی درآوردم؛ ولی چون وارد به مسأله نبودم مدّت تعیین نکرده بودم. بعد از چند ماه از او رها شدم و پس از گذشت چند ماه به عقد دائم شخص دیگری درآمدم و اکنون با او زندگی می‌کنم. اخیراً شنیده‌ام که اگر برای عقد غیر دائم مدّت تعیین نشود تبدیل به عقد دائم می‌شود. اکنون تکلیفم چیست؟

جواب: ازدواج موقّت بدون تعیین مدّت باطل است و تبدیل به عقد دائم نمی‌شود. بنابراین، ازدواج بعدی شما اشکالی ندارد.

سؤال ۶۶۱. با عنایت به این که در عقدهای موقّت طولانی مدّت، که بعضاً تا ۹۰ سال می‌باشد، ممکن است در حین مدّت برای زوجه مشکلاتی بوجود آید، که ادامهٔ عقد برای وی متعذّر باشد و زوج هم حاضر به بذل مدّت نباشد، آیا زوجه می‌تواند به علّت عسر و حرج از دادگاه تقاضای بذل مدّت نماید؟

جواب: اوّلاً: عقدهای موقّت طولانی مدّت، که تمام عمر یکی از دو طرف را شامل می‌شود، در حکم عقد دایم است. ثانیاً در صورت ثبوت عسر و حرج، تفاوتی بین عقد دائم و موقّت نیست.

سؤال ۶۶۲. با توجّه به فضای فرهنگی دانشگاه و جامعه و افزایش و ترویج فساد در آن، و کم توجّهی مسؤولین فرهنگی، و حتّی گاهاً اقدامات جهت‌دار برخی از مسؤولین، نظیر برگزاری جشنوارهٔ تئاتر و ترویج اباحی‌گری و فرهنگ ابتذال، و نیز با عنایت به این که اکثریّت جامعه را جوانان و نیروی جوان تشکیل داده است؛ و از طرف دیگر نبود امکانات اقتصادی و معیشتی کافی برای این قشر عظیم، و بالا رفتن سنّ ازدواج جوانان (که خود عامل و منشأ بسیاری از مفاسد در جامعه است) و با توجّه به هجمهٔ فرهنگی غرب، برخود لازم دیدیم که در صورت صلاح‌دید، بحث «ازدواج موقّت» را در دانشگاه مطرح سازم. نظر شما در این مورد چیست؟

جواب: ازدواج موقّت از احکام مترقّی اسلام، و هماهنگ با فطرت و نیازهای

انسان، و ابزاری جهت به کمال رساندن ایمان، و وسیله‌ای برای خودداری از دام شیطان است وسبب عدم آلودگی کسانی‌که به‌هر دلیل موفّق بـه ازدواج نـیستند، می‌شود.

امّا متأسّفانه راه‌های سوء استفاده از آن فـراوان است و بـاید نـظم و تـرتیب قانونی به آن داد که عوارض منفی آن به حداقل برسد و آلت هوسبازی هوسبازان نگردد و چهرهٔ منفی به این حکم مترقّی اسلام ندهد.

سؤال ۶۶۳. آیا ضمن عقد متعه می‌توان توارث زوجین را شرط کرد؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۶۶۴. اگر کسی همسر مطلّقه‌اش را در حال عدّهٔ طلاق رجعی، عقد موقّت کند، چه حکمی دارد؟

جواب: عقد موقّت مزبور اشکال دارد، هر چند احتمالاً به حکم رجوع باشد. بنابراین، احتیاط آن است که باقیماندهٔ مدّت را ببخشد و اگر می‌خواهد جدا شود مجدّداً صیغهٔ طلاق جاری کند.

سؤال ۶۶۵. شرایط کنونی جامعه، باعث بالا رفتن سن ازدواج گردیده، که متأسّفانه آمار رو به گسترش طلاق، دختران فراری، اعتیاد و مخصوصاً هـجمه‌های ضـدّ اخـلاقی بیگانگان از طرق مختلف مزید بر علّت شده، که بـعضاً سست شـدن بـنیان خـانواده‌هـا و متزلزل نمودن معنویّت جامعه را در پی داشته است. چاره چـیست؟ تـدبیر شـایسته و اقدام بایسته جهت رفع این مشکل و التیام بخشیدن به این وضعیّت نامطلوب را در چه می‌دانید؟ خوشبختانه دین مبین اسلام (تشیع) از دیرباز نسبت به این مسأله (مـجرد ماندن ناخواسته و قهری) سکوت اختیار نکـرده و ازدواج مـوقّت را بـهترین راه مـمکن جهت به تعادل رسانیدن این مهم مطرح کرده است. اینجانب در جایگاه یک روحانی به عنوان طلیعه‌دار رسالت نبوی به انگیزه ایجاد کانونی جهت تحقّق‌بخشی به این سـنّت حسنه پیامبر مکرم اسلام ﷺ قدم برداشته و مصمّم گردیده‌ام تـااین بسـتر را هـر چـه اساسی‌تر و کارآمدتر در جامعهٔ اسلامی‌مان نهادینه نمایم. نظر حضرتعالی در این زمینه چیست؟

جواب: ازدواج موقّت از احکام مسلّم فقه شیعه است و مورد پـذیرش تـمام فقهای ما می‌باشد؛ ولی اقدام در راستای ترویج آن ظرافت‌های خاصّی می‌طلبد که اگر مراعات نشود ممکن است نتیجهٔ معکوس بدهد. بدین جهت، این کار مطالعه کافی و تدبیر لازم و مدیریّت قوی می‌طلبد. البتّه مراقب باشید هر طرحی را تهیّه می‌کنید قبلاً به اطّلاع چند نفر از صاحبنظران برسانید؛ زیرا ایـن مسأله از مـوارد لغزش است و بدون مطالعه کافی خدای نکرده مشکلاتی ببار می‌آورد.

سؤال ۶۶۶. در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که ابتذال در جهان شایع شده، و کشور اسلامی ما هم از این قاعده مستثنا نبوده، و روز به روز هم به این ابتذال، بوسیلهٔ رسانه‌ها و مانند آن، و به خاطر عدم جلوگیری جدّی حکومت، دامن زده می‌شود. با توجه بـه ایـن امـر، دیدگاه اسلام در زمینهٔ تـرویج فـرهنگ عـقد مـوقّت، کـه بـرای کـنترل غـریزهٔ جـنسی و جلوگیری از چنین فسادی، در اسلام پیش‌بینی شده، با توجّه به قوانین اسـلام و بـه صورت سازمان یافته و علمی و با استفاده از تکنولوژی روز چیست؟

جواب: هرگاه برای این کار به صورت معقول و مناسبی برنامه‌ریزی شـود بـه گونه‌ای که راه را بر سوء استفاده کنندگان ببندد و از عوارض منفی دیگر آن بکاهد و مراکزی برای ثبت قانونی آن وجود داشته باشد، اشکالی ندارد.

احکام اولاد

۱. نفقه

سؤال ۶۶۷. در مواردی که زن و شوهر به لحاظ اختلافات خانوادگی یا طلاق جدا از هم زندگی می‌کنند و فرزند مشترک نزد مادر است و او به ناچار نفقهٔ فرزند را می‌پردازد، در حالی که تکلیفی در این خصوص ندارد، بفرمایید:

الف) آیا نفقه‌ای که پرداخته قابل مطالبه است؟

ب) در صورت منفی بودن پاسخ (به این دلیل که از دادگاه استدانه نکرده) نفقهٔ فرزند بر عهدهٔ چه کسی است؟ آیا مادر نیز می‌تواند از دادن نفقهٔ فـرزند مشـترک خـودداری کند؟

جواب: در صورتی که پدر بدون عذر شرعی ترک انفاق کرده و مادر برای حفظ جان فرزند بدون قصد تبرّع نفقه او را پرداخته، حقّ مطالبهٔ آن را از پدر بچّه دارد.

سؤال ۶۶۸. بعضی از پدران فرزندان خود را برای تحصیل به خارج از کشور فرستاد. و پول هنگفتی صرف آنها می‌کنند، در حالی که بعضی از این فرزندان پس از اتمام تحصیل منکر حقوق پدران خود شده و هیچ مسؤولیّتی در قبال آنها احساس نمی‌کنند. وظیفهٔ این فرزندان در مقابل پدران چیست؟ در صورتی که وضع مالی و تحصیلی این فرزندان خوب باشد، آیا پدران می‌توانند هزینه‌هایی که برای تحصیل آنها متحمّل شده‌اند را از آنها مطالبه کنند؟

جواب: در صورتی که پدر هزینه‌های مذکور را به نیّت بخشش یا به صورت مجّانی متحمّل شده، نمی‌تواند آنها را مطالبه کند. اما اگر به عنوان وام به او داده، حقّ مطالبه آن را دارد. و در هر حال، از نظر اخلاقی پسر مدیون پدر است.

سؤال ۶۶۹. آیا به پسری که به حدّ بلوغ نرسیده، و از نظر جسمی توانایی کارکردن را دارد، ولی جدای از پدر خود زندگی می‌کند، نفقه تعلّق می‌گیرد؟ این در حالی است که ولیّ او، کارگری ساده و درآمد کمی دارد، و هم اکنون مستأجر و در حال پرداخت اقساط و اجارهٔ منزل می‌باشد. علاوه بر این که به دلیلی از همسرش جدا شده و زن دیگری را به همسری خود برگزیده است.

جواب: هرگاه پسر می‌تواند نفقه خود را به دست آورد نفقه او بر پدر واجب نیست.

سؤال ۶۷۰. پیرمردی ۵۴ ساله و ازکارافتاده هستم، دارای همسر و سه فرزند می‌باشم که دو پسر رشید ۲۰ و ۲۱ ساله اینجانب مدّعی‌اند که اینجانب شرعاً و قانوناً مکلّفم نفقه یومیّهٔ آنها را در این سنّ و سال و با داشتن سلامتی کاملشان پرداخت کنم. آیا بنده شرعاً مکلّف به پرداخت نفقهٔ مالی آنها می‌باشم؟

جواب: هرگاه قدرت بر کار دارند و کار برای آنها پیدا می‌شود و تنبلی می‌کنند، حقّ نفقه ندارند.

سؤال ۶۷۱. شوهرم در تاریخ ۸۰/۱/۱ بر اثر سانحه تصادف فوت نموده. وراث حین الفوت او به ترتیب عبارتند از: ۱ و ۲. والدین شوهرم. ۳. اینجانب همسر متوفّی ۴. دختر ایشان، ملک و دارایی متوفّی به غیر از دیه بالغ بر ده میلیون تومان است و از این مبلغ، تنها یک میلیون و دویست و پنجاه هزار تومان به اینجانب رسیده است. لطفاً بفرمایید: نفقهٔ فرزند صغیر آن مرحوم بر عهدهٔ کیست؟

جواب: هرگاه آن کودک از خود مالی دارد (از جمله سهمیّهٔ دیه) باید نفقه را از آن بردارند و اگر مالی ندارد نفقه او بر پدربزرگ است بنابر احتیاط.

۲. نسب فرزندان

سؤال ۶۷۲. اینجانب همسری برای خود اختیار کرده‌ام که مدّت ۲۵ سال است در نکاح بنده می‌باشد، امّا اکنون معلوم گشته که آن زن قبل از ازدواج با بنده در عقد نکاح دیگری بوده، و ۱۰ سال قبل، شوهر اوّلش فوت کرده است! در این مدّت ۱۵ سال زندگی با ۲ شوهر دارای ۲ فرزند (دختر و پسر) شده و در ۱۰ سال باقیمانده صاحب یک فرزند پسر شده است. لطفاً حکم شرعی مسائل ذیل را بیان فرمایید:

الف) حکم بچّه‌هایی که در این مدّت به دنیا آمده‌اند چیست؟ آنها اولاد چه کسی محسوب می‌شوند؟

ب) اگر از نظر پزشکی و آزمایش خون، بچّه‌ها به بنده منسوب شوند، آیا از نظر شرع همین قدر برای الحاق آنها به بنده کفایت می‌کند؟

ج) آیا بچّه‌ها از بنده ارث می‌برند؟

جواب: در صورتی که فقط قابل استناد به یکی از آن دو بوده باشد به او ملحق می‌شود؛مثل این که شوهر اوّل دو سال در مسافرت بوده است. و در صورتی که قابل استناد به هر دو باشد باید قرعه بکشند به هر کدام افتاد به او تعلّق دارد و فرزند او محسوب می‌شود و آزمایش‌های پزشکی برای این کار کافی نیست.

سؤال ۶۷۳. متاسّفانه دختران و پسرانی با هم رابطه دوستی برقرار می‌کنند، که حاصل

آن تولّد فرزندان نامشروع بدون علقهٔ زوجیّت می‌باشد. در بعضی از موارد دختر و پسر حاضر به ازدواج نیستند و پسر منکر رابطهٔ نامشروع است، ولی دختر اقرار دارد و اثبات موضوع از ناحیهٔ دختر حل است، ولی از ناحیهٔ پسر که اقرار شرعی ندارد، از طریق آزمایش خون و آزمایش DNA از طریق پزشکی قانونی که صد در صد قطعی است و احتمال خطا در آن نیست، رابطهٔ ابوّت وی ثابت است. با توجّه به این که قوانین و مقرّرات در این مورد ساکت است، دادگاه برای حضانت و تکالیف قانونی با مشکل مواجه است. آیا دادگاه می‌تواند چنین پدری را الزام به حضانت و گرفتن شناسنامه و سایر تکالیفی که بر دوش یک پدر است نماید؟

جواب: با این گونه آزمایشات رابطهٔ ابوّت و بنوّت ثابت نمی‌شود، مگر این که مرد اقرار کند و به فرض که بعداً این دو با هم ازدواج کنند فرزندی که نطفه‌اش قبل از عقد شرعی منعقد شده فرزند نامشروع است و از پدر و مادر ارث نمی‌برد.

۳. کودک آزاری

سؤال ۶۷۴. از آنجاکه چندی پیش متأسّفانه کودکی ۹ ساله در اثر ضربات مادرش دچار مرگ مغزی و کما شد، لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) کودک‌آزاری در شرع مقدّس و فقه اسلامی چه حکمی دارد؟

ب) فتوای شما برای تأدیب و مجازات قانونی کودک‌آزاران چیست؟

ج) از نظر جناب عالی بروز پدیدهٔ کودک‌آزاری در خانواده‌ها، ناشی از چیست و برای کاستن از آن چه باید کرد؟

جواب الف تا آخر: کودک‌آزاری در شرع مقدّس اسلام جایز نیست و هرگاه خدای ناکرده پدر یا مادری مرتکب چنین کاری شوند حاکم شرع می‌تواند آنها را تعزیر کند و اگر کاری باشد که منتهی به فوت یا نقص عضو یا جراحتی گردد دیه دارد؛ ولی تنبیه‌های جزئی و مختصر، که هیچ گونه اثری روی بدن نگذارد آن هم در صورت ضرورت، مانعی ندارد. و چه بهتر که از آن هم صرف نظر شود و از طریق تشویق و محبّت اقدام به تربیت شود.

۴. ختنه

سؤال ۶۷۵. آیا می‌شود بابت تولّد نوزاد و ختنهٔ او (به منظور عمل به هر دو استحباب) یک ولیمه داد؟

جواب: مانعی ندارد.

۵. حضانت

سؤال ۶۷۶. در صورت حجر زوج و نصب پدر وی به عنوان قیّم، حضانت فرزندان صغیر محجور با کیست؟ جدّ پدری یا با مادر آنان؟ در صورت فوت زوج، حکم مسأله چیست؟

جواب: حضانت پسران تا دو سالگی و دختران تا هفت سالگی با مادر است و اگر پدر بمیرد یا محجور باشد حضانت مادر ادامه خواهد یافت.

سؤال ۶۷۷. شخصی بر اثر تصادف فوت کرده، و چند فرزند از جمله یک دختر شیرخوار از وی بجا مانده است. مادر بعد از عدّهٔ شوهر کرده، و آن بچّه را همراه خود برده، و ادّعا دارد که بچّه مال من است. و از طرفی جدّ پدری بچّه زنده است و خواهان بچه می‌باشد. کدام یک حق دارند بچّه را بگیرند؟ اگر دختر به حدّ بلوغ برسد، آیا مادر می‌تواند بدون اجازهٔ جدّش او را شوهر بدهد؟

جواب: در فرض سؤال اختیار اموال دختر در دست جدّ اوست؛ ولی حضانت و نگهداری او بدست مادرش می‌باشد و ازدواج او بعد از بلوغ به اجازهٔ خود دختر و پدربزرگ است.

۶. فرزندخواندگی

سؤال ۶۷۸. پسر بچّه‌ای شش ماهه تمام اعضای خانواده‌اش را از دست می‌دهد. سرپرستی این کودک را خانواده‌ای دیگر، که رابطهٔ نسبی و سببی با ایشان نداشته، به عهده گرفتند. تا قبل از تکلیف آن پسر، خانوادهٔ دوّم حقیقت را اعلان ننمودند؛ امّا با توجّه به این که خانوادهٔ مذکور دارای دختری بالغ می‌باشند، و با عنایت به وابستگی

بسیار زیادی که فرزند مذکور به این خانواده دارد، به گونه‌ای که در صورت ابراز واقعیّت یقین به آسیب جسمی و روحی شدید برای خانواده و فرزند می‌باشد، آیا پس از بلوغ آن پسر، اعلام واجب است؟ در صورت وجوب، اگر اعلام صورت نگیرد، آیا دختر و پسر (با توجّه به عدم علم به اجنبی بودن و یقین به محرمیّت) مرتکب حرامی می‌شوند؟

جواب: با توجّه به این که کتمان این حقیقت در حال و آینده منشأ مشکلات مختلف شرعی است، سزاوار است تدریجاً و به طور غیر مستقیم، او را از حقیقت مسأله آگاه سازند. و اگر خانم آن خانواده به مدّت کافی او را شیر داده باشد فرزند رضاعی آن خانواده محسوب می‌شود.

احکام نگاه و لمس

سؤال ۶۷۹. وقتی نگاهم به نامحرم می‌افتد، چگونه آن فکر را از ذهنم بیرون کنم؟

جواب: فکرهایی که بدون اختیار برای انسان پیدا می‌شود اشکالی ندارد؛ ولی می‌توان آنها را با ذکر لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم از ذهن خود دور کرد.

سؤال ۶۸۰. حکم شرعی در مورد دیدن جنازه‌های نامحرم که بعضاً لخت یا نیمه عریان هستند چیست؟

جواب: به مقدار ضرورت مانعی ندارد.

سؤال ۶۸۱. اگر در هنگام مأموریّت خانمی از نظر ظاهر و پوشش وضعیّت نامناسبی داشته باشد نگاه کردن یا دست زدن به ایشان چه حکمی دارد؟

جواب: در صورت ضرورت مانعی ندارد.

سؤال ۶۸۲. آیا هر عملی که ذاتاً حلال باشد و خوف مفسده‌ای هم نسبت به آن نرود ولی سبب التذاذ جنسی و تحریک شهوت ـ به هر مرتبه‌ای ـ شود، مثل لمس یا نظر به برخی از حیوانات یا جمادات یا بدن خویش یا جنس موافق و مخالف، جائز است؟

جواب: اوّلاً: آیات قرآن در زمینهٔ غضّ بصر[1] راجع به مرد و زن اطلاق دارد

---

۱. سورهٔ نور، آیات ۳۰ و ۳۱.

و مقیّد به خوف مفسده نیست. و اگر در مواردی خوف مفسده ذکر شود جنبهٔ حکمت دارد نه علّت؛ یعنی حکم عام است هر چند ملاک عام نباشد. ثانیاً: تهییج شهوت با نگاه به جنس موافق یا مخالف یا لمس کردن آنها شرعاً جایز نیست و با توجّه به این که لمس نسبت به نگاه کردن اولویّت دارد قیاس اولویّت شامل آن می‌شود. به علاوه بعضی از روایات خاصّه نیز دلالت بر آن دارد؛ ولی لمس بدن خود مادام که منشأ فساد یا وسیلهٔ استمناء نگردد دلیلی بر حرمت ندارد، هر چند بهتر آن است که از این کار نیز خودداری شود.

سؤال ۶۸۳. با توجّه به رسالت زندان، که حفظ امنیّت و سلامت زندان و زندانیان می‌باشد، مسؤولین زندان هنگامی که زندانیان یا خانوادهٔ آنان و یا مراجعینی که به نوعی به داخل زندان تردد دارند، آنها را بازرسی می‌کنند. با عنایت به این که بارها مشاهده گردیده تعدادی از زندانیان یا خانواده‌های آنان در منافذ مختلف بدن، از جمله در رحم خود، موادّ مخدر جاسازی نموده و وارد زندان می‌کنند، لذا بازرسین ویژهٔ خانم‌ها و آقایان، جهت کشف موادّ جاسازی شده، مجبور می‌شوند به عورتین افراد نگاه کرده، و حتّی گاهی آن را لمس نمایند. لطفاً بفرمایید:

اوّلاً: آیا بازرسی به این صورت، از نظر مبانی فقهی جایز است؟

ثانیاً: آیا مسؤولین مافوق می‌توانند دستور به چنین بازرسی بدهند؟

جواب: در صورتی که واقعاً ضرورتی برای این امر احساس شود، توسّط جنس موافق مانعی ندارد.

سؤال ۶۸۴. یکی از مأموریّت‌های نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران کنترل اغتشاشات است. بعضاً ممکن است در میان اغتشاش‌گران زنان وجود داشته باشند که اقدام انتظامی در مورد آنان، اعمّ از برخورد، دستگیری، انتقال، جابه‌جایی و مانند آن که نوعاً توسّط مأمورین مرد انجام می‌شود با مشکل مواجه شود. در چنین مواردی تکلیف چیست؟

جواب: در صورتی که امکان داشته باشد، باید پلیس زن برای دستگیری زنان

تعیین شود، ولی اگر در مواردی میسّر نشود، در حدّ ضرورت می‌توان از وجود مردان استفاده کرد.

احکام پوشش

سؤال ۶۸۵. نگاه بدون قصد لذّت به پاهای زنان نامحرم از مچ به پایین چه حکمی دارد؟

جواب: بهتر ترک این کار است.

سؤال ۶۸۶. نظر شما دربارهٔ استفاده از پوشیه توسّط خانم‌ها چیست؟

جواب: استفاده از پوشیه برای خانم‌ها اشکال ندارد؛ امّا در مکان‌هایی که باعث انگشت‌نما شدن آنها می‌شود ترک کنند.

سؤال ۶۸۷. لطفاً به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

الف) پوشیدن لباس زنانه، آرایش زنانه، انجام حرکات زنانه توسّط مردان، در انظار عمومی، به خصوص در مجالس ائمّهٔ اطهار چگونه است؟

جواب: جایز نیست.

ب) آوردن حیواناتی از قبیل اسب و مانند آن به داخل حسینیّه چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که موجب توهین نباشد، و غرض صحیحی بر آن مترتّب گردد، مانعی ندارد.

ج) شرکت در این گونه مجالس، با توجّه به اثرات سوئی که بر رفتار کودکان و نوجوانان دارد، و موجب شکسته شدن حریم مکان‌های مذهبی (حسینیه) می‌گردد چه حکمی دارد؟

د) شبیه سازی افراد خاص توسّط اشخاصی که باعث تمسخر و خدشه دارشدن، یا توهین به چهرهٔ خاص آنان در جامعه شود چه حکمی دارد؟

جواب الف تا آخر: از جواب‌های بالا معلوم شد.

جشن عروسی

سؤال ۶۸۸. هنگامی که عروس را می‌آورند بعضی از دختران و زنان و مردان دو دستمال در دست می‌گیرند و بالا و پایین می‌پرند و همزمان بدن نیز حرکاتی دارد (که عرفاً به آن رضای می‌گویند) بعضی دختران نیز پارچهٔ نازکی به سر می‌کنند که تقریباً کلّ موها و گردنشان پیداست. بعضی زن‌ها نیز روسری سر می‌کنند امّا مقداری از موهایشان نیز پیدا می‌باشد. معمولاً عدّه‌ای نامحرم تماشا می‌کنند، یا در یک صف پشت سر هم می‌رقصند. فیلم‌برداری هست، موسیقی مبتذل هست، علاوه بر حرام بودن اصل موسیقی معمولاً یک شب و روز بیشتر یا کمتر ارگ و ساز و نقاره می‌آورند که شب‌ها قطعاً مزاحم خواب مردم می‌شود. عدّهٔ کمی از جمله بعضی از افرادی که ارگ و ساز و نقاره می‌زنند مرتکب کارهای حرام دیگری (نظیر شرب خمر و کشیدن تریاک) می‌شوند. با توجّه به آلودگی جشن عروسی به گناهان فراوان وظیفهٔ من، که می‌خواهم عروسی کنم، چیست؟

جواب: اوّلاً: وظیفهٔ شما آن است که در صورت امکان بدون برگزاری مراسم جشن، عروسی کنید و ثانیاً: اگر چاره‌ای جز برگزاری جشن عروسی نبود تا حدّ ممکن نهی از منکر کرده و از انجام کارهای حرام جلوگیری نمایید و نسبت به آنچه خارج از توان و قدرت شماست، وظیفه‌ای ندارید.

اختلاط

سؤال ۶۸۹. نظر حضرتعالی در مورد میزان اختلاط و تفکیک دختران وپسران دانشجو درمحیط‌های دانشگاهی، درحالات اضطرار وغیر اضطرار چیست؟

جواب: در صورتی که اختلاط به صورت معمولی باشد؛ یعنی در یک کلاس درس می‌خوانند، ولی در دو سوی کلاس می‌نشینند و همچنین در رستوران وکتابخانه و حجاب اسلامی را رعایت می‌کنند، اشکالی ندارد. البتّه شک نیست که اگر امکان جداسازی باشد، هم از جهات اخلاقی بهتر است، هم از جهات درسی.

آرایش زنانه برای مردان!

سؤال ۶۹۰. مدّتی است بعضی از آرایشگاه‌های مردانه از آرایش‌های اختصاصی بانوان از قبیل برداشتن ابرو، مش کردن موها و مانند آن استفاده می‌کنند؛ لطفاً بفرمایید.

الف) حکم این نوع آرایش‌ها برای مردان چیست؟

ب) اقدام آرایشگران به این امور به لحاظ شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: هر گونه کاری که سبب شود مردان به شکل زنان درآیند جایز نیست.

نکاح در عده

سؤال ۶۹۱. زنی، در اثر جهل به مسأله، در ایّام عدّه با مردی ازدواج می‌کند، و پس از گذشت یک سال زن شک می‌کند که آمیزش آنها بعد از ایام عده بوده یا قبل از آن؟ با توجّه به اختلافی بودن مسأله و این که بعضی از فقها می‌فرمایند: «اگر دخول بعد از ایّام عدّه صورت بگیرد باعث حرمت ابدی نمی‌شود» آیا طبق این مبنا استصحاب عدم دخول جاری است؟

جواب: در فرض سؤال حرمت ابدی حاصل نمی‌شود.

اختلافات زوجین

سؤال ۶۹۲. بین زن و مردی در وقوع صیغهٔ عقد دایم اختلاف می‌باشد. مرد معتقد است صیغهٔ دایم جاری نشده، ولی زن به جاری شدن صیغه مذکور قبل از ثبت در دفتر ازدواج اصرار دارد در ضمن نکاح دایم در دفتر رسمی ازدواج به ثبت رسیده و سند ازدواج هم صادر گردیده است. قابل ذکر است علیرغم گذشتن چندین سال از این موضوع، اظهار می‌دارند استمتاع و رابطهٔ زوجیّتی بین آنان برقرار نشده است. با توجّه به مراتب فوق بفرمایید:

الف) در فرض فوق آیا اصل بر وقوع صیغه نکاح دایم بین آنان است، یا عدم آن؟

ب) در فرض صحّت نکاح دایم، آیا توافق آنان بر بطلان نکاح شرعاً صحیح بوده و ثمره‌ای بر آن مترتّب می‌شود؟

جواب: چنانچه سند ازدواج رسمی تنظیم شده آنها زن و شوهر محسوب می‌شوند؛ مگر این که طبق ادلّهٔ شرعی ثابت شود سند بدون اجرای صیغهٔ عقد تنظیم شده است.

سؤال ۶۹۳. مردی با مراجعه به دادگاه مدّعی مالکیت اسباب و لوازمی است که در حال حاضر در اختیار زوجهٔ اوست، که جدای از وی زندگی می‌کند. و برای اثبات ادّعای خود دلیلی ندارد؛ لذا درخواست استحلاف زوجه را نموده است. متقابلاً زن دعوای شوهرش را رد کرده و اظهار می‌دارد این لوازم را با پول خود تهیّه نموده، و از ادای سوگند نکول کرده، و آن را به زوج رد نموده، و زوج هم قسم یادکرده است؛ مستدعی است بفرمایید:

الف) آیا باید مطابق امارهٔ ید و تصرّف زوجه حکم صادر کرد، یا مطابق یمین زوج؟

جواب: باید بر طبق قسم شوهر عمل شود و یمین مردوده مقدّم است.

ب) اگر زوجه بپذیرد که اثاثیهٔ مورد منازعه در زمان زندگی مشترک مورد استفادهٔ زوجین بوده (هر دو بر آن ید داشته‌اند) آیا تصرّف فعلی وی در این وسایل (مستقل از شوهرش) اماره‌ای بر ملکیّت او خواهد بود؟

جواب: در این صورت ید سابق مقدّم خواهد بود.

ج) مدّعی و منکر در این مسأله کدامند و حکم چیست؟

جواب: مدّعی شوهر است و به همین دلیل یمین مردوده به نفع او خواهد بود.

سؤال ۶۹۴. آیا بار اثبات ترک انفاق مانند سایر دعاوی کیفری بر شاکیه (زوجه) می‌باشد، یا این که اثبات پرداخت نفقه بر عهدهٔ مشتکی عنه (زوج) است؟

جواب: مسأله دو حالت دارد: حالت اوّل آن است که زوجه نزد زوج زندگی می‌کند و ظاهر حال حکایت از نفقه دارد در این صورت زوجه باید عدم نفقه را ثابت کند. حالت دوم آن است که زوج مثلاً در سفر باشد یا در جای دیگر زندگی می‌کند، که او باید اثبات انفاق کند.

سؤال ۶۹۵. دختر باکره‌ای با پسری عقد نکاح دائم منعقد نموده و هنوز در دوران عقد به سر می‌برند و ازدواج نکرده‌اند. چندین مرتبه با همدیگر به مسافرت رفته و در هر

مرتبه نیز، به مدت حداقل یک هفته در یک مکان بوده‌اند. پس از مدّتی زوجه مدّعی شده که به لحاظ خلوت نمودن و انجام مواقعه با زوج، بکارتش زایل گردیده، ولی زوج منکر این ادعاست. با توجّه به موضوع فوق لطفاً به سؤالات ذیل پاسخ دهید:

الف) با توجه به قاعدهٔ فقهی «البیّنة علی المدعی والیمین علی من انکر» چون زوجه مدّعی ازالهٔ بکارت است آیا می‌توان گفت وی باید برای ادّعای خود دلیل ارائه کند؟

ب) آیا اساساً قاعدهٔ فوق در موضوع فوق، حاکمیّت دارد؟ اگر جواب مثبت یا منفی است، دلیل آن چیست؟

ج) بر فرض عدم حاکمیّت قاعدهٔ فوق، چه قاعده یا اصلی منطبق بر موضوع است؟

د) آیا می‌توان به اصل ظاهر استناد کرد و چنین نتیجه گرفت که چون زوج عنین نبوده و زوجه نیز باکره بوده و زوجین نیز چند مرحله و درهر مرحله طی چند روز با همدیگر بوده و خلوت نموده‌اند، بنابراین زوج مرتکب ازاله بکارت شده و او باید بر عدم ارتکاب چنین فعلی دلیل ارائه نماید؟

جواب: در این گونه موارد ظاهر حال حجّت است؛ زیرا در فرض سؤال آنها مدّتی با هم خلوت داشته‌اند و اگر زوج ادّعای عدم دخول می‌کند او در حکم مدّعی است و ادّعایش بدون بیّنه پذیرفته نیست و قول زن حجّت است.

سؤال ۶۹۶. در صورتی که در مورد تمکین خاص اختلاف باشد و مرد مدعی تحقق تمکین خاص و زن منکر آن باشد قول کدام یک مقدّم می‌شود؟

جواب: در دوران عقد بستگی قول منکر تمکین خاص مقدّم است.

سؤال ۶۹۷. در اختلافات میان زن و شوهر در خصوص تمکین زن، آیا تمکین شرط است تا با دلیل اصالة عدم تمکین، بار اثبات بر دوش زن باشد، یا نشوز مانع است تا با دلیل اصالة عدم نشوز بار اثبات بر عهدهٔ شوهر باشد؟ آیا نمی‌توان گفت ظهور حال زوجه، دالّ بر تمکین است (چنان که برخی در باب فقه فرموده‌اند) و قول شوهر مخالف با ظاهر بوده، و او مدّعی محسوب می‌شود؟

جواب: تمکین شرط است، و مدّعی تمکین باید آن را ثابت کند؛ مگر این که ظاهر حال تمکین باشد.

سؤال ۶۹۸. جوانی پس از ازدواج، متوجّه می‌شود، همسرش باکره نیست! علّت آن را ابتدا از خود دختر جویا می‌شود؛ او اقرار می‌کند که: «قبل از ازدواج، مردی به اجبار بکارت او را زایل کرده است» این امر مورد تأیید پدربزرگ دختر، مادر و عموی او نیز قرار می‌گیرد و برای اثبات یا عدم اثبات علمی این قضیّه، عروس را به پزشک مامایی می‌برند و طبق نظر پزشک، دختر بکارت را شب عروسی و بعد از ازدواج از دست داده است. همین امر باعث اختلاف خانوادهٔ داماد و عروس می‌گردد، خانوادهٔ عروس مدّعی سلامت دختر است و طرف داماد را متّهم می‌کند. ولی طرف داماد، اعتراف خود دختر را ملاک قرار داده و او را فاقد بکارت می‌داند.

با توجّه به مقدّمهٔ فوق به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

الف) برای اثبات یا عدم‌اثبات بکارت،آیا اعتراف دختر مقدّم است،یانظر پزشک مامایی؟

ب) بر فرض تقدّم اقرار دختر، آیا طرف داماد حق مطالبهٔ ارش (ما به التفاوت مهریّهٔ باکره و غیر باکره) را دارد؟

ج) بر فرض تقدّم نظر پزشک چطور؟

جواب: چنانچه دختر اقرار کند بکارتش قبل از ازدواج زائل شده قول او مقدّم است.

سؤال ۶۹۹. اینجانب پس از عروسی با همسر اوّلم از او جدا شده و طلاق هم به صورت مدخوله ثبت گردید. سپس با مرد دیگری با علم و اطّلاع از غیر باکره بودن اینجانب ازدواج کردم؛ امّا متأسّفانه پس از ۲/۵ سال که از عقد می‌گذرد و ما با هم رفت و آمدهایی بسیار و مسافرت و خلوت‌های مکرّر داشته‌ایم قصد طلاق دارد و ادّعا می‌کند که چون مواقعه انجام نشده، نصف مهریّه را می‌دهم و با این استدلال که چون اصل بر عدم مواقعه است، قصد دارد با اتیان یک سوگند دروغ، حقّ مرا ضایع کند. آیا ایشان با علم و اطّلاع از عدم بکارت و رفت و آمد قریب به سه سال و خلوت‌های بسیار و برخورداری از سلامت جنسی کامل، می‌تواند با استناد به اصل عدم مواقعه، ادّعای خود را ثابت کند؟

جواب: در فرض سؤال که با هم خلوت‌های مکرّر داشته‌اند و مانعی از مواقعه نبوده قول زن مقدم است.

مسائل متفرقه ازدواج

سؤال ۷۰۰. دو نفر با هم رابطه دارند، آیا دیگران می‌توانند از آنان مدرک دالّ بر محرمیت بخواهند؟

جواب: هرگاه ارتباط آنها مشکوک و توأم با قرائنی در مورد سوء استفاده باشد، مأموران انتظامی می‌توانند از آن تحقیق کنند.

سؤال ۷۰۱. مرد و زنی در زمان خاصّی جهت حفظ حرمت اسلامی قسم خواهر و برادری یاد می‌کنند، امّا با تغییر زمان زمینهٔ ازدواج آنها فراهم می‌شود. آیا می‌توانند قسم را نادیده گرفته و با هم ازدواج نمایند؟

جواب: چنین قسمی، که نوشته‌اید، مانع ازدواج آنها نیست. و اصولاً این گونه قسم‌ها هیچ اعتباری ندارد.

سؤال ۷۰۲. در برخی از قبایل و عشایر وقتی کسی کشته می‌شود، اولیای دمِ مقتول، دختر یا دخترانی را از قبیله قاتل به عنوان دیه گرفته، و به عقد خود درمی‌آورند. آیا این کار جایز است؟

جواب: این کار جز با رضایت دختران مذکور جایز نیست.

سؤال ۷۰۳. لطفا به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) برای باز شدن بخت چه باید کرد؟

جواب: تمام نمازها مخصوصاً نماز صبح را اوّل وقت بجا آورید، و پس از نماز صبح دست راست را بر سینه گذاشته، هفتاد مرتبه یا فتّاح بگویید، سپس ۱۱۰ مرتبه صلوات بفرستید، و در طول روز ذکر لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم را تکرار نمایید.

ب) نگهداری عکس‌های مبتذل، یا نصب آنها در اتاق خواب دختران یا پسران چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۷۰۴. دختری در افغانستان دو سال پس از ازدواج، با شوهر (اوّل) خود زندگی می‌کند. بعد از مدّتی، شوهرش به ایران مسافرت کرده، و پنج سال هیچ خبری از او نبوده است. برادر شوهر این خانم، زن برادرش را با این سخن که شوهر شما در ایران است و فعلاً زندانی می‌باشد، از افغانستان به ایران می‌آورد. وقتی که به ایران می‌رسد به او می‌گوید: شوهر شما فوت کرده و با او ازدواج می‌کند و در مدت یک سال همسر این آقا (برادر شوهر) بوده که شوهر دوم ایشان محسوب می‌شود و از این آقا هم یک فرزند دارد. بعد از مدّتی شوهر دوم به انگلستان سفر کرده و بعد از یک سال طلاق نامهٔ این خانم را به همراه مخارج فرزندش به ایران می‌فرستد. یک سال پس از آن که این خانم در منزل خواهر خود زندگی می‌کرده مجدّداً ازدواج می‌کند و از همسر سوم هم یک دختر دارد. پس از گذشتن حدود ۹ سال از گم شدن شوهر اوّل، اکنون وی پیدا شده است. اکنون وظیفهٔ این زن چیست؟

جواب: آن خانم باید به همسر اوّل بازگردد. ولی با توجّه به این که خیال می‌کرده مرد اوّل فوت کرده فرزندانش از شوهر دوّم و سوّم حلال‌زاده‌اند و در این مدّت مرتکب گناهی نشده است؛ امّا اکنون باید بلافاصله از مرد سوم جدا شود.

فصل بیست و هفتم: احکام طلاق

سؤال ۷۰۵. چندی قبل زنی به اتّفاق همسرش به منظور معالجهٔ فرزند مریض خود به انگلستان مسافرت می‌کنند. زوجه آهنگ اقامت در انگلستان نموده، و هر چه همسرش اصرار به بازگشت نموده قبول نمی‌کند، و شوهر بناچار به ایران مراجعت می‌نماید. پس از گذشت مدّتی، در کمال ناباوری از طریق مرجع قضایی شیراز به وی ابلاغ می‌شود که جهت تنفیذ طلاقی که از طریق دادگاه انگلیس طبق قوانین انگلستان بنا به تقاضای همسرش انجام شده در دادگاه حضور یابد! و این در حالی است که موکّل هیچ‌گونه اطّلاعی از چنین واقعه‌ای نداشته، تا مجال دفاع داشته باشد. از سوی دیگر فردی که برای موکّل شناخته شده نیست ادّعا می‌کند که صیغه طلاق را جاری ساخته است. طلاق مذکور چه حکمی دارد؟

جواب: در فرض سؤال طلاق باطل است و زن همچنان در زوجیّت زوج خود باقی است.

سؤال ۷۰۶. با توجّه به این که شهود طلاق باید دو مرد عادل باشند، و نیز در موقع اجرای صیغهٔ طلاق، زوجه باید از خون حیض و نفاس پاک باشد، آیا زن به عنوان مجری طلاق می‌تواند صیغه را جاری نماید؟ اگر جواب مثبت است، آیا لازم است مجری صیغه نیز از خون حیض و نفاس پاک باشد؟

جواب: مجری صیغهٔ طلاق می‌تواند زن باشد و پاک بودن مجری صیغه از عادت ماهانه شرط نیست. ولی دو شاهد عادل مرد باید حضور داشته باشند و زوجه به هنگام طلاق باید (از حیض و نفاس پاک بوده و) در طُهر غیر مواقع باشد.

حکمین

سؤال ۷۰۷. از نظر اسلام و قرآن چه کسی حق داوری در امور طلاق دارد؟ برخی می‌گویند: «از نظر قانون و اسلام داور در امور طلاق به کسی گفته می‌شود که از اهل طرفین (بزرگان خانواده) باشد و غیر این افراد، صلاحیّت امر داوری را ندارند» آیا از نظر قرآن و اسلام این حرف درست می‌باشد، آیا فردی که تخصّص دارد و از ۱۰ طلاق، ۸ تا را آشتی می‌دهد و به کانون گرم خانواده برمی‌گرداند صلاحیّت داوری ندارد؟

جواب: مقیّد بودن حکمین به این که عضو خانواده باشند از قرآن استفاده می‌شود[1] و اگر کسی بتواند میان افراد آشتی بدهد اشکالی ندارد؛ خواه از خویشاوندان باشد یا غیر خویشاوندان.

عدهٔ طلاق

سؤال ۷۰۸. مردی به خاطر بعضی از مسائل خانوادگی با همسرش توافق می‌کند که او را طلاق دهد، تا خانم با مرد دیگری ازدواج نماید. آیا مرد می‌تواند بعد از طلاق، همسر مطلّقه‌اش را عقد موقّت نماید؟ هدف آنها این است که دورانی را که زن به خاطر عدّه بدون همسر است کمتر نمایند و خانم به اندازهٔ عدّهٔ ازدواج موقّت بدون همسر باشد. این کار چه حکمی دارد؟

جواب: با این کار عدهٔ طلاق از بین نمی‌رود.

سؤال ۷۰۹. زنی (که ذات الاقراء است) به هنگام طلاق حیض می‌بیند، ولی پس از یک طهر یائسه گشته و دیگر حیض نمی‌شود، با توجّه به این که مستند فقهی این مسأله، روایت هارون بن حمزه است[2] و با عنایت به این که هارون بن حمزه توثیق خاصّی ندارد، آیا می‌توان در مورد باقیماندهٔ عدّه به اصل برائت رجوع کرد؟

جواب: بقیّهٔ عدّه ساقط نمی‌شود و چنانچه یک بار عادت شده باید دو ماه دیگر عدّه نگه دارد.

---

۱. سورهٔ نساء، آیهٔ ۳۵.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ابواب العدد، باب ۶، ح ۱.

سؤال ۷۱۰. زنی در سنّ من تحیض است و رحمش را با جرّاحی خارج کرده‌اند. پزشک معالجش می‌گوید: «شما یائسه هستید». حالا همان زن از شوهرش طلاق گرفته، آیا باید عدّه نگه دارد؟

جواب: هرگاه به طور کامل رحم را برداشته‌اند عدّه ندارد.

عدهٔ عقد موقت

سؤال ۷۱۱. زنی که در عدّه عقد موقّت می‌باشد در طول مدّت بعد از مدّت عقد موقّت سه مرتبه خون دیده است. اکنون شک دارد که آیا به مقدار کافی خون حیض بوده یا نه؟ در صورتی که اختبار و آزمایش نمی‌کرده و شک دارد. وظیفه چیست؟ چنانچه یقین به آمدن خون دارد، ولی یقین به تحقّق حیض ندارد، وظیفه چیست؟

جواب: در صورتی که علائم حیض در آن بوده حیض محسوب می‌شود و اگر علائم ثابت نیست عدّه با آن پایان نمی‌گیرد.

عدهٔ وفات

سؤال ۷۱۲. اگر شوهری مسخ شده باشد وظیفه زنش نسبت به عدّه چیست؟

جواب: احتیاط آن است که عدّهٔ وفات نگه دارد؛ ولی با توجّه به این‌که در زمان ما مسخ وجود ندارد این مسأله موضوعیّت ندارد.

طلاق رجعی

سؤال ۷۱۳. شخصی زنش را طلاق رجعی داده است. آیا در ضمن عدّه می‌تواند او را به عقد موقّت خود درآورد؟

جواب: اشکال ندارد.

سؤال ۷۱۴. اگر پدر زوجه بالغه رشیده به زوج بگوید: «زوجه را طلاق بده، و از مهر معاف هستی» و بر همین اساس زوج وی را طلاق بدهد، آیا طلاق رجعی است؟ آیا پدر ضامن چیزی هست؟

جواب: در صورتی که پدر زوجه بگوید: «من از طرف زوجه مهر را بخشیدم، تو طلاق خلعی بده» و زوجه موافق نباشد هیچ اثری ندارد و طلاق باطل است. و در صورتی که بگوید تو طلاق بده، من مهریّه زوجه را خودم می‌پردازم، در این صورت طلاق صحیح است، و رجعی است. ولی در صورتی که زوج رجوع کند پدر زن حق دارد مهریّه را بازپس بگیرد.

حق رجوع

سؤال ۷۱۵. چنانچه زن مطلقّه به طلاق خلع، در زمان عدّه به بذل خویش رجوع نماید و با قبول مرد، رجوع صورت گیرد و زوجین بدون ثبت رجوع مدّت ۱۰ سال در خانه‌های مختلف استیجاری به شهادت صاحبخانه‌ها و همسایگان با اتیان سوگند در دادگاه، زندگی کنند و تأکید بر رجوع نمایند؛ ولی در پایان سال دهم زندگی با بروز اختلاف، زوج صرفاً با تمسّک به:

۱. عدم ثبت رجوع.

۲. عدم حضور شاهد در زمان رجوع زوجهٔ مطلقه به ما بذل و رجوع مرد.

منکر بقای زوجیّت (رجوع) شود.

و زوجه به استناد:

الف) شهادت مرد صاحبخانه که طلاق و رجوع در خانهٔ وی صورت گرفته است در مورد تداوم حضور زوجه در کنار زوج و تأمین نفقهٔ مشار الیها وسیلهٔ زوج به نحوی که شاهد اخیر حتّی از طلاق مطّلع نشده است.

ب) شهادت همسایگان در مورد زندگی مشترک ده ساله.

ج) درمان‌های پزشکی برای رفع بیماری نازایی خود.

د) ضمانت مالی زوج از زوجه در سند رسمی بابت تعهد خدمت دولتی.

مدّعی رجوع به کیفیّت معروضه و بقای رابطهٔ زوجیّت گردد. حکم مسأله چیست؟

جواب: در فرض سؤال که سال‌ها پس از طلاق همچون زن و شوهر در یک خانه با هم زندگی می‌کرده‌اند و ظاهر حال رجوع بوده، ادّعای مرد مبنی بر عدم رجوع پذیرفته نیست.

سؤال ۷۱۶. آیا در طلاق رجعی، قبل از اتمام عدّه در موارد زیر حقّ رجوع وجود دارد؟

الف) درصورتی‌که طرفین قبل ازاجرای صیغهٔ طلاق برعدم رجوع توافق کرده باشند.

ب) در صورتی که طرفین در ضمن اجرای صیغهٔ طلاق بر عدم رجوع توافق نمایند.

ج) در صورتی که طرفین بعد از اجرای صیغهٔ طلاق بر عدم رجوع توافق کنند.

جواب: در هر سه صورت قبل از عدّه حق رجوع ثابت است.

سؤال ۷۱۷. آیا حقّ رجوع زوج در طلاق رجعی قابل اسقاط است، به طوری که نتواند در ایّام عدّه رجوع کند؟

جواب: رجوع یک حکم شرعی است و قابل اسقاط نیست.

جواب: اشکال دارد.

طلاق خلع و مبارات

سؤال ۷۱۸. هرگاه زنی که طلاق خلع یا مبارات داده شده در آخرین روز یا روزهای عدّه به ما بذل رجوع کند، و به مرد اطّلاع ندهد، یا به محضر اعلام کند ولی فرصت ابلاغ این اعلام به شوهر نباشد، و عدّه سپری شود، با توجه به این که برای شوهر عرفاً امکان استفاده از حقّ رجوع به نکاح نمی‌باشد، آیا رجوع زن اثر شرعی دارد؟

جواب: این رجوع به بذل اشکال دارد.

سؤال ۷۱۹. لطفاً دربارهٔ طلاق خلع به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

الف) زوجین ضمن طلاق خلعی توافق می‌کنند که زوجه در مدت عدّه، حقّ رجوع به مال مبذول را از خود ساقط نماید، آیا چنین توافقی جایز و لازم الاتّباع است؟

ب) در فرض جواز، آیا حقّ اقالهٔ توافق سابق را دارند؟

جواب: اسقاط کردن حقّ رجوع به بذل اشکال دارد.

سؤال ۷۲۰. در عقدنامه‌های متداول، در مواردی از سوی مرد به زن وکالت داده شده که بتواند خود را مطلّقه سازد. یکی از آن موارد این است که مرد بدون اذن زن ازدواج نماید. خواهشمند است بفرمایید:

الف) آیا این طلاق، طلاق خُلع خواهد بود، یا رجعی؟

ب) چنانچه زن ناشزه شود و علیرغم محکوم شدن به تمکین از سوی دادگاه خانواده، به حکم دادگاه توجّه نکند و به نشوز ادامه دهد و مرد با اخذ مجوّز از دادگاه خانواده ازدواج نماید، آیا در این صورت نیز چنین وکالتی برای زن ثابت است؟

جواب: این طلاق می‌تواند به صورت خلعی انجام شود؛ ولی در جایی که زن ناشزه است چنین وکالتی در حقّ او ثابت نیست.

سؤال ۷۲۱. آیا قبول بذل از جانب شوهر شرط صحّت طلاق است، یا همان وکالت کفایت می‌کند؟

جواب: باید بذل را از سوی شوهر قبول کند، ولی همین که می‌گوید: «فهی علی ما بذلت طالق» کافی است.

سؤال ۷۲۲. زنی با بذل تمام مهریّه‌اش، طلاق خلع گرفته و صیغهٔ طلاق هم جاری گردیده، لکن زن بلافاصله پشیمان شده، و در حضور شهود به مهریّه‌اش رجوع نموده، و آن را از همسرش مطالبه کرده است. در نتیجه طلاق، رجعی شده و مرد نیز به وی رجوع نموده و از همان ابتدای جاری شدن صیغهٔ طلاق، زندگی مشترک را مجدّداً آغاز کرده، و به طور طبیعی با هم مسافرت رفته، و در جمع فامیلی و عمومی زن بدون حجاب در کنار همسرش بسر می‌برده است. ولی مرد پس از اتمام عدّه، منزل را ترک کرده، و مدّعی است صیغهٔ طلاق جاری، و عدّه نیز سپری شده، و رجوعی صورت نگرفته است. لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) با توجّه به شهادت شهودی از اهل ثقه که شهادت می‌دهند زوجه مهریّه‌اش را از همسرش مطالبه کرده، آیا رجعی شدن طلاق و تعلّق مهریّه به زوجه ثابت می‌گردد؟

ب) با عنایت به این که شهود متعدّد حاضر به شهادت آنچه در مقدّمهٔ سؤال گفته شد هستند، آیا این ظاهر حال، برای اثبات ادّعای زن و رجوع شوهر، کافی است، یا زن باید قصد رجوع شوهر را ثابت کند؟

جواب: هرگاه شهود عادل شهادت بر رجوع زن به بذل و رجوع شوهر به

زوجیّت می‌دهند، یا شهادت می‌دهند که پس از طلاق و در زمان عدّه و پس از آن معاشرت آنها همچون معاشرت زن و شوهر بوده ادّعای زوج پذیرفته نمی‌شود.

سؤال ۷۲۳. مردی به تمام وظایف خود در برابر همسرش عمل می‌کند ولی زوجهٔ او به دلیل خصوصیات اخلاقی‌اش از زندگی با شوهر کراهت شدید داشته و در عسر و حرج است و متقاضی طلاق خلع می‌باشد در حالی که مرد رضایت به طلاق ندارد، بفرمایید:

الف) آیا حاکم شرع می‌تواند مرد را مجبور به طلاق نماید و در صورت استنکاف وی از طلاق، خود حاکم اقدام به طلاق دادن زوجه کند؟

جواب: در صورتی که مرد به وظایف خود عمل می‌کند و خصوصیّات و مشکلات اخلاقی زوجه سبب عسر و حرج او شده، طلاق دادن او بدون رضایت شوهر جایز نیست ولی اگر عسر و حرج، به سبب رفتارهای شوهر باشد، حاکم شرع می‌تواند او را طلاق دهد.

ب) در صورتی که عسر و حرج ناشی از سوختگی صورت مرد و کریه المنظر شدن او، یا به دلیل فاصلهٔ سنی زیادی بین زوجین باشد به گونه‌ای که مرد توان ارضای جنسی زن را نداشته باشد، حکم مسأله چیست؟

جواب: در صورتی که عیوبی در مرد است در حدّی که زن به عسر و حرج شدید می‌افتد و آن عیوب در حدّی است که عقلاً تنفّر زن را از مرد معقول و موجه می‌شمارد در این صورت حاکم شرع می‌تواند به زوج پیشنهاد طلاق کند و اگر قبول نکرد اقدام به طلاق خلعی نماید، بخصوص این که بیم افتادن زن در گناه نیز برود.

ج) در هر یک از صور فوق اگر احتمال به گناه افتادن زن در صورت طلاق ندادن او، زیاد باشد حکم مسأله چیست؟

جواب: احتمال به گناه افتادن زن به تنهایی مجوز طلاق نیست بلکه تابع دو صورت فوق است.

سؤال ۷۲۴. شخصی خانم خود را طلاق داده است؛ ولی علیرغم این که زن مهریّه‌اش را

بخشیده، طلاق دهنده بصورت رجعی طلاق را خوانده، نه به صورت خلع، طلاق مذکور از لحاظ شرعی چه حکمی دارد؟ با توجّه به این که این زن ازدواج نموده، اکنون وظیفه‌اش چیست؟

جواب: هرگاه مرد و زن توافق کرده‌اند که زن مهریّه خود را ببخشد و مرد او را طلاق دهد، و زن مهریّه خود را بخشیده و مرد پذیرفته، طلاقی که پس از آن داده شده طلاق خلعی است هر چند شبیه طلاق رجعی خوانده شده باشد. بنابراین، ازدواج بعدی اشکال ندارد.

سؤال ۷۲۵. مدّتی پیش، به عقد دائم پسری درآمدم. در دوران عقد بر اثر بی‌احتیاطی هنگام همخوابی با وی بکارت خود را از دست دادم. هر دوی ما از این بابت خیلی ناراحت بودیم؛ چون قرار بود جشن عروسی مفصّلی بگیریم. متأسّفانه بعد از مدّتی به علّت عدم تفاهم اخلاقی رابطهٔ ما کاملاً به هم خورد، به حدّی که قرار شد از هم جدا شویم. شوهرم بنا به خواهش‌های من (البتّه بدون اطّلاع خانواده‌هایمان) با عمل جرّاحی مرا مداوا کرد، و بعد از گذشت یک ماه از عمل جرّاحی طلاق گرفتیم. عصر روزی که طلاق گرفتم، راهی مشهد شدم. در طول مدّتی که در مشهد بودم دائم از طریق تلفن با من در تماس بود و نسبت به طلاق و جدایی ابراز پشیمانی می‌کرد. در ضمن ما توافقی از هم جدا شدیم و من تمام مهریّه‌ام را به او بخشیدم. روزی که از مشهد به اصفهان برگشتم او منتظر من ایستاده بود، تا مرا به منزلمان برساند ولی بر خلاف وعده‌اش مرا به خانه یکی از دوستانش برد و به اجبار و زور و با قول و وعدهٔ این که دوباره با من ازدواج می‌کند و به هم می‌رسیم، عمل نزدیکی را از پشت انجام داد. چند ماهی هفته‌ای یک بار این کار بدون اطّلاع خانواده‌هایمان ادامه داشت؛ هم اکنون چند ماهی است که به هر طریقی شده از او دوری می‌کنم. حتّی منزلمان را عوض نموده‌ایم؛ چون از این کار او خسته شده بودم، فقط می‌ترسم موضوع عمل جرّاحی را به خانواده‌ام بگوید. در عین حال خیال می‌کردم که واقعاً مرا دوست دارد، و خیال ازدواج دوباره دارد، ولی اشتباه کردم. قصد او جز ارضا چیز دیگری نبود. آیا او شوهر من محسوب می‌شود؟ آیا دوباره باید صیغهٔ طلاق خوانده شود؟ آیا من می‌توانم با کس دیگری ازدواج کنم؟

جواب: طلاق مذکور به قوت خود باقیست؛ و شما پس از عدّهٔ طلاق می‌توانید با دیگری ازدواج کنید. سعی کنید هیچ گاه او را به نزدیک خود راه نـدهید و از خطاهای گذشته جدّاً توبه کنید.

سؤال ۷۲۶. بر اثر اختلافات خانوادگی از جانب شوهرم، به صورت توافقی از هم جدا شدیم. مهریّهٔ خود را بذل کردم، و قرار شد در مدّت عدّه رجوع کنیم؛ ولی ایشان بـدون اطّلاع من، با محضردار تبانی نموده، و حقّ و حقوق مرا اسقاط کرد. هنگامی که در مدّت عدّه به شوهرم رجوع کردم، محضردار گفت: «حقّ رجوع ندارید، و نمی‌توانید به مهریّه یا به همسرتان رجوع کنید» گویا او جدا از حکم دادگاه، یکسری مطالبی به نفع شوهرم در سند طلاق اضافه کرده بود؛ از جمله این که بدون اطّلاع بنده حقّ رجوع به مـهریّه را از من اسقاط کرده بود. و تخلّف محضردار برای دادگاه محرز شده و رئیس ادارهٔ ثبت اسناد رسمی اراک نیز تخلّف او را تأیید کرده است. متأسّفانه بدون این کـه مـعنای اسـقاط را بدانم، و بدون این که بفهم شوهرم و محضردار تمام حق و حقوقم را تـضییع کـرده‌انـد، سند طلاق را امضا کردم. حکم شرع چیست؟

جواب: در صورتی که ثابت شود اسقاط حقّ شما به صورت تبانی بوده حق دارید در مدّت عدّه رجوع به بذل کنید، و اگر مدّت عدّه به خاطر امتناع شـوهر گذشته، بعد از عدّه نیز می‌توانید رجوع به بذل کنید. علاوه بر این که رجوع به بذل حکم است نه حق، و قابل اسقاط نیست.

سؤال ۷۲۷. اینجانب از شوهرم طلاق گرفته‌ام و با توجّه به این که تمامی حقّ و حقوق خود، اعمّ از مهریّه و نفقه و غیره، را به زوج بذل نمودم طلاق به صورت خلع در دفترخانه به ثبت رسیده است. در ایّام عدّه به علّت مزاحمت‌های زوج درخواست مهریّه کردم؛ ولی از آنجا که نمی‌دانستم با رجوع من به آنچه بخشیده‌ام شوهرم حق رجوع به زوجیّت پیدا می‌کند، پس از آن که این مطلب را فهمیدم و قبل از اخذ مهریّه بلافاصله اعلام نمودم که من حق و حقوق خود را نمی‌خواهم و قصد ندارم به زوج خود رجوع کنم و در دفترخانه هم به ثبت رسیده که من مجدّداً از گرفتن مهریّه منصرف شدم؛ ضمن این که زوج در ایّام

عدّه هیچ مهریّه‌ای وی پرداخت نکرد. ولی باکتکاری و تهدید چاقو و حیله و فریب، من را به مسافرت برد؛ در حالی که شاهد عینی دارم که رجوعی بین ما نبوده و من را تهدید کرده است. آیا طبق شرع رجوع ما باطل و طلاق ما ثابت است؟

جواب: در صورتی که شما به بذل خود رجوع کرده باشید ولی ایشان آن را به شما تحویل نداده باشد رجوع تحقق نیافته و طلاق به قوّت خود باقی است و در این صورت پس از سپری شدن عدّه می‌توانید با هر کس مایل باشید ازدواج کنید.

سؤال ۷۲۸. در تاریخ ۸۵/۵/۲۵ زوجهٔ سابقم با بذل کلّ مهریّه از دادگاه خانواده حکم طلاق خلع را گرفته، و در تاریخ ۸۵/۸/۹ در محضر طلاق آن را به ثبت رسانده است. مراتب طلاق بشرح زیر انجام پذیرفت:

۱. زوجه کلیّهٔ مهر خود را طبق سند نکاحیّه به زوج بذل کرد. ۲. زوجه در خصوص سایر حقوق ادّعایی ندارد. ۳. باردار نمی‌باشد، و طلاق در شرایط پاکی و طهر غیر مواقعه اجرا شد. زوجه ۱۳ روز پس از ثبت طلاق در محضر، در مورخه ۸۵/۸/۲۲ نصف مهریّه را طلب کرده است. آیا چیزی به زوجه تعلّق می‌گیرد؟

جواب: زوجه حق دارد در زمان عدّه به تمام یا بخشی از مال البذل رجوع کند و باز پس بگیرد و در این صورت طلاق رجعی می‌شود و شوهر هم می‌تواند به عقد زوجیّت رجوع کند.

سؤال ۷۲۹. لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) اگر کسی طلاق خلع گرفته باشد و در زمان عدّهٔ طلاق، شوهر برگردد آیا دوباره باید عقد خوانده شود؟

ب) اگر در عدّهٔ طلاق خلع زن و مرد با رضایت یکدیگر، بدون عقد به زندگی مشترک بازگردند و آمیزش کنند، چه حکمی دارد؟

جواب الف و ب: چنانچه در عدّه، زن به مال الخلع رجوع نماید و تمام یا بخشی از آن را تحویل بگیرد و شوهر نیز به زوجیت رجوع کند نیازی به عقد مجدّد نیست و دوباره زن و شوهر می‌شوند و تمام احکام زوجیت جاری می‌گردد.

ج) در فرض بالا بعد از آمیزش اگر زن نخواهد به زندگی مشترک ادامه دهد، آیا باید دوباره عدّه نگهدارد؟

جواب: چنانچه آمیزش کنند وسپس طلاق داده‌شود، زن باید مجدّداً عده نگه‌دارد.

د) حکم وطی در عدّهٔ طلاق خلع چیست؟

جواب: چنانچه بدون رجوع زن به مال الخلع و در پی آن رجوع زوج به زوجیّت باشد حرام است.

هـ) اگر در عدّهٔ طلاق مرد رجوع کند و زن هم مهریّه‌اش را مطالبه نماید و مرد قبول کند امّا مهریّه را ندهد و آمیزش صورت گیرد چه حکمی دارد؟

جواب: تا مرد مهریّه را ندهد حق رجوع ندارد.

سؤال ۷۳۰. در موارد طلاق توافقی یا خلع و مبارات که در آن عوض (فدیه) وجود دارد، آیا ماهیّت طلاق واقع شده، ایقاع محسوب می‌شود یا عقد؟

جواب: صیغهٔ طلاق ایقاع است؛ هر چند صیغهٔ بذل عقد محسوب می‌شود.

طلاق غیابی

سؤال ۷۳۱. زنی که شوهرش مفقود شده اگر بعد از ازدواجِ مجدّد، شوهرش پیدا شود وظیفه‌اش چیست؟

جواب: چنانچه بعد از عدّه شوهر کرده، طلاق از شوهر اوّل و ازدواج با شوهر دوم هر دو صحیح است.

سؤال ۷۳۲. چنانچه زنی از ایفای وظایف زوجیّت امتناع کرده و از تمکین خودداری نماید، آیا با گذشت مدّت سه الی چهار سال می‌تواند ادّعای عسر و حرج کرده، و به استناد آن درخواست طلاق نماید؟

جواب: چنانچه زوجه بدون عذر شرعی از تمکین خودداری کند و از این جهت نفقهٔ او قطع گردد و در عسر و حرج قرار گیرد نمی‌تواند درخواست طلاق کند.

سؤال ۷۳۳. مردی به تمام وظایف خود در برابر همسرش عمل می‌کند؛ ولی زوجهٔ او به دلیل خصوصیّات اخلاقی خود، از زندگی با شوهر کراهت شدید داشته، و در عسر و حرج است، و متقاضی طلاق خلع می‌باشد، در حالی که مرد رضایت به طلاق ندارد، بفرمایید:

الف) آیا حاکم شرع می‌تواند مرد را مجبور به طلاق نماید، و در صورت استنکاف وی از طلاق، خود حاکم اقدام به طلاق دادن زوجه کند؟

ب) در صورتی که عسر و حرج ناشی از سوختگی صورت مرد و کریه المنظر شدن او، یا به دلیل فاصلهٔ سنی زیاد بین زوجین باشد به گونه‌ای که مرد توان ارضای جنسی زن را نداشته باشد، حکم مسأله چیست؟

ج) در هر یک از صور فوق، اگر احتمال به گناه افتادن زن در صورت طلاق ندادن زیاد باشد، حکم مسأله چیست؟

جواب: در صورتی که واقعاً زن در عسر و حرج شدید باشد، و دلیل معقولی عسر و حرج خود داشته باشد، و بیم افتادن در گناه نیز برود، حاکم شرع می‌تواند به شوهر تکلیف طلاق کند. اگر طلاق نداد، حاکم شرع می‌تواند او را طلاق دهد.

سؤال ۷۳۴. حاکم دادگاه بر اساس درخواست زوجه، و به لحاظ عسر و حرج وی، و با عنایت به استنکاف شوهر از طلاق، قصد صدور حکم طلاق دارد، بفرمایید:

الف) چنانچه زوج بذل از طرف زوجه را قبول ننماید، آیا حاکم می‌تواند مالی را که زوجه بذل می‌کند به هر مقداری که باشد ولو بسیار اندک قبول نماید؟

جواب: مانعی ندارد، ولی باید به‌مقداری باشد که در عرف و عادت معمول است.

ب) آیا زوجه می‌تواند نفقهٔ ایام گذشتهٔ خود را به عنوان مال مورد بذل، تعیین نماید؟

جواب: اشکالی ندارد؛ به شرطی که در بالا گفته شد.

ج) آیا زوجه می‌تواند نفقهٔ ایام عدّه را به عنوان بذل تعیین کند؟

جواب: زوجه در عدّهٔ طلاق خلع حق نفقه ندارد.

د)آیا زوجه می‌تواند ضمن مطالبهٔ مهریّه، مالی‌کمترازمهریّه رابرای بذل تعیین‌کند؟

جواب: در صورتی که خلاف عرف و عادت نباشد مانعی ندارد.

هـ) چنانچه زوجه از بذل خودداری کند آیا حاکم دادگاه وظیفه دارد حکم به طلاق دهد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ آیا نوع طلاق بائن است یا رجعی؟

جواب: احتیاط واجب آن است که با در نظر گرفتن بذل متعارف طلاق خلعی داده شود.

محلل

سؤال ۷۳۵. زن و شوهری در زمانی که مسیحی بودند طبق آیین خود از هم جدا شدند، و پس از آن که اسلام را قبول کردند دوبار این زن را طلاق داد. آیا طلاق در زمان مسیحیّت یک طلاق محسوب می‌شود که با این دو طلاق، سه طلاق شود و احتیاج به محلّل داشته باشد؟

جواب: احتیاط آن است که سه طلاق حساب کنند.

تکلیف اموال زن و شوهر

سؤال ۷۳۶. اینجانب تبعهٔ افغانستان و مقیم رباط کریم می‌باشم. در سال ۱۳۸۲ با نوهٔ عمویم ازدواج نمودم. همسرم بدون هیچ دلیل منطقی زندگی مشترک را ترک و به خانهٔ پدرش رفته است. در زمان فراهم کردن مقدّمات عروسی، بنده مطابق رسوم افغانستان مبالغی به قرار ذیل به پدرزنم جهت شیربها و تهیهٔ وسایل و مانند آن پرداخت نمودم:

۱. یک میلیون و هفتصد هزار تومان بابت شیربها.

۲. دو میلیون و یکصد هزار تومان بابت مصارف روز عروسی

۳. هفتصد و پانزده هزارتومان بابت خرید طلاجات.

۴. پانصد هزار تومان بابت خرید باقیمانده وسائل جهیزیّه.

با توجّه به موارد فوق و مطابق عرف مرسوم مردم افغانستان، تقاضامندم که به استفتائات ذیل پاسخ دهید:

الف) اگر پول خرید طلاجات را شوهر به خانوادهٔ عروس پرداخت کرده ولی هیچ‌گاه به

زوجه هبه ننموده باشد، مالکیت طلاهای مزبور از آنِ کیست؟ اگر صرفاً فاکتور آنها به نام زوجه باشد، آیا پس از طلاق، زوجه می‌تواند در آن تصرّف مالکانه نماید؟

ب) وسائل و اثاثیّهٔ منزل که به عنوان جهیزیّه و با پول شوهر خریداری می‌گردد و در ابتدا مطابق عرف رایج تمام آنها به خانهٔ پدری عروس برده شده و وقتی که عروس به خانهٔ شوهر برمی‌گردد، آنها را همراه با خود می‌آورد، چه حکمی دارد؟

جواب الف و ب: آنچه را شوهر به همسرش می‌بخشد در صورتی حقّ رجوع دارد که اوّلاً: با همسرش نسبت فامیلی نداشته باشد. ثانیاً: همسرش در آن تصرّف ناقله نکرده باشد. و اگر بخشش آن اموال مشروط به ادامهٔ زندگی و مانند آن بوده، در این صورت نیز می‌تواند بازپس بگیرد.

ج) وسائل و لوازمی را که اطرافیان به عروس و داماد به عنوان هدیه می‌دهند چه حکمی دارد؟ آیا این هدایا متعلّق به زن است، یا شوهر؟

جواب: وسایل زنانه مربوط به زوجه و وسایل مردانه مربوط به زوج است و در مورد وسایل مشترک آنچه را بستگان شوهر آورده‌اند برای شوهر و آنچه را بستگان زن آورده‌اند برای زن می‌باشد.

سؤال ۷۳۷. اینجانب در سال ۸۲ به عقد پسری درآمده، و بنا به دلایلی بعد از یک سال و اندی از وی جدا شدم. نامزد سابقم و خانواده‌اش هنگام جشن عقد طلاهایی را به عنوان هدیهٔ عقد و وسایلی را هم در مناسبت‌های مختلف برای من هدیه آوردند. آیا باید این طلاها و وسایل را پس بدهم؟ چگونه؟ به نرخ روز یا قیمت خرید؟

لازم به ذکر است که آنها مهر و نفقه و دیه (به علّت ضرب و جرح) به من ندادند و من به خاطر این که زودتر طلاق بگیریم مجبور شدم آنها را نگیرم.

دیگر این که وسایل من هم (که قیمت آن یکصد هزار تومان می‌شود) دست آنهاست. تکلیف آنها چیست؟

جواب: با توجه به این که این هدایا مشروط به ادامه زندگی آنها با یکدیگر است، اگر در فاصلهٔ کوتاهی جدا شوند احتیاط واجب آن است که آنها را

برگرداند، ولی چنانچه طلبی از آنها داشته باشید می‌توانید معادل طلبتان را از آنچه در اختیار دارید کسر کنید و اگر بعد از مدّت طولانی بوده متعلق به شماست.

مسایل متفرقهٔ طلاق

سؤال ۷۳۸. لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) اگر وکیل به هنگام طلاق احکام شرعی را به زن تفهیم کرده، و لزوم خلوّ از موانع شرعی را به وی گوشزده نموده، سپس صیغهٔ طلاق را جاری کرده باشد، و زن در ایّام عدّه یا پس از آن، مدّعی شود که در حال طلاق در حیض یا طهر مواقعه بوده و متوجّه حکم شرعی نشده، طلاق چه حکمی دارد؟

جواب: در فرض سؤال که مسائل به زن تفهیم شده، ادّعای وی پذیرفته نیست.

ب) اگر زوجه بیّنه شرعی اقامه کند که اموال موجود در منزل مشترک زوجین، جهیزیّه‌اش بوده که به خانهٔ شوهر آورده، و زوج منکر بوده و آن را متعلّق به خود بداند، چه صورتی دارد؟

جواب: با وجود بیّنه شرعی قول زوجه مقدّم است.

ج) اگر زوج هم متقابلاً اقامه بیّنه مبنی بر تعلّق آن به خودش نماید چه حکمی دارد؟

د) اگر هیچ یک بیّنه نداشته و فقط مدّعی مالکیّت باشند، حکم چیست؟

جواب: ج و د) اگر هر دو اقامهٔ بینه کنند، یا هیچ کدام بیّنه نداشته باشند، آنچه معمولاً مربوط به زنان است از آنِ زوجه، وآنچه مربوط به مردان است از آنِ مرد است.

ه) آیا لیست جهیزیّه، که حاکی از تحویل به زوج است، به تنهایی دلیل بر مالکیّت زوجه بر آن اموال می‌باشد؟

جواب: هرگاه زوج آن را امضا کرده باشد باید طبق آن عمل شود.

سؤال ۷۳۹. حدود ۲ سال پیش، بین من و همسرم طلاق خلع واقع شد؛ امّا علیرغم این که با کره بودم، در پاسخ پرسش قاضی دادگاه (به علّت عدم آگاهی به مفهوم مدخوله

و غیر مدخوله) اشتباهاً عنوان کردم: «مدخوله هستم» در نتیجه عنوان طلاق در عقدنامه، مدخوله آمده است، و این جانب کلیّهٔ حقوق خود را در آن زمان بذل نمودم.

اینک با توجه به این که مجدداً می‌خواهم ازدواج کنم و همسر سابق من، به دروغ در دادگا عنوان می‌دارد بارها مواقعه صورت گرفته است. آیا در این گونه موارد، قول زن پذیرفته است؟ آیا نوع طلاق پس از گذشت زمان قابل تصحیح است؟

جواب: در صورتی که مدّتی با هم زندگی کرده و خلوت داشته‌اید قول مدّعی دخول پذیرفته می‌شود. و طلاقی که به طور صحیح ظاهراً واقع شده قابل تغییر نیست، مگر این که خلاف آن ثابت شود.

سؤال ۷۴۰. خانه مسکونیم را به دو نفر از فرزندانم صلح کردم، به شرط این که تا زنده‌ام استیفای منافع و حقّ فسخ مورد صلح برای خودم محفوظ باشد و بعد از مرگم در اختیار متصالحین قرار گیرد و سایر ورثه سهمی از آن نداشته باشند. متأسّفانه متصالحین به تحریک مادرشان ناسپاسی کردند، من هم قبل از این که بمیرم از اختیاراتم استفاده کردم و مورد صلح را که در خلال این مدّت در ید و تصرّف خودم بود فسخ کردم و موضوع منتفی شد. با توجّه به مقدّمهٔ مذکور، به سؤال زیر پاسخ فرمایید:

دفاتر ازدواج شرطی را به امضای زوجین می‌رسانند که اگر زوج زوجه را طلاق دهد نصف دارائیش را، که در زمان زناشویی به دست آورده، به زوجه انتقال دهد. من خانه فوق الذکر را سال‌ها قبل از ازدواج و انعقاد شرط مذکور خریده‌ام. زوجهٔ مطلقه فسخ صلح را کسب مالکیّت جدید پنداشته و مطالبهٔ نصف آن را می‌نماید. در حالی که ملک مذکور قبل از ازدواج با او خریداری شده و فسخ صلح هم در حکم تحصیل حاصل بوده، نه خرید مجدّد. حضرتعالی فسخ چنین صلحی را کسب مالکیّت جدیدی می‌دانید، یا برگشت به مالکیت اوّلیه؟

جواب: ملک جدید نیست، و زوجه عند الطلاق حقّی در آن ندارد.

سؤال ۷۴۱. در بند اول سند ازدواج آمده است: «ضمن عقد نکاح (یا عقد خارج لازم) زوجه شرط نمود هرگاه طلاق بنا به درخواست زوجه نباشد، و طبق تشخیص دادگاه

تقاضای طلاق ناشی از تخلّف زن از وظایف همسری یا سوء اخلاق و رفتار وی نبوده باشد، زوج موظّف است تا نصف دارایی موجود خود راکه در ایّام زناشویی با او به دست آورده، یا معادل آن را طبق نظر دادگاه بلاعوض به زوجه منتقل نماید» با توجّه به بند فوق بفرمایید:

الف) چنانچه تمام اموال زوج در ایّام زندگی مشترک چهل میلیون تومان باشد و در حین طلاق سی میلیون تومان آن را بابت مهریّه، نفقه و حقوق ایام نحله به زوجه بدهد، آیا لازم است نصف باقیماندهٔ اموال (نصف ده میلیون تومان) را به زوجه پرداخت نماید یا باید نصف همه اموال به دست آمده در زندگی مشترک (نصف چهل میلیون تومان) را به وی بپردازد؟

ب) اگر زوج قسمتی از اموال راکه در ایّام زناشویی به دست آورده فروخته باشد، آیا باید قیمت یا معادل نصف آن را نیز در هنگام طلاق به زوجه منتقل نماید؟

جواب: الف و ب) اصل چنین شرطی با توجّه به ابهام فراوانی که دارد محلّ اشکال است و لازم است به نوعی با هم مصالحه کنند.

فصل بیست و هشتم: احکام لعان

سؤال ۷۴۲. مردی همسرش را طلاق می‌دهد، سپس فرزندی از مطلّقه متولّد می‌شود. مرد منکر دخول، و زن مدّعی دخول است و نوزاد را به آن مرد نسبت می‌دهد. از آنجاکه ارخاء ستر و خلوت، تمام مهر را اثبات نمی‌کند، لطفاً بفرمایید:

الف) آیا همین مقدار برای لعان کافی است؟

ب) در صورت وجود بیّنه یا اقرار به دخول چطور؟

ج) با توجّه به این که انکار ولد، حمل بر قذف به زنا می‌گردد، آیا حدّ قذف بر زوج جاری می‌شود؟

جواب: در صورتی که مرد با زن خلوت نموده و ارخاء ستر کرده، چنانچه نفی ولد کند باید به لعان متوسّل شود و اگر ارخاء ستر ثابت نباشد حکم لعان ندارد و چنانچه نفی ولد ظهور در نسبت زنا داشته باشد حدّ قذف جاری می‌شود.

سؤال ۷۴۳. اگر مردی، همسرش را قذف و از وی نفی ولد کند و بیّنه اقامه نماید. آیا حدّ قذف از وی ساقط می‌شود؟ آیا ولد بدون لعان منتفی می‌شود؟ آیا به حکم فراش، ولد ملحق به زوج نمی‌شود، تا آن که با لعان منتفی شود؟

جواب: درصورت اقامهٔ بیّنه حد قذف ازاو منتفی می‌شود؛ ولی ولد ملحق به‌اوست.

سؤال ۷۴۴. مردی همسر دیوانه‌اش را در حال افاقه قذف می‌کند، لطفاً بفرمایید:

الف) آیا حد ثابت است، یا لعان امکان دارد؟

ب) در فرض الف اگر زوجه خودش در حال افاقه یا ولیّش در حال جنون وی مطالبه حد نمایند، آیا زوج با لعان می‌تواند اسقاط حدّ نماید؟

جواب: در صورتی که شرایط لعان جمع باشد زوج می‌تواند با لعان اسقاط حد کند. و از جمله شرایط آن است که زوج ادّعای مشاهده زنای زوجه را بنماید. در غیر این صورت لعان جایز نیست.

سؤال ۷۴۵. آیا از نظر شرع مقدس لعان در عقد موقّت جاری می‌شود؟ اصولاً لعان در چه مواردی مصداق پیدا می‌کند؟

جواب: در عقد موقّت لعان جاری نیست.

سؤال ۷۴۶. با توجه به مسأله ۱۱ «کتاب اللعان» تحریر الوسیله، که فرموده: «لا یقع اللعان الا عند الحاکم الشرعی و...» آیا رئیس شعبه مجاز به رسیدگی و اجرای مراسم لعان هست؟

جواب: لعان باید نزد حاکم شرع باشد.

سؤال ۷۴۷. چنانچه مرد مدّعی نفی ولد شود و سازمان پزشکی قانونی کشور با اخذ نمونه خون از او و فرزند مورد نظر و مادری که انتساب فرزند به او مسلّم باشد، با انجام آزمایش دقیق صراحتاً و بدون هیچ‌گونه تردیدی رابطه بنوّت را مردود اعلام دارد، آیا باز هم می‌توان به استناد امارهٔ فراش فرزند را ملحق به مرد نمود؟

جواب: آزمایش‌های پزشکی دلیل قاطع بر این امور نیست. بنابراین، تا یقین به خلاف حاصل نشود اماره فراش جاری است.

فصل بیست و نهم: احکام ایلاء

سؤال ۷۴۸. شخصی همسرش را ایلاء معلّق به زمان معیّنی (بیش از چهار ماه) می‌کند، امّا هیچ کدام از دو امر (رجوع به وطی زوجه، یا طلاق زوجه) را انجام نمی‌دهد، تا آن که مدّت معیّن فوق الذکر در ایلاء سپری می‌شود. لطفاً بفرمایید:

الف) آیا پس از سپری شدن این مدّت می‌تواند طلاق دهد؟

ب) اگر پس از سپری شدن این مدّت دخول نماید، آیا کفّاره حنث یمین بر عهدهٔ او می‌آید؟

جواب: بعد از سپری شدن مدّت کفاره‌ای ندارد و می‌تواند طلاق بدهد.

ج) آیا وطی زوج به زوجه ایلاء شده در مدّت ایّام تربّص جایز است؟ آیا زوجه می‌تواند در مدّت تربّص از نزدیکی امتناع کند؟

جواب: آری وطی جایز است؛ ولی کفّاره هم دارد و زن حقّ امتناع ندارد.

سؤال ۷۴۹. ابتدای زمان احتساب تربّص در مسألهٔ ایلاء از هنگام مرافعه است، یا از هنگام وقوع ایلاء؟

جواب: از هنگام مرافعه است.

سؤال ۷۵۰. زوج و زوجه‌ای، که بین آنها ایلاء واقع شده، در سپری شدن زمان تربّص و انتظار اختلاف دارند. زوجه مدّعی انقضای مدّت برای الزام زوج به فئه یا طلاق است، و زوج مدّعی بقای مدّت است. قول کدام مقدّم است؟ در صورت وقوع اختلاف در زمان وقوع ایلاء، آیا قول مدّعی تأخّر مقدّم است؟

جواب: در هر صورت قول مدّعی تأخر حجّت است؛ مگر این که بر خلاف آن اقامهٔ بیّنه بشود.

سؤال ۷۵۱. مدّت تربّص در مورد زوجینی که بین آنها ایلاء واقع شده، منقضی شده، و زوجه مانع از دخول دارد (مانند بودن در احرام یا روزه یا حیض، یا بیماری، یا مانند آن) از طرفی فئه عاجز ثابت شده است. در این صورت آیا زوجه می‌تواند مطالبه فئه عاجز (رجوع به وطی عاجز) یا طلاق کند، یا باید تا زمان سپری شدن عذر شرعی صبر کند؟

جواب: باید زمان عذر بگذرد.

سؤال ۷۵۲. بعد از تحقق ایلاء، آیا نگاه کردن به همسر و استمتاعات غیر دخول جائز است؟

جواب: همه چیز جایز است؛ ولی اگر بعد از چهار ماه دخول کند باید کفّاره بپردازد، امّا سایر استمتاعات کفّاره ندارد.

فصل سی‌ام: احکام غصب

سؤال ۷۵۳. اگر شخصی زمینی را به زعم مالکیّت فروشنده، از وی خریداری و در آن مستحدثاتی بنا کند، و بعداً مشخّص شود زمین متعلّق به فروشنده نبوده و مالک واقعی آن ضمن عدم تنفیذ بیع، خواهان استرداد ملک خود و تخریب مستحدثات مشتری گردد، با فرض این که خسارات ناشی از تخریب، با توجّه به نوع بناهای رایج در این زمان، قابل تحمّل برای مشتری نمی‌باشد، و حتّی بایع فضولی هم نتواند آن را جبران کند، نظر مبارک حضرتعالی در صورت علم و جهل فروشنده به غصبی بودن زمین، و امکان جبران خسارت توسّط بایع و عدم آن چیست؟

جواب: فروشنده باید قیمت زمین را به صاحب اصلی بپردازد، یا صاحب اصلی بنا را خریداری کند، یا مال الاجارهٔ زمین را سال به سال از خریدار بگیرد.

سؤال ۷۵۴. اگر غاصب، لباس خود را با نخ‌های غصب شده خیّاطی کند، سپس مالک آن نخ‌ها را مطالبه نماید، لطفاً بفرمایید:

الف) آیا با امکان جدا کردن، نخ‌ها به مالک بازگردانده می‌شود؟ در صورتی که مستلزم فساد لباس باشد، مانند چوب در ساختمان یا آهن و آجر و سایر مصالح در ساختمان و مانند آن چه حکمی دارد؟

ب) اگر جدا کردن مستلزم نقص قیمت نخ‌ها شود، آیا غاصب ضامن نقص قیمت، یا ردّ مغصوب است؟

ج) در فرض فوق اگر باعث فساد نخ‌ها شود، آیا ضامن قیمت کامله است؟

د) آیا پس از پرداخت تمام قیمت (نخ‌ها به مالک آن) تصرّف در آن لباس جایز است؟

جواب: معمولاً جدا کردن نخ‌ها به طور سالم امکان‌پذیر نیست و از این جهت

نخ‌ها جزء تالف (اموال تلف شده) محسوب می‌شود، و باید مثل یا قیمت آن را به مالک پرداخت کند و در این صورت تصرّف در آن جایز است. و در مورد اشیای دیگر، هرگاه در نظر عرف تالف محسوب شود پرداختن مثل (در صورتی که مثلی باشد) یا قیمت آن لازم است و در غیر این صورت باید خود آن را پرداخت کند. و در صورتی که بازگرداندن خود آن سبب تخریب ساختمان می‌شود، در اینجا نیز جزء تالف محسوب می‌شود.

فصل سی و یکم: احکام اموال گمشده

سؤال ۷۵۵. در آتش‌سوزی‌های مجامع عمومی بعد از اطفای حریق اموالی از قبیل پول نقد، طلاجات و مانند آن به جا می‌ماند. به چه شکل می‌توانیم تشخیص دهیم که صاحب اموال کدام یک از این اجساد است؟

جواب: باید آنها را به دست حاکم شرع بسپارید و صورت اسامی تلف‌شدگان و خسارت‌دیدگان را هم به او بدهید، تا طبق قانون شرع در میان آنها تقسیم کند.

سؤال ۷۵۶. دو رأس گوساله چند سال پیش داخل گاوهای من شد. مدّتی به همه جا سر زدم تا صاحبش پیدا شود، ولی مدت هفت سال است که صاحب آن را نیافته‌ام. بعد از یک ماه یکی مرد، دیگری دوباره بچّه زایید، ولی هر دو بچّه‌اش مرد. در این مدّت برای گوساله موجود مخارج زیادی متحمّل شده‌ام. لطفاً بفرمایید: تکلیف من چیست؟

جواب: چنانچه از یافتن صاحبش مأیوس شده‌اید آن را بفروشید و آنچه را خرج آن کرده‌اید بردارید و باقیماندهٔ پول آن را صدقه دهید و می‌توانید خودتان آن را خریداری کنید. و در مورد گاو و گوساله‌هایی که تلف شده‌اند چنانچه در نگهداری آنها قصور و کوتاهی نکرده‌اید ضامن نیستید.

فصل سی و دوم: احکام سر بریدن و شکار حیوانات

چگونگی ذبح حیوانات

سؤال ۷۵۷. لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) اگر سلاّخ گاو چاقو را در سمت راست گلوی گاو یا سمت چپ گلوی او فرو کند و بعد شروع به بریدن آن نماید ذبح به حساب می‌آید یا نحر؟

جواب: این کار جایز است؛ مشروط بر این که رگ‌های معیّن بریده شود. ولی بهتر ترک آن است.

ب) قصّاب شتر چاقو را در حفره‌ای که میان اصل گردن و سینه است فرو می‌برد و بلافاصله شروع به بریدن دو طرف آن حفره می‌کند، این کار چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه آن دایره را مقداری توسعه دهد به طوری که با صدق نحر منافات نداشته باشد اشکالی ندارد.

ج) در بعضی از مناطق سر شتر را از دو محل جدا می‌کنند. جداکردن سر شتر در حالی که هنوز حیات دارد صحیح است یا خیر؟

جواب: احتیاط در ترک آن است.

سؤال ۷۵۸. با توجه به شرط پنجم سر بریدن حیوانات (باید حیوان بعد از سر بریدن حرکتی کند اگر چه مثلاً چشم یا دم خود را حرکت دهد یا پای خود را به زمین زند. که معلوم شود زنده بوده است. و احتیاط واجب آن است که خون به مقدار کافی از آن بیرون بریزد.) و این که در کشتارگاه‌ها با توسّل به آلات الکتریکی دام و طیور را بیهوش می‌کنند. آیا حکم ذبح شرعی در مورد این دام و طیور جاری است، حتّی اگر به علّت این شوک الکتریکی تمام خون جهنده از بدن حیوان خارج نشود؟

جواب: هرگاه شرایط شرعی رعایت گردد اشکالی ندارد و بیهوش کردن حیوان قبل از ذبح اشکالی ندارد و تکان نخوردن با علم به زنده بودن ضرری نمی‌زند.

سؤال ۷۵۹. ذابح، گاو حقیر را ذبح کرد. بعد از ذبح، هر دو نفر فهمیدیم که $\frac{2}{3}$ یا بیشتر از مهره روی گردن رفته است. قصّابها گفتند: «اگر به قدر سرانگشتی از مهره روی سر باشد حلال و پاک است». نظر شما چیست؟

جواب: در صورتی که بقیّه رگ‌های لازم بریده شده باشد حلال است.

شکار حیوانات

سؤال ۷۶۰. در صید سگ شکاری، آیا بر شخصی که سگ را جهت شکار روانه می‌کند، دویدن و شتاب کردن به سوی صید هنگام روانه کردن سگ واجب است، یا هنگامی که می‌بیند سگ به شکار رسیده هر چند شکار هنوز تسلیم نشده، یا هنگامی که شکار را گرفته و نگاه داشته و شکار نمی‌تواند بگریزد، کافی است و شتاب کردن و دویدن واجب نیست؟

جواب: احتیاط این است که هنگامی که شکار را گرفته به سوی او برود و اگر زنده است آن را سربُرد.

سؤال ۷۶۱. آیا در شکار پرنده و حیوان استقبال (رو به قبله بودن) شرط است؟

جواب: در شکار استقبال شرط نیست.

سؤال ۷۶۲. آیا شکار گنجشک، کبک، کبوتر و امثال آن با تفنگ، موجب حلیّت گوشت آنها می‌شود، یا حتماً باید ذبح رو به قبله صورت گیرد؟

جواب: در صورتی که به وسیلهٔ شکار خونی از آنها جاری شود و پیش از آن که شکارچی برسد و سر آنها را ببرد جان بدهند، پاک و حلال است.

سؤال ۷۶۳. گرفتن وجه (پول) به منظور صدور پروانهٔ شکار و صید جانوران وحشی و آبزیان، و تغییر محدودیّت‌های زمانی و مکانی برای شکار توسّط دولت، از نظر شرع مقدّس اسلام چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که وجه، عادلانه بوده باشد، و برای حفاظت محیط زیست و بقای نسل حیوانات صرف گردد، مانعی ندارد. همچنین قرار دادن محدودیّت‌های زمانی و مکانی، در صورتی که به شکل منطقی و قابل قبول باشد، آن هم جایز است.

سؤال ۷۶۴. اگر شکار حیوانات، در فصل شکار، به عنوان امرار معاش صورت نگیرد و هدف تفریح باشد، چه حکمی دارد؟

جواب: این کار حرام است.

صید حیوانات دریایی

۱. ماهی

سؤال ۷۶۵. برخی ماهیان فلس‌دار، بعد از صید دیر جان می‌سپارند. اگر پس از صید ضربه‌ای به سر این گونه ماهی‌ها وارد شود تا در مردن آنان تسریع گردد. آیا این کار جایز است؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۷۶۶. شرایط تذکیه ماهی حلال گوشت چیست؟

جواب: همین اندازه که آن را از آب زنده بگیرند یا زنده در دام بیفتد حلال است.

سؤال ۷۶۷. آیا خوردن ماهی‌های کوچک، به صورت زنده حلال است؟

جواب: خالی از اشکال نیست، مگر برای درمان.

سؤال ۷۶۸. در بعضی از مراکزی که ماهی را به صورت زنده می‌فروشند، بعد از گرفتن ماهی از آب، ضربه‌ای به سر ماهی زده و فوراً شکم آن را پاره کرده و امعا و احشای آن را خارج می‌کنند، در حالی که هنوز ماهی زنده و کمی حرکت دارد، آیا خوردن آن حلال است؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۷۶۹. برای صید ماهی در حوضچه‌های پرورش ماهی، از اتّصال برق به آب استفاده می‌کنند. لطفاً بفرمایید:

الف) خوردن این ماهی‌ها چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که خارج از آب بمیرند مانعی ندارد.

ب) چنانچه بعضی از این ماهی‌ها به وسیلهٔ برق داخل آب بمیرند و مخلوط با ماهی‌های نیمه‌جان به واسطه شوک برق از آب گرفته شوند وظیفه چیست؟

جواب: هرگاه مخلوط شوند باید از همه پرهیز کرد.

سؤال ۷۷۰. ملاک در تشخیص این‌که ماهی فلس دارد یا ندارد، مرجع تقلید است یا مکلّف یا عرف یا کارشناس؟ و با توجّه به این که، مجتهد می‌تواند بیان احکام کند و تشخیص موضوعات به عهده وی نیست، چنانچه مرجع تقلیدی بفرماید «کوسه‌ماهی حرام است» یا «کوسه‌ماهی چون فلس ندارد حرام است» وظیفهٔ مقلّدین وی چیست؟ اگر بعضی از مقلّدین به فلس‌دار بودن آن علم پیدا کرده باشند چطور؟

جواب: بهترین راه آن است که از ماهیگیران حرفه‌ای که اهل تشخیص این امورند در این باره سؤال کنند.

سؤال ۷۷۱. وقتی شکم ماهی بزرگی را که صید کرده بودیم شکافتیم، چندین ماهی کوچک از نوع دیگر به شکل بی‌جان دیده شد، که بعضی بلعیده شده و سالم بودند و بعضی تکه تکه شده بودند آیا خوردن آنها حلال است؟

جواب: خوردن آنها اشکال دارد.

سؤال ۷۷۲. آیا «امعا و احشا» داخل شکم و سر و چشم ماهی حلال است؟

جواب: سر ماهی و «امعا و احشا» آن حلال است.

سؤال ۷۷۳. ماهی حرام‌گوشت که در آب مرده نجس است؟

جواب: پاک است.

سؤال ۷۷۴. خوردن گوشت ماهی اوزون برون یا خاویار چه حکمی دارد؟ (این ماهی هنگامی که زنده از آب گرفته می‌شود فلس ندارد، امّا کارشناسان می‌گویند که فلس

داشته و به عللی فلس‌ها جدا شده است. ملاک، فلس‌دار بودن، هنگام صید آن است، یا اگر در خلقتش فلس داشته باشد، کفایت می‌کند؟ چنانچه جواب مثبت است تشخیص آن بر عهدهٔ کیست؟ اگر باگفته کارشناس به اطمینان برسیم کفایت می‌کند؟

جواب: در صورتی که ثابت شود «ماهی دارای فلس هست» اشکالی ندارد. ولی آنچه ا از کسانی که ماهی‌گیر حرفه‌ای هستند شنیده‌ایم این است که این ماهی فلس ندارد.

۲. کوسه ماهی

سؤال ۷۷۵. نظر به این که کوسه ماهی جزء ماهیان غضروفی، زنده‌خوار و گوشتخوار می‌باشد و به نظر عرف مردم بدون فلس بوده ولیکن به نظر متخصّصین و اهل فن دارای فلس زیر پوستی صفحه‌ای می‌باشد، که قسمتی از تیغهٔ آن از پوست بیرون است و اوره و آمونیاک موجود در خون آن در صورت خونگیری کامل از بین خواهد رفت، و با عنایت به این که شکار کوسه ماهی در بین عموم مردم به ویژه اهالی استان‌های ساحلی کشور بسیار مرسوم است و صادرات عمده این ماهی از این مناطق به نواحی مختلف کشور جهت استفاده و تولید کنسرو کراراً انجام می‌گیرد، استفاده از این ماهی چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه در نزد عرف مردم مخصوصاً صیادان منطقه بدون فلس باشد، خوردن آن جایز نیست.

۳. میگو

سؤال ۷۷۶. آیا خوردن میگو حلال است؟ و اگر حلال است شرط تذکیه آن چیست؟

جواب: میگو حلال است و باید بعد از گرفتن از آب یا در دام بمیرد.

سؤال ۷۷۷. موجودات دریایی یا آبزی‌ها به چهار دسته تقسیم می‌شوند: گیاهان، حشرات، حیوانات و ماهیان. از نظر اسلام کدام یک حلال و کدام حرام می‌باشند؟

جواب: از موجودات دریایی، تنها ماهی فلس‌دار و میگو حلال است. و گیاهان دریایی هرگاه ضرری نداشته باشد، استفاده از آن بی‌مانع است.

۴. خاویار

سؤال ۷۷۸. آیا خوردن خاویار و تخم ماهی‌های فلس‌دار و بی‌فلس جایز است؟ و اگر حلال است چنانچه ماهی در آب مرده باشد چه حکمی دارد؟

جواب: خاویار ماهی‌های فلس‌دار حلال است ولی اگر در آب و خارج از تور ماهیگیری مرده باشد خورن آن جایز نیست.

قربانی

سؤال ۷۷۹. در جایی خواندم «حقّ قربانی این است که فقط برای خداکشته شود» اگر این طور است، پس هنگامی که کسی از مسافرت می‌آید، یا خانه یا ماشین جدیدی خریداری می‌کند، یا از بیماری خاصّی نجات می‌یابد و برای آن شخص یا شئ‌مورد نظر قربانی می‌کنند؛ حکمش چیست؟

جواب: در این گونه موارد نیز قربانی برای خدا، و به قصد کمک به نیازمندان و مؤمنین است. شبیه نماز استسقاء (طلب باران) که برای خدا خوانده می‌شود، ولی هدف لطف الهی به نزول باران است.[1]

۱. مسایل مربوط به نماز باران را در کتاب «تحقیقی جدید پیرامون نماز باران» مطالعه فرمایید.

فصل سی و سوم: خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها

حیوانات حلال‌گوشت و حرام‌گوشت

سؤال ۷۸۰. از کشورهای غیر اسلامی گوشت مرغ وارد افغانستان می‌شود. پشت کارتن گوشت‌ها نوشته شده «حلال و ذبح شده به روش اسلامی» حکم این گوشت‌ها از نظر خوردن یا نجس و پاک بودن چیست؟

جواب: استفاده از آنها اشکالی ندارد، مگر این که علم به خلاف داشته باشید.

سؤال ۷۸۱. اگر از فروشندهٔ گوشت‌های مذکور پول طلب‌کار باشم و بدهکار (چون درآمد دیگری ندارد) بدهی خود رااز پول گوشت‌های مذکور بدهد، گرفتن چنین پولی چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۷۸۲. اگر بچّهٔ حیوان حلال گوشتی از جنس حیوان حلال گوشت دیگری متولّد شود آیا خوردنش حلال است؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۷۸۳. اگر حیوان مادهٔ حلال گوشتی از حیوان حرام‌گوشتی (نجس العین یا غیر آن) آبستن شود، آیا بچّهٔ آن پاک و حلال است؟

جواب: هرگاه بچّهٔ آن شکل مادر را داشته باشد حلال است و اگر شکل پدر را داشته باشد حرام است؛ و اگر نوع جدیدی محسوب شود آن هم حلال گوشت است.

سؤال ۷۸۴. خوردن خرچنگ (پرورشی یا دریایی) چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۷۸۵. نظر به صنعت نوپای پرورش شترمرغ در ایران، و تأیید پزشکان علوم تغذیه و مسؤولان سلامت جامعه مبنی بر سالم‌تر بودن پروتئین شترمرغ و فواید بسیار زیاد آن، و همچنین بررسی سیستم گوارش این پرنده مبنی بر گیاه‌خوار بودن، استفاده از گوشت و تخم و پر و پوست آن چه حکمی دارد؟

جواب: گوشت و تخم شترمرغ حلال است و استفاده از پر و پوست آن جایز است.

سؤال ۷۸۶. گاوی را ذبح شرعی نموده، از شکمش گوساله‌ای را خارج کرده‌اند که در بعضی از قسمت‌های بدنش مثل ناخن‌ها مو روئیده است. آیا خوردن این گوساله جایز است؟

جواب: در صورتی که خلقت آن کامل بوده و مو به اندازهٔ کافی در بدنش روئیده باشد حلال است و ذبح مادرش ذبح او حساب می‌شود.

اجزاء حرام حیوان حلال گوشت

سؤال ۷۸۷. بعضی از پزشکان خوردن دنبلان را برای تقویت اسپرم به بیماران خود توصیه می‌کنند. آیا خرید و فروش و همچنین استفاده از آن جایز است؟

جواب: هرگاه به تشخیص اطبّای متعهد و آگاه تنها داروی بیماری مذکور باشد و داروی جایگزین حلالی وجود نداشته باشد، اشکالی ندارد.

خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های حلال و حرام

سؤال ۷۸۸. استفاده از فراورده‌های گوشتی، مانند پودر گوشت و پودر استخوان بعنوان خوراک دام (دام علفخوار)، چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۷۸۹. دانه‌های روغنی، که تبدیل به روغن نباتی می‌شود، در انبارهایی ذخیره می‌شود که غالباً در این گونه انبارها موش‌ها نفوذ می‌کند، و در نتیجه در دانه‌های روغنی

که توسّط دستگاه مکنده برای روغن‌گیری ارجاع داده می‌شوند فضولات موش وجود دارد. استفاده از این گونه روغن‌ها چه حکمی دارد؟

جواب: تا یقین به این مسأله پیدا نکنید وظیفه‌ای ندارید و در این مسأله جستجو نباید کرد.

سؤال ۷۹۰. با توجّه به اثرات نامطلوب اثبات شدهٔ جوش شیرین بر روی موادّ غذایی، و ترکیب با املاح، و غیر قابل جذب نمودن دسته‌ای از املاح بسیار مفید و ضروری برای بدن، و در نتیجه ایجاد تغییرات بد در کیفیّت و کاهش خواص آنها، و به کارگیری غیر ضروری این مادّه در بسیاری از صنایع غذایی (شیرینی‌پزی‌ها، لبنیّات، بیسکویت‌سازی‌ها و مانند آن) حکم شرعی استفاده از جوش شیرین در محصولات خوراکی و فروش این‌گونه محصولات چیست؟

جواب: با توجّه به نهی کارشناسان موادّ غذایی و پزشکان، نسبت به این موضوع، باید از آن اجتناب کرد.

سؤال ۷۹۱. با توجّه به عوارض سوء به اثبات رسیده آلودگی با سرب، از جمله عدم دفع طبیعی از بدن، و انباشته شدن و رسوب در مغز، و ایجاد اختلال در عملکردها و فعالیت‌های مغزی، بلاخص حافظه و هوش و خلق و خو، و آلودگی قابل توجّه روزنامه و مجلّات و مانند آن به این فلز سنگین، متأسفانه مواردی مشاهده شده که از روزنامه و کاغذهای باطله و غیر بهداشتی به عنوان دمکنی برای دم کردن چلو، یا برای پیچیدن موادّ غذایی و تحویل به مشتری استفاده می‌گردد. حکم شرعی در این‌گونه موارد چیست؟

جواب: هرگاه به تصدیق کارشناسان ضررهایی دارد باید از آن اجتناب کرد.

سؤال ۷۹۲. غذای شبهه‌ناک به چه غذایی گفته می‌شود؟ و معنی اثر وضعی چیست؟ آیا اثرش فقط تکوینی است، یا تشریعی نیز هست؟

جواب: غذای شبهه ناک به غذایی گفته می‌شود که احتمال نامشروع بودن آن وجود داشته باشد. استفاده از چنین غذایی شرعاً حرام نیست، ولی آثار طبیعی خود را می‌گذارد؛ مثل اموال کسی که احتمال قوی می‌دهیم آلوده به رباست.

فصل سی و چهارم: احکام نذر

سؤال ۷۹۳. مادری نذر کرده که اگر خداوند فرزندی به او عطا فرمود، دو سال در حرم امام‌رضا علیه‌السلام خدمت نماید. ولی اکنون رفتن او به حرم میسّر نیست. وظیفه‌اش چیست؟

جواب: در صورتی که نذر کرده آن بچّه خدمت کند این نذر صحیح نیست؛ زیرا هیچ کس نمی‌تواند دربارهٔ دیگری نذر کند. و اگر نذر کرده خودش خدمت کند، باید به اندازهٔ توانایی‌اش خدمت کند.

سؤال ۷۹۴. در گذشته نذر شمع، جهت اماکن متبرّکه به منظور تأمین روشنایی آن صورت می‌گرفت. با عنایت به این که روشنایی اماکن متبرّکه توسط نیروی برق تأمین می‌گردد، و روشن کردن شمع در این مکان‌های مقدّس باعث آلودگی محیط شده و هیچ گونه فایده و بهره‌ای در بر ندارد، آیا چنین نذرهایی صحیح می‌باشد؟

جواب: آن مقدار که جزء تشریفات و تزئینات عقلایی است، اشکالی ندارد. ولی زائد بر آن اشکال دارد.

سؤال ۷۹۵. هشت سال است با کمک مردم چهارده دختر بی‌سرپرست در بصورت شبانه‌روزی و چهارده پسر و دختر معلول ذهنی بطور روزانه تحت نظر ۱۰ نفر مربی و کارگر و راننده نگه‌داری و پذیرایی می‌شوند. افراد نیکوکار بعضی اوقات گوسفند نذری یا عقیقه می‌آورند یا پول می‌دهند و می‌گویند خودتان یک گوسفند ذبح کنید. با توجّه به این که گاهی گوشت از مصرف اضافه می‌آید آیا اجازه می‌فرمایید فروخته شود و به مصرف غذا و دارو و مانند آن برسد؟

جواب: نسبت به گوسفند عقیقه این کار جایز نیست و در مورد نذری‌ها هم اگر نذر اطعام بوده جایز نمی‌باشد. ولی اگر مشروط به آن نباشد می‌توانید بفروشید و صرف نیازهای دیگر نمایید.

سؤال ۷۹۶. چنانچه مادری نذر کند که اگر فرزندانش مستقل شوند (متأهّل گردند) خودشان (مثلاً) در روز تاسوعا سه کیلو شکر بصورت شربت بین عزارداران توزیع کنند. آیا چنین نذری قابل قبول است؟

جواب: چنین نذری معتبر نیست.

سؤال ۷۹۷. اگر شخصی نذر کرده باشد که در وقت خاصّی کاری را انجام دهد، ولی پس از رسیدن به مطلوب خود، آن کار را در وقت خود انجام ندهد، آیا بعد از گذشتن وقت عمل به نذر، باید قضای آن را انجام دهد؟

جواب: باید هم قضای آن را انجام دهد و هم کفّارهٔ نذر را بجا آورد.

سؤال ۷۹۸. از برخی مؤمنین که نذر کرده‌اند وقتی در مورد چگونگی نذر آنها سؤال می‌شود می‌گویند: «هنگام نذر کردن لفظی را به زبان نیاورده‌ایم، بلکه در دل خود نذر کرده‌ایم آیا این گونه نذرها صحیح است و تخلف از آن جایز نمی‌باشد؟»

جواب: عمل به چنین نذرهایی واجب نیست، ولی بهتر است به آن عمل کنند.

سؤال ۷۹۹. نذر کردم که اگر در دانشگاه قبول شدم، و شرایط فراهم شد از بهبهان تا حرم امام خمینی(ره) را با دوچرخه رکاب بزنم، حال که حاجتم برآورده شده می‌خواهم این کار را انجام دهم، امّا می‌دانم که خانواده با این کار مخالفت می‌کنند. در ضمن مسیری که می‌خواهم رکاب بزنم خطراتی هم دارد. وظیفه‌ام چیست؟

جواب: با توجّه به آنچه نوشته‌اید نذر شما در این زمینه واجب العمل نیست.

سؤال ۸۰۰. در بین برخی از شیعیان سنّتی رواج پیدا کرده که از فرقهٔ اهل حق گرفته شده است. به این ترتیب که خروسی را نذر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌کنند، و در روز خاصّی از سال شخصی از فرقهٔ اهل حقّ خروس‌های نذری را سر می‌برد. پاها و نوک خروس را قبل از سر بریدن می‌شویند، و ذابح به هنگام سربریدن دعاهایی می‌خواند و خونی که موقع سر بریدن بیرون می‌آید در چاله‌ای می‌ریزند. برای پختن گوشت این خروس دستورات خاصّی می‌دهند؛ مثلاً نباید به آن چیزهایی از قبیل رب و مانند آن اضافه کرد. و موقع پرکندن نباید خونابه و پرها را در هر جایی بریزند، بلکه چاله‌ای

می‌کنند و آن را در آنجا می‌ریزند، و حتّی استخوان‌ها و چیزهایی که بعد از خوردن خروس باقی می‌ماند را در جایی دفن می‌کنند! حکم نذر مذکور و گوشت خروس چیست؟

جواب: این نذر باطل است، و این کار جزء خرافات زشت است و خوردن چنان گوشتی حرام است.

فصل سی و پنجم: احکام وقف و حبس

تولیت وقف و اختیارات متولی

سؤال ۸۰۱. لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) چنانچه واقف تولیت موقوفه را طیّ وقف‌نامه‌ای برای اشخاص معیّنی به ترتیب قرار دهد، و افراد فوق به ترتیب مقرّر در وقف‌نامه ضمن اقرارنامه‌های رسمی از قبول تولیت اعراض نمایند، آیا پس از اعراض می‌توانند رجوع نمایند و خواهان تولیت گردند؟

جواب: آری در صورت صلاحیّت حقّ رجوع دارند.

ب) آیا متولّی بعدی باید از سوی واقف باشد، یا حاکم شرع او را تعیین می‌کند؟

جواب: در صورتی که متولّی منصوص تولیت را نپذیرد و واقف برای این حالت، شخص خاصّی را پیش‌بینی نکرده باشد حاکم شرع متولّی بعدی را تعیین می‌کند.

سؤال ۸۰۲. وقف‌نامه‌ای صدو چهل سال پیش توسّط فرد خیّری تنظیم گردید. متولّی موقوف ادّعا دارد که مسؤولیّت تکیه و مسجد از قبیل انتخاب روحانی ایّام ماه مبارک رمضان و دهۀ محرّم و صفر، انتخاب مدّاحان و خادمین مسجد، و حسینیه با اوست، و حتّی ورود به داخل مسجد و حسینیّه جهت اقامۀ نماز و عزاداری باید با اجازۀ او باشد. آیا می‌تواند چنین ادعایی داشته باشد؟

جواب: متولّی موقوفه حقّ دخالت در مورد اموری مثل انتخاب روحانی و مدّاح و خادم مسجد و برنامه‌های عزاداری و مانند آن را ندارد، و این امور باید با مشورت با مردم توسّط هیئت امنا و امام جماعت مسجد انجام گیرد.

سؤال ۸۰۳. شخصی حدود یکصد سال پیش مسجد کوچکی ساخته و در وقف‌نامه‌ای

که نوشته برای آن متولّی قرار داده که نسلاً بعد نسل تولیت را بر عهده بگیرند. آن مسجد به علّت عدم امکان استفاده خراب و با پولی که از مردم جمع‌آوری شده مسجد جدیدی توسّط عدّه‌ای به عنوان هیأت امناء احداث گردیده که مردم برای اقامه نماز و برگزاری مراسم از آن استفاده می‌کنند لطفاً بفرمایید:

الف) آیا مسجد نیاز به متولّی دارد، یا تولیت مربوط به مستغلاّت مسجد است؟

جواب: تولیت مربوط به مستغلاّت مسجد است. بنابراین، مسجدی که مستغلاّت ندارد نیازی به تولیت ندارد.

ب) در هر صورت، آیا تولیت منصوص در مسجد جدید الاحداث هم نافذ است و کارهایی که در این مسجد جدید انجام می‌شود باید با اذن او باشد، یا مردمی که پول داده‌اند و نمازگزار مسجد هستند می‌توانند هیأت امنایی برای ادارهٔ آن داشته باشند؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

ج) هیأت امنا در طول حدود ۳۰ سال که برای ساخت و ساز و کارهای دیگر مسجد فعالیّت می‌کرده و اطّلاعی از موضوع وقف‌نامه آن مسجد کوچک نداشته، زمینی تهیّه و آشپزخانه‌ای احداث کرده که برای مجالس داخل مسجد و غیر آن استفاده می‌شده است. تکلیف آن چه می‌شود و تولیت آن بر عهدهٔ کیست؟

جواب: مدیریت مسجد توسّط هیئت امناء منتخب نمازگزاران تعیین می‌شود.

سؤال ۸۰۴. پدرم باغی را در یکی از روستاهای توابع شهرستان نور وقف نموده، و در اختیار ورثه ذکور و اناث قرار داده، که این وقف در طومار روستا که مورد تأیید بزرگان و شورای اسلامی روستا می‌باشد و همچنین در مسجد علی بن ابیطالب ثبت گردیده است. و پدرم در سال ۱۳۸۳ فوت نمودند. وقتی به ادارهٔ اوقاف مراجعه نمودم، اعلام داشتند که پدرم در سال ۱۳۷۹ و در سن ۸۳ سالگی (بعد از پشت سر گذاشتن سکتهٔ مغزی به ادارهٔ اوقاف مراجعه و اعلام کرده که باغ تنها در اختیار اولاد اناث باشد! و با توجّه به این که پدر بعد از فوت مادر، در خانه خواهرم زندگی می‌کرد. به نظر می‌رسد این امر ناشی از ترس، یا از سر تهدید بوده است. و به هر حال کلیّهٔ تلاش‌های من برای احقاق

حقوق به شکست منجر شده، و در حال حاضر قرارداد اجارهٔ اداره اوقاف، فقط به نام خواهرانم می‌باشد. در رابطه با وقف مذکور سؤالاتی به شرح زیر دارم:

الف) وقتی باغی وقف گردیده و در اختیار ذکور و اناث قرار گرفته، آیا واقف می‌تواند برای بار دوم و پس از گذشت ۱۱ سال مجدداً تغییری در تولیت آن ایجاد نماید؟

ب) آیا تصرّف این باغ توسّط خواهران، و محروم نمودن اینجانب از سهم الارث، از نظر شرع صحیح است؟

جواب: هنگامی که وقف تمام شود و متولّی در وقفنامه اوّلیه تعیین شده باشد هیچ کس حتّی واقف نمی‌تواند آن را شرعاً تغییر دهد، مگر این که ثابت شود متولّی منصوص صلاحیّت ندارد، که در این صورت متولی جدید از سوی حاکم شرع تعیین می‌شود.

موقوفه‌ها

۱. بقاع متبرکه

سؤال ۸۰۵. از آنجا که در جای جای کشور اسلامی ایران بقاع متبرّکه نورافشانی می‌کند، و غالب شخصیّت‌های مدفون در بقعه‌ها را فرزندان امام کاظم علیه السلام می‌دانند، این مطلب از چند جهت مورد اشکال و شبهه قرار گرفته که امام کاظم علیه السلام چند فرزند داشته، که این تعداد از آنها در ایران مدفون هستند؟

در همین راستا اخیراً محقّقینی در صددند که نسب واقعی این بقاع را با مدارک متقن و منابع دست اوّل، و با برخی از احتمالات معرّفی نمایند. از آنجایی که این تحقیقات تغییر نسب و گاهی تغییر نام صاحب مرقد را در پیش دارد، و در ضمن جواب مناسبی به تمام شبهات و توهّمات می‌شود، آیا اصولاً چنین تحقیقی شایسته است؟

جواب: مادام که یقین به بطلان این مشجّرات و این نسبت‌ها نداشته باشید، زیارت کردن در این مقامات به عنوان رجا مانعی ندارد؛ چرا که هدف اصلی تجلیل از معصومین علیهم السلام است. اضافه بر این، تمام امامزاده‌های ایران منتسب به

امام موسی بن جعفر علیه السلام نیستند و در مواردی که منتسب هستند ممکن است فرزندان بلافصل نباشند، بلکه فرزندان بالواسطه بوده باشند و باید ایرادکنندگان را به این نکته توجّه داد تا ایراد نکنند.

سؤال ۸۰۶. آیا می‌توان ساختمان برخی از امامزاده‌ها، یا مساجد یا حسینیّه‌ها را توسّط دستگاه‌های مدرن به مکان دیگری منتقل کرد، به‌گونه‌ای که ساختمان آن صحیح و سالم و بدون کمترین آسیبی در محلّ جدید قابل استفاده باشد؟ در صورت جواز حکم زمین آن چیست و آیا بنای موجود در زمین جدید حکم وقف دارد؟

جواب: این کار جایز نیست؛ زیرا زمین آن وقف و ساختمان، مخصوص همان زمین است، ولی چنانچه این کار انجام شود، زمین همچنان موقوفه است.

۲. مساجد

سؤال ۸۰۷. اگر در جایی صیغهٔ مسجد خوانده شود، آیا زیرزمین یا طبقهٔ فوقانی آن نیز حکم مسجد دارد؟

جواب: آری حکم مسجد دارد؛ مگر این که هنگام وقف آن را استثنا کنند.

سؤال ۸۰۸. اگر اشخاصی به منظور کسب شهرت و استفاده‌های پنهان، مدیر اجرای ساخت و توسعه اماکن مذهبی (مسجد) گردیده و باعث زیان به زحمتکشان در ساخت آن گردند. آیا این گونه مساجد حکم مسجد ضرار را نخواهد داشت؟

جواب: از نظر فقهی هرگاه حقوق زحمتکشان در ساختن مسجدی ضایع شده باشد مسجد غصبی نخواهد بود و نمی‌توان آن را تخریب کرد؛ بلکه شخصی که عامل آن کار بوده ضامن حقوق آنهاست و اگر ندهد به زور حاکم شرع باید از او گرفت.

سؤال ۸۰۹. شخصی بنام حاج علی ۱۹ سال پیش مسجدی بنام خودش ساخته است. مسجد مذکور دارای ۳ باب مغازه است که وقف مسجد می‌باشد و بلاتکلیف رها شده و هم اکنون می‌خواهند آنها را خراب کنند. ناگفته نماند که مغازه‌ها به صورت مخروبه

درآمده و بارها شورای مساجد زیر نظر امام جمعه و ستاد تبلیغات اسلامی ایشان را دعوت کرده‌اند که بیاید و رفع مشکل کند؛ ولی ایشان اهمیّت نمی‌دهد. مسجد به همّت مردم و هیئت امنا رونق یافته و علاوه بر نمازهای یومیّه، کلیّهٔ مراسم مذهبی در آن برگزار می‌شود و هزینه‌های مربوط به آب، برق، گاز و مخارج دیگر توسّط هیئت امنا و مؤمنین داده می‌شود. اخیراً بانی اوّلیّهٔ مسجد اعلامیّه‌ای چاپ و در مسجد و معابر نصب نموده که باعث تفرقه بین مؤمنین شده است. حکم شرعی مسأله چیست؟

جواب: بانیان محترم مساجد باید بدانند هنگامی که مسجد را ساختند و وقف شد همه مردم می‌توانند از آن استفاده کنند و نیاز به رضایت بانیان محترم ندارند. امام مسجد را نیز مردم نمازگزار انتخاب می‌کنند. البتّه اگر مسجد موقوفاتی داشته باشد و بانی به هنگام وقف خودش را متولّی قرار داده باشد می‌تواند دربارهٔ آن موقوفات به نفع مسجد تصمیم بگیرد و اگر خود را متولّی قرار نداده، حاکم شرع برای آن موقوفات متولّی تعیین می‌کند؛ ولی متولّی نباید نسبت به خود مسجد که چه کسانی در آن نماز بخوانند یا نخوانند تصمیم بگیرد.

سؤال ۸۱۰. در شهرستان ما مسجد جدیدالتأسیسی به نام فاطمة الزهراء وجود دارد، که چند نفر از خیّرین آن را بنا نهاده و هم اکنون در آن اقامهٔ جماعت می‌شود. به هنگام تأسیس مسجد کوچه‌ای به عرض ۱/۵ متر در ۶ متر جزء مسجد گردیده که از حیّز انتفاع خارج و مدّعی ندارد و شهرداری نیز ممانعتی نکرده است. و در قبال گرفتن کوچه، کوچهٔ موازی و کوچهٔ دیگر جنب مسجد هر دو عریض و مورد استفاده عموم می‌باشد. این کار چه حکمی دارد؟

جواب: این کار اشکالی ندارد؛ مشروط بر این که تبدیل آن کوچه به کوچه جدید هیچ مشکلی برای عابران ایجاد نکند.

سؤال ۸۱۱. مسجد و حسینیّه جنبهٔ خصوصی دارد، یا عمومی؟

جواب: مسجد جنبهٔ عمومی دارد و مسجد خصوصی نداریم، ولی حسینیّه ممکن است خصوصی باشد و ممکن است عمومی، تا در موقع وقف چگونه تصمیم بگیرند.

سؤال ۸۱۲. مسجدی است که مقداری زمین فاقد سند و بر اساس قدر السّهم آب در مناطق پراکنده، بر آن وقف شده، و مع الاسف دارای کاربری فعلی نیست هیچ کس رغبت به اجاره نمودن آنها ندارد. باقیماندن این رقبات به شکل فوق در دراز مدّت مستلزم تصرّف آن توسّط عدّه‌ای خواهد بود. مسؤولین و متولّیان موقوفات این مسجد معتقدند که باید تمامی آنها را به فروش رسانیده و به جای آن، مغازه یا منزلی مسکونی تهیّه گردد، که هم دارای سند ثبتی باشد و هم از بین بردن آن عملاً غیر ممکن، و هم برای به مصرف رسانیدن درآمد آنها بر اساس نظر واقف محترم راه باز باشد. تکلیف متولّیان موقوفه چیست؟

جواب: چنانچه زمین‌های موقوفه در وضع فعلی به هیچ وجه منفعتی برای موقوفه ندارد و آن را اجاره نمی‌کنند می‌توان آنها را فروخت و زمین یا ملک مناسبی در جای دیگر خرید و درآمد آن را طبق نیّت واقف هزینه کرد.

اموال مسجد

سؤال ۸۱۳. میزی فرسوده و بلااستفاده در مسجد موجود و فضایی را به خود اختصاص داده است. با توجّه به این که میز وقف مسجد می‌باشد و کسی هم خریدار آن نیست، آیا به جهت حفظ نظافت و استفادهٔ بهتر از فضای مسجد می‌توان آن را دور انداخت؟

جواب: در صورتی که مورد نیاز مسجد نباشد و ارزش مالی ندارد و کسی خریدار آن نباشد، می‌توان آن را به کسی که نیاز دارد داد.

سؤال ۸۱۴. مقداری ظرف از گذشته در مسجد می‌باشد، که از آن جهت اطعام استفاده می‌شود. با توجّه به این که سالهاست در این مسجد اطعام داده نمی‌شود و ظروف مذکور بلااستفاده است و فضای قابل ملاحظه‌ای را اشغال نموده، آیا می‌توان آنهار را فروخت و خرج امور دیگر مسجد کرد؟

جواب: اگر به هیچ وجه در آن مسجد و مساجد دیگر قابل استفاده نیست می‌توانند آن را بفروشند و اشیاء قابل استفاده‌ای خریداری کنند.

سؤال ۸۱۵. مقداری وسایل فرسوده و غیر قابل استفاده در مسجد موجود می‌باشد که فضای زیادی به خود اختصاص داده است. این وسایل همگی قبلاً مورد استفاده قرار می‌گرفته، که به خاطر فرسودگی و خرابی کنار گذاشته شده است. با توجّه به این که وسایل وقف مسجد می‌باشد آیا می‌توان آنها را دور انداخت؟

جواب: مانند جواب قبل است.

سؤال ۸۱۶. آیا می‌توان از اموالی که متعلّق به مسجد است در جای دیگر مانند بسیج استفاده نمود؟

جواب: جایز نیست؛ مگر این که به هنگام وقف چنین چیزی شرط شده باشد، یا عرف محل به هنگام وقف چنین بوده باشد.

سؤال ۸۱۷. بعضی از اهالی روستای ما در مجالس شخصی خود از وسایل مسجد استفاده کرده، و برخی از آنان مبلغ ناچیزی به مسجد پرداخت می‌نمایند. این کار چه حکمی دارد؟

جواب: استفاده از وسایل مسجد در خارج مسجد و مجالس اشخاص جایز نیست؛ مگر این که واقف به هنگام وقف چنین شرطی کرده باشد، یا عرف محل در زمان وقف بدین شکل بوده باشد.

سؤال ۸۱۸. با همّت مردم زینبیّه‌ای احداث شده، ولی فرش ندارد. آیا می‌توان فرش‌های مسجد را، که مقداری هم کهنه شده، به زینبیّه داد، و برای مسجد فرش نو خریداری کرد، زیرا مردم برای خرید فرش مسجد رغبت بیشتری دارند؟

جواب: فرش مسجد را نمی‌توان به زینبیّه داد؛ مگر این که مورد نیاز مسجد نباشد و آن را به زینبیّه بفروشند و وجه آن را صرف فرش مسجد و در صورت عدم نیاز صرف سایر نیازهای مسجد کنند.

سؤال ۸۱۹. در بعضی مساجد، قرآن‌ها و کتب ادعیهٔ خطی مشاهده می‌شود، که جنبهٔ وقف دارد. گرچه به لحاظ نفیس بودن آنچنان ارزشی ندارد ولی از نظر معنوی و نیز به جهت این‌که جزء مواریث مکتوب اسلام محسوب می‌شوند، ظاهراً نیاز به حفاظت

و نگهداری دارند، در حالی که مساجد و تکیه‌ها فاقد ابزار کافی برای محافظت از آنها می‌باشند. برای جلوگیری از پاره شدن اوراق و فرسودگی‌های محیطی در صورتی که نظر مبارک بر حفظ آنها باشد می‌توان نسبت به جمع‌آوری و نگهداری آن در گنجینهٔ عظیم مخطوطات آستان قدس رضوی اقدام نمود. تا پس از آسیب‌زدایی و مرمّت این کتب آسمانی، نسبت به حفاظت و نگهداری اصولی آنها اقدام شود. نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: چنانچه آن قرآن‌ها و کتب ادعیّه خطّی وقفی در معرض از بین رفتن باشد، یا بر اثر ناقص بودن قابل استفاده نباشد، معادل قیمت تقریبی آن قرآن وکتاب دعا به آن مسجد اهدا کنید و آن گونه که نوشته‌اید عمل فرمایید.

۳. حسینیّه‌ها

سؤال ۸۲۰. استفاده از حسینیّه‌هایی که در طول سال فقط ایّام خاصّی برنامه دارد، جهت ورزش و کار فرهنگی برای جذب جوانان جایز است؟

جواب: جایز نیست؛ باید مکان مناسب دیگری برای این کارها در نظر گرفته شود. ولی تشکیل کلاس‌های دروس قرآن و عقاید و مانند آن در آنجا اشکال ندارد.

سؤال ۸۲۱. اینجانب یک قطعه زمین به مساحت ۲۵۰۰ متر مربع برای حسینیّه خریداری نمودم. مالک زمین می‌گوید: «این زمین را برای ساخت منزل مسکونی به شما فروختم، نمی‌توانید حسینیه بسازید». آیا می‌توان در آن حسینیّه بنا کرد؟

جواب: اگر فروشنده هنگام فروش زمین چنین شرطی کرده باشد باید به آن عمل کرد و اگر شرط نشده شما آزادید و می‌توانید حسینیّه بسازید؛ ولی سعی کنید بلندگوها و امثال آن هیچ مزاحمتی برای همسایگان نداشته باشد.

سؤال ۸۲۲. حسینیّه شهر ما چهل سال قبل ساخته شده و اکنون گنجایش همه جمعیّت را ندارد. به همین جهت نیاز به توسعه دارد. خود حسینیّه یک زمین وقفی دارد، ولی بین حسینیّه و این زمین وقفی یک ملک شخصی فاصله است و برای توسعهٔ

حسینیّه غیر ازگرفتن همین منزل شخصی هیچ راه دیگری وجود ندارد. مالک این زمین شخصی می‌گوید: «اگر زمین حسینیّه را به من بدهید حاضرم زمین خودم را برای توسعه حسینیّه بدهم». آیا این کار جایز است؟

جواب: در صورتی که توسعهٔ حسینیّه لازم باشد و چاره‌ای برای این کار جز مبادله زمین موقوفه حسینیه با زمین همسایه نباشد این کار جایز است.

سؤال ۸۲۳. آیا می‌توان ظروف حسینیّه را برای جشن عروسی، یا جهت ولیمه دادن اجاره یا امانت داد؟

جواب: جایز نیست؛ مگر این که به هنگام وقف چنین چیزی شرط شده باشد.

۴. مکان هیئات

سؤال ۸۲۴. لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) چنانچه مالکی، زمینی راکه به بیع قطعی و شرعی خریداری نموده و دارای سند مالکیّت رسمی می‌باشد، جهت انجام مراسم مذهبی و مانند آن، در اختیار هیأت مذهبی برای استفاده در مواعد معیّنی قرار داده باشد، و اکنون از اذن خود رجوع نموده و درخواست رفع تصرّف آن هیأت را نماید، آیا با توجّه به عدم رضایت مالک زمین، ادامهٔ تصرّفات شرعاً جایز است؟ آیا خواندن نماز در چنین ملکی که مالک آن راضی نیست صحیح است؟

ب) چنانچه توافق شده باشد که با مساعدت و همکاری بلاعوض هیأت مذکور، ساختمان آن از محلّ هدایا و نذورات و کمک‌های مردمی برای انجام امور مذهبی تکمیل گردد، آیا ادّعای مالکیّت ساختمان از سوی متصرّف شرعاً جایز است؟

ج) آیا صرف اجازه برای استفادهٔ معیّن و مشخّص مذهبی از محل فوق، به منزلهٔ وقف تلقّی می‌شود؟ آیا اعلام وقف مالی که صاحب مشخّص دارد و چنین نیّتی نداشته، وجهه شرعی دارد؟

جواب: صرف اجازهٔ استفاده از ملکی برای مراسم مذهبی دلیل وقف نیست؛

مگر این که با دلایل معتبر ثابت شود کـه نـیّت مـالک وقـف بـوده است و اگـر متصرّفین با اجازهٔ مالک تعمیرات یا ساخت و ساز جدیدی در آن کرده‌اند تـنها حق دارند قیمت آن را از مالک بگیرند.

سؤال ۸۲۵. اموالی به هیأتی داده یا وقف شده، و این هیأت به دو قسمت تقسیم شده است. آیا می‌توان اموال را به دو قسمت تقسیم کرد؟

جواب: هرگاه هیئت واقعاً به دو قسمت تقسیم شده، اموال هم در مـیان آنـها تقسیم می‌شود.

۵. وقف بر امام حسین علیه‌السلام

سؤال ۸۲۶. شخصی بدون آن که به ادارهٔ اوقاف شهرشان اطّلاع دهد، مقداری از املاک خویش را وقف امام حسین علیه‌السلام کرده و وقف نامهٔ کتبی نیز تنظیم و امضا نموده، و آن را نزد شخصی به امانت گذاشته است. پس از گذشت چند ماه پشـیمان گشـته، و از وقـف عدول نموده، و وقف نامه را از شخص مزبور گرفته، و پس از فوت واقف یکی از بستگان او تصویر وقف‌نامه را به اداره اوقاف تحویل می‌دهد. لطفاً بفرمایید:

الف) آیا وقف بر امام حسین علیه‌السلام از اوقاف عامّه است یا خاصّه؟

ب) آیا در وقف بر آن حضرت علیه‌السلام قبول حاکم شرع، لازم است؟

ج) آیا در صحّت وقف برآن حضرت علیه‌السلام قبض متولّی وقف یا حاکم شرع شرط هست؟

د) آیا به مجرد انشای کتبی، وقف محقّق می‌شود؟

هـ) آیا در مفروض سؤال، واقف حق عدول از وقف داشته است؟

جواب الف تا آخر: وقف بر امام حسین علیه‌السلام از اوقاف عامه است، که نیاز به قبض و اقباض ندارد و عدول در آن جایز نیست.

سؤال ۸۲۷. اینجانب یکی از مقلّدین حضرتعالی و شغلم کشاورز، و در چند جـای روسـتا، دارای بـاغ هسـتم. دو تکّـه از جـاهای مـختلف دو بـاغم را قـبلاً وقـف حـضرت سیّدالشهداء علیه‌السلام نموده‌ام. امّا الان به دلیل ضرورت و تقسیم ارث، می‌خواهم این دو تکّه

وقف را تجمیع و به‌هم متّصل نمایم. درضمن مکانی که می‌خواهم برای وقف اختصاص دهم از لحاظ ارزش و میزان بازدهی محصول بهتر از جاهای دیگر است. این کار چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه ماندن وقف به این صورت ضرر مهمّی برای وقف داشته باشد، یکی کردن آن مانعی ندارد.

۶. موقوفه خاص

سؤال ۸۲۸. شخصی در سال ۱۳۲۷ با مراجعه به دفتر اسناد رسمی اقرار نموده که جدّش وصیت نموده نصف منافع و مداخل سه قطعه باغش را وصی (اولاد ذکور الارشد فالارشد) جهت خیرات و مبرات در حقّ وی هزینه کنند و در خصوص احسان مختارند بکنند یا نکنند، سپس اقرار نموده ثلث باغات را که به نام خودش به ثبت رسانده به جدّش تعلق دارد و در ثلث باقی است و باید مدلول وصیّت عمل شود. هیأت تشخیص اداره اوقاف شهرستان مربوطه مراتب را وقف تلقّی، و بنا بر حکم صادره شخص مذکور به عنوان متولّی از سوی دادگاه تعیین گردیده است. وارث نیز با تلقی وقف، به وقف عمل نموده‌اند، اکنون در وصیّت و وقفیّت اختلاف شده است، لطفاً بفرمایید:

الف) سند تنظیمی وصیّت بوده، یا وقف؟

جواب: مدلول این وصیتنامه در موردی که ذکر کرده‌اید حکم وقف را دارد.

ب) اگر وقف بوده باشد جملهٔ در خصوص احسان مختارند بکنند یا نکنند چه صورتی خواهد داشت؟

جواب: منظور از احسان احسان‌های اضافه بر آنچه ذکر شده می‌باشد.

ج) اگر وصیّت تلقّی شود وصیّ اوّل نسبت به نصف منافع و مداخل عمل نموده، در حالی که شخص اقرار کننده، به ثلث مالکیّت جدش اعتراف نموده است. نسبت به مازاد بر ثلث چه حکمی جاری است؟

جواب: در صورتی که در مقدار اقرار (مقرّبه) تناقض باشد، اخذ به قدر متیقن می‌شود که همان ثلث است.

۷. بیمارستان موقوفه

سؤال ۸۲۹. اینجا یک قطعه زمین به مساحت سی و پنج هزار و چهارصد و پنجاه متر مربع جهت احداث بیمارستان، یا درمانگاه مورد نیاز در شهر شیراز واگذار نموده‌ام. با عنایت به گزارش موثّق متخصّصین امر این پلاک با ابعاد پنجاه متر در هفتصد و پنجاه متر فاقد کارایی لازم جهت احداث بیمارستان می‌باشد. با توجّه به این که هیئت امنا و هیئت مدیره‌ای مرکّب از معتمدین شهر جهت احداث بیمارستان سوانح و سوختگی تشکیل شده، آیا می‌توان این پلاک را در اختیار هیئت امنای مذکور قرار داد تا با فروش آن و خرید قطعه زمینی مناسب که برای احداث بیمارستان دارای شرایط لازم باشد اقدام نمایند. لازم به ذکر است که تشریفات شرعیّه لازم جهت تحقّق عقد وقف انجام نشده است؟

جواب: با توجّه به این که ابعاد زمین مذکور برای تأمین نظر واگذارکننده مناسب نیست، تبدیل آن به زمین دیگر مانعی ندارد.

۸. معادن موقوفه

سؤال ۸۳۰. تعدادی از موقوفات کشور معادن مختلفی از قبیل شن، ماسه، خاک رس، انواع سنگ و احجار و دیگر مواد دارد، که کشف و استخراج شده، و عواید حاصله در اختیار موقوفه قرار می‌گیرد. در این رابطه مسائل شرعی ذیل مورد سؤال است:

الف) آیا موادّ استخراجی از این معادن جزئی از عین موقوفه محسوب می‌شود و تمام عواید حاصله بایستی صرف خرید اموال دیگری برای موقوفه گردد؟

ب) آیا کلّ وجوه حاصله عواید موقوفه حساب می‌شود و می‌توان با رعایت مفاد وقفنامه و در جهت اجرای نیّات واقف آن را مصرف نمود؟

ج) آیا جایز است قسمتی از عواید معادن برای اجرای نیّات واقف به مصرف برسد و باقیمانده برای خرید اموال دیگری بنام موقوفه اختصاص یابد؟

د) آیا متولّی و ادارهٔ اوقاف مجازند درصد هر یک از این دو قسمت را معیّن نمایند؟

جواب: آنچه از زمین موقوفه استخراج می‌شود تعلق به موقوفه دارد و درآمد باید صرف مصارفی شود که در وقفنامه پیش‌بینی شده است.

۹ و ۱۰. وقف پول و سهام

سؤال ۸۳۱. شخصی تصمیم دارد مبلغ شانزده میلیون تومان سپردهٔ سرمایه‌گذاری خود در بانک، و نیز سهام مشخّصی را وقف آستان حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام کند: به شرط آن‌که تا خود زنده است از سود سپرده‌گذاری و سهام استفاده نموده و پس از مرگ وی وقف باشد. آیا چنین وقفی صحیح است؟

جواب: به فتوای ما جایز است.

حبس

سؤال ۸۳۲. لطفاً در مورد حبس مال، به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) آیا حبس غیر مؤبّد از عقود جایز می‌باشد، یا لازم؟

ب) آیا در حبس غیر مؤبّد، عین مال حبس می‌گردد، یا منافع آن؟

ج) در صورت تأمین منافع حبس تا پایان مدّت حبس، آیا فروش عین مال اشکال شرعی دارد؟

د) با درنظرگرفتن این نکته که مال محبوسه به ورّاث منتقل می‌شود، آیا ورثه اجازه دارند با تأمین منافع حبس، عین مال محبوسه را واگذار یا منتقل کنند؟

هـ) آیا اداره اوقاف و امور خیریّه می‌تواند بر محبوساتی که متولّی دارد، اعمال تولیت کند، یا نظارت داشته باشد؟

جواب: حبس خواه موقّت باشد یا دائم، عقد لازم است. و حبس به معنی حبس عین و صرف منافع است، نه حبس منافع. و اگر حبس موقّت باشد بعد از پایان مدّت به ورثه بازمی‌گردد، ولی ورثه نمی‌توانند قبلاً منافع تمام مدّت را بپردازند و عین محبوسه را قبل از پایان مدّت تصرّف کنند.

فصل سی و ششم: احیاءِ موات

چشمه‌ها

سؤال ۸۳۳. در بخشی از مناطق کشور چشمه‌های آب خودجوش و صد در صد طبیعی وجود دارد که بدون حفّاری جاری شده، و در زمان طاغوت به عنوان قنوات به ثبت رسیده، و حتّی سند مالکیّت به نام خوانین و افراد ذی نفوذ وابسته به طاغوت صادر گردیده است. آیا چنین اسنادی ارزش دارد؟ آیا چنین سرچشمه‌هایی قابل تملّک توسّط اشخاص حقیقی، یا حقوقی غیر دولت اسلامی می‌باشد؟

جواب: در صورتی که شخصی یا اشخاصی این گونه چشمه‌ها را در اختیار بگیرند، و از آن برای مشروب ساختن زمین‌ها استفاده کنند، به ملک آنها درمی‌آید. ولی اگر کسانی به ظلم و ستم آنها را از دست زارعین گرفته‌اند، باید به آنها بازگردانده شود.

سؤال ۸۳۴. چشمه‌ای طبیعی به نام «پیر بولاغی» بدون حفّاری از دامنهٔ کوه سرازیر و جاریست. جمعی از اهالی روستا، مالک سنّتی و وارث آن چشمهٔ خدادادی و مزارع پایین آن هستند. در فصل آبیاری، زراعت و باغ‌های خود را از آن مشروب و اوایل پاییز از آبیاری دست برداشته، آب چشمه را رها می‌نمایند. با توجّه به خشکسالی که از یکی دو سال قبل شروع شده، و در تابستان سال جاری به اوج خود رسیده، و حمّام روستا تعطیل و واقعاً اهالی در عسر و حرج و کم‌آبی به سر می‌بردند، و با این که از سال ۶۲ به این طرف، روستا لوله کشی شده ولی در اثر کم شدن آب منبع، هر پنج روز یک بار حدود دو ساعت آب به منازل می‌رسد، مسؤولین امر در نظر دارند مقداری از آب مزبور را به منبع آب روستا هدایت کنند تا آب شرب و حمّام اهالی را تأمین نمایند. آیا چنین کاری در غیر فصل آبیاری شرعاً جایز است؟

جواب: در ایّامی که آب هرز می‌رود و مورد حاجت نیست، استفاده از آن به نحو مذکور اشکالی ندارد. و در غیر آن ایّام، اگر از قدیم الایّام آب شرب روستا و حمّام از چشمه گرفته می‌شده، حقّ مردم بر آن چشمه ثابت است. و اگر چنین نبوده، مادامی که ضرورت فوق‌العاده‌ای نباشد، بدون اجازهٔ مالکان نمی‌توان تصرّف کرد. و در صورت ضرورت قطعی، باید پول آن به مالک‌ها پرداخت شود.

زمین‌ها

سؤال ۸۳۵. اگر کسی زمینی را احیا کند آیا مالک آن می‌شود، یا نوعی اختصاص و اولویّت ایجاد می‌شود؟

جواب: احیای زمین موجب مالکیّت است. البتّه در حکومت اسلامی در مواردی اجازهٔ حکومت را می‌خواهد.

سؤال ۸۳۶. اگر احیاکننده زمین موات، سال‌ها از کشت و زرع زمین صرف نظر کند، آیا به صرف احیای اوّلیّه، مالکیّت زمین برای تمامی نسل‌ها در اختیار خاندان او باقی می‌ماند، یا مالکیّت مادام الحیات متعلّق به اوست، حتّی اگر جامعه به آن زمین نیازمند باشد؟ آیا می‌توان وی را مجبور به احیا یا اجارهٔ آن نمود؟

جواب: مالکیّت مادام الاحیا نیست، مگر این که از آن زمین اعراض کند که دیگران می‌توانند مجدداً احیا کرده و مالک شوند و کسی را نمی‌توان مجبور به احیای مجدّد یا اجارهٔ ملکش کرد؛ مگر این که ضرورت مهمّ اجتماعی ایجاب کند.

معادن

سؤال ۸۳۷. اگر کسی معادن استخراج شده را که جامعه اسلامی به آن نیاز دارد، بلا استفاده رها کند، آیا می‌توان حق استخراج و احیا را به دیگری واگذار نمود؟

جواب: در صورتی که حکومت اسلامی آن را مضرّ به حال جامعه بداند می‌تواند قانونی برای آن وضع کند.

مزارع

سؤال ۸۳۸. مزرعه‌ای در اشتهارد دارای ۲۴ سهم می‌باشد، که یک سهم آن مربوط به موقوفات معروف به ظهیریّه و یک سهم آن مربوط به شهید محمّدرضا، والباقی خرده مالک هستند. در سال ۷۳ در اثر چاه‌های عمیقی که در اطراف قنات حفر نمودند آب آن نقصان پیدا کرد. بناچار در وسط قنات چاه عمیقی حفر نموده و چند سال از چاه آب کشیده و توسّط موتور وارد قنات نموده و به مزرعه کشاورزی می‌رساندیم. چندی بعد متوجّه شدیم در قنات آب پرت می‌شود. لذا در کنار قنات لوله کشی کرده و بدین وسیله آب آن را برای کشاورزی انتقال داده، و در ضمن از آن مزرعه اعراض نکرده و مشغول کشاورزی هستیم، ولی چاه‌های قنات بلااستفاده مانده است. چاه‌های قنات و خاکی که اطراف آن قرار دارد مربوط به چه کسی است؟ آیا اشخاص دیگر حق دارند بدون اجازهٔ مالکین از آن استفاده نمایند؟

جواب: چاه‌های قنات و حریم آن متعلّق به صاحبان اصلی آن است و دیگران حقّ تصرف در آن را ندارند؛ مگر این‌که صاحبانش رضایت دهند یا از آن اعراض کنند.

سؤال ۸۳۹. آب قنات مزرعه‌ای بنام مروّت آباد در اوائل انقلاب بر اثر بارندگی تگرگ و جاری شدن سیل به داخل قنات قطع شد. توسّط جهاد سازندگی گیر آب باز و چند درصدی از آب مورد بهره‌برداری قرار گرفت. برای محکم کاری طبق تشخیص کارشناسان در طرف غرب و شرق قنات، سیل بند محکمی با لودر بسته شد تا در آینده از سیل محفوظ بماند.

اشخاصی زمین‌های بین خاکریز را کشت کرده و مدّعی مالکیّت شرعی آن هستند. آیا زمین‌های داخل خاکریز، متعلّق به مالکین قنات و مزرعه می‌باشد یا اشخاص ثالث که آن را متصرّف شده‌اند؟

جواب: زمین‌های مذکور بدین وسیله حیازت شده و دیگران نمی‌توانند در آن کشاورزی کنند.

حریم

سؤال ۸۴۰. لطفاً به سؤالات زیر در مورد حریم پاسخ دهید:

الف) با توجّه به وسایل پیشرفته امروزی، آیا مبنای حقّ حریم روایات است، یا قاعدهٔ لاضرر؟

ب) آیا حریم، ملک است، یا حق؟

ج) آیا در املاک و مزارع مجاور، حریم وجود دارد؟

د) در صورت عدم وجود حریم، با توجّه به ضرورت استفاده از زمین و نیازهایی چون رفت و آمد و مانند آن، چنین ملکی نسبت به مجاورش چه حقّی دارد؟

هـ) آیا در چنین مواردی حقّ ارتفاق صدق می‌کند، یا حقّ انتفاع؟

جواب الف تا آخر: حریم یک امر عرفیست. و معنای آن این است که هر زمینی به مقداری که برای بهره‌گیری از آن نیاز به زمین‌های مجاور دارد نسبت به آنها حق پیدا می‌کند. و این، نوعی حق است، نه ملک و جنبه ارتفاقی دارد. و دلیل آن عرف عقلاست که شارع مقدّس آن را امضا کرده است؛ ولی در زمین‌های مجاور و متّصل به هم حریم معنی ندارد.

سؤال ۸۴۱. نهر آبی از وسط زمین کشاورزی‌ام می‌گذرد، و چندین کشاورز از آب آن استفاده می‌کنند، و برای عبور خود از جادّهٔ اصلی استفاده می‌نمایند. تنها یکی از کشاورزان، که زمینش کنار زمین من قرار گرفته، به علّت فامیل بودن چندین سال است علاوه بر آبیاری مثل بقیّهٔ کشاورزان، راه عبور و مرور خود را هم از این مسیر ادامه داده، در حالی که همچون بقیّهٔ کشاورزان از این زمین بجاده اصلی راه دارد.

بنا به وصیّت مرحوم پدرم این زمین را ما برادران خریداری نموده، و به وی اعلان کردیم دیگر حق ندارد این مسیر را جاده خصوصی قرار دهد. ولی گوش این آقا از این حرفها پر است، و می‌گوید: هیچ کس حق ندارد جلوی جادّهٔ چندین سالهٔ مرا بگیرد. آیا از نظر شرع مقدّس حقّی دارد؟

جواب: با توجّه به این که در دو طرف نهر آب همیشه جادّه‌ای وجود دارد، که مردم از آن عبور و مرور می‌کنند، نمی‌توانید جلوی آن شخص را بگیرید. بهتر است با محبّت و دوستی مطلب را با آن کشاورز حل کنید.

فصل سی و هفتم: احکام هبه

هبه به ارحام نسبی

سؤال ۸۴۲. پدری ۲۵۰۰ متر مربع از ملک مشاعی خود را به صورت مکتوب، به دخترش هبه کرده، و ملک را در اختیار وی قرار داده، تا به هر شکلی که مایل است در آن تصرّف کند. با توجّه به این که مطابق قانون، تصرّف در ملک مشاع بدون اذن سایر شرکاء ممکن نیست، قبض و اقباض در ملک مشاع چگونه محقّق می‌شود؟ آیا می‌توان همین مقدار که ملک در اختیار دختر بوده و می‌توانسته آن را بفروشد را قبض تلقّی نمود، یا در چنین مواردی نیاز به قبض عملی وجود ندارد؟

جواب: هرگاه ملک مانند منزلی باشد و کلید مشترک داشته باشد کلید آن را می‌دهد و اگر مانند مزرعه‌ای بدون دیوار باشد قبض آن همان است که می‌تواند آن را بفروشد و از سایر اعضا بخواهد که زمین را تقسیم کنند.

سؤال ۸۴۳. ملاک در قرابت نسبی در هبه چیست؟ آیا نوادگان و نبیره‌ها و خویشاوندان دور را هم شامل می‌شود؟

جواب: تمام خویشاوندان نسبی را شامل می‌شود.

هبهٔ به زوجه

سؤال ۸۴۴. زوجینی که قرابت نسبی ندارند در مورد مالی اختلاف دارند. زوج به عنوان این که فلان مال را به زوجه هبه کرده بخواهد رجوع کند، و زوجه مدّعی باشد شوهر به بیع یا صلح یا مانند آن از عقود لازمه به او تملیک کرده و بیّنه و مانند آن هم در بین نباشد، قول کدام یک مسموع است؟ اگر زوجه در فرض هبه، مدعی از بین رفتن یا تغییر و تبدیل عین موهوبه باشد و زوج منکر باشد حکم چگونه است؟

جواب: اگر مرد دلیلی بر اثبات ادّعای خود اقامه نکند حقّ رجوع ندارد و در فرض ادّعای عدم تغییر یا از بین رفتن، قول زوج مقدّم است.

تصرف در موهوبه

سؤال ۸۴۵. آیا تغییر جزئی از عین موهوبه (مثل بریدن و دوختن پارچه) یا از بین رفتن بخشی از طلای هدیه شده، مثل زنجیر آن که دانه‌های مستقل دارد، موجب اسقاط حقّ رجوع زوج است؟

جواب: بریدن و دوختن سبب سقوط رجوع می‌شود، ولی از بین رفتن قسمتی از زنجیر باعث سقوط حقّ رجوع به بقیّه نمی‌شود.

فصل سی و هشتم: احکام وصیّت

سؤال ۸۴۶. چنانچه در وصیّت تملیکیّه، بعد از فوت موصی، موصی له وصیّت را قبول کند، لطفاً بفرمایید:

الف) آیا وصیّت لازم می‌شود، یا قبض وی هم لازم می‌باشد؟

جواب: آری لازم می‌شود.

ب) اگر موصی به وصیّت‌های متناقض وصیّت کرده، و وصیّت نهایی مشخّص نباشد آیا باید قرعه زد، یا به قاعدهٔ عدل و انصاف رفتار کرد، یا حکم، چیز دیگری است؟

جواب: هرگاه در امور مالی باشد مطابق قاعدهٔ عدل و انصاف عمل می‌شود، امّا اگر غیر مالی باشد (مثل تعیین محلّ دفن) متوسّل به قرعه می‌شوند.

سؤال ۸۴۷. شخصی وصیّت نامه‌ای نوشته، امّا آن را امضا نکرده، آیا وصیّت نامه مذکور معتبر و لازم الاجرا است؟

جواب: وصیّت نامهٔ بدون امضا اعتباری ندارد.

سؤال ۸۴۸. مرحوم پدرمان، در وصیّت نامه‌اش دختران را از ارث محروم کرده، و تنها سفارش نموده که بعد از خودش مبلغ ده هزار تومان به هر دختر داده شود. آیا این وصیّت نامه که اوّلاً: به خطّ خودش نوشته نشده و ثانیاً: شاهدی هم در زمان نوشتن آن نبوده، و ثالثاً: به امضای ورّاث نیز نرسیده، صحیح است؟

جواب: هیچ کس نمی‌تواند دخترانش را از ارث محروم کند؛ هر چند وصیّتنامه به خطّ و امضای خودش بوده باشد. و اموال او طبق قانون ارث، میان پسران و دختران تقسیم می‌شود و احتیاط آن است که آن ده هزار تومان را هم جزئی از ارثیّهٔ دختران قرار دهد.

سؤال ۸۴۹. اگر شخصی در وصیّت‌نامه‌اش بنویسد «پس از مرگ من، فلان ملک وقف مسجد باشد» آیا برای نفوذ چنین وصیّتی لازم است ملک مزبور داخل در ثلث ماترک باشد؟

جواب: آری لازم است وصیّت مذکور به انضمام سایر وصایای مرحوم بیش از ثلث اموالش نباشد.

سؤال ۸۵۰. فردی به صورت شفاهی وصیّ و ناظری برای خود مشخّص نموده، امّا وصیّت نامه کتبی ندارد. آیا اموال او ثلث می‌شود؟ اگر ثلث نمی‌شود، آیا ورثه می‌توانند برای ذخیرهٔ اخروی پدر، بخشی از اموال را ثلث قرار دهند؟

جواب: وصیّت چه با نوشتن باشد چه به صورت شفاهی هر دو معتبر است و اگر میّت تصریح به ثلث کرده باید ثلث را برای او نگه دارند، و اگر تصریح نکرده ورثه می‌توانند به میل خود برای او ثلث یا کمتر از آن قرار دهند.

سؤال ۸۵۱. برگه‌ای به شرح زیر مدّتی پس از فوت مادرم در وسایل ایشان پیدا شد، که قبلاً اطّلاعی از آن نداشتیم:

«دخترانم: شهناز و صدیقه! نماز و روزه به مقدار سال‌های عمرم بطور کامل و شخصی را به نیابت از من به مکّه بفرستید، و هر چه از ثلث مالم باقی ماند ردّ مظالم و خمس و زکات بدهید. نماز و روزهٔ پدرتان یادتان نرود. ثلث زینبیّه و خانه و ملک مهران فقط ۶۰۰۰۰ تا کفّارهٔ روزه برایم بدهید».

آیا این برگه یک وصیت‌نامه کامل است که انجام آن بر من (صدیقه) واجب باشد؟

جواب: با توجّه به این که این ورقه امضایی ندارد وصیّت‌نامهٔ قطعی نیست؛ ولی اگر شما مطمئن باشید که هدف او از این نوشته وصیّت بوده باید مطابق آن عمل کنید.

سؤال ۸۵۲. مادرم در زمان حیات اعتقاد به مهدورالدم بودن شخص یا اشخاصی داشته، و برای احقاق حق خود از تمام مقامات مافوق حکومتی دادخواهی کرده؛ امّا به انگیزه‌های مختلف در زمان حیات موفق به عمل به اعتقاد خود نشده است. لذا، در وصیّت‌نامه‌اش از ورثه خواسته، که نسبت به احقاق حق و مهدورالدم بودن اشخاص

مذکور به هر نحو ممکن اقدام کنند. شایان ذکر است که ورثه نیز مثل مورّث خود اعتقاد به مهدورالدم بودن اشخاص مذکور دارند، لطفاً بفرمایید:

الف) آیا وصیّ می‌تواند به این وصیّت عمل کند؟ آیا اعتقاد به مهدورالدم بودن شخص یا اشخاصی، قابل وصیت می‌باشد؟

ب) آیا وارث قائم مقام اعتقاد به مهدورالدم بودن، مورّث خود می‌باشد؟ آیا ورثه می‌توانند به اعتقاد مورث خود عمل، و آن را اجرا کنند؟

ج) صرف نظر از اعتقاد وصی، آیا ورثه می‌توانند مستقلاً اعتقاد خود را اجرا کنند؟

جواب: این امور قابل وصیّت نیست؛ لازم است به‌طور کامل از آن صرف نظر کنید.

سؤال ۸۵۳. مادری در زمان حیاتش بصورت کتبی اعلام نموده که تمامی اموال منقول و غیر منقول خود را بعد از فوتم در برابر شروطی به دخترم مصالحه و بخشش می‌نمایم. لطفا بفرمایید:

الف) آیا این مصالحه نافذ و صحیح است؟

ب) در صورتی که دختر به شروط اعلام شده در زمان حیات مادر عمل نموده باشد، آیا مادر می‌تواند از بخشش خود منصرف شود؟

جواب: این مصالحه در واقع نوعی وصیّت است و تنها در ثلث اموالش نافذ است و بهتر این است که اگر آن دختر به شرایط عمل کرده از این وصیّت برنگردد.

سؤال ۸۵۴. مرحوم پدرمان دارای بیماری شدیدی بود که نه قادر بر خوردن غذا بود و نه کنترل بر دفع داشت. به همین جهت، در حدود یک ماه آخر عمرش تألّمات وی به حدّی بود که حتّی امکان بازنگه داشتن چشمانش برای وی میسّر نبود. در چنین حالتی و در بیست روز آخر عمر، که به فوت ایشان منتهی شد، اقدام به تنظیم صلح‌نامه و وصیّت‌نامه و قولنامه نموده و بر خلاف معمول که اسناد را امضا می‌کرد، اقدام به انگشت زدن ذیل اوراق نمود. آیا معامله و وصیّت در مرض متّصل به موت نافذ و صحیح است؟

جواب: در صورتی که از عقل و هوش کافی برخوردار بوده وصیّتنامه و صلح‌نامه‌ای که در مرض متّصل به موت تنظیم کرده نافذ است.

فصل سی و نهم: احکام ارث

طبقات ارث

ارث طبقهٔ اوّل

سؤال ۸۵۵. شخصی از همسر اوّل دو پسر و دو دختر، و از زن دوم چهار پسر داشت. یکی از پسرها قبل از آن که ازدواج کند از دنیا رفت. از شخص فوق الذکر چند هکتار زمین به ارث رسیده، که بین ورثه تقسیم گردید. حال در مورد چگونگی استفاده از آب اختلاف دارند. لطفاً بفرمایید.

الف) تقسیم آب بر چه اساسی صورت می‌پذیرد؟

ب) آیا دختران هم طبق قانون ارث از آب سهم دارند؟

ج) آیا پسر فوت شده از آب مذکور سهم می‌برد؟

جواب: پسری که قبل از پدر فوت کرده ارث نمی‌برد و سهم آب نیز مانند املاک مطابق قانون ارث در میان ورثه تقسیم می‌شود و دختران نیز در آن سهیم هستند.

سؤال ۸۵۶. فرزندی بعد از وفات پدرش زنده متولّد شده و قبل از آن که معلوم شود پسر است یا دختر از دنیا می‌رود. آیا می‌توان با قرعه مشخّص کرد که دختر بوده یا پسر؟

جواب: در فرض سوال جای قرعه نیست؛ زیرا قرعه برای جایی است که هیچ راه دیگری نباشد. بلکه نصف سهم پسر و نصف سهم دختر برای وی در نظر گرفته می‌شود و از او به ورثه‌اش منتقل می‌گردد.

ارث طبقهٔ دوم

سؤال ۸۵۷. اگر کودکی ۲ ساله همراه پدر، مادر، پدربزرگ، و مادر بزرگ پدری در

هواپیمایی کشته شده باشد، و اجداد مادری و عموها و عمّه‌هایش زنده باشند، و از متوفّی مالی باقی مانده باشد، چگونه بین ورثهٔ کودک تقسیم می‌شود؟

جواب: با وجود اجداد مادری، به عموها و عمّه‌ها چیزی نمی‌رسد.

ارث میت بلاوارث نسبی

سؤال ۸۵۸. اگر زوج همهٔ اموالش را برای زوجهٔ دائمی‌اش وصیّت کند و جزوی وارثی نداشته باشد، این وصیّت تا چه میزان نافذ است؟

جواب: وصیّت او در ثلث اموالش نافذ است و از دو سوم باقیمانده یک چهارم به زوجه به‌عنوان ارث می‌رسد و سه چهارم به امام یا نائب او (حاکم شرع) می‌رسد.

ارث زن و شوهر

سؤال ۸۵۹. در مورد شخصی که عمداً به قتل رسیده و ورثهٔ او یک همسر و دو پسرند، لطفاً بفرمایید:

الف) اگر یکی از دو پسر مجّاناً عفو، و پسر دیگر حقّ قصاص خود را با قاتل به دیه مصالحه کند، آیا زوجه از این دیه ارث می‌برد؟ آیا دیون و وصایای مقتول از این مال ادا می‌گردد؟

جواب: با توجّه به این که این مال عوض حقّ قصاص فرزند است حکم دیات بالاصاله را ندارد، نه بدهی میّت را می‌توانند از آن بردارند و نه زن سهمی از آن دارد.

ب) اگر در ابتدا یکی از دو پسر نسبت به سهم خود با قاتل مصالحه کرده، و نصف دیه را بگیرد، سپس پسر دیگر خواهان قصاص شود و نصف دیه را به قاتل بازگرداند و قصاص کند، آیا زوجه از دیه‌ای که پسر اوّل اخذ کرده ارث می‌برد؟

جواب: مانند جواب سابق است.

ج) اگر یکی از دو پسر خواهان دیه و دیگری خواهان قصاص باشد، و متقاضی قصاص

به خواهان دیه، دیه پرداخت نموده، سپس قاتل را قصاص کند، آیا زوجه از دیه‌ای که متقاضی دیه از خواهان قصاص گرفته، ارث می‌برد؟

جواب: مانند جواب سابق است.

سؤال ۸۶۰. آیا با موت زوج، سهم زوجه از قیمت بنا به ذمّهٔ سایر ورثه منتقل می‌شود و عندالمطالبه باید پرداخت گردد، یا پرداخت سهم او تا زمان فروش بنا قابل تأخیر است؟

جواب: سهم او در عین است.

سؤال ۸۶۱. شوهر خانمی از دنیا رفته است. آیا این زن از چاه عمیق و آب آن ارث می‌برد؟ آیا از آب هم ارث می‌برد، یا فقط از لوازم چاه عمیق ارث می‌برد؟

جواب: زوجه از چاه عمیق ارث نمی‌برد؛ ولی از لوازم و متعلّقات و بنای آن و مقدار آب موجود در حال مرگ شوهر ارث می‌برد.

سؤال ۸۶۲. اگر وارثان میّت بدون اذن و رضایت زوجه‌اش، در خانهٔ وی سکونت نموده، یا آن را اجاره دهند، آیا زوجه نسبت به اجرت ایّام سکنی حقّی دارد؟

جواب: نسبت به سهم خود از اعیانی حقّ مطالبه اجرت دارد.

ارث کسانی که همزمان فوت کرده‌اند

سؤال ۸۶۳. انفجار هواپیمای ایرباس توسّط ناو آمریکا در خلیج فارس، منجر به شهادت ۲۹۰ نفر از خدمه و سرنشین‌های آن هواپیما شد.

با توجّه به اصابت دو موشک قوی به هواپیما و ایجاد موج انفجار مهیب که باعث مرگ آنی همهٔ سرنشینان گردید آیا مصادیق هدم و غرق در مورد این شهدا صادق است؟

جواب: تفاوتی بین هدم و غرق و انفجار و مانند آن در این مسأله نیست.

سؤال ۸۶۴. اینجانب در شهریور ۱۳۸۵ کلّ خانواده‌ام، به غیر از یک خواهرم، را در حادثهٔ رانندگی از دست داده‌ام. پدر و برادر و خواهر و نامادری‌ام در حادثه رانندگی فوت نموده‌اند که متأسّفانه پزشک قانونی اعلام تقدّم و یا تأخّر زمان فوت ایشان را غیر ممکن

دانسته است. با توجّه به آنچه که گفته شد و با عنایت به این که همسر برادر محرومم در زمان وقوع حادثه حامله بوده و حمل نیز زنده متولّد شده، خواهشمند است بفرمایید:

الف) با توجّه به عدم تشخیص زمان فوت، آیا افراد متوفّی از یکدیگر ارث می‌برند؟

ب) آیا تصادف اتومبیل مشمول هدم مصرّحه در شرع مبین اسلام می‌باشد؟

جواب: تصادف اتومبیل مشمول حکم هدم که در روایات به آن تصریح شده می‌باشد. بنابراین، باید هر یک از فوت‌شدگان را فرض کرد که زودتر مرده و اموال وی را در میان ورثه‌اش تقسیم کرد و سهم آنها که مرده‌اند به ورثه در قید حیات آنها می‌رسد.

ارث مسلمان از کافر و بالعکس

سؤال ۸۶۵. زن مسلمانی با مردی از اقلیّت‌های مذهبی (کلیمی) پس از تشرّف وی به دین مبین اسلام ازدواج نموده، و پس از چند سال زندگی مشترک مرد به رحمت خدا رفته، و تنها وارث مسلمان وی همسر او می‌باشد. سه خواهر و یک برادر مرحوم که در خارج از کشور بسر می‌برند بر دین خود باقی مانده و در حال حاضر با خدعه و نیرنگ خواهان سهم الارث می‌باشند! نحوهٔ تقسیم اموال آن مرحوم چگونه است؟

جواب: یک چهارم اموال آن مرد (به غیر از زمین) به زوجه مسلمانش می‌رسد و بقیّه تحویل حاکم شرع داده می‌شود.

سؤال ۸۶۶. در مادّهٔ ۸۸۱ مکرّر قانون مدنی چنین آمده است:

«کافر از مسلم ارث نمی‌برد. و اگر در بین ورثهٔ متوفّای کافر مسلم باشد وارث کافر ارث نمی‌برد، اگر چه از لحاظ طبقه در درجه مقدّم بر مسلم باشند.» بدین معنی که اگر در بین خانواده کافر یک نفر مسلمان شود هر کافری که از این خانواده فوت نماید کلیه ارث وی به مسلم می‌رسد، زیرا در قانون فوق تصریح شده که حتّی درجات مقدّم هم از متوفّای کافر ارث نمی‌برند. با توجّه به این مقدّمه لطفاً بفرمایید:

الف) کافر به چه کسی گفته می‌شود؟ آیا بهایی‌ها، مسیحی‌ها، یهودی‌ها، زردشتی‌ها،

بی‌دین‌ها، ملحدان، بت‌پرست‌ها، بودایی‌ها و مانند آنها کافرند؟ آیا اقلیّت‌های مورد اشارهٔ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از کفّار محسوب می‌شوند؟

جواب: تمام آنچه را ذکر کردید جزء کفّار شمرده می‌شوند؛ هر چند برخی از آنها جزء اقلیّت‌های رسمی هستند.

ب) اگر کافری جهت جذب کلیه ارث متوفّاهای هم‌کیش خود، از روی ریا و نفاق مسلمان شود و تحقیق هم امکان‌پذیر نباشد آیا حکم فوق که در ماده قانونی آمده دربارهٔ او جاری است؟

جواب: هرگاه قبل از تقسیم ارث ظاهراً مسلمان شود ما مأمور به ظاهر هستیم.

ج) با توجّه به جهان‌شمولی احکام اسلام و عدالت در قوانین این آئین، آیا این حکم موافق با شرع مقدّس اسلام است؟

جواب: این حکم مطابق قوانین اسلامی است، ولی مانعی ندارد وارث مسلمان برای رعایت جهات مختلف بخشی از سهم خود در اختیار آنها بگذارد.

د) اگر متوفّای کافر در یکی از بلاد غیر مسلمان باشد، و در بین ورثه او مسلمی در هر درجه وجود داشته باشد حکم شرع مقدس دربارهٔ ارث او چگونه است؟

جواب: تفاوتی نمی‌کند.

ارث مفقود الاثر

سؤال ۸۶۷. در مورد رزمندگان مفقودالاثر سؤالاتی به شرح زیر مطرح است.

الف) در رابطه با ارث، زمان اعلام شهادت ملاک است، یا زمان عملیّات، یا مفقود شدن؟

جواب: ارث تابع زمان واقعی شهادت است.

ب) عدّهٔ همسران آنها از زمان اعلام شهادت توسّط یگان مسؤول و قصد عدّه توسط زوجه می‌باشد، یا از زمان وقوع شهادت؟

جواب: از زمان اعلام شهادت است.

ج) اگر کسانی ادّعا کنند پس از مفقود شدن صدای فرد را از رادیوی عراق شنیده‌اند، یا افرادی گواهی دهند آنها را بعد از عملیّات در زندان‌های عراق دیده‌اند، در مورد ارث چگونه عمل می‌شود؟

د) چنانچه والدین در زمان حضور شهید در جبهه زنده بوده و بعداً وفات یافته‌اند، در صورت عدم حصول علم به تقدّم و تأخّر فوت یکی بر دیگری چگونه باید عمل کرد؟

جواب: زمان واقعی شهادت معیار ارث است و اگر تقدّم آن بر فوت پدر و مادر معلوم نشود حکم به تأخّر آن می‌شود.

بدهی‌های میّت

سؤال ۸۶۸. هرگاه همه یا چند نفر از اولیای مقتول از قاتل طلبکار باشند و فقط یکی از آنها خواهان قصاص باشد و بقیّه با محاسبه طلبشان با فاضل دیه موافق باشند؛ آیا هنگام ردّ فاضل دیه می‌توان آن را با این طلب تسویه کرد، هر چند جانی یا اولیاء جانی راضی به آن نباشند؟ در این حالت آیا تفاوتی از جهت این که طلب از ناحیهٔ ارث مقتول حاصل شده باشد (مانند مهریّه زوجهٔ مقتوله) یا از اسباب دیگر، وجود دارد؟

جواب: از هر طریق که مالی برای میّت حاصل شود، باید بدهی‌هایش پرداخت گردد.

سؤال ۸۶۹. در صورتی که زوج فوت نماید، و دیه‌ای به او تعلّق بگیرد، و غیر از دیه چیزی نداشته باشد، آیا دیه از اموال وی می‌باشد؟ و می‌توان مهریّه زوج را ابتدائاً از آن پرداخت نمود و مابقی را بین ورثه تقسیم نمود؟

جواب: دیه میّت مانند سایر اموال اوست که ابتدا بدهی‌های میّت از جمله مهریّه همسرش از آن پرداخت می‌شود؛ سپس باقیمانده طبق قانون ارث میان همسر و سایر ورثه تقسیم می‌شود.

محروم کردن از ارث

سؤال ۸۷۰. یکی از فرزندانم، که متأسفانه معتاد می‌باشد، دارای عیال و دو فرزند ذکور

کبیر است که همهٔ آنها بحمدالله سالم هستند. با توجّه به این که یقین دارم پس از مرگم اموالی که از من به ارث می‌برد را حیف و میل خواهد کرد، آیا اجازه دارم سهم‌الارث ایشان را بنام دو فرزندش کنم تا در آینده، و بعد از مرگ من با مشکل مالی مواج نگردند؟

جواب: هر گونه بخششی به افراد در حال حیات به شرط این که تحویل طرف داده شود صحیح است؛ ولی آن فرد معتاد را نمی‌توان از ارث محروم کرد. مگر این که چیزی هم به خود او ببخشید هر چند کم باشد و شرط کنید که از سهم الارث خود استفاده نکند و او هم این شرط را بپذیرد.

متفرّقه

سؤال ۸۷۱. اموری که بر فرد مکلّف در زمان حیات واجب است، مثل نماز و روزه و غسل، آیا بر کسانی که از او ارث می‌برند نیز واجب می‌شود، یا هر کس در مورد مسائل واجب فقط خودش مسؤول است؟

جواب: فقط بر پسر بزرگ‌تر نماز و روزهٔ پدر و مادر که به خاطر عذری ترک شده واجب است.

سؤال ۸۷۲. شخصی از محلّ ثلث اموال خویش برای برخی از ورثه‌اش وصیّت کرده است، آیا این وصیّت مانع از سهم الارث آنها می‌شود؟

جواب: وصیّت میّت در ثلث اموالش برای برخی از ورثه، مانع سهم الارث آنها نمی‌شود؛ مگر این که آن را مشروط به عدم اخذ سهم الارث کرده باشد، و موصی له پذیرفته باشد.

سؤال ۸۷۳. ورثه می‌دانند میّت نماز و روزه بدهکار است، ولی وصیّت به ثلث نکرده است، و تمام فرزندان او دختر هستند. آیا وظیفه‌ای دارند؟

جواب: ورثه وظیفه‌ای در این زمینه ندارند؛ ولی چنانچه به مقدار توان نمازها و روزه‌های وی را قضا کنند کار بسیار خوبی است.

سؤال ۸۷۴. فرزندی در قبال گرفتن مالی از پدر، در ضمن عقد خارج لازم به صورت

شرط نتیجه، شرط کرده که سهم الارث آیندهٔ وی پس از فوت پدرش، به محض داخل شدن در ملک او از ملکش خارج شده و به ملک یکی دیگر از ورّاث منتقل گردد) آیا چنین شرطی لازم الاجرا و صحیح است؟ آیا فرزند مزبور می‌تواند در قالب شرط فوق، حقّ خود را نسبت به سهم الارثی که پس از فوت پدرش به او خواهد رسید، اقساط کند؟

جواب: هرگاه متعهّد شده در برابر وجهی که از پدر گرفته از ارث خود استفاده نکند، بلکه به دیگری واگذار نماید، باید به آن عمل کند.

سؤال ۸۷۵. پدری فوت کرده، و اموال وی باید بین سه پسر و یک دختر تقسیم گردد. متأسفانه غالب ورثه، که از استطاعت مالی خوبی هم برخوردارند، نه می‌فروشند، نه می‌خرند، و نه حاضر به تقسیمند. آیا یکی از ورّاث که نیاز مبرم مالی دارد، می‌تواند سهم الارث خود را به دیگری یا شخص ثالثی واگذار نماید؟

جواب: بر سایر ورثه واجب است سهم او را جدا نموده و تحویلش دهند و اگر حاضر به این کار نشدند او می‌تواند به دادگاه اسلامی مراجعه نموده و تقاضای جداسازی سهم خود را نماید و پس از آن هر گونه تصرفّی در سهم خودش جایز است.

سؤال ۸۷۶. اگر اولاد صغیر از مادر خود ارث برده باشند، آیا پدر آنها حقّ تلف یا فروش مال الارث آنان را بدون در نظر داشتن مصلحت صغار دارد؟

جواب: هیچ‌گونه تصرّفی دراموال صغیر بدون رعایت مصلحت صغیر جایز نیست.

سؤال ۸۷۷. به چهار برادر زمینی از پدر ارث رسیده است. اگر دو برادر کوچک در منطقه نباشند، آیا دو برادر بزرگ می‌توانند زمین ارث پدری را تقسیم کنند؟ چنانچه این کار را انجام دهند. و بعداً یکی از برادران غائب، حاضر شود و راضی به آن تقسیم نشود، می‌تواند تقسیم مذکور را بر هم زند؟

جواب: تقسیم ملک مشترک بدون حضور و رضایت تمام شرکاء جایز نیست.

سؤال ۸۷۸. خانمی هستم ۴۰ ساله، که ده سال پیش پدرم از دست رفت و از وی

همسر و سه پسر و دو دختر باقی مانده است. اخیراً برادرانم اموال وی را تبدیل به احسن نموده که از نظر ریالی مبلغ ۱۲۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان می‌شود. از این مبلغ به هر دختر فقط ۵ میلیون تومان داده و گفته‌اند: «سهم شما بیشتر از این نمی‌شود». ما هم به لحاظ برادر و خواهری از ناحیهٔ قانون وارد نشدیم. برادران و مادرم بقیّه مبلغ را بین خود تقسیم کردند. در حال حاضر شوهرم رفت و آمد خود را با برادرم قطع کرده و اظهار می‌دارد که مال او مخلوط به حرام است. ما قلباً راضی نیستیم که سهم ما را تمام و کمال نداده‌اند، ولی به لحاظ فامیلی واکنشی نشان نمی‌دهیم. آیا گفته شوهرم که مال آنها مخلوط به حرام شده درست است؟ آیا می‌توانیم با آنها قطع رابطه کنیم؟

جواب: متأسّفانه بسیاری از برادران سهم خواهران را نادیده می‌گیرند و این اشتباه بزرگی است، اگر برادران شما این کار را کرده‌اند و شماها در دل راضی نیستید آنچه دست آنها از حق شماست غصبی و حرام است، مگر این که همهٔ خواهران رضایت دهند. و اگر رضایت همگی حاصل نباشد قطع رابطه مانعی ندارد؛ ولی می‌توانید از طریق تلفن یا خارج از منزل رابطه خود را با آنها حفظ کنید.

سؤال ۸۷۹. سه برادر زمین ارثی پدری را بین خود تقسیم می‌کنند، که در این تقسیم برادر بزرگ مغبون می‌شود. هنگامی که متوجّه غبن می‌گردد نسبت به تقسیم صورت گرفته اعتراض می‌کند. برادر وسط حاضر به تقسیم دوباره نمی‌شود، امّا برادر کوچک دوباره تقسیم می‌کند. برادر بزرگ در وصیّت خود به پسرانش توصیه می‌کند که دوباره باید تقسیم شود. آیا پسران آن شخص حق دارند از عموی وسطی خود بخواهند که زمین را مجدّداً تقسیم کند؟

جواب: هرگاه به تصدیق کارشناسان مورد اعتماد برادر بزرگ در تقسیم اموال موروثی از پدر مغبون شده باشد حق دارد تقاضای تقسیم مجدّد کند و اگر برخی از ورثه نپذیرند و برادر بزرگ‌تر فوت کند این حق به ورثه او منتقل می‌شود؛ مشروط بر این که با دلیل معتبر ثابت شود مغبون بوده است والّا تقسیم سابق به قوّت خود باقیست.

فصل چهلم: احکام امر به معروف و نهی از منکر

سؤال ۸۸۰. پس از حدود ۵ سال از فعالیت شرکت گلدکوئست، و عدم برخورد کافی با ترویج‌دهندگان آن، دامنهٔ این شبکه به دانشگاه‌های کشور کشیده شد و سبب شد نسل دانشجو را، که برای تحصیل و خدمت آموزش می‌بینند، از اهداف والای خود دور کرده و به کسب درآمد و عضوگیری مشغول کند، پس از تحقیقات و همچنین صحبت با اعضای آن، این امر بر من ثابت شد که افرادی که مقیّد به دین بوده و مسألهٔ مرجعیّت برای آنها از اهمیّت اساسی برخوردار است عضو این گروه نشده و نمی‌شوند و بعضاً افراد لاقید یا بی‌اهمیّت نسبت به دین عضو این شبکه می‌شوند. با توجّه به فتوای صریح شما، که عضویّت و فعالیّت در این شبکه یک منکر بوده و وظیفهٔ هر مسلمان نهی از منکر می‌باشد، آیا به بنده اجازه می‌فرمایید در دانشگاه تبلیغات بر علیه این شبکه گسترده را راه‌اندازی کرده، و مزدوران آنها در دانشگاه را به مسئولین حراست معرّفی نموده، و اقدامات لازم را برای پیگیری قضایی انجام دهم؟

جواب: امر به معروف و نهی از منکر از احکام مسلّم دین اسلام است که هر مسلمانی باید با فراهم آوردن مقدّمات و شرایط آن بدان عمل کند. شما عزیزان نیز با زبان خوش توأم با ادب و منطق آلودگان به فعالیّت‌های بازاریابی شبکه‌ای و هرمی[1] را نهی از منکر کنید.

سؤال ۸۸۱. آیا با شخصی که خودباختگی فکری و عملی «مانند پوشیدن البسه غربی و رَپی و مانند آن» دارد می‌توان برخورد کرد، یا با او معاشرت نمود، یا با او ازدواج کرد؟

---

۱. شرح این مطلب را در کتاب «بازاریابی شبکه‌ای یا کلاهبرداری مرموز» مطالعه فرمایید.

جواب: از آنچه موجب ترویج فرهنگ فاسد غربی می‌شود باید پرهیز کرد، مگر این‌که انسان بتواند چنین افرادی را توجیه کند.

سؤال ۸۸۲. آیا افراد می‌توانند در مقام امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان دفاع از کیان اسلام و حفظ نظام اسلامی از دستبرد افراد داخلی، و جلوگیری از تهاجمات فرهنگی یا سیاسی به دین، و همین‌طور به منظور حفظ ارزش‌های اسلامی، مرتکب قتل یا جرح شوند؟ اگر شخصی در مقام امر به معروف و نهی از منکر مرتکب قتل شخصی شود، آیا قتل عمد به شمار می‌رود، یا مقتول مهدورالدم محسوب می‌شود و چیزی بر عهدهٔ قاتل نیست؟

جواب: این مرحله از امر به معروف و نهی از منکر بلکه به طور کلّی مرحله فیزیکی و برخورد با مجرمین بر عهدهٔ حکومت اسلامی است و افراد دیگر حق دخالت ندارند و هرگاه کسی خودسرانه این کار را کند قصاص دارد.

سؤال ۸۸۳. چنانچه زن و مردی، که بین آنها علقهٔ زوجیّت وجود ندارد، در خیابان یا در هر محلّ عمومی دیگر در حال تردّد باشند، امّا رفتار آنان کاملاً عادی بوده، و موجب اخلال در نظم عمومی، یا جریحه‌دار شدن احساسات دیگران نشوند، آیا افراد حقیقی، یا حقوقی مانند نیروی انتظامی، بسیج، امر به معروف و مانند آن، مجاز به تفحّص و بررسی رابطهٔ آنان هستند؟

جواب: تفحّص دربارهٔ دیگران جایز نیست؛ مگر این که مسأله به صورت گسترده درآید و سبب آلودگی اجتماع شود.

فصل چهل و یکم: احکام دفاع

دفاع از نفس

سؤال ۸۸۴. مجنون یا کودکی در مقام دفاع از خود دیگری را به قتل رسانده است. آیا خون مقتول هدر است، یا عاقلهٔ آنها باید دیه را پرداخت کنند؟

جواب: اگر واقعاً جنبهٔ دفاعی داشته خون مقتول هدر است.

سؤال ۸۸۵. اگر عاقله ادّعا کند مجنون یا صبّی در مقام دفاع از خود مرتکب قتل شده‌اند، آیا بر ادّعای آنها اثری مترتّب می‌شود؟ اگر مجنون بعد از افاقه یا صبی بعد از بلوغ چنین ادعایی داشته باشد، چه حکمی دارد؟

جواب: این ادّعا پذیرفته نمی‌شود، مگر این که بتوانند با ادلّهٔ معتبر شرعی آن را ثابت کنند.

سؤال ۸۸۶. دربارهٔ دفاع مشروع بفرمایید:

الف) اگر شخصی دیگری را مجروح کند یا وی را بکشد، ولی ادّعا کند که در مقام دفاع بوده امّا اولیای دم مدّعی باشند از باب دفاع نبوده، آیا قصاص و دیه ساقط است؟

جواب: ادّعای مدّعی دفاع بدون ارائهٔ دلیل ومدرک شرعی پذیرفته نمی‌شود.

ب) آیا فرد می‌تواند در مقام دفاع از اقوام خویش یا افراد دیگر، مهاجمی را که به آنها تجاوز کرده به قتل برساند؟

جواب: در صورتی که تنها راه دفاع از آنان کشتن مهاجم باشد مجاز است؛ مشروط بر این که بتواند این امر را ثابت کند.

ج) فردی به خیال این که دیگری مهاجم است به سوی وی تیراندازی کرده، و او را می‌کشد، آیا قصاص می‌شود؟

جواب: قصاص نمی‌شود و دیه دارد.

دفاع از عرض و ناموس

سؤال ۸۸۷. آقای «الف» در محلّی خلوت خانم «ب» راکه با وی آشنایی قبلی داشته، غافل‌گیر نموده، و با سوء استفاده از اعتماد وی، درصدد استفاده جنسی نامشروع برمی‌آید. خانم «ب» با وجود امکان نسبی فرار، مقاومت نموده و با تخریب اشیاء قیمتی در دسترس، نهایتاً با چاقویی که در دسترس بوده، آقای «الف» را می‌کشد. لطفاً بفرمایید:

الف) حکم شرعی مسأله چیست؟

جواب: در صورتی که آن خانم در مقام دفاع از خویش بوده و دفاع جز به کشتن جانی امکان‌پذیر نبوده، خون مقتول هدر است.

ب) در صورت امکان فرار نسبی، اگر فردی به دفاع شخصی بپردازد حکم مسأله چیست؟

جواب: اطلاق روایات دلالت دارد که دم مهاجم در این صورت نیز هدر است.

سؤال ۸۸۸. آیا دفاع مشروع در مقام تجاوز به ناموس مصداق پیدا می‌کند؟ حدّ و حدود آن چیست؟

جواب: آری دفاع مشروع مصداق پیدا می‌کند و از هر طریقی امکان داشته باشد می‌توان متجاوز را دفع کرد؛ ولی تا مراحل آسان‌تر ممکن است به شدیدتر نپردازد.

سؤال ۸۸۹. لطفاً در مورد این جمله: «هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند...» بفرمایید:

الف) آیا منظور از «مشاهده» دیدن ناگهانی است؟ اگر قتل با تمهید مقدّمات و کمین نشستن واقع شود مصداق حکم محسوب می‌شود؟

جواب: فرقی نمی‌کند.

ب) آیا فرد دیوث (کسی که برای همسرش دلاّلی می‌کند) نیز از این معافیّت یا مجوّز می‌تواند استفاده کند، حتّی اگر همسر خود را به طور ناگهانی در حال زنا مشاهده کند؟

جواب: این صورت را شامل نمی‌شود.

ج) بعد از این که مرد آن زن را در حال زنا مشاهده کرد و بسوی آنها حمله‌ور شد، اگر آنها بلافاصله از هم جدا شوند و شروع به فرار نمایند، تا چه فاصلهٔ زمانی و مکانی بعد از مشاهدهٔ زنا، مرد می‌تواند آنان را به قتل برساند و از مجوّز و معافیّت مربوطه برخوردار شود؟

جواب: قدر متیقّن آن است که فاصلهٔ قابل ملاحظه‌ای در بین نباشد. در ضمن باید توجّه داشت که به اعتقاد ما از ادلّهٔ مسأله بیش از قتل مرد زناکار استفاده نمی‌شود.

دفاع از مال

سؤال ۸۹۰. حیوان شخصی در آستانه یا در حال تلف کردن مال دیگری است و امکان دفع حیوان و حفظ مال، جز با کشتن یا مجروح کردن حیوان مهاجم وجود ندارد، در صورت از بین بردن حیوان مهاجم از سوی صاحب مال، حکم شرع در سه فرض زیر چیست؟

الف) قیمت حیوان معادل ارزش مال مورد هجوم است.

ب) قیمت حیوان بیشتر از ارزش مال در خطر است.

ج) قیمت مال مورد هجوم بیشتر از قیمت حیوان است.

جواب: در صورتی که صاحب حیوان در حفظ حیوان کوتاهی کرده و دفع حیوان مهاجم جز به کشتن آن امکان‌پذیر نباشد مدافع ضامن نیست و در صورتی که هیچ کدام از دو مالک کوتاهی نکرده باشند خسارت در میان آن دو به نسبت قیمت آن دو مال تقسیم می‌شود.

سؤال ۸۹۱. مال شخص غایب (یا شخصی که توان دفع خطر را ندارد) در معرض از بین رفتن توسّط انسان یا حیوان مهاجمی است، لطفاً بفرمایید:

الف) دفاع از مال دیگری، بر افراد حاضر در صحنه واجب ـ یا لا اقل جایز ـ است؟ اگر دفاع منحصر در آسیب رساندن یا قتل باشد چطور؟

جواب: در فرض سؤال دفاع جایز است، ولی قتل مهاجم جایز نیست.

ب) اگر دفاع جایز باشد، بین صورتی که مهاجم انسان یا حیوان باشد تفاوتی وجود دارد؟ در صورتی که ارزش حیوان یا قیمت مال در معرض تلف بیشتر باشد باز هم دفع حیوان ولو با تلف کردن آن جایز است؟

جواب: اگر حیوان باشد مانعی ندارد؛ ولی در صورتی که ملک دیگری باشد تلف یا مجروح شود ضامن قیمت آن خواهد بود. البتّه دفاع در موردیست که مال مهمّی باشد.

سؤال ۸۹۲. چنانچه زید در کوچه یا خیابان برای گرفتن مال بکر بسوی او هجوم آورد، و بکر نیز مهاجم را به قتل برساند حکم مسأله را از جهت قصاص و دیه، در دو مورد ذیل بیان فرمایید:

الف) بکر می‌توانست تنها با فریاد کشیدن بر سر زید یا زدن یک سیلی به مهاجم، وی را فراری دهد، لیکن به دلیل شتابزدگی به جای این کار او را به قتل رساند.

ب) بکر می‌توانست تنها با فریاد کشیدن بر سر زید یا زدن یک سیلی به او، مهاجم را از خود دور کند، لیکن عمداً و با توجّه کامل به این مسأله مهاجم را کشت.

جواب: در فرض اوّل باید دیه بدهد و در فرض دوم قصاص می‌شود.

فصل چهل و دوم: احکام جهاد

سؤال ۸۹۳. با توجّه به آیات قصاص[۱] و آیهٔ شریفهٔ: ﴿**فَمَنِ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ**...﴾[۲] و آیهٔ ﴿**وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ**﴾[۳] و با توجّه به شرایط جهانی که در آن مسلمانان مورد تعرّض، تهدید و حملهٔ دولت‌هایی چون اسرائیل و آمریکا قرار دارند، لطفاً فتوای خود را در مورد تجهیز ایران به سلاح اتمی (به عنوان عامل ترساننده و بازدارنده) و احیاناً استفاده از آن در جهاد دفاعی و مقابله به مثل، بیان فرمایید.

جواب: با توجّه به این که سلاح‌های کشتار جمعی مانند سلاح‌های اتمی بر صغیر و کبیر رحم نمی‌کند، و این بر خلاف موازین اسلامی است، و در روایات اسلامی از آن نهی شده، مسلمانان نباید به سراغ این گونه سلاح‌ها بروند؛ ولی استفاده‌های سالم و مفید مانعی ندارد.

سؤال ۸۹۴. رفتن دختران امدادگر به جبههٔ جنگ، در صورتی که وجودشان مفید باشد و پدر و مادرشان راضی نباشند، چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که امدادگر زن برای کارهای ضروری به اندازه کافی وجود نداشته باشد، اذن پدر لازم نیست.

سؤال ۸۹۵. وظیفهٔ زنان مسلمان در امر جهاد حق علیه باطل چیست؟

جواب: جهاد بر زنان واجب نیست.

---

۱. از جمله آیات قصاص، آیهٔ ۱۷۸ و ۱۷۹ سورهٔ بقره و ۴۵ سورهٔ مائده است.

۲. سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۹۴؛ ترجمه: «هر کس به شما حمله کرد، همانند حملهٔ وی بر او حمله کنید...».

۳. سورهٔ انفال، آیهٔ ۶۰؛ ترجمه: برای مقابلهٔ با آنها [= دشمنان]، هر چه در توان دارید از نیرو و از اسب‌های ورزیده آماده سازید، تا به وسیلهٔ آن، دشمن خدا و دشمن (شناخته شدهٔ) خویش را بترسانید!

سؤال ۸۹۶. آیا بانوان می‌توانند آموزش نظامی ببینند؟

جواب: با حفظ جهات شرعیّه اشکالی ندارد.

سؤال ۸۹۷. حضرت عالی تکثیر سی‌دی‌های ساخت کشورهای کفّار حربی را حرام نمی‌دانید. لطفاً بفرمایید کفّار حربی در شرایط فعلی دقیقاً چه کشورهایی هستند؟

جواب: آمریکا و اسرائیل از جمله کفّار حربی هستند.

فصل چهل و سوم: احکام بانکی

کارت‌های اعتباری

سؤال ۸۹۸. در دو دهۀ اخیر در نظام اقتصادی و بانکی کشور ما استفاده از کارت‌های الکترونیکی بانکی به جای وجه نقد در مبادلات و خریدهای روزانۀ افراد رواج یافته است. و این کار از لوازم نظام بانکی کشور شمرده شده، و استقرار آن به جهات مختلف به نفع اجتماع است. از جمله این منافع برای دولت صرفه‌جویی در هزینه‌های چاپ و نشر اسکناس (که در سال ۸۲ به میزان ۱۴ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان اعلام شده است) و جمع‌آوری و امحاء اسکناس‌های فرسوده، صرفه‌جویی در هزینه‌های برقراری امنیّت برای نقل و انتقال پول در جامعه، صرفه‌جویی در هزینه‌های مصروفه برای مقابله با شیوع بیماری‌های مختلف که از طریق دست به دست شدن پول بین مردم است و برای بانک‌ها، استقرار روش استفاده از کارت به جای اسکناس موجب تمرکز سرمایه‌های کشور نزد بانک‌ها می‌شود، و بدین ترتیب توان سرمایه‌گذاری بانک‌ها افزایش یافته و موجب تثبیت وضعیّت اقتصادی، رشد سرمایه‌گذاری، افزایش موقعیّت‌های شغلی و رفاه برای مردم می‌گردد، و بالاخره مردم از طریق برخورداری از خدمات بانکی ۲۴ ساعته، پرهیز از مراجعات مکرّر به بانک‌ها برای دریافت و پرداخت وجه نقد، صرفه‌جویی در هزینه رفت و آمدهای اضافی، رعایت بیشتر بهداشت اجتماعی، افزایش امنیت فردی و دسترسی دائمی به نقدینگی، و امثال آن از این ابزار جدید منتفع می‌گردند.

البتّه استقرار این سیستم در جامعه مستلزم هزینه‌های هنگفت سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و تربیت نیروی انسانی از یک سو، و صرف هزینه‌های فرهنگ‌سازی برای

جلب نظر مردم در استفاده از این روش سودمند است. اکنون بانک‌ها در زمرهٔ خدماتی که در قالب ارائه خدمات کارت‌های بانکی در اختیار مشتریان خود قرار داده‌اند، ارائه خدمات کارت‌های اعتباری و نقدی است. در ارائه خدمات کارت‌های اعتباری؛ در واقع تأمین منبع مالی نیز به عهدهٔ بانک می‌باشد. و مشتری از اعتباری که بانک به وی اختصاص داده به همراه سایر امکاناتی که از طریق استفاده از خدمات کارت به وی داده می‌شود استفاده می‌نماید و در دوره‌های مشخص و مورد توافق، اصل مبلغ استفاده شده از اعتبار را به همراه مبلغی به عنوان کارمزد که میزان آن معمولاً بر اساس درصدی از اصل مبلغ اعتبار تعیین می‌گردد به بانک بازپرداخت می‌کند. این بانک به عنوان یکی از بانک‌های رسمی و خصوصی کشور اقدام به صدور کارت اعتباری نموده، و بابت این خدمات هزینه‌های ذیل را به عنوان کارمزد در قرارداد صدور کارت درج نموده، و از مشتریان خود اخذ می‌نماید:

الف) کارمزد هزینهٔ خرید با کارت اعتباری معادل ۱٪ مبلغ خرید.

ب) کارمزد دریافت وجه نقد با کارت اعتباری معادل ۲۵٪ مبلغ وجه دریافت شده.

ج) کارمزد تقسیط برای بازپرداخت اعتبار استفاده شده معادل ۱/۵٪ در ماه.

د) جریمهٔ تأخیر دربازپرداخت اعتبار استفاده‌شده ظرف مهلت مقرر معادل ۴٪ درماه.

مستدعی است نظر خود را در موارد زیر اعلام فرمایید:

الف) نظر حضرتعالی در خصوص ارائه خدمات کارت‌های بانکی خصوصاً کارت‌های اعتباری چیست؟

ب) آیا قالب عقد جعاله را برای ارائه خدمات کارت موجّه می‌دانید؟

جواب: در صورتی که واقعاً خدمات قابل ملاحظه‌ای که در عرف دارای ارزش است ارائه شود و سود اضافی در برابر آن خدمات گرفته شود مانعی ندارد و می‌تواند تحت عنوان عقد جعاله مندرج گردد؛ ولی اگر خدمات صوری است، یا در بعضی موارد خدمتی وجود ندارد و تنها سود پول گرفته می‌شود، ربا و حرام

است. ضمناً جریمه دیرکرد با موازین شرع سازگار نیست، چون نوعی ربا محسوب می‌شود و خدمات خاصّی در برابر آن نیست.

تخلّف وام‌گیرنده از قرارداد

سؤال ۸۹۹. بعضی از کارمندان به عناوین مختلف از اداره خود وام دریافت کرده، و آن را در غیر موارد مندرج در قرارداد مصرف می‌کنند. آیا این عمل جایز است؟

جواب: جایز نیست؛ سعی کنید در آینده این کار را تکرار نکنید.

سؤال ۹۰۰. اگر کسی از بانک وام گرفت و وام را طبق قرارداد مصرف نکرد، و از آن درآمدی کسب کرد، تصرّف در آن چگونه است؟ اگر اشکال دارد تکلیف وام‌گیرنده در رابطه با سود به دست آمده چیست؟

جواب: کار خلافی کرده و باید توبه کند و تکرار ننماید؛ ولی فعلاً مسؤولیّتی ندارد و سود آن هم اشکال ندارد.

سؤال ۹۰۱. در صورتی که کارمند بانک بداند شخص مراجعه‌کننده وام را در غیر مفاد قرارداد مصرف می‌کند، آیا مسؤولیّتی دارد؟

جواب: باید او را نهی از منکر کند.

سؤال ۹۰۲. در حال حاضر بانک‌ها و مؤسّسات مالی اعم از صندوق‌های قرض‌الحسنه و سایر مؤسّسات برای پرداخت وام و تسهیلات به مشتریان بر اساس عقود اسلامی قراردادهایی را با مشتری منعقد کرده و وام را پرداخت می‌نمایند. از آنجا که بسیاری از وام‌گیرندگان مبلغ دریافتی از بانک را در محلّی غیر از عنوان قرارداد هزینه کنند، لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) آیا هزینه‌کردن وام در غیر محل عنوان شده در قرارداد صحیح می‌باشد؟

ب) آیا وام دریافتی را می‌توان به عنوان مال شخصی محسوب و در موردی ضروری‌تر صرف کرد؟

ج) اگر کسی برای خرید اثاث منزل معیّن وام گرفته، و مشخّصات اثاثیه را به بانک

داده باشد، پس از دریافت وام می‌تواند لوازمی غیر از لوازم فوق را جایگزین اثاثیه اعلامی به بانک نموده و خریداری نماید؟

د) در صورتی که پاسخ سؤالات فوق منفی باشد تکلیف مؤمنینی که وام را برخلاف قرار داد مصرف کرده‌اند چیست؟

جواب: مصرف کردن وام‌ها در غیر مورد قرارداد جایز نیست و آنان که تخلف کرده‌اند ناچار باید اقساط را بپردازند و از کار خود توبه کنند و تکرار ننمایند.

جریمهٔ دیرکرد

سؤال ۹۰۳. اگر بانک در ضمن عقد قرض یا نسیه یا مضاربه یا سایر عقود اسلامی شرط کند که چنانچه طرف مقابل اقساط دین را تأخیر انداخت باید مالی را مجاناً به عنوان هدیه به نحو شرط فعل یا شرط نتیجه، نه به عنوان دیرکرد و امهال در تأخیر، پرداخت نماید.

اگر شرط فوق برای اصلاح جریمهٔ دیرکرد بانکی صحیح است؟

جواب: اشکال دارد.

جوایز بانک‌ها

سؤال ۹۰۴. پسرم چند عدد از کارت‌های قرعه‌کشی یکی از محصولات غذایی را به همراه خواهرخانم خود، به نام دختر کوچکم که هفت سال دارد بدون اطّلاع ما پر می‌کند و در جریان قرعه‌کشی از هشت جایزه ویژه، دخترم برنده ماشین پراید می‌شود. پسر بنده پس از اطّلاع از برنده شدن خواهرش موضوع را به بنده اعلام کرده، که من موضوع را جدی نگرفتم. او از این بی‌اعتنایی بنده سوء استفاده نموده و قسمت دوم کارت را که نزد وی بوده به کارخانه آن محصول غذایی فرستاده و منتظر رسیدن ماشین می‌ماند. ولی از آنجا که کارخانه ماشین را به صاحب کارت برنده می‌دهد، تلاش وی برای گرفتن ماشین بی‌نتیجه می‌ماند. بدین جهت کارخانه به ما تلفن می‌کند و خبر از برنده شدن

دخترم می‌دهد. به همراه دختر و برادر خانم خود (زن دوم) بـه مشـهد مـقدس رفـتیم و ماشین خریداری شده کارخانه راکه به نام فرزندم سند شده بود تحویل گرفتیم. اکنون پسرم و خواهر و پدرخانم ایشان مدعی اشتراک در ماشین مذکور هستند، ولی بنده زیر این بار نرفتم. اما این فکر که شاید برای آنان نیز از نظر شرعی حـقی بـاشد بـنده را آزار می‌دهد. نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: جایزه متعلّق به کسی است که کارت قرعه‌کشی به نام او بـوده است. و اگر اشخاص دیگر در این زمینه متحمّل مخارج و زحماتی شده و قصد مجّانی نداشته‌اند باید مخارج و اجرة المثل زحمات آنها را پرداخت کرد.

صندوق‌های قرض‌الحسنه

سؤال ۹۰۵. چندین صندوق قرض الحسنه با خارج شدن از شکل سنّتی خود، با انجام تبلیغات گسترده، مردم را به این موضوع امیدوار کرده‌اندکه با پرداخت مبلغی، سه برابر مبلغ مزبور را بعنوان وام طولانی مدّت دریافت خواهندکرد. برای عملی شدن وعده‌های صندوق، لازم بوده که همواره حجم افراد سپرده‌گذار سه برابـر حـجم افـراد وام‌گـیرنده باشد، ولی اکنون با رکودکار صندوق و بی‌اعتمادی مردم، و عدم واریز وجوه نقدی، کلیهٔ صندوق‌های مزبور ورشکسته شده، و در حال حاضر بیش از ۶۵۰۰۰ نفر در سطح استان ما وجوهی را پرداخته و با رکودکار صندوق، وجهی به آنان پرداخت نشده است. دستگاه قضایی کوشش فراوانی برای یافتن راه حلّی نموده، اما از آنجاکه وجوه مردم بصورت وام در اختیار افراد دیگر قرار گرفته، و وام‌های پرداختی هم طـولانی مـدّت است، چـنانچه فقط به جمع‌آوری اقساط و پرداخت به طـلبکاران اکـتفا شـود، صـرف نـظر از ایـن کـه مستلزم ایجاد یک سیستم عریض و طویل و صـرف هـزینه و امکـانات اجـرایـی فـراوان خواهد بود، اصولاً باعث خواهد شد حقوق طـلبکاران اسـتیفا نشـود. زیـرا بـررسی‌های کارشناسی نشان می‌دهد حتی اگر بتوانیم ظرف مدت ده سـال اقسـاط را جـمع‌آوری و بین طلبکاران توزیع کنیم، و حتی اگر خسارتی معادل ۸ درصد به طلبکاران در طول

مدت ده ساله پرداخت شود حدود ۶۴درصد از ارزش وجوه مردم کاهش خواهد یافت. مرقوم فرمایید:

الف) آیا تصرّف وام‌گیرندگان در وجوه دریافتی با علم به این که وجوه متعلّق به افراد دیگری است که بسیاری از آنان هم اکنون مستأصل و درمانده شده‌اند جایز است؟

جواب: با توجه به این که به این قرارداد راضی شده‌اند گرفتن وجوه مزبور اشکالی نداشته است؛ ولی با وضعی که پدید آمده باید جلوی این کار را برای آینده گرفت و وام‌های قرض الحسنه بصورت سابق در صندوق‌ها جریان یابد و این بدعت غلط (وام سه برابر) که از سوء مدیریّت جمعی از صندوق‌ها حاصل شده برچیده شود.

ب) با فرض این که وام‌گیرندگان هنگام تودیع سپرده شرط کرده‌اند که پس از مدّتی سه برابر وجوه تودیعی به آنان وام پرداخت شود آیا دریافت وجوه مازاد بر سپرده جایز بوده یا در حکم ربا محسوب می‌شود؟

جواب: این شرط با توجّه به این که ظاهراً منفعتش عاید شخص ثالثی می‌شود نه وام دهنده ربا محسوب نمی‌شود؛ ولی قاعده لاضرر به هر حال می‌تواند جلوی این کار را بگیرد.

سؤال ۹۰۶. صندوق قرض الحسنه‌ای با شرایط زیر آغاز به کار کرده است:

الف) تشکیل مجمع عمومی و انتخاب هیئت مدیره صندوق.

ب) ثبت نام ۳۵۰ نفر جهت یک دوره سرمایه‌گذاری.

ج) پرداخت ماهیانه ۲۰/۰۰۰ تومان توسّط هر عضو تا زمان برنده شدن.

د) در صورت برنده شدن هر عضو مبلغ ۲/۴۰۰/۰۰۰ تومان جایزه بعلاوه پرداخت کلیه مبلغ پرداختی تا زمان برنده شدن عضو، و معافیت دائم حق عضویت بعد از برنده شدن.

هـ) چنانچه در طول مدت دوره صندوق فردی از اعضا خدای ناکرده فوت نماید بدون قرعه‌کشی مبلغ ماهیانه و جایزه به وصیّ متوفّا پرداخت می‌گردد.

و) دادن وام جهت خرید خانه با بهره بانکی جمهوری اسلامی به اعضا.

ز) دادن وام جهت اجاره خانه به اعضا.

ح) دوره قرعه‌کشی صندوق ۱۲۰ ماه می‌باشد و در ماه آخر از نفر یکصد و بیستم تا سیصد و پنجاه‌هم مبلغ ۴/۸۰۰/۰۰۰ تومان پرداخت می‌گردد.

ط) پرداخت قسط ماهیانه مبلغ ۲۰/۰۰۰ تومان از تاریخ ۲۰ الی ۳۰ هر ماه دریافت می‌گردد. کسانی‌که در تاریخ مقرر قسط پرداخت نکنند، مبلغ ۲۰۰۰ تومان جریمه و از قرعه‌کشی آن ماه محروم می‌گردند. نظر شما در مورد فعالیّت این صندوق چیست؟

جواب: هرگاه سرمایه‌گذاری مردم تحت ضوابط مضاربه باشد، و آنچه به آنها جایزه می‌دهند به عنوان سهم سرمایه‌گذاران در این مضاربه باشد مانعی ندارد و الاّ باطل است. در ضمن مادام که سودی در مضاربه ظاهر نشود دادن پول به اشخاص اشکال دارد؛ ولی در مجموع به نظر می‌رسد که این کار خالی از اشکال نیست و شما عزیزان آلوده این کار نشوید.

متفرقه

سؤال ۹۰۷. شخصی بابت خرید جنسی مبلغ پانصد هزار تومان به حساب جاری این جانب پول واریز نمود فردای آن روز آمد و گفت از خرید جنس صرف نظر کرده و پول خود را مطالبه نمود، که یک فقره چک به مبلغ پانصد هزار تومان صادر و به ایشان تحویل شد. حال با توجه به این‌که اینجانب طرف را ندیده‌ام و قسمت فروش کارخانه هم او را نمی‌شناسد، او چک را جعل و کلیهٔ نوشتار روی چک را با موادّی محو نموده و روی آن مبلغ شانزده میلیون و پانصد هزار تومان نوشته و از بانک گرفته، که چک از طریق ادارهٔ آگاهی به تشخیص هویّت فرستاده شد. حال تکلیف این‌جانب با بانک چیست؟

جواب: اگر بانک طبق مقرّرات خاصّ خودش در تشخیص امضا و مبلغ کوتاهی نکرده مسؤول نیست و تنها شخص جاعل مسؤول است و اگر بانک کوتاهی کرده بانک و جاعل هر دو مسؤولند.

فصل چهل و چهارم: احکام پزشکی

تحصیل در رشتهٔ پزشکی

سؤال ۹۰۸. چنانچه مستحضرید پس از انقلاب شکوهمند اسلامی ملّت ایران، بر اساس ضوابط شرع مقدّس مقرر گردید برای رشتهٔ تخصّصی زنان و زایمان در کشور از بانوان پذیرش گردد. ولی به علت مشکلات خاص بانوان متخصص، متأسّفانه بهره‌گیری از تخصّص آنان در نقاط محروم و دورافتاده کشور امکان‌پذیر نیست. بدین علّت شاهد عوارض مرگ و میر مادران، باقیماندن بچّه‌های یتیم و فروپاشی خانواده‌ها در اقصی نقاط کشور هستیم. با توجه به این مطلب، لطفاً بفرمایید:

الف) آیا می‌توان به تربیت نیروهای مرد برای رشتهٔ تخصّصی زنان و زایمان پرداخت تا پس از فارغ‌التحصیلی آنان را به مناطق محروم و دورافتاده اعزام کرد، تا از این پس شاهد کاهش عوارض مرگ و میر مادران در سراسر کشور اسلامی ایران‌باشیم؟

ب) آیا اعزام بانوان متخصص به سراسر کشور خصوصاً مناطق محروم دور افتاده با وجود تعهّد دولتی تکلیف شرعی می‌باشد؟

ج) اگر تکلیف شرعی است آیا بانوان متخصص زنان و زایمان می‌توانند با وجود تعهد دولتی از رفتن به مناطق اعزامی به دلیل مشکلات خانوادگی خودداری نمایند؟

جواب: در صورتی که زنان متخصص مانعی از رفتن به آن مناطق نداشته باشند، باید این وظیفه را قبول کنند و به کمک هم‌نوعان خود بشتابند و اگر واقعاً خطرات و ضررهای قابل توجّهی برای آنها دارد، مسأله جنبهٔ ضرورت پیدا می‌کند و مردان می‌توانند به مقدار لازم برای حل مشکلات زنان باردار در آن مناطق آموزش ببینند و اقدام کنند.

ضمان طبیب

سؤال ۹۰۹. اگر اطبّای ماهر انجام عملی را بر روی بیمار خطرناک و مهلک بدانند ولی بر اثر اصرار بیمار و اخذ برائت از وی اقدام کنند و بیمار به هنگام عمل بمیرد آیا اقدام بیمار حرام و موجب عقوبت است؟ اطبای مزبور چه حکمی دارند؟

جواب: در صورتی که احتمال عقلایی نجات در کار نباشد نباید اقدام کنند ولی در صورت اقدام و اخذ برائت پزشکان ضامن نیستند و حکم قتل ندارد؛ مشروط بر این که نجات او محتمل باشد.

سؤال ۹۱۰. در صورتی که بیمار در حین معاینه توسّط طبیب، و در اثر معاینه بکارتش زایل گردد بفرمایید:

الف) آیا مسؤولیّتی متوجّه پزشک خواهد شد؟

ب) در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا پزشک علاوه بر ارش البکارة، باید مهر المثل نیز بپردازد؟

ج) آیا علم و آگاهی طبیب، یا عدم آگاهی وی به باکره بودن، تأثیری در حکم مسأله دارد؟

د) آیا عدم اعلام باکره بودن از جانب بیمار، در حکم مسأله مؤثّر است؟

هـ در صورتی که وضعیّت ظاهری بیمار به گونه‌ای باشد که پزشک احتمال باکره بودن وی را ندهد، آیا تأثیری در حکم مسأله دارد؟

و) چنانچه پزشک قبل از انجام معاینه از بیمار برائت گرفته باشد، موجب عدم ضمان وی می‌شود؟

جواب: الف تا و) هرگاه وضع ظاهری بیمار عدم بکارت باشد و بیمار طبیب را در جریان نگذارد، طبیب ضامن نیست، همچنین اگر برائت جسته و مقصّر نباشد. ولی درصورتی‌که ظاهر او بکارت باشد، یا لااقل احتمال قوی برود که باکره است وبرائت هم نجسته باشد طبیب ضامن مهرالمثل است، مگر این که بتواند او را به صورت اوّل بازگرداند که در اینجا ارش نقص موقّت وهزینه‌های اضافی را می‌پردازد.

سؤال ۹۱۱. لطفاً به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

الف) اگر پزشک در امور غیر درمانی مانند جرّاحی بینی و صورت برای زیبایی اقدام نماید، و قبل از عمل جرّاحی برائت اخذ کند و مشخّص شود که دکتر خطایی در جرّاحی داشته، آیا ضامن خواهد بود؟

جواب: چنانچه خطای او از روی تقصیر نبوده ضامن نیست.

ب) در فرض سؤال اول اگر پزشک مقصّر نبود، و اذن در جراحی داشت و خطا کرد، آیا ضامن است؟

جواب: هرگاه قبلاً برائت جسته و کوتاهی نکرده امّا خطا کرده ضامن نیست.

سؤال ۹۱۲. اگر پزشکی در حین عمل جرّاحی یکی از اعضای بیمار را فاسد کرد یا ضرری به آن رساند که باعث نقص یا ناراحتی مریض شد آیا ضامن است؟

جواب: اگر طبیب در کار خود کوتاهی کند در برابر خسارت‌های وارده بر بیمار ضامن است. و اگر کوتاهی نکند و برائت از بیمار بگیرد ضامن نیست.

سؤال ۹۱۳. اگر پزشک در عمل جرّاحی بیمار ناکام ماند و مریض بهبودی نیافت، یا منجر به فوت وی گردید آیا پزشک نسبت به هزینهٔ عمل جرّاحی که بیمار به او پرداخته، ضامن است؟

جواب: هرگاه پزشک وظیفه‌اش را انجام داده مدیون نیست.

رجوع به طبیب غیر همجنس

سؤال ۹۱۴. در شهر ما هم دکتر زن وجود دارد و هم مرد، لکن دکتر مرد حاذق است، آیا خانم‌های بیمار می‌توانند به طبیب مرد مراجعه کنند؟

جواب: در فرض سؤال اشکالی ندارد.

سؤال ۹۱۵. آیا خانم‌ها می‌توانند بدون تحقیق از وجود دکتر زن، نزد دکتر مرد بروند؟

جواب: باید اوّل تحقیق کنند اگر دکتر همجنس نبود جایز است نزد مرد بروند.

سؤال ۹۱۶. آیا مراجعه زن به پزشک مرد در صورتی که بتواند پزشک زن در آن رشته

بیاید جایز است؟ البته با توجّه به این که غالباً به او نگاه شده و گاهی هم از او معاینه به عمل می‌آید؟

جواب: جایز نیست.

نگاه و لمس

سؤال ۹۱۷. آیا زنان می‌توانند بدون قصد لذت به منظور آمپول زدن یا دیگر کارهای پزشکی به بدن مرد نامحرم نگاه کنند؟

جواب: در صورت ضرورت و نبودن همجنس جایز است؛ هر چند ضرورت مربوط به فراگیری علوم واجب و لازم باشد.

سؤال ۹۱۸. خانمی که از ترشح زیاد مهبلی و سوزش یا خارش تناسلی شاکی است به ماما مراجعه می‌کند. ماما با پرسش برخی علائم می‌تواند تا حدّی نوع عفونت را تشخیص داده، و نسخه بنویسد؛ امّا صلاح می‌داند که زن را مورد معاینه زنانگی (که نیاز به نگاه عورت می‌باشد) قرار دهد؛ چون احتمال می‌دهد علاوه بر عفونت مهبل، دهانهٔ رحم هم دچار عفونت شده باشد. مخصوصاً اگر طی یک سال گذشته، زن معاینه نشده باشد عفونت دهانهٔ رحم خیلی شایع است. پس اگر زن را معاینه کند این عفونت احتمالی را که البته در زنان شایع است را کشف کرده و درمان مخصوص آن را نیز انجام می‌دهد. به این ترتیب ماما احساس می‌کند که دین خود را نسبت به زنان ادا کرده است. چرا که: عفونت دهانهٔ رحم اگر کشف و درمان نشود احتمالاً عوارضی را ایجاد می‌کند. با توجّه به این توضیحات، آیا این معاینات زنان ضرورت پزشکی محسوب شده، و مجوّز نگاه به عورت می‌شود؟

جواب: معاینات در این گونه موارد شرعاً اشکالی ندارد؛ بلکه گاه لازم است.

قطع درمان

سؤال ۹۱۹. اینجانب پزشک متخصّص جرّاحی عمومی هستم. چگونگی برخورد با

بیماران صعب العلاج که درمان قطعی برایشان وجود ندارد در هر رشته تخصصی پزشکی وجود دارد؛ و اقدام به عمل جراحی برای جراحان تبدیل به مشکل بزرگی از دیرباز شده و ما غالباً بر اساس اخلاق پزشکی توصیه شده در کتاب‌های مرجع (انگلیسی ـ آمریکایی ـ فرانسوی) عمل می‌کنیم. دانسته‌های ما در مورد مسایل شرعی در مورد این بیماران در این حدّ است که تاریخ مرگ غیر قابل پیشگویی است و حفظ الصّحه برای بیمار واجب است و بیمار شرعاً موظف است به پزشک اعتماد کرده و دستورات او را اجرا کند. فرض بفرمایید بیماری با سرطان پیشرفتهٔ معده مراجعه کرده و از بنده می‌پرسد آیا درمان شما مرا علاج می‌کند؟ و من پاسخ می‌دهم خیر. فقط کمی به طول عمرتان اضافه می‌شود. دوباره می‌پرسد: آیا اجبار دارم تن به درمان بدهم، در صورتی که بار مالی آن را نمی‌توانم تحمل کنم و آزار و اذیت ناشی از جراحی و شیمی درمانی را هم به صرفه نمی‌دانیم؟

قابل به ذکر است که بیمار یا مالی آماده دارد و بعد از دست می‌دهد یا مقروض می‌شود یا بار مالی آن بر گردن بیمه‌های کشور می‌افتد. در چنین مواردی باید تصمیم شرعی به تصمیم عقلانی کمک کند. از طرف دیگر گاهی خود ما پزشکان می‌دانیم آزار و اذیت عمل جراحی و شیمی درمانی در سنین بالا و بیمار ضعیف واقعاً به سختی تحمل می‌شود. اگر بیمار این را بداند آیا حق دارد، درمان یا عدم درمان را انتخاب کند؟

وقتی اطلاعات کامل به بیمار داده شود اگر او پزشک را ولیّ خود برای تصمیم‌گیری قرار دهد (اگر امکانپذیر باشد) آیا پزشک بر اساس کتب مرجع پزشکی به تنهایی می‌تواند تصمیم بگیرد یا اخلاق پزشکی اسلامی نظر دیگری بر خلاف کتب مرجع پزشکی خارجی دارد.

خیلی از همکاران متعهد من قبل از شروع این راه و آمدن خدمت شما این توصیه را کردند که این راه را نروم چون به جایی ختم نمی‌شود و حضرات عموماً این مسأله را تلقی بر صدور مجوز مرگ قبل از وقوع مرگ می‌کنند و از ابتدا مخالفت می‌شود. در صورتی که چنین قصدی نیست، بلکه فقط باید بدانیم تا چه موقع حق داریم برای

بیماری که به مراحل آخر بیماری رسیده کارهایی انجام دهیم که سرمایه و جسم و روح و روان او را دستخوش تغییرات وسیعی قرار می‌دهد و مطمئناً به جایی نمی‌رسد. لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) آیا باید انسان آزمایشگاهی باشد که داروها روی او امتحان شود و از مجموع قضایا به نتیجه رسید؟

ب) آیا مقرّرات الهی این بنده اقتضا می‌کند که حتماً پول و جانش را در اختیار ما قرار دهد و زجر آن را هم بکشد؟

ج) آیا حق دارد در فرصت نامعلوم باقیمانده به اعمال و زیارات بر جای ماندهٔ خود برسد و در یک کلام مرگ راحت‌تری را برای خود انتخاب کند؟

جواب: در این گونه موارد که به طور قطع یا به اطمینان بیمار مدّت کوتاهی با تحمّل درمان‌های شکنجه‌آور زنده می‌ماند دلیلی بر ادامه درمان ندارد؛ مخصوصاً اگر بار مالی سنگین داشته باشد و به ویژه اگر بیمار مجبور به وام گرفتن یا فروختن خانهٔ خود گردد. در این گونه موارد می‌توان بیمار را به حال خود رها کرد و اگر مشورت کند می‌توان به او مشورت داد که اگر تحمّل ناراحتی‌ها را داری درمان کن و چند صباحی بمان و اگر نداری می‌توانی درمان را قطع کنی به خصوص اگر بیمار در سنین بالا باشد. فکر می‌کنیم بر خلاف آنچه دوستانتان گفتند جواب صریح و شفافی دادیم.

پیوند اعضا

سؤال ۹۲۰. در قانون مصوّب ۱۳۷۹ پیوند اعضای بیماران فوت شده، یا بیمارانی که مرگ مغزی آنان مسلّم است، می‌خواهیم: «بیمارستان‌های مجهّز... می‌توانند از اعضای سالم بیماران فوت شده یا بیمارانی که مرگ مغزی آنان بر طبق نظر کارشناسان خبره مسلّم باشد به شرط وصیّت بیمار یا موافقت ولی میّت جهت پیوند به بیمارانی که ادامه حیاتشان به پیوند عضو یا اعضای فوق بستگی دارد، استفاده نمایند».

در فرض فوق، اگر ادامه حیات شخصی منوط به پیوند عضوی از شخص مرده‌یا دچار مرگ مغزی باشد، و ولیّ میّت (ورثهٔ او) اجازه برداشت را ندهد، وخود وی هم وصیّتی در این امر نکرده باشد؛ حکم مسأله از جهت حرمت جواز و وجوب برداشت عضو چیست؟

جواب: در صورتی که نجات جان فرد مذکور متوقف به برداشتن آن عضو باشد اجازهٔ ورثه یا وصیّت متوفّی شرط نیست. ولی سزاوار است با اجازهٔ ورثه یا اذن حاکم شرع بوده باشد.

سؤال ۹۲۱. آیا اجازه می‌فرمایید از اجساد مجهول الهویه قرنیهٔ چشم برداشته و به چشم افراد نیازمند پیوند زده شود؟ در صورتی که در آینده اولیای دم شناسایی شوند وظیفهٔ پزشکی قانونی در این رابطه چیست؟

جواب: در صورتی که نجات جان یا عضو مهمّ مسلمانی متوقّف بر این کار باشد اشکالی ندارد و چنانچه بعداً اولیای میّت پیدا شوند شایسته است در صورت اطّلاع یافتن از موضوع رضایت آنها جلب شود.

جلوگیری از بارداری

سؤال ۹۲۲. آیا زوجهٔ دائمی می‌تواند بدون اجازهٔ شوهر از داروهای ضدّ بارداری استفاده کند، یا به طور کلّی از حامله شدن امتناع نماید؟

جواب: جایز نیست، مگر این که خطر جانی یا بیماری مهمّی برای او داشته باشد.

سؤال ۹۲۳. اگر زن دائمی بدون اجازه شوهر از داروهای ضدّ بارداری استفاده کند، یا بطور کلّی از حامله شدن امتناع نماید؛ آیا عمل زوجه، به خاطر اتلاف نطفه یا تضییع آن دیه دارد؟

جواب: کار خلافی کرده، ولی دیه ندارد.

تلقیح مصنوعی

سؤال ۹۲۴. روش‌های متداول در مراکز درمانی ناباروری با توجه به اختلالات موجود در سیستم تولید مثل زنان و مردان به شرح ذیل است:

الف) زوج فاقد اسپرم بارور، امّا زوجه از نظر تخمک و رحم سالم است و برای درمان ناباروری، تلقیح با اسپرم مرد بیگانه خواه در داخل لوله رحمی و خواه در محیط آزمایشگاهی ضروری است.

ب) تخمک زوجه نابارور است ولی اسپرم زوج بارور بوده و زوجه توانایی حمل جنین و زایمان را داراست و برای درمان ناباروری باید از تخمک اهدایی بیگانه استفاده شود.

ج) اسپرم زوج و تخمک زوجه نابارور است و رحم زوجه توانایی حمل جنین و زایمان را داراست و برای درمان ناباروری اهدای جنین بیگانه (زوجین) ضرورت دارد.

د) اسپرم زوج و تخمک زوجه بارور است، ولی رحم زوجه نمی‌تواند جنین را حمل کند و برای درمان ناباروری، زن دیگری (خواه دارای شوهر و خواه بدون شوهر) حمل را تا زمان زایمان در رحم خود نگهداری و به صاحبان جنین تحویل می‌دهد.

با توجه به این که نسب حقیقت شرعیّه ندارد و عرف آن را از واقعیّات خارجی انتزاع می‌کند و این که در تولید مثل انسان زن دو نقش ایفا می‌کند (نقش تخمک و نقش رحم) و آشکار شدن این تمایز یک امر جدید و نتیجهٔ پیشرفت علوم است و در لسان روایات و مضمون آیات چنین تفکیکی به طور روشن به چشم نمی‌خورد، نظر شما در زمینهٔ انتساب کودک به صاحب تخمک و رحم در فرض بالا چیست؟

جواب: اولاً: در اسلام فرزند مشروع طبق آنچه از آیات و روایات برمی‌آید فرزندیست که حاصل ازدواج باشد، یا حداقل وطی به شبهه باشد. بر این اساس استفاده از اسپرم بیگانه یا تخمک بیگانه جایز نیست، و فرزند متولّد از آن در صورت علم و آگاهی طرفین حکم فرزند نامشروع را دارد.

ثانیاً: هرگاه اسپرم و تخمک زن و شوهری با هم ترکیب شود و تشکیل جنین دهد کاشتن آن در رحم فرد ثالث ذاتاً اشکال ندارد. و از بعضی جهات شبیه رضاع کامل است که موجب محرمیّت می‌شود؛ ولی فرزند تعلّق به صاحبان نطفه و تخمک دارد و توراث در بین آنهاست؛ ولی از آنجا که این کار (کاشتن جنین حلال در رحم مادر جانشین) معمولاً مستلزم نظر و لمس حرام است تنها در صورت ضرورت جایز است.

ثالثاً: فرزندانی که از اسپرم یا تخمک بیگانه حاصل می‌شوند مانند فرزندان نامشروع آثار محرمیّت دارند؛ ولی حکم ارث که مربوط به نسب صحیح است برای آنها نیست.

سؤال ۹۲۵. شخصی که پس از چند سال بچه‌دار نشدن، و مراجعه به پزشک زنان، و امتحان کردن راه‌های درمانی دارویی، و حتی اقدام شوهر برای عمل جراحی، به نتیجهٔ مثبتی دست نیافته و در نهایت پزشک معالج IVA را به عنوان تنها راه بچه‌دار شدن (آن هم به صورت کاملاً موفقیت‌آمیز) پیشنهاد می‌کند. وظیفهٔ شرعی این شخص چیست؟ آیا می‌تواند چنین اقدامی کند؟

جواب: انتقال نطفه در صورتی جایز است که از آن مرد طلاق بگیرد (هر چند به قصد جدایی موقّت باشد) و پس از عدّه با صاحب نطفه عقد موقّت ببندد (هر چند یکدیگر را نبینند) سپس نطفه ترکیب گردد. و پس از آن شوهر موقّت باقیمانده مدّت را ببخشد و نطفه ترکیب یافته به رحم زن منتقل شود. و در این صورت زن می‌تواند بدون رعایت عدّه به عقد دایم شوهر اوّل درآید.

سؤال ۹۲۶. لطفاً نظر خویش را در مورد سؤالات زیر بیان فرمایید:

الف) هرگاه نطفه مرد و زنی در لولهٔ آزمایشگاه ترکیب، و سپس در رحم زن دیگری قرار داده شود و بعد از انقضای دوره حمل طفلی متولد گردد، چه نسبتی با این زن خواهد داشت؟

ب) آیا صرف تکامل طفل در رحم زن می‌تواند از موانع نکاح به حساب آید؟

ج) آیا پس از تولد، شوهر زنی که نطفه طفل پس از انعقاد در رحم او قرار داده شده می‌تواند بدون دلیل و با اجرای لعان منکر انتساب طفل به خود شود؟

جواب: الف تا ج) طفل مزبور متعلّق به صاحبان اصلی نطفه است؛ ولی به آن زن که در رحم او پرورش یافته محرم است، همچنین به شوهر او، و در فرض سؤال طفل تعلّق به شوهر آن زن ندارد تا مسألهٔ لعان پیش آید.

سؤال ۹۲۷. آیا کودک آزمایشگاهی پس از انعقاد نطفه و مادام که به رحم منتقل نشده

می‌تواند از حقوق مدنی متمتّع شود، یا مقرّ له قرار گیرد، به طوری که پس از تحقق شرط زنده متولد شدن بتوان حقوق مذکور را برای او از همان دوران تکامل خارج از رحم ثابت دانست؟

جواب: مادام که زنده از مادر متولّد نشده مشمول حقوق مدنی نیست.

سقط جنین

سؤال ۹۲۸. هفده ساله بودم که از شوهرم طلاق گرفتم، اکنون ۱۸ سال دارم و نمی‌دانم چطور حامله شده‌ام. چند ماه پیش آدامسی جویدم که این طور شدم، البتّه شنیده بودم که انسان را حامله می‌کند، ولی باور نمی‌کردم. چرا باید این بدبختی‌ها را بکشم، من که گناهی نکردم. آقا شما را به جان هر که دوست دارید، نجاتم بدهید. می‌تونم سقط کنم؟

جواب: هیچ کس به وسیلهٔ جویدن آدامس باردار نمی‌شود و اگر کسی چنین ادّعایی کند باطل و بی‌اساس است. ولی این احتمال وجود دارد که در حمّام و مانند آن نطفه‌ای بر روی زمین ریخته شده باشد و زنی آنجا بنشیند و رحم او آن نطفه را جذب کند. به هر حال ساقط کردن این فرزند جایز نیست و در صورتی که در فشار شدید از ناحیه سخنان مردم هستید می‌توانید بگویید با شخصی عقد موقّت داشته‌اید و آن شخص شما را رها کرده و رفته است.

سؤال ۹۲۹. خانمی هستم باردار، که در ۴۰ روز اوّل واکسن سرخک را تزریق کردم. نمی‌دانستم تزریق واکسن در چنین شرایطی، منجر به عقب‌افتادگی ذهنی و فلج کامل جنین می‌شود. اکنون با توجّه به شرایط اینجانب، سقط جنین چه حکمی دارد؟

جواب: طبق آنچه بعضی از اطبّای معروف گفته‌اند این احتمال بسیار ضعیف است، پس نمی‌توان سقط جنین کرد.

سؤال ۹۳۰. بانویی که مدّت ۱۰ تا ۲۰ روز عادت ماهانه‌اش عقب افتاده و شکّ در حاملگی خود دارد، آیا می‌تواند از طریق تزریق آمپول‌های مخصوص، عادت شود؟

جواب: در صورتی که یقین به بارداری نداشته باشد مانعی ندارد.

سؤال ۹۳۱. آیا اتلاف نطفه بارور شده در خارج از رحم کیفر سقط جنین را دارد؟ و اگر نطفه موجود در آزمایشگاه موصی له واقع شود و به وسیلهٔ شخصی عمداً تلف گردد اگر این شخص از ورّاث باشد آیا چیزی از موصی به او انتقال پیدا می‌کند؟

جواب: مادام که زنده از مادر متولّد نشده مالکیّتی پیدا نمی‌کند.

بیماری ایدز

سؤال ۹۳۲. در مورد بیماری ایدز که یک بیماری مسری است و یکی از راه‌های انتقال آن مقاربت جنسی محسوب می‌شود و در افراد مبتلا بویژه در جوامع مذهبی، بدلیل ترس از اطرافیان و شرمساری در جامعه و سایر عوامل، مبتلایان از مراجعه به طبیب خودداری می‌نمایند و در نتیجه مخفی ماندن تشخیص، موجبات سرایت بیشتر آن به افراد سالم و انتشار بیماری در جامعه فراهم می‌گردد، لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) اگر پسر یا دختری قبل از ازدواج دچار ایدز باشند آیا عقد ازدواج آنها جایز است؟

جواب: چنانچه بیماری آنها در حد خطرناک بوده باشد اشکال دارد.

ب) با توجّه به مادّهٔ ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی، که افشای اسرار پزشکی را جرم دانسته و از طرفی عدم بیان واقعیّت موجب ابتلای همسر به ایدز می‌گردد و در نهایت مرگ بیمار را به دنبال دارد، تکلیف شرعی پزشک چیست؟

جواب: در صورتی که بیم خطراتی می‌رود بر پزشک لازم است کسان بیمار و همسرش را در جریان قرار دهد.

ج) اگر پس از ازدواج، یکی از زوجین دچار ایدز شود، آیا می‌تواند عقد را فسخ کند؟ و اگر مرد بیمار شود و زوجه از آمیزش جنسی امتناع ورزد، زن ناشزه محسوب می‌شود؟

جواب: هرگاه زن آلوده شود شوهر می‌تواند او را طلاق دهد و اگر مرد آلوده شود زن می‌تواند از حاکم شرع تقاضای طلاق کند. و در صورتی که بیماری مرد خطرناک باشد زن ناشزه محسوب نمی‌شود.

د) اگر مادری دچار ایدز باشد و جنین او نیز آلوده گردد حکم فقهی مسأله چیست؟ آیا این امر موجبی برای سقط جنین تلقّی می‌گردد؟

جواب: در صورتی که آیندهٔ جنین بسیار خطرناک باشد و در ماه‌های نخستین باشد اسقاط جنین اشکالی ندارد.

هـ) اگر فردی از طریق ارتباط نامشروع مبتلا به ایدز شده باشد وظیفهٔ پزشک معالج در قبال خانواده یا همسر فعلی (اگر ازدواج کرده باشد) یا همسر آینده (اگر ازدواج نکرده باشد) چیست؟

جواب: در صورتی که در مرحلهٔ خطرناکی باشد باید اعلام کند.

سؤال ۹۳۳. با توجّه به این که در حال حاضر الگوی غالب انتقال ایدز در کشور ما اعتیاد تزریقی است، و گسترش ایدز با این الگو، بسیار سریع‌تر از سایر روش‌ها صورت می‌گیرد، و همچنین با عنایت به خطرات و عوارض اجتماعی و اقتصادی بسیار شدیدتر ایدز نسبت به اعتیاد تزریقی، مراجع علمی سازمان بهداشت جهانی و مرکز مدیریت بیماری‌ها، ارائه سرنگ استریل به معتادان را طبق برنامه مدوّن و به عنوان یکی از مراحل ترک قطعی اعتیاد پیشنهاد، و طی دستور العمل‌هایی مشخص ابلاغ نموده‌اند. لازم به ذکر است تجربیات سایر کشورها، و برخی دانشگاه‌های کشور در اجرای برنامه مذکور نیز مؤید تأثیر واضح در کاهش بروز موارد جدید ایدز، اعتیاد و همچنین افزایش مراجعهٔ معتادان به مراکز بهداشتی درمانی، و دریافت آموزش و مشاوره‌های لازم بوده است. این کار شرعاً چه حکمی دارد؟

جواب: با توجّه به آثار مثبتی که برای اهدای سرنگ استریل به معتادان مرقوم داشته‌اید و نتایج ثبت تجربیّات در این زمینه، این کار از نظر شرعی اشکالی ندارد و اعانت بر اثم محسوب نمی‌شود.

اجرت پزشک

سؤال ۹۳۴. دریافت وجه اضافه بر تعرفه‌هایی که توسط دولت جمهوری اسلامی

تصویب شده، در مطب پزشکان یا در بیمارستان‌های دولتی و خصوصی چه حکمی دارد؟

جواب: از قوانین و مقررات حکومت اسلامی تخلّف نکنید.

سؤال ۹۳۵. خودداری پزشک از درمان بیماران به دلیل فقر مالی که قادر بر پرداخت هزینهٔ درمان خود نمی‌باشند چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که جان بیمار در خطر باشد یا احتمال خطر بدهد نباید از مداوا خودداری کند.

سؤال ۹۳۶. دانشجویی جهت درمان شکاف کام فرزندش مراجعه کرده، و پزشک متخصّص مبلغ چهارصد هزار تومان اضافه بر تعرفه مصوّب و قانونی از ایشان درخواست نموده است. ابتدا به ناچار فرزند را در بیمارستان بستری و با دریافت وام، وجه درخواستی متخصّص مربوطه را پرداخت نموده، ولی پس از عمل جرّاحی اظهار می‌دارد کاملاً راضی هستم، اخذ و مصرف پول فوق توسط پزشک چه حکمی دارد؟

جواب: در صورت رضایت اشکالی ندارد.

زیرمیزی

سؤال ۹۳۷. بیماری جهت عمل جرّاحی در بیمارستان بستری شده، و پزشک معالج علاوه بر هزینه‌های درمان و تعرفه‌های معیّن که مصوّب دولت است درخواست وجه اضافه (به اصطلاح زیر میزی) کرده است دریافت و مصرف آن چه حکمی دارد؟

جواب: دریافت چنین وجهی جایز نیست.

سؤال ۹۳۸. بیماری به علّت ضربهٔ به نخاع که، احتمال قطع شدن نخاع می‌رفته، در ایّام تعطیلات به بیمارستان اعزام شده و پزشک معالج درخواست وجه خارج از مقررات نموده است. کارشناس ناظر نیز در جریان امر بوده، ولی با استدلال حفظ سلامت بیمار در آن مرحله اعتراض و اقدامی نکرده است، عمل کارشناس ناظر چه حکمی دارد؟

جواب: اگر مجبور بوده اشکالی ندارد، هر چند پزشک کار خلافی کرده و لازم بوده کارشناس به زبان خوب نهی از منکر کند.

سؤال ۹۳۹. بیماری به علّت ابتلا به سلِ استخوان‌های ستون فقرات، به متخصّص مربوطه مراجعه و بستری شده است. پزشک معالج مبلغ قابل توجّهی اضافه بر تعرفه‌های مصوّب دولت از بیمار به عنوان زیر میزی درخواست می‌کند، بیمار به علّت عدم توانایی مالی قادر به پرداخت وجه در خواستی نمی‌باشد، که منجر به لغو عمل او و ایجاد عارضه شبه فلج در بیمار می‌شود، استنکاف پزشک از عمل فوق چه حکمی دارد و در عارضه ایجاد شده چقدر ضامن است؟

جواب: پزشک در این صورت گناه بزرگی مرتکب شده است.

اهدای خون

سؤال ۹۴۰. اهدای یک واحد خون و جداسازی اجزاء مختلف آن در سازمان انتقال خون می‌تواند جان چندین نفر را از مرگ حتمی نجات دهد. در سال ۱۳۸۳ یک و نیم میلیون واحد کیسهٔ خون اهدا شده که توسط آن «یک میلیون و شش صد هزار» نفر (یعنی روزی «چهار هزار و سیصد نفر») مداوا شده‌اند. به عبارت دیگر، با توجه به این که تاکنون هیچ دارویی نتوانسته جایگزین خون و فرآورده‌های آن شود، در صورتی که کسی خون اهدا نکند، یا اهدای خون تعطیل شود هر روز به طور میانگین «چهار هزار و سیصد نفر» در اثر بیماری‌هایی که درمان آن به فرآورده‌های خونی نیاز دارد می‌میرند. هم اکنون در کشور ما در سال حدود «یک میلیون و هشتصد هزار واحد» خون نیاز است که حدود «یک میلیون و چهارصد هزار» آن از طرف مؤمنین اهدا می‌شود و حدوداً «چهارصد هزار واحد» خون کمبود داریم که باید وارد کنیم. با توجه به این که خون وارداتی ممکن است آلوده باشد و فرد دریافت کنند را دچار بیماری‌های خطرناک چون (ایدز و هپاتیت) کند (همان‌گونه که در سال‌های گذشته این اتفاق افتاده) آیا حضرتعالی اهدای خون را بر مؤمنین به نحو وجوب کفایی واجب می‌دانید تا کشور از این جهت مستقل و وابسته به اجانب نباشد؟

جواب: هرگاه واقعاً خون‌های خارجی نامطمئن باشد به طوری که به تأیید

کارشناسان خطر بیماری‌های سخت و فراگیر وجود داشته باشد در چنین صورتی اهدای خون بر کسانی که توانایی اهدا دارند واجب کفائی است.

تعیین جنسیت

سؤال ۹۴۱. اینجانب، فوق لیسانس مامایی، برای برخی خانم‌ها که متقاضی فرزند خاصّی (دختر یا پسر) می‌باشند سه ماه قبل از بارداری به سه روش زیر انتخاب جنسیّت می‌کنم:

الف) رعایت رژیم غذایی برای زن که همگی از موارد حلال دین مبین اسلام (مثلاً غذای شور برای خانمی که خواهان پسر می‌باشد و غذای شور برایش مضر نباشد) و رژیم غذایی مقوی برای همسر (مانند دارچین و زعفران در غذای روزانه).

ب) تعیین روز نزدیکی بدون وسیلهٔ پیشگیری بر اساس این که چه فرزندی می‌خواهد (مثلاً از روی قاعدهٔ خانمی که عادت ۲۸ روز دارد و خواهان دختر است تعیین روز ۱۵ قاعدگی برای روز نزدیکی)

ج) شستشوی مهبل و دهانه رحم خانم با موادّی که بی‌ضرر و ترکیب آن در علم موجود است (مثل شستشو با محلول یک درصد جوش طبّی موجود در داروخانه‌ها)

این سه روش را برای خانم‌ها توصیه می‌کنم و هیچ مبلغی تحت عنوان تضمین و غیره دریافت نمی‌کنم و فقط بر اساس دفعاتی که مادر مراجعه می‌کند (حدود ۱۰ تا ۱۱ بار) اجرت ویزیت مصوب نظام پزشکی را دریافت می‌کنم. و هیچ رفت و آمد مرد نامحرم برای این مورد در مطب انجام نمی‌شود و رژیم غذایی مرد را هم به همسر ایشان می‌دهم. با توجّه به مطالب بالا نظر شما چیست؟

جواب: چنانچه موارد بالا را با دقت انجام دهید مانعی ندارد؛ ولی در مسألهٔ شستشوی دهانه رحم در صورتی که مستلزم نگاه یا لمس باشد شرعاً جایز نیست مگر این که واقعاً ضرورتی در کار باشد.

اوتانازی (خاتمه دادن به زندگی بیماری)

سؤال ۹۴۲. یکی از بحث‌های مهمّ اخلاق پزشکی، که امروزه در جهان مطرح است، «اوتانازی» می‌باشد. که معنی فارسی آن مرگ خوب و آسان و راحت، یا تسریع در مرگ، یا کشتن از روی ترحّم است. یعنی فرد به ظاهر سالم، یا بیمار سخت، یا بیمارانی که غیر قابل برگشت هستند، به صورت داوطلبانه، یا غیر داوطلبانه، با تزریق داروی مرگ‌آور توسّط پزشک از بین می‌روند. این عمل را این گونه توجیه می‌کنند: «حیات هر انسان مربوط به خود اوست، و هر وقت بخواهد می‌تواند از خود سلب نماید!» و از طرف دیگر، در مورد بیماران، بعضی از پزشکان معتقدند اگر بیماری دارای درد و رنج زیاد و غیر قابل کنترل باشد، با دارو، در مرگ او تسریع ایجاد می‌کنیم، تا بیش از این درد و رنج نداشته باشد. با توجه به زمزمهٔ قانونی شدن «اوتانازی» در جهان، حکم شرعی این مسأله چیست؟

جواب: بی‌شک خودکشی و انتحار، به هر شکل و به هر صورت، و کمک به مرگ دیگری، به هر شکل و هر صورت، خواه از ناحیهٔ خود انسان باشد یا از ناحیهٔ طبیب، و خواه به منظور نجات از درد و رنج باشد یا به دلیل سربار جامعه بودن، یا ظالم و ستمگر بودن، و یا هر دلیل دیگر، از نظر اسلام ممنوع است و در بعضی از آیات قرآن و احادیث اسلامی به این معنی اشاره شده است. عقل نیز حکم می‌کند که این کار بسیار زشت و ناپسند است. اضافه بر این، گشودن این باب سبب می‌شود که هر کس به هر بهانه‌ای دست به خودکشی بزند. یا اطبّای سودجو، کمک به کشتن افراد کنند. یا افرادی که می‌خواهند اشخاصی را از صحنه به در کنند، متوسّل به این بهانه شوند، که خودش تقاضا کرده، یا از دردهای مختلف رنج می‌برده است. یا به تشخیص ما مصداق ظالم بوده، و کشتن او سبب قطع ظلم او شده است.

سؤال ۹۴۳. بیماری در بستر بیماری است. بنابر تجربه و تشخیص تیم متخصّص و مجرّب پزشکی، هیچ امیدی به درمان او نیست، و به سبب پیشرفت بیماری تا چند روز

دیگر قطعاً خواهد مرد، با این فرض که بیمار مذکور از درد و رنج جانکاهی برخوردار است و تحمل این درد برای او طاقت‌فرسا و غیر قابل تحمل است، و به همین دلیل علاقمند به خاتمه دادن به زندگی‌اش می‌باشد. لطفاً بفرمایید:

الف) آیا تیم پزشکی برای رهایی از رنج طاقت‌فرسای بیمار، حق (یا وظیفه) دارند با تزریق آمپول هوا، یا خوراندن دارویی مهلک (به او) به زندگی‌اش خاتمه بخشد؟

ب) آیا تیم پزشکی حق دارد به طور غیر مستقیم عمل نموده و مثلاً زمانی که بیمار مذکور به تنفّس مصنوعی احتیاج مبرم دارد، یا نیازمند معالجات اضطراری است، با خودداری از انجام معالجهٔ اضطراری، یا تعلّل و تأخیر در رساندن تنفس مصنوعی، یا قصور و تقصیر در امر خوراندن داروهای حیاتی و مورد نیاز بیمار زمینه را برای پایان دادن به زندگی وی مهیّا کرده و او را در آستانهٔ مرگ قرار دهد؟

ج) در فرض مذکور، آیا تیم پزشکی حق دارد، داروهای مهلک و کشنده را در اختیار بیمار مذکور قرار دهد تا برای رهایی از درد جانکاه با خوردن این داروها (با قصد خودکشی) به زندگی دردآورش خاتمه بخشد؟

د) در مسألهٔ مذکور آیا فرقی بین انجام عمل و ترک عمل وجود دارد؟ به این معنی که اگر کسی بطور مستقیم داروی مهلک را به بیمار تزریق کند فرقی با کسی که به طور غیر مستقیم و مثلاً با نرساندن تنفس مصنوعی، موجب مرگ بیمار می‌شود، دارد؟

ه) در صورتی که بیمار در حالت اغما و بیهوشی فرو رفته باشد، و هیچ علائم حیاتی مبنی بر شعور و زنده بودن در او مشاهده نشده و به حیات نباتی زنده باشد، آیا اولیای دم و بستگان بیمار حق دارند، دربارهٔ تداوم معالجات پزشکی یا عدم تداوم و قطع آن تصمیم بگیرند؟

جواب: پزشک یا تیم پزشکی حق ندارند به زندگی بیمار خاتمه دهند یا ابزار خودکشی را در اختیار او قرار دهند؛ ولی می‌توانند از ادامهٔ معالجه چنین بیماری خودداری کنند.

شبیه‌سازی

سؤال ۹۴۴. خداوند متعال در آیهٔ ۵ سورهٔ حج و ۱۴ سورهٔ مؤمنون آغاز خلقت انسان را از نطفه می‌داند. آیا شبیه‌سازی انسان با این آیات تناقض ندارد که برای تولید جنین سلول‌های تناسلی را در سلول‌های پوست کشت می‌کنند؟ با توجّه به این که می‌گویند فکر انسان شبیه‌سازی شده با فکر خود انسان یکی است و حتّی بعضی می‌گویند که فکر همدیگر را می‌خوانند. در این صورت مسؤولیّت اعمالی را که انسان شبیه‌سازی شده با فکر دیگری انجام می‌دهد بر عهدهٔ چه کسی است؟ آیا انسان شبیه‌سازی شده دارای روح است به طوری که در قیامت زنده شود و به حساب او رسیدگی شود؟ (چون می‌گویند که انسان شبیه سازی شده، دارای عاطفه نمی‌باشد).

جواب: تا زمانی که این تئوری به مرحلهٔ عمل نرسد و آثار و نتایج آن مشاهده نشود نمی‌توان در مورد مسائل مختلف آن اظهار نظر کرد، ولی منافاتی با آیات قرآن ندارد زیرا شبیه‌سازی یک استثنا است نه یک قاعدهٔ کلّی.

متفرقه

سؤال ۹۴۵. نظر به این که کوتاهی قد به عنوان یک بیماری، پس از اتمام دورهٔ رشد فرد، درمانی غیر از جرّاحی ندارد، و برای افزایش قد این بیماران که از مشکلات عدیدهٔ روحی و اجتماعی رنج می‌کشند، نیاز فراوان به عمل جراحی احساس می‌شود؛ از دو سال پیش اعمال جراحی، جهت افزایش قد در ایران را آغاز نموده‌ایم. تاکنون ۵۷ نفر، تحت عمل موفقیت‌آمیز قرار گرفته‌اند و نتایج بسیار مطلوبی حاصل گردیده است. در حال حاضر ۱۳ کشور جهان مجهز به مراکز افزایش قد می‌باشند که به صورت فعال به پذیرش بیمار اقدام می‌نمایند. و باعث افتخار ماست که کشور عزیزمان، ایران اسلامی، به عنوان تنها کشور اسلامی که در لیست ۱۳ کشور ذکر شده، حضور دارد. این کار از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: در مواردی که ضرورتی برای بلند شدن قد احساس شود و این جرّاحی خطری برای بیمار نداشته باشد اشکالی ندارد.

سؤال ۹۴۶. نظر به مشکلاتی که داروهای ECSTAZY (اکستازی یا روانگردان) برای انسان دارد، و نوع مصرف آن، که در مجالس لهو و لعب استفاده می‌شود، و موجب نشأگی و سرگیجه و حالات غیر عادی فراوان می‌شود، استفادهٔ از آن، که بعضاً مصرف داروئی نیز دارد، چه حکمی دارد؟

جواب: مصرف داروی مذکور جایز نیست، و نوعی از موادّ مخدّر محسوب می‌شود.

سؤال ۹۴۷. برخی از متخصّصین، بیماران خود را مجبور می‌کنند که پروتز لازم (وسایلی که در داخل بدن کار گذاشته می‌شود) را از جایی مشخّص تهیّه کنند، که گاه بدون کیفیّت و با قیمت بسیار بالاتر است. اجبار بیمار در این موارد چه حکمی دارد؟

جواب: قطعاً جایز نیست و ضمان دارد.

سؤال ۹۴۸. مواردی پیش آمده که پزشکان معالج یا سایر کارمندان، بیماران مراجعه کننده به بیمارستان‌های دولتی را با مطالب خلاف واقع مانند این که شما توسّط دانشجویان و انترنها درمان و عمل می‌شوید، یا باید در نوبت طولانی‌تر قرار بگیرد و مانند آن، آنها را به بخش خصوصی هدایت می‌کنند، ضرر و زیان وارده به سیستم‌های دولتی در این موارد، توسّط افراد فوق الذکر چه حکمی دارد؟

جواب: این کار حرام است و ضمان دارد.

سؤال ۹۴۹. انجام امور پزشکی و درمان بیماران توسّط پزشکان و غیر پزشکان، که صلاحیت علمی ندارند، چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست.

فصل چهل و پنجم: احکام احزاب

بخش اوّل: استفتائات مبنایی حزبی

سؤال ۹۵۰. آیا حزب به مفهوم غربی آن، یعنی تجمّع عدّه‌ای برای در دست گرفتن قدرت حکومتی در جهت اهداف حزبی، مشروعیّت دارد؟

جواب: چنین احزابی مشروعیّت ندارند.

سؤال ۹۵۱. آیا عضویّت مسلمانان در حزبی که با تفکّرات سوسیالیستی یا لیبرالی توسّط عدّه‌ای مسلمان تشکیل شده، جایز است؟

جواب: عضویّت در چنین حزبی جایز نیست.

سؤال ۹۵۲. حزب به مفهوم اسلامی آن، یعنی تجمّع سازمان یافته عدّه‌ای برای انجام تکالیف شرعی سیاسی، چه حکمی دارد؟

جواب: چنین حزبی مصداق آیهٔ شریفهٔ ﴿تَعاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوىٰ﴾[1] است.

سؤال ۹۵۳. آیا ایجاد حزب در مفهوم اوّل (سؤال ۹۵۱) جایز است؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۹۵۴. ایجاد حزب در مفهوم دوم (سؤال ۹۵۲) از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: تشکیل چنین حزبی نه تنها جایز، بلکه گاه ممکن است واجب باشد.

سؤال ۹۵۵. چنانچه در کشوری، که اکثر مردم آن مسلمان هستند، حکومت بر مبنای اسلام نباشد، آیا تشکیل حزب اسلامی برای تلاش در جهت حاکمیّت مبانی اسلام واجب است؟

---

۱. سورهٔ مائده، آیهٔ ۲؛ ترجمه: «و (همواره) در راه نیکی و پرهیزکاری به یکدیگر کمک کنید».

جواب: تشکیل چنین حزبی واجب است؛ البتّه در صورتی که امید به رسیدن نتیجه هر چند به صورت ناقص باشد.

سؤال ۹۵۶. در صورتی که نظام یک کشور، نظام اسلامی و حکومت حکومت اسلامی باشد، تأسیس حزب اسلامی چگونه و با چه شرایطی مشروعیّت می‌یابد؟

جواب: تشکیل احزابی مشروعیّت دارد که به اهداف نظام کمک کند.

سؤال ۹۵۷. آیا شرعی بودن تأسیس حزب به اهداف، خطّ مشی کلان و رویکرد و کارکردهای آن حزب بستگی دارد، یا تعهّد به اسلامی بودن کفایت می‌کند؟

جواب: به یقین نام اسلام بر آن نهادن کفایت نمی‌کند، بلکه مهم اهداف و خطّ مشی و کارکرد آنهاست.

سؤال ۹۵۸. فعّالیّت احزاب غیر اسلامی در نظام اسلامی از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست؛ مگر این‌که واقعاً در مسیر نظام قرار گیرند و شبیه «مؤلفة قلوبهم»[1] باشند.

سؤال ۹۵۹. یک حزب با چه تعریفی یا چه هدفی می‌تواند در جامعهٔ اسلامی فعّالیّت کند؟

جواب: فعّالیّت آن باید در مسیر اهداف اسلام و احکام اسلام باشد.

سؤال ۹۶۰. در چه مواردی تأسیس حزب واجب، و در چه مواردی مباح یا مکروه یا مستحب یا حرام است؟

جواب: با توجّه به این‌که تأسیس حزب مقدّمهٔ انجام کاری است حکم آن تابع ذی‌المقدّمه است؛ اگر در مسیر انجام واجبات باشد واجب و اگر در مسیر مستحب یا حرام باشد مستحب یا حرام است.

سؤال ۹۶۱. عضویّت در حزب، چگونه و با چه شرایطی تکلیف شرعی است؟

جواب: هرگاه انجام واجب یا ترک حرامی متوقّف بر آن باشد واجب می‌شود.

---

۱. سورهٔ توبه، آیهٔ ۶۰.

سؤال ۹۶۲. حکم عضویّت در هر یک از احزاب با مفروضات بالا چه می‌باشد؟

جواب: از آنچه در بالا گفتیم روشن شد.

سؤال ۹۶۳. در چه شرایطی حکم عضویّت یک عضو مشروعیّت خود را از دست می‌دهد؟

جواب: در صورتی که حزب از اهداف شرعی منحرف شود.

سؤال ۹۶۴. در قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران، تشکیل احزاب مورد قبول قرار گرفته و قانون مذکور به تنفیذ ولیّ‌فقیه عادل زمان رسیده است. ازاین‌رو و با توجّه به رأی اجماعی ملّت مسلمان ایران به آن و حضور فقها و مجتهدان عالی مقام متعدّد در مجلس خبرگان قانون اساسی و رأی آنها به موادّ این قانون، آیا تأسیس حزب بر اساس قانون اساسی فوق مشروعیّت دارد؟

جواب: بدون اشکال مشروعیّت دارد.

سؤال ۹۶۵. احزابی که منطبق با موادّ قانون اساسی نباشند، یا مجوّز رسمی طبق قانون احزاب دریافت نکرده‌اند، یا کمیسیون مادّهٔ ۱۰ به آنها مجوّز نمی‌دهد، مشروعیّت دارند؟

جواب: احزابی مشروعیّت دارند که طبق ضوابط قانون اساسی و مراکز منشعب از آن مجوّز داشته باشند.

سؤال ۹۶۶. آیا اذن عام ولیّ فقیه عادل به آزادی تأسیس و فعّالیّت احزاب، برای مشروعیّت آنها کفایت می‌کند؟

جواب: به یقین اذن عام در چارچوبهٔ ارزش‌های اسلامی و حفظ کیان جامعه است.

سؤال ۹۶۷. آیا در هر حزبی باید نماینده‌ای از طرف ولیّ‌فقیه عادل زمان، یا مراجع تقلید برای تأیید مشروعیّت تصمیمات و اقدامات حزبی تعیین گردد؟

جواب: هرگاه چنین افرادی باشند، مسیر آنها روشن‌تر خواهد بود.

سؤال ۹۶۸. آیا مراقبت و سابقهٔ تعهّد و تقیّد مسؤولان اصلی حزب به مبانی شرعی

و احکام اسلامی از نظر مشروعیّت تصمیمات و فعّالیّت‌های آن حزب کفایت می‌کند؟

جواب: آری چنانچه مسؤولان اصلی به وظایف خود و وظایف حزب آشنا باشند، کافیست.

سؤال ۹۶۹. در چه مواردی عضویّت فرد در حزبی حرام خواهد بود؟

جواب: در آنجا که حزب از مسیر خود منحرف گردد یا او برخلاف مقرّرات احزاب مشروع گام بردارد عضویّت وی حرام خواهد بود.

سؤال ۹۷۰. حکم و نظر قطعی و امر ولیّ‌فقیه عادل زمان بر همگان از جمله احزاب واجب‌الاطاعه است. آیا رهنمودها و راهنمایی‌های ولیّ‌فقیه عادل نیز واجب الاطاعه است؟

جواب: اگر رهنمود به صورت امر و طلب باشد لازم است رعایت شود.

سؤال ۹۷۱. اگر احزاب و گروه‌های منحرف یا التقاطی یا ضدّ اسلام یا ضدّ مصالح مسلمین و کشوری اسلامی تشکیل شوند؛ آیا تشکیل احزاب و تشکیلاتی که بتواند اقدامات و فرهنگ‌دهی انحرافی و التقاطی و تبلیغات مضرّ و گمراه کنندهٔ آنها را خنثی نماید واجب است؟ حکم وجوب را چه مرجعی باید صادر کند؟ آیا احساس تکلیف مسلمانان کافی است؟

جواب: شک نیست که باید در برابر گروه‌های منحرف و التقاطی و مخالف اسلام به صورت معقول ایستاد و خنثی کردن فعّالیّت‌های آنها نیاز به حکم مرجعی ندارد؛ بلکه یک تکلیف است.

سؤال ۹۷۲. آیا اساسنامه و مرامنامه احزاب اسلامی برای ایجاد تکلیف شرعی در تعهّد و عمل به آن، نیازمند تأیید مجتهد جامع‌الشرایط یا ولیّ‌فقیه عادل است، یا تشخیص افراد متدیّن کفایت می‌کند؟

جواب: در مواردی که ارتباط با احکام شرع دارد و بدون استفتاء ممکن نیست تأیید مجتهد جامع‌الشرائط یا ولیّ فقیه عادل لازم است.

سؤال ۹۷۳. لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) آیا شرعی بودن وجود حزب به کارکردهای حزب بستگی دارد؟

ب) یک حزب با چه تعریف و چه هدفی می‌تواند در جامعهٔ اسلامی فعّالیّت کند؟

ج) آیا فعالیّت آن محدود به عرصهٔ خاصّی می‌شود، یا اجازهٔ فعالیّت در تمامی عرصه‌ها اعم از فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و مانند آن را دارد؟

جواب: الف) بدیهی است که معیار عمل است.

ب) در صورتی که برنامه‌های تنظیم شده و اعمال آنها هماهنگ با موازین اسلامی باشد می‌تواند فعّالیّت کند.

ج) محدودهٔ فعّالیّت‌های آنها را قوانین حکومت اسلامی تعیین می‌کند.

سؤال ۹۷۴. حکم تکلیفی ائتلاف و همکاری برای اجتماع قوا و نیروی مسلمین به‌منظور بسیج امکانات در جهت پیشبرد اهداف حکومت اسلامی، یا بهبود اوضاع مسلمین در جامعهٔ غیراسلامی با تشکیل حزب چه می‌باشد؟

جواب: شک نیست که هرگونه ائتلاف و همکاری برای پیشبرد اهداف اسلامی مورد توصیهٔ اسلام است.

سؤال ۹۷۵. با توجّه به این‌که همهٔ احزاب رسمی در کشور جمهوری اسلامی منشأ قانونی دارند، و قوانین جمهوری اسلامی به تأیید شورای نگهبان رسیده، و تأیید غیرمستقیم ولیّ فقیه را به همراه دارند، آیا می‌شود آنها را به مشروع و غیر مشروع تقسیم‌بندی کرد؟ به عبارت دیگر، آیا اذن عام ولیّ‌فقیه، ناشی از پذیرش قانون احزاب کفایت می‌کند که حزبی مشروع و ولایی باشد، یا اذن و تأیید خاص لازم است؟

جواب: اذن و تأیید خاصّی لازم نیست.

سؤال ۹۷۶. با توجّه به مادهٔ ۱۰ قانون احزاب ایران، مبتنی بر تشکیل کمیسیونی در وزارت کشور برای نظارت بر فعّالیّت گروه‌ها و انجام وظایف مطرح شده در قانون احزاب، آیا ضرورت دارد یک حزب اسلامی که در چارچوب انجام وظایف شرعی تشکیل شده، زیرنظر یک نفر یا شورایی از نمایندگان مراجع یا ولیّ فقیه فعالیّت نماید؟

جواب: چنانچه نمایندگان مراجع یا ولیّ فقیه در آن شرکت داشته باشند بهتر است.

بخش دوم: مطبوعات

۱. منابع تهیّهٔ خبر

سؤال ۹۷۷. برای تهیّه‌کنندگان اخبار و بیان‌کنندگان وقایع در حزب و جلسات تشکیلات، رعایت چه شرایطی الزامی است؟

جواب: دو شرط بیش از همه چیز مهم است: اطّلاع کافی و امانت لازم.

سؤال ۹۷۸. استفاده از مردان در جمع‌آوری خبر و گزارشگری از بانوان چه شرایط و ضوابطی دارد؟

جواب: باید تمام جهات شرعی در ارتباط زن و مرد رعایت گردد و بهتر است از همجنس استفاده شود.

سؤال ۹۷۹. استفاده از بانون در جمع‌آوری خبر و گزارشگری چه شرایط و ضوابطی دارد؟

جواب: بانوان نیز باید تمام جهات شرعی را رعایت کنند.

سؤال ۹۸۰. تهیّه خبر از عناصر التقاطی و مخالفان نظام چه شرایطی دارد؟

جواب: باید در این‌گونه موارد مراقب بود نه چیزی برخلاف گفته شود و نه آنها اطّلاعاتی به نفع خودشان کسب کنند.

سؤال ۹۸۱. آیا حدس و گمان را می‌شود به عنوان یک خبر و نظر منتشر نمود؟

جواب: جایز نیست؛ مگر این‌که تصریح شود این یک حدس و گمان است.

سؤال ۹۸۲. یک خبرنگار تا چه حدّی می‌تواند در نقل خبر به‌گفتهٔ دیگران استناد کند؟

جواب: در صورتی که نشر آن خبر منشأ مفاسدی نباشد و منبع خبر ذکر شود مانعی ندارد.

سؤال ۹۸۳. آیا صرف شیوع خبری در عرف عامه مردم یا خبرگزاری‌ها و مانند آن، می‌تواند مصداق «تواتر» برای نقل خبر قرار گیرد؟

جواب: تواتر آن است که منابع خبری به قدری متنوّع باشد که انسان یقین و قطع پیدا کند.

سؤال ۹۸۴. نقل «شایعه» که از ابزارهای جنگ روانی می‌باشد، در چه صورتی مجاز است؟

جواب: نقل شایعه جایز نیست؛ مگر در جایی که لازم باشد مردم رعایت کنند؛ آن هم با قید به شایعه‌بودن.

سؤال ۹۸۵. هرگاه خبرنگاری شاهد ماجرایی نبوده، ولی می‌خواهد خبر آن را نقل کند، چند نفر شاهد لازم است تا خبرنگار به «راستی خبر» برسد؟

جواب: إخبار یک نفر ثقه و مورد اعتماد کافیست؛ مگر مسألهٔ مهمّی باشد که تنها به قول یک نفر نباید اعتماد کرد.

سؤال ۹۸۶. نقل اخباری که موجب سوءاستفاده رسانه‌های معاند می‌شود چه حکمی دارد؟

جواب: نقل چنین اخباری شرعاً جایز نیست.

۲. بیان خبر

سؤال ۹۸۷. برخی اخبار به ضرر حزب می‌باشد؛ ولی بیان نکردن آن، موجب بی‌اعتمادی به حزب، و توجّه به رسانه‌های خارجی می‌گردد. در این مواقع وظیفه چیست؟

جواب: در اینجا باید دفع افسد به فاسد کرد؛ یعنی آن اخبار را بیان کرد تا اعتماد از بین نرود.

سؤال ۹۸۸. آیا برای تقسیم اخبار حزب به عادّی و محرمانه و سرّی، ملاک شرعی وجود دارد؟

جواب: ملاک شرعی آن این است که اگر نشر خبر به صورت عام ممکن است مفاسدی داشته باشد آن را به صورت محرمانه و سرّی منتشر نمود.

سؤال ۹۸۹. انتشار خبری (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی) تحت عنوان «شنیده می‌شود»، «گفته می‌شود» ـ که در واقع صدق و کذبش مشخّص نیست ـ چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که سبب نشر فساد و اهانت به اشخاص وایجاد سوء ظن و مانند آن نگردد مانعی ندارد.

سؤال ۹۹۰. کسانی که اخبار محرمانه را به صورت خبر عادّی انتشار می‌دهند، چه حکمی دارند؟

جواب: این کار جایز نیست.

سؤال ۹۹۱. کسانی که اخبار سرّی را به صورت خبر عادّی منتشر می‌سازند چه حکمی دارند؟

جواب: این کار جایز نیست.

سؤال ۹۹۲. آیا نقل «شایعه» برای مقابله با ترفندهای دشمنان مشروع است؟

جواب: این کار تنها در موقع ضرورت مجاز است.

سؤال ۹۹۳. نقل شایعه‌های رایج در جامعه با عنوان «شایعه‌ها» مجاز است؟

جواب: نشر شایعه‌هایی که لطمه به حیثیّت اشخاص و مؤسّسات و نظام و مانند آن می‌زند، یا موجب تشویش اذهان عمومی می‌شود، جایز نیست.

سؤال ۹۹۴. خطّ قرمز شرعی خبرنگاران و گزارشگران و ناقلان خبر در حوزه‌ها در جامعه چیست؟

جواب: خطّ قرمز همان مسائلی است که لطمه به آن موجب هتک حرمت، یا اخلال به نظام، یا زیان‌های دیگر می‌شود.

سؤال ۹۹۵. با توجّه به اصل ۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی، که مقرّر می‌دارد: «نشریّات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر این که مخلّ به مبانی اسلام، یا حقوق عمومی باشد» لطفاً بفرمایید:

مقصود از «اخلال» و «مبانی اسلام» چیست؟ آیا مبانی اسلام به معنای احکام زیربنایی است، یا ضروریّات دینی یا فقهی منظور می‌باشد، یا معنای دیگری دارد؟

جواب: منظور از مبانی اسلام کلیّهٔ اموری است که در اسلام مسلّم است و اختلاف نظری در آن نمی‌باشد و منظور از اخلال آن است که چیزی بر ضدّ مبانی اسلام آشکارا بگوید.

سؤال ۹۹۶. طرح سؤال، یا برداشت‌های جدید نسبت به مسائل اسلامی، در چه صورتی اخلال در مبانی اسلام محسوب می‌شود؟

جواب: آنچه مصداق تفسیر به رأی و توجیه سلیقه‌ای مسائل اسلامی است جایز نیست و اگر در مسائل مسلّم اسلامی صورت گیرد اخلال در مبانی اسلام محسوب می‌شود.

۳. انتقاد

سؤال ۹۹۷. حدود شرعی انتقاد کدامند؟ مرز انتقاد کجاست؟ اگر انتقاد با پیشنهاد همراه نباشد، اشکالی دارد؟

جواب: انتقاد مشروع ذکر موارد اشتباه و خطا یا تعمّد با رعایت موازین شرع و به قصد اصلاح است و اگر پیشنهاد اصلاحی همراه آن باشد بهتر است.

سؤال ۹۹۸. خبرنگاری که اطّلاعات گوناگونی به دستش می‌رسد تا چه حد می‌تواند نسبت به افراد افشاگری نماید؟

جواب: افشاگری که نوعی غیبت آشکار است نسبت به عیوب اشخاص جایز نیست؛ خواه زن باشد یا مرد، مسلمان یا غیر مسلمان، مگر در مواردی که خیانت مهمّی انجام گرفته و جز از طریق افشاگری نهی از منکر نمی‌شود.

سؤال ۹۹۹. آیا در افشاگری بین مرد و زن تفاوتی وجود دارد؟ بین مسلمان و غیر مسلمان چطور؟

جواب: از جواب بالا روشن شد.

سؤال ۱۰۰۰. اگر دولتی اسلامی باشد، خبرنگار تا چه حد می‌تواند در راستای مسؤولیّت اطّلاع‌رسانی، و وظیفهٔ نهی از منکر، نقائص و مشکلات را فاش کند؟

جواب: از جواب بالا روشن شد.

سؤال ۱۰۰۱. اگر خبررسانی را ابزاری برای اعمال نظارت در همهٔ شؤون (امور سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی) جامعه بدانیم، که در مسیر تحقق «**كُلُّكُمْ** راعٍ **وَكُلُّكُمْ**

مَسْؤولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»[1] باشد، حدود این نظارت چیست، تا یک خبر هم از مسیر قوانین شرعی و اخلاقی خارج نگردد، و هم وظیفهٔ نظارت دقیق در همهٔ ابعاد عملی شود؟

جواب: در صورتی که عمل به طور آشکار انجام شده ولی بسیاری از افراد از آن خبر ندارند و اطّلاع‌رسانی باعث اصلاح و نهی از منکر و جلوگیری از مفاسد گردد و سبب تشویش افکار عمومی و مفاسد دیگر نشود مانعی ندارد.

سؤال ۱۰۰۲. تحقیر و تخفیف دشمنان دین و انقلاب در چه صورتی رواست؟ در این حکم فرقی بین مسلمان وابسته به بیگانگان ضدّ اسلام و غیر مسلمان وجود دارد؟

جواب: این کار تنها در صورتی جایز است که مبارزه با مفاسد و نهی از منکر متوقّف بر آن باشد.

سؤال ۱۰۰۳. امروزه باگسترش و پیچیده شدن مجموعه‌ها و امور اداری، امکان نظارت دقیق و جزئی مسؤول آن مجموعه بر تک تک اعضا، فراهم نمی‌باشد و از طرف دیگر خطای یک عضو در مجموعه به بی‌لیاقتی و خطای مسؤول مجموعه منتسب می‌گردد، آیا به صرف این‌که در یک مجموعه اشکالی وجود دارد، می‌توان مسؤول آن مجموعه را به بی‌لیاقتی متّهم کرد؟ مرجع تشخیص در این موضوع چه کسی است؟

جواب: به یقین نمی‌شود مسؤول یک مجموعه را به گناه یک فرد متّهم کرد؛ مگر این‌که مسؤول در نظارت خود کوتاهی کرده باشد.

سؤال ۱۰۰۴. با توجّه به ساختار انتخاباتی کشور وانتخاب مسؤولان اصلی توسّط مردم مسلمان و تنفیذ ولیّ‌فقیه در برخی مناصب و مسؤولیّت‌ها، آیا می‌توان از عملکرد مسؤولین اخبار و گزارش‌های تضعیف‌کننده تهیّه کرد؟ آیا می‌توان علاوه بر انتقاد، با عملکرد آن مسؤول مخالفت نمود؟

جواب: تنها انتقادهای سازنده و پیشنهادهای مفید شرعاً مجاز است و تضعیف و مخالفت بی‌دلیل وجه شرعی ندارد.

---

۱. میزان الحکمة، ج ۴، ص ۱۰۱، باب ۱۶۹۸، ح ۸۲۳۰؛ ترجمه: «همهٔ شما سرپرست و رعیت‌دار هستید و همگان دربارهٔ رعیّت و زیردستان خود بازخواست می‌شوید».

سؤال ۱۰۰۵. آیا شرع به ما اجازه می‌دهد افرادی راکه خطوط انحرافی یا التقاطی دارند، یا معاند نظام هستند و ناسازگاری می‌کنند، با تهیّه خبر و گزارش و تحلیل خبری منفور اجتماعی، یا مطرودشان نمود؟

جواب: در صورتی که از ناحیهٔ آنها احساس خطر بشود و راهی برای رفع خطر جز این نباشد مانعی ندارد؛ ولی مراقب باشید که در تشخیص مصادیق این احکام گرفتار حب و بغض شخصی نشوید.

سؤال ۱۰۰۶. یکی از شیوه‌های انتقال پیام سیاسی، بیان مطالب جدّی و حقیقی همراه با عبارات فکاهی و طنز می‌باشد. اگر این کار همراه با هتک حرمت و توهین و دروغ و استهزا نباشد، جایز است؟

جواب: استفاده از تمام شیوه‌های معقول و خالی از گناه مانعی ندارد.

سؤال ۱۰۰۷. آیا تمسخر افرادی که متجاهر به فسقند، جایز است؟

جواب: تمسخر مطلقاً کار درستی نیست؛ مگر در جایی که تنها راه برای نهی از منکر باشد.

سؤال ۱۰۰۸. آیا افشای مقاصد پنهانیِ عناصر سیاسی یا جناح‌ها و احزابی که با پوشش‌های مردم فریب فعّالند مشروع است؟ آیا لازم و در مواردی واجب هم می‌شود؟

جواب: هرگاه واقعاً اغراض فاسدی داشته باشند و در پوشش‌های مردم فریب، خود را نشان می‌دهند افشای آنها لازم است.

سؤال ۱۰۰۹. آیا این افشا در محدودهٔ «ارشاد جاهل» یا «سد اضلال» می‌باشد؟

جواب: ممکن است گاهی مصداق ارشاد جاهل باشد و گاه مصداق نهی از منکر.

سؤال ۱۰۱۰. آیا در ارزش‌گذاری سیاسی عملکرد افراد، می‌توان به نظرات و انتقادات بزرگان که بعضاً در مجالس خصوصی و فقط جهت تذکّر به فرد یا مجموعهٔ خاصّی، عنوان شده، استناد نمود و او را فردی دارای عملکرد ضعیف و ناقص برشمرد؟

جواب: نباید مطالبی را که در مجالس خصوصی گفته می‌شود و گاه به ضرر بعضی از افراد است به صورت عمومی بیان کرد.

سؤال ۱۰۱۱. گاه تهیّهٔ خبر یاگزارش، به تجسّس می‌رسد، در این موارد وظیفه چیست؟ حدود تجسّس کدامند؟ اصولاً تجسّس در جریان خبرنگاری و خبرگزاری چه حکمی دارد؟

جواب: تجسّس در زندگی خصوصی اشخاص جایز نیست؛ مگر در جایی که احساس خطر برای نظام اسلامی یا جامعهٔ اسلامی و امثال آن شود، یا جان افرادی را به خطر بیفکند.

سؤال ۱۰۱۲. آیا بزرگنمایی خبری که به ضرر حزب یا فردی که مخالف حزب اسلامی است، برای تضعیف وی جایز است؟ چگونه می‌توان رقابت حزبی داشت و از خطوات شیطان پرهیز کرد؟

جواب: هرگونه بزرگنمایی و کوچک‌نمایی که برخلاف واقع باشد مصداق دروغ است و باید از آن اجتناب شود و مطالب را آن‌چنان که هست بیان کرد.

سؤال ۱۰۱۳. آیا در احکام، مفهومی به نام «فسق سیاسی» موضوعیّت دارد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، فسق سیاسی چیست؟ تشخیص مصادیق آن بر عهدهٔ کیست؟ و چگونه می‌توان به عملی «فسق سیاسی» اطلاق نمود؟

جواب: ما چیزی به نام فسق سیاسی در فقه نداریم؛ ولی اگر سیاستگذاران، کار سیاسی برخلاف مصالح کشور اسلامی انجام دهند نوعی فسق معمولی حساب می‌شود.

سؤال ۱۰۱۴. بسیاری از سخنرانی‌ها، بیانیه‌ها، مصاحبه‌ها و مانند آن دارای متونی طولانی است؛ در حالی که خبرنگار مجبور به خلاصه کردن آن می‌باشد. در خلاصه‌گیری، امکان فاصله گرفتن از مضمون، و احیاناً القای یک مفهوم دیگر وجود دارد. آیا این کار با رعایت امانت در انتقال خبر مغایرت دارد؟ در صورت رضایت کلّی صاحبان سخن یا مصاحبه شونده، حکم شرع چیست؟

جواب: خبرنگاران باید چنان قدرتی در خلاصه‌نویسی داشته باشند که محتوا را عوض نکنند و رضایت افراد به تنهایی برای گفتن دروغ کافی نیست.

سؤال ۱۰۱۵. با توجّه به ویژگی‌های کار خبر رسانی، که در آن همزمان باید «سرعت»، «دقّت» و «صحّت» انجام شود. اگر از مجموعهٔ سوژه‌های خبری، یا در هر سوژه از مجموعه اطّلاعات واصله ـ که خبرنگار ناگزیر از گزینش است، و این گزینش بر اساس ملاک‌های حرفه‌ای و تجربی کار صورت می‌پذیرد ـ اگر نسبت به سوژه خبری بی‌توجّهی شود، یا ارائهٔ اطّلاعات آن به دلیل اهمیّت در سرعت انتقال خبر، با نقص و ضعف صورت پذیرد، آیا خبرنگار شرعاً مسؤول است؟

جواب: آری در این‌گونه موارد مسؤول است.

سؤال ۱۰۱۶. اشخاصی هستند که تفکّرات التقاطی و سوابق فکری مغایر با نظرات اکثریّت فقهای شیعه، و فقه حاکم بر نظام مقدّس جمهوری اسلامی دارند. آیا می‌توان دیدگاه و نظرات آنها را در جامعه انتشار داد، تا مردم با شنیدن اقوال مختلف، بهترین آن را انتخاب کنند؟ برخی در این مورد به آیهٔ شریفهٔ ﴿**فَبَشِّرْ عِبَادِ * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ**﴾[1] استناد می‌کنند، آیا این برداشت از نظر شرع مقدس صحیح است؟

جواب: تنها در محافل علمی که قدرت بر تحلیل احکام شرعی دارند می‌توان آنها را نشر داد.

سؤال ۱۰۱۷. حزب در قبال نشر مسائل و اخبار و نظرات هر یک از سه دسته زیر چه وظیفه‌ای دارد؟

الف) کسانی که مسلمان هستند و نظام را قبول ندارند.

ب) مسلمان نیستند و نظام را قبول ندارند.

ج) مسلمان نیستند و نظام را قبول دارند.

جواب: در مورد کسانی که مسلمان نیستند یا نظام را قبول ندارند تنها در صورتی می‌توان اخبار آنها را انتشار داد که آگاهی بر آن برای پیشرفت اسلام یا پیشگیری از تخریب مؤثّر باشد.

---

۱. سورهٔ زمر، آیهٔ ۱۷ و ۱۸؛ ترجمه: «پس بندگان مرا بشارت ده. همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند».

سؤال ۱۰۱۸. جلسات حزب، عرصهٔ انعکاس نظرات گوناگون و اخبار موجود در سطح جامعه ـ محدود به جمع اعضای حزب اسلامی ـ می‌باشد. لطفاً بفرمایید:

الف) آیا بیان اقوال و نظرات دیگران خصوصاً کسانی که دیدگاه‌های غیر اسلامی دارند جهت تنویر افکار، پویایی و اطّلاع بر دیدگاه‌های دیگران منع شرعی دارد؟

ب) آیا این کار نشر دیدگاه‌ها و نظرات نادرست و غیر اسلامی محسوب می‌شود؟

ج) آیا این جلسات باید به همراه نقد کامل این دیدگاه‌ها و بیان نظر اسلام در این مورد باشد؟

د) آیا لازم است عمق مبحث مطرح شده با ظرفیّت، اصطلاحات و سطح معلومات حاضران در جلسه تنظیم گردد تا از تشویش ذهن آنان جلوگیری گردد؟

جواب: الف) اگر واقعاً برای پیشبرد اهداف اسلامی و کشوری مؤثر باشد هیچ منع شرعی ندارد.

ب) در فرض بالا محسوب نمی‌شود.

ج) به هر صورت باید آنها نقد شود تا اثرات نامطلوب نداشته باشد.

سؤال ۱۰۱۹. برخی احزاب در بیان نظرات به طور بسته عمل نموده، و فقط به نشر دیدگاه‌های خود بسنده می‌کنند. امّا عدّه‌ای برای تنویر افکار جامعه نظر دیگران را (اگر چه بی‌دین، یا ضدّ نظام باشند) گرفته و آن را نقد نموده، و به نوعی تضارب آرا می‌کنند. با توجّه به سنّت ائمّهٔ ما (همچون حضرت صادق علیه‌السلام و امام باقر علیه‌السلام و یارانشان در گفتگو با زنادقه و مانند آن) کدام روش در زمان فعلی به صلاح جامعهٔ اسلامی است؟

جواب: اگر آگاهی از نظرات یا نقد آنها برای پیشبرد اهداف اسلامی مؤثّر باشد، نقل و نقد آنها لازم است.

۴. تحلیل

سؤال ۱۰۲۰. تحلیل‌های خبری گاه مستند به واقع هستند و گاه بر اساس احتمال صورت می‌گیرد. تحلیل بر اساس احتمال در مواردی ممکن است به مرز تهمت نزدیک

گردد و به آبرو و حیثیّت فردی لطمه بزند، آیا با ذکر کلمه «احتمال می‌رود» و مانند آن چنین تحلیل‌هایی جایز است؟

جواب: چنین تحلیل‌هایی جایز نیست.

سؤال ۱۰۲۱. آیا می‌توان اخبار و تحلیل‌های رسانه‌های خارجی را بدون بیان نظر خود، پخش کرد؟

جواب: در صورتی که آثار سوئی نداشته باشد مانعی ندارد و الّا جایز نیست.

۵. چاپ تصویر

سؤال ۱۰۲۲. چاپ تصویر زنان مسلمان بدحجاب و زن مسلمان محجّبه چه حکمی دارد؟

جواب: چاپ تصویر زنان مسلمان بدحجاب جایز نیست؛ ولی مسلمان با حجاب مانعی ندارد.

۶. پردازش خبر

سؤال ۱۰۲۳. آیا در پردازش اخبار برای تأمین منافع حزب و در رقابت با حزب یا جریانی که نظام را قبول ندارد، می‌توانیم از شیوه‌های خبری غرب، که با ترکیب اطّلاعات مختلف، پیام‌های خاصّی را القا می‌کنند، و با واقعیت فاصله دارد، مانند شیوه‌های «انگاره‌سازی»، «برجسته‌سازی»، «چینش خبرها و اطّلاعات در کنار هم» استفاده کرد؟

توضیح این‌که: «انگاره‌سازی» ارائه تصویری هدفدار از یک موضوع است، که هدف خاصّی را دنبال می‌کند، مانند کلمهٔ «بنیادگرایی» که غرب برای اسلامگرایان به کار می‌گیرد. «برجسته‌سازی» اولویّت‌بندی در اطّلاعات با اهمیّت مورد نظر، که هدف خاص القای در پیام را دنبال می‌کند. «چینش خبرها و اطّلاعات» به کارگرفتن سوابق موضوعات دیگر، و چسباندن آن به موضوع جدید و کنار هم گذاردن اخبار گوناگون به

گونه‌ای خاص، برای ایجاد یک پیام جدید و القای یک فکر و تحمیل عقیده است. آیا خبرگیری و خبردهی و چینش خبری جدیدی، از پیام خاص حزب یا جناح جایز است؟

جواب: این کار با صداقت اسلامی در نقل اخبار سازگار نیست و متأسّفانه غربی‌ها برای رسیدن به اهداف خود از هر وسیله‌ای استفاده می‌کنند. ما نباید چنین باشیم.

سؤال ۱۰۲۴. همهٔ ما مطمئن هستیم که بنگاه‌های خبرپراکنی استعماری برای خدشه‌دارکردن نظام جمهوری اسلامی به ترفندهای خبری و گزارشی متوسّل می‌شوند؛ خبرها و گزارش‌هایی ساخته می‌شود که اصلاً بنیانی ندارد. آیا ما نیز می‌توانیم در مواجهه با دشمن و در مقام دفاع، از چنین شیوه‌ایی استفاده کنیم؟ در صورت مجاز بودن حدّ آن چیست؟

جواب: حتی الامکان نباید به سراغ این امور رفت؛ مگر در مقام ضرورت و دفاع در برابر القائات دشمن.

سؤال ۱۰۲۵. دروغ مصلحت‌آمیز در راستای خبردهی چگونه است؟

جواب: حتّی الامکان باید از دروغ پرهیز کرد؛ جز در موارد ضرورت.

سؤال ۱۰۲۶. احکام بیان راست ولو فتنه‌انگیز چیست؟

جواب: راست فتنه‌انگیز جایز نیست. گفتن دروغ حرام است؛ امّا گفتن راست واجب نیست.

سؤال ۱۰۲۷. دشمنان ما در عرصهٔ بین‌المللی به صورت دائم از طریق خبر، گزارش، تحلیل دروغ علیه ما تبلیغ می‌کنند، آیا مجاز هستیم در مقابلهٔ با آنها مثل آنان عمل کنیم، حد آن چیست؟

جواب: در موارد ضرورت مقابله به مثل مانعی ندارد؛ مشروط بر این‌که باعث بدنامی اسلام و مسلمین نشود.

سؤال ۱۰۲۸. با توجّه به روند غالب در تبلیغات که استفاده از ابزار غلو و بزرگنمایی برای تبلیغ می‌باشد، آیا حزب می‌تواند برای کسب جایگاه سیاسی برای خود یا تقویت نظام،

در مورد افراد، توانمندی‌ها وسیاست‌ها وعملکرد خود یا مسؤولین نظام، توانمندی‌های نظام، سیاست‌ها و عملکردهای نظام بزرگنمایی کند؟ با توجّه به اینکه این کار، نوعی تبلیغات است و کذب نیست، امّا بزرگنمایی و تبلیغ است حکم آن چیست؟

جواب: این کار نوعی تدلیس است و تدلیس جایز نیست.

سؤال ۱۰۲۹. برخی افرادکه مورد اعتماد نظامند، باید مطرح شوند، آیا می‌توان در مورد آنان چهره‌سازی کرد، تا آنان در سطح جامعه معرّفی شوند؟ حدّ شرعی این کار تا کجاست؟ در برابر تخریبِ مسؤولان مؤثّر نظام از طرف استکبار و مخالفان، آیا برای تقویت آنان می‌توان درباره مسؤولان مؤثّر در این‌گونه موارد بزرگنمایی کرد؟

جواب: صداقت در این‌گونه امور لازم است؛ ولی معرفی کردن آنها با صفات واقعیشان مانعی ندارد.

سؤال ۱۰۳۰. امام راحل﵀ فرمودند: «گاه می‌توان برای حفظ نظام، برخی از واجبات را نیز ترک کرد». آیا عنصر مسؤول و فعّال حزبی در احزاب رسمی و علنی، می‌توانند در موارد ضروری، خلاف واقعیّت مطالبی را طرح کند؟

جواب: این در واقع استفاده از قاعدهٔ اهم و مهم است؛ اگر واقعاً هدف مهمی به خطر بیفتد مانعی ندارد.

۷. یارانه

سؤال ۱۰۳۱. در چند سال گذشته دولت با تصویب مجلس مبلغی را به عنوان یارانهٔ احزاب به احزاب و تشکّل‌های سیاسی و گروه‌های غیر دولتی پرداخت کرد. با توجّه به این‌که احزاب و تشکّل‌های سیاسی، دستگاه‌های دولتی نیستند، این کار چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه این کار سبب تقویت نظام و حفظ سُمعهٔ آن گردد مانعی ندارد.

سؤال ۱۰۳۲. اگر دولت یا مجلس شورای اسلامی یا هر دو با پرداخت این یارانه به احزاب موافق باشند، آیا دریافت آن توسط احزاب جایز است؟

جواب: مانعی ندارد؛ ولی باید آن را در همان مواردی مصرف کنند که قانون‌گذار ناظر به آن بوده است.

سؤال ۱۰۳۳. آیا یارانه باید در موارد خاصّ معیّن شده از طرف دولت مصرف شود؟ یا احزاب باید آن را در مصالح و منافع نظام مصرف کنند؟ یا اختیار دارند آن را در هر مورد و به هر شکلی مصرف نمایند؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

سؤال ۱۰۳۴. در صورتی که ولیّ فقیه عادل منع نکند، ولی موافق هم نباشد دریافت یارانه مذکور جایز است؟

جواب: در صورتی که نهی ننماید و تحریم نکند و پرداخت یارانه مذکور از طرق قانونی باشد مانعی ندارد.

سؤال ۱۰۳۵. احزاب در جمهوری اسلامی یارانه دریافت می‌نمایند. آیا با توجیه این‌که این بودجه در نهایت صرف منافع و مصالح کشور اسلامی می‌شود، یک حزب می‌تواند اقدام به بزرگنمایی فعّالیّت‌های خود به منظور دریافت یارانهٔ بیشتر کند؟

جواب: این کار نوعی تدلیس است و گرفتن یارانه اضافی از این طریق جایز نیست.

۸. درج اسماء الهی

سؤال ۱۰۳۶. با توجّه به این‌که پس از مطالعه، از کاغذ روزنامه‌ها و اطّلاعیّه‌ها و مانند آن، استفاده‌های متعدّدی می‌شود، درج اسماء الهی، آیات قرآن، اسامی معصومین علیهم‌السلام در آنها چه حکمی دارد؟

جواب: درج این آیات و اسماء مانعی ندارد و نمی‌توان آنها را سانسور کرد و از سطح روزنامه‌ها و مانند آن برچید؛ ولی مردم باید احترام آن را حفظ کنند.

سؤال ۱۰۳۷. آیا لازم است در مطبوعات و بیانیه‌ها، به منظور جلوگیری از تماس بدون وضو با کلمهٔ «الله» آن را به صورت «ا...» نوشت؟

جواب: لازم نیست؛ بلکه این کلمهٔ نورانی باید در برابر چشم مردم باشد و احترام آن را حفظ کنند.

سؤال ۱۰۳۸. در آرم و نشان برخی احزاب و گروه‌ها، کلمهٔ مبارکهٔ «الله» یا یکی از اسماء خدای متعال مشاهده می‌شود که در اطّلاعیّه‌هایی که برای تبلیغات مختلف چاپ می‌شود، این آرم هم وجود دارد. طبیعی است که با پخش اطّلاعیّه در مواردی، این اوراق زیر دست و پا قرار می‌گیرد. وظیفهٔ حزب یا کسی که در اختیار او قرار می‌گیرد چیست؟

جواب: انتشار این اوراق به صورتی که گفتید مانعی ندارد؛ ولی خودشان و کسانی که آن را در اختیار می‌گیرند باید احترام آن را حفظ کنند.

۹. خبرنگار

سؤال ۱۰۳۹. اگر فردی بدون داشتن قصد سوء و صرفاً در راستای انجام وظیفهٔ خبرگزاری خبری را به خبرگزاری بدهد و خبرگزاری از آن خبر بر علیه کسی استفاده کند، آیا خبرنگار مسؤولیّتی در این زمینه دارد؟

جواب: در صورتی که آن خبر جنبهٔ محرمانه نداشته و اسرار کسی را فاش نکند، مانعی ندارد و آنها که از این سوء استفاده می‌کنند مسؤولند.

سؤال ۱۰۴۰. در عرصهٔ فعّالیّت خبرنگاری و تهیّهٔ خبر، گاه بین دو خبرنگار توافقی صورت می‌گیرد که هر یک در ازای دریافت خبری از دیگری، خبری به او بدهد. آیا در این مورد لازم است که هر دو خبر از حیث اهمیّت، به روز بودن و مانند آن، همسان باشند؟ آیا شخصی که خبر کم اهمیّت‌تر ارائه کرده، به دیگری مدیون است؟

جواب: در صورتی که رضایت به این امر دارند مانعی ندارد.

سؤال ۱۰۴۱. گاه بین دولتمردان، احزاب، جناح‌ها و مانند آن، اختلافی رخ می‌دهد و خبرنگار باید با توجّه به جایگاه خود، اخبار و مسائلی را منتشر کند که مطابق خطّ اصلی نظام و بدون گرایش باشد. بر فرض که هر دو خطّ سیاسی مورد قبول نظام باشد، وظیفهٔ خبرنگار در این‌گونه موارد چیست؟

جواب: باید آنچه را بیشتر به نفع نظام است ترجیح دهد.

سؤال ۱۰۴۲. اگر خبرنگاری خبری را به صورت شفاهی از منبع موثقی دریافت و آن را منتشر سازد، آن‌گاه آن منبع به دلیل منافع شخصی، یا سازمان خود، اصل خبر را انکار نماید، آیا این خبرنگار مسؤول است، اگر چه اصل خبر واقعیّت داشته باشد؟

جواب: خبرنگار در فرض سؤال مسؤولیّتی ندارد.

بخش سوم: اعضای احزاب

عضویّت در حزب

سؤال ۱۰۴۳. آیا چیزی تحت عنوان شأن شغلی در شرع وجود دارد که به موجب آن فرد ملزم به رعایت مصالحی باشد که شرعاً بدون تصدّی آن منصب، اشکالی در عدم رعایت آن‌ها نمی‌باشد، امّا برای مصالحی چون هماهنگی با جوّ حاکم بر حزب اسلامی، حفظ شأن و آبروی آن حزب، تحت عنوان واجب و حرام ملزم به رعایت آن‌ها باشد؟

جواب: چنانچه عضویّت حزبی را پذیرفته باید آبروی آن حزب را به هر حال حفظ کند و کاری که برخلاف آن است انجام ندهد.

سؤال ۱۰۴۴. با توجّه به این‌که هر عضو برای عضویّت در حزب متعهّد می‌شود بر طبق مرامنامه و اساسنامه عمل کند، آیا این تعهّد الزام شرعی می‌آورد؟ به بیان دیگر، آیا تبعیّت از قوانین خاصِّ حزبی، که فرد با عضویّت در آن حزب و پذیرفتن اساسنامه و مرامنامه نسبت به آن متعهّد می‌گردد و شرع مقدّس و قانون اساسی جمهوری اسلامی در برابر آن مسکوت است، به دلیل ضرورت وفا به عهد و میثاق حزبی برای عضو لازم الاجرا می‌باشد؟

جواب: اگر این کار (تخلّف از تعهّد) به آبروی حزب و افراد آن لطمه بزند جایز نیست؛ در غیر این صورت بهتر ترک آن است.

سؤال ۱۰۴۵. اوّلین چیزی که هر عضو حزب به آن متعهّد می‌شود عمل بر طبق اساسنامه و مرامنامه است. عدم التزام به اساسنامه و مرامنامه از سوی عضو حزب چه حکمی دارد؟ آیا به صرف این که حزب، حزب اسلامی است، عمل کردن طبق اساسنامه

و مرامنامه وجوب شرعی دارد، یا تعهّدی عرفی است که فرد در صورت عدم رعایت آن، مسؤولیّت شرعی نخواهد داشت؟

جواب: این‌گونه تعهّدها معمولاً تعهّد عرفی است؛ مگر این که عمل کردن برخلاف آن مستلزم خلاف شرعی باشد. در ضمن مسؤولین حزب حق دارند کسی را که پایبند به اساسنامه نیست از حزب خود اخراج کنند.

سؤال ۱۰۴۶. هنگامی که فردی عضو حزب می‌گردد، آیا لازم است به طور کامل با اهداف و اقدامات حزب موافق باشد؟ آیا می‌تواند برای بهره‌مندی از مزایا و محسّنات فعالیّت جمعی، علیرغم این که با برخی از اهداف حزب (نه تمام آن) مخالف است، عضو آن گردد؟ در این صورت استفاده از مزایای عضویّت در حزب چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه چنین شخصی با این کار مرتکب نوعی تدلیس شود جایز نیست.

سؤال ۱۰۴۷. آیا تعهّد به اجرا و پرداخت جریمه یا ضمان قرار داده شده از سوی حزب، برای عضو متخطّی از اصول حزب شرعی است؟

جواب: این یک تعهّد اخلاقی است؛ مگر این که در برابر این تعهّد مزایایی برای عضو وجود داشته باشد، که در این صورت تعهّد شرعی است.

سؤال ۱۰۴۸. تحلیل هر حزب از شرایط سیاسی متفاوت است و راهکارهای هر حزب برای پیشبرد اهداف در فعّالیّت‌های سیاسی با دیگر احزاب اختلاف دارد. از طرفی تحلیل‌های سیاسی حزب موجب اقدامات و موضع‌گیری‌های فردی و جمعی حزبی‌ها می‌شود، این گونه اقدامات چه حکمی دارد؟

جواب: مفهوم حزب فعّالیّت دسته‌جمعی است. بنابراین، هر کاری به نام حزب می‌شود باید در آن محدوده باشد.

سؤال ۱۰۴۹. در چه صورتی عنصر حزبی می‌تواند تحلیل حزبی را برای خود و خانواده و دوستانش مبنای عمل قرار دهد؟ به عبارت دیگر آیا تحلیل حزب برای عمل حجیّت دارد؟

جواب: البتّه تحلیل‌های شورای حزب که طبق مقرّرات انجام شده برای همه افراد ملاک عمل است؛ مشروط بر این که چیز خلاف شرعی نباشد.

سؤال ۱۰۵۰. نظر اسلام در مورد اعتصاب غذا، که بعضی از زندانیان سیاسی و غیر سیاسی به عنوان اعتراض به وضع نامناسب زندان، یا اعتراض به حکمی که دادگاه صادر کره به آن متوسّل می‌شوند چیست؟ این مسأله در مورد کشورهایی که با نظام اسلامی مشروع اداره می‌شوند و کشورهایی که نظام غیر اسلامی دارند تفاوت دارد؟

جواب: این کار در آنجا که بر طبق نظام اسلامی عمل می‌شود مشروع نیست؛ مگر این که شخص احساس کرده باشد که اشتباهی صورت گرفته و از این طریق می‌تواند به حق خود برسد و در کشورهای غیر اسلامی استفاده از این حربه برای رسیدن به حق خود مانعی ندارد؛ مشروط بر این که جان شخص به خطر نیفتد.

سؤال ۱۰۵۱. هنگامی که عضوی انجام وظیفهٔ محوّله از سوی حزب اسلامی و ولایی را می‌پذیرد، آیا عمل به آن واجب است؟

جواب: در صورتی که تعهّد انجام چنین کاری را در برابر امتیازی که به او می‌دهد کرده باشد باید به تعهّدش عمل کند.

سؤال ۱۰۵۲. آیا جایز است افراد در قبال خدمتی که در حزب انجام می‌دهند انتظار اجرت داشته باشند؟

جواب: هر گاه حضورشان حکم واجب داشته باشد گرفن اجرت در برابر انجام واجبات جایز نیست؛ ولی در مستحب و مکروه طبق قرارداد مانعی ندارد.

سؤال ۱۰۵۳. آیا دریافت اجرت در برابر انجام کار واجب شرعی، که حزب انجام آن را از عضو مطالبه کرده، حرام است؟

جواب: آری گرفتن اجرت در برابر انجام واجبات حرام است.

سؤال ۱۰۵۴. آیا تعیین مبلغی به عنوان حقّ عضویّت از طرف حزب شرعی است؟

جواب: در صورتی که افراد راضی باشند یا در مقابل آن امتیاز مناسبی برای آن‌ها تعیین شده باشد مانعی ندارد.

سؤال ۱۰۵۵. این که عضو مبلغی را به عنوان حق عضویّت به حزب بپردازد شرعی است؟ اگر عضوی به هنگام پذیرش تعهّد حزبی قبول کرد که حقّ عضویّت را بپردازد و به تعهّد خود عمل نکرد آیا به حزب مدیون است؟

جواب: در صورتی که حزب در مقابل عضویّت امتیازی به افراد بدهد و در مقابل آن اموری را با آن‌ها شرط کند باید به آن پایبند باشند.

سؤال ۱۰۵۶. آیا استفاده از مزایای عضویّت در حزب بدون این که در فعّالیّت‌های حزب حضور پیدا کند و اقدام مفیدی برای حزب انجام دهد جایز است؟

جواب: همان‌طور که در بالا گفته شد هر گاه در مقابل امتیازات تعهّدات مشروعی سپرده باید به آن عمل کند و اگر عمل نکند استفاده از امتیازات کار درستی نیست.

سؤال ۱۰۵۷. آیا روابط اعضاء با مسؤولان در یک حزب اسلامی به این صورت که: «تصمیم‌گیری‌ها از بالا به پایین باشد و عضو صد درصد تابع دستور تشکیلاتی باشد و ملزم باشد بدون چون و چرا احکام صادره را اجرا نماید». مشروع است؟

جواب: در صورتی که دستورات و مرامنامه حزب اسلامی باشد و عضو در برابر امتیازات تعهّدی به پیروی از دستورات سپرده باشد باید مطابق آن عمل کند.

سؤال ۱۰۵۸. آیا تبعیّت از دستورات حزب در موارد عرفی بر حسب تعهّد عضو به حزب واجب می‌باشد؟ در صورت مثبت بودن جواب، این مسئله با قاعدهٔ «تشخیص موضوع برعهدهٔ مکلّف است» چگونه انطباق دارد؟ در صورت جایز بودن تبعیّت محض، آیا در مواقع خاصّی این کار واجب می‌گردد؟ مثلاً مواردی که لازم است «انسجام و وحدت تشکیلاتی» حفظ گردد و این کار یعنی «عدم تبعیّت محض» موجب تفرقه و انشقاق در حزبی اسلامی و عدم موفقیّت در اهداف استراتژیک حزبی که خود را موظّف به حمایت از اسلام و مسلمین و مصالح کشور اسلامی می‌داند، گردد.

جواب: در صورتی که عضو تشخیص دهد که اجمالاً موضوع چیزی برخلاف شرع نیست عمل کردن به آن با شرایطی که در بالا ذکر شد، واجب است.

سؤال ۱۰۵۹. اگر تبعیّت محض از دستورات حزب جایز نباشد، پس شرع اسلام برای هماهنگی نیروهای مسلمان به‌منظور رسیدن به هدف خاصّ و لزوم حفظ وحدت، که در سایهٔ رهبری واحد و فرمانِ واحدِ لازم الاجرا انجام می‌گیرد، چه تدبیری اندیشیده است؟

جواب: از جواب بالا روشن شد.

سؤال ۱۰۶۰. اگر اکثریّت در حزب برای انجام کاری، مثلا رأی دادن به فردی خاص، واجب بودن اقدامی و مانند آن، توافق نمایند، آیا این تصمیم می‌تواند برای بقیّهٔ اهل ایمان که عضوند ملاک عمل باشد؟

جواب: در صورتی که آن‌ها را صالح می‌دانند باید حتماً تبعیّت کنند.

سؤال ۱۰۶۱. اگر سرپیچی از دستورات حزب اسلامی موجب ایجاد تفرقه و تشتّت در حزب گردد و نمادی از عدم انسجام حزب تلقّی شود و سبب دلسردی دیگران، یا بازماندن رهبری و مدیریّت از قدرت عمل گردد، آیا عضو می‌تواند از دستورات حزب سرپیچی نماید؟

جواب: در شرایط بالا و در حزب اسلامی سرپیچی جایز نیست.

سؤال ۱۰۶۲. اگر در پی تبعیّت یا عدم تبعیّت از دستور حزب، خسارت جانی، مالی و مانند آن، به افراد جامعهٔ اسلامی اعمّ از مسلم و غیر مسلم، یا به افراد غیر جامعه اسلامی اعم از مسلمان و غیر مسلمان وارد شود، جبران آن بر عهدهٔ کیست؟ آیا می‌توان تشکیلات حزب یا عضو متمرّد را مسؤول و شریک در ضمان دانست؟

جواب: در صورتی که مسؤولان اطلّاع غلط به کسی داده باشند و بر اثر اطلّاع غلط گرفتار خسارتی گردد، یا خسارتی بزند مسؤولین ضامن هستند و اگر بر اثر عدم تبعیّت عضو در آنجا که متعهّد به تبعیّت است خسارتی وارد شود عضو مسؤول است.

سؤال ۱۰۶۳. اگر عضو در راستای اجرای وظائف محوّله از سوی حزب، از وظایف و واجباتش در قبال خانواده و ارحام باز بماند، تکلیف شرعی او چیست؟

جواب: باید برنامه‌ها چنان باشد که مزاحم انجام وظایف واجب در مقابل خانواده و ارحام نگردد.

سؤال ۱۰۶۴. اگر عضوی از اعضای حزب ابراز نظری کند که موجب فاش شدن اسرار حزب شود، یا اخبار و اطّلاعات سرّی و محرمانهٔ حزب را فاش سازد، در هر یک از موارد زیر چه حکمی دارد؟

الف) در صورتی که این کار به خود حزب صدمه بزند.

ب) در صورتی که این کار، به عمل سیاسی ـ اجتماعی‌ای که حزب هم آن را دنبال می‌کند ضرر بزند.

ج) موجب زیان و ضرر اجتماعی گردد.

د) دشمنان اسلام، یا مخالفان خطّ اصیل اسلامی از آن سوء استفاده کنند.

جواب: در تمام صور چهارگانه فوق شرعاً مسؤول است، واگر ضرر و زیانی رسیده باید جبران کند.

سؤال ۱۰۶۵. هر حزبی برای جلوگیری از نفوذ عناصر دشمن، یا عناصر احزاب رقیب، یا احراز حسن سابقهٔ فرد متقاضی عضویّت، بخشی برای گزینش دارد. اقدامات این بخش در کسب اطّلاعات زندگی خصوصی و سوابق افراد متقاضی چه حکمی دارد؟

جواب: آن مقدار که برای این هدف ضروری است مانعی ندارد.

سؤال ۱۰۶۶. افراد متصدّی گزینش، نسبت به حفظ اسرار افراد متقاضی عضویّت چه وظایفی دارند؟

جواب: آنها موظّفند به طور قطع اسرار افراد را حفظ کنند.

سؤال ۱۰۶۷. حزب اسلامی در رابطه با دولت اسلامی منتخب مردم چه وظایفی دارد؟

جواب: باید کارهای خوب دولت را تأیید و نسبت به اشتباهات نقد منصفانه داشته باشند.

سؤال ۱۰۶۸. در چه مواردی انتقاد خلاف شرع است؟

جواب: در مواردی که غرض آلود و نادرست است، یا موجب تضعیف دولت اسلامی و نظام می‌شود، یا بهانه به دست دشمن می‌دهد، خلاف شرع است.

سؤال ۱۰۶۹. احزاب در نظام‌های غیر اسلامی معمولا در مواقعی که حکومت به دست آن‌ها نیست در جهت تضعیف دولت کار می‌کنند تا جای او را بگیرند. در نظام اسلامی تضعیف دولت چه حکمی دارد؟

جواب: همان‌گونه که در بالا اشاره شد تضعیف خلاف شرع است؛ ولی نقد منصفانه نه تنها جایز بلکه لازم است.

سؤال ۱۰۷۰. کنجکاوی کردن عضو در مسائل محرمانهٔ حزب و تلاش برای دانستن آن‌ها (بدون آن‌که آن را فاش کند) چه حکمی دارد؟ آیا این کار «تجسّس» محسوب می‌شود و حرام است؟ آیا این حکم بسته به این که فرد چه جایگاه تشکیلاتی‌ای داشته باشد تفاوت می‌کند؟

جواب: در مواردی که به آن‌ها ارتباط ندارد تجسّسِ حرام است و معلوم است که جایگاه تشکیلاتی فرد با این مسأله ارتباط دارد.

سؤال ۱۰۷۱. رقابت‌های درون حزبی گاه به تجسّس در احوال و امور عضوی توسّط اعضای دیگر، یا مسؤلان مربوط می‌انجامد. آیا این کار مصداق تجسّس است و حرام می‌باشد؟

جواب: این تجسّس‌ها بسته به مسؤولیت‌های هر عضو می‌باشد؛ آن هم به مقداری که شرع اجازه می‌دهد.

سؤال ۱۰۷۲. گوش دادن به تلفن یا ضبط برخی صحبت‌های اشخاص در موارد زیر چه حکمی دارد؟

الف) در صورتی که بدون هدف و صرفاً از روی کنجکاوی صورت گیرد.

جواب: حرام است.

ب) چنانچه جهت انجام مأموریّتی که حزب به عضو واگذار کرده، انجام شود.

جواب: اگر این مأموریّت ضرورت شرعی داشته باشد مانعی ندارد.

ج) اگر این کار در مواردی خاص برای مراقبت‌های ضروری حزب صورت گیرد.

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

سؤال ۱۰۷۳. با توجّه به تأثیرگذاری حزب و لایی در امور مسلمین، اگر پیشبرد کار حزب متوقّف بر امور خاصّی مانند آموزش علم یا فنّ ویژه‌ای باشد، آیا یادگیری آن‌ها واجب می‌شود؟ دستور حزبی به اعضا در این موارد واجب می‌گردد؟

جواب: در صورتی که تشکیل حزب واقعاً ضروری باشد و یادگیری آن علوم و فنون مقدّمهٔ پیشرفت آن حزب گردد از باب مقدّمهٔ واجب، واجب می‌گردد.

سؤال ۱۰۷۴. گوش دادن به اخبار رادیوهای بیگانه جهت آگاهی از حرکات و اقدامات و فهم اهداف سوء دشمن با توجّه به این که این اخبار شامل تهمت به مسؤول‌ین نظام، دلسرد کردن مردم از نظام اسلامی، برنامه ریزی برای ایجاد ناامنی در سطح جامعه و تشویق مردم به براندازی نظام اسلامی است و مشمول استماع سخنان دروغ و نمّامی و فتنه‌انگیزی می‌باشد چه حکمی دارد؟

جواب: هر گاه این اطّلاعات برای پی بردن به اهداف دشمن لازم باشد و شخص مستمع تحت تأثیر قرار نگیرد جایز است.

سؤال ۱۰۷۵. رقابت با سایر احزاب گاه به جمع آوری اطّلاعات منفی دربارهٔ اعضای حزب دیگر می‌انجامد. این کار چه حکمی دارد؟

جواب: احزاب نباید به تضعیف هم بپردازند، بلکه باید با هم رقابت مثبت داشته باشند.

سؤال ۱۰۷۶. آیا تمجید و تعریف خارج از ادب معمول در برابر مسؤول حزبی، برای احترام (به جهت سنّ، سابقه، علم و مانند آن) حرام و مشمول حکم تملّق و چاپلوسی می‌شود؟ مرز جداکننده چاپلوسی و احترام چیست؟

جواب: احترام و تعریف، مدح معقول و معتدل و مفید است و چاپلوسی مدح نامعقول یا زیانبار است.

سؤال ۱۰۷۷. بدگویی و ذکر نکات منفی مسؤولی از مسؤولین دیگر، یا برخی اعضاء از مسؤول، یا عضو دیگر نزد چه کسانی جایز و در کجا حرام است؟

جواب: بدگویی و بیان نکات منفی مسلمانی در برابر مسلمان دیگر مطلقاً جایز

نیست؛ مگر آنکه کتمان آن، خطر و ضرری برای مسلمین ایجاد کند، یا بیان آن تنها راه نهی از منکر باشد.

سؤال ۱۰۷۸. آیا بدگوئی تحت عنوان درد دل حرام است؟

جواب: مسلّماً حرام است.

سؤال ۱۰۷۹. در جلسات گفتگوی آزاد، معمولاً اتّفاق می‌افتد که افراد در حین صحبت و انتقاد، بی‌محابا و بعضاً عجولانه مسؤلان حزب، یا احزاب دیگر، یا مسؤولین نظام اسلامی را زیر سؤال برده و به شخصیّت آنان اهانت می‌کنند، وظیفهٔ شرعی مستمعین در چنین مواقعی چیست؟ اگر این کار برای دادن آگاهی سیاسی به اعضاء حزب صورت گیرد، آیا از دایرهٔ حکم غیبت خارج می‌گردد؟

جواب: وظیفهٔ آن‌ها نهی از منکر از طرق مسالمت‌آمیز است و اگر تأثیر ندارد مجلس را فوراً ترک کنند؛ ولی اگر موردی است که آگاهی افراد بر آن از نظر شرعی برای حفظ نظام مسلمین یا منفعت جامعه لازم است مانعی ندارد؛ امّا تعبیر به عجولانه و بی‌محابا در این مورد معنی ندارد.

سؤال ۱۰۸۰. آیا هر عضو نسبت به خانوادهٔ اعضاء دیگر بعنوان عضو حزب اسلامی در راستای تقویت حزب و اهداف حزب، وظیفه شرعی‌ای در حفاظت از خانواده او و تامین معیشت واجب (هنگامی که به علّت مشغلهٔ حزبی از خانواده دور است یا درآمدش قطع شده) دارد؟ جایگاه و اولویّت او در کمک نسبت به فامیل‌های آن خانواده چیست؟

جواب: همه مسلمین در برابر یکدیگر مسؤولیّت دارند تا به کمک هم بشتابند؛ ولی کسانی که به عنوان اعضای یک حزب اسلامی با یکدیگر همکاری دارند از این جهت در اولویّتند.

سؤال ۱۰۸۱. افرادی که در داخل حزب به فعالیّت مشغولند، اغلب مسؤولیّت‌های دیگری هم از قبیل مسؤولیّت‌های اجتماعی در ادارات دولتی، مسؤولیّت خانوادگی و مانند آن بر عهده دارند، در چه صورت می‌توانند از آن مسؤولیّت‌ها برای مصالح حزبی بهره‌برداری کنند؟

جواب: آن‌ها حق ندارند از آن مسؤولیت‌ها برای حزب استفاده کنند؛ جز در مواردی که قوانین و مقرّرات به آن‌ها اجازه می‌دهد، یا در مواردی که مسأله اهمّی در مقابل آن مهم قرار می‌گیرد.

سؤال ۱۰۸۲. آیا می‌توان از امکانات بیت‌المال مانند تلفن، وسیلهٔ نقلیّه و شبیه آن در ادارات دولتی یا مؤسّسات خصوصی جهت پیشبرد منافع حزب استفاده کرد؟

جواب: از هیچ یک از این‌ها نمی‌توان بدون اذن مسؤولین آن اداره یا مؤسّسه (آن هم در حدود مقرّرات) استفاده کرد.

سؤال ۱۰۸۳. آیا می‌توان از اعتبار شغلی در نظام جمهوری اسلامی جهت تأمین منافع حزب استفاده نمود، و از طریق آن به تسهیل امور حزب پرداخت؟

جواب: مانند جواب بالاست.

سؤال ۱۰۸۴. آیا به صرف این که حزب، حزب اسلامی است و هدف مقدّسی دارد، می‌توان تقویت حزب را، تقویت نظام و تخریب آن را تخریب نظام دانست؟

جواب: موارد مختلف است؛ در بسیاری از موارد تخریب الزاماً سبب تخریب نظام نمی‌شود؛ ولی در بعضی از موارد ممکن است سبب تخریب باشد.

سؤال ۱۰۸۵. عضویّت چه افراد و گروه‌هایی به موجب قانون یا منع ولیّ‌فقیه عادل در احزاب حرام می‌باشد و منع شرعی دارد؟

جواب: کلیّه کسانی که اعتقاد به نظام اسلامی ندارند، یا بیم تخریب یا جاسوسی آن‌ها می‌رود، یا قوانین جمهوری اسلامی به آن‌ها اجازه شرکت در احزاب نمی‌دهد حقّ عضویّت در احزاب اسلامی را ندارند.

سؤال ۱۰۸۶. آیا عضو یک حزب می‌تواند از سازمان دولتی یا از حزب دیگر هدیه دریافت کند؟

جواب: جواب: در صورتی که هدیه جنبهٔ عادّی و دوستانه داشته باشد و مرتبط با فعالیّت‌های حزبی نباشد مانعی ندارد؛ ولی اگر آن را می‌گیرد تا کار خلافی نسبت به حزب انجام دهد یا به نفع کسان دیگری باشد جایز نیست.

سؤال ۱۰۸۷. اگر عضوی در حزب در معرض تنگ نظری و حسادت عضو یا اعضاء دیگر قرار گیرد، به طوری که این حسادت ظهور عملی داشته باشد، در حالات ذیل کار فرد حسود چه حکمی دارد و چگونه باید جبران کند؟

الف) ضرر شخصی (مالی، آبرویی، شغلی و مانند آن) به محسود وارد کرده باشد.

ب) در انجام کارهای حزب کندی و صعوبت ایجاد نموده و در نتیجه موجب تضییع اموال حزب و تأخیر در رسیدن حزب اسلامی به اهدافش گردیده باشد.

ج) در انجام کارهای حزب سنگ‌اندازی نموده و موجب عقیم‌ماندن کوشش و جهاد مسؤول یا حزب شده باشد.

د) به‌جای ایجاد همدلی و محبّت اهل ایمان نسبت به یکدیگر، کدورت و دلگیری و احیاناً دشمنی و خصومت پدید آورده باشد.

ضمناً اگر حاسد از اهل ایمان نباشد یا غیر مسلمان باشد، آیا در حکم مسأله اثری دارد؟

جواب: هرگونه حسادت که موجب ضرر و زیانی از نظر مالی، آبرویی و شغلی و غیر این‌ها شود جایز نیست و از سوی هر کس بوده باشد باید جبران گردد و مسلمانان، مخصوصاً اعضای حزب باید به محسود کمک کنند تا از عواقب آن در امان بماند.

سؤال ۱۰۸۸. در صورت تعارض فتوای ولیّ امر مسلمین با فتوای مرجعی در مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، وظیفهٔ شرعی چه می‌باشد؟

جواب: در مسائل مربوط به حکومت اسلامی نظر ولیّ فقیه ترجیح دارد و در غیر آن هر کس به فتوای مرجع تقلیدش عمل می‌کند.

سؤال ۱۰۸۹. احکام حکومتی که در آن نظر ولیّ فقیه بر فتوای مراجع تقلید مقدّم است، چه احکامی می‌باشد؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

سؤال ۱۰۹۰. نسبت حکم حکومتی با احکام اوّلیّه و ثانویّه چیست؟ آیا این امور در مورد احزاب و افراد منفرد تفاوت دارد؟

جواب: این مورد نیز مشمول احکامی است که در بالا ذکر شد و تفاوتی میان احکام اوّلیّه و ثانویّه از این جهت نیست.

سؤال ۱۰۹۱. آیا اطاعت از حکم ولیّ فقیه برای همهٔ احزاب، از جمله احزابی که مقلّد او نیستند، واجب است؟

جواب: همان‌گونه که در بالا گفته شد در احکام مربوط به حکومت اسلامی همه باید از ولیّ‌فقیه پیروی کنند.

سؤال ۱۰۹۲. آیا احکامی که از سوی ولیّ امر مسلمانان در جمهوری اسلامی ایران صادر می‌شود، برای مسلمانان سایر کشورها نیز لازم الاجرا است؟

جواب: بر مقلّدان ایشان لازم الاجراست.

سؤال ۱۰۹۳. در نظام اسلامی، اموری چون رأی دادن، شرکت در راهپیمایی‌ها و امثال آن از نظر فقهی چه حکمی دارد؟ آیا حکم تشخیص موضوع فردی در تکالیف شرعی درباره احزاب که شخصیّت حقوقی و موقعیّت جمعی دارند مانند اشخاص حقیقی جاری است، یا حکم دیگری دارند؟

جواب: با توجّه به این که حفظ نظام اسلامی بر همه واجب است و در شرایط کنونی شرکت در انتخابات و حضور در راهپیمایی‌ها مقدّمهٔ حفظ این نظام است، و مقدّمهٔ واجب واجب است، این حضور ضرورت دارد. البتّه در مورد احزاب تأکید بیشتری خواهد داشت.

سؤال ۱۰۹۴. آیا تخلّف از قوانین و مقرّرات جاری جمهوری اسلامی، مثل قوانین و مقرّرات راهنمایی و رانندگی و مانند آن اشکال شرعی دارد؟

جواب: آری آنچه به عنوان قانون تنظیم شده و طبعاً فقهای شورای نگهبان نیز به مشروعیّت آن رأی داده‌اند لازم الاجراست.

احکام روابط خانم‌ها و آقایان

۱. نگاه

سؤال ۱۰۹۵. با توجّه به شیوهٔ تعامل در میزگردها، جلسات و سخنرانی‌ها که حضّار زن

و مرد در مقابل هم می‌نشینند، یا سخنران مقابل شنوندگان قرار می‌گیرد، یا چهرهٔ حاضرین بر روی صفحات نمایش، نشان داده می‌شود، و مانند آن، حدود نگاه و رفتار نامحرمان نسبت به یکدیگر چگونه باید باشد؟

در صورتی که خانم‌های مسلمان حجاب خود را کاملاً رعایت نکرده باشند و مقداری از مویشان پیدا باشد، یا وجه و کفّین آنان زینت شده باشد، یا دستان (غیر از کفّین) پوشش کافی نداشته باشد چه باید کرد؟

جواب: در صورتی که موازین شرعی رعایت شود اشکالی ندارد؛ در غیر این صورت جز در موارد ضرورت نمی‌توان شرکت کرد.

سؤال ۱۰۹۶. با توجّه به تفاوت فقه شیعی و سنّی در مواردی، از جمله پوشش زنان، رعایت احکام هر یک از آنها در نگاه و صحبت و ارتباط حزبی چگونه باید باشد؟

جواب: بسیاری از اهل سنّت در مسأله پوشش زنان با ما موافقند و هر گاه بعضی از آن‌ها مخالف باشند آن‌ها می‌توانند طبق مذهب خود عمل کنند؛ مشروط بر اینکه فرهنگ حاکم بر حجاب در محیط ما شکسته نشود.

سؤال ۱۰۹۷. نگاه به مواضعی از بدن زنان غیر مسلمان، که به طور معمول آن را نمی‌پوشانند، در جلسات مذاکره با احزاب غیر مسلمان، یا جلساتی که در خارج از کشور برگزار می‌گردد چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد؛ مگر این‌که مفسدهٔ خاصّی داشته باشد.

سؤال ۱۰۹۸. آیا نگاه به مواضعی از بدن زنان مسلمان که به طور معمول آن را نمی‌پوشانند در جامعه‌ای که حکومت اسلامی در آن برقرار نیست در مواردی مانند شرکت در جلسات و سمینارهای خارج از کشور، اشکال دارد؟

جواب: در صورتی که مصداق «اذا نهین لا ینتهین»[1] باشند یعنی عملاً به نهی از منکر پاسخ نمی‌دهند نگاه بدون قصد لذّت و خوف خطر مانعی ندارد.

سؤال ۱۰۹۹. آیا استفاده از معلّمین و اساتیدی که ظاهر اسلامی را رعایت نمی‌کنند جهت تدریس در امر آموزشی جایز می‌باشد؟

جواب: جایز نیست؛ مگر در حدّ ضرورت.

---

۱. بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۴۵، ح ۸.

سؤال ۱۱۰۰. آیا احتمال افتادن به گناه در صورت نگاه به نامحرم می‌تواند دلیلی بر ترک تکالیف و وظایف محوّله باشد؟

جواب: در صورتی که وظایف مهمّی در بین باشد باید عمل به وظیفه را مقدّم داشت.

سؤال ۱۱۰۱. آیا در روابط کاری در حزب نگاه کردن به کسی که نگاه به او جایز نیست، از طریق سیستم‌های ارتباطی مثل تله کنفرانس، چت تصویری، یا سیستم مداربسته تلویزیونی که عکس او را منعکس می‌کند جایز است؟

جواب: در مورد عکس‌ها عموماً، خواه به صورت مستقیم پخش شود یا غیر مستقیم، نگاه در صورت عدم خوف و انحراف اشکالی ندارد.

۲. گفتگو

سؤال ۱۱۰۲. در حزب تعاملات حزبی غیر از محیط جامعه است و به نوعی ارتباط اعضاء با یکدیگر بیشتر است و بحث و گفتگو و تحلیل مسائل سیاسی و اقتصادی و مانند آن، حضور بیشتر اعضاء زن و مرد را اقتضاء می‌کند. در این صورت حدود ارتباطات، صحبت و تحلیل بین زن و مرد چیست؟

جواب: باید موازین اسلامی در آنجا نیز رعایت شود و حزب از این نظر حکم خاصّی ندارد.

سؤال ۱۱۰۳. در قراردها و تفاهمات و شرکت در همایش‌های داخل و خارج احزاب، یک حزب اسلامی با اعضاء مرد و زن شرکت می‌کند. حدود شرعی این نوع تعاملات و قراردادها چیست؟

جواب: روشن است که آن‌ها (اعضای حزب اسلامی) باید در داخل و خارج موازین شرع را رعایت کنند.

سؤال ۱۱۰۴. چنانچه فردی خوف آن داشته باشد که اگر با نامحرمی صحبت کند او را به گناه آلوده خواهد کرد، آیا جایز است با او صحبت کند؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۱۰۵. اگر فردی بداند چناچه با نامحرمی صحبت کند به گناهی غیر از مسائل شهوانی (مانند دروغ، غیبت، تهمت و مانند آن) آلوده می‌شود، آیا می‌تواند با او صحبت کند؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۱۰۶. خواندن بیانیّه و قطعنامه و مانند آن توسّط بانوان در حضور آقایان چه حکمی دارد؟

جواب: هر گاه مسأله حجاب و جهات شرعی رعایت شود مانعی ندارد.

سؤال ۱۱۰۷. اجرای مراسم زیر توسّط بانوان در مجامع حزبی چه حکمی دارد؟

الف) تلاوت قرآن به صورت ترتیل.

جواب: به صورت ترتیل مانعی ندارد؛ مگر این‌که مفسدهٔ خاصی داشته باشد.

ب) تلاوت قرآن به صورت صوت و لحن.

جواب: اشکال دارد.

ج) مرثیه خوانی.

جواب: هر گاه با صوت و لحن باشد اشکال دارد.

د) خواندن سرودهای انقلابی یا محلّی.

جواب: سرودها مختلف است.

هـ) خواندن اشعار و قصاید با آواز.

جواب: جایز نیست.

و) مقاله و شعرخوانی.

جواب: به صورت عادّی مانعی ندارد.

سؤال ۱۱۰۸. آقایان و خانم‌هایی که در حزب حضور داشته و مشغول فعّالیّتند به حکم فعالیّت مشترک در برنامه‌های مختلف حزب و حضور در جلسات، برنامه‌های مختلف حزبی و تشکیلاتی، با یکدیگر گفتگو و صحبت دارند، حکم این قبیل گفتگوها چیست؟

جواب: هر گاه گفتگوها دربارهٔ مسائل خوبی باشد و در اتاق‌های دربسته صورت نگیرد مانعی ندارد.

۳. تماس

سؤال ۱۱۰۹. در عرف کشورهای غیرمسلمان دست دادن نامحرمان، معمول می‌باشد، و برخی از آن‌ها دست ندادن را توهین به خود و عملی دور از ادب تلقّی می‌کنند. در چنین مواردی در ارتباط و تجمّعات حزبی دست دادن با زنان نامحرم غیر مسلمان چه حکمی دارد؟

جواب: دست دادن با آنها جایز نیست؛ باید به تدریج به آنها فهماند که فرهنگ مذهبی ما به ما اجازه نمی‌دهد، تا این فرهنگ جا بیفتد، و خوشبختانه در مواردی نیز جا افتاده است.

۴. اختلاط

سؤال ۱۱۱۰. تعریف اختلاط چه می‌باشد؟ در چه مواردی حضور زن و مرد در یک برنامه، یک محیط، جلسه، سفر و مانند آن، حکم اختلاط را دارد؟ حکم شرعی آن چیست؟

جواب: اختلاط در صورتی حرام است که منشأ مفاسد و کارهای نامشروع گردد.

سؤال ۱۱۱۱. تشکیل کلاس‌های آموزشی مختلط، همایش‌ها و اردوهای مختلط (از خانم‌ها و آقایان) با حفظ حجاب و رعایت موازین، چه حکمی دارد؟ آیا در این حکم بین اختلاط افراد متأهّل با هم، یا افراد مجرّد تفاوتی وجود دارد؟

جواب: معیار همانست که در بالا گفته شد؛ یعنی به وجود آمدن مفاسد اخلاقی و شرعی و چون در جوانان غیر متأهّل این مشکل شدیدتر است حتّی الامکان باید از آن پرهیز کرد.

سؤال ۱۱۱۲. آیا شرکت دختران و بانوان به همراه مردان و پسران در امور اداری، جهادی و مانند آن، انجام امور محوّله و نشست با هم، که ناچار از مواجهه و برخورد و مصاحبه با هم می‌باشند، اشکال دارد؟

جواب: از جواب سابق معلوم شد.

سؤال ۱۱۱۳. آیا می‌توان برای همکاری در انجام وظایف محوّله در حالی که امکان استفاده از محارم می‌باشد، از نامحرم دعوت به همکاری نمود؟

جواب: در صورتی که دعوت از نامحرم مفیدتر باشد و مفسدهٔ شرعی بر آن مترتّب نشود مانعی ندارد؛ در غیر این صورت جایز نیست.

۵. عطر زدن

سؤال ۱۱۱۴. استفادهٔ خانم‌ها از عطر و ادکلن در محیط کار و فعّالیّت اجتماعی در فصول گرم سال که تعرّق بدن زیاد می‌باشد، در صورتی که رایحهٔ آن توسّط نامحرم به راحتی استشمام گردد چه حکمی دارد؟

جواب: اشکال دارد؛ مگر در موارد ضرورت مثل این‌که بوی عرق ناراحت‌کننده باشد.

۶. خلوت با بیگانه

سؤال ۱۱۱۵. تعریف «خلوت با اجنبی» چیست؟

جواب: خلوت با اجنبی آن است که دو نفر نامحرم در محلّی باشند که ورود شخص ثالث به آنجا عادتاً ممکن نباشد، یا مشکل باشد.

سؤال ۱۱۱۶. اگر شخصی مطمئن باشد که در خلوت با اجنبی به گناه نمی‌افتد، این کار چه حکمی دارد؟

جواب: خلوت با اجنبی در هر حال جایز نیست.

سؤال ۱۱۱۷. در کارهای اداری و مانند آن، گاه اتّفاق می‌افتد که فرد با همکار نامحرم خود در یک اتاق دربسته تنهاست، یا برای رسیدگی به شکایت، مصاحبه و مانند آن باید با نامحرم در اتاقی تنها باشند، آیا این کار اشکال شرعی دارد؟ آیا لازم است درِ اتاق مورد نظر، نیمه‌باز باشد؟

جواب: مانعی ندارد که درِ اتاق بسته باشد؛ ولی اگر قفل نباشد به طوری که دیگری هر زمان، بتواند وارد گردد خلوت با اجنبی محسوب نمی‌گردد.

۷. حجاب

سؤال ۱۱۱۸. چه نوع پوششی برای زن حجاب شرعی محسوب می‌شود؟

جواب: بر زنان و دختران لازم است تمام بدن خود به جز گردی صورت و دست‌ها تا مچ را در مقابل نامحرمان بپوشانند و این مقدار به هر نوع لباس غیر زینتی که تنگ و چسبان نباشد پوشیده شود کافیست؛ هر چند چادر حجاب برتر است.

سؤال ۱۱۱۹. در یک حزب اسلامی، که اسوهٔ حزبی برای سایر جوامع است، حکم حجاب چگونه است؟

جواب: باید حجاب را به طور کامل رعایت کنند تا سرمشقی برای دیگران باشند.

سؤال ۱۱۲۰. آیا در سفر به خارج از کشور رعایت حجابِ چادر با توجّه به اثرات آن که نوعی تبلیغ حجاب محسوب می‌شود لازم است؟

جواب: البتّه لازم است.

سؤال ۱۱۲۱. در شعبهٔ خارج از کشورهای اسلامی، یک حزب اسلامی می‌تواند با رعایت حجاب اسلامی از سایر انواع پوشش بجز چادر استفاده نماید؟

جواب: در صورتی که تمام بدن را به جز صورت و دست‌ها تا مچ بپوشاند و تنگ و چسبان نباشد کافیست؛ ولی چادر حجاب برتر است.

سؤال ۱۱۲۲. آیا یک حزب اسلامی می‌تواند پوشش حجاب ولو چادر را از رنگ‌های روشن، که مشخّصه‌ای برای بانوان آن حزب باشد انتخاب نماید؟

جواب: در صورتی که رنگ‌های سنگین و معقول باشد اشکالی ندارد.

سؤال ۱۱۲۳. پوشش مورد نظر اسلام برای مردان، در رابطه با فعالیّت‌های حزبی و اجتماعی آن‌ها چیست؟

جواب: مردان نیز باید لباس معقول بپوشند و بیش از آنچه در عرف متدیّنین معمول است بدن را برهنه نکنند.

سؤال ۱۱۲۴. پوشیدن لباس‌های تنگ، که حجم بدن پیدا باشد، توسّط آقایان چه حکمی دارد؟

جواب: چنین لباس‌هایی نه برای زنان مناسب است نه برای مردان.

سؤال ۱۱۲۵. پوشیدن لباس‌های آستین کوتاه برای آقایان چه حکمی دارد؟

جواب: پوشیدن لباس آستین کوتاه در صورتی که تنگ و چسبان نباشد و آستین‌های آن نیز خیلی کوتاه نباشد اشکالی ندارد.

۸. اذن ولی یا همسر

سؤال ۱۱۲۶. آیا زن می‌تواند بدون رضایت شوهر، در فعالیّت‌های حزبی اعمّ از اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی شرکت نماید؟

جواب: در وظایف واجب شرعی اجازهٔ شوهر شرط نیست؛ ولی در امور دیگر برای فعالیّت‌های بیرون منزل موافقت شوهر را جلب کند.

سؤال ۱۱۲۷. آیا حضور زن در کلیّه عرصه‌های اجتماعی و مناصب (با رعایت مقرّرات و حجاب اسلامی) جایز می‌باشد؟

جواب: حضور زن با رعایت شرایط شرعی و اجازهٔ شوهر مانعی ندارد، البتّه غیر از مناصبی که در فقه استثناء شده است.

سؤال ۱۱۲۸. اگر حزب مسؤولیّتی را به یکی از بانوان عضو واگذار نماید و او برای انجام آن مسؤولیّت ناگریز از سفر باشد، در حالی که ولیّ او یا همسرش به این سفر راضی نباشد، آیا می‌تواند به این سفر برود؟

جواب: جایز نیست؛ مگر در مواردی که وظیفهٔ واجب شرعی باشد.

سؤال ۱۱۲۹. آیا برای پذیرفتن عضویّت بانوان در حزب، نیازی به رضایت همسر یا ولیّ او می‌باشد؟

جواب: نسبت به اموری که مزاحم حقّ شوهر است رضایت و اجازهٔ او شرط است.

سؤال ۱۱۳۰. آیا خواهرانی که به عضویّت حزب درآمده‌اند، برای شرکت در مراسم سیاسی و اجتماعی و دیگر فعالیّت‌های حزبی نیاز به اذن ولیّ یا همسر دارند؟

جواب: از جواب‌های بالا روشن شد.

۹. عکّاسی و فیلم‌برداری

سؤال ۱۱۳۱. استفاده از فیلمبردار مرد از مجالس حزبی کاملاً زنانه که بانوان پوشش اسلامی دارند چگونه است؟

جواب: در صورتی که جهات شرعی کاملاً رعایت شده باشد مانعی ندارد.

سؤال ۱۱۳۲. انداختن عکس از مجالس حزبی خانم‌ها با رعایت حجاب توسّط عکّاس مرد و بالعکس جایز است؟

جواب: مانند جواب سابق است.

سؤال ۱۱۳۳. استفاده از فیلمبردار زن در مجالس و برنامه‌های رسمی اداری چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که جهات شرعی را رعایت کنند مانعی ندارد.

سؤال ۱۱۳۴. از لحاظ شرعی انداختن عکس یادگاری به صورت دسته‌جمعی توسّط مردان و زنان نامحرم با رعایت پوشش لازم، چگونه است؟

جواب: با رعایت جهات شرعی مانعی ندارد.

سؤال ۱۱۳۵. اگر احتمال داده شود فردی که در جلسهٔ عمومی (که تهیّه و انتشار عکس آن جلسه رویهٔ مرسوم می‌باشد) شرکت نموده و از او عکس گرفته شده، از جهت رعایت حیا و عفاف زنانه، یا جلوگیری از استفادهٔ ابزاری از اعتبار ایشان و مانند آن، راضی به چاپ عکسش نباشد، آیا اجازه گرفتن از او لازم است؟

جواب: آری لازم است.

۱۰. استفاده از مَحرم و همجنس

سؤال ۱۱۳۶. چنانچه در حزب عضوی از بانوان تخصّص بالاتر و مدیریّت قوی‌تر از

بانویی که مَحرم مسؤول است داشته باشد؛ آیا مسؤولیّت دهی به بانوی مَحرم با توجّه به هدر رفتن امکانات حزبی و کاهش کارآیی جایز است؟

جواب: در صورتی که رعایت موازین شرع را بنمایند استفاده از غیر محرم نیز جایز است.

سؤال ۱۱۳۷. آیا حزب اسلامی می‌تواند از زنان با رعایت حجاب اسلامی در مراسم استقبال و خوش‌آمدگویی به میهمانان خارجی استفاده نماید؟ لازم به ذکر است که برخی معتقدند این کار برای حضور بیشتر بانوان متدیّن در عرصهٔ اجتماع در کشور اسلامی و برای مقابله با تبلیغات سوء علیه نظر اسلام نسبت به زنان ضروری می‌باشد.

جواب: با رعایت جهات اسلامی مانعی ندارد و شاید در بعضی از موارد شرکت آن‌ها آثار بیشتری از مردان داشته باشد.

سؤال ۱۱۳۸. استفاده از راهنمای خانم در مراسم مختصّ به آقایان، خصوصاً نسل جوان، چه حکمی دارد؟

جواب: این کار مناسب نیست و در واقع شبیه فرهنگ غرب است.

سؤال ۱۱۳۹. آیا استفاده از راهنمای خانم در مراسم مختص به آقایان، باگزینش بانوانِ خوش چهره، البتّه با رعایت حجاب اسلامی اشکال دارد؟ آیا این کار استفاده ابزاری از زن و رواج جاذبه‌های کاذب محسوب نمی‌شود؟

جواب: این کار نیز شبیه فرهنگ‌های غربی است و مناسب احزاب اسلامی نمی‌باشد.

احکام حق‌الناس

سؤال ۱۱۴۰. استفادهٔ شخصی از اموال حزب مانند رایانه، اتومبیل و مثل آن در غیر امور حزبی و برای کار شخصی چه حکمی دارد؟ آیا برای هر استفادهٔ کوچکی باید کسب اجازه نمود؟

جواب: این کار جایز نیست، مگر در مواردی که مقرّرات اجازه می‌دهد، یا با اجازه مسؤولینی که در این حیطه اختیارات قانونی دارند، بوده باشد.

سؤال ۱۱۴۱. آیا روشن کردن برق، کولر و مانند آن در اتاق‌هایی که نور و هوای مناسب دارند، یا روشن رها کردن آن‌ها در اتاق‌هایی که خالی هستند، تضییع اموال حزب محسوب می‌شود؟

جواب: اسراف در هر موردی شرعاً حرام است.

سؤال ۱۱۴۲. در صورت سراسری بودن کنترل روشنایی و تهویه و مانند آن، آیا اسراف یا تضییع اموال حزب متوجّه مسؤول مربوط می‌گردد؟

جواب: هر کس سبب تضییع بوده مسؤول است.

سؤال ۱۱۴۳. عدم استفاده از میز و صندلی سابق و تحمیل هزینهٔ اضافی به حزب در جابه‌جایی مکان، مدیران و مانند آن چه حکمی دارد؟ آیا در صورت به فروش رساندن وسایل قبلی (در فرض قابل استفاده بودن) با قیمتی پایین و تهیّهٔ امکانات جدید همین حکم جاری می‌گردد؟

جواب: هرگونه اسراف حرام است و هرگونه صرفه‌جویی، مخصوصاً در تشکیلاتی که به نام اسلام می‌باشد، بجاست.

سؤال ۱۱۴۴. آیا نوشتن یا چسباندن تبلیغات بر دیوار خانهٔ دیگران در معابر عمومی نیاز به اذن صاحبخانه دارد؟

جواب: آری نیاز به اجازهٔ صاحب‌خانه دارد.

سؤال ۱۱۴۵. بی‌توجّهی مسؤول تدارکات در جلسات، همایش‌ها و مانند آن در عدم تعادل در تهیّهٔ امکانات و زیاده از نیاز هزینه کردن، چه حکمی دارد؟ آیا مسؤولیّتی متوجّه او می‌باشد؟

جواب: آری آن‌ها مسؤولند و باید افرادی را برای این گونه کارها انتخاب کرد که رعایت جهات شرعیّه را به دقّت داشته باشند.

سؤال ۱۱۴۶. آیا مسؤول تدارکات و تهیّهٔ ملزومات حزب در دقّت نظر در تهیّهٔ کم‌هزینه‌ترین و در عین حال کارآمدترین ملزومات وظیفه‌ای دارد؟ آیا این تلاش و دقّت‌نظر در صورت درخواست حزب از وی لازم است، یا در صورت سکوت حزب هم چنین وظیفه‌ای دارد؟

جواب: در هر صورت وظیفه دارد جلوی ریخت و پاش‌ها را بگیرد؛ البتّه در این گونه موارد سختگیری غیر متعارف نیر کار درستی نیست.

احکام نماز جماعت

سؤال ۱۱۴۷. با توجّه به این‌که حزب تشکّل فراگیر کشوری دارد و افراد برای تحقّق اهدافی مشترک گرد هم جمع آمده‌اند، آیا به هنگام حضور درگرد هم آیی‌های حزبی، اقتداء به امام جماعت بدون احراز عدالت وی جائز می‌باشد؟

جواب: در هیچ مورد بدون احراز عدالت نمی‌توان به کسی اقتدا کرد؛ ولی در مسأله احراز عدالت امام جماعت نیز زیاد سخت‌گیری صحیح نیست.

سؤال ۱۱۴۸. معنای عدالت لازم برای «احراز امام جماعت بودن فردی» چه می‌باشد؟ ملاک تشخیص عدالت چیست؟

جواب: عدالت یک حالت خداترسی باطنی است که انسان را از انجام گناه کبیره و تکرار گناه صغیره باز می‌دارد و همین اندازه که با کسی معاشرت داشته باشیم و گناهی از او نبینیم نشانهٔ وجود عدالت است و این را حسن ظاهر که حاکی از ملکهٔ باطن است می‌گویند.

سؤال ۱۱۴۹. آیا تأخیر در اقامهٔ نماز جماعت در ابتدای وقت فضیلت آن به علّت ادامهٔ جلسات که قطع آن موجب اتلاف وقت، هزینه و ناهماهنگی‌های بعدی می‌شود، جایز است؟

جواب: حتّی الامکان باید نماز اوّل وقت را رها نکرد؛ مگر در موارد ضروری.

سؤال ۱۱۵۰. در مسجد یا نمازخانه‌ای که نمازجماعت منعقد می‌شود، یک یا چند نفر به قصد تضعیف یا تفسیق امام جماعت، نمازشان را فرادی می‌خوانند، این کار چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که هتک نماز جماعت یا توهین به امام جماعت محسوب شود، جایز نیست؛ در غیر این صورت اشکالی ندارد.

احکام نماز جمعه

سؤال ۱۱۵۱. اگر اعضا حزب اسلامی از نظر سیاسی با امام جمعه منصوب ولیّ فقیه عادل اختلاف نظر جدّی داشته باشند، آیا می‌توانند در نماز جمعه شرکت نکنند؟ آیا جایز است مطالب خطبه‌ها را مورد تحلیل قرار داد و موضع‌گیری منفی کرد؟

جواب: اختلاف سلیقه در مسایل سیاسی ضرری به عدالت نمی‌زند و نباید نماز جمعه را به خاطر این امور ترک کرد. آنها می‌توانند انتقادهای خود را به صورت محترمانه برای امام جمعه بازگو کنند.

احکام حزب

کارکردهای حزب

سؤال ۱۱۵۲. بررسی مسائل اجتماعی، انعکاس نظرات و خواسته‌های افراد جامعه، ارائه راه کار برای حلّ آنها، از وظائف حزب است. با توجّه به این مطلب، به سؤالات زیر پاسخ دهید.

الف) آیا در راستای عمل به وظیفهٔ فوق، مطرح کردن مسألهٔ اصلاح و بازنگری در قوانینی که برگرفته از شرع مقدس می‌باشد (با ارائه دلایل کارشناسی و مستدل) برای کارشناسی بیشتر در سطح صاحبنظران جامعه جایز است؟

ب) اگر این کار بازتاب جهانی مثبت برای نظام داشته باشد، چه حکمی دارد؟

جواب: احکام شرع قابل تغییر نیست؛ ولی گاه می‌شود موضوعات تغییر می‌کند، یا عناوین ثانویّه سبب حکم جدیدی می‌شود، که پیشنهاد تغییر تنها در این‌گونه موارد جایز است؛ آن هم زیرنظر آگاهان به فقه اسلامی.

سؤال ۱۱۵۳. با توجّه به این‌که حزب اسلامی برای جامهٔ عمل پوشاندن به فریضهٔ امر به معروف و نهی از منکر وظیفهٔ خود را دفاع از مقدّسات اسلامی و نهی از اهانت به آنها می‌داند، و در برخی از قوانین جمهوری اسلامی از عبارت «مقدّسات اسلامی» استفاده شده، و احکامی برای آن تعیین شده است، برای روشن شدن این قوانین و دست یافتن

به یک چهارچوب شفّاف در سیاستهای فرهنگی، و پرهیز از افراط و تفریط، لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) تعریف مقدّسات اسلامی چیست؟ آیا می‌توان برای آن معیاری تعیین کرد، و مصادیق مورد اختلاف را با آن معیار سنجید؟

جواب: معیار آن عقاید مسلّم اسلامی و احکام ضروری و مسلّم است و همچنین ارزشهای قطعی اسلام و تشیّع.

ب) آیا مرجع تشخیص مقدّسات اسلامی عرف است، و با مراجعه به وجدان اهل عرف می‌توان مصادیق آن را شناخت، یا از اموری است که شناخت آن مستلزم خبرویّت و کارشناسی دینی است؟ یا در مسایل مهم مستلزم حکم فقهی از مرجع مربوط است و در سایر موارد مربوط به عرف است؟

جواب: این کار مستلزم خبروّیت و آشنایی کامل دینی است.

سؤال ۱۱۵۴. با توجّه به این‌که نظام، اسلامی است و حکومت در اختیار ولیّ فقیه عادل، لطفاً بفرمایید:

الف) آیا حزبی که در حکومت مسؤولیّتی ندارد در مورد مقدّسات اسلامی وظایفی دارد؟

جواب: همه باید مقدّسات اسلامی را محترم بشمارند.

ب) حدود جواز نقد و انتقاد در مورد احکام و مفاهیم قرآن و عترت، یا سیرهٔ ائمه اطهار علیهم‌السلام چیست و در چه مواردی از مصادیق اهانت است؟ نقد و بررسی آیات، روایات، سیره و احکام فقهی بر اساس روشهایی غیر از اسلوب متداول میان علمای دین چه حکمی دارد؟ اصولا نقد و بررسی این گونه امور در چه صورت اهانت به مقدّسات تلقّی می‌شود؟ عدم سوء نیّت منتقد، چه تاثیری در این امر دارد؟

جواب: نقد در مسلّمات (به معنی ایراد و اشکال) مفهومی ندارد؛ ولی بررسی کردن بی مانع است.

ج) حدود اختیارات یک حزب اسلامی در این مورد چه می‌باشد؟ آیا می‌تواند اقدام عملی‌ای در این جهت بنماید؟

جواب: حزب اسلامی باید از باب امر به معروف و نهی از منکر در برابر اهانت به مقدّسات بایستد.

سؤال ۱۱۵۵. با توجّه به مسؤولیّت حزب اسلامی در دفاع از مقدسّات اسلامی و صیانت از باورهای آحاد جامعهٔ اسلامی اگر این کار مستلزم مطالعهٔ جمعی برای اطّلاع و نقد کتب ضالّه باشد، آیا وارد شدن حزب به این عرصه جایز است؟ این کار اشاعهٔ منکر محسوب نمی‌گردد؟

جواب: باید گروه خاصّی را که پایه‌های محکم اعتقادی و آشنایی کافی با احکام اسلام دارند برای نقد این کتب انتخاب کنند.

سؤال ۱۱۵۶. با توجّه به این‌که یکی از اهداف تشکیل حزب، تقویت نظام جمهوری اسلامی است و یکی از راهکارها، ریشه کنی منکر و تقویت معروف می‌باشد، در نظام جمهوری اسلامی که نهادهای مختلفی عهده‌دار این مسؤولیّت (امر به معروف و نهی از منکر) می‌باشند، جایگاه حزب کجاست؟

جواب: امر به معروف و نهی از منکر وظیفهٔ همه مسلمین است؛ ولی آنجا که احتیاج به برخورد دارد باید مسؤولین حکومتی اقدام کنند.

سؤال ۱۱۵۷. آیا حزب نسبت به کلیّهٔ منکرات (اعم از با اهمیّت و پایه‌ای، یا غیرمهم و سطحی) در صحنهٔ اجتماعی، فرهنگی، سیاسی مسؤولیّت دارد؟ آیا واجب است برای دفع آنها برنامه‌ریزی و اقدام نماید، یا فقط نسبت به موارد خاص و کلان مسؤولیّت دارد؟

جواب: روشن است که نسبت به همه مسؤولیّت دارد؛ ولی در صورت توان نسبت به همه باید اولویّتهارا درنظر بگیرد.

سؤال ۱۱۵۸. با توجّه به وظیفهٔ امر به معروف و نهی از منکر حزب در عرصهٔ اجتماعی و سیاسی، اگر اقدامی از نظر حزب منکر محسوب شود ـ طبق نظر کارشناسی حزب که با مشورت و تبادل نظر با کارشناسان و متخصّصین آن امر بدست آمده است، حزب اگر تشخیص دهد که تصویب قانونی، یا اقدامی و ارتباطی برخلاف مصالح اسلام است ـ مراتب امر به معروف و نهی از منکر در این مورد چگونه است؟ آیا وظیفه‌ای ندارد و باید

سکوت کند یا باید اعتراض نماید؟ و اگر قانون مصوّب باشد، آیا حزب باید از آن قانون اطاعت کند؟

جواب: حزب باید نظر خود را به شکل مستدل بیان دارد و در اختیار مسؤولین بگذارد؛ ولی هرگاه به‌صورت قانونی درآید باید از قانون تبعیّت کند.

سؤال ۱۱۵۹. در مورد فوق در صورت موثّر واقع نشدن انتقاد در مراتب اوّلیّه، آیا حزب می‌تواند به منظور نهی از منکر اعضاء خود را برای مخالفت تهییج کند؟ اقدام به برگزاری تظاهرات و اقداماتی مشابه که در افکار عمومی بازتاب دارد، چطور؟

جواب: هرگاه به‌صورت قانون درنیامده و به یقین بداند آن نظریّه برخلاف شرع و مصالح مسلمین است باید از طرق معقول اقدام کند.

سؤال ۱۱۶۰. اگر از اقدامات فوق در بازتاب‌ها به ضعف و سستی و اختلاف داخلی در نظام و ناامنی تعبیر شود، حکم چیست؟ آیا باید به این تعبیر و تفسیرها در رسانه‌های داخلی و خارجی، توجّه نمود؟

جواب: هرگاه واقعاً بازتاب منفی داشته باشد که ضررش بیشتر احساس شود باید صرفنظر شود.

سؤال ۱۱۶۱. حزبی که ولایی است در برابر ولیّ‌فقیه عادل زمان چه وظایفی دارد؟

جواب: باید تمام دستورهای او را مو به مو اجرا کند.

سؤال ۱۱۶۲. وظیفهٔ احزاب اسلامی به هنگامی که اسلام از ناحیه بعضی از حکومتها مورد تعرّض قرار می‌گیرد، چیست؟ لازم به ذکر است که این هجمه‌ها گاه مستقیم، و برخی اوقات غیر مستقیم انجام می‌شود، و اعتراض به آن، گاه منجر به زندان یا شکنجه یا تبعید می‌شود، و گاه ممکن است به منتهی به قتل شود.

جواب: موارد مختلف است، هرگاه آنها اصل اسلام را هدف قرار داده‌اند هرگونه فداکاری لازم است و اگر بعضی احکام اسلام هدف قرار گرفته به همان نسبت باید فداکاری کرد.

سؤال ۱۱۶۳. گاه دیده می‌شود که اعتراض به قول و عمل برخی دشمنان و مخالفان

انقلاب، به عنوان نهی از منکر، به تخریب شخصیّت اطرافیان و وابستگان او، تجسّس در اموال همسر، احوال وابستگان و فرزندان او می‌انجامد. در چنین مواردی نهی از منکر چه حکمی دارد؟

جواب: باید دقّت کرد. هرگاه خسارتها اهم باشد ترک کند و هرگاه منکر اهم باشد نهی کند؛ ولی اگر بتوان راههایی انتخاب کرد که بین هر دو جمع شود مقدّم است.

سؤال ۱۱۶۴. آیا در این حکم بین مسلمانان و غیر مسلمانان تفاوتی وجود دارد؟

جواب: نسبت به کفّاری که در پناه اسلامند یا همکاری با مسلمانان می‌کنند تفاوتی بین آنها و مسلمانان نیست.

سؤال ۱۱۶۵. آیا حزب در نظام جمهوری اسلامی با فرض این‌که حزبی اسلامی است می‌تواند با تبلیغات و نفوذش در افکار عمومی، افراد را بیش از آنچه لیاقت و کاردانی و شایستگی دارند جلوه دهد، تا آن‌ها در انتخابات رأی بیاورند؟ و در واقع حزب، با برنامه‌های خود اداره و هدایت آن جایگاه را در نظام عهده‌دار شود. آیا این کار جایز است؟

جواب: این کار نوعی تقلّب محسوب می‌شود و جایز نیست؛ مگر این‌که مجموعهٔ نمایندگان حزب بتوانند خدمات شایسته‌ای انجام دهند.

سؤال ۱۱۶۶. آیا در انتخابات داخلی حزب، اعضا شرعاً مجازند در رأی دهی، شاخصه‌هایی مانند روابط قومی خانوادگی و همخوانی سیاسی و دیدگاهی را نیز در نظر بگیرند؟

جواب: تنها باید شاخصه‌های الهی را درنظر بگیرند.

سؤال ۱۱۶۷. آیا حزب می‌تواند با هدف تبادل و نشر افکار و اقدامات خود از ابزار تبلیغاتی بیگانگان استفاده کند؟ مثلا به دعوت مصاحبه از سوی شبکه‌های تلویزیونی یا رادیویی بیگانهٔ ضدّ انقلاب پاسخ مثبت دهد.

جواب: موارد مختلف است چنانچه فواید آن برای نظام اسلامی بیشتر باشد مجازند، در غیر این صورت مجاز نیست.

سؤال ۱۱۶۸. ارائه خدمات آموزشی، ارتقاء سطح زمینه‌سازی برای حضور در صحنه‌های اجتماعی از وظایف مسؤولین حزب نسبت به اعضاء می‌باشد، اگر مسؤول یا مسؤولانی در حزب به این تعهّد عمل نکنند، نسبت به عضو مدیون خواهند بود؟

جواب: چنانچه به اهداف حزب اسلامی کمک کند لازمست این امور انجام شود؛ در غیر این‌صورت مدیون هستند.

منبع مالی

سؤال ۱۱۶۹. اگر حزبی از مرجع محترم تقلید اجازهٔ استفاده از سهم مبارک امام زمان عليه السلام را داشته باشد، آیا باید آن‌را در مورد مشخّص هزینه نماید یا اختیار دارد بر حسب لزوم برنامه‌های حزبی، آن‌را طبق نظر مسوولان حزب هزینه کند؟

جواب: این کار بستگی به نحوهٔ اذنی دارد که آن مرجع محترم به آنها داده است.

سؤال ۱۱۷۰. آیا حزب می‌تواند برای درآمدزدایی، با تسلّط بر شریان اقتصادی جامعه جهت قدرت بیشتر و رسیدن به اهدافش، فعالیّت اقتصادی داشته باشد، یا در پروژه‌های دولتی سرمایه‌گذاری کند؟

جواب: هرگاه فعالیّت اقتصادی سالم و مشروع و مفید به حال جامعه باشد و از امتیازات ویژه‌ای در آن استفاده نکند مانعی ندارد.

سؤال ۱۱۷۱. آیا احزاب می‌توانند از اموال اوقاف عامّه جهت تامین منابع مالی استفاده نمایند؟

جواب: هرگاه مصارف وقف به گونه‌ای باشد که فعالیّتهای آنها را نیز شامل شود مانعی ندارد.

روابط حزبی

سؤال ۱۱۷۲. آیا حزب اسلامی می‌تواند جهت معرّفی حزب، بیان قابلیّت‌ها و جذب

اعضا، و منابع مالی برای مخاطبان خارجی و نیز داخلی (که می‌توانند از طریق ماهواره این برنامه‌ها را دریافت نمایند) با کانال‌های تلویزیونی برون مرزی که هم برنامه‌های مشروع پخش می‌کند و هم نامشروع، همکاری نماید؟

جواب: همکاری با آنها اشکال دارد و لازمست اهداف مطلوب خود را از طرق دیگر دنبال کنند.

سؤال ۱۱۷۳. ائتلاف با دیگر تشکّل‌های سیاسی بنابر ضرورت مقطعی اگرچه در جهان بینی و اصول عقیدتی و برنامه‌های آینده با هم اختلاف داشته باشند چه حکمی دارد؟ اختلاف در چه حد موجب اغماض و جواز ائتلاف می‌گردد؟ اگر آن حزب سابقهٔ سوء عملی یا عقیدتی داشته باشد ائتلاف جایز است؟

جواب: ائتلاف تنها در مواردی جایز است که برای پیشرفت اهداف مشروع سیاسی و اجتماعی مؤثّر باشد و اختلاف برنامه‌ها در حدّی نباشد که آثار نامطلوبی به بار می‌آورد.

سؤال ۱۱۷۴. این کار برای تحقّق چه اهدافی جایز است؟ آیا برای مقابله با حریف سیاسی که لزوما دشمن محسوب نمی‌گردد، یا برای مقابله با دشمن؟

جواب: این‌گونه ائتلاف‌ها برای مقابله با دشمنان مجاز است.

سؤال ۱۱۷۵. یک حزب اسلامی تا چه حد ملزم به رعایت احترام به مقدّسات دیگر احزاب و گروه‌های غیر اسلامی یا غیر شیعی (داخلی و خارجی) می‌باشد؟

جواب: اهانت به مقدّسات دیگران کار نامطلوبی است.

سؤال ۱۱۷۶. در ضیافت‌هایی که در خارج از کشور به افتخار هیئت ایرانی تشکیل می‌شود، برنامه هایی از قبیل موسیقی یا نمایش یا فیلم و مانند آن پیش بینی می‌شود، آیا حضور در این ضیافت‌ها با چنین برنامه‌هایی جایز است؟

جواب: تنها به مقدار ضرورت و برای اهداف مهم جایز است.

سؤال ۱۱۷۷. آیا ارتباط با حزبی که با حاکمیّت اسلامی رابطهٔ خوبی ندارد جهت ارشاد و انذار و امر به معروف و نهی از منکر جایز است؟

جواب: در صورتی که امید به تأثیر ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر وجود داشته باشد مانعی ندارد و گاه در بعضی موارد لازم است.

سؤال ۱۱۷۸. آیا ارتباط با حزبی که با حاکمیّت اسلامی رابطهٔ خوبی نداشته باشد جهت انجام کاری مشترک که حزب آن را در راستای منافع خود تشخیص داده جایز است؟

جواب: در اینجا اصل برعدم رابطه است؛ مگر این که ضرورتی ایجاب کند.

اسرار حزب

سؤال ۱۱۷۹. اگر فردی در خارج از حزب اسلامی (غیر از اعضاء) به اسرار حزب دست یافته باشد، آیا اجازه دارد به هر دلیل آن اسرار را فاش نماید؟ آیا شخصیّت شنوندهٔ اسرار تأثیری در حکم مسأله دارد؟

جواب: افشای اسرار خواه مربوط به اشخاص باشد یا احزاب جایز نیست.

سؤال ۱۱۸۰. آیا اسرار یک حزب اسلامی را می‌توان به غیر مسلمانان اطلاع داد؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۱۸۱. آیا شخصیّت شنونده یا موضوع طرح اسرار، می‌تواند توجیه کننده این اقدام باشد؟

جواب: تنها در صورتی جایز است که در مسیر اهداف حزب و برنامه‌های مجاز آن باشد.

بزرگان حزب

سؤال ۱۱۸۲. داستانسرایی و طرح قصّه‌های تخیّلی از زندگی و سیرهٔ بزرگان حزب، با هدف تبیین ابعاد شخصیّت آنها و روی‌آوردن نسل جدید به سیرهٔ آنان، چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که قرائنی بر تخیلی بودن آن وجود داشته باشد و اهداف مفیدی در نظر گرفته شود مانعی ندارد.

سؤال ۱۱۸۳. برخی از بزرگان حزب به نوعی گنجینهٔ تاریخی انقلاب محسوب می‌شوند؛ ولی از بیان خاطرات و ارائه مستندات مربوط به تاریخ انقلاب طفره می‌روند، آیا چنین اقدامی جایز است؟

جواب: در صورتی که خاطرات و تجارب آنها برای دیگران مفید باشد باید در اختیار دیگران بگذارند و این کار ریا محسوب نمی‌شود.

اخراج اعضای متخلّف

سؤال ۱۱۸۴. با توجّه به این‌که حزب در اجتماع شأن خاصّی دارد، اخراج اعضاء متخلّف از برنامه‌های حزبی بطور طبیعی موجب لطمه به موقعیّت اجتماعی آنان می‌گردد، این کار تحت چه شرایطی واجب و در چه صورتی حرام است؟

جواب: خارج کردن افراد در صورتی که بقائشان به مصلحت نباشد ممکن است به شکل استعفای شخصی صورت گیرد، تا آثار منفی نداشته باشد. البتّه در مواردی که آن شخص برای نظام اسلامی خطرناک باشد می‌توان او را آشکارا اخراج و معرّفی کرد.

سؤال ۱۱۸۵. در چه صورت اخراج عضوی از حزب توجیه شرعی پیدا می‌کند؟ (متفاوت بودن اصول عقاید و جهان بینی و عدم اتّحاد با حزب در عملکرد، یا مخالفت با عملکرد حزب و ایجاد اختلاف در صفوف حزب با توجّه به شأن حزبی و مانند آن مجوّز اخراج می‌شود؟

جواب: در مواردی که آن فرد از نظر اعتقاد یا عمل برای جامعهٔ اسلامی یا نظام اسلامی خطرناک احساس شود اخراج او ضروری است، ولی اگر فقط با عملکرد حزب مخالف است در این گونه موارد به صورت استعفا اخراج گردد.

سؤال ۱۱۸۶. اگر اعلام رسمی اخراج فردی از حزب برای جلوگیری از سوء استفاده احتمالی از آن عنوان، موجب ریختن آبروی آن عضو گردد آیا این کار برای مصلحت ذکر شده جایز می‌باشد؟

جواب: از جوابهای بالا روشن شد.

تبلیغ و تعریف

سؤال ۱۱۸۷. اگر تبلیغ یا تعریف حزب از حزب در برابر مسؤولین نظام یا حزب برای تثبیت موقعیّت سیاسی، از حد واقعیّت به حدود تبلیغات برسد، چه حکمی دارد؟

جواب: حزب اسلامی باید در تبلیغات خود نیز صادقانه عمل کند.

سؤال ۱۱۸۸. آیا می‌توان برای جلوهٔ اقتدار و انسجام و با قابلیّت بهتر تشکّل (حزب) در نزد دشمنان، غلو کرد؟ اگر این اخبار را عامّهٔ مردم (خودیها) هم بشنوند و از حزب تصوّر نادرست پیدا کنند چه صورتی دارد؟

جواب: همان‌گونه که گفتیم شایسته است حزب دربرابر دوست و دشمن صادقانه عمل کند.

مسائل دیگر

سؤال ۱۱۸۹. آیا می‌توان از ابزار موسیقی جهت تهییج افکار، تقویت روحیهٔ حماسی، تجلیل از شهدا و جلب افراد، استفاده کرد؟

جواب: استفاده از موسیقی‌هایی که مناسب مجالس لهو و فساد نباشد اشکالی ندارد ولی محلّ آن نباید مسجد و حسینیّه باشد.

سؤال ۱۱۹۰. واحد گزینش یک حزب برای گزینش افراد مؤمن و مقیّد به معتقدات حزب یا اعمال نظارت بر اعضاء از جهت حفظ معتقدات، تا چه مقدار اجازه دارد که در زندگی، سوابق و روابط آنها تحقیق کند؟ مرز بین تحقیق و تجسّس کدام است؟

جواب: به مقداری که طرف راضی باشد، یا واقعاً ضرورتی احساس شود.

سؤال ۱۱۹۱. آیا حزب می‌تواند در انتخابات، جهت ارائه چهرهٔ تبلیغاتی موردپسند مردم و رأی آوردن، شعاری را طرح کند که می‌داند یا گمان دارد که نمی‌تواند به آن عمل کند؟

جواب: حزب اسلامی حتّی در تبلیغات انتخاباتی نیز باید صادقانه عمل کند.

سؤال ۱۱۹۲. آیا حزب می‌تواند جهت جلب همکاری اعضاء و طرفداران در موضوعات

سیاسی و اجتماعی و اقتصادی، و عده‌ای دهد که احتمال عمل کردن به آن کم است؟

جواب: چنین وعده‌ای جایز نیست.

سؤال ۱۱۹۳. آیا حزب می‌تواند جهت استفاده از نیروی کار فکری، بدنی از افرادی که به مرامنامه و اساسنامه حزب متعهّد نیستند استفاده نماید؟

جواب: استفاده از نیروی کار فکری و بدنی لزومی ندارد که از افراد متعهّد به مرامنامه حزب باشد؛ بلکه از تمام افرادی که از آنان محذوری نداشته باشد می‌توانند استفاده کنند.

سؤال ۱۱۹۴. آیا حضور افراد حزب در جمع افرادی که اشتهار به مخالفت با نظام اسلامی دارند، به جهت تعامل و گفتگو و تضارب آرا و نظرات، جایز می‌باشد؟

جواب: هرگاه امید به ارشاد آنها یا تخفیف ضررها باشد مانعی ندارد.

فصل چهل و ششم: مسائل متفرقه

استخاره

سؤال ۱۱۹۵. نظر شما در مورد جایگاه استخاره (خصوصاً استخاره به قرآن) در مذهب شیعه، و میزان مشروعیّت و حجّیت آن در تصمیم‌گیری‌ها، علی الخصوص در امر حساس ازدواج، چیست؟

جواب: استخاره مربوط به جایی است که مسأله‌ای از نظر منطق عقلی حل نشود، و انسان در حیرت بماند، و حتّی با مشاوره با افراد صاحب نظر نیز به جایی نرسد. چنین موردی جای استخاره است، و روایات زیادی در مورد آن وارد شده، و اثر آن رفع حیرت و سرگردانی و ان شاء الله رسیدن به اثر مطلوب است. و ما در کتاب «القواعد الفقهیه» آخر بحث قرعه در این زمینه به طور مشروح سخن گفته‌ایم.

سؤال ۱۱۹۶. استخاره در چه مواردی مشروع است؟ عمل مطابق آن واجب است؟

جواب: استخاره در مواردی است که انسان با تفکّر و مشورت به نتیجه‌ای نمی‌رسد که در این موارد استخاره می‌کند و عمل بر طبق آن واجب نیست، ولی بی‌جهت مخالفت نکند.

سؤال ۱۱۹۷. در پی نشر کتاب‌هایی با عنوان «راهنمای استخاره» در انواع گوناگون و استعلام از این سازمان در خصوص ارائه نظر کارشناسی پیرامون انتشار این قبیل آثار، نظر حضرتعالی در این باره چیست؟

توضیح آن که این کتب شامل آیه ابتدایی از صفحات قرآن به خط عثمان طه بوده و درکنار آن اشاره به «بد» یا «خوب» بودن نتیجه استخاره و توضیحاتی دربارهٔ عواقب و یا

نتایج فعل یا ترک مورد استخاره شده است. (که استفاده از آن در سایر قرآن‌ها با توجه به تفاوت آیهٔ ابتدایی ممکن نیست) در برخی موارد نیز میان این کتاب‌ها اتفاق نظر در مورد نتیجه استخاره وجود ندارد. این کار چه حکمی دارد؟

جواب: این کار نوعی بدعت نامطلوب است و استخاره با قرآن محسوب نمی‌شود. سزاوار است مؤمنین از آن بپرهیزند و استخاره با قرآن را نزد فرد عالمی بر همهٔ اینها مقدّم بدارند.

اسراف

سؤال ۱۱۹۸. آیا مصرف کردن کمتر از یک دقیقه آب هنگام وضو اسراف به حساب می‌آید و وضو اشکال دارد؟

جواب: این مقدار اسراف محسوب نمی‌شود.

سؤال ۱۱۹۹. با توجّه به این‌که در حال حاضر امکانات بازیافت زباله برای جلوگیری از هدر رفتن سرمایهٔ ملّی و همچنین حفظ محیط زیست فراهم گردیده، آیا در این وضعیّت دور ریختن مواد قابل بازیافت (نان خشک، کاغذ شیشه، پلاستیک و فلز) اسراف محسوب می‌شود؟

جواب: اسراف محسوب نمی‌شود؛ ولی شایسته است در صورت امکان جمع‌آوری و بازیافت گردد؛ امّا اگر با وجود امکاناتی به آسانی قابل بازیافت باشد نباید آن را دور ریخت.

اعتقادیات

سؤال ۱۲۰۰. بطور روشن بفرمایید که اگر در عراق نیروهای مزدور آمریکا حرم امام علی علیه‌السلام را اشغال می‌کردند آیا این سستی مسلمانان بود یا این که خداوند متعال چنین می‌خواست؟ بطور کل می‌خواهم بفهمم که آیا ما در سرنوشت خویش شریک هستیم، یا کمک خداوند وقتی می‌رسد که ما از حریم حق و منادیان حق (مانند پیامبران و امامان علیهم‌السلام) دفاع کرده باشیم؟

جواب: اگر مسلمانان کوتاهی نمی‌کردند امثال صدام مسلّط نمی‌شدند و زمینه ورود جنایتکاران آمریکایی فراهم نمی‌گردید. ما وظیفه داریم به اندازه توانمان از مقدّسات دفاع کنیم و در این صورت خداوند نیز ما را یاری خواهد کرد.

سؤال ۱۲۰۱. آیا قاعدهٔ «فاقد شیء نمی‌تواند معطی آن باشد» کلیّت دارد؟ اگر کلیّت دارد پس خدای تعالی، چطور به ما جسم داده، خواب را در نهاد ما قرار داده، فکر کردن را به ما موهبت کرده است؟ و اگر کلیت ندارد محل اجرای این اصل، و این‌که چرا در آن جا جاری و در جاهای دیگری جاری نمی‌شود چیست؟

جواب: آری کلیّت دارد و جسم دارای کمالات و نقائصی است کمالات آن را خدا داده است و نقائص امر عدمی است که لازمهٔ ممکن الوجود بودن است.

سؤال ۱۲۰۲. آیا هر صنعت یا حالتی که در اکثر یا تمام افراد بشر یافت می‌شود، (مثل خداشناسی) فطری انسان است ؟ اگر این‌گونه است، دلیلش چیست؟

جواب: فطری بودن به این طریق روشن می‌شود که صفت یا حالتی بدون تفاوت در مکان و زمان در نسل‌های انسان وجود داشته باشد.

سؤال ۱۲۰۳. لطفاً دلیل حجّیت یقین را بیان فرمایید؟ شنیده‌ام می‌گویند: «حجّیت یقین ذاتی است» اگر منظورشان این است که یقین برای اثبات حجیّتش نیاز به دلیل ندارد دلیلشان چیست؟ و اگر می‌خواهند بگویند یقین، یقیناً حجّت است که دور یا تسلسل به وجود آید؟

جواب: تمام استدلالات علمی و فلسفی و تجربی برای این است که انسان یقین پیدا کند و بالاتر از یقین چیزی نیست. بنابراین، حجیّت یقین ذاتی است.

سؤال ۱۲۰۴. مرحوم صدوق در کتاب علل الشرایع، صفحهٔ ۴۹۱، پس از نقل حدیثی طولانی از امام باقر علیه السلام چنین نوشته است: «روز قیامت حسنات ناصبی‌ها به شیعیان و گناهان شیعیان به ناصبی‌ها داده خواهد شد». چگونه ایشان چنین روایتی که خلاف قرآن و عدالت خداست، را در کتابش آورده است؟

جواب: دادن گناهان شیعیان به ناصبی‌ها ممکن است نوعی مجازات باشد

و دادن ثواب ناصبی‌ها به شیعیان نوعی پاداش محسوب می‌شود. در مقابل اعمالی که هر دو گروه انجام داده‌اند. بنابراین، خلاف عدالت نیست.

امام حسین علیه‌السلام

سؤال ۱۲۰۵. چرا امام حسین علیه‌السلام بر سر نیزه به تلاوت قرآن مشغول شدند تا شامیان با سنگ و چیزهای دیگر به سر مبارک آن حضرت بی‌احترامی کنند؟ حکمت تلاوت ایشان بر بالای نی چه بوده است؟

جواب: اتّفاقاً تلاوت قرآن به وسیلهٔ سر بریده، که معجزه‌ای محسوب می‌شود، سبب بیداری شامیان شد و اوضاع تدریجاً دگرگون گشت.

سؤال ۱۲۰۶. وجود یک طفل شیرخوار یا یک کودک سه ساله به همراه امام حسین علیه‌السلام در جنگ به چه منظوری بوده است؟ چرا آن حضرت اهل بیت خود را به منظور تبلیغ همراه خود به کربلا آوردند؟ از یک بچه شیرخوار یا کودک سه ساله چه تبلیغی برمی‌آید؟

جواب: اتّفاقاً وجود آنها سند زنده‌ای برای مظلومیّت امام حسین علیه‌السلام و رسوایی دشمنان شد.

امام زمان (عج)

سؤال ۱۲۰۷. لطفاً به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

الف) آسیب پذیری فرهنگ چگونه انجام می‌گیرد؟

ب) با توجّه به سابقهٔ کهن اعتقادات مسلمانان نسبت به وجود و ظهور حضرت مهدی(عج) و همچنین آسیب‌پذیری این فرهنگ در زمان گذشته و حال، به نظر شما این آسیب‌پذیری از دیرباز تاکنون افزایش داشته یاکاهش؟ چرا؟

ج) شکل آسیب پذیری از گذشته تاکنون چه تغییری کرده است؟

جواب: فرهنگ مهدویّت مانند فرهنگ نبوّت و امامت ممکن است مورد سوء

استفاده سودجویان و بدخواهان قرار گیرد، و مدّعیان دروغین پیدا شوند، یا اشخاصی به بهانهٔ انتظار حضرت مهدی علیه السلام دست روی دست بگذارند و هیچ گام اصلاحی برندارند. و قرائن نشان می‌دهد که امروز این مسأله نسبت به گذشته افزایش پیدا کرده؛ زیرا نه تنها بعضی ادّعای مهدویّت می‌کنند، بلکه ادّعای دروغین به عنوان رسیدن خدمت حضرت مهدی علیه السلام یا نیابت او نیز فراوان است.

سؤال ۱۲۰۸. آیا مسلمانان امروز در ایران، حضرت مهدی علیه السلام را مانند مسلمانان دیروز ایران پذیرفته‌اند؟

جواب: آری اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام نه تنها سست نشده؛ بلکه قوی‌تر هم شده است.

سؤال ۱۲۰۹. به نظر شما چرا فیلمسازان و طرّاحان آمریکایی مهدویّت را نشانه گرفته، و سعی در بد نشان دادن چهرهٔ حضرت مهدی علیه السلام دارند؟

جواب: آنها همه چیز را نشانه گرفته‌اند و بیش از همه اصل اسلام را.

سؤال ۱۲۱۰. با توجّه به اتّهامات بی‌اساسی (همچون اتّهام تروریسم) که غرب به مسلمانان می‌زند، به ویژه مسلمانان ایران و کشورهایی که حکومت اسلامی را بر طاغوت ترجیح داده‌اند و با عنایت به این که این اتّهامات شامل رهبر و راهنمای مسلمین جهان حضرت بقیة الله علیه السلام نیز گردیده، آیا این اتّهامات جزء آسیب‌هایی که غرب در جهت جلوگیری از ترویج فرهنگ مهدویّت رواج می‌دهد به شمار می‌رود؟

جواب: آری چنین است.

سؤال ۱۲۱۱. آیا اقداماتی که غرب بر ضد مهدویّت انجام می‌دهد به دلیل گرایش مردم سایر ادیان به این دین است؟

جواب: طبیعی است که آنها از چنین مطلبی واهمه دارند و برای تضعیف مسلمانان از هر وسیله‌ای استفاده می‌کنند.

سؤال ۱۲۱۲. بعضی از مدّاحان اهل بیت علیهم السلام به موقع خواندن اشعار در مدح آقا امام زمان علیه السلام و استغاثه به آن حضرت، اشعار را به سبک سینه‌زنی می‌خوانند، و در نتیجه

مستمعین سینه می‌زنند، این امر موجب اعتراض تعدادی از دانشجویان و جوانان قرار گرفته، و می‌گویند: چه تفاوتی بین سینه زدن برای شهادت امام علی علیه‌السلام و ائمهٔ شهید و سینه زدن برای وجود نازنین قطب دایرهٔ امکان وجود دارد؟ آیا این امر موجب تمسخر شیعیان توسّط بعضی از فرق نمی‌باشد؟ نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: سینه‌زنی برای امام زمان علیه‌السلام یا تولّد سایر امامان معصوم علیهم‌السلام مناسبتی ندارد، و همان‌گونه که حضرات معصومین علیهم‌السلام فرموده‌اند شایسته است مؤمنین در مجالس عزا، عزاداری و در مجالس میلاد و جشن ابراز خوشحالی کنند.

سؤال ۱۲۱۳. می‌گویند امام زمان علیه‌السلام بعد از ظهور فقط چهارده سال عمر می‌کند! آیا این همه چشم‌انتظاری برای این مدّت کوتاه صحیح است؟

جواب: این مطلب صحیح نیست و هیچ کس از مدّت حکومت آن حضرت پس از ظهور اطّلاعی ندارد. علاوه بر این، بر فرض صحّت مطلب مذکور، آن حضرت در همان مدّت آنقدر به بشریّت خدمت می‌کند و عدالت را بسط و گسترش می‌دهد که برای تمام عمر بشریّت کافی است.

سؤال ۱۲۱۴. انسان چگونه می‌تواند نسبت به امام زمان خود عارف باشد؟ یا چگونه می‌تواند به معرفت حقیقی اهل بیت دست پیدا کند؟

جواب: مطالعه دربارهٔ مسألهٔ ولایت و صفات و تاریخ آن بزرگواران از یک سو، و پاکسازی روح و جسم از آلودگی به گناهان از سوی دیگر به این مطلب کمک می‌کند.

انتخابات

سؤال ۱۲۱۵. چنانچه انسان بداند یا احتمال قوی دهد که اگر مؤمنین با تمام توان خود در انتخابات شرکت نکنند افرادی بر مصادر حکومت خواهند نشست که اعمال خلاف شرع و مصالح حکومتی انجام و باعث ناراحتی و نارضایتی مراجع معظّم تقلید و رهبر عزیز انقلاب می‌گردند. آیا در این شرایط رأی ندادن یا ناقص رأی دادن یا عدم تحقیق جایز است؟

جواب: شک نیست که شرکت در انتخابات و تلاش برای انتخاب اصلح مخصوصاً در شرایطی که نوشته‌اید از واجبات است.

سؤال ۱۲۱۶. آیا احراز اصلح در بین کاندیداها واجب است، یا انتخاب اصلح نسبی بین کاندیداها کافی است؟ آیا انتخاب بین بد و بدتر نیز در شرایط ناچاری (در فرض سؤال) لازم می‌باشد؟

جواب: برای انتخاب اصلح باید به مقدار متعارف تحقیق کرد.

سؤال ۱۲۱۷. آیا مصلحت اندیشی در انتخاب افراد صحیح است؟ بدین معنی که انسان به کسی که ظنّ قوی، یا یقین دارد که چنانچه انتخاب گردد باعث خسارت به اسلام و امورات مملکتی می‌گردد رأی ندهد و به شخص یا گروه دیگری هم که اصلح بوده ولی انسان می‌داند رأی نمی‌آورند، رأی نداده، بلکه بر روی شخص یا گروه دیگری توافق نماید که احتمال پیروزی آنها در این صورت می‌رود. البتّه این شخص یا گروه سوم ۱۰۰٪ اصلح نبوده، لیکن مفسد و خرابکار نیز نمی‌باشند. این کار چه حکمی دارد؟

جواب: در فرض سؤال باید به گروه سوم رأی بدهند.

سؤال ۱۲۱۸. اشخاصی، اهل تحقیق نیستند و می‌گویند: «نمی‌دانیم به چه کسی رأی دهیم» و یا «همهٔ آنها مثل هم هستند». عدم شرکت آن‌ها، یا رأی دادن به صورت ناقص و سفید، یا تصادفی، یا قوم و خویشی، و یا بر اساس تنها معروف بودن اسم، یا توصیه، یا لیست دیگران چه حکمی دارد؟

جواب: با مختصر مراجعه به افراد آگاه پیدا کردن اصلح آسان است.

انرژی هسته‌ای

سؤال ۱۲۱۹. نظر به اهمیّت مسألهٔ «انرژی اتمی» در ابعاد داخلی و خارجی، متأسّفانه هنوز موضع‌گیری آشکار و روشنگرانهٔ مراجع عظام در قبال این مسأله برای ملّت شریف و مسلمان ایران چندان مشخّص نیست در حالی که قاطبهٔ مردم عطش خاصّی نسبت به شنیدن نظریّات مراجع عظام در این باره دارند. نظر حضرتعالی در مورد حدود و ثغور شرعی استفاده ایران از انرژی هسته‌ای» چیست؟

جواب: ما بارها گفته‌ایم که اسلام با هر گونه سلاح کشتار جمعی از جمله بمب اتم مخالف است و آن را جنایتی بزرگ بر ضدّ بشریت می‌داند، ولی استفاده صلح‌آمیز از این منبع انرژی مهمّ خدادادی برای همهٔ فراد بشر جایز است؛ زیرا این نیروی عظیمی است که خدا در اختیار انسان قرار داده است و دولت‌های سلطه‌گر و انحصارطلب حق ندارند استفاده از این نیروی خداداد را به خود اختصاص داده و دیگران را محروم سازند، که این هم جنایت بزرگ دیگری است.

إن‌شاءالله

سؤال ۱۲۲۰. آیا گفتن «ان‌شاءالله» در جملات و کارها ضروری و واجب است؟ مخصوصاً که پیامبر ﷺ به این امر مکلّف شده‌اند؟[1]

جواب: گفتن ان شاء الله واجب نیست، ولی یک ادب شرعی است. و اگر چنین چیزی به پیغمبر ﷺ دستور داده شده، جنبهٔ استحباب دارد.

اینترنت

سؤال ۱۲۲۱. همان‌گونه که مستحضرید شرکت‌های ارائه کنندهٔ خدمات اینترنتی از طریق تجهیزات مخابراتی و رایانه امکان دسترسی به شبکه جهانی اینترنت را فراهم می‌کنند، نظر به این که شبکه اینترنت شامل تعداد بی‌شماری پایگاه اطّلاعاتی در زمینه‌های مختلف می‌باشد، لطفاً بفرمایید:

الف) این شرکت‌ها شرعاً مسؤولیّتی در قبال دسترسی افراد به پایگاه‌های اطّلاعاتی خلاف عفّت عمومی، یا بعضاً پایگاه‌هایی که مطالب موهن علیه دین مبین اسلام منتشر می‌کنند دارند؟

ب) اساساً متولیّان این شرکت‌ها حقّ ردیابی و بررسی این که کاربران به چه نوع اطّلاعاتی دسترسی پیدا می‌کنند را دارند؟

---

۱. سورهٔ کهف، آیات ۲۳ و ۲۴.

ج) با توجّه به این که با بکارگیری برخی تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری می‌توان به طور نسبی دسترسی به برخی از اطّلاعات را محدود یا مشکل کرد، انجام این کار شرعاً چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که مطمئن باشید طرف سوء استفاده نمی‌کند و یا لااقل احتمال قوی در این زمینه بدهید مانعی ندارد، در غیر این صورت لازم است از دسترسی به این پایگاه‌های فاسد جلوگیری کنید.

بانوان و دختران

سؤال ۱۲۲۲. آیا دختر با شرط رعایت موازین اسلامی می‌تواند پسری را راهنمایی و کمک کند؟

جواب: با حفظ جهات شرعیّه اشکالی ندارد؛ مشروط بر این که مفسده‌ای بر آن مترتّب نشود و به صورت محدود باشد.

سؤال ۱۲۲۳. آیا از حدیث «خیرٌ للنساء...»[1] که از حضرت فاطمهٔ زهرا علیها السلام روایت شده استحباب پوشانیدن چهره، و عدم ورود در مسائل اجتماعی به جز مواردی که با اذن ولیّ فقیه زمان باشد، استفاده نمی‌شود؟ از احادیث دیگران چه‌طور؟

جواب: هنگامی که ضرورت‌های سیاسی و اجتماعی ایجاب کند، زنان می‌توانند با حفظ جهات عفّت وارد این صحنه‌ها بشوند. همان‌گونه که از آن بانوی بزرگ علیها السلام نیز نقل شده است.

سؤال ۱۲۲۴. آیا برای بانوان پوشیدن کفش‌هایی که صدادار است به طوری که موقع راه رفتن صدای آن را نامحرم می‌شنود، اشکال دارد؟

جواب: اشکالی ندارد؛ مگر این که مفسده‌ای بر آن مترتّب گردد.

سؤال ۱۲۲۵. در حال حاضر چه نوع مشاغلی برای زنان واجب عینی است؟

---

۱. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ابواب مقدمات النکاح، باب ۱۲۹، ح ۳.

جواب: مشاغلی که حضور همجنس در آن ضرورت دارد و به قدر کافی همجنس تربیت نشده باشد.

سؤال ۱۲۲۶. کار آرایش‌گری که زن‌ها را آرایش می‌کند و می‌داند زن آرایش کرده خود را به نامحرم نشان می‌دهد چه حکمی دارد؟

جواب: کار آرایشگری اشکالی ندارد؛ ولی اگر می‌تواند نهی از منکر کند.

سؤال ۱۲۲۷. لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) همسر آزاری از منظر فقه چیست و مصادیقش کدام است؟

ب) چه مواردی می‌تواند موجب دیه و قصاص فرد آزار دهنده شود؟

ج) با توجه به وجود اخباری مبنی بر آزار برخی زنان توسّط همسران آنها، آیا می‌توان جهت کاهش این موارد تدابیری در جهت تشدید مجازات افراد خاطی اتخاذ کرد؟

د) چه دستورات حمایتی از همسران آزاردیده در اسلام در نظر گرفته شده است؟

جواب: همسرآزاری در اسلام از بدترین گناهان است و اگر موجب جراحتی در بدن، یا حتّی سرخی و کبودی و سیاهی بدون خونریزی شود دیه‌های سنگینی دارد و چنانچه هیچ یک از اینها حاصل نشود ولی بعضی از حواس او آسیب ببیند مانند آسیب در بینایی چشم یا شنوایی گوش و مانند آن همهٔ اینها دیهٔ سنگینی دارد. و قرآن مجید ازدواج را به عنوان یک وسیلهٔ آرامش و سکون نفس برای دو همسر ذکر کرده است. بنابر این باید با محبّت و رأفت با یکدیگر رفتار کنند و هرگاه مرد با نصیحت و اندرز حاضر به ترک کار خود نباشد حاکم شرع او را تعزیر می‌کند.

بناهای خیر

سؤال ۱۲۲۸. با توجّه به وجود مساجد و حسینیّه‌ها به مقدار کافی در روستاها، و نبود سالن‌های ورزشی در این گونه روستاها، توصیه حضرت عالی نسبت به افراد خیّری که اقدام به ساخت مسجد و حسینیّه می‌کنند چیست؟

جواب: شایسته است افراد خیر علاوه بر بناهای مذهبی نسبت به بناهای رفاهی و ورزشی نیز در حدّ توان خود اقدام کنند تا جوانان به کارهای خلاف کشیده نشوند.

بیت‌المال

سؤال ۱۲۲۹. آیا کارمندان ادارات جهت شستشوی وسیلهٔ نقلیّهٔ شخصی می‌توانند از شیر آب متعلّق به اداره استفاده کنند؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۲۳۰. شخصی با خودروی خود در خیابان در حال تردّد بوده که سوخت خودرویش به اتمام رسیده و پمپ بنزین هم در نزدیکی نیست، و نیاز به کمک دارد. با توجّه به این که کار ما امدادرسانی و خدمت به مردم است، آیا در صورت موجود بودن مقداری سوخت که از بیت‌المال جهت استفاده در خودروهای آتش‌نشانی تهیّه شده می‌توان به وی داد؟ اگر پس از مدّتی آن مقدار سوخت یا قیمت آن را به بیت‌المال برگرداند چطور؟

جواب: در صورتی که وجه آن را بدهد مانعی ندارد.

سؤال ۱۲۳۱. وسایل اسقاطی در محلّ کار ما موجود است که گاهاً از پول بیت‌المال تهیّه گردیده و مورد مصرفی ندارد و دور ریختنی می‌باشد. استفاده شخصی از آن چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که مسؤولین بخواهند آن را بیرون بریزند می‌توان از آنها استفاده کرد.

بیمه

سؤال ۱۲۳۲. اینجانب می‌خواستم نظر جنابعالی را راجع به مشکل خود و مشکل تمام افرادی که شرایط مرا دارند را جویا شوم. توضیح این که: جوان ۲۶ ساله‌ای هستم که

حدود ۵/۵ سال در یکی از مؤسّسات خصوصی شهر، که از همان ابتدای کار توسّط کارفرما تحت پوشش بیمهٔ تأمین اجتماعی قرار گرفتم، استخدام شدم و با رضایت کامل از کارفرمای خود مشغول به کار هستم. ولی اکنون به علّت مشکلات عدیده‌ای که برایم پیش آمده، و در ضمن صاحب فرزند نیز شده‌ام متأسفانه نمی‌توانم ادامه کار بدهم، طیّ این مدّت هر ماهه بیمهٔ ۷٪ از حقوقمان را کسر می‌کند ۲۰٪ هم کارفرما برای تک تک پرسنل پرداخت می‌کند و ۳٪ بیمه بیکاری از من نوعی و کارفرما که جمعاً ۳۰٪ کلّ حقوق می‌شود توسط بیمه دریافت می‌گردد. که در حال حاضر ماهی حال سؤال من اینجاست الآن شرایط من طوری شده است که مجبور به استعفا از کارم شده‌ام. هیچ مبلغی از ذخیرهٔ بیمهٔ بیکاری شامل من نمی‌شود؟ قانون کار تأمین اجتماعی می‌گوید اگر کارگری توسّط کارفرما اخراج شود به ایشان بیمه بیکاری تعلّق می‌گیرد. کارفرما می‌گوید حالا که شما می‌خواهید استعفا بدهید بیایید ما شما را به عنوان اخراجی به تأمین اجتماعی معرّفی کنیم مشکل مالی شما هم حل شود. آیا می‌توانم چنین کاری کنم؟

جواب: این کار نوعی تقلّب محسوب می‌شود و درآمد حاصل از آن جایز نیست. کسی که به میل خود کارگاه مناسبی را رها می‌کند و بیکار می‌شود نباید از حقّ بیکاری استفاده کند والاّ بسیاری از کارگران ممکن است ترجیح دهند کار خود را رها کرده، و مدّتی از پول بیمهٔ بیکاری استفاده کنند.

سؤال ۱۲۳۳. شرکتی در جهت پیشبرد و توسعه طرح‌های نوین بیمه‌ای پیشتاز بوده، و در این راستا جهت صدور بیمه مسؤولیّت سگ‌های آموزش دیده و تربیت شده، در قبال خطر ناشی از حادثه و بیماری، نیازمند مجوّز شرعی آن مقام محترم می‌باشد. ضمناً سگ‌های آموزش دیده و تربیت شده جهت امور صلح‌آمیز و عام المنفعه، از جمله سگ‌های زنده یاب، سگ‌های موادیاب، و نگهبان کاربری دارند که در سازمان‌های مختلف از جمله نیروی انتظامی و هلال احمر و مانند آن مورد استفاده قرار می‌گیرند. بیمه کردن این نوع حیوانات شرعاً چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه سگی باشد که دارای فایده عقلایی باشد بیمه آن مانعی ندارد.

بهداشت

سؤال ۱۲۳۴. همان طورکه مستحضرید جاری شدن فاضلاب‌های خانگی در معابر عمومی، به ویژه نواحی حاشیه‌ای شهرهای بزرگ، یکی از معضلات مهمّ بهداشتی در این نقاط می‌باشد. که به پنج مورد آن اشاره می‌شود:

الف) فاضلاب‌های جاری شده محلّی برای رشد میکروب‌های بیماری‌زا همچون وبا، تیفوئید و مانند آن می‌باشد.

ب) تماس کودکان معصوم با این فاضلاب‌ها، منجر به بیماری‌هایی همچون عفونت‌های روده‌ای، بیماری‌های انگلی و نهایتاً منجر به اختلال در رشد کودکان و هزینه‌های درمانی برای خانواده‌ها می‌گردد.

ج) وجود فاضلاب‌های جاری ولجن‌های ناشی ازآن منجر به‌تکثیر حشرات، بویژه پشه و بیماریهای منتقله از این طریق، و نیز تولید گازهای بدبو بویژه در فصل گرما می‌گردد.

د) وجود این فاضلاب‌ها منجر به تخریب آسفالت خیابان‌ها و وارد شدن خسارت به بیت‌المال می‌گردد.

هـ) وجود این فاضلاب‌ها و ترشّح آن بر اثر عبور وسایل نقلیّه به لباس عابرین منجر به وارد شدن اشکالاتی در مسائل شرعیّه نمازگزاران می‌گردد. با توجّه به آموزش‌های داده شده از طریق بهداشت، رسانه‌های عمومی، ائمّهٔ جماعات و مانند آن، متأسّفانه هنوز مشکلات فوق در بسیاری از نواحی مشاهده می‌شود. نظر حضرتعالی در این مورد چیست؟

جواب: با توجّه به این که وجود این فاضلاب‌ها در معابر سبب ضررهای قابل ملاحظه‌ای به مسلمین می‌شود به علاوه سبب آلودگی‌های شرعی می‌گردد، بر همه واجب است از این کار بپرهیزند.

پناهندگان

سؤال ۱۲۳۵. درآمد برخی از پناهندگان کشورهای غربی کفایت هزینه‌های آنها

و خانواده‌هایشان را نمی‌کند؛ بدین جهت بدون اطّلاع دولت مشغول به کاری در آن کشور می‌شوند، که این کار را کار سیاه می‌نامند. چون اگر دولت متوجّه شود که آن شخص قدرت کارکردن دارد، حقوق پناهندگی‌اش را قطع می‌کند. نظر شما در این مورد چیست؟

جواب: با توجّه به این که مفاسد زیادی بر این کار مترتّب می‌شود جایز نیست.

سؤال ۱۲۳۶. برخی از مسلمانان ساکن کشورهای غربی، گرفتن اموال مردم آن کشورها را، بخاطر این که دولتشان کافر است، جایز می‌دانند.

نظر شما در این مورد چیست؟

جواب: با توجّه به مفاسد زیادی که بر این کار مترتّب می‌شود، این کار جایز نیست.

سؤال ۱۲۳۷. بعضی از مسلمانان ساکن کشورهای غیر اسلامی، همسران خود را طلاق رسمی (نه شرعی) می‌دهند، و سپس در کنار هم زندگی می‌کنند و هدف آنها از این کار استفاده از مزایایی است که برای زنان بی‌شوهر است، با توجّه به این که اگر دولت آن کشور بداند که چنین جدایی صوری است مزایایی در اختیار آنان نمی‌گذارد، این کار چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست که مسلمانان دست به چنین کارهایی بزنند.

تذکر

سؤال ۱۲۳۸. چنانچه سخنران به هنگام سخنرانی در نقل آیه‌ای از قرآن، یا روایتی از معصومان علیهم‌السلام، یا مسألهٔ شرعی، یا حادثه تاریخی، یا شعر، و مانند آن خطا کند. آیا برای شنوندگان جایز است در همان حال به او تذکّر دهند؟ اگر این کار سبب تحقیر شخصیت سخنران گردد چه حکمی دارد؟

جواب: این کار جایز نیست؛ مخصوصاً در صورتی که موجب هتک حرمت و تحقیر او گردد. ولی می‌توان پس از پایان سخنرانی با زبان خوش به او تذکّر داد.

ترور

سؤال ۱۲۳۹. در سال‌های اخیر ترور و ترس ناشی از آن وجدان ملل و اندیشهٔ دول جهان را به خود مشغول کرده است. در این میان دشمنان اسلام و مسلمین با بهره‌گیری از شبکه‌های گستردهٔ تبلیغاتی و چاپ و نشر هزاران کتاب و مجلّه تلاش کرده و می‌کنند که مکتب مقدّس اسلام را دین ترور و خشونت علیه انسان‌های بی‌گناه و مخالفین خود معرفی کنند. با توجّه به مطلب فوق: آیا در مکتب نورانی اسلام و منطق دین خاتم‌الانبیاء علیهم‌السلام ترور و تروریسم به مفهوم کشتن انسان‌های بی‌گناه و ایجاد ترس و وحشت در جوامع انسانی برای نیل به اهداف سیاسی و غیر سیاسی به طور پراکنده و مخفیانه قابل قبول می‌باشد؟

جواب: اسلام به هیچ وجه ترور را تأیید نمی‌کند، بلکه همواره از کشتن انسان‌های بی‌گناه و ایجاد ترس و وحشت در جوامع انسانی نهی کرده است؛ حتّی ترور کردن افراد مخالف نیز ممنوع است.

تعطیلات

سؤال ۱۲۴۰. زمانی که سخن از کاهش تعطیلات رسمی در مجلس مطرح بود مخالفت جنابعالی را در روزنامه‌ها خواندم. می‌خواستم عرض کنم تعطیل نبودن کشور در بعضی از اعیاد و وفیات، دلیل بر اهمیّت ندادن به مقام ائمّه علیهم‌السلام نیست و هیچ کس از ارادتش به امام کم نمی‌شود. مگر نمی‌شود روز سرکار بود و عصر مجلس عزا یا جشن گرفت؟

جواب: مشکل، مشکل مجلس عزا و جشن نیست، مشکل اینجاست که روزهایی به این نام در کشور نامیده شده، که اگر تغییر داده شود نوعی هتک و اهانت محسوب می‌شود.

تقویت اراده

سؤال ۱۲۴۱. بارها تصمیم به ترک گناه گرفته‌ام ولی عهد و پیمان خود را که با خداوند

و آقا امام زمان بسته‌ام، متأسّفانه شکسته‌ام، لطفاً بفرمایید:

راه تقویت اراده، یا بهتر بگویم به وجود آوردن اراده چیست؛ چون احساس می‌کنم در وجود من چیزی به نام اراده وجود ندارد؟

جواب: کتاب خوبی به نام «راه غلبه بر نگرانی‌ها» زیر نظر ما منتشر شده، آن را مطالعه نموده و دستوراتش را به کار بندید ان شاء الله مشکل حل می‌شود.

تکامل

سؤال ۱۲۴۲. اینجانب از پاسخ سؤالی درمانده‌ام و کسی را بهتر از شما برای پاسخ‌گویی به آن نیافتم. لطفاً مرا راهنمایی کنید:

اگر ما در جهان مادّی زندگی می‌کنیم و به تدریج کامل می‌شویم، در آخرت که به کمال رسیده‌ایم و با جسم مادّی هستیم چگونه کامل می‌شویم؟

چطور گیاهان و حیوانات از بین می‌روند در حالی که باید به کمال برسند؟ چطور (طبق نظریهٔ دانشمندان) روز به روز از نور خورشید کم می‌شود در حالی که باید به کمال برسد؟ چطور در روز قیامت همهٔ آفرینش به حال اول باز می‌گردد؟ چطور خداوند این جهان را از نیستی به هستی آورد، همان‌گونه که می‌فرماید: «واذا قضی امراً فانّما یقول له کن فیکون»، در حالی که باید بتدریج به وجود بیاید؟

جواب: جمادات تدریجاً جزء اندام گیاه می‌شوند و از این طریق تکامل می‌یابند و گیاهان در بدن حیوانات جذب می‌شوند و تکامل می‌یابند و حیوانات جزء بدن انسان می‌شوند و تکامل جدیدی می‌یابند و نور آفتاب نیز در همین مسیر قرار دارد یعنی جزء بدن گیاهان و حیوانات و انسان می‌شود و انسان بعد از مرگ در سایهٔ اعمالی که داشته به تکامل خود ادامه می‌دهد.

تکدّی‌گری

سؤال ۱۲۴۳. کمک کردن به افراد به ظاهر فقیر، که گدایی می‌کنند و آن را به صورت یک

شغل برای خود انتخاب کرده‌اند چه حکمی دارد؟ اینجانب به این گونه افراد کمک نمی‌کنم؛ و دوست دارم برای انجام دستورات پروردگار، زمانی که خداوند از نعمت‌های خود، روزی به من عطا فرمود، به خانواده نیازمند با آبرویی کمک کنم. نظر شما در این مورد چیست؟

جواب: در صورتی که یقین نداشته باشید بی‌نیاز هستند کمک به آنها اشکال ندارد و در هر حال کمک به افرادی که یقین به فقر و نیاز آنها دارید بهتر است.

تهذیب نفس

سؤال ۱۲۴۴. در راه شناخت خویشتن و حقیقت وجود، تلاش و جهد بسیار کردم و آنچه را که از مکاتب عقلی و فلسفی خواندم و شنیدم، مخالف چیزی بود که تجربه کردم. آنها را فاقد ارزش و سنگینی توشهٔ راه یافتم. کدام علم است که می‌تواند معرفت به خویشتن را در درون ایجاد کند و زوایای ناشناختهٔ وجود را شناسایی کرده، و درون را تصفیه نماید.

به مطالعهٔ سبک عرفای قدیم پرداخته و راز مستی شبانه‌شان را در هر کوی و برزن جستجو کردم. مطالعهٔ سرگذشت آنها یک نکتهٔ بارز را نشان می‌داد که آن مسافرت‌های متعدّد به سرزمین هندوستان، بهره‌جویی از معرفت و عرفان بزرگان طریقت آن سرزمین بود و گواه این امر تشابهات زیادی است که بین عرفان اسلامی و هندی وجود دارد گویی یک روحند در دو کالبد.

در میان مکاتب توحیدی هند، یوگا از اهمیّت و مشترکات فوق العاده‌ای برخوردار است که اکنون به صورت یک علم مستقل درآمده و در دانشگاه‌های آن کشور تدریس می‌شود، ولی متأسّفانه در کشور ما تربیت بدنی متولّی گسترش و آموزش این علم شده که آن را به فساد و تباهی کشانده، و در حد بازی‌های کودکانه آن را تنزیل داده و عده‌ای را گمراه کرده است. نظر حضرتعالی در خصوص این طریقت و شناخت نفس و ابعاد وجود از طریق تعالیم بزرگان این علم چیست؟

جواب: ما بهترین راه را برای تهذیب نفس و عرفان صحیح در تعالیم قرآن و دستورات پیشوایان اسلام مخصوصاً پیامبر اکرم و علی علیهما السلام داریم. نیازی نیست که دست به سوی برنامه‌های دیگران دراز کنید.

ثروت اندوزی

سؤال ۱۲۴۵. با توجّه به این که انباشت ثروت نزد افراد سرمایه‌دار موجب تأثیر نامطلوب بر اقتصاد کشور و بروز شکاف طبقاتی در جامعه می‌شود، و با عنایت به نهی شرع مقدّس نسبت به کنز و انباشت ثروت و توصیه به انفاق و توجّه به حقوق افراد محروم جامعه، انباشت ثروت در اسلام چه حکمی دارد؟

جواب: انباشت ثروت (کنز) در جایی است که ثروت در گردش و معامله نباشد. بنابراین کسانی که ثروت زیادی دارند و مردم از آن بهره‌مند می‌شوند، از طریق تولید کار (مانند مراکز صنعتی و کشاورزی و دامداری) یا گذاردن آن در بانک‌ها که بانک روی آن فعالیّت اقتصادی می‌کند و نیز مالیات عادلانه‌ای که به بیت المال می‌پردازند به شرط این که ثروت خود را به خارج نبرند و استفاده‌های سه‌گانه فوق از آنها بشود کنز محسوب نمی‌شود.

جرائم

سؤال ۱۲۴۶. با توجه به جرائم فراوانی که در جوامع انسانی به وقوع می‌پیوندد، و اجماع جامعه جهانی بر مبارزه با جرم و گناه، نظر حضرتعالی در مورد ضرورت تعیین روزی به عنوان (روز جهانی بدون جرم) چیست؟

جواب: اگر قابل عمل باشد ولو به طور نسبی پیشنهاد بسیار خوبی است. و به گفتهٔ امیرمؤمنان علی علیه السلام چنین روزی روز عید برای مردم محسوب می‌شود.[1]

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۴۲۸.

جمکران

سؤال ۱۲۴۷. چاپ عریضهٔ جمکران، وعریضه انداختن در چاه آن چه حکمی دارد؟

جواب: بهتر آن است که در شرایط فعلی به جای نوشتن عریضه، انسان سحرگاهان بیدار شود نماز شب بخواند سپس به ساحت قدس آن حضرت توسّل جوید.

جنگل‌ها

سؤال ۱۲۴۸. در سال‌های ۴۱ و ۴۲ به دستور شاه خائن جنگل‌ها ملّی اعلام شد، که این امر با مخالفت مراجع محترم آن زمان مواجه گردید. تکلیف عدّه‌ای از مردم دامدار و جنگل‌نشین که قبل از ملّی شدن، جنگل‌ها را با فروش دام‌های خود خریداری کرده بودند و سند مالکیت ثبت شده داشتند چیست؟ در حالی که الان به دستور دولت محترم و خدمتگذار جمهوری اسلامی ایران برای سازمان جنگلبانی سند مالکیّت صادر می‌شود. نظر جنابعالی در این مورد چیست؟ و مبلغی که آن زمان جنگل‌نشینان بابت خرید پرداخت نموده‌اند چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی معاملهٔ جنگل صحیح است که کاری روی آن انجام شده باشد؛ مثل این که حصارکشی شود. و در این صورت در زمان حکومت اسلامی تنها با اجازه حکومت می‌توان آن را خرید و فروش کرد و در غیر آن زمان یعنی زمان طاغوت معامله افراد با شرطی که در بالا گفتیم مانعی نداشته است.

جن

سؤال ۱۲۴۹. برادر ۲۱ ساله‌ام با داشتن همسر، مورد آزار روحی و جسمی از طرف موجودی که خود را زادهٔ شیطان و جن می‌نامد و تقاضای همبستر شدن با او را دارد قرار می‌گیرد. با وجود تماس با کسانی که ادّعای اهل فن بودن را داشته‌اند و نیز مراجعه به روحانیون محترم همگی فقط به دادن دعا اکتفا کرده‌اند که کارساز نبود، و لذا پس از یک

سال و نیم که از این موضوع می‌گذرد نه تنها بهتر نشده؛ بلکه هر زمان دعایی را انجام می‌دهیم بدتر هم می‌شود. چه کنیم؟

جواب: راه قطعی نجات برادرتان این است که به این خیالات واهی اصلاً اعتنا نکند؛ زیرا اجنّه نه به او کاری دارند و نه می‌خواهند با او همبستر شوند؛ فقط خیال و توهّم است. در ضمن اگر کتاب «راه غلبه بر نگرانی‌ها» را که مقدّمه‌ای از ما بر آن است مطالعه کرده و به آن عمل کند انشاءالله نجات خواهد یافت.

حجامت

سؤال ۱۲۵۰. حجامت کردن تحت نظر افرادی که در این زمینه آموزش دیده‌اند چه حکمی دارد؟

جواب: حجامت برای کسانی که آمادگی جسمانی دارند زیر نظر افراد متخصّص کار شایسته‌ای است.

سؤال ۱۲۵۱. از آنجاکه در حجامت زخم ایجاد می‌شود و در صورت رسیدن آب به زخم ممکن است عفونت یا جراحتی ایجاد شود، نماز خواندن با آن چه حکمی دارد؟

جواب: در فرض سؤال حکم جروح و قروح دارد و مادام که زخم برطرف نشده می‌توان با آن نماز خواند؛ ولی خون آن در هر حال نجس است.

حدیث

سؤال ۱۲۵۲. منظور از حدیث «العبودیة جوهر کنهها الربوبیة»[1] چیست؟

جواب: منظور از روایت فوق این است که انسان بر اثر بندگی خدا کارش به جایی می‌رسد که خداوند به او قوّت و قدرت تصرّف در بعضی از کائنات می‌دهد و کراماتی به دست او ظاهر می‌شود.

---

۱. مصباح الشریعة، ص ۷.

سؤال ۱۲۵۳. آیا این مطلب صحّت دارد که علی علیه‌السلام فرموده: «معرفتی بالنورانیّة معرفة الله، ومعرفة الله معرفتی بالنورانیّة» یعنی «چون شناسایی خداوند برای بشر بدون شناسایی در مظهر ممکن نیست، حضرت بطریق حصر فرموده که معرفت من بنورانیت منحصر است به معرفت خدا، و معرفت خدا منحصر است به معرفت من بنورانیت»؟ اگر صحیح است، معنای آن چیست؟

جواب: اوّلاً: چنین حدیثی را در منابع معتبر ندیده‌ایم. و ثانیاً: مفهوم حدیث آن نیست که نوشته‌اید؛ بلکه اشاره به معرفت خود حضرت است که می‌فرماید: من خدا را با نورانیت آثار و صفاتش شناختم و شناخت خدا باید، همچون شناخت من از طریق معرفت نورانیّت آثار و صفات باشد.

سؤال ۱۲۵۴. نظرتان در مورد حدیث زیر، که از امام صادق علیه‌السلام نقل شده، چیست؟

در وقت تکبیرة الاحرام نماز، پیامبر خدا را بیاد بیاور و یکی از امامان را پیش چشم خود قرار بده (و اجعل واحداً من الائمّه نصب عینیك) اگر صحّت دارد معنی آن چیست؟

جواب: این قبیل روایات اعتباری ندارد و این گونه تفسیرها نوعی شرک است و از انحرافات بعضی از فرق منحرف صوفیّه است.

سؤال ۱۲۵۵. لطفاً معنای حدیث زیر را توضیح دهید:

قال ابوعبدالله: یا أبا عبدالله (عنوان البصری)! لیس العلم بالتعلّم إنّما هو نور یقع في قلب من یرید الله تبارك وتعالی أن یهدیه، فإن اردت العلم فاطلب أولاً فی نفسك حقیقة العبودیة، واطلب العلم باستعماله واستفهم الله یفهمك، قلت (بصری) یا شریف! فقال؛ قل: یا أباعبدالله. قلت: یا أبا عبدالله، ما حقیقة العبودیة؟ قال: ثلاثة أشیاء: أن لا یری العبد لنفسه فیها خوّله الله ملکاً لأن العبید لا یکون لهم ملك یرون المال مال الله یضعونه حیث أمرهم الله به ولا یدبّر العبد لنفسه تدبیراً وجملة اشتغاله فیما أمره تعالی به ونهاه عنه. فإذا یر العبد لنفسه فیما خولّه... تا آنجا که می‌گوید فهذا اوّل درجة التّقی».[1] توضیح امام علیه‌السلام فقط دربارهٔ عاقبت أمر است دربارهٔ خود مطلب صحبتی نکرده و شاید بنده نمی‌فهم شما توضیح دهید و اگر می‌شود یک راه کار عملی (نه نظری) بیان فرمایید.

---

۱. بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۲۵، ح ۱۷.

جواب: علم انواع و اقسامی دارد: علومی است که باید با تعلیم و تعلّم آن را فرا گرفت و در آیات و روایات دستور داده شده است (مانند آیهٔ نفر[۱] و آیهٔ فاسئلو اهل الذکر[۲]) و علومی است که با نورانیت قلب به الهام الهی حاصل می‌شود و آن را از طریق تهذیب نفس می‌توان بدست آورد.

حدیث کساء

سؤال ۱۲۵۶. نظر مبارک دربارهٔ صحّت سند حدیث شریف کسا چیست؟

جواب: اصل حدیث کسا و اجمال آن به صورت متواتر از طریق شیعه و اهل سنّت نقل شده و جای گفتگو نیست؛ امّا حدیث کسای مفصّل و مشهور، سند معتبری ندارد؛ هر چند قرائت آن به قصد رجا اشکالی ندارد.

حضرت رقیه

سؤال ۱۲۵۷. اینجانب چند سال پیش به نوشته‌ای که ظاهراً در عربستان سعودی چاپ و در مناطق سنی‌نشین ایران پخش شده بود دست یافتم که در آن به موضوع عدم وجود دختری به نام رقیه برای امام حسین علیه‌السلام اشاره کرده و عنوان نموده بود: علیرغم این که چنین دختری برای امام علیه‌السلام حتّی در منابع معتبر شیعی نقل نشده، روحانیّون شیعه برای تحریک احساسات مردم و بازداشتن آنها از درک حقایق و واقعیّت‌ها چه داستانهایی درست کرده و حتّی گنبد و بارگاه برای یک شخص موهوم ساخته و مردم را به زیارت آن می‌فرستند! و سپس در قالب سؤالی چنین عنوان کرده بود: آیا از روحانیون شیعه بعید است که واقعیّت‌های تاریخی از جمله حقایق بعد از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را تحریف کرده و مسلمان‌ها را به تفرقه بکشانند!! نظر حضرتعالی در این مورد چیست؟

جواب: وهّابی‌ها از پیشرفت شیعه در جهان، مخصوصاً پس از انقلاب اسلامی

---

۱. سورهٔ توبه، آیهٔ ۱۲۲.

۲. سورهٔ نحل، آیهٔ ۴۳ و سورهٔ انبیاء، آیهٔ ۷.

ایران و پیروزی حزب الله لبنان، به وحشت افتاده‌اند. آنها نه تنها مسألهٔ حضرت رقیه را انکار می‌کنند که داستان غدیر با آن روشنی و تواتری که دارد را نیز منکرند. حدیث ثقلین با این که از واضحات است نیز انکار و گاه تحریف کرده‌اند. کتابهایشان را که مملّو از مطالبی به نفع شیعه است در چاپ‌های جدید تغییر داده‌اند بنابراین مشکل آنها با ما مشکل حضرت رقیه نیست. امّا دربارهٔ وجود دختری از امام حسین علیه‌السلام به نام حضرت رقیه (یا به هر نام دیگر) روایاتی نقل شده است می‌توانید به کتاب قصّهٔ کربلا نوشتهٔ آقای نظری منفرد و کامل مرحوم بهایی و دیگر کتب مراجعه کنید.

حقوق

۱. حق ارتفاق

سؤال ۱۲۵۸. کوچه‌ای در منطقهٔ مسکونی شهری طبق اسناد رسمی و مالکیّت و نقشه تفصیلی شهری بیش از ۵۰ سال محلّ عبور و مرور و تردّد ساکنین و اهالی قرار داشته و دارد و نزدیکترین راه دسترسی به خیابان اصلی (طبق نظریه کارشناس دادگستری) می‌باشد. آیا ساکنین کوچه جهت تردّد و عبور و مرور دارای حقّ ارتفاق در کوچه می‌باشند؟ آیا کسی حقّ ممانعت از عبور و مرور را دارد؟

جواب: کسی نمی‌تواند مانع عبور و مرور از شارع عام شود. مگر این که شرایط ایجاب کند که به جای آن شارع دیگری در اختیار مردم بگذارند.

۲. حقّ التألیف

سؤال ۱۲۵۹. در صورتی که نویسنده‌ای در نوشتهٔ خود، از مطالب نویسندهٔ دیگری استفاده کند، ولی به مأخذ و نویسندهٔ اوّلیّهٔ مطالب، هیچ اشاره‌ای ننماید، چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه مطالب گسترده‌ای باشد اشکال دارد.

۳. حقّ الطبع

سؤال ۱۲۶۰. دبیران به دانش‌آموزانی که در کلاس‌های کنکور شرکت می‌کنند، جزواتی را که خودشان تألیف کرده‌اند می‌فروشند، امّا به طور آزاد در اختیار عموم قرار نمی‌دهند. آیا شخصی که در این کلاس‌ها شرکت می‌کند یا شخصی که قبلاً کلاس می‌رفته می‌تواند این جزوات را در اختیار دیگران قرار دهد، تکثیر این جزوات چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه شرط خاصّی به هنگام فروش جزوات در میان نبوده فروش آن جزوات اشکالی ندارد، ولی تکثیر آن بدون اجازهٔ معلّم جایز نیست.

۴. حقّ فرزند

سؤال ۱۲۶۱. کودکان به علّت کوچک بودن و کامل نشدن اندام‌ها و قوای روانی، از نظر جسمی و روحی و روانی بسیار آسیب‌پذیرند. و متأسّفانه گاه دیده شده که والدین و سرپرستان این کودکان، آنان را از نظر روحی و جسمی مورد آزار و اذیّت قرار می‌دهند. به عنوان نمونه والدین با ضرب و جرح یا پرخاشگری‌ها و فحش و دشنام، علاوه بر ایجاد مشکلات جسمی و روحی برای آنان، باعث می‌شوند این کودکان آزار دیده، در آینده و دوران بزرگسالی عقده‌های دوران کودکی خود را بر سر خانواده و جامعه تخلیه کنند. با توجّه به توضیحات فوق الذکر، نظر حضرتعالی در مورد این گونه رفتارهای والدین چیست؟

جواب: پدر و مادر حق ندارند کودکان خود را مورد اذیّت و آزار قرار دهند. و تنبیه بدنی جز در موارد ضروری اشکال دارد.

۵. حقّ کپی رایت

سؤال ۱۲۶۲. لطفا به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱. حکم تکثیر هر یک از موارد زیر در صورتی که صاحبان آن اجازه نداده باشند چگونه است؟

الف) کتاب یا هرگونه مطلب یا نوشته.

ب) نوارهای کاست صوتی یا ویدئویی.

ج) سی دی‌های (CD) صوتی، تصویری یا نرم‌افزار.

جواب: جایز نیست، مگر این که صاحبان اجازه دهند.

۲. در هر یک از موارد مندرج در بند یک چنانچه صاحب امتیاز، از هر یک از عبارات زیر بر روی محصول خود استفاده کند، آیا فرقی در کیفیّت حکم می‌نماید؟

الف) کلیه حقوق این اثر محفوظ می‌باشد.

ب) هرگونه تکثیر شرعاً حرام و موجب پیگرد قانونی خواهد بود.

ج) هرگونه تکثیر جزئی یا کلّی یا قسمتی از آن مجاز نمی‌باشد.

د) حقّ تکثیر محفوظ می‌باشد.

ه) کلیه حقوق متعلّق به شرکت فلان می‌باشد.

و) استفاده کنندگان اخلاقاً موظّفند فلان مبلغ به فلان حساب واریز نمایند.

جواب: تنها قسمت واو جایز است.

۳. آیا کپی به تعداد یک یا چند عدد محدود، آن هم به طور شخصی و نه به قصد فروش، در هر یک از موارد مندرج در بند یک، معنی تکثیر دارد؟

جواب: اشکال دارد.

۴. در هر یک از موارد مندرج در بند یک، چنانچه ماهیّت آن تغییر نماید حکم چگونه است؟ به عنوان مثال نوار کاست بر روی کامپیوتر ذخیره و سپس به صورت سی دی تکثیر شود، یا از روی کتاب عکسبرداری شده یا اسکن گرفته شود و سپس با سی دی تکثیر گردد.

جواب: فرق نمی‌کند.

۵. در هر یک از موارد مندرج در بند یک، چنانچه بخش یا بخش‌هایی از آن، کپی، یا تکثیر شود حکم چگونه می‌باشد؟ به عنوان مثال از یک سی دی نرم‌افزار، عکس‌های داخل آن یا صداهای آن کپی و بعد تکثیر گردد؟

جواب: اگر موارد محدودی باشد مانعی ندارد.

۶. حقوق معنوی

سؤال ۱۲۶۳. آیا حقوق معنوی، همانند حقّ تألیف، یا حقّ اختراع و یا حقّ اکتشاف از نظر شرع هم پذیرفته است؟ به عبارت دیگر، آیا برای امور معنوی هم مالکیّت تصوّر می‌شود، یا در ملکیّت، ناگزیر باید عینی خارجی وجود داشته باشد؟ آیا شخصیّت حقوقی، بسان شخصیّت حقیقی می‌تواند مالک چیزی شود؟

جواب: مالکیّت معنوی که در عرف عقلا به رسمیّت شناخته شده، مانند حقّ تألیف و حقّ اختراع و مانند آن از نظر ما شرعاً معتبر است و تعدّی نسبت به آن جایز نیست و ضمان‌آور می‌باشد و شخصیّت حقوقی همانند شخصیّت حقیقی می‌تواند مالک چیزی شود.

۷. حقّ الناس

سؤال ۱۲۶۴. آیا هر امری که موجب حق الناس شود معصیت هم هست؟ مثلاً در رانندگی حق تقدّم را رعایت نکند و طرف مقابل معطّل شود، یا در خانه بلند صحبت کند، یا صدای تلویزیون بلند کند که موجب آزار و اذیّت همسایه شود؟

جواب: در مواردی که موجب آزار و اذیّت قابل توجّهی شود هم حق الناس است هم معصیت، ولی مواردی وجود دارد که حقّ الناس از معصیت جداست مانند موارد سهو و نسیان در موارد اتلاف اموال دیگران که حقّ الناس است، ولی معصیت نیست.

۸. حقّ همسایه

سؤال ۱۲۶۵. در مجموعه آپارتمانی که زندگی می‌کنیم (۸ واحد مسکونی) یکی از خانواده‌ها مدّتهاست علاوه بر این که از پرداخت سهم برق عمومی، آب، گاز، نظافت و مانند آن (حقّ شارژ) خودداری می‌نماید گاهی اوقات نیز موجبات سلب آسایش همگان را فراهم می‌آورد، در این رابطه سؤالاتی به شرح زیر مطرح است:

الف) شرع در این‌گونه موارد چه حکمی صادر می‌کند؟

ب) از نظر شرعی چگونه با ایشان برخورد شود؟

ج) عرف جوامع دینی در این گونه موارد چگونه می‌باشد؟

جواب: ایجاد مزاحمت برای همسایگان حرام است همان‌گونه که نپرداختن سهم برق و آب و گاز و نظافت و مانند آن حرام و تجاوز به حقوق دیگران محسوب می‌شود.

سؤال ۱۲۶۶. کوچه‌ای است که اختصاص به دو خانه مسکونی دارد. یکی از آن دو خانه، که وسعت زیادی دارد، مقداری از زمین خود را در اختیار شخص ثالثی قرار می‌دهد تا خانه‌ای بسازد و دری به کوچه اختصاصی باز کند. آیا اجازهٔ صاحب خانه دیگر لازم است؟

جواب: احتیاط آن است که از صاحب‌خانهٔ دیگر اجازه بگیرد، یا راه آن خانه را نیز از طریق درب خانهٔ خود قرار دهد.

سؤال ۱۲۶۷. در منطقهٔ ما (شمال پاکستان) بحمدالله درختان میوهٔ زیادی وجود دارد و شاخ و برگ آنها بیشتر از حدّ معمول، از زمین شخص بیرون می‌رود، و میوهٔ آن در زمین‌های مجاور می‌افتد. نظر به این که اکثر صاحبان زمین‌های مجاور، به دلیل خراب شدن میوه‌ها و محصولات خود، راضی به رفتن به زمینشان و استفاده از میوه‌های افتاده نیستند، چه باید کرد؟

جواب: بهتر آن است که به شکلی در بین خود سازش کنند.

سؤال ۱۲۶۸. اگر درخت همسایه فضای هوائی منزل ما را اشغال کند و شاخ و برگ آن در منزل ما باشد، حکم میوه آن درخت چیست؟

جواب: میوه متعلّق به صاحب درخت است؛ ولی صاحب منزل حق دارد از صاحب درخت بخواهد آن شاخه‌ها را قطع کند، یا به نوعی مصالحه کنند.

سؤال ۱۲۶۹. هرگاه شاخه درخت شخصی وارد ملک همسایه شود، امّا ایجاد خطر نکرده و ضرری برای او نداشته باشد، آیا همسایه می‌تواند از صاحب درخت قطع آن را

بخواهد؟ و در صورت امتناع صاحب درخت از عطف و عدم دسترسی به حاکم، آیا خودش می‌تواند شاخه درخت را قطع نماید؟

جواب: حق دارد از صاحب درخت بخواهد که آن را از ملک او بیرون ببرد، یا مال الاجاره آن را به او بپردازد.

سؤال ۱۲۷۰. چنانچه دیوار شخصی به سمت ملک همسایه متمایل شده باشد، امّا به دلیل غیر مسکونی بودن ملک و مانند آن، خطری متوجّه همسایه نبوده و ضرر بالفعلی نیز نداشته باشد، آیا همسایه حقّ خراب کردن دیوار را در صورت امتناع صاحب دیوار از تعمیر آن دارد؟ (البته در فرض عدم دسترسی به حاکم شرع).

جواب: آری چنین حقّی دارد، ولی سعی کند مشکل را با مدارا حل کند.

احکام حقوق

سؤال ۱۲۷۱. آیا رعایت نکردن حقوق دیگران فقط ذمّهٔ انسان را به صاحب حق مشغول می‌نماید، یا حرام و معصیت نیز هست؟

جواب: معصیت نیز کرده است.

حکم فقهی و اخلاقی

سؤال ۱۲۷۲. حکم فقهی و اخلاقی چه فرقی با هم دارد؟ اگر کاری شرعاً حرام نبود حتماً باید انجام داد، یا باید جنبهٔ اخلاقی آن لحاظ شود؟ مثلا در حضور علما در مولودی‌خوانی‌ها دست نمی‌زنند؛ ولی در مساجد و هیئت‌ها دست زده می‌شود، یک جا فقه و یک جا اخلاق، چه باید بکنیم؟ دربارهٔ لباس آستین کوتاه بچّه‌ها اخلاق را رعایت می‌کنند؛ ولی دربارهٔ ورود به بعضی از اماکن مثل قلیان خانه‌ها، باشگاه‌ها می‌گویند اشکال ندارد، حرام نیست. آیا رفتن به این مکان‌ها حرمت اخلاقی ندارد؟

جواب: احکام فقهی و اخلاقی از هم جدا نیست و رعایت هر دو لازم است. دست زدن اشکال ندارد؛ ولی در مساجد و حسینیّه‌ها ترک شود. و پوشیدن

لباس‌های آستین کوتاه معمولی در صورتی که تنگ و چسبان نباشد اشکال ندارد.

سؤال ۱۲۷۳. اگر چیزی موضوعیّت خود را از دست داد، آیا حکمش تغییر می‌کند؟ مثلا اگر ترانه‌ای مال ۵۰ سال پیش باشد و الان کسی با شنیدن آن به لهو و لعب نیافتد، حلال می‌شود؟

جواب: حکم تابع موضوع جدید آن است.

حکومت اسلامی

سؤال ۱۲۷۴. در بعضی از شهرها، طرح‌های عمرانی و عمومی (عام المنفعه) و بازسازی به جهت رفاه حال مردم آن منطقه و سایر مناطق اجرا می‌شود و در جهت اجرای این گونه طرح‌ها نیاز به خرید و تملّک اراضی و املاک واقع شده در این مسیر طرح‌ها می‌باشد، که در بسیاری از موارد، ممکن است صاحبان اراضی و املاک راضی به فروش آنها نبوده و به وضع موجود رضایت داشته باشند. ولی در عین حال دستگاه اجرایی مربوطه املاک مذکور را ولو بدون رضایت مالک آنها خریداری می‌نماید و چنانچه نسبت به تعیین بهای عادله بین دستگاه اجرایی و مالک توافق حاصل نشود، بهای عادله توسّط هیأتی مرکّب از سه نفر کارشناس رسمی دادگستری تعیین می‌گردد.

آیا خرید و تملّک اراضی و املاک مذکور بدون رضایت مالک آن شرعاً جایز است؟

جواب: هیچ کس حق ندارد زمین یا ملک دیگری را بدون اجازهٔ او تصاحب کند و اگر ضرورتی از نظر اجتماعی برای تملّک ملک دیگری پیدا شود باید قیمت عادلانه را به نرخ روز بپردازد.

سؤال ۱۲۷۵. با توجّه به پاسخ سؤال قبل، لطفاً به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

الف) مرجع تشخیص ضرورت مورد بحث حضرت عالی چه شخص یا مقامی می‌باشد؟

لازم به ذکر است که در لایحهٔ قانونی خرید و تملّك املاک مورد بحث مرجع تشخیص ضرورت مشخص شده است. آیا مرجع مذکور برای تشخیص ضرورت کفایت می‌کند؟

جواب: در صورتی که آنها افراد متدیّن و مورد اعتماد و آگاهی باشند مانعی ندارد.

ب) در پاسخ مرقوم فرموده‌اید که باید قیمت عادلانه پرداخت شود. آیا برای تعیین قیمت عادلانه می‌توان طبق روشی که در همین لایحهٔ قانونی تعیین شده، عمل کرد، یا باید روشی دیگر را پیاده کرد؟

جواب: قیمت عادلانه را کارشناسان متدیّن به راحتی تعیین می‌کنند.

سؤال ۱۲۷۶. آیا ستاد سدّ معتبر از نظر شرعی حق دارد اجناسی همانند میوه و موادّ غذایی را که گرفته به صاحبان اصلی آن برنگردانده و آن را بدون رضایت صاحبان اجناس به مراکز خیریّه بدهد؟

جواب: سدّ معتبر به اتّفاق همهٔ علما شرعاً جایز نیست و مصداق آن را کارشناسان متدیّن در شوارع و خیابان‌های مختلف تعیین می‌کنند؛ ولی اگر کسانی تخلّف کنند نمی‌توان اموال آنها را گرفت بلکه باید از طرق دیگر جلوگیری کرد.

سؤال ۱۲۷۷. آیا اجزاء مختلف حکومت شخصیّت حقوقی مستقل محسوب می‌شود، یا کلّ حکومت و دولت یک شخصیّت حقوقی است؟ مثلاً اگر سازمان آب در حفّاری خیابان برای کار گذاشتن لوله به تأسیسات منصوب از سوی سازمان دیگری آسیب برساند، یا چنانچه شهرداری موقع تعویض یک خیابان ملک مربوطه به ادارهٔ دیگر را تصرّف و تخریب نماید، آیا سازمان اقدام کننده ضامن و موظّف به جبران خسارت در مقابل سازمان زیان دیده می‌باشد؟

جواب: آری در این گونه موارد هر سازمانی در مقابل اتلاف و تخریبی که کرده مسؤولیّت دارد.

سؤال ۱۲۷۸. در زمان وجود حکومت اسلامی با رهبری ولیّ فقیه که قوای قضائیّه و مجریّه و مقنّنه زیر نظر ایشان اعمال حاکمیت می‌نمایند، لطفاً بفرمایید:

الف) منظور از «حکم حکومتی» چه می‌باشد و چه تعریف جامعی از آن می‌توان ارائه داد؟ ملاک و معیارهای تشخیص آن چیست؟

ب) تکلیف مقلّد در تعارض بین فتوای مرجع و حکم حکومتی چیست؟

ج) کدام یک از موارد ذیل از احکام حکومتی محسوب می‌شود؟

اوامر و نواهی و فرامین ولیّ فقیه زمان، مصوّبات مجمع تشخیص مصلحت نظام، مصوّبات مجلس شورای اسلامی، قوانین مربوط به جرائم و مجازات‌ها و تأمین قضات، تصمیمات و بخشنامه‌های قانونی وزرا و کلیه مدیران ارشد دولتی، تعیین و اعلام روز عید سعید فطر که آثار اجتماعی گسترده‌ای دارد. نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: حکم حکومتی در واقع احکام اجرایی هستند که به هنگام پیاده کردن عناوین اوّلیه و ثانویّه از طرف ولیّ فقیه و کسانی که از طرف او مأذونند تعیین می‌شود. مثلاً اجرای نظم در جامعه یکی از احکام عناوین اوّلیه است و احکامی مانند تعیین عید یا آیین‌نامه‌های اجرایی مراکز قضایی و محاکم و امثال اینها جزء احکام حکومتی است. شرح بیشتر این مسأله را در کتاب «بحوث فقهیة هامّة» بیان کرده‌ایم.

سؤال ۱۲۷۹. احکام ثانویّهٔ حکومتی، که بر اساس مصالح از سوی حاکم شرع وضع می‌شود، آیا می‌تواند برای مدّت نامحدودی باشد، یا لازم است مدّت زمان آن در ابتدا محدود در نظر گرفته شود؟

جواب: گاه ذکر مدّت لازم است و گاه لازم نیست.

سؤال ۱۲۸۰. اگر سوبسیدها و یارانه‌ها به منظور کمک به قشر مستضعف باشد، آیا برای اغنیا جایز است که علیرغم توانمندی مالی، از آن برخوردار شوند؟ بخصوص اگر یارانه‌ها برای قشر ضعیف کفایت نکند؟

جواب: اگر دولت بتواند (و عملی باشد) که یارانه‌ها را فقط به مستضعفین بدهد به یقین اولویّت دارد.

سؤال ۱۲۸۱. آیا رعایت قوانین و مقرّرات نظام جمهوری اسلامی واجب است؟ در صورت وجوب، آیا شامل همهٔ آنها می‌گردد، یا تفاوت می‌کند؟

جواب: از هیچ یک از قوانین و مقرّرات حکومت اسلامی نباید تخلّف کرد؛ مگر

این که بعضی از نهادها یا افراد غیر مسؤول مقرّراتی خودسرانه برای خود وضع کنند.

سؤال ۱۲۸۲. منزل پدری‌ام نزدیک حرم حضرت رضا علیه السلام قرار دارد. شهرداری ثامن منزل‌های این منطقه را تملّک و خیلی‌ها را به اجبار گرفته و می‌گوید: «چون پروژه ملّی است حضرات آیات از جمله حضرت آیةالله العظمی مکارم فرموده‌اند رضایت مالکین شرط نیست» اکنون شهرداری می‌خواهد منزل ما را تملّک کند، ولی نه قیمت کارشناسی لحاظ شده، و نه رعایت انصاف می‌شود. نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: اولاً: تصرّف در املاک دیگران بدون جلب رضایت صاحبان آن جایز نیست و در صورتی که ضرورتی اقتضا کند باید قیمت آن را طبق عادله روز پرداخت کنند. ثانیاً: در صورت ضرورت باید به مقدار ضرورت قناعت گردد و بیش از آن جایز نیست. ثالثاً: طرح حرم گاه شامل موارد ضرورت می‌شود (برای رفع مشکلات مهمّ زوّار) ولی باز تأکید می‌کنیم که باید قیمت عادله روز پرداخت شود.

سؤال ۱۲۸۳. برای تفکیک قطعه زمینی به ادارهٔ ثبت املاک مراجعه نمودم و آنها مرا به شهرداری ارجاع دادند. شهرداری شرط تفکیک را، واگذاری ۴۰ درصد از زمین اعلام کرده است. در حالی که این قانون از مجلس شورای اسلامی یا دولت ابلاغ نشده، بلکه بر اساس گفته شهردار این قانون عرف است که در شهرهای کوچک ۴۰٪ و در شهرهای بزرگ ۵۰٪ واگذار می‌شود. با توجّه به این که صاحب زمین راضی به این کار نیست، حکم آن چیست؟

جواب: با توجّه به این که دولت خدمات متعدّدی در این گونه زمین‌ها انجام می‌دهد که باعث ترقّی و افزایش قیمت زمین می‌شود لازم است هزینهٔ آن خدمات توسّط صاحبان همان املاک به نحوی تأمین شود؛ ولی رعایت انصاف در هر حال لازم است.

سؤال ۱۲۸۴. گاه به علّت تسریع در عملیّات، خسارات ناخواسته‌ای به بار می‌آید که در

صورت دقّت بیشتر، احتمال پایین آمدن خسارت وجود دارد. در این صورت هزینه ایجاد شده چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه این گونه خسارات لازمهٔ این گونه اعمال است و مأموران مرتکب خلافی در کار خود نشده‌اند ضامن خسارت نیستند.

حوزه‌های علمیه و روحانیت

سؤال ۱۲۸۵. لطفاً نظر مبارک را پیرامون موضوعات زیر بیان فرمایید:

الف) ضرورت وفاق و همدلی بین مراجع شیعه.

ب) ضرورت تعامل بین علمای حوزه‌های علمیّهٔ نجف اشرف و قم مقدّس.

ج) اهمیّت احترام و حفظ حرمت حوزه‌های علمیّه.

د) ضرورت هوشیاری در برابر توطئه‌های تفرقه‌افکنانه دشمنان اسلام و انقلاب.

جواب: شک نیست که شرط پیروزی در تمام فعالیّت‌های اجتماعی اتّحاد و همدلی است و این معنی در مورد مراجع و مجتهدین و کسانی که کارهای کلیدی دارند اهمیّت بیشتری دارد. تجربه نشان داده هر زمان اتّحاد و همدلی در کار بوده دشمن ناامید شده است؛ ولی هر وقت بوی اختلاف به مشام دشمن می‌رسد جسور و جدی می‌شود و به فعالیّت‌های تخریبی دست می‌زند و ای کاش اتّفاق و همدلی در الفاظ و شعار نباشد بلکه عملاً به ظهور و بروز رسد. این نکته نیز لازم به یادآوری است که اتّحاد و همدلی جز با سعهٔ صدر و گذشت و احترام به افکار یکدیگر و عدم تعصّب نسبت به نظرهایی شخصی حاصل نمی‌شود. و از خدا می‌خواهیم که راه وحدت و اتّحاد را به ما بیاموزد و توفیق عمل به آن را بدهد.

سؤال ۱۲۸۶. با توجّه به وضع فرهنگی کشور و حملهٔ دشمن به اعتقادات و مقدسات دینی شیعیان، وظیفهٔ جوانان چیست؟ آیا وظیفهٔ یک جوان مذهبی رفتن به حوزهٔ علمیّه و یادگیری علوم دینی است؟ در این صورت دانشگاه چه می‌شود؟ آیا رفتن به

حوزهٔ علمیه برای کسی که توانایی آن را دارند و می‌توانند ادامه دهد واجب است؟

جواب: با توجّه به این که تعداد موجود روحانیون و طلاّب و فضلای حوزه‌های علمیّه پاسخگوی نیازهای جامعه اسلامی نیست طلبه شدن برای کسانی که استعداد و علاقه فراگیری دروس حوزوی را دارند واجب عینی است بنابر احتیاط.

ختم انعام

سؤال ۱۲۸۷. به تازگی در بین خانم‌های جلسه‌ای شایع شده که تکراری برخی آیات سورهٔ انعام منع شده این کار نوعی بدعت محسوب می‌شود. مثلاً: ذکر آیهٔ «لا اله الا هو» که برای استحباب بیشتر همگی می‌خوانیم را اشکال می‌گیرند، یا در جایی که دعاهای وارده منظور است خواندن آن دعاها را اشکال می‌کنند. آیا این کار اشکال دارد؟

جواب: بهتر این است که در وسط سورهٔ انعام چیز اضافه‌ای نخوانند و دعاها را قبل یا پس از آن بخوانند و آیات را نیز تکرار نکنند.

خرافات

سؤال ۱۲۸۸. در مجلّه‌ای مطلبی چاپ شده که به خط مبارک حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه نسبت داده شده، و در شمارهٔ ۲۱ همان مجلّه ضمن چاپ مجدّد دست خط مذکور، توضیحاتی ارائه شده است. با توجّه به این که امکان موضع‌گیری‌های متفاوت در مورد آن در جامعه تشیّع وجود دارد، استدعا دارد نظر مبارک را جهت تثبیت قلوب مؤمنین در موارد ذیل مرقوم فرمایید:

الف) آیا انتساب این نامه به امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه صحّت دارد؟

ب) در صورت صحّت، آیا ترویج آن لازم است؟

ج) در صورت عدم صحّت، باید با آن چگونه مقابله کرد؟

جواب: پاسخ این سؤال روشن است. طبق دستوری که قرآن مجید به ما می‌دهد

و ائمّهٔ معصومین علیهم‌السلام نیز فرموده‌اند ما این گونه ادّعاها را که مبتنی بر ضوابط و ادلّهٔ دینی نیست نباید بپذیریم و اگر این راه گشوده شود خطرات بزرگی برای عالم اسلام دارد، چرا که افراد سودجو می‌توانند دستخط‌هایی را بصورت مشابه آنچه در اینجا آمده بنویسند و شرایط مشابهی به وجود آورند و مردم را از راه اسلام و اهل‌بیت علیهم‌السلام منصرف سازند بنابراین لازم است اکیداً جلوی این‌گونه کارها گرفته شود.

سؤال ۱۲۸۹. در بعضی از خواب‌نامه‌ها و همچنین در صدا و سیما جمهوری اسلامی کلمه شانس کاربرد زیادی پیدا نموده، در حالی که می‌توان از کلماتی مانند ان‌شاءالله و امثال آن استفاده کرد و به نظر می‌رسد حالتی به شانس داده شده که در مقابل قدرت خداوند قدرتی دیگر به نام شانس انسان را یاری می‌کند و نیاوردنش باعث عدم پیروزی در آن کار می‌شود. نظر شما در این مورد چیست؟

جواب: شانس یک امر موهوم و خرافاتی است نباید آن را تبلیغ و ترویج کرد و در بسیاری از موارد ممکن است سبب سستی عقیده مردم شود.

سؤال ۱۲۹۰. عدّه‌ای از اشخاص بر این باورند که شخص هنگام بیرون رفتن از منزل با اولین کسی که برخورد کند خوبیها و یا مشکلات آن روز مربوط به نحوست یا خوبی اوست. آیا این عقیده ریشهٔ اسلامی دارد؟

جواب: این کار ریشهٔ اسلامی ندارد و جزء خرافات است.

سؤال ۱۲۹۱. کلاسی است به نام مکتب صاحب الزمان علیه‌السلام که در آن، کتاب معراج السعادة تدریس می‌شود، و استاد از کتاب‌های چهل حدیث امام خمینی قدس‌سره و مقامات معنوی خواجه عبدالله انصاری هم استفاده می‌کند. شاگردان این کلاس تکالیفی هم بر عهده دارند که تکالیف ابتدایی آن شامل چهل روز دورهٔ توبه می‌باشد که ذکرهای استغفار، یا تواب، مناجات تائبین، سجدهٔ یونسیه و مانند آن، از اعمال این دوره است. بعد از چهل روز بنا بر تشخیص استاد به مرحلهٔ بعد که دورهٔ استقامت است وارد شده و اعمال مربوط به آن که عبارت است از سورهٔ کهف، زیارت آل یس، زیارت عاشورا، دعای

علقمه، دعای توسّل، زیارت جامعه، ذکر یا اذکار خصوصی مناسب با حال شاگردان توصیه می‌شود. البتّه استاد ما مدّاح نیز می‌باشد و در جلساتی که در منازل برگزار می‌شود برنامه اجرا می‌کند.

در طول این سال‌ها مسائلی به وجود آمده‌که به مرور شاگردان زیادی از کلاس خارج شده‌اند. این مسائل یا مربوط به استاد و مسائل شخصی وی بوده، یا ایراداتی است که شاگردان از نظر مسائل اعتقادی و فقهی به استاد خود وارد می‌دانند، که این اشکالات هیچ وقت مورد قبول ایشان نبوده و همیشه آن‌ها را توجیه می‌کند، ایشان همیشه خواندن و دقّت در سورهٔ کهف را به شاگردان خود تأکید می‌کند، مخصوصاً در مورد حضرت موسی علیه‌السلام و حضرت خضر علیه‌السلام و می‌گوید به اعمال من کار نداشته باشید، من اگر دو تومانی به زمین بیندازم پنجاه تومانی برمی‌دارم.

در ضمن ایشان در مسائلی مانند مشکل‌گشایی از مردم، دادن انواع آب‌های دعا و باطل کردن سحر، بخت‌گشایی، طالع‌بینی و مانند آن باگرفتن پول فعّالیّت می‌کند. به گفتهٔ ایشان سی و شش موکل جن تحت اختیارش می‌باشند. همچنین احکامی که به دیگران می‌گوید در بیشتر اوقات بر عکس احکام دیگر علما می‌باشد مدّعی است که خودش به مرحلهٔ اجتهاد رسیده و بعضی از شاگردان نزدیکشان از این خانم تقلید می‌کنند.

ما بارها خواسته‌ایم که از این کلاس خارج شویم ولی مسائلی که وجود دارد مثل حالات معنوی خوبی که در ارتباط با ایشان برای بعضی از شاگردان پیدا می‌شود نظیر سبکی و آرامش روح، تمایل به معنویات، یا مسائلی که در جلساتشان اتفاق می‌افتد مثل استشمام عطر معنوی، یا دیدن انوار مختلف، یا دیدن اشخاصی با عنوان ائمه علیهم‌السلام با چشمان باز یا بسته. چه برای مردم عادی چه برای شاگردان، و تأکید ایشان بر این که این، کلاس امام زمان علیه‌السلام می‌باشد و ایشان (با واسطه) با امام علی علیه‌السلام ارتباط دارند، ما بر سر دو راهی قرار گرفته، و تصمیم‌گیری برایمان مشکل شده است. وظیفهٔ ما چیست؟

جواب: با توجّه به آنچه نوشته‌اید مطمئن باشید که افکار این زن افکار شیطانی

است که آمیخته با مسائل ظاهرپسندی شده است. هیچ کس حق ندارد در این جلسات شرکت کند و حتّی معنویّتی که در آن احساس می‌شود ممکن است ظاهری و جنبهٔ شیطانی داشته باشد تا افراد را گرفتار مسائل دیگر بکنند. برای پیمودن راه‌های معنوی می‌توانید از کتاب‌های خوبی که تحت عنوان لقاءالله یا سیر و سلوک معنوی از سوی علمای معروف نوشته شده استفاده کنید.

سؤال ۱۲۹۲. در روستایی که ما زندگی می‌کنیم به نقل از افراد پیر این روستا، حدوداً ۱۰۰ سال است که مکانی به نام قدمگاه (قدمگاه صاحب الزمان) مورد توجه مردم گرفته، و در حال حاضر حدود ۸ سال است که به دلیل‌های مختلف آن را به نام مهدیّه تغییر نام داده‌اند. به هنگام ساخت مهدیّه، گنبد کوچکی با آهن ساخته شد، که مردم برگرد آن می‌چرخند و گریه می‌کنند و پارچه می‌بندند تا حاجت بگیرند! این کار چه حکمی دارد؟

جواب: گردیدن دور آن محل و حاجت طلبیدن صحیح نیست، باید آن را بردارند و مردم تنها به توسّل به امام زمان علیه‌السلام یا سایر معصومین علیهم‌السلام و خواندن دعاها و زیارت‌ها قناعت کنند.

سؤال ۱۲۹۳. در دامنهٔ کوه شهر فرادنبه در استان چهارمحال بختیاری سنگی قرار دارد که آن را نظرگاه حضرت علی علیه‌السلام می‌دانند، و برخی از مردم به آن اعتقاد دارند، و خواهران با چسباندن سنگی کوچک بر آن برای روا شدن حاجات اقدام می‌نمایند، و اعمال دیگری از قبیل روشن کردن شمع و پختن نذری در جوار آن انجام می‌دهند، بعضی‌ها نیز برای ارائه دلیل بر حجیّت آن، به خواب‌های برخی اشخاص که نور از اینجا دیده شده اشاره می‌کنند! آیا توسل جستن به این سنگ جایز است؟

حاجت خواستن به وسیلهٔ آن با توجّه به آن که اصلاً سند قطعی و مدرک معتبری وجود ندارد چه حکمی دارد؟

جواب: توسل جستن به چنین سنگ‌هایی، و شمع روشن کردن و ریختن نذری در جوار آن حرام است و خواب حجّت نمی‌باشد و نمی‌تواند سند کاری قرار

گیرد. بنابراین، تخریب چنین سنگی برای جلوگیری از این اعمال خرافی جایز بلکه لازم است؛ البتّه با در نظر گرفتن تدبیری که مانع درگیری شود. ولی می‌توانید به جای آن مسجدی بسازید که افراد بتوانند در آن به نماز و دعا بپردازند.

سؤال ۱۲۹۴. در بعضی از مناطق زیارتگاه‌هایی به نام بعضی از ائمهٔ معصوم علیهم‌السلام وجود دارد که مردم به آنجا رفته و از آنان طلب شفا و حاجت می‌کنند.

یکی از کارهایی که توسّط بعضی از این زیارتگاه‌ها انجام می‌گیرد و ملاک حق و باطل می‌باشد، این است که سنگ مخصوصی که طبق نظر آنها ویژگی‌های خاصی دارد را به عنوان وسیلهٔ قضاوت فرض نموده و خطاب به آن زیارتگاه می‌گویند: اگر حق با شخص «الف» است این سنگ به راحتی از جا بلند شود اگر حق با او نیست سنگ محکم و استوار بماند، بعد از این که نیّت کرد آن را حرکت می‌دهد و طبق این عمل قضاوت کرده و دو طرف را ملزم می‌کنند که به این قضاوت پایبند باشند. البتّه این کار به دو صورت انجام می‌گیرد: در مقابل طرفین دعوی و به طور مخفیانه.

در ضمن مقداری پول بابت این کار از طرفین اخذ می‌شود.

یکی دیگر از کارهایی که توسّط این زیارتگاه‌ها انجام می‌شود این است که خطاب به آنها می‌گویند اگر شفای فلانی در فلان کار است، سنگ به راحتی تکان بخورد.

لطفاً بفرمایید:

الف) آیا چنین زیارتگاه‌هایی اصالت دارد؟

ب) اکتفا به این کار در تعیین حق و ناحق چه حکمی دارد؟

ج) در صورتی که مردم علم به استفاده بانی این زیارتگاه‌ها از پول‌های نذری داشته باشند آیا می‌توانند به خاطر زیارتگاه پول در آن بریزند؟

د) تصرّف بانی این زیارتگاه در پول و دیگر اموال چه حکمی دارد؟

هـ) اگر شخصی مریض شود به او می‌گویند «یک گوسفند بردار و به این زیارتگاه برو، والا اصلاً خوب نخواهی شد» آیا این حرف صحیح است؟

و) آیا منکرین وجود چنین زیارتگاه‌هایی مرتکب کار بدی شده‌اند؟

ز) بر فرض حقانیت چنین اماکنی آیا نذر مربوط به آنها را حتماً باید در همان مکان انجام دهند یا در خانهٔ شخصی نیز کفایت می‌کند؟

ح) اگر اصل این کار اشکال دارد وظیفهٔ مردم خصوصاً طلّاب در مقابل این عمل چیست؟ آیا می‌توانند مخالفت علنی کنند یا راه دیگری وجود دارد؟

جواب: این کار یک بدعت حرام است و نوعی شرک محسوب می‌شود به همه برادران و خواهران با زبان خوش سفارش کنید که جدّاً از این کار بپرهیزند مبادا عذابی بر آنها نازل شود.

سؤال ۱۲۹۵. بعضی از افراد جامعه، خصوصاً تعدادی از جوانان، با استناد به آیهٔ دوّم سورهٔ مبارکه نحل مدعی هستند که با فرشتگان در ارتباط متقابل هستند و هر زمانی که تصمیم بگیرند می‌توانند با آنان تماس برقرار کرده و جواب سؤال‌های مطرح شده را بدون باز کردن پاکت و ممهور به مهر فرشتگان بدهند! و در همین راستا دعایی به نام دعای معراج با یک مهر سبزرنگ که محتوی قسمتی از آیةالکرسی را به افراد می‌دهند. آیا چنین ادعایی می‌تواند صحت داشته باشد؟

جواب: ادّعای ارتباط با فرشتگان و گرفتن پاسخ سؤالات مردم از آنها بی‌اساس و باطل است و دعای معراج سند معتبری ندارد. مدّعیان این مطالب را با زبان خوش نهی از منکر کنید و اگر مؤثر نشد به مقامات اطّلاعاتی یا انتظامی اطّلاع دهید تا از کار آنها جلوگیری کنند.

سؤال ۱۲۹۶. با توجّه به این که برخی از مردم، برای یافتن علّت مشکلات خود مانند بیماری و نیز رفع آن به اشخاصی مانند «سرکتاب بین» مراجعه می‌کنند و آنها نشانی شخصی را می‌دهند و می‌گویند مشکل به وسیلهٔ آن شخص پیدا شده است، نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: این کار جزء خرافات است و هیچ پایه و اساسی ندارد و مراجعه به چنان اشخاصی جایز نیست.

خسارت‌های معنوی

سؤال ۱۲۹۷. اینجانب بنا به اتّهامی بی‌اساس به مدّت ۲ سال در زندان بازداشت بودم. در طی این مدّت متحمّل ضرر و زیان‌های مادّی و معنوی مختلفی، از جمله از دست دادن شغل و کار، عزّت و آبرو خود و خانواده‌ام شدم. که در نهایت در پی ارجاع پرونده به دادگاه تجدید نظر و بی‌گناهی اینجانب ثابت شد، که متعاقب آن در پی شکایت از قضات محترم پرونده در دادگاه انتظامی قضات، تخلّفات و سهل‌انگاری ایشان به اثبات رسیده است.

با عنایت به قاعده لا ضرر نظر خود را در خصوص امکان مطالبهٔ خسارات معنوی اعلام فرمایید و در صورت مثبت بودن، نحوهٔ محاسبهٔ آن چگونه است؟

جواب: لاضرر شامل خسارت‌های مادّی می‌شود و خسارت‌های معنوی قابل ارزیابی به امور مادّی نیست.

خودزنی و خودآزاری

سؤال ۱۲۹۸. خودزنی و خودآزاری چه حکمی دارد؟

جواب: اگر سبب ضرر و زیان مهمّی شود جایز نیست.

خودکشی

سؤال ۱۲۹۹. مسلمانی در زندان اسرائیلی‌ها گرفتار شده و هر روز اذیّت و آزار می‌کشد به طوری که گوش او را بریده، یا داغ می‌کنند، آیا این شخص برای رهایی از این از ظلم می‌تواند دست به خودکشی بزند؟

جواب: خودکشی جایز نیست. امیدواریم خداوند این گونه اشخاص را از دست دشمنان رهایی بخشد.

دعا

سؤال ۱۳۰۰. هنگام قرائت دعای کمیل و ندبه یا آیات قرآن جملاتی را تکرار می‌نمایند، که از معصومین علیهم‌السلام نرسیده است. این کار چه حکمی دارد؟

جواب: دعاها را به همان صورت که از ائمّهٔ معصومین علیهم‌السلام به ما رسیده بخوانید و تکرار کردن اگر به قصد ورود باشد بدعت است.

سؤال ۱۳۰۱. در بعضی از روایات وارد شده که همراه داشتن بعضی از دعاها ثواب دارد (خواصّی از قبیل دفع بلا و چشم زخم و مانند آن دارد) اگر این دعاها در حافظهٔ گوشی موبایل ضبط شود و همراه انسان باشد همان خاصیّت‌ها را دارد؟

جواب: کافی نیست.

سؤال ۱۳۰۲. چندی پیش در مسجدی دعایی دیدم که متأسفانه سندش ذیل آن قید نشده بود. از آنجا که دعای مورد نظر و مطلب عنوان شده پیرامون آن، خیلی با عظمت بود، لطفاً نظرتان را پیرامون سند و اعتبار آن بیان فرمایید: «مرحوم مجلسی می‌گوید: بندهٔ خاطی محمّد باقر بن محمّد تقی شبی از شب‌های جمعه در ادعیّهٔ خود مرور می‌کردم. نظرم به دعای قلیل اللفظ وکثیر المعنایی افتاد و آن دعا را خواندم. هفتهٔ دیگر شب جمعه خواستم همان دعا را بخوانم، ناگاه صدایی از خانه شنیدم که أیّها الفاضل الکامل هنوز کرام الکاتبین از نوشتن ثواب این دعا که در شب جمعهٔ قبل خواندی فارغ نشده که تو می‌خواهی دوباره آن را بخوانی! و آن دعا این است:

«الحمد لله مِنْ اوّل الدّنیا الی فنائها ومن الاخرة الی بقائها، الحمد لله علی کلّ نعمة، استغفر الله من کلّ ذنب واتوب الیه، یا ارحم الرّاحمین». نظرتان در مورد دعای فوق چیست؟

جواب: دعای مذکور در جلد ۱۰۵ بحارالانوار، ص ۳۵ نقل شده، ولی همان‌گونه که در کتاب مذکور آمده سند معتبری ندارد؛ امّا مضمون دعا مضمون خوبیست و می‌توان به قصد قربت مطلقه انجام داد.

سؤال ۱۳۰۳. آیا دعاکردن با چیز خواستن از خداوند فرق دارد؟ آیا می‌شود انسان خدا را بخواند ذکر بگوید، ولی چیزی از خدا نخواهد؟ در داستان حضرت ابراهیم علیه‌السلام وقتی می‌خواستند او را در آتش پرتاب کنند ملائکه الهی خدمت ایشان رسیده، و عرض کردند دستور بده تا اجرا کنیم. حضرت فرمود: من به شما نیاز ندارم، گفتند: پس از خداوند

بخواه تا نجاتت دهد، فرمود: خداوند از حال من آگاه است.[۱] یکی از بزرگان از حضرت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل می‌کرد که فرمود: هیچ‌گاه از خداوند چیزی نخواستم که بگویم ای کاش این طوری می‌شد، و این گونه نمی‌شد.[۲] نظر شما چیست؟

جواب: داستان حضرت ابراهیم علیه السلام مربوط به مورد خاصّی بوده است. بی‌شک همهٔ انبیا در مشکلات دست به دعا برمی‌داشتند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز طبق روایات متواتره بسیار دعا می‌کردند و حتّی حضرت ابراهیم علیه السلام طبق آیات قرآن کراراً دعا می‌کرد.

دعانویسی و اعطای شجره‌نامه دروغین

سؤال ۱۳۰۴. برخی از طریق عوام‌فریبی و امیدوار نمودن افراد به امور غیر واقعی و بی‌اساس، نسبت به بهبود بیمار، یا پیدا شدن گمشده، یا رفع مشکلات خانوادگی یا فرزنددار شدن خانم‌های نازا، اقدام به دادن لوح دعا و غیره نموده، و توانایی خود را در حلّ این گونه معضلات مطرح، و مبالغی در قبال آن می‌گیرند. در حالی که تاکنون مشکلات هیچ یک از مراجعه‌کنندگان حل نشده، بلکه به مرارت‌ها و سختی‌های بی‌ثمر نیز دچار گردیده‌اند. عمل آنان و مبالغی که از این طریق دریافت می‌نمایند چه حکمی دارد؟

جواب: دعانویسی حرفه‌ای، و استفاده از دعاهایی که در کتب معتبر نیامده اشکال دارد.

سؤال ۱۳۰۵. افرادی با ترفندهای واهی به بعضی از اشخاص اظهار می‌دارند شما سید هستید و بعضاً به آنان از طریق دادن شجره‌نامه اصرار به اعتقاد و قبول سیادت می‌نمایند و در بعضی از موارد وجوهی را در این زمینه از اشخاص می‌گیرند و حتّی برای اعطای سیادت بابت نرخ این کار با افراد چانه می‌زنند و بدون آن که اشخاص مشهور به

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۳، ذیل آیات ۶۸ تا ۷۰ سورهٔ انبیاء.
۲. کافی، ج ۲، ص ۶۳، باب الرضا بالقضاء، ح ۱۳.

سیادت در بین مردم باشند، برای آنان سیادت ایجاد می‌کنند. عمل آنان و وجوه دریافتی در قبال این امر چه حکمی دارد؟

جواب: درست کردن شجره نامه دروغین قطعاً حرام است.

رجال

سؤال ۱۳۰۶. عدّه‌ای بر این عقیده‌اندکه «معروف بن فیروزان کرخی» از اصحاب صاحب سرّ و دربان امام رضاعليه‌السلام بوده است، آیا این مطلب صحّت دارد؟

جواب: این مطلب اساس ندارد.

روستا و روستائیان

سؤال ۱۳۰۷. اهالی روستایی ۲۵ سال پیش با فروش اجناس و اموال خود (از جمله طلا و جواهرات همسرانشان، اسباب و اثاثیهٔ خانه و فرش‌های دستی که حاصل دسترنج خود آنها بوده) اقدام به حفر یک حلقه چاه در روستا نموده و با همیاری و خودیاری اهالی شبکه آب‌رسانی روستا را افتتاح نموده‌اند. پنج سال پیش شرکت آب و فاضلاب با سوء استفاده از عدم آگاهی شورای اسلامی نسبت به مسألهٔ قانونی، آنها را مجبور به واگذاری چاه حفر شده و شبکه آبرسانی به شرکت آب و فاضلاب کرده و هیچ هزینه‌ای بابت حفر چاه و آماده‌سازی شبکه آبرسانی به مردم پرداخت ننمودند. آیا شرکت آب و فاضلاب روستایی شرعاً می‌تواند بدون پرداخت هزینه‌های فوق، مالک چاه و شبکه آبرسانی گردد؟

جواب: چنانچه تمام هزینه چاه آب و شبکه آبرسانی را مردم روستا پرداخته‌اند شرکت آب و فاضلاب نمی‌تواند بدون پرداخت حقّ و حقوق روستائیان آن را تملّک کند.

سؤال ۱۳۰۸. سال‌ها قبل در این روستا لوله‌کشی آب انجام شد. امسال به دلیل خشکسالی، آب روستا قطع شده و مردم در مضیقه هستند. اهالی، در کنار آبی که جهاد

هر سه روز ۶ ساعت به روستا می‌دهد، از آب قنات روستا استفاده می‌کنند. امّا کسانی که مالک هستند و زمین زراعی دارند، به این امر رضایت نمی‌دهند، تکلیف مردم روستا چیست؟

جواب: در صورتی که مردم روستا برای احتیاجات ضروری نیاز به آب دارند، مالکان آب باید به این امر موافقت کنند، و قیمت آن را بگیرند.

سؤال ۱۳۰۹. محصول اصلی روستای ما پسته است. چندین سال طول می‌کشد که درخت پسته ثمر دهد. برخی از افراد بی‌مبالات علی رغم تذکّرات مکرّر، گوسفندان خود را برای چریدن در باغات رها نموده، و گوسفندان با خوردن نهال‌ها و درختان پسته به صاحبان باغات ضرر وارد می‌کنند. از طرفی کشیدن حصار هم امکان ندارد چون راه عبور و مرور تنگ می‌شود. آیا صاحبان باغات می‌توانند از موادّ سمّی یا غذای آغشته به سم برای حفاظت از درختان خود استفاده کنند؟

جواب: این کار اشکالی ندارد، ولی لازم است تابلوهای هشداردهنده در اطراف باغ خود نصب کنند که صاحبان گوسفند از آن مطّلع شوند.

زلزله

سؤال ۱۳۱۰. با توجّه به زلزلهٔ اخیر در کشور پاکستان، و زلزله دو سال پیش در بم، که منجر به کشته و زخمی شدن تعداد بی‌شماری از انسان‌ها به علّت مقاوم نبودن ساختمان‌ها گردید، و با عنایت به این موضوع که ایران روی کمربند زلزله قرار داشته و از مناطق زلزله‌خیز جهان می‌باشد، بر آن شدیم تا پاسخ فقهی آن مرجع عالیقدر را در مورد چند سؤال شرعی جویا شویم پیشاپیش از عنایت حضرتعالی سپاسگزاریم:

الف) آیا مقاوم‌سازی توسّط مردم وجوب شرعی دارد؟ آیا توان مالی افراد در این حکم دخالت دارد؟

ب) آیا سازندگان ساختمان (معمار، بنا، کارگر و...) و مهندسین ناظر در مورد مقاوم‌سازی آن مسؤولیّت شرعی دارند؟

ج) آیا تولیدکنندگان مصالح ساختمانی (کارخانجات سیمان، آجر و...) در بحث مقاوم سازی و رعایت استاندارد مسؤولند؟

جواب: در شرایط کنونی که احتمال زلزله در مناطق ما می‌رود سزاوار است هم صاحب کار و هم مهندس و معمار و هم کسانی که مصالح را می‌سازند نسبت به مسألهٔ مقاوم‌سازی توجّه داشته باشند.

زندان

سؤال ۱۳۱۱. با توجه به سختی بسیاری که پرسنل زندان متحمّل می‌شوند، و با عنایت به شرایط خاصّ محیط پرسنل از نظر روحی که دچار افسردگی و خستگی شده‌اند، و در مواردی هم باعث از بین رفتن انگیزه شده است. استدعا دارد به منظور شناخت کافی از ارزش کار زندانبانی و جایگاه آن در اسلام نظر شریف را بیان فرمایید.

جواب: در حکومت اسلامی که زندان‌ها طبق قوانین اسلام ان‌شاءالله اداره می‌شود زندانبانی یکی از واجبات کفائی است و زندانبان‌ها مأجور هستند؛ مشروط بر این که با افراد زندانی خوشرفتاری نمایند.

زیارت

سؤال ۱۳۱۲. ایجاد سر و صدا در حرم ائمّه علیهم‌السلام و پیامبران علیهم‌السلام و امامزادگان، مانند خواندن زیارتنامه و شعر با صدای بلند، و جیغ زدن زن‌ها، و یا سر دادن شعارهای دیگر که موجب به هم خوردن حال حضور و توجّه زائرین می‌گردد، چه صورتی دارد؟

جواب: شایسته است زوّار محترم به هنگام زیارت، رعایت حال سایر زائرین را بنمایند.

سؤال ۱۳۱۳. تعدادی از بسیجیان مبلغ ۱۰۰۰ تومان به نیّت هدیه و کمک به حوزهٔ مقاومت بسیج تحت عنوان «شرکت در سفر زیارتی مدینه منوّره» اهدا می‌کنند. سپس از بین افراد شرکت کننده شخصی به صورت قرعه کشی انتخاب و به نیابت از سایرین به زیارت خانه خدا مشرّف می‌شود. آیا این کار و نظائر آن اشکال دارد؟

جواب: هرگاه شخصی که قرعه به نام او اصابت می‌کند موظّف باشد به نیابت از تمام صاحبان پول به این سفر برود اشکالی ندارد.

سؤال ۱۳۱۴. هرگاه صلوات فرستادن در اماکن مذهبی و زیارتگاه‌ها موجب قطع ارتباط روحانی زائرین با خدا گردد آیا این کار جایز است؟ کار خانم‌هایی که در حرم اهل‌بیت علیهم‌السلام صلوات می‌فرستند و صدای آنها را نامحرم می‌شنود، چه حکمی دارد؟

جواب: بهتر ترک صلوات با صدای بلند در چنین اماکنی در فرض سؤال است.

سؤال ۱۳۱۵. هر ساله تعداد کثیری از جوانان متعهّد به صورت پیاده جهت زیارت حرم مطهر حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام به مشهد مقدس مشرّف می‌شوند. با توجّه به این امر، لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) زیارت به صورت پیاده روی چه حکمی دارد؟

ب) با توجه به وجود وسایل مسافرتی متعدّد، آیا تشرّف به این شیوه اتلاف وقت محسوب نمی‌شود؟

ج) آنچه باید در طول سفر مورد نظر زائران باشد چه مواردی است؟

جواب: هرگاه این کار به صورت وسیع و گسترده انجام شود قطعاً مطلوب نیست و اتلاف وقت است. ولی اگر بصورت محدود و به اصطلاح امروز سمبلیک، و برای اظهار عظمت آن امام بزرگوار انجام گردد امر مطلوبیست، هم عقلاً و هم از نظر شرع، زیرا آثار خاصّی دارد. و سزاوار است عزیزانی که این کار را انجام می‌دهند برنامه‌ریزی کنند که اوقات آنها تلف نگردد.

سؤال ۱۳۱۶. هرگاه شخصی بخاطر عشق و علاقه‌ای که به حضرات معصومین علیهم‌السلام دارد، سالانه چند مرتبه به زیارت اماکن مقدّسه (مکّه و مدینه و سوریه و عراق) سفر کند چه حکمی دارد؟

جواب: تکرار در حدّ معقول اشکالی ندارد، ولی زیاده‌روی در هیچ کاری شایسته نیست.

سؤال ۱۳۱۷. مأخذ قدیمی زیارت عاشورا کدام کتاب است؟ راوی آن کیست؟ این زیارت

در کتاب‌های مصباح المتهجّد و کامل الزیارات هست؛ ولی اینها قدیمی نیستند بلکه مربوط به قرن ششم است. شک بنده نسبت به قسمت لعن خلفای سه گانه است. نظرتان چیست؟

جواب: جواب کافی و شافی این سؤال در مفاتیح نوین آمده است؛ ولی باید از کارهایی که موجب تفرقه بین مسلمین است پرهیز کرد.

سالمندان

سؤال ۱۳۱۸. در شرایط فعلی جامعه مشاهده می‌شود که بعضاً سالمندان و کهنسالان جامعه به علّت رها شدن از سوی فرزندان یا نهادهای نگهداری کننده آنها در شرایط نامناسب زندگی به سر می‌برند، و به ناچار برخی به تکدّی‌گری روی آورده‌اند. نگاه شرع به جایگاه سالمندان یک جامعه و حقّ آنها نسبت به فرزندان و جامعه به ویژه دولتمردان چیست؟

جواب: شک نیست که باید سالمندان ازطرف فرزندانشان حمایت شوند واین یک وظیفهٔ واجب بر آنهاست؛ ولی اگر آنها به هر دلیل حمایت لازم را نکنند بر حکومت اسلامی لازم است که از آنها حمایت کرده و نیازهای زندگی آنها را تأمین نماید.

سرمه

سؤال ۱۳۱۹. لطفاً به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

الف) در عصر و زمان ما سرمه کشیدن برای مردان چگونه است؟

ب) باز کردن فرق برای کسی که موی سرش بلند است، چه حکمی دارد؟ می‌گویند: «رسول الله ﷺ این کار را می‌کرده‌اند» نظر جنابعالی چیست؟

جواب: سرمه کشیدن اشکالی ندارد. و باز کردن فرق سر نیز مانعی ندارد؛ مگر این که منشأ فساد شود.

شبیه ضرائح یا قبور بزرگان

سؤال ۱۳۲۰. برخی از مؤمنین در بعضی از مساجد شبیه ضریح حضرت امام حسین علیه‌السلام یا حضرت ابوالفضل علیه‌السلام یا حضرت علی اکبر علیه‌السلام و مانند آن را درست می‌کنند. نـذورات و وجوهی داخل ضریح و قبر می‌اندازند، این کار چه حکمی دارد؟ و نذورات در کجا باید مصرف شود؟

جواب: این گونه کارها کار شایسته‌ای نیست آن را ترک کـنید و در هـر حـال نذورات که داخل آن ریخته می‌شود بـاید صـرف عـزاداری گـردد و بـهتر است نذوراتشان را به صندوق حسینیّه که در دست افراد معتمد است بدهند.

شعر

سؤال ۱۳۲۱. این که: «شعر خواندن در شب مکروه است»[1] آیا منظور از خواندن، بر زبان آوردن است، یا حتّی نگاه کردن و در ذهن گذراندن آن هم مکروه می‌باشد؟

جواب: در مواردی که شعر خواندن مکروه است، مطالعه کردن و فکر کردن در آن کراهتی ندارد. مگر این که محتوی شعر، محتوی بدی باشد.

شکنجه و اقرار

سؤال ۱۳۲۲. نگهداری متّهم در تک سلول انفرادی به منظور اخذ اقرار تحت فشار سلول انفرادی و تهدید آن هم به مدت طولانی حدوداً ۵ الی ۶ ماه در یک سلول کوچک به ابعاد ۲/۴۰ × ۱۷۰ متر با داشتن روزانه ۱۰ الی ۱۵ دقیقه هواخوری آن هم در محیط بسته چه صورتی دارد؟

جواب: شکنجهٔ متّهمین حرام است.

سؤال ۱۳۲۳. چنانچه متهمی که در چنین تک سلولی بر اثر تهدید و فشار روحـی و روانی اقرار در طول مدّت زندان فقط یک بار اقرار کند و بعداً آن را انکار نموده و عنوان

---

۱. وسایل الشیعه، ج ۷، ابواب آداب الصائم، باب ۱۳، ح ۱.

نماید چنانچه از تک سلول رهایی یابم حاضرم به هر چیزی اعتراف نمایم، آیا چنین اقرارهایی از نظر شرعی حجّت است؟

جواب: اقرارهای تحت فشار هیچ اثر شرعی ندارد.

شهادت

سؤال ۱۳۲۴. شهادت‌طلبی چه نقشی در کاهش تهدیدات دشمنان دارد؟

جواب: منظور از شهادت‌طلبی آن است که انسان آمادهٔ جهاد با دشمن باشد؛ هر چند منتهی به شهادت او گردد. این روحیّه در برابر کسانی که برای جان خود فوق العاده اهمیّت قائلند و اعتقادی به مسألهٔ شهادت و مقام شهیدان ندارند مسألهٔ وحشتناکی است و آنها را حتّی الامکان از رویارویی باز می‌دارد.

صلوات

سؤال ۱۳۲۵. آیا افراط و تفریط نسبت به صلوات موجب وهن به دین نیز می‌گردد؟

جواب: افراط و تفریط در هیچ کاری شایسته نیست.

سؤال ۱۳۲۶. آیا فقط برای سلامتی افراد می‌شود صلوات فرستاد، یا برای لعن و نابودی دشمنان هم می‌شود صلوات فرستاد؟

جواب: برای هر دو منظور جایز است.

صلهٔ رحم

سؤال ۱۳۲۷. با توجّه به وجوب صلهٔ رحم، آیا فرزند می‌تواند بدون اجازهٔ پدر یا مادر به دیدار اقوام مخصوصاً در مواقعی که آنها هم به ما نیاز دارند برود؟ در صورتی که والدین اجازه ندهند آیا می‌توان صله رحم را بر دستور والدین مقدّم داشت؟

جواب: صلهٔ رحم نیاز به اجازهٔ والدین ندارد.

طنز

سؤال ۱۳۲۸. گاهی مشاهده می‌شود که برخی از دوستان مطالب طنزآمیزی دربارهٔ احادیث پیامبر و ائمه علیهم‌السلام می‌گویند. در صورتی که قصدشان مسخره کردن نباشد این کار چه حکمی دارد؟

جواب: این کار به هر قصدی که باشد باید ترک گردد.

عرف

سؤال ۱۳۲۹. عرف چیست؟ آیا در یک جامعهٔ اسلامی تبعیّت از عرف، یک واجب شرعی است؟ تبعیّت نکردن تا چه حدّی جایز است؟

جواب: مراجعه به عرف تنها در موضوعات است، نه در احکام. و منظور از عرف، تودهٔ مردم مسلمان است که به مسائل روزمرّهٔ زندگی آگاهی دارند.

سؤال ۱۳۳۰. آیا ممکن است عرف یک مملکت اسلامی مثل جمهوری اسلامی ایران بر یک امر غیر شرعی و خلاف قرار گیرد؟ آیا ممکن است عرف یک مدرسه، یا یک شهرک، یا یک اجتماع کوچک بر امر غیر شرعی و خلاف قرار گیرد؟ آیا تبعیّت جائز است؟

جواب: امکان دارد. و تبعیّت در احکام باید از مرجع تقلید باشد.

عرفان و عرفا

سؤال ۱۳۳۱. نظر آن جناب دربارهٔ عرفا چیست؟ کسانی که استادی در دسترس ندارند تا طی طریق نمایند چه باید بکنند؟

جواب: عرفای اسلامی مقام والایی دارند، ولی صوفی مسلکان منحرفند. شما می‌توانید از کتاب‌های علمای معروف اخلاق، مانند معراج السّعادة و جامع السعادات، استفاده کنید.

سؤال ۱۳۳۲. با توجّه به آن که مع الاسف چندی است که در کشور ما، با تأثیر گرفتن از امواج خارجی و منحرف، معنویت‌گرایی تحت عناوین عرفان‌های غیر دینی و غیر شرعی

قرارگرفته است و روز به روز حیطه تسلط آنان در میان جوانان و بانوان متدین ایران اسلامی فزونتر می‌گردد آنچه ضروری به نظر می‌رسد آن است که من باب «**وامّا الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا**»[1] می‌بایست میزان صحت، ستم و ثواب جریانات پدید آمده از علمای ربانی که مشعلدار امین شریعت و پاسبان حفیظ دیانت‌اند گردد. لذا لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) مختصّات عرفان اسلامی چیست؟ تفاوت آن با عرفان‌های غیر دینی در چه مواردی است؟

ب) در حالی که دین با انحراف جدیدی تحت عنوان عرفان‌های غیر دینی روبه‌روست که تماماً برگرفته از مأمورهای منحط بودایی و سرخ‌پوستی و الهیات مسیحی و یهودی بوده که بر اساس اصل تناسخ و انسان‌محور استوار است چاپ کتب و مقالات و نمایش آثاری که دربرگیرندهٔ این عقاید است چه حکمی دارد؟

ج) آیا رهبانیّت گزیدن روش درستی برای رسیدن به خدا محسوب می‌شود؟

د) نمایش درویشان و صوفیان در قالب فیلم‌هایی که آنها را تأیید می‌کند چه حکمی دارد؟

هـ) آیا روح انسان پس از مرگ به خواست خود می‌تواند در پیش چشمان اشخاص مختلف حاضر شود؟ چنانچه جواب مثبت است اگر افراد زنده حاضر به دیدن روح متوفی نباشند این موضوع عملی خواهد بود؟

و: آیا روح فردگناهکار می‌تواند به خواست خود نزد شخص آمده و از وی بخواهد که برای او حلالیّت بطلبد؟

ز: راه رسیدن به عرفان اسلامی چیست؟ رسیدن به عرفان چه مراحلی دارد؟ آیا صرف نظر از مراحل نظری می‌توان به عرفان عملی دست یافت؟

جواب: عرفان اسلامی برگرفته از کتاب و سنّت است. آیات بسیاری در قرآن مجید داریم که به اوج عرفان می‌رسد؛ مانند آیات آخر سورهٔ حشر و آیات آغاز

---

۱. بحارالانوار، ج ۲، ص ۹۰، ح ۱۳.

سورهٔ حدید و آیات دیگر. همچنین بسیاری از خطبه‌های نهج‌البلاغه مانند خطبهٔ اشباح[۱] و خطبهٔ همّام[۲] و خطبهٔ قاصعه[۳] و خطبهٔ اوّل نهج‌البلاغه و خطب دیگر، و نیز دعاهای بسیار عمیق و دقیق صحیفهٔ سجّادیّه، دعای کمیل، صباح و دعای عرفه که هر کدام دنیایی از عرفان اسلامی را در بر دارد. از همهٔ اینها گذشته زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام و ائمّهٔ اهل‌بیت علیهم السلام همگی الگویی از زندگی عارفانه است و امّا عرفان تصوّف یک عرفان التقاطی است که برگرفته از مذاهب مختلف بی‌اساس و ضمیمهٔ تخیّلاتی از مرتاضان هندی و بودایی است که در قرن دوم هجری به محیط اسلامی وارد شد و جمعی را به انحراف کشاند. تضادّ این عرفان با کتاب و سنّت و الگوهای اسلامی واضح‌تر از آن است که نیاز به توضیح داشته باشد. این عرفان التقاطی گاه به انسان‌پرستی و ادّعای الوهیت انسان منتهی می‌شود، و گاه به شکستن تمام قید و بندهای اخلاقی یا بیگانگی از زندگی اجتماعی، و گاه به تناسخ و حلول و اتّحاد و امثال آن. متأسّفانه اشتباهاتی که در رسانه‌های جمعی ما رخ می‌دهد اخیراً سبب شده که به این‌گونه افکار و آن‌گونه اشخاص بها داده شود و سبب انحرافاتی گردد.

سؤال ۱۳۳۳. عرفان چیست و چگونه باید به آن قدم گذاشت؟

جواب: عرفان علم شناخت معرفت خداوند و اسماء و صفات اوست و عرفان عملی همان تهذیب نفس و خودسازی کامل است.

عرفان غیردینی

سؤال ۱۳۳۴. لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) آیا در اسلام ریاضت غیر شرعی وجود دارد؟ منظور از آن ریاضت چیست؟

---

۱. نهج البلاغه، خطبهٔ ۹۱.
۲. همان، خطبهٔ ۱۹۳.
۳. همان، خطبهٔ ۱۹۲.

ب) چرا وقتی نظر علما و فقهای دین و مراجع تقلید را در مورد بعضی از شخصیّت‌هایی که در جامعهٔ کنونی مشهور هستند جویا می‌شویم جوابی نمی‌دهند؟

ج) چرا درکشور ما که یک کشور مسلمان‌نشین است کتاب‌های ضالّه منتشر می‌گردد؟

جواب: با توجّه به این که جزئیّات حالات اشخاص بر ما و سایر علما روشن نیست، دربارهٔ اشخاص قضاوت نمی‌کنیم ولی به طور کلّی ریاضات غیر شرعیّه از آن نهی شده، مانند صوم و صال و صوم سکوت و یا هر چه ضرر قابل توجّهی برای انسان دارد و یا اگر هیچ کدام از آن نباشد آن را به خدا و پیامبر نسبت بدهند در حالی که در شرع وارد نشده است.

عشق به خدا

سؤال ۱۳۳۵. دوست دارم عاشق خدا شوم، ولی رسمش را نمی‌دانم. برخی از علما نکاتی گفته‌اند که برایم سنگین می‌باشد. مایلم با توجّه به ظرفیّت و سنّم، و با عنایت به این که چقدر در معرض وسوسه‌های شیطان هستم، دستورالعملی به من داده شود. می‌خواهم در عین حال که به خدا نزدیک می‌شوم، میان اجتماع و مردم هم باشم؛ نمی‌خواهم گوشه‌نشین گردم. دلم خیلی سنگ شده، به گونه‌ای که هر چه دعای فرج، زیارت عاشورا و قرآن می‌خوانم، احساس می‌کنم آن حالی که می‌خواهم، ندارم و نمی‌توانم از آقا امام زمان راهنمایی بگیرم. تصوّر می‌کنم دلم همچون آهن سردی است که ضربات دعا و مناجات بر آن تأثیر نمی‌کند. ضمناً احساس می‌کنم سلّول‌های فکری خود را از دست داده و خیلی ناراحتی می‌کنم. دلم هیچ آرامشی ندارد. ترس در دل من غوطه‌ور شده است. دیگر هیچ رغبتی به درس ندارم اگر شاگرد خوب نبودم، لااقلّ متوسّط بودم؛ امّا اکنون زود خسته می‌شوم. البتّه دوست ندارم طوری شوم که مردم در بیرون از من تعریف کنند؛ ولی می‌خواهم دلم جلا پیدا کند. چه کنم؟

جواب: نوشته و طرز بیان شما نشان می‌دهد جوان با استعدادی هستید،

و فکرتان هم خوب کار می‌کند، ولی گرفتار وسواس شده‌اید. کتاب خوبی به نام «راه غلبه بر نگرانی‌ها و ناامیدی‌ها» منتشر شده آن را به دقّت بخوانید و دستوراتش را به کار بندید. پس از آن، کتاب «اخلاق در قرآن» را، که نوشتهٔ ماست، به دقّت مطالعه کنید. از دوستان ناباب بپرهیزید، و از مجالس آلوده اجتناب کنید، و از غذاهای مشتبه به حرام اجتناب ورزید، و دست به دامن لطف خداوند بزنید، ان شاء الله مشکل شما حلّ خواهد شد.

علوم غریبه

سؤال ۱۳۳۶. آیا علوم غریبه واقعیّت دارند؟ و چند شاخه‌اند؟ یادگیری این علوم چگونه است؟ آیا منبعی وجود دارد که بتوان این علوم را کسب کرد؟

جواب: علوم غریبه اجمالاً وجود دارد؛ ولی منظور از آن، علم سحر و رمل و جفر و امثال آن است که بخشی از آن در دسترس ما نیست و بخشی مانند سحر حرام است.

عملیات استشهادی

سؤال ۱۳۳۷. لطفاً در مورد «عملیّات شهادت طلبانه» به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

الف) اگر خودکشی در اسلام حرام است پس عملیّات شهادت‌طلبانه چه توجیهی دارد؟

ب) عملیات شهادت‌طلبانه به حکم چه کسی (فقیه یا حاکم اسلامی) باید صورت بگیرد؟ این مسأله از نظر شیعه و اهل سنت چگونه قابل توجیه است؟

ج) آیا این عملیّات؛ در فرضی که موجب مفاسدی برای وجههٔ اسلام و مسلمین شود و ایجاد تنفّر کند مجاز است؟

د) در صورتی که چنین اقداماتی فشارها و تنگناهای فراوان روحی، مادّی، و یا جسمی برای مسلمانان داشته باشد حکم آن چیست؟

هـ) بین قاعدهٔ اضطرار و موضوع استشهاد چه نسبتی است؟

و) حکم تعارض ضررهای مختلف در این عملیّات چیست؟

ز) تشخیص مصادیق استشهاد باکیست؟

ح) آیا هر مرحله‌ای از عملیّات اذن مخصوص لازم دارد، یا اذن عام کافی است؟

ط) اگر چنین اعمالی موجبات استیلای عدم امنیّت و یا لااقل احساس ناامنی را فراهم سازد، یا تفرقه و تشتّت را در جامعه به دنبال داشته باشد، آیا مجاز است؟

ی) با فرض مشروعیّت، مرز آن با خودکشی، تروریسم، «القاء در تهلکه»[1] چیست؟

جواب: پاسخ سؤالات شما به شرح زیر است:

بدون شک تروریسم در اسلام حرام است و هیچ کس حق ندارد اقدام به چنین کاری کند. و عملیات موسوم به شهادت‌طلبانه نیز طبق احکام اوّلیّه جایز نیست مخصوصاً اگر سبب کشتن بی‌گناهان شود. بنابراین آنچه وهّابی‌ها انجام می‌دهند از مصادیق بارز جنایت و گناهان کبیره و قتل نفوس ابریاء است. تنها در یک صورت این کار آن هم با اجازهٔ حاکم شرع مجاز می‌باشد و آن موردی است که برای حفظ اسلام و مسلمین هیچ راهی جز آن وجود نداشته باشد و موجب قتل بی‌گناهان نیز نشود.

غلوّ

سؤال ۱۳۳۸. نظر مبارک راجع به مسائل ذیل چیست؟

الف) ما ز قرآن مغز آن برداشتیم ـ پوست آن نزد... بگذاشتیم

ب) حضرت رسول و دوازده امام علیهم‌السلام دارای ولایت تکوینیّهٔ کلیّه الهیّه هستند. یعنی فرقی بین آنها و خدا نیست. جز این که آنها مخلوق پروردگارند.

ج) انسان کامل مجری مقدرات خدا است تکویناً

د) انسان کامل اصل قدیم و فرع کریم است.

---

۱. این جمله از آیهٔ شریفهٔ ۱۹۵ سورهٔ بقره گرفته شده است.

هـ) انسان کامل مصنوع خدا است و ما سوی الله صنایع ایشان.

و) انسان کامل مثل اعلای خدا است، بنابراین دارای مقام کن فیکون است.

ز) انسان کامل دارای علم غیب است.

ح) انسان کامل مظهر ذات خدا است.

جواب: بی‌شک بخشی از این ادّعاها غلوّ و باطل است و گویندهٔ آن از کتاب الهی و سنت معصومین علیهم‌السلام منحرف می‌باشد.

فال‌گیری

سؤال ۱۳۳۹. لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) فال‌گیری، رمالی، احضار روح، سحر و جادو، هیپنوتیزم، اسطرلاب، جفر، انتقال انرژی، در اسلام چه حکمی دارد؟

ب) آیا رجوع به افراد فوق الذکر برای گره‌گشایی و معالجه جایز است؟

ج) تعلیم و تعلّم این امور چه حکمی دارد؟ نگه‌داری و مطالعه کتبی که در این زمینه نگاشته شده دارای چه حکمیست و آیا جزء کتب ضاله محسوب می‌شوند؟

د) فال‌گیران به درخواست مراجعین به قرآن مجید تفأل زده و بدون داشتن علم کافی از تفسیر قرآن کریم به تفسیر آن می‌پردازند و در جواب تفأل نظر خود را می‌گویند نه نظر قرآن را. آیا این عمل جایز است؟ حکم تفسیر به رأی کردن قرآن چیست؟ و حکم پولی که از طرف فال گیر دریافت می‌شود چیست؟

هـ) آیا افراد فوق الذکر مثل دکتر معالج انسان محرم هستند؟ آیا می‌توانند جهت معالجه به وسیلهٔ طلسمات و انتقال انرژی دست به اعضای بدن نامحرم بکشند؟

و) وظیفهٔ شرعی مسؤولین در خصوص افراد سابق الذکر چیست؟

ز) توصیهٔ حضرتعالی به افرادی که به جای پیدا کردن راه حل مناسب برای رفع مشکلاتشان به این گونه افراد متوسّل شده و نه تنها مال خود را از دست داده، که در برخی موارد عرض خود را نیز از دست می‌دهند چیست؟

جواب: احضار ارواح عقلاً امکان‌پذیر است، ولی شرعاً جایز نیست و مفاسد زیادی به بار می‌آورد، شرح این مطلب را در کتاب ارتباط با ارواح نوشته‌ایم، و هیپنوتیزم چنانچه برای مقاصد طبی و مانند آن باشد مانعی ندارد ولی برای کشف امور پنهانی یا خبر از گذشته و حال جایز نیست. و مراجعه به فالگیرها و جادوگران برای معالجه و امثال آن حرام است. و دعانویسی اگر از دعاهای مشروعهٔ مأثوره باشد مانعی ندارد ولی دعانویسی خرافی حرفه‌ای جایز نیست. بر مؤمنین لازم است به چنین افرادی مراجعه نکنند و بر فالگیران و دعانویسان حرفه‌ای و جادوگران نیز لازم است از این کار حرام دست بردارند که عاقبت بدی دارد.

فراگیری علوم غیر دینی

سؤال ۱۳۴۰. یادگیری علوم غیر دینی (مانند پزشکی و مهندسی و مانند آن) از نظر شما چه حکمی دارد؟

جواب: تمام علومی که مفید به حال جامعه است و نظام زندگی بر آن متوقّف می‌باشد واجب کفائی است.

فلسطین

سؤال ۱۳۴۱. با توجّه به این که جنگ اسرائیل با فلسطین، یا آمریکا با عراق تقابل با اسلام و مربوط به کشورهای اسلامی است، آیا درست است، که ما به خاطر مسائل سیاسی یا مصلحت کشور خودمان نهایت همکاری را با آنها نداشته باشیم؟

جواب: همه می‌دانند که ایران اسلامی مهمترین حامی مبارزان فلسطینی است و از جهات مختلف به آنها کمک می‌کنیم.

سؤال ۱۳۴۲. اکثر علما و روحانیون برای مردم پیرامون حوادث در مراسم‌های مختلف توضیح می‌دهند، مثلاً حماسه عاشورا، شهادت‌ها، امّا چرا در مورد فلسطین و جنایات آمریکا و اسرائیل توضیح نمی‌دهند؟

جواب: در مورد فلسطین در جرائد و بر فراز منبرها به قدر کافی سخن گفته شده و در آینده نیز گفته خواهد شد؛حتّی بعضی معتقدند که در این زمینه افراط شده است.

فلسفهٔ ملاّصدرا

سؤال ۱۳۴۳. آیا می‌توانیم ادّعاکنیم که در تمدّن اسلامی فلسفه ملاّصدرا (ره) یک تولید علم محسوب می‌شود، و از فلسفهٔ غرب متمایز است؟

جواب: شک نیست که ملاّصدرا ابتکاراتی در فلسفه داشت و نیز از آرا و نظرات فلاسفه پیشین استفاده کرده و فلسفهٔ او با فلسفه غرب تفاوت بسیار دارد.

فیلم‌ها

سؤال ۱۳۴۴. لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) حکم تماشای فیلم‌های مبتذل چیست؟

ب) اگر فیلم‌های مبتذل بر بیننده تأثیر نگذارد، تماشای آن چه حکمی دارد؟

ج) اگر به فیلم‌های مبتذل که در دست شخص دیگری است دسترسی داشته باشیم وظیفهٔ ما چیست؟

د) حکم نابود کردن فیلم‌های مبتذل اگر به صورت امانت در دست شخص دیگری باشد چیست؟ آیا نابود کردن امانت به این شکل که گفته شد، مغایرت با «حفظ و ادای امانت» ندارد؟

جواب: تماشای این گونه فیلم‌ها جایز نیست و منشأ مفاسد فراوانی است و در صورتی که بتوانید آنها را از بین ببرید و مشکلی برای شما پیش نیاید کار خوبیست؛ ولی اگر فیلم‌هایی باشد که بتوان آن را پاک کرد و فیلم آن را به صاحبش داد باید این گونه عمل کرد.

قربانی

سؤال ۱۳۴۵. بعضی از مردم وقتی وسیلهٔ نقلیّه‌ای می‌خرند یک گوسفند جلوی آن ذبح می‌کنند. و آنها که وضع مالی خوبی ندارند به ذبح یک مرغ و گاهی حتّی یک گنجشک قناعت کرده و خونش را به چرخ و سپر ماشین می‌مالند. آیا این مطلب ریشه شرعی دارد؟

جواب: در مورد مرکب سواری چنین دستوری نداریم، ولی اگر انسان صدقه‌ای به هر صورت برای ملک جدید بدهد ان شاء الله سبب حفظ آن می‌شود.

قرآن

سؤال ۱۳۴۶. از محضر مبارک حضرت عالی تقاضا دارد که این مرکز را ـ که در راستای دست‌یابی به رسم الخطی صحیح و مناسب برای قرآن کریم گام برمی‌دارد ـ در موارد ذیل راهنمایی فرمایید:

الف) نظر شریفتان در مورد توقیفی بودن رسم الخط قرآن از رسول اکرم صلی الله علیه و آله، آن گونه که برخی از عامّه معتقدند، چیست؟

جواب: هیچ دلیلی بر توقیفی بودن رسم‌الخط قرآن نداریم و متأسّفانه رسم الخط معمولی عثمان طه تناقضها و اغلاط زیادی دارد و غالب افراد کم سواد از عهدهٔ صحیح خواندن از روی آن برنمی‌آیند، امید است روزی فرا رسد که مسلمین این رسم الخط پرغلط را رها کنند و رسم الخط صحیح روز را به کار بندند.

ب) نظر شریفتان در مورد التزام به رسم المصحف ـ جهت حفظ وحدت مسلمانان و دوری از طعن و افترای معاندان ـ چیست؟

جواب: شاید در شرایط فعلی ما ناچار به حفظ رسم الخط فعلی باشیم، ولی باید کوشش کرد که این کار نادرست و غیر منطقی از طریق صحیح اصلاح گردد.

ج) برای مصاحفی که صرفاً جهت تعلیم به متعلمان تهیه می‌شود، التزام به رسم المصحف چه حکمی دارد؟

جواب: ضرورتی ندارد.

سؤال ۱۳۴۷. تفسیر آیات قرآن مجید از طریق حروف ابجد چه حکمی دارد؟ آیا حضرات معصومین علیهم‌السلام اجازهٔ چنین کاری را داده‌اند؟

جواب: تفسیر آیات نورانی قرآن مجید از طریق حروف ابجد کار صحیحی نیست و چنین اجازه‌ای در روایات به ما داده نشده است.

سؤال ۱۳۴۸. نهادن قرآن بر ران، یا بر سطحی که انسان نشسته است و ورق زدن آن با آب دهان چه حکمی دارد؟ آیا خلاف ادب است؟

جواب: بهتر آن است که قرآن را روی رحل یا در دامان بگذارند و روی زمین نگذارند؛ ولی ورق زدن باتر کردن انگشت به آب دهان خلاف ادب نیست.

سؤال ۱۳۴۹. مرکز امور توانبخشی نابینایان کشور (رودکی) وابسته به معاونت امور توانبخشی سازمان بهزیستی کشور، در نظر دارد کلام الله مجید را بار دیگر به صورتی منقّح به خط بریل چاپ کند.

با توجه به این که قرآن‌های موجود بر اساس رسم المصحف عثمانی نوشته شده و همان‌گونه که مستحضرید، غلط‌هایی در شیوهٔ نگارش آن راه یافته، و با توجّه به محدودیّت‌های خط بریل در قرار دادن علامت‌های راهنما برای نابینایان، استدعا داریم نظر خود را دربارهٔ جواز یا عدم جواز شرعی تغییر شیوهٔ نگارش قرآن در خط بریل بر اساس پیشنهادات ذیل اعلام فرمایید.

الف) حذف الف زینت در کلماتی مانند «یتلوا، یدعوا» و به طور کلی صیغه‌های جمع مذکر در امر حاضر و ماضی غایب از افعال زبان عربی و...

ب) حذف واو در کلماتی مانند «اولئك» و نوشتن آن به صورت «الائك».

ج) حذف واو در کلماتی مانند «صلوة، ذکوة، غدوة و...» و نوشتن آن به صورت «صلاة، ذکاة، غداة و...».

د) تبدیل الف کوتاه در کلماتی مثل «هٰهنا، الله، رحمن، اسمٰعیل و...» به الف بلند مانند «اللاه، رحمان، اسماعیل، هاهنا، هاذا و...».

هـ) عمل کردن بر اساس دو جدولی که حضرت آیت الله محمد هادی معرفت در کتاب تاریخ قرآن خود آورده است. این تغییرات چه حکمی دارد؟

جواب: تغییرات مذکور، که کمک به صحیح خواندن نابینایان می‌کند، از نظر ما اشکالی ندارد.

سؤال ۱۳۵۰. دشمنان، شیعه را متّهم به تحریف قرآن می‌کنند. این اداره درصدد است برای خنثی کردن این توطئه فتاوای مراجع عظام تقلید را در مجموعه‌ای عرضه کند. نظر حضرتعالی در مورد تحریف چیست؟

جواب: قرآن موجود در دست مسلمانان جهان عیناً همان قرآنی است که بر پیامبراسلام صلی الله علیه و آله نازل شده و حتی یک حرف کم یا زیاد نشده است. شرح این مطلب را در کتاب انوار الاصول و تفسیر نمونه و پیام قرآن و قرآن و آخرین پیامبر نوشته‌ایم.

سؤال ۱۳۵۱. با توجّه به آنچه که در صفحهٔ ۳۰۹ اسرار آل محمد آمده، مبنی بر این که وقتی عمر به حکومت رسید قرآنی که حضرت علی علیه السلام جمع آوری کرده بود را از آن حضرت خواست و مولی به ایشان نداد، و عمر دستور جمع‌آوری قرآن دیگری را داد. و نیز در همین صفحه آمده: مردمی که در جنگ یمامه کشته شدند قرآنی می‌خواندند که غیر از این قرآن بود، و نیز خورده شدن اوراق قرآن به وسیلهٔ گوسفندان، و معادل بودن سورهٔ احزاب با سورهٔ بقره و ۱۶۰ آیه بودن سورهٔ نور و ۹۰ آیه بودن سورهٔ حجرات، و آتش زدن قرآن عهد عمر و قرآن کعب و قرآن ابن مسعود به وسیلهٔ عثمان و جمع‌آوری مجدّد آن و اظهارات علی علیه السلام در صفحهٔ ۳۱۰ همین کتاب که قرآنی که من نوشتم مشتمل بر هر حلال و حرام و حدّ و حکم و حتّی دیه خراش بر بدن است که با املای پیامبر صلی الله علیه و آله و با خط خودم می‌باشد. اگر روایات فوق درست باشد به نظر می‌رسد قرآنی که هم اکنون در دست ماست همه‌اش قرآن است؛ ولی بدین معنی نیست که همهٔ قرآن همین قدر باشد. بلکه همهٔ قرآن آن است که علی علیه السلام آن را نوشته و اکنون در دست امام زمان علیه السلام است و هنگامی که ظهور نماید آن را می‌آورد و مردم را وادار به عمل به آن نمی‌نماید. بطوری که علما هم می‌گویند: این دین جدید است. آیا برداشتم صحیح است؟

جواب: قرآنی که هم اکنون در دست مسلمانان جهان است عیناً همان قرآنی است که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده و حتی یک حرف کم یا زیاد ندارد و آنچه در مورد مصحف حضرت علی علیه السلام گفته می‌شود قرآن همراه با تفسیر است و تمام آن قرآن محسوب نمی‌شود.

سؤال ۱۳۵۲. بین اینجانب و یکی از دوستان در رابطه با آیهٔ شریفه ﴿**إِنَّ اللهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيماً**﴾[1] بحث شد، عرض کردم: «چون اطاعت از امر قرآن واجب است، و جملهٔ «صلوا» در آیه فوق امر است لذا بعد از شنیدن این آیه بر مستمعین واجب است صلوات بفرستند ولی ایشان فرمودند «واجب نیست» نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: آیه شریفه دلالت بر وجوب صلوات دارد؛ ولی یک بار عمل کردن به آن کافیست.

سؤال ۱۳۵۳. واضح است که منظور از نزول قرآن بر قلب مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله رساندن پیام‌های آن به نوع بشر در همه مکان‌ها و زمان‌ها بوده و این که مردم آن را بفهمند و پس از فهم هر کس مختار است که یا شاکر باشد یا کفور. برای فهم قرآن لازم است آن کتاب ارجمند به «لسان قوم» ترجمه شود. فرض می‌کنیم ترجمه مورد نظر صحیح و دقیق و قابل دفاع هم باشد. در آن صورت خواهشمندم به این سؤال‌ها پاسخ دهید:

الف) آیا اشکال دارد ترجمه مورد نظر بدون متن اصلی عربی چاپ و منتشر شود؟ کاری به مقرّرات دولتی کشورهای مختلف نداریم. آیا از منظر شرع مقدّس این کار اشکال دارد؟

جواب: با توجه به این که این کار باعث بیگانگی خوانندگان ترجمه مذکور با اصل قرآن می‌شود، علاوه بر این که اگر اشتباهی در ترجمه باشد به راحتی برای خوانندگان قابل تشخیص نمی‌باشد، به اضافه بهانه‌ای به دست گروهی می‌دهد که

---

۱. سورهٔ احزاب؛ آیهٔ ۵۶.

ادعا کنند ما می‌خواهیم متن قرآن را از میان مسلمین برداریم، بنابراین لازم است این کار ترک شود.

ب) سوره‌های قرآن کریم، در هر حال، یک «ترتیب نزول» داشته (گرچه در بعضی سوره‌ها بعضی از آیات قبلاً یا بعد از حجم اکثر سوره نازل شده‌اند مثلاً آیهٔ آخر سورهٔ مزمل و غیره) و برای فهم بهتر مطالب قرآن، مطالعه آن به ترتیب نزول، کمک بسیار خوبیست. مثلاً کسی که برای اولین بار قرآن را می‌خواند، در سورهٔ بقره مطالبی مربوط به بنی‌اسرائیل می‌بیند که آن را نمی‌فهمد، امّا اگر اول سورهٔ طه، سپس سورهٔ اعراف و بعداً سورهٔ بقره را بخواند آن مطالب سوره بقره را بخوبی می‌فهمد. البتّه، بطور قاطع نمی‌توان گفت ترتیب نزول کدام است، امّا جدول‌هایی وجود دارد که با توجه به محتوای سوره‌ها نشان می‌دهد که به حقیقت بسیار نزدیک شده است.

اگر ترجمه مورد نظر به ترتیب نزول و بدون متن عربی باشد، اشکال دارد؟

جواب: از جواب بالا روشن شد. علاوه بر این که این کار زمینهٔ سوء ظن به تحریف قرآن را نیز به دنبال دارد.

سؤال ۱۳۵۴. اینجانب به عنوان روحانی مستقر در منطقهٔ فریدونشهر مشغول تبلیغ دین اسلام می‌باشم. در این منطقه رسم است که مردم چهل قرآن می‌بندند! به این صورت که چهل عدد قرآن را داخل جعبه‌ای می‌گذارند و بعد از چهل روز در جعبه را باز کرده، و عدّه‌ای را دعوت می‌کنند تا قرآن را ختم نمایند. ضمناً جهت تکمیل چهل عدد قرآن در صورت کمبود، از قرآن مساجد استفاده می‌شود. با توجّه به توضیح فوق استدعا دارد بفرمایید:

الف) بیرون بردن قرآن از مساجد دربارهٔ امر فوق الذکر چگونه است؟

ب) اصل این کار جایگاه شرعی و دینی دارد؟

جواب: ختم قرآن به وسیلهٔ مؤمنین در یک یا چند جلسه بسیار خوب و پربرکت است، ولی حبس کردن چهل قرآن در یک جعبه یا بیرون آوردن قرآن از مساجد کار صحیحی نیست.

قضا و قدر

سؤال ۱۳۵۵. شخصی در مسأله قضا و قدر و مشیت الهی معتقد است «تعیین سرنوشت انسان به ارادهٔ خداوند بوده و از قبل جایگاه او تعیین شده است».

توضیح این که: «آنچه خداوند ـ دربارهٔ انسان ـ اراده می‌کند، انسان نیز همان را اراده می‌کند و انجام می‌دهد، یعنی اگر به عنوان مثال «من» انجام یا ترک فعلی ـ اعم از فعل خیر یا شر ـ را اراده کنم، قبل از تعلق اراده من به آن، خداوند اراده کرده که من آن را اراده کنم؛ یعنی خداوند از قبل تعیین کرده که ما چه افعالی انجام بدهیم» دلیل کلّی ایشان این است که خداوند اجلّ از آن است که اراده وی مسبوق بر اراده غیر باشد. لطفاً بفرمایید:

الف) آیا چنین عقیده‌ای درست است؟

جواب: این عقیده کاملاً اشتباه است؛ زیرا اگر این عقیده درست باشد نه ثوابی در کار خواهد بود نه عقابی، و نه بهشتی و نه دوزخی، و نه تکلیف واجب و نه حرامی؛ شرح این سخن را در کتاب پنجاه درس اصول عقائد و انگیزهٔ پیدایش مذهب نوشته‌ایم؛ لطفاً مطالعه فرمایید.

ب) با توجه به این که ایشان از دوستانم می‌باشد؛ و از این قبیل اعتقادات باز هم دارد، ارتباط من با ایشان چگونه باشد؟ آیا قطع رابطه کنم یا خیر؟ در صورت دوم آیا در صدد ارشاد او باشم یا خیر؟ در صورت اوّل چگونه او را ارشاد کنم؟

جواب: در صورتی که امیدی به ارشاد او داشته باشید ارتباط با وی مانعی ندارد.

کتاب و کتاب‌خوانی

سؤال ۱۳۵۶. بعضی معتقدند کتاب حدیقة الشیعه نوشتهٔ «مقدّس اردبیلی رحمه‌الله» نیست، و استناد آن را به مرحوم صریحاً انکار نموده، یا در آن تشکیک می‌کنند. و جمعی دیگر می‌گویند: «این کتاب که امروزه به دست ما رسیده کم و زیاد گردیده، و متن آن دچار تحریف شده است». نظر کارشناسی حضرتعالی در این باره چیست؟

جواب: انتساب این کتاب به آن مرحوم روشن نیست.

سؤال ۱۳۵۷. نظر شریف شما در مورد صحّت یا عدم صحت استناد کتاب «اسرار آل‌محمد علیهم‌السلام» به «سلیم بن قیس هلالی» چیست؟ بعضی می‌گویند این کتاب که فعلاً در اختیار ماست آن کتاب سلیم بن قیس هلالی نیست نظر شما چیست؟

جواب: این کتاب نیز مشتمل بر پاره‌ای از مطالب است، که درست به نظر نمی‌رسد.

سؤال ۱۳۵۸. عالمان بزرگ مسلمان همواره رسالت خویش را در عرصه‌های گوناگون حیات انسانی به اثبات رسانیده‌اند و نظام حرکتی آنها، صادقانه و بی‌پروا موجی عظیم در دل راه‌یافتگان این صراط برمی‌انگیزد که مقدمهٔ رفتن و رسیدن به حقیقت به معنای واقعی کلمه است. با توجه به ایّام سالگرد شیخ مفید رحمه‌الله و علاّمهٔ طباطبایی رحمه‌الله لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) عمده‌ترین مطالبی که موجب شد تا شیخ مفید رحمه‌الله و علاّمه طباطبایی رحمه‌الله از متن کتاب‌ها و نوشته‌ها به عالم معنا برسند چیست؟

ب) نگاه شما به عنوان یکی از عالمان بزرگ معاصر به مقولهٔ کتاب و کتابخوانی در عصر حاضر چگونه است؟

ج) اهمّ مشکلات جامعهٔ امروز در ساماندهی فرهنگ کتابخوانی و ترغیب افراد به پیوستن و پاسداشت این فرهنگ چه می‌تواند باشد؟

د) نویسنده در جامعهٔ امروز با رعایت چه قالب‌هایی می‌تواند در انتقال فرهنگ اسلامی و ملّی به قشر جوان مؤثّر واقع شود؟

هـ) راهکارهای شما به خانواده‌ها، مربّیان، جامعهٔ آموزش و داعیه‌داران فرهنگ اسلامی برای نشر فرهنگ کتابخوانی در چه زمینه‌هایی است؟

جواب: بی‌شک برای انتقال علوم و دانش‌ها و تجارب از نسلی به نسل دیگر بهترین راه و گاه تنها راه استفاده از کتاب است. تمدّن انسانی در سایهٔ کتاب پیشرفت کرده و تمام پیامبران اولوالعزم علیهم‌السلام صاحب کتاب آسمانی بوده‌اند و قرآن

مجید به قلم و نوشته‌های کتاب به عنوان شیء بسیار ارزشمند قسم یاد کرده است.[۱] بنابر این وظیفهٔ همهٔ ما این است که جوانان و نوجوانان را به اهمیّت کتاب آشنا سازیم و آن را به عنوان بهترین دوست بلکه بهترین معلّم و رهبر و راهنما معرّفی کنیم. به یقین اگر ادبیّات حاکم بر کتاب‌ها، ادبیّات پرجاذبه‌ای باشد می‌تواند نسل جدید را به سرعت به سوی خود جذب کند و بر نویسندگان لازم است که بر جاذبه‌های کتب خویش بیفزایند و بر رسانه‌های گروهی نیز لازم است همگان را به کتاب خواندن تشویق کنند؛ ولی نباید فراموش کرد که انسان‌های شیطان صفتی پیدا می‌شوند که از این وسیلهٔ مقدّس برای گمراه ساختن افکار جوانان بهره می‌گیرند و کتاب‌هایی که سمّ مهلک است در دسترس آنها می‌گذارند مسؤولین کتابخانه‌ها باید با دقّت و وسواس مراقب پاکسازی کتابخانه از این گونه کتب باشند.

کشتن حیوانات

سؤال ۱۳۵۹. چون تعداد زیادی سگ ولگرد و بعضاً دارای صاحب در اثر تخریب زراعت گندم و جو و چغندر و مانند آن، در آوردن ریشه‌های درخت انار در تابستان، و آلوده نمودن محیط و علف‌های باغ، موجب خسارت فراوانی می‌شوند، یا خدای ناکرده در اثر آلوده شدن محیط، سبب بیماری می‌شوند، آیا کشتن آنها جایز است؟

جواب: این کار در مورد سگ‌های بدون صاحب مانعی ندارد؛ ولی در مورد سگ‌هایی که صاحب دارد باید اوّل با صاحبان آن اتمام حجّت کنند.

سؤال ۱۳۶۰. آیا می‌توان برخی از موجودات موذی و مزاحم مانند مار و عقرب از بین برد؟

جواب: آری جایز است.

---

۱. شرح و تفسیر قسم‌های قرآنی را می‌توانید در کتاب «سوگندهای پربار قرآن» که مباحث تفسیری حضرت آیة‌الله العظمی مکارم شیرازی است، مطالعه فرمایید.

گروگان‌گیری

سؤال ۱۳۶۱. همان‌گونه که مستحضرید پس از اشغال عراق توسّط آمریکا و انگلیس، گروه‌هایی اقدام به گروگان‌گیری از اتباع کشورهایی که عمدتاً حامی اشغال عراق می‌باشند کرده و در ذیل پرچم «لا اله الا الله» شرایطی اعلام داشته‌اند که اگر آن شرایط فراهم نشود اقدام به کشتن گروگان‌ها می‌کنند، که در مواردی نیز چنین شده است. البته تردیدهایی دربارهٔ انگیزه‌ها و مسلمان بودن این گروه‌ها وجود دارد. این‌گونه اقدامات چه حکمی دارد؟ روش پیشنهادی اسلام برای صیانت از بلاد اسلامی و رفع اشغال آن چیست؟

جواب: گروگان‌گیری افراد غیر نظامی و بی‌گناه در شریعت اسلام جایز نیست وگردن زدن آنها کاری بسیار زشت و قبیح است. این کار را ممکن است دشمنان اسلام برای بدبین کردن جهانیان نسبت به اسلام و مسلمین انجام دهند، یا افراد نادان و متعصّبی که از احکام اسلام اطّلاع صحیحی ندارند. ولی نباید فراموش کرد که گناه این کار در درجهٔ اوّل متوجّه کسانی است که مرتکب ظلم وجنایت زیادی در این مناطق شده‌اند؛ هر چند این شرایط سبب تبرئه گروگانگیرها نخواهد شد.

گروه‌های منحرف

۱. آغاخانیها

سؤال ۱۳۶۲. لطفاً در مورد آغاخانیها به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) در مورد به آغاخان که خود را پنجاه و پنجمین امام حاضر اسماعیلیان می‌داند چه می‌فرمایید؟

ب) مدّت ۱۵ سال است که آغاخانیها در منطقه شمال پاکستان که اکثرشان شیعه اثنی عشری هستند فعالیت علمی فرهنگی و اقتصادی انجام می‌دهند. غالب مردم نسبت به فعالیّت آنها مخصوصاً خدمات عمرانی‌شان رغبت نشان می‌دهند و اسم

آغاخان زبانزد عام و خاص است حتی با اشیای خوردنی (مثل سیب‌زمینی و پیاز) هم همواره اسم آغاخان را می‌آورند. همکاری با آنها چه حکمی دارد؟

ج) عضو شدن در سازمان آنها چه حکمی دارد؟

د) کمک کردن به آنها و کمک گرفتن از آنها چه حکمی دارد؟

هـ) وظیفهٔ علمای منطقه چه می‌باشد؟

جواب: آغاخانیها و پیروان آنها گروه منحرفی هستند از آنها اجتناب ورزید و تا مجبور نشوید کمک‌های آنها را قبول نکنید و در سازمان‌های آنها عضو نشوید و دیگر شیعیان را نیز آگاه کنید.

سؤال ۱۳۶۳. کمک گرفتن از آغاخانی‌ها چه حکمی دارد؟ برخی معتقدند آنها قصد بدی ندارند؛ ولی بعضی از قرائن که در طول بیست سال گذشته کراراً اتّفاق افتاده و همه از این وقایع باخبرند و دلالت بر عدم حسن نیّت آنها می‌کند به شرح زیر است:

الف) دخالت ندادن کسانی که در مذهب موقعیّت خاصّی دارند.

ب) درتشکیلاتشان شرط می‌کنند که نباید درجلساتشان بحث مذهبی بشود.

ج) ترویج فحشا و عدم توجّه به حکم محرم و نامحرم و اصرار بر ترک حجاب بانوان.

د) اگر کسی بر علیه برنامه‌های نامشروع آنها حرفی بزند مورد تعرّض قرار می‌گیرد.

هـ) به بهانهٔ توزیع لوازم بهداشتی، لوازم فحاشی را در میان جوانان در ملاء عام توزیع می‌کنند. با توجّه به این امور، کمک گرفتن از آنها مشروع است؟

جواب: با اطّلاعات کاملی که از وضع آنها داریم قصد آنها خدمات انسانی نیست، اهداف انحرافی سیاسی و مذهبی دارند. و لذا لازم است همهٔ مؤمنین آن سامان کثر الله امثالهم از گرفتن کمک‌های آنها بپرهیزند و خداوند متعال قادر است که از طریق دیگر امور آنها را کفایت کند الیس الله بکاف عبده.[1]

---

۱. سورهٔ زمر، آیهٔ ۳۶؛ ترجمه: «آیا خداوند برای (نجات و دفاع از) بنده‌اش کافی نیست؟!».

۲. شیخیّه

سؤال ۱۳۶۴. لطفاً در مورد شیخیّه که مرکز آن در کرمان است به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) آیا پذیرفتن این فرقه به عنوان یک مذهب مجاز است؟

ب) وظیفهٔ ما در برابر کسانی که از این فرقه تبلیغ می‌کنند و به ویژه جوانان و خانواده‌های ناآگاه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند چیست؟

ج) آیا شرکت در جلسات مذهبی وابسته به این فرقه شرعاً مجاز است؟

جواب: فرقهٔ شیخیّه دارای انحرافات فراوانی هستند و مشروعیّت ندارند. در صورت امکان آنها را با زبان خوش توأم با ادب و احترام ارشاد کنید و اگر مؤثّر نشد از آنها دوری گزینید و در جلساتشان شرکت ننمایید.

۳. صوفیّه

سؤال ۱۳۶۵. لطفاً به سؤالات زیر در مورد صوفیّه پاسخ دهید:

الف) چند نفر از نزدیکان ما درویش شده و مجالس گوناگونی تشکیل داده، و دوست دارند ما هم درویش بشویم. آیا اینها نجس و فاسق هستند؟

ب) معاشرت با آنها چه حکمی دارد؟

ج) آنها به دستشان دستبند بسته، و زیاد انگشتر به انگشت می‌کنند، و بعضی وقت‌ها به گردن و دست و انگشت طلا آویزان می‌کنند، و سبیل می‌گذارند و ریش خود را می‌تراشند، و به محرم و نامحرم بها نمی‌دهند، و به خانقاه می‌روند، این امور چه حکمی دارد؟

د) آیا کتابی در مذمّت یا مدح اینها نوشته شده است؟

جواب: عموم فرق صوفیّه و دراویش دارای انحرافاتی هستند، آنها را با زبان خوش توأم با ادب و احترام نهی از منکر کنید و چنانچه مؤثّر نشد از آنها دوری گزینید ولی تا زمانی که منکر ضروریات نشده‌اند کافر محسوب نمی‌شوند. شرح بیشتر را دربارهٔ عقاید آنها در کتاب «جلوهٔ حق» نوشته‌ایم.

سؤال ۱۳۶۶. چلّه‌نشینی‌هایی با اشکال مختلف در جامعه مشاهده می‌شود. نظر شریفتان دربارهٔ این کارها چیست؟ برای این اعمال سند شرعی وجود دارد؟

جواب: چلّه‌نشینی سند شرعی ندارد و از برنامه‌های صوفیّه است، ولی انجام سیر و سلوک‌های اسلامی مطابق آنچه در جلد اوّل اخلاق در قرآن نوشته‌ایم اشکالی ندارد.

گناهان

سؤال ۱۳۶۷. جوانی هستم ۳۰ ساله و متأهل که در سال جاری کمتر موفق به انجام نماز صبح شده‌ام. در صورتی که خیلی وقت‌ها بیدار می‌شوم، امّا این توفیق از من سلب شده است. علّت آن را نمی‌دانم. ولی می‌دانم که یا فعل حرامی انجام می‌دهم که خود از آن آگاهی ندارم، یا واجبی را ترک نموده‌ام. لازم به ذکر است که قلبم از لحاظ شهوت بسیار بیمار است. به حدی که هر زنی را در خیابان می‌بینم دلم می‌خواهد. چه کنم؟

جواب: از گذشتهٔ خود توبه کنید و سعی کنید شب‌ها زودتر بخوابید و غذای کمتری بخورید و صبح اوّل وقت برای نماز بیدار شوید و بعد از نماز صبح هفتاد مرتبه ذکر یا فتّاح بگویید. ان شاء الله مشکل شما حل می‌شود.

سؤال ۱۳۶۸. اگر استادی در برابر شاگردان خود به گونه‌ای برخورد کند که موجب تحقیر شاگرد یا اهانت به او شود، چه حکمی دارد؟

جواب: این کار حرام است.

سؤال ۱۳۶۹. لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) آیا «شرابخواری» و عمل شنیع «لواط» در دیگر ادیان، بالاخص زرتشت نیز حرام است، و ارتکاب آن معصیت محسوب می‌شود؟

جواب: این دو عمل در ادیان دیگر نیز جزء محرّمات شمرده شده است.

ب) آیا از شخصی که مرتکب اعمال فوق می‌شود در قرآن مجید به نیکی یاد می‌شود؟

جواب: قرآن مجید به شدّت از این دو عمل نهی کرده و عقوبت شدیدی برای آن بیان شده است.

ج) آیا از یک خونریز (قاتل مردم بی‌رحم) در قرآن کریم به خوبی یاد می‌شود؟

جواب: کشتن یک انسان بی‌گناه از نظر قرآن همان کشتن تمام افراد جامعه است.

د) چرا شراب تدریجاً حرمت یافته است؟

جواب: زیرا غالب مردم آلوده به آن بودند و ممکن نبود یک دفعه آنها را از این کار زشت بازداشت.

سؤال ۱۳۷۰. شرکت‌های خصوصی وجود دارند که تدارکات و لجستیک به ارتش متجاوز آمریکا ارایه می‌دهند. از قبیل: ترافیک هوایی جنگنده‌های نظامی، رساندن سوخت و مهمّات، تأمین غذا، شستن لباس، زدن کمپ، ساختن زندان، مشاورهٔ نظامی، حفاظت شخصیّت‌ها و اماکن، خدمات پستی و پست الکترونیک، بهداشتی و ده‌ها خدمات دیگر این شرکت‌ها جزء ارتش آمریکا محسوب نمی‌شوند؛ ولی طیّ قراردادهایی به مبالغ هنگفت (چند میلیون دلاری) این خدمات را برای وزارت دفاع آمریکا عرضه می‌دارند.

الف) آیا می‌توان سهام این شرکت‌ها را خریداری کرد؟

ب) آیا می‌توان به استخدام این شرکت‌ها درآمد؟

ج) آیا می‌توان با این شرکت‌ها در پروژه‌ای شریک شد، یا بطور کلّی قراردادی با این شرکت‌ها منعقد نمود تا آنها منتفع گردند؟

جواب: هر گونه همکاری با چنین شرکت‌هایی حرام است.

سؤال ۱۳۷۱. اگر شخصی مشروبات الکلی بخورد تا چند روز عباداتش باطل است؟

جواب: نماز و روزهٔ چنین شخصی باطل نیست مشروط بر آن که در حال نماز و روزه مست نباشد ولی در هر حال اجر و ثواب آن کاسته می‌شود.

سؤال ۱۳۷۲. افرادی جهت مشخص نمودن حق و باطل حاضر به ادای سوگند می‌شوند، و از ترس به خطر افتادن منافع، املاک و اموال فروخته شده (که به صورت تبانی با افراد

دیگر صورت گرفته) خود را ملزم به ادای سوگند دروغ می‌کنند، که با این عمل حقی از مظلوم گرفته و مظلوم هیچ‌گونه سند یا رسیدی (برای ارائه جهت جلب نظر دادگاه) جز سوگند به حق شاهدان ندارد.

الف) آیا با پرداخت کفاره، گناه فرد خاطی با توجّه به تضییع حقّی که صورت گرفته بخشیده می‌شود؟

ب) آیا جزا و کیفری در دنیا متوجّه فرد خاطی می‌شود؟

ج) در اسلام معاشرت یا معامله با این گونه افراد چگونه است؟

جواب: گناه چنین افرادی در صورتی بخشیده می‌شود که علاوه بر توبه از این عمل زشت، حقوق از دست رفته کسانی که با قسم دروغ متضرّر شده‌اند را به آنها بازگردانند، یا رضایت آنها را جلب نمایند. و چنانچه این کار برای حاکم شرع ثابت شود آنها را تعزیر می‌کند و معاشرت با چنین افرادی اشکال دارد.

آثار وضعی گناهان

سؤال ۱۳۷۳. برخی معتقدند منظور از غذای شبهه‌ناک آن است که اگر شخص اهل رباست، یا خمس نمی‌پردازد، از غذای او نباید استفاده کرد. بعضی دایرهٔ آن را وسعت بخشیده می‌گویند هر غذایی که علم و یقین به حلال بودن آن نداریم شبهه‌ناک است. عدّه‌ای نیز می‌گویند: غذا یا خوردنش حلال است یا حرام در صورت حرام بودن باید پرهیز کرد در غیر این صورت نه تکلیفی داریم و نه آثاری دارد. چنانچه نظر گروه دوم صحیح است، استفاده از غذایی که خریداری می‌کنیم که تقریباً همهٔ مأکولات و مشروبات را شامل می‌شود چه توجیهی دارد؟

جواب: منظور از غذای شبهه‌ناک غذاهایی است که انسان یقین به حرمت آنها ندارد؛ ولی ظنّ غالب این است که حرام است.

سؤال ۱۳۷۴. چنانچه از غذای مشتبهی استفاده شود، یا غذایی که به ظاهر و در نظر انسان، حلال ولی در واقع حرام است، معصیتی صورت نگرفته است. در این مورد عدّه‌ای معتقدند گرچه شخص فعل حرامی انجام نداده و عقوبتی ندارد لکن اثر وضعی

خود را بجا می‌گذارد همچنان که اگر شخص غذایی یا آبی میل کند بعد مشخّص شود غذا مسموم یا آب در واقع شراب بوده خواه و ناخواه شخص مسموم یا مست می‌شود و در این موارد دانستن و ندانستن هیچ اثری در نتیجه ندارد، آیا اساساً چنین مثالهایی برای توجیه موضوع یاد شده صحیح است؟

جواب: آری مثال‌های مذکور صحیح است.

سؤال ۱۳۷۵. چنانچه از غذای مذکور (مشتبه یا به ظاهر حلال ولی در واقع حرام) استفاده شود، آیا موجب تنزّل درجه، تاریکی قلب یا مانع کمال انسان می‌شود؟ اگر پاسخ مثبت است با توجّه به این که معصیت محسوب نمی‌شود با عدل خداوند چگونه قابل توجیه است؟

جواب: این گونه آثار وضعی را می‌توان با اعمال صالح آینده برطرف ساخت.

مؤسسه‌های خیریه

سؤال ۱۳۷۶. مؤسّسهٔ عام المنفعه و خیریّه‌ای وجود دارد که دارای بخش‌ها و قسمت‌های مختلف خدماتی می‌باشد. چنانچه مؤسّسه دارای حساب جاری مشترک در یکی از صندوق‌های قرض الحسنه معتبر باشد، که تمامی سرمایهٔ بخش‌های مختلف مؤسّسه در این حساب نگهداری شود، و هزینه بر اساس سرفصل‌های مخصوص صورت پذیرد، به طوری که به هیچ وجه اموال یک قسمت در قسمت دیگر هزینه نشود. آیا تجمیع کلّ دارائی‌ها در یک شماره حساب که جنبهٔ اعتباری برای همه سرفصل‌های بخش‌های خدماتی مؤسسه دارد مشکل شرعی به همراه خواهد داشت؟

جواب: لازم نیست برای هر کدام حساب جداگانه‌ای تنظیم کنید، ولی در دفاترتان باید حساب‌های جداگانه برای آنها باز کنید. تا بتوانید هر کدام را به مصرف لازم برسانید.

مباحات عمومی

سؤال ۱۳۷۷. در روستاها و حتّی شهرها مرسوم است که زنبورهای عسل کوهی در

باغات افراد تشکیل کندو می‌دهند، یا سال‌هایی که ملخ زیاد می‌آید تعداد زیادی در باغ افراد قرار می‌گیرند، یا هنگام باران آب‌های زیادی در نهرها و گودال‌هایی که درون باغ و یا زراعت افراد است جمع می‌شود، یا گاه پرندگانی حلال‌گوشت که از گوشت آن استفاده می‌کنند و پرندگانی که برای استفاده صوت آنها کاربرد دارد درون باغات و مزارع قرار می‌گیرند، آیا قرار گرفتن آنها در باغات و مزارع شخصی افراد ملک صاحبان آنهاست، یا همچنان جزء مباحات عمومی است و هر کس با اجازه یا بدون اجازه آنها را بگیرد و تملّک کند مالک آن می‌گردد؟

جواب: تا زمانی که در ملک غیر است بدون رضایت صاحب آن ملک نمی‌توان آن را تملّک کرد (بنابر احتیاط واجب).

محیط زیست

سؤال ۱۳۷۸. با توجّه به تأکیدات و توجّه دین مبین اسلام بر حفظ محیط زیست و رعایت بهداشت محیط و بهداشت عمومی، حکم تخریب محیط زیست که موجب ضرر و زیان عمومی است (نظیر آلوده ساختن رودخانه‌ها و نهرها و دریاچه‌ها چه از طریق پساب شیمیایی کارخانجات و چه از طرق دیگر که منجر به آسیب رساندن یا نابودی محیط زیست آبها و دریاها می‌شود) و همچنین نظر اسلام دربارهٔ تخریب جنگل‌ها و مراتع که از انفال می‌باشد چیست؟ حکم آلوده کردن هوا به واسطهٔ بهره‌گیری از برخی لوازم گرمازای دودزا یا تجهیزات صنعتی (اعم از کارخانجات یا خودروها و مانند آن) که رعایت استانداردهای قانونی در آن نشده و موجب تأثیر نامطلوب بر محیط زیست و هوای تنفّسی می‌شود چه می‌باشد؟

جواب: بی‌شک هر گونه تخریب محیط زیست که سبب ضرر و زیان به دیگران گردد شرعاً جایز نیست، و قاعدهٔ «لاضرر» که از قواعد مسلّمه اسلام است گواه این معناست.

سؤال ۱۳۷۹. نظر به این که مرکز تحقیقات محیط زیست دانشگاه قم به منظور

نگهداری و توسعه و ترمیم محیط زیست با استفاده از دانشمندان حوزه و دانشگاه در زمینهٔ عوامل زیست محیطی و مبانی فقهی و حقوقی آن به تحقیق اشتغال دارد، لطفاً جهت آشنایی با دیدگاه‌های فقهی حضرتعالی و ارائهٔ آن به مقلّدان، پرسش‌های زیر را پاسخ دهید:

الف) عدم رعایت اصول و قوانین محیط زیست از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ب) دفن زباله‌های جنگی در زمین و دریا، که باعث آلودگی محیط زیست و شیوع بیماری در میان مردم و نسل‌های آینده می‌گردد چه حکمی دارد؟

ج) اگر زمین‌های مناطق جنگی بدون پاکسازی صحیح در اختیار کشاورزان قرار گیرد، آیا استفاده از آن جهت تولید محصولات کشاورزی جائز است؟

د) اگر متخصّصان و کارشناسان محیط زیست اعلام کنند که تولید و استفاده از محصولات کشاورزی مثل سبزی و حبوبات و میوه و مانند آن در زمین‌های جنگی به جهت عدم پاکسازی صحیح زباله‌های جنگی، موجب بروز بیماری‌هایی می‌گردد، آیا خرید و فروش و استفاده از این محصولات جائز است؟

هـ) امروزه جهت پرورش مرغ و جوجه و گوشتی شدن طیور از آمپول‌هایی استفاده می‌شود که به نظر برخی از متخصّصان موجب تولید سرطان یا بروز برخی بیماری‌ها می‌گردد، این کار از نظر شرعی چه حکمی دارد؟ آیا تولید و پرورش و استفاده از آن جایز است؟ خرید و فروش آن چه حکمی دارد؟

و) امروزه برای تولید برخی از کنسروها و کمپوت‌ها و محصولات دیگر از موادّ شیمیایی استفاده می‌گردد که احیاناً موجب بروز بیماری و آلودگی و مسمومیّت می‌شود، این کار از نظر فقهی چه حکمی دارد؟

ز) با توجّه به حق مردم در استفاده از منابع طبیعی (دریا، جنگل، رودخانه، سبزه‌زارها و مانند آن) آیا اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند مانع استفاده عموم گردند، یا استفاده از منابع طبیعی را منبعی برای کسب درآمد خویش قرار دهند؟

ح) حقوق مردم در استفاده از جنگل و دشت و رودخانه و آبشار و ساحل دریا و مانند آن با چه معیار فقهی مشخّص می‌گردد؟

جواب: اوّلاً: حفظ محیط زیست بر همه لازم است، و تخلّف از آن مسئولیّت شرعی دارد و حداقل شکرگزاری در برابر مواهبی که خداوند در محیط زیست بشر آفریده این است که از آن مواهب به خوبی حفاظت و پاسداری کنند و تخریب آن به مصداق لاضرر و لاضرار فی الاسلام حرام می‌باشد.

ثانیاً: آنچه از محیط زیست جزء انفال محسوب می‌شود در اختیار حکومت اسلامی است که طبق مصالح مسلمین و عدالت می‌تواند در حدّ معقول به افراد واگذار کند.

ثالثاً: استفاده از داروهای شیمیایی به هر شکل و صورت در فرآورده‌های غذایی که موجب ضرر و زیان در کوتاه مدّت یا دراز مدّت می‌شود و همچنین کشت زمین‌های آلوده به این مواد حرام است و اگر سبب بیماری و ضایعات جسمی و روحی افراد گردد تولید کننده ضامن است.

سؤال ۱۳۸۰. به منظور حفاظت از منابع طبیعی و تبدیل این امر، به یک فرهنگ عمومی، بدین وسیله برخی از سؤالات شرعی که پاسخ آنها از طرف مراجع عظام می‌تواند منجر به حفاظت این منابع خدادادی و ارتقاء مشارکت مردمی گردد جهت استحضار و دستور پیگیری ایفاد می‌گردد:

در سال ۱۳۸۰ در استان گلستان سیل مهیبی اتفاق افتاد که ۴۰۰ نفر را کشته و ۷۶۰ میلیارد ریال خسارت مالی به جاده‌ها، اراضی زراعی و اماکن مسکونی وارد نموده و متأسّفانه تاکنون ۸ بار تکرار شده است که آخرین بار آن در سال ۱۳۸۴ مجدداً منجر به کشته شدن ۶۰ نفر و بیش از یک میلیارد ریال خسارت مالی شد. کارشناسان یکی از علل مهم بروز این سیلاب‌ها را تخریب اراضی شیب‌دار مناطق بالادست از طریق کشت دیم در اراضی شیب‌دار و چرای بیش از ظرفیّت مراتع می‌دانند. از طرف دیگر، محدود شدن چراگاه‌ها و ازدیاد تعداد دام و فشار نامتعارف بر چراگاه‌ها و فقیرتر شدن پوشش گیاهی مرتعی و جنگلی، سبب تشدید خطر سیل می‌شود. با توجه به این که شبیه این کار در سایر مناطق کشور مانند استان‌های فارس، آذربایجان شرقی و غربی، مناطق

زاگرس و حتّی مناطق کویری و خشک مثل سیستان و بلوچستان هم اتفاق افتاده و علاوه بر خسارات مالی و جانی موجب تشدید خشکسالی‌های بعدی و افت سطح آب در سفره‌های آب زیرزمینی و خشک شدن قنوات و شور شدن آب‌ها می‌شود (و در آینده نزدیک سبب ایجاد بحران آب می‌گردد) ضمن تقاضای راهنمایی و ارشادات لازم، لطفاً نظر مبارک خویش را در خصوص سؤال‌های مشروحه ذیل اعلام فرمایید:

۱. در مناطق کوهستانی زاگرس و در بسیاری از نقاط دیگر کشور، برخی افراد با کشاورزی گذران معیشت می‌نمایند و برخی به امر دامداری مشغولند. در اثر افزایش جمعیّت، کشاورزان به دنبال توسعهٔ اراضی کشاورزی خود هستند. و از طرف دیگر، دامدارانی که پروانهٔ چرای قانونی دارند، حقّ تعلیف از این چراگاه‌ها را دارند. حال اگر فرد یا افرادی تحت عنوان کشاورزی، چراگاه مورد استفاده دامداران را شخم و شیار نموده و یا دیوارچینی کنند چه حکمی دارد؟ آیا حقّ مالکیت پیدا کرده و کار آنها احیاء تلقی می‌شود؟

۲. ازدیاد غیر قانونی تعداد دام در این چراگاه‌ها (اضافه بر ظرفیّت طبیعی آنها) چه حکمی دارد؟

۳. تغییر کاربری اراضی در این مناطق (نظیر تبدیل مراتع به اراضی زراعی) و فعالیّت‌های عمرانی دیگر اگر خطر فرسایش و رسوب و سیل را به دنبال داشته باشد چه حکمی دارد؟

۴. آیا دولت مجاز است بر اساس ضابطه و قانون، در اراضی ملکی (شخصی) افراد که اقدامات جاری آنها موجب تشدید خطر سیل و به تبع آن خسارات عدیده به بیت‌المال و همچنین خسارات جانی و مالی فراوان در مناطق پایین دست می‌شود، محدودیّت و ممنوعیّت ایجاد کند؟

۵. خاک، بستر تولید موادّ غذائی و یکی از ارزشمندترین نعمت‌ها و منابع تولید غذا برای انسان‌ها و سایر موجودات می‌باشد، اتلاف و آلوده کردن آن با استفاده بی‌رویه از سم و کود شیمیایی و یا استفاده نادرست از آن چه حکمی دارد؟

۶. آب مایهٔ حیات است و استفاده بسیار زیادی در بخش کشاورزی دارد، اتلاف و هدر دادن آن در کشاورزی چه حکمی دارد؟

۷. آب و خاک آلوده در اراضی کشاورزی، موجب آلودگی محصولات کشاورزی گردیده و در نتیجه سبب ابتلا به امراض مختلف می‌شود. آلوده نمودن این دو منبع حیاتی چه حکمی دارد؟

۸. استفاده از اراضی در حریم مناطق سیلابی و حاشیه رودخانه‌ها برای کشاورزی و سایر استفاده‌ها در صورت وجود خطرات مالی و جانی چه حکمی دارد؟

۹. استفاده از اراضی مرتعی و جنگلی برای کشاورزی که قابلیّت زراعت ندارد، و پس از چند سال تداوم بهره‌برداری سبب از بین رفتن منابع خاک می‌شود (و هزاران سال طول می‌کشد تا مجدداً به وجود آید) چه حکمی دارد؟

۱۰. استفاده از درختان جنگلی به صورت غیر قانونی برای مصارف مختلف از قبیل خانه‌سازی، تأمین سوخت یاکسب درآمد و مانند آن چه حکمی دارد؟

۱۱. استفاده از بوته‌های مرتعی به صورت غیرقانونی برای مصارف مختلف چه حکمی دارد؟

۱۲. داشتن دام اضافه بر ظرفیّت مراتع که موجب از بین رفتن خاک با ارزش می‌شود و فرسایش خاک و سیل را به دنبال خواهد داشت چه حکمی دارد؟

۱۳. احداث جادّه، خانه یا معدن کاری و سایر کارهای عمرانی که موجب لغزش و رانش زمین و افزایش خطر سیل و خسارت به بیت‌المال می‌شود چه حکمی دارد؟

۱۴. استفاده از شاخه، برگ و تنهٔ درختان و سایر اشیایی که جریان‌های آبی و هرز آب‌ها با خود می‌آورد و در پشت سدها، بندها و پل‌ها به تله می‌افتد، چه حکمی دارد؟

۱۵. استفاده از معادن سنگ و غیره (بدون رعایت ضوابط حفاظت خاک) که موجب فرسایش خاک و افزایش رسوب و پر شدن مخازن سدها از رسوب می‌شود چه حکمی دارد؟

۱۶. استفاده از شن و ماسه در بستر رودخانه‌ها که موجب انحراف جریان رودخانه

و خسارت وارد نمودن به تأسیسات احداث شده در حاشیهٔ رودخانه‌ها و نابودی پلها و ابنیه عمومی و همچنین فرسایش خاک می‌شود چه حکمی دارد؟

۱۷. حفر چاه به صورت غیر قانونی برای برداشت آب زیرزمینی چه حکمی دارد؟

۱۸. استفاده از طبیعت حقّ مسلم انسانهاست، امّا ریختن زباله در پارک‌های جنگی چه حکمی دارد؟

۱۹. آتش زدن درختان جنگلی و بوته‌های مرتعی به صورت عمد یا غیر عمد چه حکمی دارد؟

۲۰. تصرّف غیر قانونی اراضی (جنگلی یا مرتعی) برای مقاصد شخصی چه حکمی دارد؟

۲۱. شخم زدن اراضی شیب‌دار در جهت شیب که موجب فرسایش خاک می‌شود چه حکمی دارد؟

۲۲. خاک بستر تولید موادّ غذائی و یکی از ارزشمندترین نعمت‌ها و منابع تولید غذا برای انسان‌ها و سایر موجودات می‌باشد، اتلاف و استفاده نادرست از آن چه حکمی دارد؟

۲۳. افرادی غیرقانونی درختان و گیاهان روئیده شده در خاک را در مناطق شیب‌دار و سیل خیز از بین برده و یا قطع می‌نمایند و ناآگاهانه سبب بروز سیل و خسارات جانی و مالی بعدی می‌شوند، این امر چه حکمی دارد، آیا این افراد ضامن هستند؟

۲۴. هرز آب‌هایی که پس از بارش باران در سطح اراضی بایر یا موات جاری می‌شود قبل از ورود به رودخانه و دریاچه‌ها، مواد جامد مغذّی را از سطح خاک جمع نموده و با خود حمل می‌نماید. استفاده از این آب‌ها و آب انباشت‌ها و رسوبات و مواد آلی، شامل شاخه و برگ و تنه درختان و گیاهان چه حکمی دارد؟

جواب: به طور کلّی شک نیست که تخریب محیط زیست که سبب ضرر و زیان برای نوع ساکنان هر منطقه می‌شود شرعاً جایز نیست. از جمله آلوده کردن خاک

بی‌رویه به وسیلهٔ سم و کودهای شیمیایی و همچنین آلوده کردن آب‌ها و از میان بردن جنگل‌ها و از بین بردن بوته‌هایی که مانع سیلاب است و آنچه ضرر به آبزیان و حیوانات صحرایی و پرندگان و امور دیگری از این قبیل می‌رساند امید است همه برادران و خواهران ایمانی در برابر این امور جداً احساس مسؤولیّت کنند.

سؤال ۱۳۸۱. نظر به این که فجایع زیست محیطی موجب ایجاد بحران در عرصه‌های مختلف جوامع بشر شده و ملّت‌ها و دولت‌ها را با مشکلات جدّی مواجه نموده لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید.

الف) آیا مبنای ضمان خسارت‌های پدیدآمده در محیط زیست قصور است یا تقصیر؟

ب) آیا مبنای مسؤولیّت آلودگی محیط زیست و یا تخریب آن، رابطهٔ سببیّت میان فعل و خسارت است، گرچه تقصیری از جانب عامل صورت نگرفته باشد؟

ج) آیا مبنای مسؤولیّت تخریب و آلودگی محیط زیست مطلق است؟

د) مسؤولیّت بین‌المللی ناشی از آلودگی، یا تخریب محیط زیست با چه کسی است؟

هـ) اگر سازمان‌های بین‌المللی در این جهت کوتاهی نمایند از نظر فقه اسلامی چه باید کرد؟

جواب: تمام کسانی که مستقیماً یا غیر مستقیم، آگاهانه یا ناآگاهانه در تخریب محیط زیست سهمی دارند مسؤولند. حتّی رسانه‌های جمعی که مردم را از خطرات این موضوع برای نسل امروز و نسل‌های آینده آگاه نمی‌کنند آنها نیز مسؤولند. و هر کس بیشتر تخریب می‌کند مسؤولیّتش نزد خدا و خلق خدا بیشتر می‌شود.

سؤال ۱۳۸۲. با توجّه به این که مرکز تحقیقات محیط زیست دانشگاه قم به منظور نگهداری و توسعه و ترمیم محیط زیست با استفاده از دانشمندان حوزه و دانشگاه در زمینهٔ عوامل زیست‌محیطی و مبانی فقهی و حقوقی آن به تحقیق اشتغال دارد، لطفاً پرسش‌های زیر را پاسخ دهید.

الف) استفاده از بوق‌ها و یا ماشین‌ها و موتورهایی که به دلیل نقص فنّی سر و صدا ایجاد کرده و آرامش محیط را بر هم می‌زند چه حکمی دارد؟

ب) استفاده از تلفن همراه در مجامع عمومی و فضای بسته در صورتی که موجب مزاحمت اطرافیان گردد چه حکمی دارد؟

ج) ریختن زباله در آب جاری جوی‌ها یا در زمین خالی مجاور و مانند آن که موجبات ناراحتی همسایه‌ها را فراهم کرده، و باعث بروز آلودگی و بیماری می‌گردد چه حکمی دارد؟

جواب الف تا ج: هیچ گونه مزاحمت عمدی جایز نیست.

د) آیا رعایت بهداشت در محیط زیست واجب است؟

جواب: در مواردی که عدم رعایت آن سبب ضرر و زیان قابل ملاحظه‌ای به خود انسان یا دیگران می‌شود لازم است.

هـ) با توجّه به نقش فضای سبز در آرامش و رشد انسانی، ایجاد و توسعه و بهینه‌سازی آن چه حکمی دارد؟

جواب: این کار، کار خوبی است.

سؤال ۱۳۸۳. سازمان حفاظت محیط زیست بین‌المللی (IVCN) بر اساس تعهّدات بین‌المللی مسؤولیّت حفاظت محیط زیست، شامل منابع طبیعی و حیات وحش، در کشورهای عضو خود هست. برای عملی کردن این تعهدات بر اساس همکاری سه جانبه: (مردم محلّی، دولت و خود سازمان) عمل می‌کند. مردم مناطق شمال پاکستان (بلتستان) دربارهٔ همکاری با سازمان مذکور در این زمینه خوش‌بین نیستند. با توجّه به این که سازمان‌های بین‌المللی معمولاً در راستای اهداف استعماری عمل می‌کنند، آیا شرعاً همکاری با سازمان مذکور جایز است؟

جواب: هرگاه قرائن و شواهدی وجود داشته باشد که اهداف بشردوستانه‌ای دارند و به دنبال اهداف استعماری نیستند همکاری با آنها مانعی ندارد.

سؤال ۱۳۸۴. نشستن، رفت و آمد و گذاشتن وسایل روی چمن میادین و پارک‌ها و مانند آن در صورتی که باعث خرابی یا از بین رفتن آن گردد، چه حکمی دارد؟

جواب: این گونه کارها، که در نهایت به ضرر و زیان مسلمان‌ها تمام می‌شود، اشکال دارد.

سؤال ۱۳۸۵. بیرون آوردن درختان از باغچه‌های روبه‌روی مغازه‌ها و منازل و کاشتن آن در منازل شخصی چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست؟

سؤال ۱۳۸۶. تعمیر نکردن وسیلهٔ نقلیّهٔ معیوب و تردّد با آن در سطح شهر با توجّه به مضرّاتی که برای شهروندان دارد (مثل دودی که به حلق مردم می‌رود) چه حکمی دارد؟

جواب: آلوده کردن هوا، که موجب ضرر برای مسلمین است، جایز نیست.

سؤال ۱۳۸۷. هدایت کردن فاضلاب اماکن، به معابر عمومی ـ که بهداشت محیط را به مخاطره می‌اندازد ـ چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۳۸۸. اگر اشخاصی با بی توجّهی، مثلاً سوزاندن زباله، هوای شهرها را آلوده کنند، این کار چه حکمی دارد؟

جواب: آلوده کردن محیط زیست بر خلاف عرف و عادت، جایز نیست.

مطالعه

سؤال ۱۳۸۹. اگر انسان بخواهد بیشتر به مطالعه علاقمند شود چه باید بکند؟

جواب: کتابی به نام «رمز پیروزی مردان بزرگ» نوشته شده، اگر دستورات آن را به کار ببندید موفّق خواهید شد.

مشاغل

۱. تدریس و تبلیغ

سؤال ۱۳۹۰. تأخیر زمانی استاد و مبلّغ برای تدریس و تبلیغ، با توجّه به این که گاه ده‌ها یا صدها نفر معطّل می‌مانند و وقتشان تلف می‌شود، چه حکمی دارد؟

جواب: این کار به صورت عمدی و بدون عذر اشکال دارد.

۲. داروسازی

سؤال ۱۳۹۱. اینجانب دکتر داروساز هستم که به علّت نداشتن مجوّز تأسیس داروخانه، فعلا به عنوان مسؤول فنّی در داروخانهٔ دیگری کار می‌کنم. برابر قانون هر فردی (حتّی شخص بیسواد) می‌تواند پروانه تأسیس داروخانه اخذ نماید، مشروط بر آن که مسؤول فنّیِ واجدِ شرایط برای داروخانهٔ خود به کار گیرد. افراد غیر پزشک که داروخانه تأسیس می‌نمایند طبعاً به دنبال انتفاع بوده و این امر را به عنوان سرمایه‌گذاری سودآور تلقّی می‌کنند، امّا پزشکان داروساز بر اساس موازین علمی و قوانین حرفه‌ای و همچنین سوگندی که در هنگام فارغ التحصیلی یاد کرده‌اند مؤظّفند از انجام اموری که به زیان بیماران است اجتناب کنند که این امور با منافع مادّی شخص سرمایه‌گذار در تضاد بوده و طبعاً با مخالفت او روبه‌رو می‌شود. از آنجا که داروسازانی که مسؤول فنّی چنین داروخانه‌هایی هستند، کارمند صاحب آن داروخانه محسوب می‌شوند معمولا از سوی آنان مجبور به عدم انجام چنین اموری (و یا حداقل سکوت) می‌شوند که با قانون و مقررات و از همه مهم‌تر سوگند حرفه‌ای آنان سازگار نیست. لطفاً بفرمایید:

الف) در صورتی که دکتر داروساز از سوی صاحب داروخانه مجبور به عدم انجام مسؤولیّت علمی ـ اخلاقی فوق، یا سکوت در مقابل ارتکاب آن از سوی دیگر کارکنان داروخانه شود، چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه ضوابط را رعایت نکنند جایز نیست.

ب) آیا داروخانه‌داری که داروساز را به چنین اعمالی مجبور کند مشغول الذّمه است؟

جواب: هر دو مشغول الذّمه هستند.

ج) در صورتی که از این طریق به بیماری زیان جسمی وارد شود، چه کسی ضامن خواهد بود؟

جواب: هر دو ضامن‌اند.

د) دادن مجوّز تأسیس داروخانه به افرادی که صلاحیّت علمی لازم را ندارند، با عنایت به این که در نهایت مشکلات فوق را ایجاد می‌کند، شرعاً چه حکمی دارد؟

جواب: اگر مشکلات فوق قابل اجتناب باشد مانعی ندارد.

۳. فروشندگی

سؤال ۱۳۹۲. در برخی از شهرها متعارف است که مغازه‌داران اشیای در معرض فروش را علاوه بر داخل مغازه در خارج آن نیز قرار می‌دهند، اگر یکی از عابران علی رغم وسعت راه، با اشیای مزبور (مثلاً جعبه‌های میوه) برخورد کرده، و پایش دچار آسیب شود. آیا مغازه‌دار ضامن خسارت وارده بر عابر است، یا عابر ضامن خسارت وارده بر مغازه‌دار است؟

جواب: در صورتی که حریم مغازه باشد صاحب مغازه ضامن نیست؛ ولی اگر عرفاً سدّ معبر باشد ضامن است.

سؤال ۱۳۹۳. آیا منظور از طریق که در روایات آمده، و اضرار به آن موجب ضمان شمرده شده، شامل کناره‌های معابر که معمولاً رفت و آمدی از آن قسمت صورت نمی‌گیرد، یا به ندرت رفت و آمدی صورت می‌گیرد نیز می‌شود؟

جواب: در صورتی که عادتاً از آن عبور و مروری صورت نمی‌گیرد مشمول آن حکم نیست.

۴. فیلمبرداری

سؤال ۱۳۹۴. شغلم فیلمبرداری از مجالس عروسی است. در برخی از این مجالس خانم‌ها می‌رقصند و امکان دارد محرم‌های عروس هم داخل مجلس بیایند، و ما از آنها فیلم بگیریم. آیا این کار اشکال دارد؟ تکلیف من چیست؟

جواب: شرکت در مجلس گناه و فیلمبرداری از صحنه‌های گناه جایز نیست.

۵. فیلم‌سازی

سؤال ۱۳۹۵. وجود یک زن و مرد نامحرم به هنگام بازنگری فیلم و مونتاژ، در یک اتاق خلوت و دربسته که چندین ساعت به طول می‌کشد و کسی حق ورود ندارد، چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۳۹۶. آیا دختر می‌تواند در تئاتر باگریم کردن نقش پسر را بازی کند؟ عکس آن چگونه است؟

جواب: اشکال دارد.

سؤال ۱۳۹۷. در صحنه‌های گریم خانم‌ها اتّفاقاتی می‌افتد که اگر مجلس زنانه باشد اشکالی ندارد. امّا فیلمبردار مرد است و به لحاظ دقّت در کارش می‌بایست در تمام صحنه‌ها جزئی و کلّی حضور داشته باشد. این کار چه حکمی دارد؟

جواب: باید از همجنس استفاده شود.

سؤال ۱۳۹۸. دعوت از هنرمندانی که شعائر و آداب اسلامی را رعایت نمی‌کنند، و صرفاً متخصّص محض می‌باشند، و بستن قراردادهای کلان با آنها چه حکمی دارد؟

جواب: پول بیت المال را نباید بیهوده مصرف کرد.

۶. مدارس غیرانتفاعی

سؤال ۱۳۹۹. در مؤسّسات خصوصی از جمله بعضی مدارس غیر انتفاعی برای فرار از

مالیات، لیست‌های حقّ الزحمه را به اشکال مختلف تنظیم می‌کنند، شگردهایی را به کار می‌برند، و در برخی موارد ممکن است از امضای معلّمان سوء استفاده هم بشود، با توجّه به این که نظام، نظام اسلامی است آیا این گونه کارها شرعاً صحیح است؟ آیا معلّمانی که این گونه لیست‌ها را امضا می‌کنند تکلیفی متوجّه آنها می‌شود؟

جواب: این کارها مشروع نیست و معلّمین محترم باید به گونه‌ای عمل کنند که از امضای آنها سوء استفاده نشود.

سؤال ۱۴۰۰. در مدارس غیر انتفاعی مبلغی به عنوان شهریّه در نظر گرفته شده، که هنگام ثبت نام دریافت می‌گردد، در این مدارس گاهی مدیران با تشکیل کلاس‌های بیشتر، یا جذب افراد کارآمدتر و توجیهاتی از این قبیل، مبلغی بیش از حد تعیین شده می‌گیرند. از سوی دیگر اولیا در معذورات اخلاقی قرار گرفته و شاید چاره‌ای جز پذیرش موضوع نداشته باشند و این پول را پرداخت می‌کنند. این کار چه حکمی دارد؟

جواب: اخذ شهریه بیش از آنچه مقررات معیّن کرده جایز نیست؛ مگر این که مدیران و اولیا توافق کنند که در مقابل خدمات خاصّی مبلغ بیشتری بپردازند.

۷. معلمی

سؤال ۱۴۰۱. بعضی از معلّمین به عنوان تکلیف منزل کارهای سختی به دانش‌آموزان محوّل می‌کنند که انجام آن از توان آنها خارج است. علاوه بر این که ساعات زیادی از وقت دانش‌آموزان را می‌گیرد و در نهایت کار خود دانش‌آموز نیز نخواهد بود. همچنین این کار با نظرات کارشناسان تعلیم و تربیت منافات دارد. حکم شرعی این کارها چیست؟

جواب: در صورتی که خارج از ضوابط و مقرّرات نباشد اشکالی ندارد؛ البتّه لازم است بین تکالیف و توان شاگردان تناسبی وجود داشته باشد.

۸. میراث فرهنگی

سؤال ۱۴۰۲. برخی افراد بر خلاف قوانین و مقرّرات نظام جمهوری اسلامی، و بدون اخذ مجوّز از مراجع ذی‌صلاح، و علیرغم مخالفت صریح و اکید آنان (بویژه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری) به تخریب بناهای تاریخی ـ مذهبی که به ثبت آثار ملّی ایران رسیده اقدام می‌کنند. این کار چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط آن است که آنچه به عنوان میراث فرهنگی شناخته شده و نشانهٔ عظمت یک قوم و ملّت است محفوظ نگاه داشته شود.

احکام مشاغل

سؤال ۱۴۰۳. مالکیّت صنایع بزرگ و توسعه فن‌آوری و جایگزینی دستگاه‌های کوچک و بزرگ به جای کارگر، روز به روز نیاز صنایع به کارگر را کاهش می‌دهد و به بیکاری کارگران می‌انجامد، آیا اسلام راهکاری ارائه می‌دهد؟

جواب: با توجّه به تنوّع خواسته‌های انسان‌ها، هر روز می‌توان کار جدیدی تولید کرد، تا کارگرانی که بر اثر صنعتی شدن امور تولیدی بیکار می‌شوند در کارهای جدید اشتغال پیدا کنند.

سؤال ۱۴۰۴. آیا نظام اجارهٔ کار و دستمزد ساعتی از نظر اسلام مطلوب است، یا نظام مشارکتی (همچون مساقات، مضاربه، مزارعه و مانند آن) که کارگر را در سود عادلانه شریک می‌سازد؟

جواب: هر کدام نسبت به افراد و کارهای مختلف در جای خود مطلوب است.

سؤال ۱۴۰۵. آیا مهندسین کارخانه می‌توانند از ارائهٔ دانش خود به نیروی کار خودداری نموده، و آنها را در جهل نگاه داشته، و مانع ارتقای علمی کارگران شوند؟

جواب: این یک بی‌انصافی، و مخالف کرامت انسانی و اسلامی است.

سؤال ۱۴۰۶. آیا می‌توان از حمّام اداره جهت غسل جنابت استفاده نمود؟ در صورتی که خارج از اداره و در ساعت غیر اداری جنب شده باشد؟ چطور؟

جواب: در صورتی که مقرّرات اجازه دهد، یا با اجازه مسؤولین مافوق که در این زمینه اختیاراتی دارند باشد اشکال ندارد؛ در غیر این صورت جایز نیست.

سؤال ۱۴۰۷. استفاده از خودرو ایستگاه برای خرید لوازم مورد نیاز نیرو از قبیل تهیّهٔ ناهار و شام چه حکمی دارد؟

جواب: مانند جواب سابق است.

سؤال ۱۴۰۸. مواردی وجود دارد که قرارداد به صورت ظالمانه تنظیم شده، و در آن مبلغی بسیار کمتر از اجرت المثل به کارگر پرداخت می‌شود. برخی می‌گویند: «چون با رضایت طرفین هست ظلمی نیست و اشکال ندارد» و برخی هم معتقدند: «استثمار دیگران محسوب می‌شد و حرام است» نظر حظرتعالی چیست؟

جواب: در صورتی که طرفین از ابتدا با علم و آگاهی قرارداد را امضا کرده‌اند قرارداد صحیح است؛ ولی رعایت انصاف در هر حال لازم است و اگر کارگر مغبون بوده و نمی‌دانسته می‌تواند فسخ کند.

سؤال ۱۴۰۹. در ادارات افراد به تناسب جایگاه حقوقی، حقّ الزحمهٔ متفاوتی دریافت می‌کنند و مقداری از این تفاوت ناشی از حقّ مسؤولیّتی است که به افراد داده می‌شود. آیا تسرّی دادن این موضوع بر درآمدهای خارج از شمول، صرف نظر از مقرّرات اداری و بعضاً توجیهی جایگاه شرعی دارد؟

جواب: باید مطابق مقرّرات عمل شود.

سؤال ۱۴۱۰. کارکسی که به اقتضای مسؤولیّتش می‌بایست نزد رئیس از دیگران بگوید مانند ارزشیابی، حراست و مانند آن چگونه است؟

جواب: اشکالی ندارد، مشروط بر این که فقط آنچه را در ارتباط با وظایف کاریست گزارش دهد.

سؤال ۱۴۱۱. از نظر شرع مقدّس اسلام، اگر مسؤولی از یکی از کارکنان در مورد دیگری اطّلاعات و مطالبی بخواهد وظیفهٔ فرد چیست؟

جواب: هرگاه آن اطّلاعات از نظر کاری برای آن مسؤول لازم باشد می‌توان در اختیار او نهاد.

سؤال ۱۴۱۲. بنا به مسؤولیّتی که دارم مرتّب می‌بایست از وضعیّت سازمان به‌رئیس آن گزارش داده و نقاط قوّت و ضعف را تذکّر دهم؛ اما متأسّفانه این روزها به دلیل مشغله‌های زیاد به‌گزارش مشکلات توجّه خوبی نمی‌شود. می‌خواستم بدانم اگر مشکلی گزارش شد، ولی مسؤول مربوطه پیگیری نکرد و در صدد رفع آن برنیامد، و به دلیل بی‌توجّهی عمداً یا سهواً خسارتی به اداره یا سازمان وارد گردید، آیا گزارشگر هم شرعاً مسؤول است؟

جواب: در فرض سؤال گزارشگر ضامن نیست.

سؤال ۱۴۱۳. لطفاً به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

الف) مسؤولیّت من رسیدگی به شکایات است. بارها شده به نفع یا بر علیه افرادی تلفنی با من تماس حاصل می‌شود، در لابه‌لای این تلفن‌ها موضوعاتی صحّت دارد و اکثر آنها دروغ است. آیا به صرف دروغ بودن می‌توان دستور پیگیری نداد؟ اگر با این برداشت حقّی ضایع شود شرعاً مسؤولیّت ندارد؟

جواب: در مواردی که احتمال قابل ملاحظه‌ای در مورد صحّت گزارشات نمی‌دهید پیگیری لازم نیست؛ مگر این که ذکر شایعات و اکاذیب برای تکذیب و جلوگیری لازم باشد.

ب) در حین تهیّهٔ گزارش با آبرو و حیثیّت اشخاص بازی شده، اگر چه نیّتم خیر بوده، آیا شرعاً گناهی مرتکب نشده‌ام، چگونه می‌توان اعادهٔ حیثیّت کرد؟

جواب: باید به شکلی جبران کنید یا حلیّت بطلبید.

سؤال ۱۴۱۴. در بعضی ادارات به واسطهٔ نبودن بودجه یا مسائل دیگر کارمندان بیکارند. آیا در وقت بیکاری می‌توانند به مسائل شخصی بپردازند؟

جواب: چنانچه مخالف مقرّرات اداره نباشد اشکال ندارد.

سؤال ۱۴۱۵. بعضی از کارمندان بنا به توصیه یا رفاقت، مشکل اداری عدّه‌ای را خارج از نوبت انجام می‌دهند. آیا این عمل شرعاً جائز است؟ در صورتی که شخصی متضرّر شود آیا مسؤولیّتی متوجّه کارمند می‌شود؟

جواب: این کار جایز نیست، مگر این که در خارج وقت اداری انجام دهند.

سؤال ۱۴۱۶. آیا استفاده از تلفن اداره برای مسائل شخصی جائز است؟ اگر رئیس اداره اجازه دهد چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست؛ مگر در چهارچوبهٔ مقرّرات.

سؤال ۱۴۱۷. بعضی از کارمندان که ماشین اداره در اختیارشان است گاه در حین مأموریّت به کارهای شخصی مثل خرید و مانند آن می‌پردازند. آیا این عمل شرعاً جایز است؟ آیا اجازهٔ مسؤول اداره کفایت می‌کند؟

جواب: مانند جواب سابق است.

سؤال ۱۴۱۸. پیگیری بعضی از مسائل خارج از وظیفهٔ کارمند اداره می‌باشد، آیا کارمند می‌تواند در قبال آن وجهی دریافت کند؟

جواب: اگر در خارج از وقت اداری باشد و مخالف ضوابط نباشد مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۱۹. کارمندانی که در حین کار در جادّه با ماشین رفت و آمد می‌کنند، آیا می‌توانند مسافرینی که در راه مانده‌اند یا آشنایانی که منتظر وسیلهٔ نقلیه هستند را سوار کنند؟

جواب: در صورتی که از نظر مقرّرات ادارهٔ متبوعه منعی نباشد مجازند.

سؤال ۱۴۲۰. بعضی از کارمندان دولت یا نهادها اقدام به اخذ موافقت اصولی جهت تأسیس کارخانه و مانند آن می‌کنند و یکی از شرایط اخذ موافقت اصولی انفصال از شغل دولتی است. لذا آنها با استعفای صوری پس از کسب موافقت اصولی دوباره به سر کار خود برمی‌گردند، آیا گرفتن حقوق از دولت برای آنها جایز است؟

جواب: این کار جایز نیست و در صورتی که انفصال صوری بوده گرفتن موافقت اصولی خلاف شرع بوده و اگر انفصال واقعی بوده گرفتن حقوق اشکال دارد.

سؤال ۱۴۲۱. مدیریّت یک شرکت خصوصی ۱۶۰ نفر از کارگران استخدامی خود را بیکار کرده و حقوق یک سال بیکاری را با ترفند و پنهان‌کاری از سازمان تأمین اجتماعی

گرفته و به کارگران نداده، بعد از یک سال قول شروع به کار دوباره به کارگران داده است. این کار چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که واقعاً گروهی از کارگران بیکار شده‌اند و بیمه برای آنها حقوق داده هیچ کس جز کارگران نمی‌تواند در آن تصرّف کند.

سؤال ۱۴۲۲. شخصی که در اداره‌ای شاغل است و حقوق می‌گیرد، چنانچه برای ادارهٔ دیگری نیز انجام کاری را قبول کند، ولی کار دوم را در خارج از وقت اداری انجام دهد چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه مخالف مقرّرات اداری نباشد اشکالی ندارد و حقّ الزحمه باید بر اساس مقررات پرداخت شود.

سؤال ۱۴۲۳. آیا ارائه گزارش و اطّلاعات و آمار نادرست موجب ضمان می‌گردد؟

جواب: در مواردی که خسارتی به بار آورد موجب ضمان است.

سؤال ۱۴۲۴. شرکت در جلساتی که شخص یقین دارد اتلاف وقت و بیهوده است، آیا به صرف مقرّرات خشک اداری لازم است؟

جواب: از مقرّرات تخلّف نکنید.

سؤال ۱۴۲۵. بر اساس موقعیّت شغلی توان جذب افرادی را در سازمان متبوع خود دارم و به لحاظ شناخت و حسن انجام کار، و عدم منع قانونی، از اقوام نزدیکم دعوت به کار می‌کنم. عدّه‌ای می‌گویند: «این کار عرف پسند نیست، زیرا نمی‌توان نسبت به حقوق آنها بی‌تفاوت بود و چه بسا لطمه‌ای به دیگران زده می‌شود» و گروهی می‌گویند: «اگر این موقعیّت را نداشتی، نمی‌توانستی آنها را جذب کنی» نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: اگر تمام مقرّرات رعایت شود اشکالی ندارد.

سؤال ۱۴۲۶. اگر کارکنان یک اداره به اتاق همدیگر رفته و خارج از مسائل اداری و در مورد مسائل شخصی با هم به بحث بپردازند و چه بسا این بحث چند ساعتی به طول بیانجامد، این کار چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۴۲۷. در بعضی از مراسمات رسمی مثل همایش‌ها و جشنواره‌ها عدّه‌ای دعوت می‌شوند. گاه این افراد فرزندان و دوستان و بستگان خود را که دعوت نشده‌اند به همراه می‌آورند حکم استفاده از امکانات آنجا برای افرادی که دعوت نشده‌اند چیست؟

جواب: جایز نیست؛ مگر این که مسؤولین یا مقرّرات اجازه دهد.

سؤال ۱۴۲۸. بسیار مشاهده می‌شود که در ادارات و مدارس، کارکنان فرزند خود را به محیط کار می‌آورند و این کار بر کیفیّت انجام کار آنان تأثیر منفی خواهد گذاشت. آیا این گونه رفتارهای به ظاهر کوچک امّا تأثیرگذار شرعاً اشکال دارد؟

جواب: جایز نیست؛ مگر این که مسؤولین یا مقرّرات اجازه دهد.

سؤال ۱۴۲۹. مستدعی است نظر خویش را پیرامون مسائل ذیل بیان فرمایید:

الف) آیا اقامهٔ نماز جماعت در کارخانجات بخش خصوصی در ساعات کاری و بدون رضایت کارفرما جایز است؟

جواب: این کار جایز نیست؛ مگر این که به هنگام قرارداد شرط شده باشد، یا مطابق قانون کار باشد و استخدام با توجّه به قانون مذکور صورت گرفته باشد ولی بهتر است صاحب کارگاه موافقت کند که افراد در فرصت کوتاهی نماز جماعت برگزار کنند تا مایهٔ برکت کارگاه و امانت و خدمت بهتر کارکنان شود.

ب) اقامه نماز به صورت فرادا در ساعت کاری در کارخانجات بخش خصوصی بدون رضایت کارفرما چه حکمی دارد؟

ج) نماز خواندن به صورت جماعت و فرادا در کارخانجات دولتی بدون اجازهٔ مدیر کارخانه چه حکمی دارد؟

د) آیا برگزاری مراسم عزاداری، دعای توسّل، زیارت عاشورا، درس اخلاق و مانند آن، در ساعات کار در ادارات اوّل وقت یا آخر وقت که ارباب رجوع کمتر است جایز است؟

جواب ب تا آخر: مانند جواب اوّل است.

سؤال ۱۴۳۰. شرکت‌های مختلف معمولاً هدایایی به افراد می‌دهند گرفتن این هدایا چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۴۳۱. هر نهاد نظامی و انتظامی دارای سازمانی به نام حفاظت و اطّلاعات می‌باشد که وظیفهٔ قانونی آنان حفاظت و صیانت از پرسنل زیرمجموعه در مقابل خطرات ـ تهدیدها و آلودگی‌های احتمالی می‌باشد. بعضاً تعدادی از این افراد دست به اقداماتی می‌زنند که نه تنها به حفاظت و صیانت از پرسنل کمک نمی‌کند، بلکه برای همیشه خانواده‌ای را از هستی ساقط نموده و متلاشی می‌نماید. بعنوان مثال مأمورین حفاظتی شخصی را اجیر می‌کنند تا با مراجعه مکرّر به یکی از مأمورین و پیشنهاد وجه یا وجوهی آنان را وسوسه و بعضاً وادار به انجام عمل خلافی کنند. بعنوان مثال به یکی از رانندگان اتوبوس که در مسیر ایست و بازرسی است، مبلغی پول تحویل می‌دهند و شماره این پول‌ها را برداشته و عنوان می‌دارند که به فلان مأمور مسیر راه ارائه و تحویل نمایند و مقداری کالای قاچاق عبور دهد و بلافاصله با هماهنگی قبلی مأمورین حفاظتی که در محلّی کمین کرده‌اند، مأمور مورد نظر را دستگیر و برایش تشکیل پرونده می‌دهند. ضمن این که تا این لحظه هیچ جرم خاصّی اتفاق نیفتاده، و مثلاً کالای قاچاق عبور نکرده است. این گونه کارها چه حکمی دارد؟

جواب: این گونه کارها شرعاً جایز نیست.

سؤال ۱۴۳۲. متأسفانه در محل کار اسباب لهو و لعب (ماهواره و پاسور) فراهم است. بارها کناره‌گیری کرده‌ام امّا به علت کم بودن تعداد نفرات شیفت (چهار نفر) هم به خودم سخت می‌گذرد و هم به دوستان همکار، و لذا آلودهٔ وضع موجود می‌شوم (و البتّه تغییر وضعیّت موجود غیر ممکن به نظر می‌رسد) بارها به خاطر این وضعیّت قصد تغییر محل کار را داشتم که انزوا و دوری از متن جامعه نیز مزید بر تشدید این تصمیم می‌شود، امّا از سوی دیگر ترس از فشار مالی و خوف از ناتوانی در مسایل اقتصادی خانه مرا از تصمیم انتقال محلّ کار منصرف می‌سازد (چون با تغییر محل کار حدود صد هزار تومان ضرر مالی می‌کنم) و از همه مهمتر این که به مجالس اهل بیت علیهم‌السلام (که در این دوره و زمانه برای همه لازم و واجب است) کمتر می‌توانم بروم. اگر هم بخواهم به مرکز بروم، وضعیّت مرکز جالب نیست و سر و کله زدن با آدم‌های مختلف نیز اعصاب می‌خواهد. نمی‌دانم چه کنم. وظیفه‌ام چیست؟

جواب: شما در حدّ توان و با زبان خوش توأم با ادب و احترام آنها را نهی از منکر کنید، چنانچه مؤثّر نشد مسؤولیّتی ندارید. ضمناً چنانچه پاسور از آلت قمار خارج شده باشد و در نزد عرف تنها یک وسیلهٔ سرگرمی محسوب شود بازی با آن بدون برد و باخت مالی اشکالی ندارد.

سؤال ۱۴۳۳. در روز غیرکاری و غیر شیفت برای تفریح وارد محلّ کار شده و استحمام کرده و بطور کلّی از امکانات ایستگاه زمین ورزشی، تلفن و مانند آن، استفاده می‌کنیم. آیا از نظر شرعی اشکال دارد؟

جواب: هرگاه بر خلاف مقرّرات نباشد اشکالی ندارد.

سؤال ۱۴۳۴. در صورتی که دوش گرفتن داخل حمام سازمان منوط به رفتن به حریق یا حادثه باشد، فردی که نیاز به حمام دارد و حریق هم نرفته حقّ استفاده دارد؟

جواب: استفاده او از آن جایز نیست.

سؤال ۱۴۳۵. حکم استفاده از ماشین لباسشویی اداره جهت شستشوی البسه شخصی که هنگام تردّد در مسیر رفت و برگشت استفاده می‌شود چیست؟

جواب: مطابق مقرّرات و ضوابط اداره عمل شود.

سؤال ۱۴۳۶. ساعات کار رسمی ادارات معمولاً ۸ ساعت است، و به طور منطقی اگر کسی این هشت ساعت را کار کند نیازی به اضافه کاری نیست؛ امّا کارکنانی هستند که به دلایل گوناگون کارشان را خوب انجام نمی‌دهند و پس از پایان ساعات کاری به اصطلاح اضافه کاری کرده، و یا روزهای دیگر که تعطیل است (اغلب پنجشنبه‌ها) به سر کار می‌آیند و حقوق اضافه می‌گیرند. این کار شرعاً چه حکمی دارد؟

کسانی که شاهد و ناظر رفتارهای این گونه‌ای هستند چه مسؤولیّتی دارند؟

جواب: این کار جایز نیست، و بر همه لازم است نهی از منکر کنند.

سؤال ۱۴۳۷. کارمندی هستم که در صورت فراموشی، یا عدم ارجاع کار توسّط رئیس به من، بیکار می‌شوم و این وظیفهٔ رئیس است که کار را به من ارجاع دهد. آیا من موظّف هستم که به مدیر مراجعه کرده و بیکاری خود و توان کاری‌ام را اعلام نمایم، یا تا ارجاع بعدی کار باید صبر کنم. تکلیف شرعی بنده چیست؟

جواب: اطّلاع دهید.

سؤال ۱۴۳۸. بسیاری از جلسات مسؤولین ادارات با تأخیر برگزار می‌گردد و در نتیجه این تأخیرها موجب تضییع حقوق مردم و مراجعین به ادارات می‌شود، آیا از نظر شرعی این تأخیرها ضمانت شرعی ندارد؟

جواب: آنها در مقابل این امر مسؤولند.

سؤال ۱۴۳۹. در بعضی از حوادث افراد نجات یافته از حادثه برای تشکر هدیه‌ای که اغلب مالی می‌باشد پیشنهاد می‌دهند که به هیچ وجه مورد قبول نیروها نیست گرفتن این هدیه چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه هیچ گونه شرط و شروطی در کار نبوده و فقط به عنوان هدیه و قدردانی می‌پردازند و مخالف مقرّرات هم نباشد اشکالی ندارد.

نامه

سؤال ۱۴۴۰. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «همان‌طور که جواب سلام واجب است، پاسخ به نامه هم لازم است»[1] اگر این روایت مورد تأیید شما می‌باشد به دو سؤال زیر پاسخ فرمایید:

الف) اگر فرد یا افرادی بر خلاف فرمایش آن بزرگوار عمل کرده، و از پاسخ دادن به نامه‌ها امتناع کنند، گناهی مرتکب شده‌اند؟

ب) توصیه حضرتعالی به عنوان مقام مرجعیّت شیعه از نظر امر به معروف و نهی از منکر به چنین افرادی چیست؟

جواب: بدون شک اصل اساسی آن است که هر نامه‌ای را پاسخ دهند؛ ولی گاه موانع غیر اختیاری پیش می‌آید که توان پاسخگویی را سلب می‌کند. اینها استثنائاتی است که در آن قانون کلّی گهگاه ظاهر می‌شود.

---

۱. وسایل الشیعه، ج ۸، ابواب احکام العشرة، باب ۹۳، ح ۱.

نام‌ها

سؤال ۱۴۴۱. نام همسر اینجاب الهه می‌باشد. اخیراً در محلّ ما شخصی نام فرزند خود را که الهه بوده عوض نموده و اظهار داشته الهه اسم بسیار بدی است.

و همین امر موجبات شک و تردید، و نهایتاً ناراحتی همسرم را فراهم آورده است. نظر شما در مورد این اسم چیست؟

جواب: الهه اسم خوبی نیست، سزاوار است آن را عوض کنید.

نظارت و بازرسی

سؤال ۱۴۴۲. لطفاً در مورد مبانی فقهی و حقوقی نظارت و بازرسی به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

الف) حکم هر یک از موضوعات نظارت و بازرسی چیست؟

ب) در صورت قصور یا تقصیر بازرس یا ناظر چه مسؤولیّتی متوجّه هر یک خواهد بود؟ و چه کسی مسؤول تعقیب و پیگیری تخلّف خواهد بود؟

جواب: بخشی از این بحث مربوط به امر به معروف و نهی از منکر است و بخشی از آن مربوط به وجوب حفظ نظام از سوی حکومت اسلامی می‌باشد و اگر در اوقاف و مانند آن باشد مربوط به صیغهٔ وقف یا وصیت می‌باشد. و هر گاه مسؤولی کوتاهی کند و خسارتی متوجّه اشخاص یا نظام شود در برابر آن خسارت مسؤول است.

نگهداری حیوانات

سؤال ۱۴۴۳. خشک کردن پرندگان و حیوانات بوسیلهٔ برق در حالی که زنده هستند چه صورت دارد؟

جواب: احتیاط لازم در ترک آن است؛ مگر این که برای بحث‌های علمی ضرورت داشته باشد.

سؤال ۱۴۴۴. حکم شرعی پرورش سگ‌های موادیاب (موادّ مخدّر)، زنده یاب، گله و پلیس به منظور فحص و بازرسی، با توجّه به موادّ قانونی آن در نظام دامپروری جهاد کشاورزی جمهوری اسلامی ایران چه می‌باشد؟

الف) موارد استفاده از سگ‌های موادیاب:

۱. ورودی فرودگاه‌ها ۲. مبادی ریلی مانند راه آهن ۳. ایست و بازرسی‌ها ۴. کنترل مرزهای کشور.

ب) موارد استفاده از سگ‌های زنده‌یاب: ۱. جستجو و تفحّص در مورد افرادی که در جاهای برفگیر مفقود شده، یا در زیر بهمن اسیر شده‌اند. ۲. جستجو و تفحّص در مورد مفقودین و مجروحین در زیر آوار به هنگام زلزله.

ج) موارد استفاده از سگ‌های گله: ۱. نگهبانی از گله‌های بزرگ دامی ۲. نگهداری از گاوداری‌های بزرگ سنّتی و صنعتی ۳. نگهداری از مرغداری‌های صنعتی.

د) موارد استفاده از سگ‌ها گارد و پلیس: ۱. نگهبانی از زاغه‌های مهمّات ۲. مأموریت و کشف موادّ منفجره و پاکسازی محیط.

جواب: پرورش این گونه سگ‌ها که برای اهداف مفیدی پرورش می‌یابند اشکالی ندارد؛ ولی با توجّه به این که سگ نجس است باید مراقب بود.

سؤال ۱۴۴۵. خواهشمند است در مورد نگهداری و پرورش سگ در موارد زیر نظر خویش را مرقوم فرمایید:

الف) آیا نگهداری سگ در منزل و باغ و کارگاه و شرکت و انبار و کیوسک‌های نگهبانی جهت مراقبت و نگهبانی و انجام کارهای ویژه نظیر یافتن اشیا اشکالی دارد؟

ب) از آنجایی که سگ احتیاج به مراقبت توسّط دامپزشک دارد، و مطب دامپزشک‌ها در شهر و روستا در مکان‌های عمومی واقع شده، آیا همواره داشتن سگ جهت بردن به دامپزشکی اشکال دارد؟

ج) با توجّه به این که سگ به فعالیّت‌های بدنی نیاز دارد وگرنه مفاصل و ماهیچه‌ها و هوش آن به شکلی که مورد نظر جهت وظایف محوّله است رشد نخواهد کرد. انجام

تمرینات این حیوان در مراکز عمومی و یا محلّ‌های اختصاصی و به همراه داشتن او در این مراکز چه حکمی دارد؟

د) آیا تربیت سگ برای انجام عملیّات پلیسی یا عملیّات نجات هلال احمر و سازمان‌ها و شرکت‌های خصوصی و افراد جهت نگهبانی و عملیات ویژه صحیح است؟

هـ) خرید و فروش سگ‌های آموزش دیده جهت نگهبانی و اعمال ویژه نظیر زنده‌یابی و کشف موادّ مخدّر و یا نظایر آن چه حکمی دارد؟

و) نگهداری سگ در گله به عنوان سگ چوپان چه حکمی دارد؟

ز) گفته می‌شود اگر سگ در جایی باشد نماز همسایگان اشکال دارد. آیا این مطلب صحیح است؟

ح) آیا برای نگهداری سگ شرایط خاصّی وجود دارد؟

ط) گفته می‌شود سخت‌گیری‌هایی که دربارهٔ سگ در حال حاضر اعمال می‌شود در صدر اسلام وجود نداشته، و پس از حمله اعراب به ایران از آنجایی که ایرانیان زردشتی گویا بعضی مناسک مذهبی خوش را به کمک سگ انجام می‌داده‌اند خواسته شده که ایرانیان جهت قطع ارتباط با مذهب گذشته با این حیوان رابطه‌ای نداشته باشند آیا صحیح است؟

جواب: استفاده از سگ برای نگهبانی منزل یا گله گوسفندان یا شکار یا پیدا کردن اجساد کسانی که زیر آوار مانده‌اند یا موادّ مخدّر یا کشف مجرمین و سایر منافع معقول هیچ اشکالی ندارد. و خرید و فروش چنین سگ‌هایی جایز است و درمان بیماری‌های آنها نیز لازم می‌باشد؛ ولی باید از کارهایی که بیانگر فرهنگ زشت بیگانگان است پرهیز کرد.

ورزش

سؤال ۱۴۴۶. در ورزش‌های قهرمانی، برخی اوقات ورزشکاران اقدام به استفاده از موادّ نیروزا (دوپینگ) می‌کنند، که قدرت فوق شرایط عادی به انسان می‌دهد. با توجّه به

تأکیدات شرع مقدس اسلام برای حفظ سلامتی بدن و حرمت ضرر رسانیدن به آن، و همچنین با توجّه به مغایرت این امر با اصل اخلاقی جوانمردی، و با عنایت به این که این کار غیر قانونی است و موجب لطماتی به بدن می‌شود، حکم آن از نظر شرع چیست؟ حکم استفاده از مواد نیروزایی که در بدنسازی‌ها برای پرورش اندام استفاده می‌شود چیست؟

جواب: هرگاه ضرری برای بدن نداشته باشد در بدنسازی جایز است، ولی در مسابقات تابع مقرّرات مسابقه است.

سؤال ۱۴۴۷. اخیراً در سطح کشور و به این بهانه که برای بعضی از ورزش‌های جدید و نوظهور مانند سافت بال، بیسبال و مانند آن، که مربّی زن وجود ندارد، جهت تمرین بانوان از مربّی مرد استفاده می‌شود. با توجّه به این که معمولاً در هنگام تمرین ورزشی افراد لباس‌هایی می‌پوشند که بطور کامل نمی‌تواند حجم برجستگی‌های بدن آنان را بپوشاند، و با عنایت به این که تمرین ورزشی مستلزم انجام حرکات و سکنات مختلف می‌باشد، این کار چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که امکان رعایت شؤونات دینی نباشد این کار جایز نیست و باید مربّی همجنس عهده‌دار آن شود.

سؤال ۱۴۴۸. حکم بازی با میزهای فوتبال دستی چیست؟

جواب: در صورتی که بدون برد و باخت مالی باشد اشکالی ندارد.

سؤال ۱۴۴۹. با توجّه به اهمیّت و نیاز جوانان به ورزش و نبود امکانات ورزشی (سالن ورزشی و مانند آن) در روستاها نظر حضرت عالی در رابطه با استفاده از حسینیّه‌ها به عنوان سالن‌های ورزشی چه می‌باشد؟

جواب: ورزش مخصوصاً برای جوانان و نوجوانان امر لازمی است، ولی مناسب مساجد و حسینیّه‌ها نیست. لازم است مکان مناسب دیگری برای آن در نظر گرفته شود.

سؤال ۱۴۵۰. با توجّه به حدیث امام باقر علیه السلام که فرمود: «**المؤمن لمشغول عن اللعب**»[۱] بازی فوتبال یا مطرح کردن بحثهایی پیرامون فوتبال و فوتبالیست‌ها آن گونه که در بسیاری از مجالس مؤمنین باب شده آیا در شأن مؤمن می‌باشد، و یا مشمول حدیث مذکور برده و باید از آن پرهیز شود؟

جواب: تماشای فوتبال و سخن گفتن پیرامون آن در حدّ تفریح و سرگرمی و با حفظ میانه‌روی و اعتدال اشکالی ندارد، امّا افراط در هیچ کاری جایز نیست.

ورزش بانوان

سؤال ۱۴۵۱. فردی هستم متأهل، که شیوهٔ جدیدی از هنر رزمی را در جامعه آموزش می‌دهم، خواهرانی هستند که با پوشش اسلامی در جهت یادگیری از این هنر استقبال خوبی داشته‌اند. لطفاً بفرمایید:

الف) آیا در حین تدریس این فنون رزمی زد و خورد بین مربّی و شاگرد خانم، یا بعضی اوقات جهت آموختن تکنیک به این خواهران گرفتن دست آنها برای آموزش تکنیک برای لحظاتی که حرکت صحیح را می‌خواهیم آموزش دهیم چه حکمی دارد؟

ب) آیا خواهران می‌توانند با خواندن صیغهٔ برادر و خواهری در کلاس‌ها بدون مقنعه حاضر شوند، یا در موارد لازم بتوان دست آنها راگرفت و به آنها آموزش داد؟

ج) درصورت آسیب‌دیدگی خواهران، آیا مربّی مرد می‌تواند به‌این خانم‌ها کمک کند؟ در صورتی که خود مربّی مدرک امدادگری داشته باشد ویا نداشته باشد چگونه خواهد بود؟

لازم به ذکر است که در این شیوه از هنر رزمی هنوز هیچ یک از خواهران آموزش ندیده، و مربّی خانم نداریم تا امر آموزش بانوان را به عهده بگیرند.

جواب: لازم است برای تعلیم خواهران از مربّی همجنس استفاده شود؛ زیرا تماس‌های جسمانی مذکور شرعاً حرام است و چیزی به نام صغیهٔ خواهری

۱. بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۲۳۱، ح ۴.

و برادری نداریم و اگر در این رشته مربّی زن وجود ندارد شما می‌توانید ابتدا این کار را به یکی از زنان محارم خود تعلیم دهید تا او به خانم‌ها آموزش دهد.

ولایت تکوینی

سؤال ۱۴۵۲. ولایت تکوینی چیست؟ آیا صدّیقهٔ طاهره فاطمه زهرا علیها السلام دارای ولایت تکوینی بوده‌اند؟

جواب: منظور از ولایت تکوینی آن است که انسان به اذن خداوند بتواند خارق عاداتی انجام دهد؛ مثل آنچه قرآن مجید در آیهٔ ۴۹ سورهٔ آل عمران دربارهٔ حضرت مسیح علیه السلام بیان کرده است که او مردگان را به اذن خدا زنده می‌کرد و بیماران غیر قابل علاج را به اذن خدا شفا می‌داد و این مطلب دربارهٔ همهٔ معصومین علیهم السلام صادق است.

مسایل دیگر

سؤال ۱۴۵۳. آیا به وجود آمدن اختیاری است، یا اجباری؟ اگر اجباری است آیا فرد می‌تواند بگوید: خدایا؛ چرا مرا فرزند فلان کس قرار داده‌ای، یا فرزند فلان کس قرار نداده‌ای؟

جواب: فرزند این و آن بودن در اختیار هیچ کسی نیست؛ ولی هر دو می‌توانند سعادتمند و خوشبخت باشند، چرا که سعادت و خوشبختی به دست خود اوست.

سؤال ۱۴۵۴. در محل ما شخصی زمین خود را به مردم واگذاری کرده، که ساختمان بسازند. اکنون مدرکی در دست نیست که مالک زمین را بخشیده یا فروخته است. حال ورثهٔ مالک می‌گویند چون ساختمان خراب شده زمین به مالک آن باز می‌گردد. و عرف محل نیز سخن ورثه را تأیید می‌کند. حق با کیست؟

جواب: هرگاه در عرف محل، به تصدیق کارشناسان محلّی، زمین واگذار نمی‌شود؛ بلکه اجازهٔ تصرّف برای ساختمان داده می‌شود در این صورت بعد از تخریب ساختمان زمین به مالک یا ورثهٔ او باز می‌گردد.

سؤال ۱۴۵۵. در صورتی که کسی (مذکّر یا مؤنّث، مسلمان‌زاده یا غیر آن، ساکن کشور اسلامی یا غیر اسلامی) که به سنّ بلوغ رسیده و شیعه است، پس از تحقیق و تفحّص، نتواند به اسلام به عنوان تنها راه رهایی مؤمن بماند، و راه تحقیق و تدبّر در ادیان الهی دیگر را در پیش گیرد و دینی غیر از اسلام متمایل گردد، لطفاً به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

الف) اگر بخواهد یا نخواهد، یا بتواند یا نتواند اظهار دین جدید بکند و در وجودش به آن دین جدید و آموزه‌های آن ایمان آورده باشد، و به طور علنی یا در خفا به رسوم مذهبی و فکری آن دین مؤمن باشد، چه حکمی دارد؟

ب) مراوده و معامله با این شخص برای افرادی که نسبت به نظرات جدیدش یقین دارند، چه حکمی دارد؟

ج) اعراب پس از حمله به ایران، با شرح حقایق تاریخی که از کشتار ایرانیان در طول دو و نیم سال جنگ علیه سپاه ایران خصوصاً با نمونه جنگ زنجیر، یا قتل عام مردم استخر در ذهن بعضی از ایرانیان است جایگاه مناسبی ندارند؛ تا جایی که برای بعضی این شبهه به وجود آمده که خواندن نماز به زبان عربی و حمد و ثنای پروردگاری که رب العالیمن است و او را تنها می‌توان در مراسم خاص و با زبانی مخصوص ستایش کرد، خصوصاً این که این زبان متعلّق به متجاوزان به خاک ایران است که سابقه مخاصمه با ایرانیان دارند چه دلیلی دارد؟ آیا نمی‌توان با نثری شیوا به زبان فارسی خداوند را ستایش کرد؟

د) سوزاندن بیشتر متون علمی یا هنری یا تحقیقاتی یا دیگر کتب موجود زمان گذشته که در تاریخ چند بار در حملهٔ اسکندر و اعراب و مغول‌ها و افاغنه و تاتارها از بین رفت، و ارتباط ما را با فرهنگ و تمدّن گذشته بسیار کم کرد؛ آیا نشانهٔ این نیست که اعراب به منظور باقی ماندن در کشور ما آمده بودند، نه مسلمان کردن؟ آیا نمی‌توان از این مسأله نتیجه گرفت که روالی که پی‌ریزی شده تا دیگران به زبان عربی به نیایش پروردگار بپردازند یک عمل استعماری است؟ اگر کسی به زبان فارسی نماز بخواند

نمازش قبول است؟ آیا اگر پیامبر اسلام در ایران مبعوث شده بود و ایران اکنون کشور وحی بود با شناختی که از اعراب دارید آیا آنان نمازشان را به فارسی می‌خواندند؟ وقایعی که بر ایرانیان گذشت دوران تلخ فراموش نشدنی و سیاهی را در تاریخ ایران بجا نهاده است. آیا فکر نمی‌کنید اگر مسلمانان طی یک استراتژی فعال نسبت به گشودن دروازه‌های معرفت الهی بر ایرانیان که نخستین ایمان‌آورندگان به دین وحیانی بوسیلهٔ زردشت بودند و در آن زمان به خاطر آموزه‌های مسیحیت و یهود امکان تسلیم به شعار جهان شمول اسلام را می‌توانستند داشته باشند آیا بهتر نبود طی یک دوره تبلیغی حکومت ایران را به استحاله فرهنگی کشیده و قلوب فتح شود؟

جواب: اولاً: بسیاری از حوادثی را که اشاره کردید از نظر تاریخی مشکوک است و شاید برای ایجاد فتنه بین ایرانیان و سایر مسلمین جعل شده باشد. بنابراین نمی‌توان به آنها اعتماد کرد.

ثانیاً: ایران در دوران ساسانی تحت فشار استبداد شدید بود که هرگز نمی‌شد بر آن افتخار کرد و مسلمین سبب آزادی ایرانیان شدند. به همین دلیل مقاومت در برابر ارتش اسلام بسیار محدود بود و بسیاری از ایرانیان دروازه‌های شهر را با میل خود به روی سپاه اسلام گشودند.

ثالثاً: خواندن نماز به زبان عربی حلقهٔ اتّصال و وحدتی میان همهٔ مسلمین سراسر دنیا است و بدون آن وحدت و عظمت مسلمین به یقین مخدوش خواهد شد.

رابعاً: بسیاری از مراجع طراز اوّل ایرانی هستند و رساله‌های آنها به زبان فارسی است و مقلّدین آنها در بسیاری از کشورهای عربی پراکنده‌اند و هیچ‌گونه ناراحتی از این که تقلید از عالم فارسی می‌کنند ندارند و سزاوار نیست که مسائل دین که جهان شمول است تحت سیطرهٔ تعصّب‌های قومی قرار گیرد.

سؤال ۱۴۵۶. هنگامی که می‌توانیم از وسیله یا کالایی (مثلاً میز، صندلی، تلویزیون و مانند آن) که مرغوب است و نیاز ما را نیز تأمین می‌کند استفاده نموده و به آن اکتفا کنیم، استفاده از وسیلهٔ لوکس‌تر و گران‌تر چه حکمی دارد؟

جواب: موارد مختلف است. اگر نوع بهتر در عرف عقلا جزء شؤون شما باشد اسراف نیست، در غیر این صورت مصداق اسراف محسوب می‌شود.

سؤال ۱۴۵۷. فرق بین «انشاء» و «اخبار» چیست؟

جواب: «اخبار» حکایت از واقعه‌ای است که انجام شده، یا انجام خواهد شد. ولی «انشاء» ایجاد چیزی است (مانند قراردادها و امثال آن) که تا کنون نبوده است.